



حقوق بین الملل خصوصی

سری کتابهای کمک آموزشی کارشناسی ارشد

مجموعه حقوق

مؤلف: مریم یداله زاده

ویراستار علمی: مینا فرحزادی

سرشناسه	یداله‌زاده، مریم
عنوان	حقوق بین‌الملل خصوصی
مشخصات نشر	تهران: مشاوران صعود ماهان، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری	۲۵۱ ص
فروست	سری کتاب‌های کمک آموزشی کارشناسی ارشد
شابک	۹۷۸ - ۶۰۰ - ۴۵۸ - ۷۵۰ - ۱
وضعیت فهرست نویسی	فیبای مختصر
یادداشت	این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شماره کتابشناسی ملی	۴۲۳۵۰۳۲



کتاب: حقوق بین‌الملل خصوصی
مدیر مسئول: هادی سیاری، مجید سیاری
مؤلف: مریم یداله زاده
ناشر: مشاوران صعود ماهان
مدیر تولید محتوا: سمیه بیگی
ویراستار علمی: مینا فرحزادی
نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۱۴۰۲
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۳/۱۱۰/۰۰۰ ریال
شابک: ISBN: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۴۵۸ - ۷۵۰ - ۱

انتشارات مشاوران صعود ماهان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری،
روبروی قنادی هتل بزرگ تهران، جنب بانک ملی، پلاک ۲۰۵۰
تلفن: ۴-۸۸۱۰۰۱۱۳

سخن ناشر

«ن والقلم و ما یسطرون»

کلمه نزد خدا بود و خدا آن را با قلم بر ما نازل کرد.

به پاس تشکر از چنین موهبت الهی، مؤسسه ماهان در صدد برآمده است تا در راستای انتقال دانش و مفاهیم با کمک اساتید مجرب و مجموعه کتب آموزشی خود برای شما داوطلبان ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد، گام مؤثری بردارد. امید است تلاش‌های خدمتگزاران شما در این مؤسسه پایه‌گذار گام‌های بلند فردای شما باشد. مجموعه کتاب‌های کمک آموزشی ماهان به منظور استفاده داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد سراسری و آزاد تألیف شده‌اند. در این کتاب‌ها سعی کرده‌ایم با بهره‌گیری از تجربه اساتید بزرگ و کتب معتبر داوطلبان را از مطالعه کتاب‌های متعدد در هر درس بی‌نیاز کنیم.

دیگر تألیفات ماهان برای سایر دانشجویان به صورت ذیل است.

● مجموعه کتاب‌های ۸ آزمون: شامل ۵ مرحله کنکور کارشناسی ارشد ۵ سال اخیر به همراه ۳ مرحله آزمون تألیفی ماهان همراه با پاسخ تشریحی می‌باشد که برای آشنایی با نمونه سوالات کنکور طراحی شده است. این مجموعه کتاب‌ها با توجه به تحلیل ۳ ساله اخیر کنکور و بودجه‌بندی مباحث در هریک از دروس، اطلاعات مناسبی جهت برنامه‌ریزی درسی در اختیار دانشجو قرار می‌دهد.

● مجموعه کتاب‌های کوچک: شامل کلیه نکات کاربردی در گرایش‌های مختلف کنکور کارشناسی ارشد می‌باشد که برای دانشجویان جهت جمع‌بندی مباحث در ۲ ماهه آخر قبل از کنکور مفید است. بدین وسیله از مجموعه اساتید، مولفان و همکاران محترم خانواده بزرگ ماهان که در تولید و به‌روزرسانی تألیفات ماهان نقش مؤثری داشته‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نماییم. دانشجویان عزیز و اساتید محترم می‌توانند هرگونه انتقاد و پیشنهاد در خصوص تألیفات ماهان را از طریق سایت ماهان به آدرس mahan.ac.ir با ما در میان بگذارند.

مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان

سخن مؤلف

مقدمه مؤلف

حقوق بین الملل خصوصی یکی از دروس اصلی و اساسی در دوران کارشناسی و یکی از شاخه‌های مهم و پرطرفدار در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا می‌باشد و بسیاری از فارغ التحصیلان حقوق و کسانی که تصمیم بر ادامه تحصیل دارند به این رشته توجه خاصی نموده و به آن علاقمندند.

از سوی دیگر حقوق بین الملل خصوصی به دلیل دو وجهی بودن (خصوصی و بین المللی) یکی از شاخه‌های مهم حقوق در جهان امروزی می‌باشد که از طرفی با پویایی و تحول حقوق بین الملل همراه بوده و از طرف دیگر با حقوق خصوصی در ارتباط است که به شیرینی و پویایی این رشته می‌افزاید.

مجموعه حاضر، مجموعه‌ای است برای علاقمندان به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر در شاخه حقوق بین الملل که در این مجموعه سعی بر این شده است تا مهمترین و کاربردی‌ترین موضوعات و مطالب که در اکثر آزمون‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، جمع‌آوری شود تا مورد استفاده دانشجویان قرار گیرد.

امید است که برای استفاده این عزیزان مفید واقع شود.

مریم یداله‌زاده

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	فصل اول: کلیات
۱۵	سؤالات چهار گزینه‌ای فصل اول
۲۱	پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای فصل اول
۲۷	فصل دوم: تابعیت
۵۷	سؤالات چهار گزینه‌ای فصل دوم
۷۶	پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای فصل دوم
۹۱	فصل سوم: اقامتگاه
۱۰۸	سؤالات چهار گزینه‌ای فصل سوم
۱۲۰	پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای فصل سوم
۱۳۱	فصل چهارم: تعارض قوانین
۱۵۵	سؤالات چهار گزینه‌ای فصل چهارم
۱۸۹	پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای فصل چهارم
۲۱۲	سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور آزاد ۸۸
۲۱۵	پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور آزاد ۸۸
۲۱۷	سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور آزاد ۸۹
۲۱۹	پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور آزاد ۸۹
۲۲۰	سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۰
۲۲۲	پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۰
۲۲۳	سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۱
۲۲۵	پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۱
۲۲۶	سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۲
۲۲۸	پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۲
۲۳۰	سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۳
۲۳۱	پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۳
۲۳۴	سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۴
۲۳۶	پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۴
۲۳۷	سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۵
۲۳۹	پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۵
۲۴۰	سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۶
۲۴۲	پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۶
۲۴۳	سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۷
۲۴۵	پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری ۹۷
۲۵۱	منابع

فصل اول

کلیات

عناوین اصلی

- ❖ تعریف حقوق بین الملل خصوصی
- ❖ مشخصات و قلمرو حقوق بین الملل خصوصی
- ❖ منابع حقوقی و بین المللی حقوق بین الملل خصوصی
- ❖ تفسیر عهدنامه

فصل اول

کلیات

تعریف حقوق بین الملل خصوصی

حقوق بین الملل خصوصی رشته‌ای از علم حقوق است که روابط خصوصی افراد را در سطح زندگی بین المللی تنظیم می‌کند. ذکر قید «روابط افراد» در تعریف، جهت افتراق آن با حقوق بین الملل عمومی است که در آن را قواعدی که در روابط دولتها (با یکدیگر و یا با مؤسسات بین المللی) در زندگی جهانی حکم فرماست، گفتگو می‌کند. اصطلاح حقوق بین الملل خصوصی را برای اولین بار، «فولیکس» در کتاب خود به نام شرحی در حقوق بین الملل خصوصی به کار برد.

بر اثر دوگونه رابطه جاری در جامعه بین الملل، یعنی رابطه میان دولتها و رابطه میان اتباع آنها، دو دسته قاعده حقوقی و در نتیجه دو نوع حقوق، حقوق بین الملل عمومی و حقوق بین الملل خصوصی برای تنظیم آن رابطه‌ها پدید آمده است. به طور کلی موانعی که در روابط بین المللی اشخاص پیدا می‌شود ناشی از پدیده مرز است.

مشخصات حقوق بین الملل خصوصی

۱- **بین المللی بودن:** درباره وصف بین المللی بودن حقوق بین الملل خصوصی پاره‌ای از علما تشکیک کرده اند، از جمله دوواری سومیر عقیده دارد که این رشته از حقوق، شعبه‌ای از حقوق داخلی است و همچنین نی بویاه اظهار می‌کند که حقوق بین الملل خصوصی به هیچ وجه جنبه بین المللی ندارد. اگرچه حقوق بین الملل خصوصی از یک لحاظ طریقه حل مسائل مربوط فاقد جنبه بین الملل است مع ذلک چون هر دولتی در وضع و اجرای قواعد راجع به آن برای اینکه منصفانه و صحیح باشد ناگزیر از رعایت حاکمیت سایر دولتهاست، اشکالی ندارد که برای این شعبه از حقوق جنبه بین المللی قائل شد.

۲- **خصوصی بودن:** حقوق بین الملل خصوصی روابط خصوصی افراد را در محیط بین المللی بررسی می‌کند به همین خاطر خصوصی می‌باشد ولی با دخالت روزافزون دولتها در روابط حقوقی افراد، امروزه دیگر حقوق بین الملل خصوصی واقعیت چندانی ندارد. از سوی دیگر حقوق بین الملل خصوصی از حقوق موضوعه است که هر دولتی در تعیین احکام و قواعد آن، مصالح سیاسی و اجتماعی گروه ملی خود را بیشتر در نظر می‌گیرد با این کیفیت مشکل است که بتوان گفت حقوق بین الملل خصوصی رشته‌ای از حقوق خصوصی است.

قلمرو حقوق بین الملل خصوصی

۱- مطابق عقیده‌ای که هنوز هم در آلمان و آمریکا طرفدارانی دارد، حقوق بین الملل خصوصی منحصر به تعارض قوانین است. استدلال این دسته این است که اصالت و استقلال که تعارض قوانین از جهات مختلف دارد، ایجاب می‌کند که جدا از سایر مسائل مورد بحث قرار گیرد زیرا تعارض قوانین مهمترین منبع روبه قضایی می‌باشد.

۲- عده‌ای دیگر عقیده دارند که قلمرو حقوق بین الملل خصوصی منحصر به تعارض قوانین و تعارض دادگاههاست. در فرانسه بارتن و پیه طرفداران این عقیده بودند. در حال حاضر کشورهای آنگلساکسون از این عقیده پیروی می‌کنند.

۳- کشورهای لاتین و آمریکای جنوبی حقوق بین الملل خصوصی را شامل تعارض قوانین، تعارض دادگاهها و وضع بیگانگان می‌دانند.

۴- حقوق بین‌الملل خصوصی علاوه بر تعارض قوانین، تعارض دادگاهها و وضع بیگانگان، شامل تابعیت نیز می‌باشد. این عقیده امروزه در کشورها نفوذ کرده است.

برای تعیین قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی باید توجه داشته باشیم که حقوق بین‌الملل خصوصی، محدود به روابط بین‌المللی است که جنبه خصوصی دارند. اولاً هرگونه رابطه خصوصی که صرفاً جنبه داخلی دارد داخل در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی نمی‌گردد. ثانیاً هرگونه روابط بین‌المللی که رابطه‌ای خصوصی را دربر نمی‌گیرد مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی نمی‌شود. مهمترین تفاوت حقوق بین‌الملل خصوصی با رشته‌های حقوق جزای بین‌الملل یا حقوق اداری بین‌الملل و... در این است که در حقوق بین‌الملل خصوصی از امکان اجرای قانون خارجی و احیاناً تلفیق آن با قانون داخلی صحبت می‌شود در حالی که در سایر رشته‌های حقوقی قاضی باید همواره قانون کشور خود را اجرا نماید.

فواید حقوق بین‌الملل خصوصی:

حقوق بین‌الملل خصوصی دارای دو نوع فایده می‌باشد:

۱- فواید عملی

۲- فواید علمی

(۱) فواید عملی:

برای پی بردن به فواید عملی حقوق بین‌المللی خصوصی با تفکیک موضوعات مختلفی که در این رشته از حقوق بحث می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجا که در حقوق بین‌الملل خصوصی از حقوق افراد صحبت می‌شود، بنابراین بیشتر موضوعات آن، همان موضوعات حقوق مدنی می‌باشند منتها در روابط در سطح بین‌المللی مطرح می‌گردند. از جمله آن مباحث اموال، اشخاص، اعمال حقوقی و وقایع حقوقی می‌باشند.

که به توضیح دو مورد اکتفا می‌کنیم:

۱- **اموال:** هرگونه نقل و انتقال کالا از کشوری به کشور دیگر، یک مساله بین‌المللی را در روابط افراد مطرح می‌سازد. کالاهایی که از کشوری به کشور دیگر انتقال می‌یابد خود مستلزم قراردادی است باید بین فروشنده و خریدار کالا قراردادی بسته شود آن وقت این سؤال مطرح می‌شود که قوانین کدامیک از این کشورها (کشور متبوع خریدار، کشور متبوع فروشنده، کشور محل انعقاد عقد) بایستی بر این قرارداد حکومت کند؟ پاسخ این مساله را حقوق بین‌المللی خصوصی به ما می‌دهد.

۲- **اشخاص:** جابجاشدن اشخاص، عزیمت از کشوری و اقامت در کشور دیگر، مسائل بین‌المللی مربوط به اشخاص را مطرح می‌کند و موضوعاتی چون تغییر تابعیت، وضع بیگانگان، مهاجرت و اقامتگاه را پیش می‌آورد.

۳- **رفتار و عقاید:** با توسعه حقوق مالکیت معنوی یا فکری و گسترش سریع افکار اندیشمندان و آثار هنرمندان مسایل حقوق خصوصی در خصوص مالکیت معنوی پیش می‌آید.

(۲) فواید علمی:

۱- تقویت قوه استنباط

۲- تازگی موضوعات

۳- فن اختصاصی بودن

۴- درک بهتر سایر رشته‌های حقوق

جهات اشتراک و افتراق میان حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق بین‌الملل عمومی

جهات اشتراک:

- ۱- حقوق بین‌الملل خصوصی مانند حقوق بین‌الملل عمومی به جامعه بین‌الملل مربوط می‌شود.
- ۲- در شکل گرفتن قواعد آن، افزون بر منابع داخلی، منابع حقوق بین‌الملل عرفی همچون معاهدات بین‌المللی مؤثرند.
- ۳- رسیدگی به بعضی از اختلافات دولتها در مورد موضوعات حقوق بین‌الملل خصوصی همانند حقوق بین‌الملل عمومی در صلاحیت مراجع قضایی بین‌المللی است و بر مبنای اصول و قواعد حقوق بین‌الملل عرفی به عمل می‌آید.

جهت افتراق:

- ۱- از حیث وحدت یا کثرت و درجه شمول: حقوق بین الملل عمومی حقوق واحد است و نسبت به عموم دولتها شمول دارد در حالی که حقوق بین الملل خصوصی ناظر بر روابط افراد یا اشخاص خصوصی در جامعه بین الملل است.
- ۲- از حیث اشخاص دارنده حق: اشخاص دارنده حق در حقوق بین الملل عمومی در اصل دولتها می باشند و در کنار آنها سازمان های بین المللی از اشخاص حقوق بین الملل عمومی شناخته می شوند. در حالی که در حقوق بین الملل خصوصی اشخاص دارنده حق را افراد و اشخاص خصوصی تشکیل می دهند.
- ۳- از حیث مراجع صالح برای رسیدگی: برای حل اختلاف مربوط به حقوق بین الملل عمومی مراجع قضایی بین المللی (داوری بین الملل، دادگستری بین المللی) دارای صلاحیتند. برای حل اختلاف حقوق بین الملل خصوصی برحسب صلاحیتها پیش بینی شده در قوانین هر کشور مراجع قضایی داخلی صالح می باشند.
- ۴- از حیث ضمانت اجرا: ضمانت اجرای حقوق بین الملل عمومی غیرمستقیم، ناکامل و بسته به عکس العملهای جمعی دولتهای دیگر مانند تحریم اقتصادی... می باشد. حال آنکه ضامن اجرای قواعد حقوق بین الملل خصوصی دادگاههای داخلی و ضامن اجرای احکام آن دادگاهها، دولتها می باشند بنابراین قواعد حقوق بین الملل خصوصی از ضمانت اجرای کافی برخوردارند.

جهت اشتراک و افتراق میان حقوق بین الملل خصوصی و حقوق داخلی

جهت اشتراک:

عبارتند از: تنظیم قاعده های حقوق بین الملل خصوصی مانند قاعده های حقوق داخلی. حل و فصل دعاوی راجع به حقوق بین الملل خصوصی در قلمرو ایران در صلاحیت دادگاه های ایران می باشد و اجرای احکام راجع به این نوع حقوق در ایران طبق قوانین ایران انجام می پذیرد.

جهت افتراق:

- ۱- تفاوت در هدف ها: تفاوت در تنظیم قاعده های این دو نوع حقوق وجود دارد در حقوق داخلی مقتضیات نظم داخلی جامعه و در تنظیم حقوق بین الملل خصوصی افزون بر آن مقتضیات روابط بین الملل در نظر گرفته می شود.
- ۲- تفاوت در شیوه بیان حکم در قانون: در وضع قوانین داخلی مراد حل مسایل روابط داخلی جامعه است حال آنکه در وضع قوانین حقوق بین الملل خصوصی احتمال ربط مسایل آن به حقوق جامعه های دیگر نیز باید در نظر گرفته شود.
- ۳- متفاوت بودن دعاوی حقوق بین الملل خصوصی از دعاوی حقوق داخلی بر اثر وجود عناصر خارجی در آن ها: در دعاوی حقوق داخلی همگی عناصر موثر در دعاوی به آن حقوق مربوط اند لیکن در دعاوی حقوق بین الملل خصوصی عنصری یافت می گردد که نشانه ربط قضیه به حقوق کشوری دیگر می باشد مانند تابعیت خارجی یک از اصحاب دعوی.
- ۴- تفاوت از حیث قابلیت طرح دعاوی تابع حقوق بین الملل خصوصی در دادگاه های بیگانه: اگر طرح دعاوی تابع حقوق داخلی یک کشور است طرح دعاوی تابع حقوق بین الملل خصوصی، به طور همزمان و مستقل از یکدیگر، در دادگاه های دو یا چند کشور امکان پذیر است.

موضوعات حقوق بین الملل خصوصی

۱- تقسیم جغرافیای اشخاص:

الف- تابعیت

ب- اقامتگاه

۲- وضع بیگانگان

۳- تعارض قوانین، دادگاه ها و مراجع رسم

منابع حقوقی بین‌الملل خصوصی

الف- منابع داخلی:

منابع داخلی عبارتند از: ۱- قانون - ۲- رویه قضایی - ۳- عرف - ۴- دکترین و عقاید علمای حقوق.

۱- **قانون:** یکی از بهترین منابع حقوق بین‌الملل خصوصی قانون می‌باشد. منظور از قانون، قانون کشوری است که قضیه در آنجا مطرح شده و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در نظامهای حقوقی که پایه آنها بر حقوق نوشته استوار است مانند نظام حقوقی ایران، به اقتضای آنکه عمده ترین منابع حقوق را قانون تشکیل می‌دهد، نقش اساسی در تنظیم راه حل‌های مسائل حقوق بین‌الملل خصوصی برعهده خود قانونگذار می‌باشد. بنابراین منبع اصلی حقوق بین‌المللی خصوصی، قانون است.

۲- **رویه قضایی:** رویه قضایی عبارت است از روش واحدی که قضات در موارد سکوت، تناقض، اجمال یا نقض قانون جهت تفسیر قانون اتخاذ می‌کنند. اعتبار این نوع رویه قضایی نسبی است و جنبه الزامی ندارد. رویه قضایی در معنای خاص، وحدت رویه قضایی است و آن عبارت است از اینکه اگر حکمی بر اساس آن قوانین از سوی هیأت عمومی دیوان کشور، در حل اختلاف میان آراء دادگاهها، صادر شود آن حکم مانند قانون برای عموم دادگاهها الزام آور می‌باشد.

۳- **عرف:** عرف عبارت است از یک عادت متداول بین مردم که در نتیجه استمرار، الزامی شده است. عرف باید مسلم باشد تا بتواند یکی از منابع حقوقی شمرده شود. تحقق عرف منوط به دو شرط است:

۱- عادت قدیمی و مستمر باشد.

۲- وجدان عمومی جنبه الزامی بودن آن را احساس کند.

۴- **دکترین یا عقاید علمای حقوق:** دکترین یک منبع غیرمستقیم حقوق بین‌الملل خصوصی است زیرا از طرفی قضات به عقاید و نظریات علمای حقوق توجه کرده در تفسیر قوانین از عقاید آنها استفاده می‌کنند از طرف دیگر علمای حقوق با مقایسه تجزیه و تحلیل و تنظیم آرای دادگاهها، قواعدی از آن استخراج می‌کنند و بدین ترتیب در تشکیل رویه قضایی مؤثر واقع می‌شوند.

منابع بین‌المللی حقوق بین‌الملل خصوصی:

منابع بین‌المللی عبارتند از: ۱- عهدنامه‌های بین‌الملل - ۲- رویه قضایی بین‌المللی - ۳- عرف بین‌المللی - ۴- اصول کلی حقوق- دکترین.

۱- عهدنامه‌های بین‌المللی:

عهدنامه‌ها در حقوق بین‌الملل عمومی که از روابط دولتها بحث می‌کند از منابع اساسی به شمار می‌روند در حالی که در حقوق بین‌الملل خصوصی، چون روابط افراد مورد نظر است دولتها علاقه زیادی به تنظیم قرارداد در این مورد نشان نمی‌دهند زیرا تنظیم قرارداد با یک دولت دیگر، مستلزم سازش و منطبق کردن نسبی قانونگذاری خود با قانونگذاری کشور دیگر می‌باشد. به همین جهت عهدنامه‌ها در حقوق بین‌المللی خصوصی نسبت به حقوق بین‌المللی عمومی چندان توسعه نیافته‌اند.

۱- عهدنامه‌های دو جانبه: این نوع از عهدنامه‌ها دارای سابقه طولانی بوده و به نسبت عهدنامه‌های چند جانبه ساده ترند و شرایط پیش بینی شده در آنها محدودتر هستند، دو دولت در آنها مشارکت دارند و تنها درباره اتباع دولت‌های امضا کننده اعتبار دارند.

۲- عهدنامه‌های چند جانبه یا جمعی و اتحادیه‌ها: این نوع متشکل از گروهی کم و بیش گسترده از دولت‌ها بایک هدف یعنی تنظیم قاعده‌های ذاتی مشترک در زمینه موضوعی معین گرد هم می‌آیند و شمار اعضای آن ممکن است در آینده افزایش یا کاهش یابد.

نفوذ و تأثیر عهدنامه‌ها در حقوق بین‌المللی خصوصی در ایران:

عهدنامه‌ای که بر طبق مقررات قانون اساسی بین دولت ایران و دولت یا دولتهای دیگر منعقد می‌شود، می‌تواند قانون داخلی را نقض کند و حال آنکه قانون بعدی به هیچ وجه نمی‌تواند ناقض تمام یا قسمتی از آن عهدنامه باشد.

تفسیر بین‌المللی عهدنامه، با موافقت سایر دولتهای امضاء کننده میسر می‌باشد و همچنین است تغییر مواد یا تعلیق یا نسخ عهدنامه. در صورتی که عهدنامه‌ای شامل " شرط رفتار متقابل " باشد، تشخیص آن با دولت است (نه قاضی دادگاه) که می‌تواند آن عهدنامه را فسخ نماید.

وصف داخلی عهدنامه متضمن نتایج زیر است:

۱- در صورت بروز اختلاف بین متن ایرانی و متن خارجی عهدنامه، در صورتی که تصمیم دیگری بین طرفین اتخاذ نشده باشد، متن ایرانی سندیت دارد.

۲- مادام که عهدنامه طبق مقررات قانون انتشار نیافته است، دادگاه نمی‌تواند مقررات آن را به موقع به اجرا بگذارد.

۳- تفسیر متن عهدنامه، مثل قانون داخلی یا نظارت دیوان عالی کشور انجام گیرد.

مهمترین قراردادهای چند جانبه با هدف وحدت قواعد تعارض، قراردادهای لاهه ۱۸۹۳ می‌باشند که به دعوت دولت هلند با شرکت ۱۳ کشور در شهر لاهه تشکیل شد و عهدنامه‌هایی راجع به آیین دادرسی قیومیت صغار، ازدواج و طلاق، ارث و وصیت امضاء شد.

تفسیر عهدنامه: برای تفسیر عهدنامه چند طریق می‌توان ذکر کرد:

۱- تفسیر از طریق یک دادگاه بین‌المللی: مانند دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه که در ماده ۳۶ اساسنامه آن، این حق برای دیوان مزبور شناخته شده است.

۲- تفسیر بین‌المللی: عهدنامه‌ای که از اراده مشترک دولتها ناشی شده است، مطابق اراده مشترک دولتها نیز تفسیر می‌شود.

۳- تفسیر داخلی: قاضی هر کشور در هنگام طرح مسائل بین‌المللی، حق دارد عهدنامه‌ای را که نکات مبهمی دارد تفسیر نماید. اعتبار این تفسیر نسبی است. یعنی فقط در همان دعوای بخصوص و بین همان مدعی و مدعی علیه معتبر است. در حالی که تفسیر قانون اعتبار قانون را دارد و برای همگان لازم الاجراست.

۲- رویه قضایی بین‌المللی:

رویه قضایی بین‌المللی در حقوق بین‌المللی خصوصی توسعه نیافته است زیرا اولاً باید صلاحیت دادگاه بین‌المللی که دعوی به آن ارجاع می‌شود مورد قبول کشورها باشد و دولتها کمتر حاضر می‌شوند از طریق تبعیت از مقررات یک دادگاه بین‌المللی خود را محدود سازند. ثانیاً تعداد دعوای که به مراجع قضایی بین‌المللی ارجاع می‌شوند بسیار محدود است.

۳- عرف بین‌المللی:

در حقوق بین‌المللی خصوصی عرف و عادت‌هایی که جنبه الزامی پیدا کرده باشد و از طرف همه دولتها رعایت شود بسیار کم وجود دارد. قواعد معدودی که در حقوق بین‌المللی خصوصی به صورت عرف بین‌المللی درآمده و مورد قبول کشورهاست عبارتند از:

۱- اموال غیر منقول تابع قانون محل وقوع مال باشد.

۲- شکل اسناد تابع قانون محل تنظیم سند است.

۳- آیین دادرسی تابع قانون مقر دادگاه است.

۴- شناختن حداقل حقوق برای بیگانگان.

۴- اصول کلی حقوق:

اصولی که در سطح حقوق بین‌المللی خصوصی مورد قبول کشورهاست عبارتند از اصل وفای به عهد، اصل احترام به قول، اصل احترام به حقوق مکتسبه، اصل رعایت حقوق بیگانگان و ... می‌باشد.

۵- دکترین:

در مورد دکترین می‌توان گفت که دکترین یک منشأ مستقیم حقوق نیست ولی به طور غیر مستقیم در ایجاد تفسیر و گزارشهای کتبی یا تحقیقات و تبلیغات انجمنهای علمی انجام می‌گیرد. کوششهای کنفرانسهای حقوق بین‌المللی خصوصی لاهه و مؤسسه رم برای وحدت حقوق خصوصی شایان توجه خاص می‌باشد.

نکات ویژه کلیات

■ اگر بخواهیم تعریفی از حقوق بین‌الملل خصوصی ارائه کنیم باید بگوییم که حقوق بین‌الملل خصوصی عبارت است از رشته‌ای از علم حقوق که از روابط افراد در زندگی بین‌المللی بحث می‌کند. اگر به این تعریف دقت کنید متوجه می‌شوید که تفاوت حقوق بین‌الملل خصوصی با حقوق بین‌الملل عمومی در مورد قواعدی که بر روابط دولت‌ها با یکدیگر و یا با مؤسسات بین‌المللی در زندگی بین‌المللی حکمفرماست، گفت‌وگو می‌کند، حال آن که حقوق بین‌الملل خصوصی از «روابط افراد» با هم در هنگام وجود «پدیده مرز» بحث می‌کند.

مشخصات حقوق بین‌الملل خصوصی

۱- بین‌المللی بودن:

اگر چه پاره‌ای از علما از جمله دووری سومیر و نی‌بویه این رشته از حقوق را شعبه‌ای از حقوق داخلی دانسته‌اند، به نظر می‌رسد با توجه به این که دولت‌ها در وضع قواعد مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی ناگزیر به رعایت حاکمیت سایر دولت‌ها هستند، می‌توان این شعبه از حقوق را دارای جنبه بین‌الملل در نظر گرفت.

۲- خصوصی بودن:

همان گونه که از تعریف حقوق بین‌الملل خصوصی نیز مشخص می‌شود، اصولاً این شعبه از حقوق جزو حقوق خصوصی است، اما با توجه به موارد زیر می‌توان گفت که جنبه خصوصی بودن حقوق بین‌الملل خصوصی تضعیف شده است: الف) با دخالت روز افزون دولت‌ها در روابط حقوقی افراد، امروزه دیگر حقوق خصوصی چندان واقعیتی ندارد. ب) حقوق بین‌الملل خصوصی از حقوق موضوعه است که هر دولتی در تعیین احکام و قواعد آن، مصالح سیاسی و اجتماعی گروه ملی خود را بیشتر در نظر می‌گیرد.

منابع حقوق بین‌الملل خصوصی:

■ به صورت کلی، منابع حقوق بین‌الملل خصوصی به دو دسته منابع داخلی و منابع بین‌المللی تقسیم می‌شود:

منابع داخلی حقوق بین‌الملل خصوصی:

■ الف) قانون: منظور از قانون، قانون کشوری است که قضیه در آن جا مطرح شده و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، دادگاه ایرانی در هر مورد از مسائل حقوق بین‌الملل خصوصی که نزد او مطرح می‌شود، باید قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی که قانون ایران اجازه می‌دهد را اعمال کند.

■ ب) رویه قضایی: آراء محاکم، و مخصوصاً آراء دیوان کشور، یکی از منابع مهم حقوق بین‌الملل خصوصی به شمار می‌آید.

منابع بین‌المللی حقوق بین‌الملل خصوصی:

■ الف) عهدنامه: ماده ۹ قانون مدنی ایران: «مقررات عهدی که طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است.»

اصل هفتادوهفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.»

همان گونه که مشاهده می‌کنید، عهدنامه‌ها عملاً هم دارای جنبه داخلی هستند و هم جنبه بین‌المللی.

■ ب) عرف بین‌المللی: منظور از عرف بین‌المللی، یک قاعده حقوقی است که دولت‌ها طی مدت مدیدی در روابط بین خود آن را رعایت کرده‌اند به طوری که به مرور، جنبه الزام‌آور پیدا کرده است.

در پایان لازم به ذکر است که اگر چه دکترین از نظر قانون اساسی از منابع حقوق نیست، اما در تمام رشته‌های حقوقی از اهمیت بسیاری برخوردار است. تأثیر دکترین عملاً از طریق آموزش و یا در اثر تفسیر و گزارش‌های کتبی و یا تحقیقات انجمن‌های علمی است.

موضوعات حقوق بین‌الملل خصوصی

۱- تقسیم جغرافیایی اشخاص (تابعیت و اقامتگاه)

۲- وضع بیگانگان

۳- تعارض (قوانین، دادگاه‌ها و مراجع رسمی)

سؤالات چهار گزینه‌ای فصل اول

۱. اصطلاح حقوق بین الملل خصوصی را نخستین بار چه کسی به کار برد؟
 (۱) جرمی بنتام (۲) نی بوایه (۳) فولیکس (۴) بارتن
۲. کدام حقوقدان در تعریف حقوق بین المللی خصوصی، عامل یا پدیده مرز را مهمترین مشخصه می داند؟
 (۱) نی بوایه (۲) پیرمایر (۳) بارتن (۴) باتیفول
۳. قید چه نکته‌ای در تعریف حقوق بین الملل خصوصی آن را از حقوق بین الملل عمومی متمایز می کند؟
 (۱) خصوصی بودن (۲) روابط افراد (۳) دولتها (۴) رویارویی قوانین کشورهای مختلف
۴. موانعی که در زندگی و روابط بین المللی اشخاص پدیدار می شود ناشی از است.
 (۱) سیاست دولتها (۲) معاهدات بین المللی (۳) پدیده مرز (۴) خصوصی بودن روابط
۵. کدامیک از دانشمندان حقوق بین الملل خصوصی عقیده دارد که این رشته از حقوق شعبه‌ای از حقوق داخلی است؟
 (۱) ساوینی (۲) منچینی (۳) دومولن (۴) دوواری سومیر
۶. مهمترین منبع تعارض قوانین کدام می باشد؟
 (۱) معاهدات بین المللی (۲) قوانین داخلی کشورها (۳) عرف بین المللی (۴) رویه قضایی
۷. مهمترین منبع داخلی حقوق بین الملل خصوصی چیست؟
 (۱) قانون (۲) رویه قضایی (۳) عرف (۴) معاهده سیاسی
۸. برای اینکه عرف بتواند یکی از منابع حقوق شمرده شود، مهمترین ویژگی آن باید چه باشد؟
 (۱) استمرار داشته باشد. (۲) عادت و رسم باشد. (۳) مسلم باشد. (۴) تکرار شود.
۹. شرط تحقق عرف چیست؟
 (۱) عادت قدیمی و مستمر باشد. (۲) وجدان عمومی جنبه الزامی بودن آن را احساس کند. (۳) رسم متداول بین مردم باشد. (۴) گزینه ۱ و ۲ صحیح است.
۱۰. مهمترین قراردادهای چندجانبه با هدف وحدت تعارض قوانین کدام قراردادهای می باشند؟
 (۱) اتحادیه عمومی پاریس ۱۸۸۳ (۲) قراردادهای لاهه ۱۸۹۳ (۳) عهدنامه برن ۱۸۹۰ (۴) اتحادیه بنولوکس ۱۹۵۰
۱۱. دکترین از کدام نوع منابع حقوق بین الملل خصوصی نمی باشد؟
 (۱) داخلی (۲) بین المللی (۳) مستقیم (۴) غیر مستقیم
۱۲. کدام گزینه بیانگر منابع داخلی حقوق بین الملل خصوصی است؟
 (۱) رویه قضایی (۲) عهد نامه‌ها (۳) عرف ملی (۴) گزینه ۱ و ۳ صحیح می باشد.

۱۳. کدامیک از فوائد علمی حقوق بین الملل خصوصی نمی باشد؟
 (۱) تازگی موضوعات
 (۲) فن اختصاصی بودن
 (۳) بهتر فهمیدن سایر رشته های حقوق
 (۴) حل مسائل نقل و انتقال بین المللی اشیاء
۱۴. موانعی که در روابط بین المللی اشخاص پیدا می شود ناشی از چیست؟
 (۱) مساله تابعیت (۲) مساله اقامتگاه (۳) مساله مرز (۴) تعارض قوانین
۱۵. «حقوق بین الملل از امتزاج شعب دیگر حقوق به وجود نیامده و دنباله انتظامات حقوقی دیگر نیست و باید جداگانه آن را فرا گرفت» بیانگر کدام فایده حقوق بین الملل خصوصی است؟
 (۱) فن اختصاصی بودن
 (۲) تازگی موضوعات حقوق بین الملل خصوصی
 (۳) تعمق در حقوق داخلی
 (۴) قاعده ممکن و غیر ممکن
۱۶. «حقوق بین الملل خصوصی فن تطبیق و انطباق است» بیانگر کدام فایده حقوق بین الملل خصوصی است؟
 (۱) فن اختصاصی بودن
 (۲) تازگی موضوعات حقوق بین الملل خصوصی
 (۳) تعمق در حقوق داخلی
 (۴) قاعده ممکن و غیر ممکن
۱۷. جمله زیر از کیست و بیانگر کدام فایده حقوق بین الملل خصوصی است؟
 «حقوق بین الملل خصوصی، به مثابه نور افکنی است که به موضوعات و تاسیسات حقوق نورافشانی می کند تا سطح بیرونی و حدود هر موضوعی را روشن کند»
 (۱) نی بوآیه - فن اختصاصی بودن
 (۲) دوواری سومیر - بهتر فهمیدن سایر رشته های حقوق
 (۳) دوواری سومیر - فن اختصاصی بودن
 (۴) نی بوآیه - بهتر فهمیدن سایر رشته های حقوق
۱۸. مطابق نظر نی بوآیه حقوق بین الملل خصوصی دارای جنبه می باشد.
 (۱) داخلی (۲) داخلی و بین المللی (۳) بین المللی (۴) منطقه ای
۱۹. کدام گزینه صحیح است؟
 (۱) حقوق بین الملل خصوصی رشته ای مستقل است.
 (۲) حقوق بین الملل خصوصی از امتزاج شعب دیگر حقوق به وجود آمده است.
 (۳) به دلیل بین المللی بودن این رشته، مطالعه آن تاثیری در فهم بهتر حقوق داخلی ندارد.
 (۴) گزینه ۱ و ۳ صحیح می باشد.
۲۰. کدامیک از منابع داخلی حقوق بین الملل خصوصی می باشد؟
 (۱) قانون (۲) عهدنامه دوجانبه (۳) عهدنامه چند جانبه (۴) دکترین
۲۱. کدامیک از منابع داخلی - بین المللی حقوق بین الملل خصوصی ایران می باشد؟
 (۱) قانون (۲) عهدنامه (۳) عرف بین المللی (۴) آراء وحدت رویه
۲۲. کدام گزینه صحیح است؟
 (۱) حقوق بین الملل خصوصی دارای جنبه بین المللی است.
 (۲) حقوق بین الملل خصوصی دارای جنبه خصوصی است.
 (۳) حقوق بین الملل خصوصی دارای جنبه عمومی است.
 (۴) گزینه ۱ و ۲ صحیح است.
۲۳. با پیدایش کدام یک در روابط حقوقی افراد، مساله حقوق بین الملل خصوصی مطرح می گردد؟
 (۱) پدیده مرز (۲) اختلافات خصوصی (۳) پدیده مهاجرت (۴) پدیده توصیف

۲۴. منابع بین المللی حقوق بین الملل خصوصی کدام است؟

- (۱) معاهدات دو جانبه بین المللی، رویه های قضایی بین المللی
- (۲) معاهدات بین المللی، رویه قضایی بین المللی، دکترین، اصول کلی حقوق بین الملل
- (۳) عرف و عادت بین المللی، اصول کلی حقوق بین المللی
- (۴) عهدنامه های اونیون و موارد ۱ و ۳

۲۵. طرفداران نظریه جهانی حقوق بین الملل خصوصی:

- (۱) وحدت حقوق بین الملل خصوصی را نه فقط مطلوب بلکه ممکن می دانند.
- (۲) امکان وحدت حقوق بین الملل خصوصی را انکار می نمایند.
- (۳) معتقدند که حقوق بین الملل خصوصی انعکاسی از حقوق داخلی در زمینه بین المللی است.
- (۴) معتقدند به جای این که در پی وحدت حقوق بین الملل خصوصی باشند بایستی سیستمی را جستجو کنند که با منافع ملی خود بهتر سازگار باشد.

۲۶. کدام یک از موانع توسعه قراردادهای سیاسی در زمینه حقوق بین الملل خصوصی می باشد؟

- (۱) روابط خصوصی افراد و سازش
- (۲) تعارض قوانین
- (۳) نداشتن ضمانت اجراء
- (۴) فقدان جنبه بین المللی

۲۷. منابع داخلی حقوق بین الملل خصوصی کدام است؟

- (۱) قانون، رویه قضایی و اصول کلی حقوق
- (۲) قانون، رویه قضایی و عقاید علمای حقوق
- (۳) قانون، عرف و اصول کلی حقوق
- (۴) قانون، رویه قضایی، اصول کلی حقوق و عقاید علمای حقوق

۲۸. کاربرد شیوه تعارض قوانین در چه نوع حقوقی است؟ (سراسری - ۷۲)

- (۱) حقوق بین الملل خصوصی
- (۲) حقوق عمومی
- (۳) حقوق خصوصی
- (۴) هم حقوق عمومی و هم حقوق خصوصی

۲۹. حقوق بین الملل خصوصی به اعتبار کدام یک از مسائل زیر سبب بهتر فهمیدن سایر رشته های حقوق می شود؟ (سراسری - ۷۳)

- (۱) احاله
- (۲) تقلب نسبت به قانون
- (۳) توصیف قضایی
- (۴) نظم عمومی

۳۰. برای حل مسائل حقوق بین الملل خصوصی، قاضی ایرانی، ابتدا باید به کدام منبع رجوع کند؟ (سراسری - ۷۴)

- (۱) عهدنامه
- (۲) عرف بین المللی
- (۳) قانون خارجی
- (۴) قانون ایران

۳۱. یکی از تفاوت های حقوق بین الملل خصوصی و حقوق خصوصی داخلی مربوط است به این دو رشته. (سراسری - ۷۷)

- (۱) منابع
- (۲) موضوع
- (۳) ضمانت اجرا
- (۴) مرجع رسیدگی به اختلافات

۳۲. قواعد حقوق بین الملل خصوصی در هر کشور ... (سراسری - ۷۷)

- (۱) به موجب قواعد و مقررات ناشی از روابط دولت هاست.
- (۲) به موجب تعهدات پذیرفته شده در عهدنامه بین المللی است.
- (۳) ناشی از مصوبات سازمان های بین المللی است.
- (۴) ناشی از قانون گذار داخلی هر کشور است.

۳۳. منبع اصلی تابعیت در هر کشور است. (سراسری - ۷۸)

- (۱) قواعد داخلی
- (۲) عهدنامه ها
- (۳) عرف داخلی
- (۴) رویه قضایی بین المللی

۳۴. تقدم و تأخر مسائل سه‌گانه حقوق بین‌الملل خصوصی به کدام ترتیب است؟ (سراسری - ۸۰)
- (۱) تابعیت، تعارض قوانین، وضع حقوقی خارجیان
 (۲) تعارض قوانین، تابعیت، وضع حقوقی خارجیان
 (۳) تابعیت، وضع حقوقی خارجیان، تعارض قوانین
 (۴) وضع حقوقی خارجیان، تابعیت، تعارض قوانین
۳۵. وجه اشتراک حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق بین‌الملل عمومی در آن‌هاست. (سراسری - ۸۰)
- (۱) جنبه بین‌المللی (۲) ضمانت اجرایی (۳) منابع (۴) موضوع
۳۶. وجه افتراق حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق خصوصی داخلی در است. (سراسری - ۸۱)
- (۱) ضمانت اجرایی و منابع (۲) عنصر خارجی و ضمانت اجرایی
 (۳) منابع و عنصر خارجی (۴) منابع و مرجع رسیدگی به اختلافها
۳۷. وجوه افتراق حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق بین‌الملل عمومی در آن‌هاست (سراسری - ۸۰)
- (۱) موضوع و جنبه بین‌المللی (۲) موضوع و ضمانت اجرایی
 (۳) موضوع و منبع بین‌المللی (۴) جنبه بین‌المللی و منبع بین‌المللی
۳۸. رابطه حقوق بین‌الملل خصوصی با حقوق بین‌الملل عمومی مانند رابطه با است. (سراسری - ۸۰)
- (۱) حقوق کیفری بین‌المللی - حقوق بین‌المللی کیفری
 (۲) حقوق مالیه بین‌المللی - حقوق تجارت بین‌المللی
 (۳) حقوق تجارت بین‌المللی - حقوق کیفری بین‌المللی
 (۴) حقوق بین‌المللی کار - حقوق مالیه بین‌المللی
۳۹. رویه قضایی ملی، از منابع حقوق بین‌الملل است. (سراسری - ۸۱)
- (۱) عمومی (۲) عمومی و خصوصی (۳) خصوصی (۴) کیفری
۴۰. قواعد تعارض قوانین (سراسری - ۸۴)
- (۱) جزء حقوق داخلی هستند. (۲) مساله را مستقیماً حل نمی‌کنند.
 (۳) به قوانین دیگر ارجاع نمی‌دهند. (۴) دعاوی مطروحه را مستقیماً حل می‌کنند.
۴۱. موضوع تابعیت و وضع بیگانگان که امروز جزء موضوعات حقوق بین‌الملل خصوصی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند، صرفاً (سراسری - ۸۶)
- (۱) خصوصی نبوده و به حقوق اساسی نیز ارتباط دارد.
 (۲) خصوصی است و با رژیم‌های حقوقی دیگر ارتباطی ندارد.
 (۳) خصوصی نبوده و به حقوق عمومی نیز ارتباط دارد.
 (۴) خصوصی نبوده و به حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق جزا نیز ارتباط دارد.
۴۲. حقوق بین‌الملل خصوصی (سراسری - ۸۸)
- (۱) شعبه‌ای از حقوق عمومی داخلی است. (۲) شعبه‌ای از حقوق خصوصی داخلی است.
 (۳) سبب بهتر فهمیدن حقوق داخلی می‌شود. (۴) سبب بهتر فهمیدن حقوق بین‌الملل عمومی می‌شود.
۴۳. مقررات عهدنامه‌هایی که مطابق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد می‌شود قانون است. (سراسری - ۸۸)
- (۱) معادل (۲) مفسر (۳) برتر از (۴) در حکم
۴۴. وصول مالیات از اتباع بیگانه توسط دولت میزبان، موضوع است. (سراسری - ۸۹)
- (۱) حقوق بین‌الملل عمومی (۲) حقوق عمومی بین‌المللی
 (۳) حقوق بین‌الملل خصوصی (۴) حقوق خصوصی بین‌المللی



۴۵. قواعد حقوق بین الملل خصوصی:
- ۱) قسمتی از مجموعه قوانین داخلی هر کشور می باشند.
 - ۲) قسمتی از قواعد حقوقی بین الملل عمومی می باشند.
 - ۳) قسمتی جنبه بین المللی دارند و قسمتی جنبه داخلی
 - ۴) مربوط به اشخاص بین المللی می باشند.
- (آزاد - ۸۱)
۴۶. در ارتباط با منابع حقوق بین الملل خصوصی ایران کدام یک از پاسخ های زیر صحیح تر هستند؟
- ۱) عهدنامه هایی که ایران عضو آن است، قانون مدنی ایران، رویه قضایی ایران، رویه قضایی و داوری بین المللی
 - ۲) عهدنامه های بین المللی، قانون مجازات اسلامی، قانون مسئولیت مدنی، عرف
 - ۳) حقوق بین الملل عمومی، قانون کار ایران، قانون مدنی، عرف
 - ۴) رویه قضایی یا داوری بین الملل، دکترین حقوقی، قوانین جزایی، قانون کار
- (آزاد - ۸۱)
۴۷. کدام گزینه صحیح است؟
- ۱) قواعد حقوق بین الملل خصوصی برخلاف قواعد حقوق بین الملل عمومی منشأ صد درصد داخلی دارند.
 - ۲) قواعد حقوق بین الملل خصوصی همانند قواعد حقوق بین الملل عمومی منشأ صد درصد خارجی دارند.
 - ۳) قواعد حقوق بین الملل خصوصی هم منشأ خارجی و هم منشأ داخلی دارند.
 - ۴) قواعد حقوق بین الملل خصوصی بین کشورهای مختلف مشترک می باشد.
- (آزاد - ۸۲)
۴۸. قواعد حقوق بین الملل خصوصی:
- ۱) مجموعه ای است که همه کشورها آن ها را پذیرفته و اجرا می کنند.
 - ۲) قواعدی داخلی و بین المللی است.
 - ۳) همان قواعد حقوق بین الملل عمومی است.
 - ۴) قواعدی است که قانون گذار داخلی آن ها را وضع می کند.
- (آزاد - ۸۳)
۴۹. منابع حقوق بین الملل خصوصی:
- ۱) داخلی و بین المللی است.
 - ۲) داخلی و منطقه ای است.
 - ۳) منطقه ای و بین المللی است.
 - ۴) فراملی است.
- (آزاد - ۸۳)
۵۰. یکی از منابع حقوق بین الملل خصوصی:
- ۱) اشخاص هستند.
 - ۲) روابط بین الملل می باشد.
 - ۳) اسناد و قراردادهای اشخاص خصوصی می باشد.
 - ۴) عهدنامه ها هستند.
- (آزاد - ۸۴)
۵۱. قواعد حقوق بین الملل خصوصی:
- ۱) قواعد وضع شده توسط قوه قانون گذاری هر کشور است.
 - ۲) قواعد وضع شده داخلی و حقوق بین الملل است.
 - ۳) قواعد عهدنامه های بین المللی و رویه های قضایی است.
 - ۴) شعبه ای از قواعد حقوق بین الملل عمومی است.
- (آزاد - ۸۵)
۵۲. کاپیتولاسیون یعنی:
- ۱) حق قضاوت و اجرای مجازات دادن به دولت خارجی در قلمرو دولت داخلی
 - ۲) حق اعمال سیاست های دولت های خارجی در قلمرو دولت داخلی
 - ۳) حق استفاده از منابع طبیعی یک کشور را به خارجیان اعطا کردن
 - ۴) حق استثمار و استعمار دولت های بیگانه در قلمرو دولت داخلی
- (آزاد - ۸۵)

۵۳. منابع داخلی حقوق بین‌الملل خصوصی در ایران:
- ۱) قانون و عرف است.
 - ۲) قانون، عرف، رویه قضایی و دکترین است.
 - ۳) قانون است.
 - ۴) عرف و رویه قضایی است.
- (آزاد - ۸۵)
۵۴. قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی در نظام حقوقی ایران:
- ۱) داخلی هستند.
 - ۲) بین‌المللی هستند.
 - ۳) داخلی و بین‌المللی هستند.
 - ۴) عهدنامه‌ای هستند.
- (آزاد - ۸۷)
۵۵. چنانچه در رسیدگی به یک دعوای حقوق بین‌الملل خصوصی، دادگاه قاعده‌ای را در قوانین نیابد:
- ۱) دعوی را رد خواهد کرد. (۲) از رویه قضایی استفاده خواهد کرد.
 - ۳) به دادگاه کشور خارجی ارجاع خواهد داد.
 - ۴) دعوی را به دیوان عالی کشور ارجاع خواهد داد.
- (آزاد - ۸۷)
۵۶. ذکر شرط «دولت‌های کامله الوداد» در عهدنامه‌های مربوط به حقوق اتباع بیگانه؛ یعنی:
- ۱) شرطی که بر اساس حقوق ذکر شده در عهدنامه به بیگانه اعطا خواهد شد.
 - ۲) بیگانه هیچ حق عهدنامه‌ای نخواهد داشت.
 - ۳) بیشترین حقوق را خواهد داشت.
 - ۴) هر حقی بیش از آنچه در این عهدنامه آمده به اتباع کشور دیگر داده شود و به اتباع کشور طرف این عهدنامه هم داده خواهد شد.

پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای فصل اول

۱. گزینه ۳)
اصطلاح حقوق بین‌الملل خصوصی را نخستین بار فولیکس به کار برد.
۲. گزینه ۱)
نی بویاه در تعریف حقوق بین‌الملل خصوصی عامل یا پدیده مرز را مهمترین مشخصه می‌داند.
۳. گزینه ۲)
در تعریف حقوق بین‌الملل خصوصی قید روابط افراد آن را از حقوق بین‌الملل عمومی متمایز می‌کند.
۴. گزینه ۳)
مواعی که در زندگی و روابط بین‌المللی اشخاص پدیدار می‌شود ناشی از پدیده مرز است.
۵. گزینه ۴)
دوواری سومیر عقیده دارد که حقوق بین‌الملل خصوصی شعبه‌ای از حقوق داخلی است.
۶. گزینه ۴)
مهمترین منبع تعارض قوانین رویه قضایی می‌باشد.
۷. گزینه ۱)
مهمترین منبع داخلی حقوق بین‌الملل خصوصی، قانون است.
۸. گزینه ۳)
عرف باید مسلم باشد تا یکی از منابع حقوق شمرده شود.
۹. گزینه ۴)
شروط تحقق عرف ۱- قدیمی و مستمر باشد ۲- وجدان عمومی جنبه الزامی بودن آن را احساس کند.
۱۰. گزینه ۲)
مهمترین قراردادهای چندجانبه با هدف وحدت تعارض قوانین قراردادهای لاهه ۱۹۸۳ می‌باشد. قراردادهای لاهه ۱۸۹۳ با هدف وحدت تعارض قوانین می‌باشد.
۱۱. گزینه ۳)
دکترین که ممکن است داخلی یا بین‌المللی باشد به طور غیر مستقیم در حقوق تأثیر دارد.
۱۲. گزینه ۴)
رویه قضایی و عرف ملی بیانگر منابع داخلی حقوق بین‌الملل خصوصی است.
۱۳. گزینه ۴)
حل مسائل نقل و انتقال اشیا از کشوری به کشور دیگر از فواید عملی حقوق بین‌الملل خصوصی می‌باشد و نه فواید علمی.
۱۴. گزینه ۳)
مواعی که در روابط بین‌المللی اشخاص پیدا می‌شود ناشی از مساله مرز می‌باشد.
ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۳
۱۵. گزینه ۲)
ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۶
۱۶. گزینه ۱)
ر.ک همان کتاب ص ۱۶
۱۷. گزینه ۴)
ر.ک همان کتاب ص ۱۷
۱۸. گزینه ۱)
ر.ک حقوق بین‌الملل خصوصی، دکتر محمد نصیری، ص ۱۴ البته دکتر محمد نصیری برخلاف نی بویاه برای حقوق بین‌الملل خصوصی جنبه بین‌المللی قائل هستند.

۱۹. گزینه ۱)
حقوق بین‌الملل خصوصی رشته‌ای مستقل است و قواعد و احکام خاص خود را دارد و از امتزاج شعب دیگر حقوق به وجود نیامده است.
۲۰. گزینه ۱)
ر.ک همان کتاب ص ۱۸ الی ۲۴
۲۱. گزینه ۲)
از آنجا که عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، با این توصیف می‌توان عهدنامه را منبع داخلی - بین‌المللی حقوق بین‌الملل خصوصی ایران دانست.
۲۲. گزینه ۴)
۲۳. گزینه ۱)
ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۴
۲۴. گزینه ۴)
ر.ک همان کتاب، ص ۲۲ و ۲۳ و همچنین ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۳۳
۲۵. گزینه ۱)
ر.ک دکتر حسین صفایی، مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۳۹
۲۶. گزینه ۱)
ر.ک دکتر حسین صفایی، مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۴۳
۲۷. گزینه ۲)
ر.ک دکتر حسین صفایی، مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۴۰ و ۴۱ و دکتر محمد نصیری، ص ۱۸ الی ۲۱ و دکتر محمود سلجوقی، ص ۴۰ و ۴۱
۲۸. گزینه ۱)
تعارض قوانین، کاربرد مجموعه قواعدی است که با اعمال آن‌ها می‌توان قانون حاکم بر یک رابطه حقوقی موضوع حقوق بین‌الملل خصوصی را تشخیص داد. بی‌شک، تعارض قوانین - در معنای اصطلاحی - فقط در دعاوی حقوق خصوصی متضمن یک عنصر خارجی (حقوق بین‌الملل خصوصی) کاربرد دارد.
۲۹. گزینه ۳)
توصیف قضایی، تعیین ماهیت نهادهای حقوقی، تشخیص قانون حاکم بر آن‌ها و نخستین گام در حل فضا‌یای حقوق بین‌الملل خصوصی است که کاربست آن پس از تسلط به حقوق داخلی و سازمان‌های حقوقی آن امکان‌پذیر خواهد بود، بنابراین استفاده از توصیف، مستلزم فراگیری هر چه عمیق‌تر و دقیق‌تر حقوق داخلی می‌باشد و سبب بیشتر فهمیدن آن می‌شود.
۳۰. گزینه ۴)
قاضی ایرانی به محض مواجه شدن با یک موضوع حقوق بین‌الملل ناگزیر از تعیین ماهیت آن به موجب قانون ایران (به عنوان قانون مقرر) و تشخیص قانون حاکم بر موضوع به وسیله قواعد حل تعارض کشور ایران می‌باشد.
۳۱. گزینه ۱)
حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق خصوصی داخلی از لحاظ موضوعات (روابط افراد)، ضمانت اجراها (قدرت و حاکمیت داخلی) و مرجع رسیدگی به اختلافات (دادگاه‌های داخلی) با هم مشابه‌اند و تنها وجه افتراق آن‌ها در منابع می‌باشد که در حقوق بین‌الملل خصوصی به منابع بین‌المللی هم استناد می‌شود.
۳۲. گزینه ۴)
حقوق بین‌الملل خصوصی انعکاسی از حقوق داخلی در عرصه بین‌المللی می‌باشد که مقررات آن توسط قانون‌گذار داخلی کشورها به تصویب می‌رسد.
۳۳. گزینه ۱)
تابعیت از مسائل سیاسی و مرتبط با مصالح ملی کشورها است و همچون سایر موضوعات حقوق بین‌الملل خصوصی از مقررات داخلی کشورها پیروی می‌کند.



۳۴. گزینه ۳)
تابعیت، موجب تمایز بیگانگان از اتباع داخله می‌شود، در چنین وضعیتی، تبیین وضع حقوقی خارجیان ضرورت دارد، پس از مشخص نمودن حقوق خارجیان، ممکن است بین حقوق و قوانین حاکم بر حقوق آنها تعارض حادث شود.
۳۵. گزینه ۱)
حقوق بین الملل خصوصی و حقوق بین الملل عمومی هر دو جنبه بین المللی دارند.
۳۶. گزینه ۳)
حقوق بین الملل خصوصی از لحاظ منابع و داشتن عنصر خارجی در دعوا با حقوق داخلی متفاوت است.
۳۷. گزینه ۲)
حقوق بین الملل عمومی و خصوصی از لحاظ موضوعات و ضمانت اجراها با هم تفاوت دارند.
۳۸. گزینه ۱)
حقوق کیفری بین المللی، انعکاس و اعمال قوانین کیفری داخلی در عرصه بین المللی است، حال آن که حقوق بین المللی کیفری، ناظر به قواعد کیفری بین المللی بین کشورها است، چنین رابطه‌ای بین حقوق بین المللی خصوصی و حقوق بین الملل عمومی نیز وجود دارد.
۳۹. گزینه ۳)
با توجه به ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری که موازین حقوق بین الملل عمومی را بر شمرده است، روبه قضایی ملی از منابع حقوق بین الملل عمومی نیست. حال آن که همین تصمیمات از منابع اصلی حقوق بین الملل خصوصی محسوب می‌شوند.
۴۰. گزینه ۲)
قواعد حل تعارض قوانین قواعدی است که تنها به تعیین قانونی که باید بر موضوع معینی حکومت نماید اکتفا می‌کند و مساله مطروحه را مستقیماً حل نمی‌کند.
۴۱. گزینه ۳)
تابعیت را دولت یا کشور به شخص اعطا می‌کند.
۴۲. گزینه ۳)
حقوق بین الملل خصوصی شیعه‌ای از حقوق خصوصی داخلی است.
۴۳. گزینه ۴)
به مستند ماده ۹ قانون مدنی، مقررات عهدنامه‌هایی که مطابق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد می‌شود در حکم قانون است.
۴۴. گزینه ۲)
وصول مالیات از اتباع بیگانه توسط دولت میزبان موضوع حقوق عمومی بین الملل است.
۴۵. گزینه ۳)
حقوق بین الملل خصوصی، دارای منابع داخلی و منابع بین المللی است و همین امر نیز به بعضی اختلافات علمای این رشته دامن می‌زند، به طوری که طرفداران نظریه جهانی و عام شدن حقوق بین الملل خصوصی (universalistes) منابع بین المللی را مهم‌تر می‌دانند و طرفداران نظریه ملی و خاص حقوق بین الملل خصوصی (particularistes) با غیر ممکن دانستن وحدت قواعد این رشته از حقوق، بر اهمیت منابع داخلی تأکید می‌ورزند.
۴۶. گزینه ۱)
با توجه به اهمیت منابع حقوق بین الملل خصوصی، ترتیب رعایت شده در گزینه یک صحیح می‌باشد.
۴۷. گزینه ۳)
قواعد حقوق بین الملل خصوصی هم منشا خارجی و هم منشا داخلی دارند.
۴۸. گزینه ۴)
حقوق بین الملل خصوصی از جمله حقوق موضوعه است که همان طوری که مقررات حقوق داخلی وضع و به مرحله اجرا در می‌آیند، قواعد حقوق بین الملل خصوصی را هم قوه حاکمه هر دولتی مستقلاً تعیین و اجرا می‌کند.

۴۹. گزینه ۱)

حقوق بین‌الملل خصوصی هم از منابع داخلی و هم منابع بین‌المللی سرچشمه می‌گیرد.

۵۰. گزینه ۴)

منابع حقوق بین‌الملل خصوصی دو دسته هستند: یک دسته داخلی هستند مثل قانون و رویه قضایی و یک دسته منابع بین‌المللی مثل عهدنامه‌ها و عرف بین‌المللی.

۵۱. گزینه ۱)

حقوق بین‌الملل خصوصی از جمله حقوق موضوعه است و همان طوری که مقررات داخلی وضع و به مرحله اجرا می‌رسند، قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی را هم قوه حاکمه هر دولتی مستقلاً معین می‌کند.

۵۲. گزینه ۱)

کاپیتولاسیون در معنی اصطلاحی، از معاهداتی است که به موجب آن دولتی در کشور خارجی از بعضی از حقوق حاکمیت که اهم آن حق قضاوت و اجرای مجازات است بهره‌مند می‌شود به طوری که اتباع آن دولت از پاره‌ای از حقوق و مزایا به طور اختصاصی استفاده می‌کنند.

۵۳. گزینه ۳)

۵۴. گزینه ۱)

قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی داخلی هستند؛ زیرا:

- ۱- ناظر بر روابط افراد هستند و هر دولتی این اختیار را دارد که قاعده‌های آن را به طور جداگانه در قلمرو خود تنظیم کند.
 - ۲- مرجع صالح برای رسیدگی به دعوی مربوط به آن مراجع قضایی داخلی است.
 - ۳- ضمانت اجرای قواعد آن نیز دادگاه‌ها و قوانین داخلی می‌باشد.
- البته برخی قواعد بین‌المللی همچون کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز در این عرصه مطرح می‌باشند، که با طی کردن مراحل تصویب داخلی، به صورت (در حکم) قوانین داخلی درآمده‌اند.

۵۵. گزینه ۱)

در مواردی که قضیه به حقوق کشوری مربوط است که در آن در خصوص مورد مزبور حکمی یافت نمی‌شود، یا اگر هست مغشوش و غیر قابل استناد است قاضی ناگزیر است در وهله نخست به یاری اصحاب دعوی کوشش کند و اصل قضیه را از حقوق همان کشور استخراج کند و اگر در این راه به هر سبب توفیق نیابد بر حسب یک نظر که در حقوق آمریکا نیز دارای سابقه است، می‌تواند دعوی را به عنوان آن که مدلل نیست رد کند و «بر حسب نظر دیگر قانون محل دادگاه» را درباره آن به موقع اجرا گذارد. این نظر اخیر در رویه قضایی ایران و فرانسه پذیرفته شده است.

۵۶. گزینه ۴)

این شرط به معنای تعهد یک دولت است در برابر دولت دیگر، دایر بر شناخت در اکثر حقوق، در زمینه‌ای معین که آن دولت برای اتباع دولت‌های ثالث پیش از آن شناخته یا پس از آن خواهد شناخت، برای اتباع آن دولت. محل پیش‌بینی این شرط، بر حسب معمول، در عهدنامه‌های دوستی تجاری یا گمرکی است.

تابعیت

عناوین اصلی

- ❖ تعریف، اصول و مبانی تابعیت
- ❖ علل و موارد بی تابعیتی
- ❖ تابعیت مضاعف و علل بروز آن
- ❖ سه اصل بین المللی راهنما
- ❖ تابعیت‌های اصلی و اکتسابی
- ❖ برخی از اصول تابعیت ایران در قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران
- ❖ شرایط تحصیل و پذیرش تابعیت ایران
- ❖ سلب تابعیت ایران

فصل دوم

تابعیت

مقدمه:

تابعیت و اقامتگاه دو عامل تقسیم جغرافیایی اشخاص، در جامعه بین‌المللی میان دولت‌ها می‌باشند. در تابعیت به لحاظ اینکه جمعیت تأسیس کننده دولت را اتباع تشکیل می‌دهند و در اقامتگاه به لحاظ آنکه جا و مکان شخص در سرزمین متعلق به دولت واقع می‌باشد، با جدا بودن این دو مفهوم از یکدیگر ممکن است اقامتگاه شخص در خارج از قلمرو دولت متبوع او واقع شده باشد، در این حالت این موقعیت برای وی پیش می‌آید که او از حیث تابعیت به یک دولت و از حیث اقامتگاه به دولتی دیگر وابسته باشد، بدون اینکه این وابستگی دو جانبه در اعتبار تابعیت یا اقامتگاه او خللی وارد سازد. وجود اینگونه ارتباط با دولت بر اثر تابعیت و اقامتگاه سبب گردیده این دو مفهوم به عنوان دو عامل تقسیم جغرافیایی اشخاص میان دولت‌ها در جامعه بین‌المللی شناخته شوند.

تعریف تابعیت

تابعیت عبارت است از یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی که فردی را به دولتی معین مرتبط می‌سازد. مهمترین خصلت تابعیت، خصلت سیاسی و داخلی بودن آن می‌باشد. تابعیت یک رابطه سیاسی است زیرا که ناشی از قدرت و حاکمیت دولتی است که فردی را از خودش می‌داند. تابعیت یک رابطه حقوقی است زیرا دارای اثرات حقوقی، در نظام بین‌المللی و در نظام داخلی می‌باشد. در نظام بین‌المللی اتباع یک کشور از حمایت سیاسی دولت خود برخوردارند. در نظام داخلی نیز تبعه از طرفی دارای حقوق سیاسی مثل حق رأی می‌باشد و از طرف دیگر از کلیه حقوقی که توسط قوانین مدنی و تجاری وضع شده برخوردار می‌باشد.

تابعیت یک رابطه معنوی است زیرا اتباع یک کشور را از نظر هدفها و عادات و رسوم مشترکی که دارند به یک دولت پیوند می‌دهد و ارتباطی به زمان و مکانی مشخص ندارد.

تعریف ملت

لفظ ملت در زبان فارسی در چند معنی نزدیک به هم به کار رفته است. ملت در معنای مذهب و مترداف آن بوده و در معنای امت و یا در سطح محدودتر استعمال شده است. همچنین معادل واژه ناسیون در زبان فرانسه است. در نهایت لفظ ملت به مجموع کسانی اطلاق می‌شود که در یک سرزمین زیر حاکمیت یک دولت گردهم آمده‌اند و آن دولت به نمایندگی آنها در جامعه بین‌المللی شناخته می‌شود و این کسان از اتباع آن دولت به شمار می‌آیند.

متمایز بودن تابعیت از ملیت

لفظ تابعیت در حقوق ایران در یکی دو قرن اخیر رایج شده این لفظ معادل لفظ فرانسوی ناسیونالیته که آن را ملیت نیز ترجمه کرده اند، برگزیده شده است. ملیت مصدر صناعی از لفظ ملت است. مردا از ملت، آن‌گونه که درباره ملت ایران در اصل ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره شده، همه مردم یک سرزمین از هر ((قوم قبيله ای)) قطع نظر از ((رنگ، نژاد، زبان و

مانند اینها)) می‌باشد. رواج اصطلاح تابعیت به جای ملیت در حقوق ایران ناشی از عمل قانونگذار بود است، در ادبیات حقوقی ایران اصطلاح تابعیت دارای ارزش حقوقی و سیاسی و اصطلاح ملیت دارای ارزش جامعه‌شناسی می‌باشد. به عبارت دیگر اگر رابطه فرد با ملت در مفهوم سیاسی آن مطرح باشد اصطلاح تابعیت و هر جا مساله تعلق فرد به ملت در مفهوم جامعه‌شناسی آن در میان باشد در اصطلاح ملیت به کار برده می‌شود.

شرایط تحقق تابعیت

تابعیت محقق نمی‌شود مگر مابین یک فرد و یک دولت. (شخصیت حقوق عمومی که سایر دول متمدن جهان آن را به رسمیت بشناسد) بنابراین شرط اول آنست که دولتی وجود داشته باشد. شرط دوم آنکه تبعه‌ای موجود باشد. از آنجاکه رابطه بین تبعه و دولت، سیاسی است پس تنها عامل و مشخص و اعطاءکننده تابعیت، دولت است. اثبات وجود رابطه تابعیت میان فرد و دولتی معین بر پایه قانونگذاری همان دولت است.

عناصر رابطه تابعیت

طرفین رابطه تابعیت: در رابطه تابعیت، مانند هر رابطه حقوقی دیگر، دو طرف دیده می‌شوند: یک طرف آنکه تبعه است، طرف دیگر دولتی که ان شخص از اتباع او به شمار می‌آید.

الف- شخص دارنده تابعیت: به لحاظ آنکه همه کس چه در حقوق داخلی (ماده ۹۵۸ ق.م) ایران و چه در حقوق بین‌المللی از حق تمتع بهره مند است. هر کس در هر سن و وضعیتی این شایستگی را دارا می‌باشد که دارای تابعیتی باشد. حق تمتع در برخی از انواع حقوق در حقوق هر کشور بسته به داشتن تابعیت آن کشور است. در کنار تابعیت اشخاص، درباره برخی از انواع اموال منقول که دارای قوه محرک می‌باشند، مانند کشتیها اعم از شناورهای موتوری متحرک در رودخانه‌های داخلی یا کشتیهای بحر پیما و هواپیماها، در قوانین کشورها فرض تابعیت می‌شود.

ب- دولت دهنده تابعیت: دولتی می‌تواند دهنده تابعیت باشد که بر ان تعریف دولت، بدان گونه که در حقوق بین‌الملل عمومی از آن تعریف می‌گردد صادق باشد. هر دولت به عنوان یکی از اشخاص حقوق بین‌الملل عمومی از شخصیت حقوقی در آن جامعه بهره‌مند می‌شود. در کشورهای مرکب از ایالت‌های خودمختار، مانند کشورهای سوئیس و ایالات متحده آمریکا، تابعیت افراد نسبت به دولت مرکزی سنجیده می‌شود. چنانکه شناخت این‌گونه دولت‌ها در جامعه بین‌المللی نسبت به دولت مرکزی به عمل می‌آید.

اصول و مبانی تابعیت:

۱- **اصل لزوم تابعیت:** هر فردی بایستی تابعیتی داشته باشد.

۲- **اصل وحدت تابعیت:** هیچ فردی نباید بیش از یک تابعیت داشته باشد.

۳- **اصل تغییر پذیری تابعیت:** تابعیت یک امر همیشگی نیست و امکان تغییر آن وجود دارد.

علیرغم اصول لزوم تابعیت و وحدت تابعیت گاهی اشخاصی یافت می‌شوند که بدون تابعیت هستند یا دارای دو تابعیت می‌باشند. این موضوع تحت عنوان تعارض تابعیت می‌باشد که بی‌تابعیتی نتیجه تعارض منفی و تابعیت مضاعف نتیجه تعارض مثبت قوانین می‌باشد.

الف) علل و موارد بی‌تابعیتی (Apartide)

۱- **مجازات:** به این معنی که شخص در اثر اجرای مجازات یا به عنوان مجازات تابعیت خود را از دست می‌دهد در حالی که به تابعیت کشور دیگر درنیامده است. سلب تابعیت به عنوان مجازات در صورتی که تابعیت اصلی باشد مورد انتقاد است لیکن در صورتی که تابعیت اکتسابی و اعطایی باشد، با اصل حاکمیت و اقتدار دولتها قائل تفسیر و توجیه می‌باشد. بنابراین سلب تابعیت به عنوان مجازات فقط هنگامی پذیرفته می‌شود که از تابعیت اکتسابی بوده و زمانی پس از تولد به علتی برای شخص حاصل شده باشد.

۲- **در اثر پناهندگی و مهاجرت:** در اثر پناهندگی و مهاجرت ممکن است شخصی که تابعیت مبدأ خود را از دست داده است به تابعیت دولت جدیدی نیز درنیامده باشد در نتیجه بدون تابعیت بماند مانند روسهای سفید که پس از انقلاب روسیه به کشورهای



خارجی پناه بردند و دولت جدید روسیه آنها را تبعه خود نمی‌شناخت و سایر دولت‌ها هم ایشان را به تابعیت خود نمی‌پذیرفتند.

۳- در اثر قانون خاص: بی‌تابعیتی ممکن است صرفاً در اثر اختلاف قوانین کشورهای مختلف هنگام تولد برای طفل ایجاد شود مثلاً هرگاه طفلی در ایران از پدر و مادر خارجی متولد شود و قانون دولت متبوع اولیای طفل اصل خاک را پذیرفته باشد این طفل از هنگام تولد بدون تابعیت خواهد بود.

۴- در اثر تغییر: ممکن است شخص پس از ترک تابعیت یک کشور اقدام به تحصیل تابعیت کشور جدید نماید و بدین ترتیب بی‌تابعیت شود.

از اصل لزوم تابعیت دو نتیجه حاصل می‌شود که عبارتند از:

۱- هر فردی به محض تولد بایستی تبعه دولت معینی باشد.

۲- هیچ فردی نمی‌تواند ترک تابعیت کند بدون آنکه تابعیت دولت دیگری را بپذیرد.

ب) تابعیت مضاعف

هنگامی که دو دولت تابعیت خود را به یک فرد اعطا می‌کنند، از یک طرف هر یک از دو دولت از این شخص انتظار انجام تکالیفی که قانون به عهده او واگذار کرده است، دارد و از طرف دیگر هر یک از دو دولت حق حمایت سیاسی از این شخص را برای خود می‌شناسد و در نتیجه اشکالاتی در سطح بین‌المللی ایجاد می‌گردد.

مشکل تابعین مضاعف بیشتر به علت اختلاف روشهای پذیرفته شده برای تابعیت می‌باشد. زیرا اختلاف منافع دولت‌ها، باعث می‌شود که هر دولتی به مقتضای موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود یکی از روشهای اعمال تابعیت (خاک، خون یا مختلط) را انتخاب کند و در نتیجه ممکن است تابعیت مضاعف ایجاد شود. مثلاً بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، فرزند هر پدر ایرانی را اعم از اینکه در ایران متولد شده باشد یا در خارجه، ایرانی می‌داند. حال اگر این طفل در کشوری به دنیا آمده باشد که روش خاک را پذیرفته است مانند آمریکا، در این صورت از طرفی تابع دولت آمریکا شمرده می‌شود و از طرفی تابع دولت ایران. در نتیجه این طفل دارای تابعیت مضاعف می‌گردد.

علل بروز تابعیت مضاعف

۱- اختلاف طرز تفکر دولت‌ها راجع به تحصیل تابعیت؛ مهمترین مورد تابعیت مضاعف ناشی از اختلاف طرز تفکر دولت‌ها راجع به طرق تحصیل تابعیت است البته اگر کشورها یک سیستم مشخص (اعم از خاک، خون) را اعمال می‌کردند، فروض زیادی برای پیدایش تابعیت مضاعف نبود ولی از آنجایی که هر دولتی بر وفق مصالح خود، ترتیبی اتخاذ می‌کند و دولت‌ها عموماً به یک سیستم و به یک نحو عمل نمی‌کنند به ناچار تابعیت مضاعف ایجاد می‌شود.

طبق بند ۴ ماده ۹۷۶ ق.م. «کسانی که در ایران، از پدر و مادر خارجی یا از پدر و مادری که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند، ایرانی محسوب می‌شوند» (روش خاک). حال اگر پدر و مادر خارجی از اتباع مملکتی باشند که روش خون را اعمال می‌کند مانند فرانسه، در این صورت چنین طفلی از طرفی دارای تابعیت فرانسه می‌باشد و از طرف دیگر دارای تابعیت ایران است. بنابراین ملاحظه می‌شود که در اثر اختلاف طرز تفکر دولت‌ها در مورد تابعیت و انتخاب یکی از دو روش خاک یا خون، شخص ممکن است از ابتدای تولد دارای دو تابعیت گردد و این تابعیت مضاعف برای او ایجاد اشکالاتی از جمله انجام خدمت نظام در هر دو کشور باشد.

۲- مورد دوم عبارت است از اینکه شخص با حفظ تابعیت قدیمش تابعیت جدیدی به دست آورد.

مثال: بند ۲ ماده ۲۵ قانون دلبروک آلمان که اکنون نسخ شده است، مقرر می‌داشت: "کسی که قبل از تحصیل تابعیت خارجی از مقام صلاحیتدار کشور محل تولدش، اجازه کتبی برای حفظ تابعیت خود می‌گیرد تابعیت آلمانی خود را از دست نمی‌دهند". قانون دلبروک صریحاً اجازه می‌داد که اتباع آلمانی با حفظ تابعیت آلمان تابعیت خارجی تحصیل نمایند. این قانون بعدها موجب نگرانی سایر دولت‌ها شد و بالاخره طبق معاهده صلح ورسای، آلمان مجبور به لغو این قانون گردید.

۳- ازدواج: در اثر عقد ازدواج بین زن و مردی که دارای تابعیت‌های جداگانه هستند زن دارای تابعیت مضاعف می‌شود و علت آن است که اغلب در قوانین کشورها مقرر شده زنی بیگانه که با مردی از اتباع داخله ازدواج نماید به تابعیت کشور متبوع شوهر در

می‌آید. بنابراین هرگاه مملکت متبوعه زن تابعیت اصلی را برای او حفظ کند چنین زنی دارای دو تابعیت می‌شود. چنانچه در صورت ازدواج یک زن فرانسوی با مرد ایرانی، زن از یک طرف طبق بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، ایرانی محسوب می‌شود و از طرف دیگر مقررات قانون تابعیت فرانسه، اصولاً تابعیت فرانسه را برایش محفوظ می‌دارد.

راههای جلوگیری از تابعیت مضاعف

برای جلوگیری از به وجود آمدن تابعیت مضاعف بهترین راه این است که هر کشوری قوانین مربوط به تابعیت خود را طوری تنظیم کند که هیچکس نتواند تابعیت جدیدی کسب نماید، مگر اینکه مسلم شود تابعیت قبلی خود را از دست داده است. برای رسیدن به این مقصود از دو راه ممکن است عمل شود:

- ۱- کشور متبوع اولیه ترک تابعیت شخص را بسیار ساده و بدون قید و شرط بپذیرد.
 - ۲- کشور ثانوی که شخص در نظر دارد تابعیت آن را تحصیل نماید، یکی از شرایط تحصیل تابعیت خود را ترک تابعیت قبلی بداند.
- تابعیت مبدأ یا اصلی:** تابعیت مبدأ یا تابعیت اصلی تابعیتی است که از ابتدای تولد به طریقی بر طفل تحمیل می‌شود.

روشهای مختلف تابعیت مبدأ

تابعیت مبدأ مبتنی بر دو روش است:

- ۱- روش خون یا نسبی (jus sanguinis)
- ۲- روش خاک (jus soil)

در روش خون تابعیت از طریق نسب و به سبب تعلق به خانواده به طفل تحمیل می‌شود مثلاً طفل متولد از پدر ایرانی در هر کجای دنیا که متولد می‌شود ایرانی محسوب می‌شود.

در روش خاک تابعیت از روی محل تولد و به سبب تعلق به سرزمین، به طفل تحمیل می‌شود. پس طفل متولد در یک کشور معین، تابعیت آن دولت را خواهد داشت.

مقایسه بین دو سیستم تابعیت

اینکه اجرای کدامیک از سیستمها بهتر است، جواب قاطع و یک طرفی ندارد، زیرا در این موضوع یک حقیقت مطلق نیست. بلکه حقایق نسبی وجود دارد که برحسب کشورهای مختلف، متفاوت است. این خود یک مساله ملی است و بایستی هر کشوری به اقتضاء وضع جغرافیایی و وضع سکنه اثر آن را حل کند. البته با اعمال سیستم خاک، قاعده‌ای که برحسب آن، هر کس به محض تولد بایستی تبعه دولت معینی باشد رعایت شده است در صورتی که سیستم خون، با تمام محاسن و فوائدش این منظور را تأمین نمی‌کند و باعث وجود بی‌تابعیتی می‌شود. بنابراین برای اینکه از یک طرف موارد بی‌تابعیتی زیاد نشود و از طرف دیگر تمامیت ملی در مقابل اختلاط نژاد حفظ گردد، کشورها عموماً سیستم خاک و سیستم خون هر دو را پذیرفته‌اند. این طریقه‌ای است که قانون ایران آن را هم اتخاذ کرده است.

دلایل طرفداران سیستم خون:

۱- **مصلحت کشورهای پرجمعیت و مهاجر فرست:** چون کثرت تبعه برای دولتی در زمان صلح، باعث قدرت سیاسی و اقتصادی و در هنگام جنگ موجب قدرت نظامی می‌شود، بنابراین مصلحت کشورهایی که تبعه زیاد دارند و وسعت خاک آنها متناسب با سکنه نمی‌شود و اجباراً افراد آنها را برای تلاش زندگی و یافتن کار به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند در این است که سیستم خون را اجرا نماید تا اینکه اهالی کشور را هر کجا باشند، تبعه خود بدانند.

۲- **دلایل ملی یا نژادی:** گفته می‌شود اعمال سیستم خون بهترین وسیله رعایت تأثیرات نژادی و در نتیجه ضامن علاقه‌مندی به کشور است. انسان مخلوط محیطی است که در آنجا زندگی می‌کند. او ساخته آب و هوا و تربیت است، علاقه‌مندی به کشور با خون او آمیخته شده و از آن راه، به اطفال سرایت می‌کند.

۳- **دلایل احساساتی:** سیستم خون برای افزایش اعتبار و حیثیت دولتی بسیار مفید است. زیرا اسم آن کشور بیشتر بر سر زبانها می‌افتد و کثرت تبعه و داشتن افرادی در خارج از کشور باعث نفوذ سیاسی و معنوی می‌شود.

دلایل طرفداران سیستم خاک

الف) دلایل عقلی

۱- **انتساب هر فرد به دولتی، بیشتر مربوط به خاک است.** عملاً قدرت دولتها نسبت به اشخاصی اعمال می‌شود که در قلمرو آنها سکونت دارند و همین که فردی از قلمرو دولتی خارج شد، دیگر نفوذ واسطه واقعی برای آن دولت نسبت به آن فرد وجود ندارد و برعکس فردی که در سرزمینی متولد شد اجباراً تحت اختیار و حاکمیت آن دولت قرار می‌گیرد و بنابراین بایستی تبعه آن دولت محسوب شود.

۲- **تابعیت ارضی:** مانند وسیله غیر مستقیمی برای مبارزه با بی تابعیتی جلوه می‌کند. کسی که در خاک مملکتی متولد شد، قهراً در سرزمین دولت دیگر به وجود نیامده است تا این دولت به اقتضای سلطه خود بتواند تابعیت را بر او تحمیل کند پس اگر فردی تابعیت محل تولد خود را نپذیرد، دولت دیگری یافت نمی‌شود که بتواند تابعیت به او اعطا نماید.

۳- **تشابه تابعیت و اقامتگاه:** هرگاه شخصی خواه به علت ازدواج و خواه به هر علت دیگری در سرزمینی اقامت گزیند، نمی‌تواند نسبت به سایر سکنه آن سرزمین مزایایی داشته باشد و او تحت همان قوانین و مقرراتی قرار می‌گیرد که نسبت به سایر اهالی اعمال می‌گردد. در واقع بین اقامتگاه و تابعیت ارضی همیشه رابطه‌ای موجود است. ممالکی که احوال شخصیه افراد را تابع اقامتگاه و تابعیت ارضی می‌دانند در تابعیت هم سیستم خاک را اعمال می‌کنند مانند کشورهای انگلیس و آمریکا. در آمریکا تابعیت مبتنی بر سیستم خاک است و در تعارض قوانین هم قانون اقامتگاه را اعمال می‌کنند.

ب) دلایل فایده جویی و مصلحتی

مصلحت کشورهای کم جمعیت و مهاجر پذیر: اعمال سیستم خاک برای کشورهای وسیع و کم جمعیت بسیار مفید است و می‌توان گفت برای کشوری که سکنه آن به کمک افراد خارجی رونق پیدا می‌کند یک ضرورت است چنانچه دولت آمریکا که امروزه بالغ بر دویست و پنجاه میلیون جمعیت دارد، به واسطه مهاجرت‌هایی است که از قرن نوزدهم به بعد در آن به وقوع پیوسته است. بنابراین برای کشور مهاجرپذیر این مساله به صورت یک ضرورت ظاهر می‌شود که تصمیم بگیرد "تمام کسانی که در خاک آن دولت به دنیا آمده‌اند تبعه او باشند."

اصل بین‌المللی آزادی دولتها در قانونگذاری برای تعیین اتباع خود:

مرسوم بودن تنظیم قاعده‌های حاکم بر تابعیت در قانونگذاریهای داخلی در عموم کشورها و سهمیم بودن همگی آنها در تشکیل جامعه بین‌المللی، به عنوان اعضاء و تشکیل دهندگان آن جامعه، سبب استنتاج این اصل بین‌المللی گردیده است که "تعیین اتباع هر دولت، به قانونگذار همان دولت متعلق است" این اصل که آن را اصل آزادی دولتها در تعیین اتباع خود می‌نامند در جامعه بین‌المللی دارای ارزش حقوق مثبتی می‌باشد به این معنی که در دعاوی بین‌المللی در برابر دولتهای دیگر قائل استناد است.

سه اصل بین‌المللی راهنما

۱- هرکس باید دارای تابعیت باشد - نفی بی تابعیتی

کسانی که دارای تابعیت‌اند، نه تنها در کشور خود از وضعی روشن و ثابت برخوردارند در جامعه بین‌المللی هم به لحاظ آنکه دولت متبوع آنها حامی آنهاست از وضعی مشخص بهره‌مند می‌باشند و امور راجع به آنها را دولت متبوع آنها عهده دار می‌گردد. به این مناسبت نظم بین‌المللی مانند نظم داخلی ایجاد می‌کند شخص دارای تابعیتی باشد. بازتاب نظم بین‌المللی در قانونگذاریهای داخلی، در این باره بدین گونه است که هر دولت با وضع انواع قاعده‌ها کوشش می‌کند تا آنجا که میسر می‌باشد برای کسانی که در قلمرو او می‌باشند، تابعیت در نظر گرفته شود.

این قاعده‌ها، خاصه قاعده‌های مبتنی بر معیار خاک از این جهت بیشتر مؤثرند که سبب می‌گردند برای کسانی که از دایره مشمول قاعده‌های مبتنی بر معیار خون بیرون می‌مانند بتواند تابعیت کشور محل تولد آنها را در نظر گرفت. در برابر این اصل کسانی یافت می‌شوند که بی تابعیت هستند یعنی در شمول قواعد تابعیت هیچ کدام از کشورها نمی‌باشد به این گونه اشخاص Apartide گفته می‌شود. پدید آمدن حالت بی تابعیتی، نتیجه "خصلت منحصرأ ملی قانونگذاری درباره تابعیت" می‌باشد و در عمل نتیجه عوامل گوناگون است مانند: درخواست ترک تابعیت و موافقت دولت با آن و عدم توفیق در تحصیل تابعیت جدید یا سلب تابعیت به عنوان مجازات.

۲- نداشتن بیش از یک تابعیت، نفی دو تابعیتی (تابعیت مضاعف):

همانگونه که نظم بین‌المللی ایجاب می‌کند هر کس دارای تابعیتی باشد، این نظم طلب می‌کند کسی بیش از یک تابعیت نداشته باشد و این به لحاظ آن است که داشتن تابعیت مضاعف سبب تقابل میان دولتهای متبوع شخص نمی‌گردد و این امر با نظم بین‌المللی به ویژه از حیث تقسیم جغرافیایی اشخاص میان دولتها ناسازگار است. داشتن بیش از یک تابعیت برای خود شخص نیز عاری از دشواری نیست. زیرا دارنده‌ی بیش از یک تابعیت، از یک سو می‌تواند از امتیازات تابعیت بیش از یک دولت برخوردار شود، از سوی دیگر ناگزیر است تکالیف راجع به همه تابعیتهای خود را عهده‌دار گردد و چه بسا جمع این تکالیف دشوار باشد مانند: تکلیف انجام خدمت سربازی زیر پرچم آن دولتها، از این گذشته این زیان را هم برای تبعه دارد که دولتهای متبوع وی نمی‌توانند از او در برابر یکدیگر حمایت سیاسی نمایند. از سوی دیگر هر دولت از دید قاعده‌های بین‌المللی، مجاز است تابعیت خارجی اینگونه اتباع خود را نادیده بگیرد و آنها را فقط تبعه خود بداند. عامل اصلی نبودن قاعده‌های الزام‌آور بین‌المللی، در تقسیم درست اشخاص میان دولتها و محول نمودن آن به قانونگذاریهای داخلی، استقلال آن قانونگذارها در برابر یکدیگر است و آنچه در عمل منتهی به دو تابعیتی می‌شود می‌تواند یا قهری باشد مانند تولد شخص در کشوری سوای کشور متبوع پدر و مادر که در این حالت شخص از یک سو دارای تابعیت کشور متبوع آنها تلقی می‌گردد و از سوی دیگر دارای تابعیت کشور محل تولد، این وضعیت هنگامی رخ می‌دهد که در کشور متبوع پدر و مادر او قاعده‌های مبتنی بر معیار خود و در کشور محل تولد او قاعده‌های مبتنی بر معیار خاک بر تابعیت او حاکم باشد و یا ممکن است ارادی باشد مانند آنکه کسی با حفظ تابعیت پیشین خود تابعیت دولت دیگر را هم به دست آورد. برای حل دو تابعیتی، یا کاستن از دشواریهای آن روشهای گوناگون می‌توان اتخاذ کرد، مانند آنکه در تابعیتهای اصلی، در قانونگذاری داخلی، برای تبعه حق انتخاب میان یک یا دو تابعیت قائل انتساب به او نفی و دیگری شناخته شود و یا در مورد تابعیت اکتسابی جدید، کسب آن منوط به ترک تابعیت پیشین شود.

۳- حق تغییر تابعیت

اینکه کسی می‌تواند در دوران کنونی تابعیت یک دولت را به اراده خود، ترک گوید و تابعیت دولتی دیگر را بپذیرد نتیجه تحولهایی است که از قرن نوزدهم در حقوق فرد در برابر دولت پدید آمده و به معنای انقیاد مطلق و همیشگی فرد نسبت به دولت نیست. حقوقی که بدین گونه برای تبعه نسبت به تابعیت خود و یا تغییر آن شناخته شده با اختیار دولت در تعیین اتباع خود بدین نحو قابل جمع است که هر دولت در قانونگذاری خود در زمینه‌ی تابعیت، شرایطی را که برای تغییر تابعیت آن دولت از سوی تبعه لازم است مراعات گردد، تعیین می‌نماید، در اینجا لازم است خاطر نشان گردد که اگر تغییر تابعیت تنها در معنای از دست دادن تابعیت یک دولت و به دست آوردن تابعیت دولت دیگر فرض شود، باید گفت هر ترکیب تابعیتی را نمی‌توان به معنای تغییر تابعیت دانست، زیرا ممکن است ترک کننده تابعیت نتواند به تابعیت دولت دیگر درآید و این عمل او سبب بی‌تابعیتی وی گردد. تغییر تابعیت می‌تواند از اراده صریح خود تبعه ناشی گردد یعنی در اثر درخواست ترک تابعیت از دولت متبوع پیشین و درخواست تحصیل تابعیت از دولت دیگر، یا ناشی از عواملی دیگر مانند ازدواج میان زن و مرد دارای دو تابعیت جداگانه و تحمیل تابعیت مرد بر زن باشد و یا در اثر عوامل قهری پیش آید مانند جابه‌جا شدن حاکمیت دولت پیشین با حاکمیت دولتی دیگر بر سرزمینی که تبعه به آن وابسته است، بر اثر جداسدن آن سرزمین از قلمرو حاکمیت یک دولت و الحاق آن به قلمرو دولت دیگر، در پی پیشامد جنگ و عقد صلح یا حل اختلافات مرزی.

در حالت اخیر، به لحاظ قهری بودن تابعیت جدید در پیمان میان دو دولت ممکن است حق انتخاب تابعیت از میان تابعیت دولت پیشین و دولت جدید برای تبعه در نظر گرفته شود.

در رابطه با حق تغییر تابعیت سه مورد را باید در نظر داشته باشیم:

۱- تغییر ارادی تابعیت

۲- تغییر غیر ارادی تابعیت

۳- تغییر تابعیت در اثر ازدواج

۱- تغییر ارادی تابعیت

عده‌ای از علما به استناد حاکمیت مطلق اراده معتقدند که هرکس در هر لحظه می‌تواند، رابطه تابعیت را با دولت متبوعه خود قطع کند. این عقیده به طور مطلق صحیح نیست. زیرا تغییر تابعیت مشروط است به اینکه اولاً شخص قادر باشد، تابعیت فعلی خود را از دست بدهد ثانیاً اینکه او بتواند تابعیت جدیدی را به دست بیاورد، اراده اعمال نمی‌شود مگر در قلمرو این دو شرط؛ بنابراین اراده تنها در درخواست تابعیت دخالت دارد و بس.

الف) وضع شخص در مقابل دولتی که می‌خواهد نسبت به آن ترک تابعیت کند

در سابق عموماً رابطه تابعیت فرد نسبت به دولت یک رشته "انقیاد همیشگی" بوده که به گردن شخص افکنده شده بود و برای شخص به هیچ وجه میسر نبود که خود را از این بند رها سازد. این طرز تفکر تا اواسط قرن نوزدهم ادامه داشت و پس از آن به تدریج دولتها به این تفکر رسیدند که اولاً ممکن است برای شخص تبعه، دلایل موجهی پیش آید که ترک تابعیت او را ایجاب نماید. ثانیاً دولتها هم چندان نفعی ندارند که افرادی را به اکراه و اجبار تبعه خود دانسته و آنها را از قید تابعیت رها سازند، بلکه مصلحت در این است که در مقابل پذیرش به تابعیت دریچه اطمینانی باز کنند تا تعدیلی در مقررات تابعیت کرده باشند بدیهی است که اجازه ترک تابعیت یک مساله "مصلحت اجتماعی" است و به هیچ وجه یک تکلیف حقوقی نمی‌باشد زیرا که امروزه مسلم است که تابعیت قرارداد نیست تا تبعه بتواند آن را فسخ کند. شخصی که تابعیت تولدی دارد آن را در اثر قرارداد به دست نیاورده است بلکه صرفاً یک تصمیم مقنن است که تابعیت را بر او تحمیل می‌کند و همان مقنن می‌تواند شرایطی را برای اجازه ترک تابعیت معین کند. در ترک تابعیت عموماً سه شرط مورد توجه قانونگذار قرار می‌گیرد:

۱- شرط از لحاظ کمیت

۲- شرط از لحاظ زمان

۳- شرط انجام تعهدات شخصی نسبت به دولت مخصوصاً تعهدات نظامی

۱- **شرط از لحاظ کمیت:** این شرط در مواردی به کار می‌رود که دولتی ملاحظه نماید، تقاضای ترک تابعیت روز به روز زیادتیر می‌شود یا در مواردی که ترک تابعیت دسته جمعی صورت گیرد. البته در این موارد دولت مکلف است که جلوگیری کند (ماده ۹۸۸ ق.م. ایران اجازه هیأت وزیران را برای خروج از تابعیت لازم دانسته است).

۲- **شرط زمان:** دولت می‌تواند ترک تابعیت را به زمان معینی موکول نماید. مثلاً بسیار معقول و قابل قبول است که دولتی به تبعه صغیر خود اجازه ترک تابعیت ندهد و این اقدام را که اهمیت آن نسبت به سایر موارد زیادتیر است، موکول به زمانی کند که شخص رشد کامل پیدا کرده باشد. طبق ماده ۹۸۸ ق.م. برای امکان ترک تابعیت ایران ۲۵ سال کامل لازم می‌باشد.

۳- **شرط انجام تعهدات شخصی مخصوصاً تعهدات نظامی:** یعنی دولت می‌تواند اجازه ترک تابعیت را موکول به انجام خدمت نظام وظیفه نماید. (ماده ۹۸۸)

ب) وضع شخص در مقابل دولتی که می‌خواهند به تابعیت آن درآید

شخص از دولت جدید فقط می‌تواند تقاضای پذیرش به تابعیت کند و تحصیل تابعیت حقی برای او محسوب نمی‌شود. اعطای تابعیت یک عمل حاکمیتی است و دولتها آزادانه و با شرایطی که مقتضی می‌دانند، تابعیت را به هر که بخواهند می‌بخشند. همانطور که هیچ کس نمی‌تواند آزادانه تابعیتی را ترک نماید، هیچ کس هم نمی‌تواند آزادانه تابعیت جدیدی به دست بیاورد.

۲- تغییر غیر ارادی تابعیت

تغییر غیر ارادی تابعیت در مواردی رخ می‌دهد که قسمتی از اراضی یک کشور از خاک اصلی جدا شود و رویه بر این جاری است که پس از پایان هر جنگ، معاهدات صلح بین دول متخاصم مقرر می‌دارد که بومی‌ها یا ساکنین اراضی منتزع شده، به تابعیت دولتی درآیند که از این پس بر آنها سلطه و حکومت خواهد داشت. از سوی دیگر این قاعده قدیمی است و اغلب آن را با حق انتخاب بین یکی از دو تابعیت برای ساکنین اراضی منتزع شده، تعدیل می‌کنند.

۳- تغییر تابعیت در اثر ازدواج

نظریه وحدت تابعیت زن و شوهر

طبق این نظریه که توسط طرفداران آن ارائه شده، ازدواج در تابعیت تأثیر دارد و زن در اثر ازدواج، تابعیت شوهرش را کسب می‌کند و هر دو دارای تابعیت واحدی می‌باشند (وحدت تابعیت).
درباره منشأ حقوقی تغییر تابعیت زن در اثر ازدواج، عقاید علما مختلف است. برخی این تغییر تابعیت را ناشی از اراده زن دانسته و برخی آن را غیر ارادی می‌دانند و بالاخره گروهی سلطه شوهری را در این تغییر تابعیت، مؤثر می‌شمارند.
طرفداران نظریه اراده می‌گویند: زن تابعیت شوهر را می‌پذیرد، برای اینکه می‌خواهد آن را بپذیرد و در هنگام ازدواج به تابعیت خارجی شوهرش عالم است و با علم و اراده آن تابعیت را قبول می‌کند از این جهت است که فقط تابعیت ابتدایی شوهر به زن تحمیل می‌شود و نه تابعیت بعدی شوهر که زن در هنگام ازدواج از آن بی‌خبر بوده است.
طرفداران عقیده اراده این مطلب را نیز اضافه می‌کنند که وقتی زن، شوهر اختیار می‌کند ضمناً تابعیت او را هم می‌پذیرد و در این مورد یک اراده فرضی یا یک صورت خیالی از اراده موجود است در صورتی که طبق دکترین جدید اراده فرضی مردود است و علمای حقوق جدید عقیده دارند که اراده وقتی می‌تواند وجود داشته باشد که صریحاً یا عملاً بتوان آن را ابراز نمود.
بالاخره گروهی عقیده دارند که تغییر تابعیت نتیجه سلطه شوهری است که این عقیده هم صحیح نیست زیرا سلطه شوهر یک موضوع حقوق خصوصی و مربوط به اهلیت مدنی زن است حال آنکه موضوع تابعیت از مفاهیم حقوق عمومی سرچشمه می‌گیرد.
به طور کلی می‌توان گفت که تغییر تابعیت در اثر ازدواج نه ارادی و نه غیر ارادی و نه در نتیجه سلطه شوهر است. این تغییر تابعیت اثر وصف تأسیسی عقد ازدواج است. زن فقط ازدواج را خواسته است. تغییر تابعیت را قانون به او تحمیل می‌کند وقتی زن، شوهر اختیار می‌کند، سازمان قانونی ازدواج را همانطوری که در کشور متبوعه شوهر تأسیس شده می‌پذیرد. بدیهی است که برای امر ازدواج رضایت زن لازم است ولی همین که زن به این امر تن دهد، خودبه‌خود آثار قهری آن را قبول می‌کند و در حقیقت به تمام آثار سازمان قانونی تن در می‌دهد و خلاصه همانطوری که حجر زن، سلطه شوهری و غیرقابل تغییر بودن قراردادهای ازدواج از آثار قهری ازدواج است، تغییر تابعیت زن هم نتیجه قهری زناشویی می‌باشد.

نظریه استقلال تابعیت زوجین

مساله ازدواج در تابعیت زن، از اوایل قرن بیستم به بعد به کلی تغییر شکل داده است. مبنای این تحول، فکر نوین تساوی حقوق زن و مرد و مبارزه برای رفع حجر زن بوده است. می‌گویند زن در مواقع ازدواج تنها به شوهر علاقمند می‌شود نه به تابعیت، اقامتگاه، رژیم ازدواج و سایر امور شخصیه او.
طبق نظریه استقلال تابعیت زن و شوهر، تابعیت یکی از همسرها قابل تسری به همسر دیگر نمی‌باشد و تابعیت آنها جدا و مستقل از یکدیگرند مگر در صورت رضایت خودشان. این نظریه از اوایل قرن بیستم به بعد شکل گرفته و نهضت هواخواهی افزایش حقوق زن، از گروه کشورهای انگلیسی-آمریکایی مبدع آن می‌باشد. از سوی دیگر این نظریه قابل انتقاد است بدین شرح که: موضوع تابعیت یک رابطه ذاتاً سیاسی است و نیاوستی آن را با موضوع آثار مدنی ازدواج مخلوط کرد و گواه اینکه از نظر حقوق خصوصی تساوی مرد و زن لازم است، انعکاس مساله روی تابعیت مورد ندارد. وحدت تابعیت در کانون خانوادگی از یک فکر قانونی سرچشمه می‌گیرد نه اراده طرفین. قانونگذار که وحدت تابعیت را در درون خانواده تسهیل یا تحمیل می‌کند، وظیفه خود را که تحکیم اساس اجتماعی است انجام می‌دهد و به هیچ وجه نظر تحقیری به هیچ یک از همسرها ندارد.
در هر صورت باید اذعان کرد که افکار و عقاید فوق، بی‌تأثیر در تغییر قوانین راجع به تابعیت در اثر ازدواج نبوده است ولیکن در حقیقت و واقع امر آنچه بیشتر مورد توجه قوانین کشورها در سالهای اخیر واقع شده، همان جنبه‌های سیاسی و مصلحتی تابعیت موجه است و به طور کلی امروز دولتها برحسب اینکه زن تبعه خارجه، با یکی از اتباع داخله کشور ازدواج کند و یا اینکه زنی از اتباع داخله، شوهر خارجی انتخاب کند، سیستم‌های مختلف قبول کرده‌اند. چنانچه قانون مدنی ایران، راجع به زن تبعه خارجه که شوهر ایرانی اختیار می‌کند، سیستم وحدت تابعیت را پذیرفته است و طبق بند ۶ ماده ۹۷۶ ق.م. هر زن تبعه خارجه که شوهر ایرانی اختیار کند، تبعه ایرانی محسوب می‌شود. اما راجع به زن ایرانی که با شوهر خارجی ازدواج کند، سیستم استقلال نسبی تابعیت را پذیرفته است و ماده ۹۸۷ مقرر می‌دارد: "زن ایرانی که با تبعه خارجی مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی"



خواهد ماند. مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه عقد ازدواج به زوج تحمیل شود".

شکل گرفتن قاعده‌های تابعیت در حقوق ایران

تابعیت ایران را به سه وسیله ممکن است به دست آورد:

۱- به وسیله اجرای سیستم خاک یا خون. این وسیله در موقع ولادت و یا اگر احیاناً بعد از ولادت است در نتیجه اموری که مربوط به ولادت طفل باشد، اعمال می‌شود.

۲- به وسیله ازدواج

۳- به وسیله پذیرش تابعیت ایران

تابعیتی را که در اثر وسیله اول به دست می‌آید تابعیت اصلی و تابعیتی را که در نتیجه دو وسیله اخیر الذکر به دست می‌آید تابعیت اکتسابی می‌نامند. پس تابعیت اصلی تابعیتی است که از بدو تولد بر انسان تحمیل می‌شود در صورتی که تابعیت اکتسابی بعد از تولد و در نتیجه عواملی از جمله اراده خود شخص، ازدواج یا... به دست می‌آید.

تابعیت در ایران

تا قبل از سال ۱۳۲۴ هجری قمری هیچ گونه مقررات قانونی در مورد تابعیت در ایران وجود نداشته است. اما در بعضی از عهدنامه‌هایی که دولت ایران با دول خارجی منعقد کرده است می‌توان موادی راجع به تابعیت پیدا کرد. از جمله در دو عهدنامه بین ایران و عثمانی منعقد در شعبان ۱۱۵۹ ه.ق بین نادرشاه افشار پادشاه ایران و سلطان محمودخان اول سلطان عثمانی و دیگری منعقد در سال ۱۱۹۲ ه.ق بین میرزا محسن خان مشیرالدوله وزیر مختار ایران و محمد راشد بیک وزیر خارجه دولت عثمانی به تابعیت اشاره شده و همچنین قراردادهای بین ایران و روسیه یکی قرارداد ترکمنچای منعقد در ۱۲۴۳ هجری قمری و دیگری قرارداد ۱۲۶۰ ه.ق بین حاج میرزا آغاسی نماینده دولت ایران و سفیر کبیر روسیه می‌باشد. از مهمترین معاهدات منعقد در مورد تابعیت، معاهده پاریس منعقد بین ایران و انگلیس با وساطت دولت فرانسه در سال ۱۸۵۷ میلادی می‌باشد. به طور کلی اولین قانونی که راجع به تابعیت در ایران تدوین شده قانون نامه تابعیت ایران بود که در تاریخ ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ه.ق در پانزده ماده تنظیم شد. در این قانون به طور کلی روش خاک پذیرفته شده بود. مگر در صورتی که معلوم می‌شد والدین طفل خارجی هستند.

پس از قانون فوق الذکر، قانون تابعیت جدیدی در ۱۳۰۸ ه.ش به تصویب مجلس رسید که در سال بعد نیز تکمیل گردید و تا سال ۱۳۱۳ که جلد دوم قانون مدنی ایران به تصویب رسید و شامل موادی راجع به تابعیت بود، به آن عمل می‌شد.

برخی از اصول تابعیت ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در اصول ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی درباره اینکه تابعیت حق مسلم هر ایرانی می‌باشد و نیز درباره محدود بودن اختیار دولت در سلب تابعیت ایرانیان تعیین تکلیف شده است. این دو اصل عبارتند از: "تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او و یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید"، "اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد و یا خود آنها درخواست کنند". به طوری که دیده می‌شود در این دو اصل گذشته از تمایز میان دارندگان تابعیت اصلی و دارندگان تابعیت اکتسابی و تخصصی هر یک از این دو اصل به یکی از این دو دسته از اتباع ایران درباره سه موضوع به ترتیب زیر بیان حکم شده است.

(۱) شناخت تابعیت به عنوان حق تابعیت برای ایرانیان

(۲) درآمدن بیگانگان به تابعیت ایران

(۳) محدود بودن اختیار دولت در سلب تابعیت اتباع ایران

شناخت تابعیت ایران به عنوان حق مسلم هر ایرانی در قانون اساسی

این اصل را باید در حقوق ایران از ابتکارهای این قانون دانست چون در این مورد حکمی در قوانین گذشته ایران، دیده نمی‌شود. بنابراین، این که حق تابعیت به عنوان حقی مانند انواع حقوق فردی دیگر، که در قوانین ایران شناخته شده‌اند پایه قانونی یافته و

در برابر دولت قائل استناد است. این حق با آنکه در تعیین حقوق شخصی نسبت به اموال غیر منقول مؤثر است خود از حقوق مالی نیست و از انواع حقوق غیر مالی مانند حقوق سیاسی، حقوق خانوادگی و حقوق راجع به مشخصات شخص به شمار می‌آید و در نهاد خود، سیاسی است چنانچه داشتن تابعیت به دارنده آن امتیاز و اختیار را می‌دهد که در کارهای سیاسی جامعه خود مشارکت کند و همچنین در حقوق خانوادگی این امکان را می‌بخشد که این دسته از حقوق او، در هر کجا، هر چند در خارج از ایران، همچنان تابع قانون ایران باشد. در قانون اساسی تصریح شده که این حق متعلق به هر فرد ایرانی می‌باشد در اینجا به نظر می‌رسد که مراد قانونگذار از ایرانی دارنده تابعیت اصلی ایران باشد.

بنابراین آیا می‌توان گفت اطلاق آن بر دارندگان تابعیت اکتسابی ایران جایز نیست. در اینجا باید به تفاوت میان این دو دسته از اتباع توجه شود. درباره بهره‌مند بودن دارندگان تابعیت اصلی از انواع حقوق در ایران، محدودیتی جز آنچه مربوط به شرایط شخصی آنها مانند سن یا پیشینه محکومیت کیفری آنها باشد، دیده نمی‌شود ولی درباره دارندگان تابعیت اکتسابی ایران، گذشته از این گونه محدودیتها، محدودیت عام دیگری در برخورداری آنها از حقوق اجتماعی در قانون دیده می‌شود که مخصوص آنها و ناشی از اکتسابی بودن تابعیت آنهاست (ماده ۹۸۲) از این گذشته، کیفر سلب تابعیت به لحاظ ارتکاب بزه برحسب معمول درباره دارندگان تابعیت اکتسابی در قوانین مقرر می‌گردد.

پیش‌بینی سلب تابعیت در قانون اساسی

در دو اصل ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی کنونی در دو حالت به دولت اختیار داده شده است که از دارنده تابعیت ایران سلب تابعیت کند: نخست آنکه وی به تابعیت کشوری دیگر درآید و یا دولتی دیگر تابعیت او را بپذیرد، دیگر آنکه خود او درخواست کند. با آنکه در قانون اساسی ایران برای دو حالت یادشده یک عنوان یعنی عنوان سلب تابعیت برگزیده شده است، این عنوان را نسبت به حالت دوم باید محمول بر مسامحه دانست زیرا میان این دو حالت این تفاوت اساسی دیده می‌شود که اگر در حالت دوم ابتدا خود تبعه با درخواست ترک تابعیت در این راه پیش قدم می‌شود و دولت با آن موافقت می‌کند. یعنی اراده دو طرف تابعیت در آن مؤثر است. در حالت اول، اقدام کننده و تصمیم گیرنده فقط خود دولت می‌باشد. بنابراین سلب تابعیت تنها در مورد حالت اول و درباره حالت دوم عنوان ترک تابعیت شایسته‌تر می‌باشد. حتی در آن حالت که دولت به لحاظ آنکه تبعه به تحصیل تابعیت بیگانگان اقدام کرده به سلب تابعیت او نسبت به خود مبادرت می‌کند نمی‌توان این اقدام را خودسرانه و تصمیمی یک جانبه از سوی دولت دانست زیرا با داشتن تابعیت بیگانه و حفظ آن از سوی تبعه می‌توان پنداشت که او نسبت به آن دولت از وفاداری کافی بهره‌مند نیست و با این عمل خود، موجبات سلب اعتماد دولت را نسبت به خود فراهم ساخته و اقدام دولت در سلب تابعیت او پاسخ به عمل خود او بوده است. اگر درباره یکی از این دو حالت، یعنی درباره ترک تابعیت از سوی قانونگذار عادی به تعیین شرایط مبادرت شده (ماده ۹۸۸) درباره حالت دیگران اقدام صورت نگرفته و شرایط آن نه در خود قانون اساسی و نه در قانون عادی تاکنون تعیین نگردیده است لازم به یادآوری است که اجازه سلب تابعیت ایران در این دو اصل ناظر به کسانی است که با برخورداری از تابعیت ایران به تحصیل تابعیت بیگانه مبادرت می‌کنند نه کسانی که تابعیت خارجی آنها مقدم یا همزمان با تابعیت ایرانی آنها تحقق یافته باشد. بنابراین می‌توان گفت این دو اصل در مواردی می‌توانند مجوز سلب تابعیت ایرانی افراد به لحاظ تابعیت خارجی آنها باشند و در مواردی هم فاقد چنین تأثیری هستند.

الف) تابعیت‌های اصلی ایران:

کسانی که تابعیت ایرانی آنها ناشی از تابعیت ایرانی پدر آنها یا تولد آنها در سرزمین ایران است دارنده تابعیت ایران به شمار می‌آیند. مراد از افزودن صفت اصلی بر این نوع تابعیتها نشان دادن تمایز آنها از تابعیت‌های اکتسابی و نیز نشان دادن این نکته است که اینگونه تابعیتها به زمان تولد شخص مربوط است و اینکه تابعیت او ناشی از تولد وی در خانواده‌ای ایرانی و یا تولد در سرزمین ایران بوده است. خاصه آنکه به لحاظ برخی تفاوتها میان حقوق اجتماعی دارندگان تابعیت اصلی ایران و تابعیت اکتسابی ایران تمایز میان این دو دسته از اتباع ایران ضرورت دارد.

تابعیت‌های اصلی ایران در بندهای ۲ و ۳ و ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی تعیین گردیده‌اند و بر دو نوع می‌باشد:

(۱) تابعیت ایرانی منسوب به شخص به لحاظ تولد از پدر ایرانی (سیستم خون)



۲) تابعیت ایرانی منسوب به او به لحاظ تولد وی در قلمرو حاکمیت ایران (سیستم خاک)

ماده ۹۷۶ بدین شرح است: اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

۱- کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تابعیت خارجی آنها مسلم باشد. تابعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.

۲- کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.

۳- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنها غیر معلوم باشند.

۴- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده، به وجود آمده‌اند.

۵- کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به هجده سال تمام لاقبل یکسال دیگر در ایران اقامت کرده باشند در غیر این صورت قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.

۶- هر زن تبعه خارجه که شوهر ایرانی اختیار کند.

۷- هر تبعه خارجه که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

تبصره - " اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و کنسولی و خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود "

در بند ۱ ماده ۹۷۶ قانونگذار یک اماره قانونی را بیان می‌کند که تمایل به اصل خاک را نشان می‌دهد و می‌گوید: " کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تابعیت خارجی آنها مسلم باشد ایرانی محسوب می‌شوند " زیرا ظاهر این است که افراد ساکن هر کشوری تبعه این کشورند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود به همین جهت این ماده فقط اشخاصی را که تابعیت خارجی آنها مسلم باشد، خارجی می‌داند و آن هم باید توسط مدارکی که مورد اعتراض دولت ایران نباشد، ثابت شود. با اینکه بند ۱ در نظر داشته است روش خاک را به طور کامل عنوان نماید. اما با توجه به عبارت ماده ایرادی نیز به آن وارد است بدین شرح که به نظر می‌رسد قانونگذار هر شخصی را که ساکن ایران می‌باشد و تابعیت خارجی او نیز مسلم نیست تابع ایران می‌داند، در حالی که ممکن است چنین شخصی اصولاً بی‌تابعیت باشد و دولت ایران مثل سایر دول معمولاً اشخاص بدون تابعیت را خارجی محسوب می‌نمایند.

قاعده تعیین کننده تابعیت ایرانی فرزند به لحاظ تابعیت ایرانی پدر

اعمال روش خون طبق قانون ایران

بند ۲ ماده ۹۷۶ روش خون یا نسبی را پذیرفته است زیرا می‌گوید: " کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند تبعه ایران محسوب می‌شوند ". بنابراین طبق این بند کافی است پدر ایرانی باشد تا فرزند او نیز ایرانی باشد. خواه در ایران متولد شود، خواه در خارج از ایران. نتیجه این حکم آن است که با مشخص شدن هویت و تابعیت ایرانی پدر، تابعیت فرزند او نیز هر چند تولد فرزند در کشوری دیگر رخ داده و تابعیت آن کشور نیز به او تعلق گرفته باشد، ایرانی است. تابعیت ایرانی پدر اعم است از اینکه تابعیت اصلی باشد یا تابعیت اکتسابی.

منظور از این تابعیت، تابعیت پدر در زمان تولد فرزند است. انتساب طفل به پدر نیز باید مشروع باشد. نکته دیگر این است که در این عبارت نامی از مادر برده نشده است. علت عدم اشاره این می‌باشد که قانونگذار ایرانی در تنظیم قاعده‌های تابعیت ایران، درباره خانواده‌های ایران قایل به وحدت تابعیت بوده و ذکری از مادر نبرده است. در نتیجه اگر کسی از مادر ایرانی و پدر بیگانه تولد یابد، تابعیت او از دایره شمول این بند خارج می‌ماند مگر اینکه وی در سرزمین ایران تولد یافته باشد که در این مورد تابعیت ایرانی او به اقتضای مورد، می‌تواند مشمول یکی از بندهای ۳ و ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ تلقی گردد.

از این رو می‌توان گفت در اسلوب تابعیت ایران در تعیین تابعیت اصلی ایران به لحاظ انتساب به خانواده ایرانی تنها انتساب به پدر منظور گردیده و برای مادر در آن سهمی شناخته نشده است. بنابراین با توجه به توصیفات فوق می‌توان نتیجه گرفت که بند ۲ ماده ۹۷۶ اعلام کننده سیستم خون در تابعیت ایران بوده و طبق این بند طفل متولد در ایران از پدر ایرانی طبق سیستم خون ایرانی محسوب می‌شود نه بر طبق سیستم خاک (تولد در ایران)

۲- تابعیت کسانی که در ایران تولد یافته‌اند:

انواع تابعیت‌های ناشی از تولد در ایران

کسانی که تابعیت ایرانی آنها بر مبنای تولد آنها در قلمرو حاکمیت دولت ایران می‌باشد، بر سه دسته تقسیم می‌گردند:

- ۱) کسانی که از پدر و مادر نامعلوم یا از پدر و مادر بدون تابعیت در ایران متولد شده‌اند.
 - ۲) کسانی که از پدر و مادر بیگانه که یکی از آنها به نوبه خود در ایران تولد یافته است، متولد شده‌اند.
 - ۳) کسانی که از پدر و مادر بیگانه در ایران تولد یافته و پس از ۱۸ سالگی تمام، لاقلاً یکسال دیگر در ایران مقیم بوده‌اند.
- بندهای ۳ و ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ مبتنی بر روش خاک می‌باشند و در هر یک علاوه بر تولد در خاک ایران شرط دیگری نیز عنوان شده است بنابراین می‌توان گفت روش خاک در ایران به صورت مشروط به کار برده می‌شود نه به صورت مطلق.

۱- تابعیت ناشی از تولد در ایران از پدر و مادر نامعلوم

در بند ۳ ماده ۹۷۶ تصریح شده است: "کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنها غیرمعلوم باشند تبعه ایران محسوب می‌شوند". بنابراین با معلوم بودن تولد شخص در ایران و معلوم نبودن هویت پدر و مادر او تابعیت وی ایرانی خواهد بود. این تابعیت از زمره تابعیت‌های اصلی ایران می‌باشد و در آن معیار خاک به طور مطلق و کامل، رعایت گردیده است. منظور از قانونگذار از پیش بینی این بند جلوگیری از بی‌تابعیتی چنین اطفالی بوده است. زیرا به علت نامعلوم بودن پدر و مادر، تعیین تابعیت این اطفال از طریق نسب ممکن نیست و بنابراین با فرض اینکه این اطفال در ایران متولد شده‌اند، روش خاک اعمال می‌شود.

نظر به اینکه هرگاه در قانون ما صحبت از پدر و مادر و اولاد می‌شود، منظور پدر و اولاد مشروع است، پس اصولاً برای پدر و اولاد نامشروع هیچگونه حقی حتی حق تحمیل تابعیت را نمی‌توان قائل شد. در حالی که قبول این امر باعث بی‌تابعیتی چنین طفلی شده و این با توجه به کوششهایی که در جهت رفع مشکل بی‌تابعیتی شده، صحیح نیست. بنابراین به نظر می‌رسد که با جمع بندهای ۱ و ۳ ماده ۹۷۶ که از یک طرف کلیه ساکنین ایران را به استثنای اشخاصی که تابعیت خارجی آنها مسلم باشد، ایرانی می‌داند و از طرف دیگر کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند، ایرانی می‌داند می‌توان گفت اطفال نامشروعی که پدر و مادرشان آنها را انکار می‌کنند با توجه به غیر معلوم بودن پدر و مادر، در صورتی که در ایران به دنیا آمده باشند جزء آن دسته از ساکنین ایران هستند که تابعیت خارجی آنها مسلم نیست و بنابراین ایرانی محسوب می‌گردند.

۲- تابعیت ناشی از تولد در ایران از پدر و مادر بیگانه که یکی از آن دو نیز در ایران تولد یافته

بند ۴ ماده ۹۷۶ اعلام می‌دارد: "کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند، تبعه ایران محسوب می‌شوند" پس به صرف تولد در ایران کسی نمی‌تواند تابعیت ایران را داشته باشد، بلکه باید یکی از اבותش نیز در ایران متولد شده باشد به طوری که این عبارت نشان می‌دهد ایجاد این نوع تابعیت، بسته به فراهم آمدن دو شرط می‌باشد:

۱) تولد شخص در ایران

۲) تولد پدر و مادر او در ایران

به این ترتیب در این بند اگر تولد شخص در ایران در اعطای تابعیت به او مؤثر بوده تولد پدر یا مادر او هم در ایران در اعطای آن نیز تاثیر داشته و سبب گردیده این تابعیت درباره او از هنگام تولد تحقق یابد. ممکن است مادر چنین کسی ایرانی و متولد ایران باشد. در این حالت نیز تابعیت ایرانی او را می‌توان از نوع تابعیت‌های پیش بینی شده در این بند دانست. همانطور که مشاهده می‌شود در بند ۴ ماده ۹۷۶ بدون تفاوت بین پدر و مادر تولد یکی از آنها در ایران شرط تحقق روش خاک در مورد طفل متولد از آنها در ایران قرار داده شده است. لذا اگر پدر خارجی در ایران متولد شده باشد و طفل نیز در ایران متولد شود، طفل ایرانی است. همچنین اگر مادر خارجی در ایران متولد شده باشد و طفل نیز در ایران متولد شود در این صورت نیز طفل ایرانی محسوب می‌شود. این مورد اشکالی در بردارد زیرا با مقایسه با سایر بندهای ماده ۹۷۶ و حتی کلیه مواد مربوط به تابعیت موردی را به دست نمی‌آوریم که طفل متولد از یک پدر خارجی و مادر ایرانی ولی متولد در خارج را ایرانی بداند. در واقع ما طفلی را که از مادری ایرانی به دنیا آمده است ایرانی نمی‌دانیم در حالی که طفل را که از مادری خارجی، در ایران به دنیا آمده است، ایرانی می‌دانیم. از آنجا که این نقص بسیار واضح می‌باشد، تاکنون چندبار از اداره حقوقی وزارت دادگستری در این خصوص کسب نظر شده است.



شایان ذکر است که نظریه اولیه اداره حقوقی وزارت دادگستری در این خصوص چنین بوده است: "چنانچه مادر ایرانی بوده ولی در ایران متولد نشده باشد در این صورت نیز با توجه به وحدت ملاک و تلفیق اصل خاک و خون که مورد نظر قانون مدنی می باشد طفل مزبور ایرانی شناخته می شود."

مطابق این نظریه اطفال متولد در ایران از مادران ایرانی الاصل، ایرانی محسوب می شوند اما متعاقباً نظریه فوق به نحو زیر اصلاح گردید: "عبارت (اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می شوند) در مقدمه ماده ۹۷۶ می رساند که تابعیت ایران منحصر به کسانی است که در آن ماده تصریح شده است. طفل متولد در ایران از پدر خارجی و مادر ایرانی متولد در خارج مشمول هیچ یک از شقوق ماده مزبور نیست و چنین طفلی تبعه ایران محسوب نمی شود ولی در موردی که مادر ایرانی در ایران متولد شده باشد از این جهت که علت و مناط بیان حکم بند ۴ ماده ۹۷۶ تولد یکی از ابویین در ایران است طفل نیز تبعه ایران محسوب می شود زیرا قید خارجی بودن ابویین در بند ۴ خصوصیتی ندارد و طفل فقط از جهت تولد یکی از ابویین در ایران تبعه ایران است نه خارجی بودن آنها. بنابراین مادر ایرانی متولد در ایران علاوه بر شمول مناط حکم، تابعیت ایرانی را نیز دارد و بنابر قیاس اولویت و تنقیح مناط حکم بند ۴ طفل متولد از او ایرانی است. اما درباره طفلی که مادر ایرانی او در خارج متولد شده مناط مذکور در ماده ۴ صادق نیست و چون وضع طفل با سایر شقوق ماده ۹۷۶ تطبیق نمی کند تبعه ایران به شمار نمی رود." به طور کلی می توان نتیجه گرفت که طفل متولد ایران از پدر خارجی و مادر ایرانی متولد در خارج ایرانی محسوب نمی شود ولی طفل متولد از پدر خارجی و مادر ایرانی متولد در ایران، ایرانی محسوب می شود.

۳- تابعیت ناشی از تولد در ایران به شرط اقامت

بند ۵ ماده ۹۷۶ مقرر می دارد: " کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام لااقل یکسال دیگر در ایران اقامت کرده باشند ایرانی محسوب می شوند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایرانی برطبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است."

در این بند فرض بر این است که پدر و مادر خارجی بوده و هیچ یک نیز در ایران متولد نشده باشند، در این صورت طفل باید پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام لااقل یکسال دیگر در ایران اقامت کند تا ایرانی شناخته شود. تحقق این نوع تابعیت منوط به احراز دوش شرط است:

۱- تولد شخص در ایران

۲- لااقل یک سال اقامت دیگر پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی تمام در ایران

در این بند مطلب مهمی که مطرح است اقامت شخص متولد در ایران یک سال پس از سن ۱۸ سالگی می باشد. در این بند شرط اقامت از حیث مدت مجمل می باشد. این اجمال ناشی از قید کلمه "دیگر" پس از کلمه یکسال در این بند است. این قید نشان می دهد که حصول شرط اقامت منوط است بر اینکه مشمول این بند، افزون بر یکسال اقامت در ایران بلافاصله پس از رسیدن به ۱۸ سالگی تمام، پیش از این سن نیز باید مدتی در ایران مقیم بوده باشد. منظور از اقامت پیش بینی شده در این بند مانند آنچه قانونگذار در مورد تحصیل تابعیت ایران آورده، ساکن بودن در ایران به صورت منظم و قانونی است. تابعیت کسانی که در شمول این بند می باشند از یک سو به لحاظ آنکه تولد آنها در ایران، در این شرط است می تواند تابعیت اصلی تلقی گردد. از سوی دیگر به لحاظ آنکه در زمان تولد آنها تنها یکی از دو شرط یعنی شرط تولد تحقق می یابد و زمان تحقق شرط دیگر، یعنی شرط اقامت در ۱۹ سالگی تمام است باید گفت زمان به دست آوردن تابعیت ایران از سوی آنان، زمان رسیدن آنها به این سن می باشد به بیان دیگر می توان گفت با تحقق شرط اقامت و عدم اعمال حق انتخاب تابعیت، شخصی که دارای سابقه تولد در ایران می باشد، تابعیت ایران را به دست می آورد، بنابراین این تابعیت از این حیث از نوع تابعیتهای اکتسابی است بدون آنکه آثار تابعیت بر آن بار باشد.

از طرف دیگر در بند ۵ ماده ۹۷۶ در بیان موارد تابعیت مبدأ، گفتیم تابعیت مبدأ بدین معناست که شخص از ابتدای تولد دارای تابعیت ایران است در حالی که در اینجا تابعیت شخص در مدت ۱۹ سالی که از زمان تولد شخص تا یکسال پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام است، از نظر قانون ایران ادا مشخص نیست. اما او را از ابتدای تولد ایرانی می دانیم در حالی که شرط ایرانی بودن او را موکول به ۱۹ سال بعد می کنیم.

مستثنی شدن فرزندان ماموران سیاسی و کنسولی خارجی از شمول این مقررات

درباره فرزندان ماموران سیاسی و کنسولی خارجی که در کشور محل ماموریت پدر یا مادر تولد می یابند معمول آن است که، برای

رعایت نزاکت بین المللی، کشورها از تعیین تابعیت به لحاظ تولد آنان در سرزمین خود، خودداری می‌نمایند. این سنت پذیرفته شده بین المللی در تبصره ماده ۹۷۶ ق.م. به این عبارت انعکاس یافته است: ((اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و کنسولی خارجی مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.)) با این حال اگر از فرزندان این گونه کسان در ایران فرزندى به وجود آید تابعیت او مشمول بند ۴ ماده می‌گردد. ممکن است کسی که در دوران ماموریت سیاسی یا کنسولی پدر در ایران متولد شده بخواهد با استفاده از این سابقه تابعیت ایران را برگزیند. قانون ایران در این باره ساکت است.

حق انتخاب تابعیت خارجی پدر از سوی کسانی که در ایران تولد یافته‌اند:

ماده ۹۷۷ ق.م:

"الف - هرگاه اشخاص مذکور در بند ۴ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند باید ظرف مدت یکسال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر بر اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند. ب- هرگاه اشخاص مذکور در بند ۵ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند باید ظرف یکسال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر بر اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند."

در بندهای الف و ب ماده ۹۷۷ برای دو دسته کسانی که از پدر خارجی در ایران به وجود می‌آیند این اختیار شناخته شده است که پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، از میان دو تابعیت ایرانی و خارجی خود، تابعیت منطبق با تابعیت خارجی پدر را برگزینند. نتیجه اعمال این اختیار، نفی تابعیت ایرانی آنها خواهد بود و اگر ظرف مهلت مقرر از این اختیار استفاده نکنند، تابعیت ایرانی آنها بدون نیاز به اقدامی دیگر، تثبیت شده محسوب می‌گردد. اعمال این اختیار بسته به حصول شرایطی است که در آن دو بند به آنها تصریح شده است یا از قانون قابل استنتاج‌اند.

شرایط مشترک، میان این دو دسته آن است که اولاً دارنده اختیار پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ظرف یکسال می‌تواند حق خود را اعمال کند و اگر آن را ظرف این مدت اعمال نکند اختیار او ساقط می‌شود ثانیاً باید تصدیقی از دولت متبوع پدر حاکی از شمول تابعیت آن دولت نسبت به خود به همراه درخواست خود دایر بر اعمال این اختیار به دولت ایران (وزارت امور خارجه) تسلیم نماید. شرط مخصوص درباره کسانی است که استقرار تابعیت ایرانی آنها منوط به تحقق شرط اقامت آنها در ایران است و می‌توان آن را از تلفیق مندرجات بند ۵ ماده ۹۷۶ و بند ب ماده ۹۷۷ به دست آورد.

یعنی اینکه اعمال این اختیار از سوی این دسته از افراد، برخلاف دسته دیگر بسته به مقیم بودن آنها در ایران می‌باشد. اینکه آیا در اعمال این حق موافقت دولت نیز شرط است یا دولت می‌تواند با آن مخالفت کند.

در ماده ۹۷۷ حکمی دیده نمی‌شود با این حال با در نظر گرفتن اینکه در ماده ۹۷۸ برای اتباع دولتهایی که اعمال این حق را از سوی ایرانیان در سرزمین خود منوط به اجازه می‌دانند شرط رفتار متقابل در نظر گرفته شده می‌توان گفت در اصل برای دولت ایران اختیار نیست مگر آنکه اعمال کننده این حق در شمول ماده یاد شده باشد. این معنی از مندرجات ماده اول نظامنامه قانون تابعیت ایرانی نیز که در آن تنها تشخیص ذیحق بودن متقاضی را برای صدور سند بقاء به تابعیت پدر کافی دانسته‌اند. مستفاد می‌گردد. در اینجا باید میان دو حالت قائل به تفاوت گردید: حالتی که دارنده این حق از مهلت خود استفاده نمی‌کند و حالتی که با استفاده از آن تابعیت خارجی را برمی‌گزیند.

در حالت اول، یعنی سکونت ذینفع بجای اعمال حق انتخاب، تابعیت ایرانی مشمولان بند ۴ ماده ۹۷۶ همانگونه که از زمان تولد آنها برقرار شده است استمرار می‌یابد و تابعیت ایرانی مشمولان بند ۵ از لحظه رسیدن به سن ۱۹ سالگی تمام یعنی احراز شرط اقامت مستقر می‌گردد، در حالت دوم یعنی در صورت اعمال حق انتخاب، کسی که تابعیت ایرانی او بر اساس بند ۴ آن ماده مستقر شده است با اعمال این حق تابعیت را از دست می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت اعمال حق انتخاب از سوی او به منزله ترک تابعیت ایران است و کسی که تابعیت او بر اساس بند ۵ امکان داشته مستقر گردد با اعمال این حق از استقرار آن جلوگیری می‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت اثر اعمال حق انتخاب فوری است.



ب) تابعیت‌های اکتسابی ایران

در تابعیت اکتسابی گاه اراده شخص تأثیری در تغییر تابعیت بر اثر ازدواج و گاه تا حدودی ناشی از اراده شخص است و آن در صورتی است که خود تقاضای تحصیل تابعیت جدیدی را بنماید. پس به طور کلی در تابعیت اکتسابی موضوعات زیر مورد بحث است:

۱- تابعیت اولاد صغیر

۲- تغییر تابعیت زوجه کسی که تغییر تابعیت داده

۳- در اثر ازدواج

۴- تغییر تابعیت بر اثر اراده خود شخص

۱- تابعیت اولاد صغیر

در قانون ایران و بسیاری ممالک دیگر، هرگاه پدری تغییر تابعیت دهد و به تابعیت ایران درآید و دارای فرزند صغیری باشد، این فرزند نیز به تبع پدر تغییر تابعیت می‌دهد و به تابعیت جدید پدر می‌آید. ماده ۹۸۴ ق.م. می‌گوید:

" اولاد صغیر کسی که طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می‌نماید تبعه دولت ایران شناخته می‌شود " زیرا طفل صغیر چون این قانون تحصیل تابعیت ایران می‌نماید تبعه دولت ایران شناخته می‌شود " زیرا طفل صغیر چون هنوز به رشد عقلی کامل نرسیده است باید تحت مراقبت و تربیت والدین خود باشد لذا باید با سایر افراد خانواده دارای یک تابعیت باشد. اما اولادی که به سن ۱۸ سال تمام رسیده است تحت تأثیر تابعیت پدر قرار نمی‌گیرد. زیرا چنین فرزندی به حد رشد عقلی رسیده است و لزومی ندارد دارای تابعیت بقیه اعضای خانواده باشد به همین جهت طفل صغیر پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام می‌تواند ظرف یکسال اظهارنامه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق پدر خود را قبول کند، منتها به ضمیمه این اظهارنامه باید تصدیق دولت سابق متبوع پدر دایر بر اینکه او را به تبعه خود خواهد شناخت، باشد تا در اثر این تغییر تابعیت بدون تابعیت نشود. لازم به ذکر است که اغلب کشورهایی که تغییر تابعیت طفل را، در اثر تحصیل تابعیت پدر پذیرفته‌اند، عکس این مورد یعنی تغییر تابعیت طفل در اثر ترک تابعیت پدر را نپذیرفته‌اند، مثلاً در قانون ایران، طفلی که پدرش ترک تابعیت ایران را بنماید از تابعیت ایران خارج نمی‌شود مگر اینکه تقاضای ترک تابعیت شامل تابعیت طفل نیز باشد.

۲- تغییر تابعیت زوجه کسی که تحصیل تابعیت ایران نموده است

در اغلب کشورهایی که معتقد به اصل وحدت تابعیت می‌باشند، هرگاه مردی تحصیل تابعیت آن کشور را بنماید، زن وی نیز دارای تابعیت آن کشور می‌شود مثلاً در ماده ۹۸۴، تابعیت ایرانی شوهر را که در اثر تقاضای خود و احراز شرایط به دست آورده است بر زن تحمیل می‌نماید. اما در عین حال به زن حق می‌دهد که ظرف یکسال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر، اظهارنامه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت سابق شوهر را قبول کند. بنابراین به موجب ماده ۹۸۴ زن فقط می‌تواند به تابعیت سابق شوهر بازگشت نماید و اگر بخواهد به تابعیت اصلی خود بازگردد، قانون در این مورد تکلیفی معین نکرده است. اما در عمل وزارت امور خارجه این امر را پذیرفته است. نکته مهم در مورد ماده ۹۸۴ شناسایی حق انتخاب تابعیت است و اینکه زن تابعیت چه دولتی را انتخاب کند یک نکته ثانوی است و از نظر دولت ایران اهمیت اساسی ندارد.

۳- تغییر تابعیت زن در اثر ازدواج:

امروزه اکثر قوانین پذیرفته‌اند که به خاطر حفظ وحدت خانواده، زن و شوهر باید دارای یک تابعیت باشند بنابراین اگر زن و مردی که می‌خواهند با یکدیگر ازدواج نمایند دارای دو تابعیت مختلف باشند، معمولاً تابعیت مملکت متبوع شوهر بر زن تحمیل می‌شود. زیرا در غیر این صورت زن از حقوق و مزایایی که شوهر و فرزندانش در مملکتی بهره‌مند هستند به علت اختلاف تابعیت محروم خواهد بود و در نتیجه مشکلاتی ایجاد خواهد کرد.

به طور کلی می‌توان گفت دولتهایی که تغییر تابعیت در اثر ازدواج را برای زن الزامی دانسته‌اند آن را به عنوان یکی از آثار عقد ازدواج قبول کرده‌اند و به همین جهت معمولاً پس از طلاق یا فوت شوهر، زن می‌تواند به سادگی به تابعیت اصلی خود بازگردد.

در قانون ایران بند ۶ ماده ۹۷۶ مقرر می‌دارد: " هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند تبعه ایرانی محسوب می‌شود "

بنابراین اراده زن در این مورد تأثیری ندارد. حال اگر دولت متبوع زن پس از ازدواج باز هم او را تبعه خود بداند، در این صورت زن دارای دو تابعیت می‌شود.

از بند ۶ ماده ۹۷۶ این طور استنباط می‌شود که ازدواج باید به صورت قانونی واقع شده باشد بدین معنی که سجل احوال زن طبق ماده ۹۳۳ ق.م توسط کنسولگری ایران تعیین و ثبت شده باشد. زنی که به مناسبت ازدواج با یک مرد ایرانی تابعیت پیدا می‌کند مادامی که رابطه زوجیت آنها برقرار است، ایرانی است و در مورد دارا شدن اموال غیر منقول در ایران مسلم است که برای او محدودیتی وجود ندارد. در صورت طلاق یا فوت شوهر، باز هم زن ایرانی است اما حق دارد با اطلاع کتبی به وزارت امور خارجه و ارائه گواهی طلاق یا فوت شوهر به تابعیت قبلی خود درآید. البته در صورتی که انحلال ازدواج در اثر فوت شوهر باشد و این زن از وی اولاد صغیری داشته باشد نمی‌تواند طبق ماده ۹۸۶ تا زمانی که اولاد صغیر او به سن ۱۸ سال تمام نرسیده به تابعیت سابق خود بازگردد. این پیش‌بینی قانونگذار جهت پشتیبانی از اولاد صغیر ایرانی بوده که مطابق ماده ۱۱۷۱ ق.م حضانت وی با مادر است. زیرا در غیر این صورت، هرگاه زن به تابعیت اصلی خود رجوع کند امکان دارد یا طفل صغیر ایرانی را با خود از ایران ببرد یا او را بدون سرپرست در ایران باقی گذارد به هر حال در هر دو صورت منافع طفل صغیر و جامعه ایرانی در خطر خواهد بود.

زنی که پس از انحلال ازدواج و با تقاضای خود، تبعه خارجه می‌شود مانند سایر خارجیان حق داشتن اموال غیر منقول را نخواهد داشت، مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیر منقول پیش از آنچه برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است، بوده یا بعداً به ارث اموال غیر منقولی بیش از آن حد به او برسد، باید ظرف یکسال از تاریخ خروج از تابعیت ایران، با دارا شدن ملک (در مورد ارث) مقدار مازاد را به نحوی از آنها به اتباع ایرانی منتقل کند و الا اموال مزبور با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش، قیمت به او داده خواهد شد. اما اکثر قوانینی که زن خارجی را - وقتی با یکی از اتباع این مملکت ازدواج کند - بدون هیچ قید و شرطی تبعه آن کشور می‌دانند، در مورد زنی از اتباع کشور خود، که با مردی خارجی ازدواج کند، حکمی دیگر قایل می‌باشند مثلاً قانون ایران در ماده ۹۸۷ مقرر می‌دارد: " زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود ". پس در این مورد قانونگذار ایرانی برای جلوگیری از بی‌تابیتی یا تابعیت مضاعف زن دو حالت را پیش‌بینی کرده است:

الف - هرگاه به موجب قانون کشور متبوع شوهر، تابعیت شوهر در اثر ازدواج بر زن تحمیل گردد، برای جلوگیری از تابعیت مضاعف، تابعیت ایرانی زن سلب می‌شود و دارای تابعیت شوهر خواهد بود.

ب- هرگاه به موجب قانون کشور متبوع شوهر، تابعیت شوهر بر زن تحمیل نگردد، به موجب حکم صدور ماده ۹۸۷ تابعیت ایرانی زن به حال خود باقی می‌ماند.

اما در صورتی که بخواهد تابعیت مملکت متبوع شوهر خود را داشته باشد، زن می‌تواند تقاضانامه کتبی با ذکر دلایل موجه به وزارت امور خارجه ایران تقدیم نماید تا در صورت امکان با تقاضای او موافقت شود.

مسلم است زندهای ایرانی که در اثر ازدواج، تابعیت خارجی تحصیل کرده‌اند، اعم از اینکه قانون دولت متبوع شوهر این تابعیت را به آنها تحمیل کرده باشد یا خود زن از حق انتخاب خود استفاده کرده باشد، مشمول ماده ۹۸۸ که شرایط خروج از تابعیت ایران را ذکر کرده نمی‌باشند.

در مورد تملک اموال غیر منقول طبق تبصره ۲ ماده ۹۸۷ چنین زنی حق داشتن اموال غیر منقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، ندارد. تشخیص این امر با کمیسیون مرکب از نمایندگان وزارتخانه‌های امور خارجه، کشور و اطلاعات می‌باشد.

در صورت طلاق یا فوت شوهر، کافی است زن درخواستی به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر یا سند تفریق، تقدیم وزارت امور خارجه نماید. در این صورت تابعیت ایرانی زن، با کلیه حقوق و امتیازات راجع به آن، مجدداً به وی تعلق خواهد گرفت.

۴- تابعیت اکتسابی در اثر تقاضای خود شخص:

ممکن است شخصی که دارای تابعیت است، تقاضای تابعیت کشور دیگری را بنماید تا در صورتی که تقاضای وی مورد قبول واقع شود تابعیت اولی را ترک کند. همچنین ممکن است شخص بدون تابعیت باشد و تقاضای تابعیت کشوری را بنماید. در قانون هر



کشوری شرایطی برای تحصیل تابعیت آن کشور مقرر داشته‌اند، که فقط شخص واجد شرایط می‌تواند در صورت قبول دولت مورد نظر به تابعیت آن کشور درآید. بنابراین، اراده شخص، تنها در مورد تقاضای تغییر تابعیت و تحصیل شرایط مؤثر است و قبول تقاضا یا رد آن بستگی کامل به نظر دولت مورد بحث دارد. زیرا تابعیت یک امر سیاسی است و نمی‌توان آن را به اراده اشخاص واگذار نمود. قانونگذار هر کشور در وضع مقررات مربوط به تحصیل تابعیت باید بسیار دقیق بوده و علاوه بر توجه به علاقمندی کامل متقاضی تحصیل تابعیت، آب و خاک آن کشور را نیز مورد توجه قرار دهد تا مانع بروز خطراتی از قبیل ایجاد اقلیتهای سیاسی یا مذهبی یا شبکه‌های جاسوسی گردد. از جمله:

الف- افزایش یا کاهش جمعیت: این امر برحسب اینکه جمعیت به چه نسبتی در خاک یک کشور پراکنده باشد، در قبول یا در تقاضای تحصیل تابعیت مؤثر است. زیرا افزایش نامتعادل جمعیت در بعضی از کشورها باعث بروز مشکلات عدیده می‌گردد بنابراین کشورهای پرجمعیت در پذیرش افراد به تابعیت خود محتاط‌تر می‌باشند و شرایط مشکل‌تری برای تحصیل تابعیت خود قرار می‌دهند. در حالی که در کشورهایی که جمعیت نسبت به وسعت آن کشور چندان زیاد نیست با در نظر گرفتن شرایط ساده‌تری می‌توانند افرادی را به تابعیت خود قبول کنند.

ب- عنصر اقتصادی: اغلب کشورها سعی می‌کنند که برحسب احتیاجات خود در بین شرایط تحصیل تابعیت شرایطی را قرار دهند که با رعایت آن افرادی به تابعیت آن کشور پذیرفته شوند که به حال مملکت و امور تولیدی مفید باشند مثلاً داشتن برخی تخصص‌ها یا تجارب خاص می‌تواند به عنوان یکی از شروط تحصیل تابعیت یا لاقبل به عنوان موارد معافیت از بعضی از شرایط تحصیل تابعیت در نظر گرفته شود.

ج- عنصر معنوی: شرایط اخلاقی، روحی، خانوادگی، مذهبی، دانستن زبان آن کشور، آشنا بودن به قوانین مملکت از جمله عواملی است که در تحصیل تابعیت یک کشور مؤثر است، زیرا هر قدر شرایط فوق‌الذکر به شرایط مشابه اتباع نزدیک‌تر باشد، همبستگی سریع‌تر و بهتر به وجود می‌آید و نتیجه مطلوب‌تر خواهد بود. احراز شرایط به تنهایی کافی برای پذیرش به یک تابعیت جدید نیست بلکه هر دولتی حق دارد، حتی اگر تمام شرایط قانونی در کسی جمع باشد از قبول او به تابعیت کشور خود امتناع نماید و به همین جهت معمولاً تصویب دولت را لازم می‌دانند.

شرایط تحصیل تابعیت ایران

تحصیل تابعیت از سوی بیگانه با اقدام خود او، یعنی درخواست وی، آغاز و با موافقت دولت و صدور سند تابعیت به نام او انجام می‌پذیرد. این درخواست نیازمند حصول مقدماتی است که آنها را می‌توان زیر عنوان شرایط تحصیل تابعیت مطالعه کرد. ماده ۹۷۹ ق.م. می‌گوید:

" اشخاصی که دارای شرایط زیر باشند می‌توانند تابعیت ایران را تحصیل نمایند:

۱- به سن ۱۸ سال تمام رسیده باشند.

۲- پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشد.

۳- فراری از خدمت نظامی نباشند.

۴- در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی محکوم نشده باشند. "

با توجه به مواد بعدی قانون مدنی ایران شرط پنجمی نیز به مشروط چهارگانه فوق اضافه می‌شود و آن تصویب هیأت دولت است زیرا با وجود کلیه شرایط قانونی، ممکن است دولتی به علل مختلف سیاسی، قبول شخصی یا اشخاصی را به تابعیت خود صلاح نداند؛ بنابراین به وزارت امور خارجه اختیار داده شده است که با بررسی شرایط و مدارک، موافقت یا مخالفت خود را نسبت به تقاضای تحصیل تابعیت شخص اعلام دارد. ملاحظه می‌شود که قانونگذار ایرانی غیر از شرط سن و شروط اخلاقی مثل فراری نبودن از خدمت نظام و عدم محکومیت به جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی، شرط سکونت در ایران به مدت ۵ سال را نیز قائل شده است و آن را نشانه‌ای از علاقه چنین شخصی به سرزمین و مردم ایران دانسته است. در این مورد مدت اقامت یا سکونت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است. در ماده ۹۸۰ قانون مدنی کسی که به امور عام‌المنفعه ایران خدمت یا کمک شایانی کرده باشد یا به طریقی قادر به انجام آن باشد یا دارای زن ایرانی باشد و از او صاحب فرزند شده باشد، از شرط اقامت در ایران به مدت ۵ سال معاف می‌باشند.

تشریفات پذیرش به تابعیت ایران

تشریفات پذیرش به تابعیت ایران ضمن ماده ۹۸۳ قانون مدنی ذکر شده است. ماده مزبور می‌گوید: "درخواست تابعیت باید مستقیماً و یا توسط ولاء یا حکام به وزارت امور خارجه تسلیم شده و دارای منضمات زیر باشد:

- ۱- سواد مصدق اسناد هویت تقاضا کننده و عیال و اولاد او
- ۲- تصدیق نامه نظمیه دایر به تعیین مدت اقامت تقاضاکننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن مکننت یا شغل کافی برای تأمین معاش.

وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات راجع به شخص تقاضاکننده را تکمیل و آن را به هیأت وزراء ارسال خواهد نمود تا هیأت مزبور در قبول یا رد آن تصمیم بگیرد". در این ماده که راجع به تشریفات پذیرش به تابعیت ایران بحث می‌شود دو نکته قابل توجه است: یکی آنکه مقام صلاحیتدار برای اعطای تابعیت ایران هیأت دولت است. دیگر آنکه قبول یا رد تقاضای تابعیت ایران در اختیار کامل هیأت دولت قرار دارد و هیأت مزبور در اتخاذ تصمیم هیچگونه نیازی به استدلال نظریه خود ندارد. بدیهی است در صورت پذیرش تقاضا سند تابعیت به درخواست کننده تسلیم خواهد شد.

شرایط پذیرش تابعیت ایران

از ملاحظه ماده ۹۷۹ و ۹۸۳ ق.م که شرایط پذیرش به تابعیت ایران را بررسی کردیم به تفاسیر زیر می‌رسیم. شرایط دارا بودن حق درخواست پذیرش به تابعیت ایران: برای داشتن این حق سه شرط لازم است:

- ۱- شرط اقامت
- ۲- شرط لیاقت
- ۳- شرط مکننت

۱- **شرط اقامت:** بدیهی است کسی که در ایران اقامت نداشته است نمی‌تواند علاقه‌ای به این آب و خاک پیدا نماید. از این جهت قانونگذار ایران برای داوطلبان تابعیت ایران، حداقل مدت سکونت را پنج سال متناوب یا متوالی مقرر داشته و آن را اماره برای علاقمندی به کور دانسته است ولی اضافه کرده است که مدت اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران محسوب می‌شود. استثنائاً سه دسته اشخاص مشروحه زیر ممکن است بدون رعایت شرط اقامت با تصویب هیأت وزراء به تابعیت ایران قبول شوند.

الف - کسانی که به امور عام المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایان کرده باشند.

ب- اشخاصی که دارای عیال ایرانی بوده و از او اولاد دارند.

ج- اشخاصی که دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام المنفعه هستند.

۲- **شرط لیاقت:** اشخاصی که درخواست تابعیت ایران را می‌نمایند باید شایستگی و لیاقت ورود جامعه ایرانی را داشته باشند و به همین جهت است که قانون ایران کسانی را که از خدمت نظام وظیفه فراری بوده یا محکومیت به جنحه مهم و جنایتهای غیر سیاسی داشته باشند به تابعیت ایران نمی‌پذیرد زیرا چنین اشخاصی واجد شرایط اخلاقی برای ورود به جامعه ایرانی نیستند.

۳- **شرط مکننت:** اشخاصی که بخواهند وارد جامعه ایرانی بشوند باید وسایل معیشت کافی یا شغل معین برای تأمین معاش خود داشته باشند تا در نتیجه تحمیل بر جامعه ما نباشد.

آثار تحصیل تابعیت ایران در وضعیت حقوقی شخص

راجع به آثار پذیرش به تابعیت ایران مسائل زیر مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱- آثار پذیرش نسبت به خانواده شخص

۲- آثار پذیرش نسبت به خود شخص (حقوق و تکالیف)

۱- آثار پذیرش نسبت به خانواده شخص

راجع به این آثار باید موارد زیر را از هم جدا نمود:

الف، آثار نسبت به اولاد کبیر - نسبت به اولاد کبیر ماده ۹۸۵ قانون مدنی صراحت دارد به اینکه تحصیل تابعیت ایرانی پدر به هیچ



وجه درباره اولاد او که در تاریخ تقاضانامه به سن ۱۸ سال تمام رسیده‌اند مؤثر نمی‌باشد. ب، آثار نسبت به اولاد صغیر - اولاد صغیر شخص بیگانه‌ای که به تابعیت ایران پذیرفته شده ایرانی محسوب می‌شوند لیکن آنها نمی‌توانند در ظرف یکسال از تاریخ رسیدن به سن ۱۸ سال تمام اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق پدر را قبول کنند. به این اظهاریه باید تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر بر اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت، ضمیمه باشد (م ۹۸۴ ق.م).

ج، آثار نسبت به زوجه: بر طبق ماده ۹۸۴ قانون مدنی شخصی که تابعیت ایران را پذیرفته می‌شود زن او نیز تبعه ایران شناخته می‌شود ولی زن در ظرف یکسال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر می‌تواند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر خود را قبول کند.

– آثار تحصیل تابعیت نسبت به خود شخص (حقوق و تکالیف)

اولاً انجام خدمت نظام وظیفه - بیگانه‌ای که به تابعیت ایران پذیرفته می‌شود باید با رعایت مقررات مربوط به خدمت نظام وظیفه را در ایران انجام دهد. زیرا انجام خدمت نظام وظیفه بهترین نشانه ابراز علاقه نسبت به آب و خاک این کشور است. ثانیاً وظیفه اطاعت و حق شناسی نسبت به دولت ایران: به عبارت دیگر اطاعت نسبت به قوانین و رعایت مقررات و نظامات مملکتی و همچنین احترام به حیثیت و شئون ملی ایران.

حقوق شخص پذیرفته شده؛ باید دانست که با تحصیل تابعیت ایرانی، شخص نمی‌تواند از کلیه حقوقی که ایرانیان از آن برخوردارند، بهره‌مند گردد بلکه قانونگذار مطابق ماده ۹۸۲ ق.م برای کسانی که به تابعیت ایران پذیرفته شده‌اند، در بعضی موارد محرومیت‌هایی در نظر گرفته است.

در این باره ماده ۹۸۲ ق.م اظهار می‌دارد: " اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنماید، از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است، بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند:

- ۱- ریاست جمهوری و معاونین او
- ۲- عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضاییه
- ۳- وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری
- ۴- عضویت در مجلس شورای اسلامی
- ۵- عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر
- ۶- استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست و یا مأموریت سیاسی
- ۷- قضاوت
- ۸- عالیترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی
- ۹- تصدی پستهای مهم اطلاعاتی و امنیتی

از دست دادن تابعیت ایران

جهات از دست دادن تابعیت ایران

در قوانین ایران درباره برخی جهات از دست دادن تابعیت، قاعده‌هایی وضع شده است. این جهات عبارتند از:

- ۱- از دست دادن تابعیت در اثر اقدام خود تبعه و موافقت دولت که به آن در اصطلاح، ترک تابعیت گفته می‌شود.
- ۲- از دست دادن تابعیت ایران از سوی زن ایرانی بر اثر ازدواج با مردی از اتباع بیگانه
- ۳- از دست دادن تابعیت بر اثر سلب آن از سوی دولت

در اعمال حق انتخاب تابعیت و انتخاب تابعیت خارجی نیز وضعیت از دست دادن تابعیت ایران ملاحظه می‌گردد. حالت‌های دیگری هم می‌توان یافت که نتیجه آنها از دست دادن تابعیت است که درباره آنها در حقوق ایران قاعده‌ای دیده نمی‌شود. مانند: بریدن هرگونه ارتباط عملی با کشور از سوی تبعه در مدتی طولانی به گونه‌ای که با وجود دلالت قانون، هیچ نشانه خارجی وجود پیوند تابعیت میان او و دولت مورد نظر نتوان یافت و در نتیجه می‌توان گفت این پیوند در علم از میان رفته است.

ترک تابعیت ایران

در ترک تابعیت، مانند آنچه در تحصیل تابعیت رخ می‌دهد، وجود اراده خود تبعه را می‌توان احراز کرد. این اراده در تقاضای وی برای ترک تابعیت ایران که به آن در تبصره الف ماده ۹۸۸ تصریح گردیده است، منعکس می‌باشد. با این حال مادام که دولت این تقاضا را نپذیرفته بر آن اراده از حیث گسیخته شدن پیوند تابعیت اثری مترتب نمی‌گردد؛ بنابراین اراده تبعه مبنی بر ترک تابعیت بر حسب قانون تابعیت ایران به تنهایی کافی نیست از سوی دیگر مورد ترک تابعیت ایران به وسیله قبول تابعیت بیگانه، بیشتر توجه قانونگذار را به خود معطوف داشته است. زیرا نظر به اصل احترام به آزادی افراد، قانون ایران اصولاً ترک تابعیت را جایز دانسته ولی در عین حال و از بیم آنکه مبدا این اجازه مورد سوء استفاده قرار گرفته احياناً لطمه‌ای به حیثیت و مصالح کشور وارد آورد در این مورد سختگیری زیادی نشان داده است این سختگیری معلول دو علت است: یکی آنکه قانونگذار خواسته است نسبت به رویه اسف انگیز سابق (قبل از الغای رژیم کاپیتولاسیون) ایرانیان به سهولت قبول تابعیت خارجی کرده و با استفاده از مزایای رژیم قضاوت کنسولی جهان برای خود نسبت به سایر هموطنان قائل می‌شوند عکس العملی نشان داده باشد و دیگر آنکه مبدا افرادی بدون تعمق و تفکر و صرفاً از روی هوس مبادرت به ترک تابعیت ایران بنمایند.

شرایط اصلی ترک تابعیت ایران:

ماده ۹۸۸ ق.م.شرایط ترک تابعیت ایران را به شرح زیر اعلام می‌دارد:

"اتباع ایران نمی‌توانند تبعیت خود را ترک کنند مگر به شرایط ذیل:

۱- به سن ۲۵ سال تمام رسیده باشند.

۲- هیأت وزراء خروج از تابعیت آنان را اجازه دهد.

۳- قبلاً تعهد نمایند که در ظرف یکسال از تاریخ ترک تابعیت حقوق خود را بر اموال غیر منقول که در ایران دارا می‌باشند و یا ممکن است بالوارثه دارا شوند ولو قوانین ایران اجازه تملک آن را به اتباع خارجه بدهد به نحوی از انحاء به اتباع ایرانی منتقل کنند. زوجه و اطفال کسی که طبق این ماده ترک تابعیت می‌کند اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تابعیت ایرانی خارج نمی‌گردند مگر اینکه اجازه هیأت وزراء شامل آنها نیز باشد.

۴- خدمت تحت السلاح خود را انجام داده باشند..."

از سوی دیگر با توجه به تبصره الف ماده مزبور می‌توان دو مورد نیز به شرایط ترک تابعیت ایران اضافه کرد که عبارتند از اینکه:

۱- قبلاً تعهد نمایند که از طرف یکسال از تاریخ ترک تابعیت، حقوق خود را بر اموال غیر منقول که در ایران دارا می‌باشند و یا ممکن است بالوارثه دارا شوند ولو قوانین ایران اجازه تملک آن را به تبعه خارجه بدهد، به نحوی از انحاء اتباع ایرانی انتقال دهند.

۲- در مدت سه ماه از ایران خارج شود: چنانکه در ظرف مدت مزبور خارج نشود، مقامات صالحه امر به اخراج او و فروش اموالش صادر خواهند نمود و تمدید مهلت مقرر فوق.

حداکثر تا یک سال، موکول به موافقت وزارت امور خارجه می‌باشد. در مورد شرط سنی لازم به توضیح است که: با اینکه در ایران با سن رشد، حتی پایین‌تر از ۱۹ سالگی و معمولاً در چنین سنی شخص باید حق انجام کلیه معاملات و اموری را که به نحوی در حقوق و تکالیف وی مؤثر است داشته باشد، اما در مورد ترک تابعیت قانونگذار ایرانی، سن ۱۸ سال را کافی ندانسته است به نظر می‌رسد این موضوع دو علت داشته باشد اول اینکه بدین طریق قانونگذار خواسته است شرایط ترک تابعیت را مشکل کند. دوم اینکه ترک تابعیت بدون تعمق و صرفاً از روی هوی و هوس انجام نشود از سوی دیگر در مورد اجازه هیأت وزرا می‌توان گفت که اجازه هیأت وزرا از یک طرف برای جلوگیری از ترک تابعیت دسته جمعی افراد و از طرف دیگر برای جلوگیری از افزایش بی رویه ترک تابعیت می‌باشد به همین جهت هیأت وزرا نسبت به این شرط معمولاً تأمل بیشتری نموده به سادگی به هر تقاضایی جواب مثبت نمی‌دهد. باید توجه داشته باشیم که مرجع تقاضا در مورد اجازه ترک تابعیت، فقط هیأت وزرا است و مرجع دیگری نمی‌تواند در تصمیم هیأت وزیران دخالت نماید.

ضمانت اجرای شرایط ترک تابعیت ایران

شخصی که با رعایت شرایط مندرج در ماده ۹۸۸ ترک تابعیت ایران را نماید، مسلم است که به سادگی و فقط با به دست آوردن شرایط تحصیل تابعیت هر کشور دیگری می‌تواند، تابعیت آن کشور را تحصیل نماید و دولت ایران مانعی در این راه نخواهد بود. اما



هرگاه شخصی بخواهد بدون اجازه دولت ایران و قبل از اقدام به ترک تابعیت، تحصیل تابعیت خارجی نماید نه تنها از نظر ایران، تابعیت خارجی او شناخته نمی‌شود بلکه به مجازات‌هایی محکوم می‌شود از قبیل فروش کلیه اموال غیر منقول و محرومیت دائم از اشتغال به مشاغل دولتی و سیاسی.

این موضوع را ماده ۹۸۹ ق.م به ترتیب زیر متذکر شده است:

"هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی، تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد، عین تابعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقول او با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن به او داده خواهد شد و به علاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد شد."

لازم به ذکر است که منظور از عبارت "تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده" این نیست که دولت ایران تابعیت خارجی این شخص را می‌تواند ابطال کند، زیرا قوانین تابعیت جزء قوانین حاکمیت هر کشور می‌باشد و هیچ دولتی در اجرای آن حق دخالت به دیگر دولت‌ها را نمی‌دهد. بنابراین فقط تابعیت چنین افرادی از نظر قانون ایران بلااثر می‌باشد و تابعیت ایرانی او باقی است. با وجود ماده ۹۸۹ در عمل دیده می‌شود بسیاری از ایرانیان فقط با تابعیت ایران خود، اقدام به تحصیل تابعیت خارجی نموده‌اند و دولت ایران هیچگونه اقدامی در جهت اجرای این ماده ننموده است. به نظر می‌رسد مصلحت چنین اقتضا می‌کرده است که دولت در مورد این اشخاص تا زمانی که خود آنها با شخص دیگری وجود تابعیت خارجی را عنوان ننموده‌اند، سکوت نموده و موضوع را به دیده اغماض بنگرد. تبصره ماده ۹۸۹ نیز در همین جهت اعلام می‌دارد: "هیأت وزیران می‌تواند بنا به مصالحی به پیشنهاد وزارت امور خارجه تابعیت خارجی مشمولین این ماده را به رسمیت بشناسد" اما جمله آخر این تبصره می‌رساند که در نتیجه شناسایی تابعیت خارجی، تابعیت ایرانی شخص از بین رفته محسوب است زیرا می‌گوید: "به این گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه اجازه ورود به ایران یا اقامت می‌توان داد".

اثر ترک تابعیت ایران در تابعیت زن و فرزندان، اثر ترک تابعیت از سوی مادر در تابعیت فرزند

در تعیین اثر ترک تابعیت ایران در تابعیت زن و فرزندان، از سوی قانونگذار شیوه‌ای متفاوت از اثر تحصیل تابعیت ایران در تابعیت آنان در نظر گرفته شده است. بدین گونه که اگر تحصیل تابعیت ایران سبب تغییر تابعیت خارجی زن و فرزندان تحصیل کننده این تابعیت برحسب قانون، به تابعیت ایران می‌گردید، در ترک تابعیت ایران اثر آن بسته به آن است که اجازه هیأت وزرا، شامل زن و فرزندان تحصیل کننده تابعیت باشد بنابراین، اگر درخواست کننده ترک تابعیت ایران می‌خواهد چنین اثری بر تقاضای او مترتب گردد باید آن را در درخواست نامه خود مطرح و علل و موجبات آن را توجیه کند. در این ماده درباره اثر ترک تابعیت ایران از سوی مادر در تابعیت فرزندان او حکمی دیده نمی‌شود. این حکم را قانونگذار در تبصره ب آن ماده بیان و شرایط آن را تعیین کرده است. این شرایط عبارتند از:

(۱) ترک کننده تابعیت ایران زن بی شوهر باشد.

(۲) فرزندان او به سن ۱۸ سال تمام نرسیده و یا به جهات دیگر محجور باشند و بدون پدر و جد پدری باشند.

(۳) در اجازه هیأت وزراء به آن تصریح شده باشد. بنابراین در این حالت نیز اگر مادر می‌خواهد تقاضای ترک تابعیت او شامل فرزندان او باشد باید آن را در درخواست نامه خود مطرح سازد. در این تبصره درباره دیگر فرزندان چنین زنی که هنوز به سن ۲۵ سال تمام، یعنی حداقل سن برای درخواست تابعیت نرسیده‌اند نیز تعیین تکلیف و درباره آنها تصریح شده است که آنان هم می‌توانند به تبع مادر، تقاضای ترک تابعیت ایران را بنمایند. به این ترتیب قانونگذار خواسته، این گونه فرزندان نیز بتوانند با معاف شدن از شرط ۲۵ سال سن به ترک تابعیت ایران مبادرت ورزند. با این حال باید در نظر داشت که این معافیت تنها ناظر به شرط سن است و شامل دیگر شرایط راجع به ترک تابعیت که حصول آنها درباره ترک تابعیت ایران به موجب قانون لازم است مانند انجام خدمت نظام وظیفه نمی‌گردد.

بازگشت به تابعیت ایران

برای اشخاصی که خود یا پدرشان تبعه ایران بوده‌اند و بخواهند به تابعیت ایران بازگشت نمایند، قانونگذار شرایط سنگینی قائل نشده است و این قبیل اشخاص با تقدیم درخواستی به وزارت امور خارجه ایران می‌توانند به تابعیت ایران خود مراجعت نمایند.

ماده ۹۹۰ در این باره مطرح است "از اتباع ایرانی کسانی که خود یا پدرشان موافق مقررات تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند به تبعیت اصلیه خود رجوع نمایند به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد مگر آنکه دولت تابعیت آنها را صلاح نداند". حق بازگشت به تابعیت ایران برای زن ایرانی که در اثر ازدواج به تابعیت خارجی درآمده است نیز شناخته شده است. راجع به بازگشت به تابعیت ایران دو نکته را خاطر نشان می‌نماییم:

اول آنکه شخصی که مطابق مقررات قانون به تابعیت ایران بازگشت می‌کند با جمیع حقوق و امتیازاتی که برای تابعیت اصلیه ایران مقرر است، به تابعیت ایران برمی‌گردد.

دوم آنکه قانون تابعیت ایران، بین زن ایرانی که در اثر ازدواج تابعیت ایرانی را از دست داده و کسی که با تحصیل تابعیت بیگانه ترک تابعیت ایران را کرده است از لحاظ بازگشت به تابعیت ایران، این تفاوت را قائل شده است که در مورد اول هیأت دولت حق مخالفت ندارد و حال آنکه در مورد دوم بازگشت به تابعیت باید با صلاحدید دولت باشد و در صورتی که هیأت دولت صلاح نداند، بازگشت به تابعیت عملی نمی‌شود.

موارد ترک تابعیت قانونی بدون رعایت ماده ۹۹۸

به طور کلی این موارد را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول - موارد خروج تابعیت ایران در فاصله سنی ۱۸ تا ۱۹ سالگی:

الف) مورد مندرج در بند الف ماده ۹۷۷ ق.م که به موجب آن "هرگاه اشخاص مذکور در بند ۴ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن هجده سال تمام بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند باید ظرف یکسال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهند شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند".

ب) مورد مندرج در بند ب ماده ۹۷۷ ق.م که مطابق آن "هرگاه اشخاص مذکور در بند ۵ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند باید ظرف یکسال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند".

ج) مورد مندرج در ماده ۹۸۴ که به موجب این ماده "... اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می‌نمایند تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند ولی... اولاد صغیر ظرف یکسال از تاریخ رسیدن به سن ۱۸ سال تمام می‌توانند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق پدر خود را قبول کنند. لیکن به اظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ ضمیمه شود".

همان گونه که در موارد سه گانه فوق اشاره شد به طور کلی کسانی که از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران به دنیا آمده، در ایران متولد شود و همچنین کسانی که در ایران از پدر خارجی به وجود آمده باشند و بلافاصله پس از رسیدن به هجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و همچنین اولاد صغیر کسانی که تحصیل تابعیت ایران می‌کنند و پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام می‌توانند بدون رعایت ماده ۹۸۸ ترک تابعیت ایران کنند.

دسته دوم - خروج از تابعیت ایران در مواردی که به نحوی به ازدواج یا انحلال ازدواج مربوط می‌شود:

الف) مورد مندرج در ماده ۹۸۸ که به موجب آن "زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل و یا زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت شود".

ب) مورد مندرج در ماده ۹۸۴ که مطابق آن "زن... کسی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می‌نماید تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند ولی زن در ظرف یکسال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر... می‌تواند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر... را قبول کند..."

ج) مورد مندرج در ماده ۹۸۶ طبق این ماده "زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می‌شود می‌تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را مطلع کند ولی هر زن شوهر مرده‌ای که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی‌تواند مادام که اولاد به سن هجده سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند".

موارد مندرج در مواد فوق الذکر نیز می‌تواند بدون رعایت ماده ۹۸۸ ترک تابعیت ایران نمایند.

سلب تابعیت ایران

پیش بینی جهات سلب تابعیت ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی

با آنکه با فسخ ماده ۹۸۱ ق.م و تبصره آن اینک در قانون عادی قاعده‌ای درباره سلب تابعیت ایران دیده نمی‌شود، در قانون اساسی در دو اصل ۴۱ و ۴۲ امکان سلب تابعیت چه درباره دارندگان تابعیت اصلی ایران و چه درباره دارندگان تابعیت اکتسابی در دو حالت پیش بینی گردیده است. یکی از این دو حالت منطبق با عنوان ترک تابعیت است که درباره آن پیش از این مطالعه انجام گرفت و اطلاق سلب تابعیت به آن، مبنی بر مسامحه از سوی قانونگذار بوده است. در اینجا شایسته است درباره حالت دیگر که شکل بارز سلب تابعیت می‌باشد بررسی صورت گیرد.

در اصل ۴۱ قانون اساسی، مربوط به دارندگان تابعیت اصلی ایران، به دولت اختیار داده شده است که بتواند تابعیت هر ایرانی را که به تابعیت کشور دیگر درآید سلب کند. آن گونه که عبارت مندرج در این اصل نشان می‌دهد اختیار دولت در سلب این تابعیت محدود به هنگامی است که ایرانی تابعیت کشور دیگر را به اراده خود به دست آورد، بنابراین اگر تابعیت دیگر وی از تابعیت‌های اصلی باشد دولت نمی‌تواند به استناد این اصل در سلب تابعیت او اقدام کند.

در اصل ۴۲ قانون اساسی مربوط به دارندگان تابعیت اکتسابی نیز به دولت اختیار داده شده است که درباره این گونه اشخاص هم اگر "دولت دیگر تابعیت آنها را بپذیرد" در سلب تابعیت ایران از آنان اقدام کند. این عبارت در این اصل نیز نشان می‌دهد اختیار دولت در سلب تابعیت دارندگان تابعیت اکتسابی ایران درصدد تحمیل تابعیت کشور دیگر برآیند و آن دولت هم تابعیت آنها را بپذیرد. بنابراین باید گفت این اختیار شامل کسانی که با داشتن تابعیت اصلی یا اکتسابی کشوری دیگر به تابعیت ایران در می‌آیند نمی‌گردد. این دو اصل، جز در آن بخش که مربوط به امکان به دست آوردن تابعیت ایران از سوی بیگانگان است، از ابتکارهای قانون اساسی کنونی ایران می‌باشند و در آنها درباره قاعده‌های راجع به چگونگی سلب تابعیت به ویژه اثر سلب تابعیت در تابعیت کسان درجه اول شخص یا حقوق مالی او در ایران سکوت اختیار شده است. بنابراین تعیین این گونه قاعده‌ها بر عهده قانونگذاری عادی است و با معلوم نشدن این قاعده‌ها با آنکه دولت می‌تواند در حدود قانون اساسی به تشخیص خود اقدام به سلب تابعیت کند، این اقدام دولت نمی‌تواند تبعیض آمیز نباشد و از این حیث خالی از اشکال نیست.

بازگشت به تابعیت ایران

شرایط بازگشت به تابعیت

در ماده ۹۹۰ این شرایط تعیین شده‌اند. شرایطی که جمع شدن آنها برای تحقق بازگشت ضروری‌اند، افزون بر شرط راجع به اصلی بودن تابعیت پیشین ایران، عبارتند از:

۱- قانونی بودن عمل تبعه در تبدیل تابعیت ایرانی خود به تابعیت بیگانه

۲- درخواست وی از دولت

۳- مخالفت مصلحت دانسته نشدن بازگشت وی به تابعیت ایران از سوی دولت ایران

۱) درباره قانونی بودن عمل تبعه در تبدیل تابعیت ایران ذکر این نکته لازم است که اصطلاح تبدیل تابعیت، به معنای از دست دادن تابعیت ایران به طور همزمان با تحصیل تابعیت بیگانه از اصطلاحات به جا مانده از نظام‌نامه قانون تابعیت می‌باشد. این اصطلاح دوران کنونی جز درباره کسانی که در کتاب تابعیت قانون مدنی به تغییر تابعیت ایرانی آنها به تابعیت خارجی تصریح شده مانند تابعیت زن ایرانی که بر اثر تحمیل تابعیت خارجی شوهر به او، تابعیت وی به تابعیت خارجی تغییر یافته باشد مصداق نمی‌یابد. بنابراین می‌توان آن را مترادف اصطلاح ترک تابعیت دانست که در قانون شرایط آن تعیین گردیده است. در ترک تابعیت نیز می‌توان گفت شرط "موافق مقررات" به طور معمول حاصل است، زیرا مادام که شرایط قانونی ترک تابعیت فراهم نیاید و دولت با آن موافقت نکند و سند ترک تابعیت صادر نشود، ترک تابعیت تحقق نمی‌یابد.

۲) درباره درخواست بازگشت در ماده نهم نظام نامه قانون تابعیت تصریح شده: درخواست باید روی اوراق تمبر شده تنظیم و پس از تصدیق هویت و امضای درخواست‌کنندگان در ایران از سوی نیروی انتظامی و در خارجه به وسیله مأموران سیاسی و کنسولی ایران به وزارت امور خارجه تقدیم شود. در قانون و نظامنامه جز همین مختصر اشاره‌ای دیگر دیده نمی‌شود. با این حال روشن

است که چون درخواست بازگشت به تابعیت، عملی حقوقی است باید درخواست نامه در این باره از هر حیث صریح باشد و درخواست کننده، رشید و از دیگر شرایط اهلیت استیفاء برخوردار باشد.

مصلحت اندیشی دولت می تواند سنجش وضعیت درخواست کننده در مدتی که وی از تابعیت ایران بیرون بوده است و در حدود احراز شایستگی اش برای به دست آوردن تابعیت مجدد محدود ایران باشد که نتیجه عدم احراز آن، بی اثر شدن درخواست تبعه می گردد یا در این باره دولت می تواند جهات خارج از شایستگی شخصی را نیز ملاک قرار دهد.

مساله دیگر این است که در قانون "مجرد درخواست" تبعه برای بازگشت وی به تابعیت ایران کافی دانسته شده مگر آنکه دولت آن را مصلحت نداند. در اینجا این نکته مطرح می شود که اگر دولت به جای اعلام نظر خود سکوت اختیار نماید تکلیف درخواست تبعه چه می شود. به نظر در این حال برای تبعه این حق پدید می آید علیه دولت شکایت کند و حال آنکه درباره درخواست تحصیل تابعیت چنین اختیاری برای درخواست کننده پدید نمی آید. بدیهی است اگر دولت هر چند با تأخیر نظر موافق خود را ابراز دارد این نظر عطف به ماسبق می شود و بازگشت تبعه از تاریخ درخواست وی تحقق یافته به شمار می آید.

بازگشت زن به تابعیت ایران در تحمیل تابعیت بیگانه بر اثر ازدواج به او

بازگشت زن به تابعیت ایران پس از جدایی از شوهر بیگانه یا مرگ او

این حالت از بازگشت به تابعیت ایران در ماده ۹۸۷ ق.م انعکاس یافته است. در این ماده پس از بیان حکم درباره اثر ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه در تابعیت او درباره بازگشت وی به تابعیت ایران به این عبارت تصریح گردیده است: "در هر صورت بعد از وفات شوهر یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت خارجه به انضمام ورقه فوت شوهر و یا سند تفریق، تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجع به آن به او تعلق خواهد گرفت."

به این ترتیب در این باره برای بازگشت به تابعیت ایران سه شرط پیش بینی گردیده است این سه شرط عبارتند از:

(۱) تابعیت ایرانی پیشین زن از نوع تابعیتهای اصلی باشد.

(۲) عامل تغییر تابعیت زن یعنی عامل ازدواج به طریقی، یعنی یا بر اثر جدایی میان او و شوهر و یا بر اثر درگذشت شوهر، از میان رفته باشد.

بدین گونه در این حالت از بازگشت به تابعیت اصلی مجرد درخواست زن به شرط آنکه دلیل راجع به آن قطعی و غیرقابل تردید باشد، برای تحقق بازگشت کافی می باشد. بنابراین باید آن را به عنوان حق برای زن تلقی کرد، نتیجه آنکه اگر تابعیت ایرانی پیشین زن تابعیت اکتسابی باشد و او بخواهد به تابعیت ایران بازگردد باید شرایط تحصیل تابعیت ایران را احراز نماید زیرا وی مشمول این قاعده نمی گردد.

نکات ویژه تابعیت

کلیات و اصول تابعیت

■ تابعیت عبارت از رابطه سیاسی و معنوی است که شخصی را به دولت معینی مرتبط می سازد. منظور از سیاسی بودن رابطه تابعیت آن است که تابعیت ناشی از قدرت و حاکمیت دولت اعطا کننده تابعیت است. همچنین با توجه به این که تابعیت به محل سکونت فرد مربوط نیست و صرف نظر از محل سکونت شخص در مورد او اعمال می شود دارای جنبه معنوی است. شخصی که دارای تابعیت دولت معینی است، تبعه نام دارد و اگر شخصی تابعیت هیچ دولتی را نداشته باشد، آپاترید (Apatride) نام دارد.

شرایط تحقیق تابعیت

۱- وجود یک دولت

۲- وجود یک تبعه

■ تابعیت در معنای واقعی آن تنها در مورد اشخاص حقیقی وجود دارد و در مورد اشخاص حقوقی و نیز اشیاء در معنای حقیقی وجود ندارد. لازم به ذکر است که در دنیای امروز، برخلاف دوران قدیم که بین اتباع دولت از نظر حقوق تفاوت هایی وجود داشت، اتباع دولت ها از حقوق برابر بهره مند هستند.



اصول و مبانی تابعیت

اصل اول: هر فردی بایستی تابعیتی داشته باشد.

- این یک امر کاملاً طبیعی است که هر فردی باید به یک اجتماع تعلق داشته باشد و از این طریق قوانین حاکم بر او مشخص شود. اما در برخی از موارد، ممکن است اشخاص بدون تابعیت (آپاترید) باشند:
- ۱- در اثر مهاجرت: حالتی که بعد از مهاجرت فرد، نه دولت جدید فرد را به عنوان تبعه خود می‌شناسد و نه دولت قبلی.
- ۲- در اثر مجازات
- ۳- در اثر قانون خاص
- ۴- در اثر تخییر: منظور مواردی است که قانون، شخص را مختار می‌کند که بین دو تابعیت یکی را انتخاب کند و او هیچ یک را انتخاب نمی‌کند.

اثرات اصل اول:

از این اصل دو نتیجه حاصل می‌شود که عبارتند از:

- نتیجه اول: هر فرد به محض تولد بایستی تبعه دولت معینی باشد.
- این یک امر کاملاً طبیعی است که در هنگام تولد یک نوزاد، تابعیت یک کشور به او تحمیل شود، اما مسأله‌ای که در این جا مطرح می‌شود این است که این تابعیت از چه طریقی به نوزاد تحمیل می‌شود. یعنی دولت‌ها با چه معیاری نوزاد را تبعه خود در نظر می‌گیرند. در این جا است که تفاوت اصلی کشورها در مورد مسأله تابعیت آشکار می‌شود. عده‌ای از کشورها از سیستم خون تبعیت می‌کنند و عده‌ای دیگر از کشورها از سیستم خاک تبعیت می‌کنند.

سیستم خون

- این سیستم که نام دیگر آن تابعیت نسبی است تابعیت را از طریق نسب به نوزاد تحمیل می‌کند. یعنی نوزاد همان تابعیتی را کسب می‌کند که پدر و مادرش آن تابعیت را داشته‌اند. توجه کنید که منظور در این جا نژاد پدر و مادر نیست. چرا که ممکن است نژاد پدر و مادر نوزاد با کشوری که آن‌ها تبعه آن هستند، متفاوت باشد؛ یعنی برای مثال پدر و مادری که دارای نژاد چینی هستند تابعیت ایران را اخذ کنند و قانون ایران نیز با تبعیت از سیستم خون، تابعیت ایران را به نوزاد تحمیل کند.
- مشکل سیستم خون در صورتی است که پدر و مادر نوزاد معلوم نباشند و یا این که فاقد تابعیت باشند. در این صورت اگر قانون کشور تنها محدود به سیستم خون باشد، نوزاد بدون تابعیت باقی خواهد ماند. بنابراین در برخی موارد وجود یک سیستم دیگر ضروری است که آن را در ادامه بررسی می‌کنیم.

سیستم خاک

- منظور از این سیستم که نام دیگر آن تابعیت ارضی است، این است که هر شخصی تابعیت کشور محل تولد خود را خواهد داشت. بنابراین اگر برای مثال اگر کشور آمریکا از این سیستم تبعیت کند و یک نوزاد از پدر و مادر ایرانی در آمریکا متولد شود، قانون آمریکا این نوزاد را تبعه خود خواهد شناخت. در این مورد دقت کنید که هواپیما و کشتی نیز مانند خاک کشوری است که پرچم آن را افراشته است. پس اگر نوزاد مثال فوق در کشتی که پرچم دولت آمریکا را افراشته است به دنیا بیاید، باید او را تبعه دولت آمریکا در نظر بگیریم.
- لازم است اشاره شود که سیستم خون بیشتر مصلحت کشورهای پرجمعیت و مهاجرپرست را تأمین می‌کند، چرا که اهالی آن کشورها هر جا که باشند تبعه آن‌ها خواهند بود. حال آن که سیستم خاک بیشتر مصلحت کشورهای مهاجرپذیر را تأمین می‌کند تا از این طریق این افراد را به تابعیت خود در بیاورند. امروزه کشورهای گوناگون از جمله ایران عموماً ترکیبی از دو سیستم را اعمال می‌کنند تا آپاترید محدود شود.
- نتیجه دوم: هیچ کس نمی‌تواند تابعیت خود را از دست بدهد بدون این که تابعیت دولت دیگری را تحصیل کرده باشد.
- افراد باید همواره از نظر سیاسی به دولتی وابسته باشند تا از این طریق حقوق و تکالیفشان از طریق قانون آن کشور تعیین

شود. این یک امر کاملاً طبیعی است که به اشخاص اجازه ندهیم رابطه سیاسی مزبور را با دولت متبوع خود به آسانی قطع کنند، چرا که در این صورت عملاً شخص خود را از بار تعهدات رها کرده است.

البته در این مورد استثنائاتی نیز وجود دارد که اصلی‌ترین آن‌ها سلب تابعیت به عنوان مجازات و سلب تابعیت در اثر پناهندگی است.

اصل دوم: هیچ فردی نباید پیش از یک تابعیت داشته باشد (اصل تابعیت واحده)

همان‌طور که بی‌تابعیتی خلاف قاعده است و باید محدود شود، داشتن تابعیت مضاعف نیز خلاف قاعده است و باید محدود شود. چرا که اصولاً حقوق و تکالیف اشخاص باید تنها نسبت به یک دولت باشد، حال آن‌که در صورت داشتن تابعیت مضاعف از یک سو فرد از حقوق و مزایای اجحاف‌آمیزی بهره‌مند می‌شود و از سوی دیگر تکالیف او همچون تکالیف مربوط به خدمت سربازی بسیار دشوار می‌شود.

اصولاً تابعیت مضاعف در موارد زیر به وقوع می‌پیوندد:

۱- **اختلاف طرز تفکر دولت‌ها راجع به تحصیل تابعیت:** مثلاً اگر نوزادی از پدر و مادر ایرانی در آمریکا متولد شود این نوزاد طبق قانون ایران، ایرانی است (سیستم خون) و طبق قانون آمریکا، آمریکایی است (سیستم خاک). در این صورت عملاً نوزاد دارای دو تابعیت است.

۲- **شخص با حفظ تابعیت قدیمی خود تابعیت جدیدی به دست آورد:** مثلاً چنان‌چه یک فرد ایرانی بدون خروج از تابعیت ایران تابعیت کشور کانادا را اخذ کند، این فرد دارای دو تابعیت و به اصطلاح تابعیت مضاعف است.

۳- **ازدواج:** قوانین بسیاری از کشورها بعد از ازدواج تابعیت شوهر زن را به زن تحمیل می‌کنند. فرض کنید یک زن خارجی که با مرد ایرانی ازدواج کرده است طبق بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران تابعیت ایران را به دست می‌آورد و از طریق دیگر، کشور متبوع خودش هم اجازه حفظ تابعیت سابق را می‌دهد. در این صورت، این زن دارای تابعیت مضاعف خواهد بود.

وسائل رفع و یا جلوگیری از تابعیت مضاعف

وسیله ترجیح: یعنی یکی از تابعیت‌ها بر دیگری ترجیح داده شود. مثلاً به خود فرد اجازه داده شود که یکی از تابعیت‌ها را به عنوان تابعیت اصلی خود انتخاب کند. به نظر مرحوم دکتر محمد نصیری، اعطای این اختیار به تبعه چندان صحیح نمی‌باشد، چرا که تابعیت امری مهم و متضمن مصالح سیاسی دولت‌هاست.

تابعیت مضاعف ناشی از ازدواج است در صورتی اعمال شود که به شخص اجازه ندهیم تابعیت جدید را اخذ کند مگر این‌که تابعیت قبلی خود را از دست داده باشد.

اصل سوم: تابعیت یک امر همیشگی و زوال‌ناپذیر است

موارد زیر مربوط به اصل فوق هستند که آن‌ها را به صورت خلاصه بررسی می‌کنیم:

تغییر ارادی تابعیت

تغییر ارادی تابعیت مشروط بر این است که: ۱- شخصی قادر به از دست دادن تابعیت فعلی خود باشد و ۲- قادر به کسب تابعیتی جدید باشد.

اولاً شخص قادر به ترک تابعیت فعلی خود باشد: اصولاً در گذشته دولت‌ها به تبعه خود به آسانی اجازه نمی‌دادند که ترک تابعیت کند، اما امروزه قوانین عموماً با وجود ۳ شرط اجازه ترک تابعیت را می‌دهند:

۱- شرط کمیت: یعنی اگر دولتی ملاحظه نماید که ترک تابعیت روز به روز در حال افزایش است و یا این‌که فرضاً تمامی اتباع آن می‌خواهند به صورت دسته جمعی ترک تابعیت کنند، مکلف است که از این امر جلوگیری کند.

۲- شرط زمان: یعنی قوانین عموماً ترک تابعیت را موکول به زمان خاصی کرده‌اند. برای مثال، قانون مدنی ایران در ماده ۹۸۸، برای ترک تابعیت ایران، ۲۵ سال تمام را لازم دانسته است.

۳- شرط انجام تعهدات: از جمله شرط انجام خدمت سربازی. (ماده ۹۸۸ قانون مدنی)



- دوماً شخص قادر به کسب تابعیت جدیدی باشد: همان طور که هیچ کس نمی‌تواند آزادانه تابعیتی را ترک کند، هیچ کس هم نمی‌تواند آزادانه تابعیتی را به دست آورد، چرا که تابعیت یک امر مربوط به حاکمیت است و باید مورد موافقت دولت قرار گیرد.

تغییر غیر ارادی تابعیت

- منظور از این نوع تغییر تابعیت اوضاع و احوالی است که شخص در آن در نتیجه جنگ و جدا شدن بخشی از خاک کشور به صورت غیر ارادی تابعیت کشور فاتح را کسب می‌کند. البته در اکثر موارد، معاهدات صلح افراد را در قبول تابعیت جدید و یا حفظ تابعیت سابق مختار می‌کنند، ولی در برخی از موارد نیز تابعیت کشور جدید به صورت خودکار و غیر ارادی اعطا می‌شود.

تغییر تابعیت در اثر ازدواج

- در گذشته اکثر قوانین بر وجود تابعیت واحد بین زن و شوهر تأکید داشتند. در مورد مبنای تغییر تابعیت زن به تبع ازدواج نظریات گوناگونی وجود دارد. عده‌ای طرفدار نظریه ارادی هستند، یعنی زن خودش می‌خواهد که تابعیت شوهر را بپذیرد. در واقع این دسته از علما یک اراده ضمنی را برای زن فرض می‌کنند. نظریه دوم نظریه غیر ارادی است، یعنی زن در این مورد هیچ اختیاری ندارد. اما این نظریه صحیح نیست. چون اگر بخواهیم این نظریه را قبول کنیم باید بگوییم که اگر شوهر بعد از ازدواج تابعیت خود را تغییر داد تابعیت جدید هم به زن تحمیل می‌شود که در عمل این گونه نیست. در نهایت عده‌ای سلطه شوهر را مبنای تغییر تابعیت زن در اثر ازدواج می‌دانند. دلیل صحیح نبودن این نظریه نیز این است که سلطه شوهر یکی از موضوعات مربوط به حقوق خصوصی است، حال آن که تابعیت از موضوعات مربوط به حقوق عمومی و حاکمیت دولت است.
- به نظر مرحوم دکتر محمد نصیری، تغییر تابعیت زن در اثر ازدواج، اثر وصف تأسیس عقد ازدواج است. زن فقط ازدواج را خواسته است و تغییر تابعیت نیز از طریق قانون به او تحمیل شده است. تغییر تابعیت یکی از آثار قهری عقد ازدواج است.
- قانون مدنی ایران راجع به زن تبعه خارجه که شوهر ایرانی اختیار می‌کند، سیستم وحدت تابعیت را پذیرفته است و در واقع طبق بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، تابعیت ایران را به او تحمیل می‌کند. اما راجع به زن ایرانی که با شوهر خارجی ازدواج می‌کند، سیستم استقلال نسبی تابعیت را پذیرفته است و در ماده ۹۸۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر این که مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود.»

تغییر تابعیت از روی خدعه و تقلب نسبت به قانون

- تقلب نسبت به قانون در صورتی است که شخصی از حقی که قانون به او داده است برای یک منظور و هدف متقلبانه استفاده کند و به عبارت دیگر از اختیار اعطاء شده از طرف قانون سوء استفاده کند.
- برای مثال اگر طبق قانون کشوری طلاق جائز نباشد و شخص برای طلاق، تابعیت خود را عوض کند، در واقع تقلب نسبت به قانون رخ داده است. مسئله‌ای که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا در این صورت فقط عمل حقوقی متقلبانه (در فرض این جا طلاق) باطل است و یا این که اصل تغییر تابعیت نیز باطل است. به نظر مرحوم دکتر محمد نصیری، ضمانت اجرای تحصیل متقلبانه تابعیت، ابطال تمام عمل است و نه فقط غیر قابل استناد بودن طلاق. بنابراین طبق این نظریه هم طلاق و هم تابعیت جدید، هر دو باطل هستند.

تابعیت در ایران

- تا سال ۱۳۱۳ و تصویب جلد سوم قانون مدنی، مقررات مربوط به تابعیت ایران یا از طریق عهدنامه‌ها بود و یا از طریق قوانین و مقررات متفرقه؛ اما از این سال و با اختصاص موادی از قانون مدنی به بحث تابعیت، این بحث دارای نظم شده است.
- بحث تابعیت ایران را با رویکرد تأکید بر مواد مربوط در قانون مدنی ایران، در ۳ بخش زیر بررسی می‌کنیم:

- ۱- به دست آوردن تابعیت ایران
- ۲- از دست دادن تابعیت ایران
- ۳- بازگشت به تابعیت ایران

مواد قانونی مرتبط در مورد تابعیت

به دست آوردن تابعیت ایران

ماده ۹۷۶ قانون مدنی: اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

- ۱- کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تابعیت خارجی آن‌ها مسلم باشد. تابعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آن‌ها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.
- ۲- کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است، اعم از این که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.
- ۳- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشد.
- ۴- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند.
- ۵- کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از سن هجده سال تمام لاقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آن‌ها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.
- ۶- هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.
- ۷- هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد.

تبصره - «اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و کنسولی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود.»

ماده ۹۷۷: «بند الف - هرگاه اشخاص مذکور در بند ۴ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن هجده سال تمام بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر بر این که آن‌ها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.»

بند ب- هرگاه اشخاص مذکور در بند پنج ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر بر این که آن‌ها را تبعه خود خواهند شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.»

ماده ۹۷۸ قانون مدنی: «نسبت به اطفالی که در ایران از اتباع دولی متولد شده‌اند که در مملکت متبوع آن‌ها، اطفال متبوع آن‌ها، اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آن‌ها را به تبعیت ایران، منوط به اجازه می‌کنند، معامله متقابل خواهد شد.»

همان گونه که مشاهده می‌کنید بندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ماده ۹۷۶ قانون مدنی در مورد تابعیت اصلی است. یعنی تابعیتی که در نتیجه تولد به فرد تحمیل می‌شود. اگر دقت کنید بند اول تنها یک اماره ارائه کرده است، بند دوم بر مبنای سیستم خونی است و بندهای ۳ و ۵ نیز در مورد سیستم خاک است که توضیحات تکمیلی آن‌ها در مواد ۹۷۷ و ۹۷۸ ارائه شده است.

در مورد سیستم خون (بند ۲) نکات زیر وجود دارد:

- ۱- اعطای تابعیت از طریق این بند تنها از طریق نَسَب پدری است و نه مادری
 - ۲- معیار ارائه تابعیت از طریق این بند زمان تولد طفل است و نه زمان انعقاد نطفه
 - ۳- برای اعطای تابعیت ایرانی از طریق این بند، مشروعیت نَسَب شرط نیست.
- علاوه بر این، بندهای ۶ و ۷ در مورد تابعیت اکتسابی است که خود بر دو نوع تابعیت اکتسابی ناشی از ازدواج (بند ۶) و تابعیت اکتسابی ناشی از پذیرش تابعیت ایران (بند ۷) تقسیم می‌شود.

ماده ۹۷۹ قانون مدنی: «اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند، می‌توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند:

- ۱) به سن هجده سال تمام رسیده باشند.

۲) پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند.

۳) فراری از خدمت نظامی نباشند.

۴) در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی محکوم نشده باشند.

■ در مورد فقره دوم این ماده اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است.»

نکته: همان گونه که ملاحظه می‌کنید ماده فوق بیانگر شرایط پذیرش تابعیت ایران برای اتباع بیگانه است. دقت کنید که طبق ماده ۹۸۰، در صورتی که متقاضی تابعیت ایران به امور عام المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشد، دارای عیال ایرانی باشد و از وی اولاد داشته باشد و یا این که دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام المنفعه باشد و تقاضای ورود به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد، در صورت صلاحدید دولت، بدون وجود شرط دوم (شرط اقامت) و یا تصویب هیئت وزیران به تابعیت ایران در خواهند آمد.

■ **ماده ۹۸۲ قانون مدنی:** « اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است

بهره‌مند می‌شوند، لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند:

۱) ریاست جمهوری و معاونین او

۲) عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه

۳) وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری

۴) عضویت در مجلس شورای اسلامی

۵) عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر

۶) استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست و یا مأموریت سیاسی

۷) قضاوت

۸) عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی

۹) تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی»

■ **ماده ۹۸۴ قانون مدنی:** «زن و اولاد صغیر کسانی که برطبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می‌نمایند تبعه دولت ایران

شناخته می‌شوند، ولی زن در ظرف یک سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یک سال از تاریخ رسیدن به سن هجده سال تمام می‌توانند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول کنند...»

■ **ماده ۹۸۵ قانون مدنی:** «تحصیل تابعیت ایرانی پدر به هیچ وجه درباره اولاد او که در تاریخ تقاضانامه به سن هجده سال

تمام رسیده‌اند مؤثر نمی‌باشد.»

■ در پایان مبحث مربوط به تحصیل تابعیت ایران، اشاره می‌شود که درخواست تحصیل تابعیت ایران باید به وزارت امور خارجه تسلیم شود.

■ همان گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد تابعیت اکتسابی از دو طریق است: با تابعیت اکتسابی ناشی از پذیرش تابعیت ایران آشنا شدیم و اکنون به تابعیت اکتسابی ناشی از ازدواج که موضوع بند ۶ ماده ۹۷۶ است، می‌پردازیم:

■ **ماده ۹۸۶ قانون مدنی:** «زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می‌شود می‌تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به

تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر این که وزارت امور خارجه را کتباً مطلع نماید. ولی هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی‌تواند مادام که اولاد او به سن هجده سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند. در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می‌شود حق داشتن اموال غیر منقول نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد. و هر گاه دارای اموال غیر منقول بیش از آن چه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده یا بعداً به ارث اموال غیر منقولی بیش از آن حد به او برسد باید در ظرف یک سال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملک در مورد ارث، مقدار مازاد را به نحوی از انحاء به اتباع ایران منتقل کند و الا اموال مزبور با نظارت مدعی‌العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش، قیمت به آن‌ها داده خواهد شد.»

- **ماده ۹۸۷ قانون مدنی:** «زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر این که مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود ولی در هر صورت، بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.
- تبصره ۱- هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج، زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج، مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.
- تبصره ۲- زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیر منقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، ندارند...»

۲- از دست دادن تابعیت ایران

- علاوه بر مواردی که در بخش قبل مورد اشاره قرار گرفتند که به اشخاص اجازه داده می‌شد با وجود شرایط خاص تابعیت ایران را ترک کنند، طبق ماده ۹۸۸ قانون مدنی «اتباع ایران نمی‌توانند تابعیت خود را ترک کنند مگر با شرایط ذیل:
 - (۱) به سن بیست و پنج سال تمام رسیده باشند.
 - (۲) هیئت وزراء خروج از تابعیت آن‌ها را اجازه دهد.
 - (۳) قبلاً تعهد نمایند که در ظرف یک سال از تاریخ ترک تابعیت، حقوق خود را بر اموال غیر منقول که در ایران دارا می‌باشند و یا ممکن است بالوارثه را دارا شوند، ولو قوانین ایران اجازه تملک آن را به اتباع خارجه بدهد، به نحوی از انحاء به اتباع ایرانی منتقل کنند.زوجه و اطفال کسی که بر طبق این ماده ترک تابعیت می‌نمایند اعم از این که اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تابعیت ایرانی خارج نمی‌گردند مگر این که اجازه هیئت وزراء شامل آن‌ها هم باشد.
 - (۴) خدمت تحت‌السلطه خود را انجام داده باشند.
- **تبصره الف -** کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر مقرراتی که ضمن بند (۳) این ماده درباره آنان مقرر است باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت از ایران خارج شوند.
- چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آن‌ها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و تمدید مهلت مقرر فوق، حداکثر تا یک سال موکول به موافقت وزارت امور خارجه می‌باشد.
- **تبصره ب-** هیئت وزیران می‌تواند ضمن تصویب ترک تابعیت زن ایرانی بی شوهر ترک تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر یا جد پدری هستند و کمتر از هجده سال تمام دارند و یا به جهات دیگری مجبورند اجازه دهد.
- فرزندان زن مذکور نیز، که به سن ۲۵ سال تمام نرسیده باشند، می‌توانند به تابعیت از درخواست مادر تقاضای ترک تابعیت نمایند.»

۳- بازگشت به تابعیت ایران

- **ماده ۹۹۰ قانون مدنی،** از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات، تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند به تابعیت اصلیه خود رجوع نمایند، به مجرد درخواست، به تابعیت ایران قبول خواهند شد مگر آن که دولت تابعیت آن‌ها را صلاح نداند.

سوالات چهار گزینه‌ای فصل دوم

۵۷. در کدام مساله حقوق بین الملل خصوصی، قاعده عرف و عادت بین المللی در عمل چندان اهمیتی ندارد؟

- (۱) مساله وضع بیگانگان
- (۲) مساله تابعیت
- (۳) مساله اموال غیر منقول
- (۴) مساله شکل اسناد

۵۸. کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) تابعیت رابطه‌ای است حقوقی دارای بعضی از خصایص سیاسی
- (۲) تمام اتباع یک دولت بایستی تحت یک « رژیم حقوقی » یعنی دارای حقوق مساوی باشند.
- (۳) دولت‌ها می‌توانند حق پناهندگی را نقض و پناهندگان را به کشور اصلی تسلیم کنند.
- (۴) قواعد تابعیت صرفاً دارای وصف حقوق عمومی است.

۵۹. در سیستم خون، طفل به محض تولد تابعیت کدام را پیدا می‌کند؟

- (۱) پدر
- (۲) مادر
- (۳) پدر و مادر
- (۴) پدر یا جد پدری

۶۰. نسبت به اطفالی که در ایران از اتباع دولی متولد شده‌اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب مقررات تبعه خود می‌پندارند:

- (۱) سیستم خون حاکم خواهد بود.
- (۲) تا سن ۱۸ سال تمام تابعیت ایران بر وی حاکم می‌باشد.
- (۳) معامله متقابل خواهد شد.
- (۴) تابعیت پدر تحمیل خواهد شد.

۶۱. شرط اقامت برای چه کسانی در صورت درخواست تابعیت ایران، رعایت نمی‌گردد؟

- (۱) کسانی که به سن ۱۸ سال تمام رسیده باشند.
- (۲) کسانی که حداقل ۳ سال در ایران اقامت داشته باشند.
- (۳) کسانی که متخصص در امور عام‌المنفعه باشند.
- (۴) کسانی که دارای عیال ایرانی هستند اگر از او اولاد نداشته باشند.

۶۲. کدام یک از شرایط ترک تابعیت ایران نمی‌باشد؟

- (۱) سن ۲۵ سال تمام
- (۲) اجازه هیأت وزرا برای خروج از تابعیت
- (۳) انجام خدمت تحت السلاح
- (۴) عدم محکومیت به جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی

۶۳. در قانون ایران، در صورت ازدواج زوجه ایرانی با شوهر خارجی کدام سیستم مورد پذیرش قرار گرفته است؟

- (۱) سیستم وحدت تابعیت
- (۲) سیستم ثنویت مطلق تابعیت
- (۳) سیستم استقلال نسبی تابعیت
- (۴) سیستم تابعیت مؤثر

۶۴. دارندگان تابعیت اکتسابی ایران از کدام حق می‌توانند بهره‌مند شوند؟

- (۱) عضویت در کفالت وزارت
- (۲) قضاوت
- (۳) استخدام در وزارت فرهنگ و آموزش عالی
- (۴) استخدام در وزارت امور خارجه

۶۵. آثار تحصیل تابعیت ایران شامل کدام یک می باشد؟

- (۱) تمامی افراد خانواده تحصیل کننده تابعیت
- (۲) فاقد اثر تبعی است.
- (۳) فقط فرزندان شخص تحصیل کننده را شامل می شود.
- (۴) زن و فرزندان صغیر شخص تحصیل کننده را شامل می گردد.

۶۶. هر گاه کسی که موافق مقررات، تبدیل تابعیت کرده باشد و بخواهد به تابعیت اصلیه خود رجوع کند:

- (۱) به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهد شد.
- (۲) بایستی رضایت دولتی که تابعیت آن ها را دارد کسب نماید.
- (۳) در صورت صلاح دانستن دولت به صرف درخواست به تابعیت ایران قبول می گردد.
- (۴) به پیشنهاد وزیر امور خارجه و موافقت دولت ایران به تابعیت ایران پذیرفته خواهد شد.

۶۷. کسانی که وفق مقررات مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می نمایند باید ظرف چه مدتی از تاریخ صدور سند ترک تابعیت، از ایران خارج شوند؟

- | | |
|-----------|-----------|
| (۱) ۶ ماه | (۲) ۲ ماه |
| (۳) ۱ ماه | (۴) ۳ ماه |

۶۸. زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می نماید بعد از تفریق، به صرف تقدیم درخواست به انضمام سند تفریق:

- (۱) به هیأت دولت به تابعیت ایران برمی گردد.
- (۲) در صورت صلاحدید هیأت دولت به تابعیت ایران برمی گردد.
- (۳) به وزارت امور خارجه تابعیت اصلیه وی با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به او تعلق خواهد گرفت.
- (۴) به هیأت دولت با حقوق و امتیازات محدود به تابعیت ایران پذیرفته می شود.

۶۹. تحصیل تابعیت بیگانه در تابعیت ایرانی شخص چه تأثیری خواهد داشت؟

- (۱) تابعیت ایرانی او کان لم یکن خواهد بود.
- (۲) دولت ایران می تواند از چنین شخصی سلب تابعیت نماید.
- (۳) تا زمانی که بر تابعیت بیگانه باقی است تابعیت ایران معلق خواهد ماند.
- (۴) دولت ایران مکلف است از چنین شخصی سلب تابعیت نماید.

۷۰. سیستم خاک در ایران به چه صورتی مورد پذیرش قرار گرفته است؟

- | | |
|---|-------------------|
| (۱) در ایران فقط سیستم خون اعمال می گردد. | (۲) به صورت مشروط |
| (۳) به صورت مطلق | (۴) به صورت ضمنی |

۷۱. اتباع ایران در صورت ترک تابعیت تا چه میزان می توانند اموال غیر منقول خود را در ایران حفظ نمایند؟

- (۱) به اندازه ای که اتباع بیگانه می توانند داشته باشند.
- (۲) نمی توانند اموال غیر منقول داشته باشند.
- (۳) در حدی که برای رفع نیاز ضروری باشد.
- (۴) $\frac{1}{4}$ اموال خود را می توانند حفظ نمایند.

۷۲. تحصیل تابعیت ایران در کدامیک از افراد خانواده شخص پذیرفته شده مؤثر می باشد؟

- | | |
|--------------------------|-------------------------------|
| (۱) در همه افراد خانواده | (۲) فقط در همسر وی |
| (۳) فقط در فرزندان وی | (۴) در همسر و بعضی از فرزندان |

۷۳. در قانون تابعیت ایران، سیستم استقلال نسبی در خصوص کدامیک مورد پذیرش قرار گرفته است؟

- | | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| (۱) ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی | (۲) ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی |
| (۳) ازدواج زن و مرد ایرانی در خارج | (۴) ازدواج زن و مرد خارجی در ایران |

۷۴. در کدامیک از سیستم‌های زیر، اسلوب تشخیص تابعیت اشخاص بر اساس محل تولد آنان می‌باشد؟

(۱) سیستم خون

(۲) سیستم خاک

(۳) سیستم وحدت تابعیت

(۴) سیستم اقامتگاه

۷۵. قانونگذار ایران، کدام سیستم را بعنوان سیستم ترجیحی تابعیت تولدی پذیرفته است؟

(۱) سیستم خاک

(۲) سیستم خون

(۳) سیستم استقلال تابعیت

(۴) سیستم وحدت تابعیت

۷۶. تابعیت مضاعف و آپاترید به ترتیب معلول کدامیک از تعارض‌های زیر می‌باشند؟

(۱) تعارض زمانی - تعارض مثبت

(۲) تعارض مثبت - تعارض منفی

(۳) تعارض ضمنی - تعارض منفی

(۴) تعارض مثبت - تعارض ضمنی

۷۷. تغییر تابعیت زن در اثر ازدواج، ناشی از کدام است؟

(۱) اراده زن

(۲) سلطه شوهر

(۳) اثر قهری زناشویی

(۴) اراده زوجین

۷۸. کدامیک از موارد زیر در قانون ایران بعنوان معیارهای تابعیت مورد پذیرش قرار گرفته است؟

(۱) خون

(۲) خاک

(۳) خون و خاک

(۴) خون، خاک و والدین

۷۹. در خصوص اموال غیر منقول، میزان اموال غیر منقولی که قانونگذار ایران برای افرادی که ترک تابعیت ایران نموده‌اند در نظر گرفته کدام است؟

(۱) در حدی که موجب سلطه اقتصادی نگردد.

(۲) به اندازه اتباع خارجه

(۳) به کلی از داشتن اموال غیر منقول محروم شده‌اند.

(۴) به اندازه دارندگان تابعیت اکتسابی ایران

۸۰. کدامیک از موارد سلب تابعیت از ایرانیان می‌باشد؟

(۱) ارتکاب جرائم علیه امنیت ملی

(۲) اخذ تابعیت دولت دیگر

(۳) ارتکاب جنایات منجر به تبعید

(۴) پناهندگی سیاسی به دولت بیگانه

۸۱. اثر تحصیل تابعیت بیگانه در تابعیت ایرانی فرد چیست؟

(۱) تابعیت ایرانی او از بین می‌رود.

(۲) دولت مجاز است تابعیت ایرانی او را سلب کند.

(۳) تابعیت ایرانی او به حال تعلیق در می‌آید.

(۴) دولت مکلف بر سلب تابعیت اوست.

۸۲. تابعیت کسی که از پدر خارجی و مادر ایرانی در خارج متولد شده ایرانی است؟

(۱) ایرانی نیست.

(۲) به اقتضای تابعیت مادر، او هم ایرانی است.

(۳) در صورت اجازه دولت او هم ایرانی است.

(۴) شرط ایرانی بودن او اقامت در ایران است.

۸۳. آیا اخراج تبعه از کشور میسر است؟

(۱) با حکم دادگاه میسر است.

(۲) در اختیار دولت است.

(۳) اخراج او ممکن نیست

(۴) اخراج او به دلیل جرایم علیه امنیت کشور میسر است.

۸۴. آیا سلب تابعیت اکتسابی شخص محکوم به ارتکاب اعمالی علیه امنیت ایران میسر است؟

(۱) اثر این محکومیت سلب تابعیت ایرانی اوست.

(۲) تابعیت ایرانی او قابل سلب نیست.

(۳) سلب تابعیت ایرانی او منوط به تصریح آن در حکم است.

(۴) دولت می‌تواند تابعیت او را سلب کند.

۸۵. معیار تعیین تابعیت شخص حقوقی چیست؟
(۱) محل ثبت آن
(۲) محل تشکیل آن
(۳) اقامتگاه آن
(۴) محل انعقاد جلسات هیأت مدیره آن
(سراسری - ۷۲)
۸۶. تحصیل تابعیت ایران در تابعیت افراد خانواده شخص پذیرفته شده، چه تأثیری دارد؟
(۱) همه افراد خانواده شخص پذیرفته شده به تابعیت ایران درمی‌آیند.
(۲) فقط همسر شخص پذیرفته شده به تابعیت ایران در می‌آید.
(۳) فقط فرزندان شخص پذیرفته شده، به تابعیت ایران در می‌آیند.
(۴) همسر و بعضی از فرزندان شخص پذیرفته شده، به تابعیت ایران در می‌آیند.
(سراسری - ۷۳)
۸۷. اثر رجوع به تابعیت اصلیه در مورد تبعه ایرانی که موافق مقررات قانونی ترک تابعیت کرده چیست؟
(۱) محرومیت از بعضی حقوق عمومی غیر سیاسی
(۲) تمتع از کلیه حقوق هرگاه دولت صلاح بداند.
(۳) محرومیت از بعضی حقوق عمومی سیاسی
(۴) تمتع از کلیه حقوق
(سراسری - ۷۳)
۸۸. آیا تابعیت کسی که در ایران از پدر و مادر خارجی متولد شده ایرانی است؟
(۱) ایرانی است.
(۲) ایرانی نیست.
(۳) در صورت اجازه دولت ایرانی است.
(۴) بسته به اراده پدر و مادر است.
(سراسری - ۷۳)
۸۹. زن ایرانی بی‌شوهری که موافق مقررات قانونی ترک تابعیت کرده و بعداً در کشور خارج، مردی غیر ایرانی را به همسری اختیار نموده در چه صورتی می‌تواند به تابعیت ایران رجوع کند؟
(۱) در صورتی که دولت صلاح بداند.
(۲) در صورتی که شوهر او فوت شده باشد.
(۳) در صورتی که شوهر طلاق گرفته باشد.
(۴) در صورتی که شوهر او مخالفت ننماید.
(سراسری - ۷۳)
۹۰. قانون تابعیت ایران در مورد ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی کدامیک از سیستم‌های زیر پذیرفته است؟
(۱) سیستم جدایی تابعیت زوجین
(۲) سیستم استقلال نسبی
(۳) سیستم استقلال مطلق
(۴) سیستم وحدت تابعیت زوجین
(سراسری - ۷۳)
۹۱. قانون تابعیت ایران در مورد ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی کدامیک از سیستم‌های زیر را پذیرفته است؟
(۱) سیستم استقلال مطلق
(۲) سیستم جدایی تابعیت زوجین
(۳) سیستم وحدت تابعیت زوجین
(۴) سیستم استقلال نسبی
(سراسری - ۷۳)
۹۲. حقوق موضوعه ایران سیستم استقلال نسبی تابعیت زوجین را در کدام فرض پذیرفته است؟
(۱) ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی
(۲) ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی
(۳) ازدواج زن خارجی با مرد خارجی
(۴) ترک تابعیت زن ایرانی بی‌شوهر
(سراسری - ۷۴)
۹۳. سیستم خاک یعنی سیستمی که به موجب آن تابعیت شخص از روی او تعیین شود.
(۱) اقامتگاه والدین
(۲) محل تولد والدین
(۳) تابعیت والدین
(۴) محل تولد
(سراسری - ۷۴)
۹۴. یک زن خارجی که در نتیجه ازدواج ایرانی می‌شود به کدام شرط حق رجوع به تابعیت اول خود را دارد؟
(۱) در صورت انحلال نکاح
(۲) در صورت نداشتن فرزند
(۳) ظرف یک سال از تاریخ تحصیل تابعیت ایران
(۴) در صورت موافقت دولت
(سراسری - ۷۴)
۹۵. قانون ایران به فردی که تابعیت ایرانی و خارجی دارد در صورت تعارض سیستم ایران با سیستم خارجی حق ترجیح یا حق اعراض از تابعیت ایران داده است.
(۱) خاک، خون
(۲) خاک، خاک
(۳) خون، خاک
(۴) خون، خون
(سراسری - ۷۴)
۹۶. تابعیت نسبی ایران با تابعیت قابل جمع نیست.
(۱) اراضی خارجی
(۲) اراضی ایرانی
(۳) تبعی خارجی
(۴) نسبی خارجی
(سراسری - ۷۴)



۹۷. اشخاصی که تابعیت ایران را به دست آورند می توانند از حق بهره مند شوند. (سراسری - ۷۴)
- (۱) قضاوت
(۲) عضویت در شورای نگهبان
(۳) استخدام در وزارت فرهنگ و آموزش عالی
(۴) عضویت در مجلس شورای اسلامی
۹۸. در حقوق موضوعه ایران سیستم وحدت تابعیت زوجین در کدام حالت پذیرفته شده است؟ (سراسری - ۷۴)
- (۱) ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی
(۲) ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی
(۳) خروج زن ایرانی بی شوهر از تابعیت ایران و ازدواج او با مرد خارجی
(۴) خروج مرد ایرانی از تابعیت ایران و ازدواج با زن خارجی
۹۹. در حقوق موضوعه ایران تابعیت شرکت از روی تعیین می شود. (سراسری - ۷۴)
- (۱) محل پذیرهنویسی
(۲) تابعیت شرکاء
(۳) اراده مؤسسين شرکت
(۴) اقامتگاه شرکت
۱۰۰. رابطه قبول تابعیت پدر خارجی (اعراض از تابعیت ایران) با ترک تابعیت ایران چگونه است؟ (سراسری - ۷۴)
- (۱) شرط سنی در هر دو ۲۵ سال است.
(۲) شرط سنی، در هر دو ۱۸ سال است.
(۳) هر دو جنبه ارادی دارند.
(۴) هر دو جنبه قهری دارند.
۱۰۱. رجوع به تابعیت اصلیه در مورد ایرانیانی که موافق مقررات ترک تابعیت کرده باشند چه اثری دارد؟ (سراسری - ۷۵)
- (۱) از پاره‌ای از حقوق خصوصی متمتع خواهند بود.
(۲) پاره‌ای از حقوق سیاسی محروم خواهند بود.
(۳) از حقوق مدنی مخصوصه محروم خواهند بود.
(۴) از تمامی حقوق متمتع خواهند بود.
۱۰۲. تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی ترک تابعیت کند و تابعیت خارجی تحصیل کند از کدام حقوق محروم می گردد؟ (سراسری - ۷۵)
- (۱) خصوصی
(۲) مدنی مخصوصه
(۳) عمومی سیاسی
(۴) مربوط به احوال شخصیه
۱۰۳. در حقوق موضوعه ایران سیستم ترجیحی تابعیت تولدی کدام است؟ (سراسری - ۷۵)
- (۱) استقلال تابعیت
(۲) خاک
(۳) خون
(۴) وحدت تابعیت
۱۰۴. سیستم استقلال نسبی تابعیت زوجین در کدام فرض پذیرفته شده است؟ (سراسری - ۷۵)
- (۱) ازدواج ایرانیان غیر شیعه در داخل کشور
(۲) ازدواج زن و مرد ایرانی در خارج از کشور
(۳) ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی
(۴) ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی
۱۰۵. پدیده بی تابعیتی (یا فقدان تابعیت) معلول تعارض قوانین تابعیت است. (سراسری - ۷۵)
- (۱) زمانی
(۲) ضمنی
(۳) مثبت
(۴) منفی
۱۰۶. سیستم وحدت تابعیت زوجین در چه فرضی پذیرفته شده است؟ (سراسری - ۷۵)
- (۱) ازدواج زن و مرد ایرانی در خارج از کشور
(۲) ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی
(۳) ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی
(۴) ازدواج ایرانیان غیر شیعه در داخل کشور
۱۰۷. تابعیت مضاعف معلول تعارض قوانین تابعیت است. (سراسری - ۷۵)
- (۱) زمانی
(۲) ضمنی
(۳) منفی
(۴) مثبت
۱۰۸. سن اعراض از تابعیت ایران (حق انتخاب بین تابعیت ایران و تابعیت خارجی) کدام است؟ (سراسری - ۷۶)
- (۱) ۱۵ سال
(۲) ۱۸ سال
(۳) ۲۵ سال
(۴) سن بلوغ

۱۰۹. آثار ترک تابعیت ایران شامل چه کسانی است؟
 (۱) تمامی افراد خانواده را در بر می‌گیرد.
 (۲) فاقد اثر تبعی است.
 (۳) فقط فرزندان شخص ترک‌کننده را شامل می‌شود.
 (۴) فقط همسر شخص ترک‌کننده را شامل می‌شود.
 (سراسری - ۷۶)
۱۱۰. سن تحصیل تابعیت ایران کدام است؟
 (۱) ۲۵ سال است (۲) همان سن بلوغ است (۳) ۱۵ سال است (۴) ۱۸ سال است
 (سراسری - ۷۶)
۱۱۱. اثر تحصیل تابعیت ایران شامل چه کسانی است؟
 (۱) تمامی افراد خانواده
 (۲) تحصیل تابعیت ایران اثر تبعی ندارد.
 (۳) فقط همسر شخص پذیرفته شده
 (۴) همسر و فرزندان صغیر شخص پذیرفته شده
 ۱۱۲. زن ایرانی که در اثر ازدواج با مرد خارجی تابعیت ایران را از دست داده در چه صورتی می‌تواند به تابعیت ایران رجوع کند؟
 (۱) طلاق، مشروط بر این‌که دولت رجوع به تابعیت او را صلاح بداند.
 (۲) طلاق یا فوت شوهر
 (۳) فوت شوهر، مشروط بر این‌که دولت رجوع به تابعیت او را صلاح بداند.
 (۴) فوت شوهر، مشروط بر این‌که متوفی فرزند صغیر نداشته باشد.
 (سراسری - ۷۶)
۱۱۳. کدام سیستم می‌تواند مانع به وجود آمدن تابعیت مضاعف بعد از تولد (اکتسابی) شود؟
 (۱) استقلال نسبی تابعیت زوجین
 (۲) خون
 (۳) خاک
 (۴) وحدت تابعیت زوجین
 (سراسری - ۷۷)
۱۱۴. وجه اشتراک رد تابعیت ایران و ترک تابعیت ایران چیست؟
 (۱) غیر ارادی بودن (۲) علی‌البدل بودن (۳) تولدی بودن (۴) ارادی بودن
 (سراسری - ۷۷)
۱۱۵. برای تشخیص تابعیت مؤثر یا غالب، قاضی می‌بایست کدام مورد را مورد توجه قرار دهد؟
 (۱) به اراده شخص در تعیین تابعیت
 (۲) به مقررات کشور متبوع شخص
 (۳) به مقررات کشور محل اقامت
 (۴) اوضاع و احوال شخص از لحاظ سکونت، زبان و علایق عملی
 (سراسری - ۷۷)
۱۱۶. زن خارجی که در اثر ازدواج با مرد ایرانی تابعیت ایران را به دست می‌آورد در کدام صورت می‌تواند به تابعیت اصلی خود رجوع کند؟
 (۱) انحلال نکاح
 (۲) موافقت دولت
 (۳) هر وقت بخواهد
 (۴) ظرف مدت یک سال از تاریخ ازدواج
 (سراسری - ۷۷)
۱۱۷. تابعیت رابطه‌ای است بین دولت و فرد.
 (۱) حقوقی، سیاسی و معنوی
 (۲) مادی و معنوی
 (۳) قراردادی
 (۴) مادی و سیاسی
 (سراسری - ۷۷)
۱۱۸. تابعیت دوگانه تولدی ممکن است معلول تعارض باشد.
 (۱) دو سیستم خون
 (۲) سیستم وحدت و سیستم خون
 (۳) سیستم وحدت و استقلال
 (۴) قوانین مربوط به ترک تابعیت و تحصیل تابعیت
 (سراسری - ۷۸)



۱۱۹. اگر دارنده تابعیت اکتسابی ایران، در مدت توقف در خارج از کشور، مرتکب اعمالی بر ضد ایران بشود (سراسری - ۷۸)

- ۱) دولت ایران، نمی تواند از او سلب تابعیت کند.
- ۲) دولت ایران، می تواند از او سلب تابعیت کند.
- ۳) مجازات وی شدیدتر از اتباع ایرانی الاصل است.
- ۴) علاوه بر سلب تابعیت طبق قانون مجازات اسلامی عمل خواهد شد.

۱۲۰. اگر یک ایرانی بدون رعایت مقررات مربوط به ترک تابعیت، تابعیت یک کشور خارجی را تحصیل نماید از نظر دولت ج. ا. ا. (سراسری - ۷۸)

- ۱) تابعیت خارجی وی به رسمیت شناخته خواهد شد.
- ۲) تابعیت خارجی وی کان لم یکن تلقی می شود.
- ۳) تابعیت ایرانی وی سلب و تابعیت خارجی او کان لم یکن می شود.
- ۴) مرتکب جرم شده و مجازاتش تبعید است.

۱۲۱. زن ایرانی که با مرد خارجی ازدواج می نماید: (سراسری - ۷۸)

- ۱) اگر قانون کشور متبوع شوهر، تابعیت شوهر را بر زن تحمیل نماید تابعیت ایران را از دست می دهد.
- ۲) اگر قانون کشور متبوع شوهر، تابعیت شوهر را بر زن تحمیل نماید باز هم تابعیت ایرانی خود را حفظ می نماید.
- ۳) این ازدواج به هیچ وجه نمی تواند تأثیری در تابعیت ایرانی وی داشته باشد.
- ۴) به محض ازدواج، تابعیت ایرانی را از دست می دهد.

۱۲۲. تابعیت مؤثر در حقوق بین الملل خصوصی عبارت است از: (سراسری - ۷۸)

- ۱) تابعیتی که با اعمال سیستم خون به وجود آمده است.
- ۲) تابعیتی که با اعمال سیستم خاک به وجود آمده است.
- ۳) تابعیتی که شخص از میان چند تابعیت خود ترجیح می دهد.
- ۴) تابعیت واقعی که قاضی از بین چند تابعیت شخص آن را ترجیح می دهد.

۱۲۳. زن خارجی که به واسطه ازدواج با مرد ایرانی به تابعیت ایران در می آید: (سراسری - ۷۸)

- ۱) در صورت فوت شوهر برای خارج شدن از تابعیت ایران باید درخواست ترک تابعیت نماید.
- ۲) در صورت فوت شوهر، خودبخود تابعیت ایرانی را از دست می دهد.
- ۳) در صورت فوت شوهر می تواند با اطلاع کتبی به وزارت امور خارجه ج. ا. ا. به تابعیت قبلی خود در آید.
- ۴) می تواند تا دو سال پس از ازدواج تابعیت ایرانی خود را رد نماید.

۱۲۴. کدام یک از افراد ذیل دارای تابعیت اصلی ایران هستند؟ کسی که از پدر (سراسری - ۷۸)

- ۱) و مادر بیگانه که یکی از آن دو در ایران متولد شده به وجود آمده است.
- ۲) و مادر نامعلوم در ایران متولد شده است.
- ۳) ایرانی متولد شده است.
- ۴) هر سه گزینه

۱۲۵. منبع اصلی تابعیت در هر کشور است. (سراسری - ۷۸)

- ۱) قواعد داخلی
- ۲) عهدنامه ها
- ۳) عرف داخلی
- ۴) رویه قضایی بین الملل

۱۲۶. در سیستم حقوقی ایران شخصی که در ایران از پدر و مادر خارجی متولد شود، در صورتی تبعه ایران محسوب می شود که: (سراسری - ۷۸)

- ۱) پدر و مادر حتماً هر دو در ایران متولد شده باشند.
- ۲) یکی از پدر و مادر در ایران متولد شده باشد.
- ۳) پس از رسیدن به سن ۱۹ سالگی درخواست تحصیل تابعیت ایران را بنماید.
- ۴) پدر، تبعه یکی از کشورهای همسایه ایران باشد.

۱۲۷. شرایط رجوع به تابعیت ایران عبارت است از
 (۱) تقاضای کتبی و عدم مخالفت دولت
 (۲) عدم مخالفت دولت و سکونت در ایران به مدت ۵ سال
 (۳) موافقت دولت و عدم محکومیت به جرایم غیرسیاسی (۴) موافقت دولت و عدم محکومیت به جرایم سیاسی (سراسری - ۸۱)
۱۲۸. سن لازم برای ترک تابعیت ایران سال شمسی، برای تحصیل تابعیت ایران سال شمسی و برای رد تابعیت ایران سال شمسی است.
 (۱) هجده، هجده، بیست و پنج
 (۲) هجده، بیست و پنج، هجده
 (۳) بیست و پنج، هجده، بیست و پنج
 (۴) بیست و پنج، هجده، هجده (سراسری - ۸۰)
۱۲۹. تابعیت مبتنی بر سیستم خاک در ایران به کدام صورت اعمال می‌گردد؟
 (۱) مشروط (۲) مشروط و مطلق (۳) مطلق (۴) بی‌قید و شرط (سراسری - ۸۰)
۱۳۰. یک ایرانی که بدون ترک تابعیت ایران تابعیت کشور خارجی را تحصیل نماید:
 (۱) به محض درخواست از تابعیت ایران خارج می‌شود.
 (۲) تابعیت ایران از او سلب می‌شود.
 (۳) دولت جمهوری اسلامی ایران باید تابعیت خارجی او را به رسمیت بشناسد ولی حق داشتن اموال غیر منقول را در ایران ندارد.
 (۴) دولت جمهوری اسلامی ایران تابعیت خارجی او را کان لم یکن تلقی می‌کند. (سراسری - ۸۰)
۱۳۱. «الف» از پدر و مادر ایرانی در ایران متولد شده است، «الف» ایرانی
 (۱) نیست.
 (۲) است مشروط بر این که دولت ایران آن را قبول کند.
 (۳) است.
 (۴) است مشروط بر این که یکی از والدین در ایران متولد شده باشد. (سراسری - ۸۰)
۱۳۲. تابعیت تولدی یا اصلی یعنی تابعیت ناشی از
 (۱) ازدواج و یا طلاق (۲) اراده شخص
 (۳) ازدواج و یا تحصیل تابعیت (۴) نسب و یا محل تولد (سراسری - ۸۰)
۱۳۳. تابعیت ایرانی زن خارجی که با مرد ایرانی ازدواج می‌کند و تابعیت ایرانی زن خارجی که شوهرش تابعیت ایران را تحصیل می‌کند. به ترتیب چه نوع تابعیتی است؟
 (۱) ارادی (۲) تبعی، ارادی (۳) غیر ارادی، تبعی (۴) قهری، تبعی (سراسری - ۸۰)
۱۳۴. تغییر تابعیت زن در اثر ازدواج جنبه دارد.
 (۱) ارادی (۲) قهری (۳) غیر ارادی (۴) قراردادی (سراسری - ۸۱)
۱۳۵. زوجه و فرزندان کسی که تابعیت ایران را ترک می‌نماید:
 (۱) اگر اطفال وی کبیر باشند از تابعیت ایرانی خارج می‌گردند.
 (۲) اگر اطفال وی صغیر باشند از تابعیت ایرانی خارجی می‌گردند.
 (۳) اعم از این که اطفال وی صغیر یا کبیر باشند از تابعیت ایرانی خارج نمی‌گردند.
 (۴) اعم از این که اطفال وی صغیر یا کبیر باشند از تابعیت ایرانی خارج می‌گردند. (سراسری - ۸۱)
۱۳۶. در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران زنان ایرانی که در اثر ازدواج با مردان خارجی تابعیت خارجی شوهران خود را تحصیل می‌کنند، حق داشتن اموال غیر منقول را از ایران خارج گردند.
 (۱) ندارند و لازم است (۲) دارند و لازم نیست
 (۳) دارند و لازم است (۴) ندارند و لازم نیست (سراسری - ۸۱)



۱۳۷. کدام شرط جزو شرایط لازم برای کسب تابعیت ایرانی نیست؟
 (۱) سن ۱۸ سال تمام
 (۲) انجام خدمت نظام وظیفه
 (۳) ۵ سال اقامت متوالی یا متناوب در ایران
 (۴) محکوم نشدن به جنحه مهم یا جرائم سیاسی در خارج از کشور
 (سراسری - ۸۱)
۱۳۸. در حقوق بین الملل خصوصی ایران، بر اساس ماده ۹۸۴ ق.م. شخصی که به تابعیت ایران پذیرفته می شود، زن او:
 (۱) تبعه دولت ایران شناخته نمی شود.
 (۲) هم تبعه دولت ایران شناخته می شود.
 (۳) می تواند با رضایت خود تبعه دولت ایران شناخته شود.
 (۴) به شرط تنظیم تقاضانامه و موافقت دولت ایران
 (سراسری - ۸۱)
۱۳۹. اولاد صغیر شخص بیگانه ای که به تابعیت ایران پذیرفته شده است، ایرانی محسوب:
 (۱) می گردند و لازم نیست در ۱۸ سالگی تابعیت ایران را تحصیل کنند.
 (۲) نمی گردند ولی در سن ۱۸ سالگی تمام حق درخواست پذیرش به تابعیت ایران را دارند.
 (۳) می گردند ولی در ظرف یکسال از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام حق پذیرش تابعیت سابق پدر خود را دارند.
 (۴) نمی گردند ولی در ظرف یکسال از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام حق پذیرش تابعیت جدید پدر خود را دارند.
 ۱۴۰. زنان ایرانی که در اثر ازدواج تابعیت خارجی شوهران خود را پذیرفته اند، در صورت وفات شوهران خود یا طلاق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه ایران:
 (۱) حق بازگشت به تابعیت اصلی ایرانی را دارند.
 (۲) و پذیرش هیأت دولت ایران حق بازگشت به تابعیت اصلی ایرانی را دارند.
 (۳) و انتقال اموال و دارایی های خود به ایران حق بازگشت به تابعیت اصلی ایرانی را دارند.
 (۴) حق بازگشت به تابعیت اصلی ایرانی را ندارند و می بایست تابعیت ایرانی را تحصیل نمایند.
 (سراسری - ۸۱)
۱۴۱. تابعیت طفلی که از پدر ایرانی در ایران متولد می شود ناشی از سیستم است.
 (۱) خاک (۲) خون (۳) وحدت تابعیت (۴) خون و خاک
 (سراسری - ۸۱)
۱۴۲. هر زن تبعه خارجی، که شوهر ایرانی اختیار کند
 (۱) ایرانی محسوب می شود.
 (۲) اختیار تحصیل تابعیت ایران را دارد.
 (۳) در صورت تصویب هیأت وزیران ایرانی محسوب می گردد.
 (۴) ممکن است با احراز سایر شرایط ایرانی محسوب گردد.
 ۱۴۳. زن غیر ایرانی که شوهر او تحصیل تابعیت ایران می نماید و به تبع شوهر خود تبعه دولت ایران شناخته می شود می تواند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر را قبول کند.
 (سراسری - ۸۲)
- (۱) ظرف یک سال از تاریخ طلاق (۲) پس از یک سال از تاریخ فوت شوهر ایرانی
 (۳) پس از یک سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر (۴) ظرف یک سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر
 (سراسری - ۸۲)
۱۴۴. اگر یک ایرانی بدون ترک تابعیت ایران، تحصیل تابعیت خارجی نماید
 (۱) تابعیت خارجی او در ایران به رسمیت شناخته می شود.
 (۲) تابعیت ایرانی او سلب و تابعیت خارجی او کان لم یکن تلقی می شود.
 (۳) تابعیت خارجی او کان لم یکن تلقی می شود و تبعه ایران محسوب می شود.
 (۴) تابعیت خارجی او در ایران در صورتی که به رسمیت شناخته می شود که حداقل ۵ سال سابقه اقامت در کشور خارجی مذکور داشته باشد.

۱۴۵. زن ایرانی که در اثر ازدواج با مرد خارجی تابعیت ایرانی خود را از دست داده می تواند به تابعیت اصلی خود رجوع کند. (سراسری - ۸۲)

- (۱) پس از وفات شوهر و یا تفریق
- (۲) پس از یک سال از تاریخ صدور سند تابعیت خارجی
- (۳) ظرف یک سال از تاریخ صدور سند تابعیت خارجی
- (۴) ظرف یک سال از تاریخ وفات شوهر و یا تفریق

۱۴۶. زن ایرانی بی شوهری که موافق مقررات تبدیل تابعیت کرده و پس از تحصیل تابعیت خارجی با مرد بیگانه ای ازدواج کرده و بخواهد به تابعیت اصلی خود رجوع کند (سراسری - ۸۲)

- (۱) پس از طلاق یا فوت شوهر خارجی به تابعیت ایران قبول خواهد شد.
- (۲) به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهد شد. مگر آن که دولت تابعیت او را صلاح نداند.
- (۳) ظرف یک سال از تاریخ طلاق به تابعیت ایران قبول خواهد شد، مگر آن که دولت خارجی رجوع به تابعیت او را اجازه ندهد.
- (۴) پس از یک سال از تاریخ فوت شوهر خارجی به تابعیت ایران قبول خواهد شد، مگر آن که دولت تابعیت او را صلاح نداند.

۱۴۷. منشأ حقوقی تغییر تابعیت زن در اثر ازدواج است. (سراسری - ۸۲)

- (۱) غیر ارادی
- (۲) ناشی از اراده زن
- (۳) سلطه شوهر
- (۴) اثر قهری عقد ازدواج

۱۴۸. تابعیت ایرانی طفلی که از پدر ایرانی در ایران متولد شده است، تابعیت نامیده می شود. (سراسری - ۸۲)

- (۱) نسبی و سرزمینی
- (۲) سرزمینی
- (۳) تبعی
- (۴) نسبی

۱۴۹. بانویی غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج، ایرانی شده است. طلاق از شوهر ایرانی چه تأثیری در تابعیت وی دارد؟ (سراسری - ۸۳)

- (۱) می تواند به تابعیت خارجی خود برگردد.
- (۲) بعد از طلاق خارجی محسوب می شود.
- (۳) بعد از طلاق دو تابعیتی محسوب می شود.
- (۴) به شرط درخواست، می تواند به تابعیت ایرانی باقی بماند.

۱۵۰. دختر خارجی که به تبع پدر خود تابعیت ایران را تحصیل کرده است می تواند تابعیت مملکت سابق پدر را قبول کند.

(سراسری - ۸۳)

- (۱) با تقاضای کتبی و موافقت هیأت وزیران
- (۲) با تقاضای کتبی و موافقت مملکت سابق پدر
- (۳) در ظرف یک سال از تاریخ تحصیل تابعیت پدر
- (۴) در ظرف یک سال از تاریخ رسیدن به سن هجده سال تمام

۱۵۱. اتباع ایران که ترک تابعیت نموده اند تا چه میزان می توانند مال غیر منقول در ایران داشته باشند؟ (سراسری - ۸۳)

- (۱) نمی توانند مال غیر منقول داشته باشند.
- (۲) در حدی که موجب سلطه اقتصادی خارجی نگردد.
- (۳) به اندازه خارجیان می توانند مال غیر منقول داشته باشند.
- (۴) در حد نیاز می توانند مال غیر منقول (در ایران) داشته باشند.

۱۵۲. پذیرش به تابعیت ایران منوط به قبول است. (سراسری - ۸۳)

- (۱) وزارت کشور
- (۲) هیأت وزرا
- (۳) رئیس جمهور و مجلس
- (۴) وزرات امور خارجه و وزارت کشور

۱۵۳. تبعه بیگانه «مرتبه مال غیر منقول» باشد. (سراسری - ۸۴)

- (۱) می تواند
- (۲) نمی تواند
- (۳) می تواند با تحصیل اجازه مخصوص از اداره ثبت محل
- (۴) می تواند با تحصیل اجازه از وزارت امور خارجه



۱۵۴. داشتن هجده سال تمام از شرایط است.
 (۱) ترک تابعیت ایران و رد تابعیت ایران
 (۲) تحصیل تابعیت ایران و رد تابعیت ایران
 (۳) ترک تابعیت ایران و تحصیل تابعیت ایران در اثر ازدواج
 (۴) تحصیل تابعیت ایران برای زن خارجی که شوهر او به تابعیت ایران پذیرفته می‌شود
 (سراسری - ۸۴)
۱۵۵. در ازدواج بین‌المللی آمیخته:
 (۱) تابعیت مضاعف اکتسابی الزاماً به وجود می‌آید.
 (۲) تابعیت مضاعف اکتسابی ممکن است به وجود آید.
 (۳) تابعیت مضاعف تولدی الزاماً به وجود می‌آید.
 (۴) تابعیت مضاعف تولدی ممکن است به وجود آید.
 (سراسری - ۸۴)
۱۵۶. مؤثرترین وسیله برای جلوگیری از بی‌تابعیتی اعمال سیستم است.
 (۱) استقلال تابعیت (۲) وحدت تابعیت (۳) خاک (۴) خون
 (سراسری - ۸۴)
۱۵۷. تابعیت ایرانی که زن خارجی از طریق ازدواج با مرد ایرانی اکتساب می‌نماید:
 (۱) قطعی است و با فوت شوهر یا طلاق خودبه‌خود از بین نمی‌رود.
 (۲) قطعی است ولی با فوت شوهر یا طلاق خودبه‌خود از بین می‌رود.
 (۳) یک سال بعد از فوت شوهر یا طلاق خودبه‌خود از بین می‌رود.
 (۴) با فوت شوهر یا طلاق و فقط در صورت ازدواج مجدد خودبه‌خود از بین می‌رود.
 (سراسری - ۸۴)
۱۵۸. فرزند حاصل از ازدواج یک مرد ایرانی با زن خارجی:
 (۱) اگر پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام یک سال در ایران اقامت نماید، ایرانی محسوب می‌شود.
 (۲) ایرانی محسوب می‌شود، اگر ازدواج طبق قانون ایران انجام شده باشد.
 (۳) اگر در ایران متولد شده باشد، ایرانی محسوب می‌شود.
 (۴) اگر در ایران اقامت گزیند، ایرانی محسوب می‌شود.
 (سراسری - ۸۴)
۱۵۹. تابعیت اصلی، تابعیتی است که:
 (۱) به وسیله ازدواج به دست آمده باشد.
 (۲) پس از مدت معینی اقامت به دست می‌آید.
 (۳) به وسیله اجرای سیستم خون یا خاک به دست آمده باشد.
 (۴) شخص پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام به دست می‌آورد.
 (سراسری - ۸۴)
۱۶۰. در کدام مورد تغییر غیر ارادی تابعیت برای افراد رخ می‌دهد؟
 (۱) هنگامی که شخص به عنوان مجازات از کشور اخراج شود.
 (۲) هنگامی که شخص به کشور دیگری پناهنده شود.
 (۳) هنگامی که قسمتی از اراضی یک کشور از خاک اصلی جدا شود.
 (۴) برای فرزندان که پدرشان تغییر تابعیت دهد.
 (سراسری - ۸۵)
۱۶۱. زن ایرانی که با مرد خارجی ازدواج می‌نماید:
 (۱) به تابعیت ایرانی خود باقی می‌ماند.
 (۲) فوراً تابعیت ایرانی خود را از دست می‌دهد.
 (۳) به تابعیت ایرانی خود باقی می‌ماند اگر قانون کشور متبوع مرد سیستم استقلال تابعیت را پذیرفته باشد.
 (۴) اگر قانون کشور متبوع مرد سیستم وحدت تابعیت را پذیرفته باشد به تابعیت ایرانی خود باقی می‌ماند.
 (سراسری - ۸۵)

۱۶۲. ترک تابعیت ایرانی مرد چه تأثیری بر تابعیت زن و فرزندان او دارد؟ (سراسری - ۸۵)
- (۱) زن و فرزندان او نیز به تبع وی از تابعیت ایران خارج می‌شوند، لیکن ظرف یک سال می‌توانند اعلام کنند که می‌خواهند به تابعیت ایران باقی بمانند.
 - (۲) زن وی و فرزندانی که کم‌تر از ۲۵ سال دارند به تبع وی از تابعیت ایران خارج می‌شوند، لیکن فرزندان بالای ۲۵ سال خود باید تقاضا بدهند.
 - (۳) نسبت به فرزندان زیر ۱۸ سال او باعث تغییر تابعیت می‌شود.
 - (۴) به خودی خود هیچ تأثیری ندارد.
۱۶۳. سیستم وحدت تابعیت زوجین در ازدواج ممکن است برای زن تابعیت مضاعف ایجاد کند. (سراسری - ۸۵)
- (۱) بین‌المللی ساده
 - (۲) بین‌المللی مختلط
 - (۳) زن و مردی که مذاهب مختلف دارند
 - (۴) زن و مردی که اقامتگاه‌های مختلف دارند
۱۶۴. پدیده تابعیت مضاعف معلول تعارض قوانین تابعیت کشورها و پدیده آپاتریدی (بی‌تابعیتی) معلول تعارض (سراسری - ۸۵)
- قوانین تابعیت کشورها است.
- | | | | |
|-----------------|-----------------|-----------------|-----------------|
| (۱) مثبت - منفی | (۲) مثبت - مثبت | (۳) منفی - منفی | (۴) منفی - مثبت |
|-----------------|-----------------|-----------------|-----------------|
۱۶۵. حق بازگشت به تابعیت ایران برای زن ایرانی بی‌شوهری که با اجازه دولت ترک تابعیت کرده و پس از تحصیل تابعیت خارجی با یک مرد خارجی ازدواج کرده است، منوط به است. (سراسری - ۸۵)
- | | |
|----------------------|----------------------------|
| (۱) اجازه دولت ایران | (۲) اجازه دولت خارجی |
| (۳) اجازه شوهر خارجی | (۴) طلاق یا فوت شوهر خارجی |
۱۶۶. حق رجوع به تابعیت ایران برای زن ایرانی که در اثر ازدواج با مرد خارجی تابعیت ایران را از دست داده است، منوط به ... است. (سراسری - ۸۵)
- | | |
|----------------------|----------------------------|
| (۱) اجازه دولت ایران | (۲) اجازه دولت خارجی |
| (۳) اجازه شوهر خارجی | (۴) طلاق یا فوت شوهر خارجی |
۱۶۷. زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می‌شود می‌تواند به تابعیت اول خود رجوع کند. (سراسری - ۸۵)
- (۱) بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی
 - (۲) ظرف یک سال از تاریخ ازدواج
 - (۳) ظرف یک سال از تاریخ طلاق یا فوت شوهر ایرانی
 - (۴) بعد از فوت شوهر ایرانی و در صورت نداشتن اولاد از او
۱۶۸. تبدیل ارادی تابعیت در کدام موارد است؟ (سراسری - ۸۵)
- (۱) رد تابعیت، تحصیل تابعیت، ترک تابعیت، رجوع به تابعیت
 - (۲) تحصیل تابعیت در اثر ازدواج، رجوع به تابعیت، ترک تابعیت
 - (۳) الحاق سرزمینی، رد تابعیت، ترک تابعیت، رجوع به تابعیت
 - (۴) رجوع به تابعیت، الحاق سرزمینی، رد تابعیت، تحصیل تابعیت در اثر ازدواج



۱۶۹. اثر ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه در تابعیت و مالکیت اموال غیر منقول او در ایران چیست؟ (سراسری - ۸۶)

- (۱) به صورت مطلق موجب از دست دادن تابعیت ایران می‌گردد- تا میزانی که در زمان ازدواج در ملکیت او بوده است.
- (۲) در صورت تحمیل تابعیت شوهر موجب از دست دادن تابعیت ایران می‌گردد- تا میزانی که در زمان ازدواج در ملکیت او بوده است.
- (۳) به صورت مطلق موجب از دست دادن تابعیت ایران می‌گردد- تا میزانی که موجب سلطه خارجی نباشد می‌تواند مالک اموال غیرمنقول باشد.
- (۴) در صورت تحمیل تابعیت شوهر موجب از دست دادن تابعیت ایران می‌گردد- تا میزانی که موجب سلطه خارجی نباشد می‌تواند مالک اموال غیرمنقول باشد.

۱۷۰. تحصیل تابعیت ایرانی مرد در خصوص زن و اولاد او چه اثری دارد؟ (سراسری - ۸۶)

- (۱) تنها زن او تبعه دولت ایران شناخته می‌شود.
- (۲) زن و کلیه اولاد او تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند.
- (۳) تحصیل تابعیت ایرانی مرد تأثیری بر تابعیت زن و اولاد او ندارد.
- (۴) تنها زن و اولاد صغیر او تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند.

۱۷۱. تغییر تابعیت زن در اثر ازدواج بین‌المللی آمیخته با توجه به قوانین موضوعه ایران چه نوع تغییری تابعیتی است؟ (سراسری - ۸۶)

- (۱) ارادی (۲) غیر ارادی (۳) قهری (۴) تبعی

۱۷۲. اگر یک ایرانی تابعیت کشوری خارجی را تحصیل نماید تابعیت خارجی وی در صورتی در ایران به رسمیت شناخته می‌شود که (سراسری - ۸۶)

- (۱) تابعیت ایرانی خود را نیز حفظ نموده باشد.
- (۲) درخواست ترک تابعیت ایران را نموده باشد.
- (۳) طبق قوانین ایران ترک تابعیت ایران را نموده باشد.
- (۴) مقررات کشور خارجی در رابطه با تحصیل تابعیت را دقیقاً رعایت نموده باشد.

۱۷۳. کدام سیستم در جلوگیری و یا رفع بی‌تابعیتی مؤثرتر است؟ (سراسری - ۸۶)

- (۱) خون (۲) خاک (۳) وحدت تابعیت (۴) استقلال تابعیت

۱۷۴. در ازدواج‌های بین‌المللی آمیخته که ممکن است سبب به وجود آمدن تابعیت دوگانه برای زن شود، قبول کدام سیستم توسط دولت متبوع زن می‌تواند مانع به وجود آمدن تابعیت دوگانه شود؟ (سراسری - ۸۶)

- (۱) استقلال مطلق (۲) استقلال نسبی (۳) تابعیت واحده (۴) وحدت تابعیت زوجین

۱۷۵. زن خارجی که بر اثر ازدواج با مرد ایرانی به تابعیت ایران درآمده است می‌تواند ... به تابعیت قبلی خود رجوع کند.

(سراسری - ۸۶)

- (۱) پس از فوت شوهر ایرانی (۲) پس از جدایی از شوهر ایرانی
(۳) پس از طلاق یا فوت شوهر ایرانی (۴) ظرف یک سال از زمان تحصیل تابعیت ایران

۱۷۶. با توجه به قوانین جمهوری اسلامی ایران، کدام گزینه در مورد تابعیت صحیح است؟ (سراسری - ۸۶)

- (۱) تابعیت اکتسابی اتباع ایران در هر حال به وسیله دولت قابل سلب است.
- (۲) نه تابعیت اصلی و نه تابعیت اکتسابی قابل به سلب از تبعه ایران نیست.
- (۳) فقط تابعیت اکتسابی در صورت فرار از خدمت نظام وظیفه با ارتکاب جرائم علیه امنیت قابل سلب است.
- (۴) در صورت محکومیت تبعه ایران به ارتکاب جرائم علیه امنیت ایران، تابعیت او اعم از اصلی و اکتسابی قائل سلب است.

۱۷۷. در کدام مورد از موارد تابعیت ایران، دولت ایران حق وتو (مخالفت) ندارد؟ (سراسری - ۸۶)

- (۱) ترک تابعیت ایران (۲) تحصیل تابعیت ایران
(۳) رجوع به تابعیت ایران (۴) رد تابعیت ایران

۱۷۸. به موجب قانون مدنی، اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نمایند از تحصیل کدام یک از مشاغل ذیل محروم نخواهند بود؟

(سراسری - ۸۷)

(۱) استانداری

(۲) بخشداری

(۳) فرمانداری

(۴) عضویت در شورای شهر

۱۷۹. زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج، ایرانی می شود اگر در اثر طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید، تا چه میزان حق داشتن اموال غیر منقول را خواهد داشت؟

(سراسری - ۸۷)

(۱) حق داشتن اموال غیر منقول را فقط تا میزانی که در زمان ازدواج با شوهر ایرانی در ملکیت او بوده خواهد داشت.

(۲) حق داشتن اموال غیر منقول را نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد.

(۳) حق داشتن اموال غیر منقول را در صورتی که موجب سلطه خارجی گردد، ندارد.

(۴) مطلقاً حق داشتن اموال غیر منقول را نخواهد داشت.

۱۸۰. ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی چه اثری بر تابعیت ایرانی او خواهد داشت؟

(سراسری - ۸۷)

(۱) زن مطلقاً به تابعیت ایران خود باقی خواهد ماند.

(۲) زن مطلقاً به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند.

(۳) زن به تابعیت ایرانی خود باقی نخواهد ماند مگر اینکه تقاضانامه کتبی بقای تابعیت ایرانی به وزارت امور خارجه تسلیم نماید.

(۴) زن به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع ازدواج به زوجه تحمیل شود.

۱۸۱. کدام یک از اسلوبها و ضوابط مربوط به تعیین تابعیت اشخاص حقوقی می تواند جلوه واقعی تری داشته باشد؟

(سراسری - ۸۷)

(۱) محل ثبت

(۲) معیار کنترل

(۳) مرکز اداری

(۴) مرکز عملیات

۱۸۲. کسانی که تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی نمایند، ظرف چه مدت از صدور سند ترک تابعیت باید از ایران خارج شوند؟

(سراسری - ۸۷)

(۱) دو ماه و قائل تمدید تا شش ماه.

(۲) سه ماه و قائل تمدید تا یک سال.

(۳) شش ماه.

(۴) یک سال.

۱۸۳. طفلی که از پدر خارجی در ایران متولد می شود، پس از رسیدن به سن هجده سال تمام می تواند ظرف یک سال تقاضای بنماید.

(سراسری - ۸۷)

(۱) بقای به تابعیت پدر

(۲) بقای به تابعیت ایران

(۳) قبول تابعیت پدر

(۴) قبول تابعیت ایران

۱۸۴. کسانی که ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی نمایند، ترک تابعیت آنان شامل است.

(سراسری - ۸۷)

(۱) زن و فرزندان آنان می شود.

(۲) زن و فرزندان صغیر آنان می شود.

(۳) فرزندان کبیر آنان نمی شود.

(۴) زن و فرزندان آنان نمی شود.

۱۸۵. در صورت تولد فرزند در ایران از پدری خارجی و مادری ایرانی، فرزند در چه موقع ایرانی است؟

(سراسری - ۸۸)

(۱) از بدو تولد

(۲) به شرط پذیرش تقاضای تابعیت بین ۱۸ تا ۱۹ سالگی

(۳) در ۱۹ سالگی به شرط اقامت در ایران بین ۱۸ تا ۱۹ سالگی

(۴) به شرط پذیرش تقاضای تابعیت با داشتن ۵ سال سابقه سکونت



۱۸۶. زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند تا چه میزان از حق داشتن اموال غیر منقول برخوردار خواهند بود؟ (سراسری - ۸۸)

- (۱) به هیچ میزان حق داشتن اموال غیر منقول را نخواهند داشت.
- (۲) حق داشتن اموال غیر منقول را در صورتی که موجب سلطه خارجی گردد، ندارند.
- (۳) تنها حق داشتن اموال غیر منقولی را که در موقع ازدواج دارا بوده‌اند، خواهند داشت.
- (۴) حق داشتن اموال غیر منقول را نخواهند داشت مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد.

۱۸۷. دولت ایران در کدام شرایط می‌تواند از فردی ایرانی سلب تابعیت نماید؟ (سراسری - ۸۹)

- (۱) اگر ایرانی علیه امنیت ملی اقدام نماید.
- (۲) اگر ایرانی به کشور خارجی پناهنده شود.
- (۳) اگر ایرانی تابعیت کشور دیگری را تحصیل نماید.
- (۴) اگر ایرانی به هر دلیلی دارای تابعیت مضاعف شود.

۱۸۸. کدام محکومین نمی‌توانند به تابعیت ایران پذیرفته شوند؟ (سراسری - ۸۹)

- (۱) محکومین به جنحه یا جنایت سیاسی
- (۲) محکومین به جنحه مهم یا جنایت سیاسی
- (۳) محکومین به جنحه یا جنایت غیر سیاسی
- (۴) محکومین به جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی

۱۸۹. معیارهای تابعیت ایران عبارتند از: (آزاد - ۸۱)

- (۱) خاک و اجداد مادری
- (۲) خون و اجداد پدری
- (۳) خاک و خون
- (۴) پدر و مادر

۱۹۰. زن ایرانی که با یک تبعه خارجی ازدواج می‌کند: (آزاد - ۸۱)

- (۱) لزوماً تابعیت ایرانی خود را از دست می‌دهد.
- (۲) لزوماً تابعیت ایرانی خود را حفظ می‌کند.
- (۳) اختیار دارد که تابعیت شوهر خود را حفظ می‌کند.
- (۴) ممکن است تابعیت ایرانی خود را از دست بدهد.

۱۹۱. تابعیت شرکت‌ها به موجب قانون ایران: (آزاد - ۸۱)

- (۱) تابعیت کشوری است که مرکز عملیات آن‌ها در آن جاست.
- (۲) تابعیت کشوری است که اقامتگاه آن شرکت در آن جاست.
- (۳) تابعیت کشوری است که مرکز اصلی آن در آن جاست.
- (۴) تابعیت کشوری است که در آن جا تشکیل شده است.

۱۹۲. سلب تابعیت از ایرانی‌ها ممکن نیست، مگر: (آزاد - ۸۱)

- (۱) مرتکب جرم شوند.
- (۲) به تابعیت کشور دیگری درآیند.
- (۳) از ایران تبعید شوند.
- (۴) به طور غیر مجاز از ایران خارج شده باشند.

۱۹۳. کدام گزینه صحیح است؟ (آزاد - ۸۲)

- (۱) تابعیت کشور ایران حق مسلم کسانی است که در ایران سکونت دارند و دولت در صورتی که آن‌ها جرمی مرتکب شوند، ممکن است سلب تابعیت به عمل آورد.
- (۲) تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت نماید مگر او به تابعیت کشور دیگری درآید.
- (۳) تابعیت کشور ایران حق مسلم تمام کسانی است که آن را تقاضا می‌کنند و در هر صورت نمی‌تواند از آن‌ها سلب تابعیت نماید.
- (۴) تابعیت کشور ایران حق مسلم هیچ کس نیست مگر دولت ایران صلاحیت آن‌ها را برای اعطای تابعیت احراز نماید.

۱۹۴. پس از خروج ترک‌کننده تابعیت ایران از این کشور، وضعیت ورود مجدد او به ایران چگونه خواهد بود؟ (آزاد-۸۲)
- ۱) بدون محدودیت همچون قبل از ترک تابعیت، می‌تواند وارد ایران شود.
 - ۲) برای ورود به ایران باید درخواست تابعیت ایران را بنماید.
 - ۳) می‌تواند به عنوان بیگانه وارد ایران شود.
 - ۴) دیگر نمی‌تواند وارد ایران شود.
۱۹۵. کدام گزینه صحیح است؟ (آزاد-۸۲)
- ۱) طبق قانون ایران، یک خارجی که تابعیت ایران را کسب کرده، تابعیت خارجی او نیز معتبر است.
 - ۲) طبق قانون ایران، تابعیت خارجی یک ایرانی معتبر می‌باشد.
 - ۳) طبق قانون ایران، تابعیت مضاعف پذیرفته شده است.
 - ۴) تابعیت خارجی ایرانیانی که خلاف مقررات آن را کسب کرده‌اند کان لم یکن تلقی خواهد شد.
۱۹۶. کدام گزینه صحیح است؟ (آزاد-۸۲)
- ۱) کسانی که در خارج از ایران به وجود آمده‌اند و فقط مادرشان ایرانی هستند، حتماً تبعه ایران هستند.
 - ۲) کسانی که در ایران از پدر که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هجده سال تمام یکسال دیگر در ایران اقامت کرده باشند تبعه ایران محسوب می‌شوند.
 - ۳) کسانی که در ایران به وجود آمده‌اند از بدو تولد تبعه ایران محسوب می‌شوند.
 - ۴) کسانی که در ایران به وجود آمده‌اند و مادرشان ایرانی است حتماً تبعه ایران هستند.
۱۹۷. یک خانم ایرانی متولد ایران با یک مرد افغانی ازدواج نموده است. فرزند آن‌ها در ایران به دنیا آمده است. (آزاد-۸۳)
- ۱) تابعیت این فرزند ایرانی است چون مادر او ایرانی می‌باشد.
 - ۲) تابعیت این فرزند ایرانی است چون او در ایران به دنیا آمده است.
 - ۳) تابعیت این فرزند ایرانی است چون مادر او در ایران متولد شده است.
 - ۴) تابعیت این فرزند به هیچ صورت نمی‌تواند ایرانی باشد.
۱۹۸. به موجب قانون تجارت ایران، شرکت‌ها: (آزاد-۸۳)
- ۱) تابعیت کشور متبوع سهامداران خود را دارند.
 - ۲) تابعیت کشوری را دارند که در آنجا ثبت شده و فعالیت می‌کنند.
 - ۳) تابعیت کشوری را دارند که اقامتگاه آن‌ها در آنجاست.
 - ۴) فقط می‌توانند تابعیت ایران را داشته باشند.
۱۹۹. از هیچ ایرانی نمی‌توان سلب تابعیت نمود مگر: (آزاد-۸۳)
- ۱) جنایتی مرتکب شده باشد.
 - ۲) به تابعیت دولت دیگری درآمده باشد.
 - ۳) جرم سیاسی مرتکب شده باشد.
 - ۴) یکی از افراد خانواده‌اش تابعیت ایران را ترک کرده باشد.
۲۰۰. یک شخص ایرانی که به تابعیت کشور خارجی درآمده است، طبق قانون: (آزاد-۸۳)
- ۱) نمی‌تواند مال غیر منقول در ایران داشته باشد.
 - ۲) نمی‌تواند بدون اخذ روادید وارد ایران شود.
 - ۳) تابعیت خارجی او معتبر است.
 - ۴) تابعیت خارجی او سلب خواهد شد.
۲۰۱. شخصی که تابعیت ایران را کسب کرده است: (آزاد-۸۴)
- ۱) نمی‌تواند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند و رأی بدهد.
 - ۲) نمی‌تواند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند و رئیس جمهور شود.
 - ۳) او ایرانی است و از لحاظ حقوق عمومی و انتخابات هیچ معنی ندارد و می‌تواند رئیس جمهور هم بشود.
 - ۴) اگر مرتکب جرم مهمی بشود تابعیت ایران از او سلب خواهد شد.



(آزاد- ۸۴)

۲۰۲. کسی که تابعیت ایران را کسب می نماید:

- (۱) از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره مند می شود مگر نایل آمدن به برخی از مقامات خاص
- (۲) از لحاظ حقوق مدنی و عمومی مانند بیگانگان می باشد.
- (۳) از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است به علاوه رفت و آمد آزاد به کشور متبوع سابق خود بهره مند است.
- (۴) از کلیه حقوقی که برای بیگانگان مقرر است به علاوه نایل آمدن به برخی از مقامات خاص در ایران بهره مند است.

(آزاد- ۸۴)

۲۰۳. کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) کسی که بدون ترک تابعیت ایران، تابعیت خارجی را کسب کرده است، ممکن است تابعیت خارجی او کان لم یکن تلقی شود.
- (۲) اصلاً بدون ترک تابعیت ایران، نمی توان تابعیت خارجی را کسب کرد.
- (۳) کسب تابعیت خارجی بدون ترک تابعیت ایران ممکن است باعث سلب تابعیت ایرانی شود.
- (۴) کسب تابعیت خارجی با داشتن تابعیت ایرانی منافاتی ندارد و هر دو از نظر قانون تابعیت ایران معتبر می باشند.

(آزاد- ۸۴)

۲۰۴. کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن ها در ایران متولد شده به وجود آمده اند نمی توانند تابعیت ایران را دارا شوند.
- (۲) کسانی که مادر آن ها خارجی است و تابعیت ایرانی را قبول نکرده اند نمی توانند تابعیت ایران را دارا شوند.
- (۳) هر زن ایرانی که شوهر خارجی اختیار کند نمی تواند تابعیت ایران را دارا شود.
- (۴) کلیه ساکنین ایران ممکن است مقیم ایران باشند و تابعیت ایران را هم نداشته باشند.

(آزاد- ۸۵)

۲۰۵. کدام یک از اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می شوند؟

- (۱) کسی که در ایران از مادر خارجی که قبل از ازدواج با مرد خارجی، ایرانی بوده است، متولد شده باشد.
- (۲) کسی که خودش در ایران متولد شده باشند.
- (۳) کسی که خودش در ایران و پدرش خارجی بوده و در خارج از ایران به دنیا آمده است.
- (۴) کسی که در ایران از پدر و مادر خارجی به دنیا آمده است.

(آزاد- ۸۵)

۲۰۶. شخصی که تحصیل تابعیت ایران نموده باشد و در ایران رشته حقوق قضایی خوانده است.

- (۱) نمی تواند قاضی شود.
- (۲) نمی تواند استاد دانشگاه بشود.
- (۳) نمی تواند در انتخابات مجلس شورای اسلامی رأی دهد.
- (۴) نمی تواند به استخدام وزارت دارایی و امور اقتصادی درآید.

(آزاد- ۸۵)

۲۰۷. چنانچه شخصی که تابعیت ایران را دارد، تابعیت یک کشور خارجی را هم تحصیل کند:

- (۱) تابعیت ایرانی او کان لم یکن خواهد بود.
- (۲) تابعیت ایرانی و خارجی او کان لم یکن خواهد بود.
- (۳) تابعیت خارجی او کان لم یکن خواهد بود.
- (۴) هر دو تابعیت او معتبر خواهد بود.

(آزاد- ۸۵)

۲۰۸. شرط کسب تابعیت و ترک تابعیت ایران به ترتیب:

- (۱) برای کسب تابعیت هجده سال سن و پنج سال سکونت در ایران، برای ترک تابعیت هجده سال سن و تعهد بر انتقال اموال غیر منقول ظرف یک سال
- (۲) برای کسب تابعیت ۲۵ سال سن و پنج سال سکونت در ایران و برای ترک تابعیت ۲۵ سال سن و تعهد بر انتقال اموال غیر منقول ظرف ۵ سال
- (۳) برای کسب تابعیت ۱۸ سال سن و پنج سال اقامت در ایران و برای ترک تابعیت ۲۵ سال سن و تعهد بر انتقال اموال غیر منقول ظرف یک سال
- (۴) برای کسب تابعیت ۲۵ سال سن و برای ترک تابعیت ۱۸ سال سن، می باشد.

۲۰۹. اشخاص حقوقی تابعیت چه کشوری را دارا می‌باشند؟
- ۱) کشوری که در آنجا فعالیت می‌کنند.
 - ۲) کشور اقامتگاه شرکای شرکت
 - ۳) کشوری که شخص در آنجا اقامتگاه دارد.
 - ۴) کشوری که شخص در آنجا به وجود آمده یا تشکیل شده است.
- (آزاد - ۸۵)
۲۱۰. هرگاه زن ایرانی با مرد خارجی ازدواج نماید:
- ۱) اگر قانون کشور متبوع مرد سیستم استقلال تابعیت را پذیرفته باشد، زن به تابعیت ایرانی خود می‌ماند.
 - ۲) زن به تابعیت ایرانی خود باقی می‌ماند.
 - ۳) اگر قانون کشور متبوع مرد سیستم وحدت تابعیت را پذیرفته باشد، زن به تابعیت ایرانی خود باقی می‌ماند.
 - ۴) زن از تابعیت ایرانی خارج و به تابعیت کشور متبوع شوهر پذیرفته می‌شود.
- (آزاد - ۸۶)
۲۱۱. قانون ایران:
- ۱) تابعیت اصلی را بر حسب خون پذیرفته است.
 - ۲) تابعیت اصلی را بر حسب خون فقط از راه نسب پدری پذیرفته است.
 - ۳) تابعیت اصلی را بر اساس سیستم خون از راه نسب پدری یا مادری پذیرفته است.
 - ۴) تابعیت اصلی را فقط بر اساس سیستم خون پذیرفته است
- (آزاد - ۸۶)
۲۱۲. به موجب قانون ایران، ایرانی محسوب می‌شود کسی که:
- ۱) در ایران از پدر خارجی و مادر ایرانی به وجود آمده باشد.
 - ۲) در ایران از پدر خارجی به وجود آمده باشد.
 - ۳) در ایران متولد شده باشد.
 - ۴) در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده باشد.
- (آزاد - ۸۶)
۲۱۳. به موجب قانون ایران، کسی که ترک تابعیت ایران می‌نماید:
- ۱) زوجه و اطفال وی اعم از این که صغیر یا کبیر باشند از تابعیت ایرانی خارج نمی‌شوند مگر این که اجازه هیأت وزرا شامل حال آنها هم باشد.
 - ۲) زوجه و اطفال صغیر وی از تابعیت ایرانی خارج می‌شوند.
 - ۳) زوجه و اطفال وی تنها در صورت درخواست خودشان از تابعیت ایران خارج می‌شوند البته بدون لزوم رعایت مقررات مربوط به ترک تابعیت ایران
 - ۴) فقط زوجه وی از تابعیت ایران خارج می‌شود.
- (آزاد - ۸۶)
۲۱۴. کدام یک از اشخاص ذیل ممکن است بدون رعایت شرط اقامت با تصویب هیأت وزرا به تابعیت ایران قبول شوند؟
- ۱) اشخاصی که دارای عیال ایرانی بوده و از او اولاد دارند.
 - ۲) اشخاصی که دارای عیال ایرانی هستند.
 - ۳) اشخاصی که دارای اولاد ایرانی هستند.
 - ۴) اشخاصی که مجرد هستند.
- (آزاد - ۸۶)
۲۱۵. شخصی که تابعیت ایران را کسب کرده است:
- ۱) از کلیه حقوق ایرانیان برخوردار است.
 - ۲) فقط از برخی از حقوق معین که در قانون ذکر شده برخوردار نیست.
 - ۳) از تملک مال غیر منقول ممنوع است.
 - ۴) حق ورود به ایران را با اخذ ویزا دارد.
- (آزاد - ۸۷)

(آزاد - ۸۷)

۲۱۶. فردی که در ایران از مادر ایرانی به دنیا آمده است:

- ۱) ایرانی است، اگر مادر او نیز در ایران به دنیا آمده باشد.
- ۲) تابعیت خارجی پدر خود را دارد.
- ۳) چون پدرش در خارج از ایران به دنیا آمده، ممکن نیست تابعیت او ایرانی باشد.
- ۴) بدون تابعیت خواهد بود.

(آزاد - ۸۷)

۲۱۷. یک مرد ایرانی که یک سال است طبق قانون، ترک تابعیت ایران را کرده است:

- ۱) اصلاً نمی تواند مال غیر منقول در ایران داشته باشد.
- ۲) به مقدار نیاز شخصی می تواند مال غیر منقول داشته باشد.
- ۳) به مدتی که در ایران زندگی می کند می تواند مال غیر منقول داشته باشد.
- ۴) باید اموال غیر منقول خود را به همسرش منتقل کند.

پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای فصل دوم

۵۷. گزینه ۲
(ر.ک دکتر حسین صفایی، مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۵۷)
۵۸. گزینه ۲
(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۲۸)
۵۹. گزینه ۳
(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۳۰)
۶۰. گزینه ۳
(ر.ک ماده ۹۷۸ ق.م.)
۶۱. گزینه ۳
(ر.ک ماده ۹۸۰ ق.م.)
۶۲. گزینه ۴
(ر.ک ماده ۹۸۸ ق.م.)
۶۳. گزینه ۳
(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۵۵)
۶۴. گزینه ۳
(ر.ک ماده ۹۸۲ ق.م.)
۶۵. گزینه ۴
(ر.ک ماده ۹۸۴ ق.م.)
۶۶. گزینه ۳
(ر.ک ماده ۹۹۰ ق.م.)
۶۷. گزینه ۴
(ر.ک ماده ۹۸۸ ق.م، تبصره الف)
۶۸. گزینه ۳
(ر.ک ماده ۹۸۷ ق.م.)
۶۹. گزینه ۲
(ر.ک : اصل ۴۱ قانون اساسی)
۷۰. گزینه ۲
(ر.ک: ماده ۹۷۶ ق.م.)
۷۱. گزینه ۲
(ر.ک ماده ۹۸۸ ق.م، بند ۳)
۷۲. گزینه ۴
(ر.ک مواد ۹۸۴ و ۹۸۵ ق.م.)
۷۳. گزینه ۲
(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۵۵)

۷۴. گزینه ۲)

(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۳۳)

۷۵. گزینه ۲)

(ر.ک بند ۲ ماده ۹۷۶ ق.م)

۷۶. گزینه ۲)

(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۴۱ الی ۴۳)

۷۷. گزینه ۳)

(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۵۳)

۷۸. گزینه ۳)

(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۳۰)

۷۹. گزینه ۳)

(ر.ک بند ۳ ماده ۹۸۸ ق.م)

۸۰. گزینه ۲)

(ر.ک اصل ۴۱ قانون اساسی)

۸۱. گزینه ۲)

مطابق اصل ۴۱ قانون اساسی: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.»

۸۲. گزینه ۱)

هر چند ممکن است بدو بند (۵) ماده ۹۷۶ قانون مدنی، ذهن را به گزینه «۴» معطوف نماید، لیکن با توجه به این‌که در مقررات ایران تابعیت از طریق نسب پدری منتقل می‌شود و تابعیت مادر نقشی در تعیین تابعیت فرزندان ندارد، گزینه یک صحیح می‌باشد.

۸۳. گزینه ۳)

اخراج اتباع ایرانی از مملکت، در مقررات پیش‌بینی نشده و محمل قانونی ندارد، آن‌چه در حکم تبصره الف ماده ۹۸۸ آمده نیز ناظر به ایرانیانی است که ترک تابعیت کنند و در حقیقت بیگانه محسوب شوند.

۸۴. گزینه ۲)

اصل ۴۱ قانون اساسی در مورد سلب تابعیت از دارندگان تابعیت اصلی و اصل ۴۲ در مورد سلب تابعیت دارندگان تابعیت اکتسابی در حالت اخذ تابعیت دولت دیگر یا درخواست خود آن‌هاست؛ بنابراین غیر از دو مورد مذکور سلب تابعیت از اتباع ایران ممکن نیست.

۸۵. گزینه ۳)

ماده ۵۹۱ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آن‌ها در آن مملکت است.»

۸۶. گزینه ۴)

ماده ۹۸۴ قانون مدنی تصریح دارد به این‌که: «زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می‌نمایند، تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند...»

۸۷. گزینه ۳)

با توجه به ماده ۹۹۰ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند به تابعیت اصلی خود رجوع نمایند، به مجرد درخواست، به تابعیت ایران قبول خواهند شد مگر آن‌که دولت تابعیت آن‌ها را صلاح نداند.» و با لحاظ نمودن ماده ۹۸۲ قانون مزبور که موارد محرومیت اتباع بیگانه از حقوق عمومی سیاسی را بیان می‌دارد و یا عنایت به این‌که تبعه ایرانی که ترک تابعیت نماید بیگانه محسوب می‌شود، گزینه «۳» صحیح است.

۸۸. گزینه ۲)

ماده ۹۷۶ قانون مدنی چنین اشخاصی را هنگامی ایرانی می‌داند که یکی از والدینش در ایران به دنیا آمده باشند، بنابراین تابعیت کسی که از پدر و مادر خارجی در ایران متولد شود ایرانی نیست.

۸۹. گزینه ۱)

چنین فردی دیگر تبعه ایران محسوب نمی‌شود و ناگزیر باید تابعیت ایران را تحصیل نماید و اعطاء تابعیت از اختیارات دولت می‌باشد.

۹۰. گزینه ۲)

ماده ۹۸۷ قانون مدنی با پذیرش سیستم استقلال نسبی مقرر می‌دارد: «زن ایرانی که با تبعه خارجه ازدواج نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند، مگر این که مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود.»

۹۱. گزینه ۳)

طبق بند (۶) ماده ۹۷۶ قانون مدنی: «هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.» تبعه ایران محسوب خواهد شد.

۹۲. گزینه ۱)

ازدواج زن ایرانی با مردم خارجی سیستم استقلال نسبی تابعیت زوجین در حقوق موضوعه ایران است.

۹۳. گزینه ۴)

سیستم خاک، اسلوب تشخیص تابعیت اشخاص بر اساس محل تولد آنان می‌باشد.

۹۴. گزینه ۱)

کیزن خارجی که در نتیجه ازدواج ایرانی می‌شود، در صورت انحلال نکاح حق رجوع به تابعیت اول را دار.

۹۵. گزینه ۱)

مقررات قانونی مدنی، مانند ماده ۹۸۴ قانون مرقوم، مؤید صحیح بودن گزینه یک می‌باشد.

۹۶. گزینه ۴)

تابعیت نسبی ایران با تابعیت نسبی خارجی قابل جمع نیست.

۹۷. گزینه ۳)

مطابق بندهای (۲)، (۴)، (۷) ماده ۹۸۲ قانون مدنی، اشخاصی که تحصیل تابعیت ایران را می‌نمایند از نائل شدن به مقام قضاوت، عضویت در شورای نگهبان و عضویت در مجلس شورای اسلامی محروم می‌باشند، لیکن استخدام در وزارت فرهنگ و آموزش عالی از موارد ممنوعه مندرج در این ماده و سایر مواد نمی‌باشد و صاحبان تابعیت اکتسابی ایران، می‌توانند از این حق بهره‌مند شوند.

۹۸. گزینه ۲)

ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی تابع سیستم وحدت تابعیت زوجین می‌باشد.

۹۹. گزینه ۴)

در حقوق موضوعه ایران تابعیت شرکت از روی اقامتگاه شرکت تعیین می‌شود.

۱۰۰. گزینه ۳)

آنچه در ترک تابعیت ایران و اعراض از تابعیت ایران (رجوع به تابعیت اصلیه پدر) وجود دارد، اراده‌ای است که در درخواست متقاضی برای ترک تابعیت ایران (تبصره الف ماده ۹۸۸ قانون مدنی) و یا کسب تابعیت اصلیه پدر (ماده ۹۸۴ قانون مدنی) متجلی است.

۱۰۱. گزینه ۲)

رجوع به تابعیت اهلیه در مورد ایرانیانی که موافق مقررات ترک تابعیت کرده باشند از پاره‌ای از حقوق سیاسی محروم خواهند بود.

۱۰۲. گزینه ۳)



وفق حکم مندرج در ماده ۹۸۹ قانون مدنی: «هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانون بعد از تاریخ ۱۳۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد، تابعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود، ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقوله او با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش، قیمت آن به او داده خواهد شد و به علاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.»

۱۰۳. گزینه ۳)

قانونگذار ایران، سیستم خون را به عنوان سیستم ترجیحی تابعیت تولدی پذیرفته و این امر از بند (۲) ماده ۹۷۶ قانون مدنی که هر فرزند متولد از پدر ایرانی (اعم از این که در ایران متولد شده یا در خارج به دنیا آمده باشد)، را تبعه ایران می‌داند، قابل استنباط است.

۱۰۴. گزینه ۴)

سیستم استقلال نسبی تابعیت زوجین در فرض ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی پذیرفته شده است.

۱۰۵. گزینه ۴)

تعارض منفی (confilit negatif) قواعد تابعیت موجب می‌شود دو کشوری که بین قواعد آن‌ها تعارض به وجود آمده است، هیچ‌کدام فرد را تبعه خود ندانند و فرد بی‌تابعیت شود. این مساله را هانری باتیفول تحت عنوان تعارض تابعیت (confitis de nationalites) مورد بحث قرار می‌دهد.

۱۰۶. گزینه ۳)

سیستم وحدت تابعیت زوجین در فرض ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی پذیرفته شده است.

۱۰۷. گزینه ۴)

تعارض مثبت (confit positif) قواعد تابعیت موجب می‌شود که دو کشور درگیر در موضوع، فرد را به موجب قوانین خود، تبعه خویش بشناسند و در نتیجه فرد دارای تابعیت مضاعف شود. این مساله نیز مأخوذ از نظرات باتیفول می‌باشد.

۱۰۸. گزینه ۲)

اعراض و روی گردانی از تابعیت ایران در مورد اطفال صغیری صادق است که به تبع کسب تابعیت ایرانی از سوی پدرشان ایرانی محسوب می‌شوند ولی می‌توانند به موجب ماده ۹۸۴ قانون مدنی پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، تابعیت اصلیه پدرشان را بر تابعیت ایران ترجیح دهند.

۱۰۹. گزینه ۲)

با توجه به قسمت اخیر بند (۳) ماده ۹۸۸ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «زوجه و اطفال کسی که بر طبق این ماده ترک تابعیت می‌نمایند اعم از این که اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تابعیت ایرانی خارج نمی‌گردند مگر این که اجازه هیأت وزیران شامل حال آن‌ها هم باشد.» ترک تابعیت، به عکس تحصیل تابعیت آثار تبعی نسبت به همسر یا اطفال شخص متقاضی ندارد.

۱۱۰. گزینه ۴)

شرط سن جهت کسب تابعیت ایرانی مطابق بند (۱) ماده ۹۷۹ قانونی مدنی ۱۸ سال تمام یا بیشتر است.

۱۱۱. گزینه ۴)

اثر تحصیل تابعیت ایران شامل همسر و فرزندان صغیر شخص پذیرفته شده می‌باشد.

۱۱۲. گزینه ۲)

در مورد زنان ایرانی که بر اثر مزاجت با تبعه خارجه به تابعیت خارجی در می‌آیند، قسمت اخیر ماده ۹۸۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «..... در هر صورت بعد از وفات شوهر یا تفریق به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه فوت شوهر و یا سند تفریق، تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجع به آن به او تعلق خواهد گرفت.» بنابراین در این حالت رجوع به تابعیت ایرانی حق زن محسوب شده و دولت اختیاری در رد آن ندارد.

۱۱۳. گزینه ۴)

چنانچه همه کشورهای جهان، سیستم وحدت تابعیت زوجین را اعمال می‌نمودند دیگر زنان، دارای تابعیت مضاعف نمی‌شدند، حال آن‌که این قضیه در مورد سیستم استقلال نسبی تابعیت زوجین بر عکس است.

۱۱۴. گزینه ۴)

وجه اشتراک رد تابعیت ایران و ترک تابعیت ایران در ارادی بودن هر دولت.

۱۱۵. گزینه ۴)

امروزه محاکم جهت حل موضوع تابعیت مضاعف اشخاص به کشف تابعیت فعال (مؤثر، برتر، واقعی، عملی) اشخاص از روی سنجش تعلقات خود فرد به یکی از آن تابعیت‌ها روی آورده‌اند و این امر جز با بررسی مؤلفه‌هایی از قبیل سکونت، زبان، علایق محلی و ... میسر نخواهد شد.

۱۱۶. گزینه ۱)

مطابق ماده ۹۸۶ قانون مدنی: «زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج، ایرانی می‌شود می‌تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید، مشروط بر این که وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند ...»

۱۱۷. گزینه ۱)

تابعیت رابطه‌ای سیاسی، معنوی و حقوقی است که شخص را به دولت معینی مرتبط می‌سازد.

۱۱۸. گزینه ۱)

با توجه به این‌که گزینه‌های دیگر مربوط به تابعیت اکتسابی می‌باشد و همچنین امکان تعارض بین دو سیستم خون وجود دارد، بنابراین تابعیت دوگانه تولدی، ممکن استثنائی از این تعارض باشد. مثلاً چنانچه طفلی از والدین دارای تابعیت متفاوت باشد که قانون متبوع هر یک تابعیت خود است. را از طریق سیستم خون به طفل تحمیل می‌کند طفل دارای تابعیت مضاعف تولدی خواهد شد.

۱۱۹. گزینه ۱)

اگر دارنده تابعیت اکتسابی ایران، در مدت توقف در خارج از کشور، مرتکب اعمال برضد ایران شود، دولت ایران، نمی‌تواند از او سلب تابعیت کند.

۱۲۰. گزینه ۲)

مطابق ماده ۹۸۹ قانون مدنی: «هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارج او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود ...»

۱۲۱. گزینه ۱)

ماده ۹۸۷ قانون مدنی تصریح دارد به این‌که: «زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند، مگر این‌که مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوج تحمیل شود ...»

۱۲۲. گزینه ۴)

تابعیت موثر در حقوق بین‌الملل خصوص عبارت است از تابعیت واقعی که قاضی از بین چند تابعیت شخص ترجیح می‌دهد.

۱۲۳. گزینه ۳)

۱۲۴. گزینه ۴)

بدیهی است تابعیت اصلی به تابعیتی اطلاق می‌شود که هم‌زمان با تولد طفل به او داده می‌شود و در گزینه‌های (۱) و (۲) و (۳) نیز این تابعیت مدنظر است. نکته شایان ذکر این‌که در چنین سؤالاتی نباید تابعیت اصلی که همان تابعیت تولدی می‌باشد را با تابعیت ترجیحی که ترجیح سیستم خون بر خاک و یا بالعکس است اشتباه نمود.

۱۲۵. گزینه ۱)

هر چند منابع بین‌المللی نیز در امر تابعیت بی‌تأثیر نیستند، با وجود این، منبع اصلی تابعیت هر کشور، قواعد و مقررات داخلی همان کشور است.

۱۲۶. گزینه ۲)

با توجه به بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند» تبعه ایران محسوب می‌شوند، گزینه ۲ صحیح‌ترین گزینه است.

۱۲۷. گزینه ۱)

ماده ۹۹۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات تبدیل تابعیت کرده باشند به تابعیت اصلی خود رجوع نمایند به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد مگر آن که دولت تابعیت آن‌ها را صلاح نداند.»

۱۲۸. گزینه ۴)

وفق مواد ۹۷۷، ۹۸۴ و ۹۸۸ قانونی مدنی

۱۲۹. گزینه ۱)

تابعیت مبتنی بر سیستم خاک در مقررات ایران مشروط اعمال می‌گردد.

۱۳۰. گزینه ۴)

قسمت ضمانت اجرای شرایط ترک تابعیت ایران

۱۳۱. گزینه ۳)

یقیناً چنین فردی ایرانی محسوب می‌شود.

۱۳۲. گزینه ۴)

تابعیت تولدی (اصلی) ناشی از نسب یا محل تولد شخص است.

۱۳۳. گزینه ۴)

ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی باعث می‌شود که تابعیت ایرانی زوج قهراً به زوجه منتقل شود. در حالی که تابعیت ایرانی زن خارجی که شوهرش تابعیت ایران را اخذ کرده تبعاً به وی منتقل می‌گردد.

۱۳۴. گزینه ۲)

تغییر تابعیت زن در اثر ازدواج، ناشی از نتایج قهری پذیرش این سازمان قانونی توسط زن می‌باشد.

۱۳۵. گزینه ۳)

زوجه و فرزندان اعم از اینکه اطفال صغیر یا کبیر باشند در صورت ترک تابعیت شخص از تابعیت ایرانی خارج نمی‌گردد.

۱۳۶. گزینه ۲)

مطابق تبصره ۲ ماده ۹۸۷ قانونی مدنی: «زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیر منقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد ندارند ... مقررات ماده ۹۸۸ و تبصره آن در قسمت خروج ایرانیانی که تابعیت خود را ترک نموده‌اند شامل زنان مزبور نخواهد بود.» بنابراین اصل بر تمتع این زنان از اموال غیر منقول است مگر آن که این امر موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، همچنین مطابق ذیل تبصره مذکور مقررات خروج ایرانیانی که ترک تابعیت کرده‌اند در مورد چنین زنانی اعمال نخواهد شد.

۱۳۷. گزینه ۴)

مطابق ماده ۹۷۹ قانون مدنی «اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند می‌توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند: ۱- به سن هجده سال تمام رسیده باشند. ۲- پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند. ۳- فراری از خدمت نظام وظیفه نباشند. ۴- در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی محکوم نشده باشند ...» بنابراین گزینه چهار که به جای عبارت «جنایت غیر سیاسی» از عبارت «جرایم سیاسی» استفاده کرده است از شرایط کسب تابعیت ایرانی نیست.

۱۳۸. گزینه ۱)

به موجب ماده ۹۸۴ قانون مدنی: «زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می‌نمایند، تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند ...»

۱۳۹. گزینه ۳)

با توجه به سیاق عبارات مندرج در ماده ۹۸۴ قانون مدنی گزینه شماره ۳ کامل‌تر از سایر گزینه‌ها می‌باشد.

۱۴۰. گزینه ۱)

مطابق قسمت اخیر ماده ۹۸۷ قانونی مدنی در مورد زن ایرانی که در اثر ازدواج با تبعه خارجی تابعیت مملکت زوج به او تحمیل می‌شود: «..... در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم دادخواست به وزارت امور خارجه به

انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق، تابعیت اصلیه زن یا جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.»

۱۴۱. گزینه ۲)

با توجه به بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی چنین طفلی تبعه ایران محسوب می‌شود و از آن‌جا که در قانون ایران سیستم خون بر سیستم خاک ترجیح داده شده است، تا زمانی که سیستم خون اجرا می‌شود، دلیلی بر اعمال سیستم خاک وجود ندارد.

۱۴۲. گزینه ۱)

به موجب بند ۶ ماده ۹۷۶ قانونی مدنی هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند تبعه ایران محسوب می‌شود.

۱۴۳. گزینه ۴)

مطابق ماده ۹۸۴ قانون مدنی زن غیر ایرانی که شوهر او تحصیل تابعیت ایران نموده است، در ظرف یکسال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر می‌تواند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر را قبول کند.

۱۴۴. گزینه ۳)

اگر یک ایرانی بدون ترک تابعیت ایران، تحصیل تابعیت خارجی نماید، تابعیت خارجی او کان لم یکن تلقی و تبعه ایران محسوب می‌شود.

۱۴۵. گزینه ۱)

۱۴۶. گزینه ۲)

زن ایرانی بدون شوهری که قبل از ازدواج تغییر تابعیت داده باشد، بیگانه محسوب می‌شود و با وی همچون زنان ایرانی که در اثر ازدواج تغییر تابعیت می‌دهند رفتار نخواهد شد، لذا بعد از پذیرش درخواست رجوع به تابعیت وی از سوی دولت ایران به تابعیت ایران پذیرفته خواهد شد.

۱۴۷. گزینه ۴)

تغییر تابعیت زن در اثر ازدواج، اثر وصف تأسیس عقد ازدواج است که به طور قهری بر زن اعمال می‌شود.

۱۴۸. گزینه ۴)

تابعیت ایرانی طفلی که از پدر ایرانی در ایران متولد شده است، تابعیت نسبی نامیده می‌شود.

۱۴۹. گزینه ۱)

رجوع به ماده ۱۸۶ ق.م.

۱۵۰. گزینه ۴)

رجوع به ماده ۹۷۷ ق.م.

۱۵۱. گزینه ۱)

با توجه به بند ۳ ماده ۹۸۸ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «.....۳- قبلاً تعهد نمایند که در ظرف یک سال از تاریخ ترک تابعیت حقوق خود را بر اموال غیر منقول که در ایران دارا می‌باشند و یا ممکن است بالوراثه دارا شوند، ولو قوانین ایران اجازه تملک آن را به اتباع خارجه بدهد، به نحوی از انحاء به اتباع ایرانی منتقل کنند.»

۱۵۲. گزینه ۲)

با توجه به ذیل ماده ۹۸۳ قانونی مدنی که هیأت وزرا مرجع تصمیم‌گیری در خصوص درخواست پذیرش به تابعیت ایران می‌داند.

۱۵۳. گزینه ۲)

تبعه بیگانه نمی‌تواند مرتهنی مال غیرمنقول باشد.

۱۵۴. گزینه ۲)

رجوع به ماده‌ی ۹۷۹ و ۹۸۴ ق.م.

۱۵۵. گزینه ۲)

تابعیت اکتسابی به دو طریق حاصل می‌شود. یکی به وسیله ازدواج و دیگری به وسیله پذیرش تابعیت ایران.

۱۵۶. گزینه ۳)

با اعمال سیستم خاک قاعده‌ای که برحسب آن هر کس به محض تولد باید تبعه دولت معینی باشد رعایت شده است.

۱۵۷. گزینه (۱)
رجوع به ماده‌ی ۹۸۶ ق.م.
۱۵۸. گزینه (۲)
رجوع به ماده‌ی ۹۷۶ ق.م.
۱۵۹. گزینه (۳)
سه گزینه‌ی دیگر مربوط به تابعیت اکتسابی است.
۱۶۰. گزینه (۳)
موارد ارادی تابعیت، رد تابعیت، تحصیل تابعیت، ترک تابعیت و رجوع به تابعیت است.
۱۶۱. گزینه (۳)
مطابق با م ۹۸۷ ق.م.
۱۶۲. گزینه (۴)
از مفاد م ۹۸۴ ق.م.
۱۶۳. گزینه (۲)
سیستم وحدت تابعیت زوجین در ازدواج بین‌المللی مختلط است.
۱۶۴. گزینه (۱)
پدیده تابعیت مضاعف با جانشین شدن تابعیت‌ها معلول تعارض مثبت است و بی‌تابعیتی یا آپاتریدی معلول نفی هر یک از تابعیت است.
۱۶۵. گزینه (۱)
رجوع به ماده م ۹۸۷ ق.م.
۱۶۶. گزینه (۴)
رجوع به ماده م ۹۸۷ ق.م.
۱۶۷. گزینه (۱)
رجوع به ماده م ۹۸۶ ق.م.
۱۶۸. گزینه (۱)
در اثر ازدواج و الحاق به سرزمینی از موارد غیرارادی تابعیت می‌باشند.
۱۶۹. گزینه (۴)
با توجه به م ۹۸۷ ق.م.
۱۷۰. گزینه (۴)
با توجه به م ۹۸۴ ق.م.
۱۷۱. گزینه (۳)
رجوع به ماده ۹۷۶ ق.م. بند ۶
۱۷۲. گزینه (۳)
رجوع به ماده ۹۸۲ ق.م.
۱۷۳. گزینه (۲)
سیستم خاک در جلوگیری و یا رفع بی‌تابعیتی موثرتر است.
۱۷۴. گزینه (۲)
قبول سیستم استقلال نسبی توسط دولت متبوع زن می‌تواند مانع به وجود آمدن تابعیت دوگانه شود.
۱۷۵. گزینه (۳)
طبق م ۹۸۶ ق.م.
۱۷۶. گزینه (۲)

طبق م ۴۱ ق.۱.

۱۷۷. گزینه ۴)

دولت ایران حق مخالفت دولت یا رد تابعیت ایران را ندارد.

۱۷۸. گزینه ۲)

طبق ماده ۹۸۲ قانون مدنی.

۱۷۹. گزینه ۲)

طبق ماده ۹۸۶ قانون مدنی.

۱۸۰. گزینه ۴)

طبق ماده ۹۸۷ قانون مدنی.

۱۸۱. گزینه ۳)

طبق ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی.

۱۸۲. گزینه ۲)

طبق تبصره الف. م. ۹۸۸ قانون مدنی.

۱۸۳. گزینه ۱)

زیرا تا این زمان نیز طفل تبعه ایران نمی‌شده است و برای پذیرش به تابعیت ایران باید یک سال دیگر نیز در ایران اقامت و آنگاه تقاضای خود را مبنی بر درخواست تابعیت ایران مطرح کند.

۱۸۴. گزینه ۴)

طبق ماده ۹۸۸ قانون مدنی.

۱۸۵. گزینه ۲)

به استناد مواد ۹۷۶ و ۹۷۷ قانون مدنی، در صورت تولد فرزند در ایران از مادر ایرانی و پدر تابع کشور دیگر، به شرط پذیرش تقاضای تابعیت بین ۱۸- ۱۹ سالگی، فرزند ایرانی محسوب می‌شود.

۱۸۶. گزینه ۲)

به استناد ماده ۹۸۶ قانون مدنی، زن ایرانی که در اثر ازدواج تابعیت خارجی به دست آورده، حق داشتن اموال غیر منقول را در صورتی که موجب سلطه خارجی گردد، ندارد.

۱۸۷. گزینه ۳)

رجوع به ماده ۹۸۹ ق.م.

۱۸۸. گزینه ۴)

رجوع به ماده ۹۷۹ ق.م.

۱۸۹. گزینه ۳)

سیستم‌های اعمال شده در مقررات ایران در خصوص تابعیت اصلی، سیستم خاک و خون می‌باشد که سیستم خون به صورت اصلی و سیستم خاک به صورت مکمل پذیرفته شده است.

۱۹۰. گزینه ۴)

با توجه به ماده ۹۸۷ قانون مدنی، زن ایرانی که با اتباع خارجه ازدواج می‌کند به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر این که قانون دولت متبوع شوهر، تابعیت وی را به زن تحمیل کند، بنابراین زن ایرانی ممکن است تابعیت ایرانی خود را از دست بدهد.

۱۹۱. گزینه ۲)

ماده ۵۹۱ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آن‌ها در آن مملکت است.»
التهایه در مورد تعریف اقامتگاه اشخاص حقوقی بین قانون مدنی و قانون تجارت اختلاف حکم وجود دارد.

۱۹۲. گزینه ۲)

سلب تابعیت از ایرانی‌ها ممکن نیست مگر به تابعیت کشور دیگری درآیند.



۱۹۳. گزینه ۲)

وفق اصل چهل و یک قانون اساسی: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.»

۱۹۴. گزینه ۳)

با کسانی که ترک تابعیت ایران بنمایند، همچون بیگانگان رفتار خواهد شد و ایشان جهت ورود به خاک ایران ناگزیر از گرفتن روادید ورود به ایران هستند.

۱۹۵. گزینه ۴)

طبق ماده ۹۸۹ ق.م.گزینه ۴ صحیح می‌باشد.

۱۹۶. گزینه ۲)

به موجب بند ۵ ماده ۹۷۶ اشخاص مندرج در گزینه دو ایرانی محسوب می‌شوند.

۱۹۷. گزینه ۴)

فرض مطرح شده مشمول هیچ‌یک از بندهای ماده ۹۷۶ قانونی مدنی نمی‌شود.

۱۹۸. گزینه ۳)

مستنداً به ماده ۵۹۲ قانون تجارت «اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آن‌ها در آن مملکت است.»

۱۹۹. گزینه ۲)

رجوع شود به اصل ۴۱ قانون اساسی

۲۰۰. گزینه ۱)

رجوع شود به ماده ۹۸۹ قانون مدنی

۲۰۱. گزینه ۲)

مستنداً به ماده ۹۸۲ قانون مدنی، «اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند، لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نایل گردند.

۱- ریاست جمهوری و معاونین او

۲- عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضاییه

۳- وزارت و کفالت وزارت...»

رجوع شود به ماده ۹۸۲ قانون مدنی

۲۰۲. گزینه ۱)

مستنداً به ماده ۹۸۲ قانونی مدنی، «اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نایل گردند:

۱) ریاست جمهوری و معاونین او (۲) عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضاییه...»

۲۰۳. گزینه ۱)

مستنداً به صدر ماده ۹۸۹ قانونی مدنی «هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود...»

رجوع شود به ماده ۹۸۹ قانونی مدنی

۲۰۴. گزینه ۲)

رجوع شود به ماده ۹۷۶ قانون مدنی

۲۰۵. گزینه ۲)

به استناد بند ۴ ماده ۹۷۶، کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند، تبعه ایران محسوب می‌شود.

۲۰۶. گزینه ۱)

با توجه به بند ۷ ماده ۹۸۲ قانونی مدنی «اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است، بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند قاضی شوند».

۲۰۷. گزینه ۳)

مستند به ماده ۹۸۹ قانون مدنی «هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تابعیت خارجی او کان لم یکن تلقی شده و تبعه ایران شناخته می‌شود...»

۲۰۸. گزینه ۳)

شرایط ترک تابعیت در ماده ۹۸۸ قانون مدنی آمده است: اتباع ایران نمی‌توانند تابعیت خود را ترک کنند مگر به شرایط ذیل: ۱- به سن ۲۵ سال تمام رسیده باشند ۲- قبلاً تعهد نمایند که در ظرف یک سال از تاریخ ترک تابعیت حقوق خود را بر اموال منقول که در ایران دارا می‌باشند و یا ممکن از بالورثه دارا شوند ولو قوانین ایران اجازه تملیک آن را به اتباع خارجه بدهد...

۲۰۹. گزینه ۳)

طبق ماده ۵۹۱ قانون تجارت «اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آن‌ها در آن مملکت است» به نظر ما مسلم می‌باشد که مراد از اقامتگاه مندرج در این ماده، اقامتگاه اداری یا مرکز اصلی شرکت می‌باشد به عبارت دیگر عملی که مجامع عمومی و هیأت مدیره در آن‌جا تشکیل و راجع به سرنوشت حقوقی و روش آن تصمیم اتخاذ می‌کنند و حال آن‌که قسمت اخیر ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی می‌گوید: «اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آن‌ها خواهد بود.» در مقام بیان مفهوم اقامتگاه مدنی می‌باشد.

۲۱۰. گزینه ۱)

ماده ۹۸۷ قانون مدنی بیان می‌دارد «زن ایرانی که با تبعه خارجی مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر این‌که مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود.»

۲۱۱. گزینه ۲)

به استناد از بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، «کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است اعم از این‌که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند» قانون ایران تابعیت اصلی را بر حسب سیستم خون فقط از راه نسب پدری پذیرفته است.

۲۱۲. گزینه ۴)

کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند به موجب بند ۴ ماده ۹۷۶ ایرانی محسوب می‌شوند.

۲۱۳. گزینه ۱)

ذیل بند ۳ ماده ۹۸۸ اشعار دارد «زوجه و اطفال کسی بر طبق این ماده ترک تابعیت می‌نمایند اعم از این‌که اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمی‌گردند مگر این‌که اجازه هیأت وزرا شامل آن‌ها هم باشد.»

۲۱۴. گزینه ۱)

طبق ماده ۹۸۰ قانونی مدنی، کسانی که به امور عام‌المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی هستند و از او اولاد دارند، تقاضای ورود به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران را می‌نمایند در صورتی که دولت ورود آن‌ها را به تابعیت جمهوری اسلامی ایران صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیأت وزیران به تابعیت ایران قبول شوند.

۲۱۵. گزینه ۲)

ماده ۹۸۲ قانون مدنی (اصلاحی آبان ماه ۱۳۷۰) به این عبارت تصریح گردیده، اشخاصی که تحصیل تابعیت ایران نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند، لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نایل گردند:

۱) ریاست جمهوری و معاونین او، احرار این مقام طبق اصل ۱۱۵ قانون اساسی منوط به ایرانی الاصل بودن داوطلب است. ۲) عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضاییه. ۳) وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری. ۴) عضویت در مجلس شورای اسلامی. ۵) عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر. ۶) استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احرار هرگونه پست

یا مأموریت سیاسی (۷ قضاوت ۸) عالی ترین رده فرماندهی در ارتش و سپه و نیروهای انتظامی (۹) تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی

۲۱۶. گزینه (۱)

طبق ماده ۹۷۶ قانون مدنی، سه نوع تابعیت ناشی از تولد در ایران وجود دارد: (۱) کسانی که از پدر و مادر نامعلوم یا بی‌تابعیت در ایران متولد شده‌اند. (۲) کسانی که از پدر و مادر بیگانه که یکی از آنها به نوبه خود در ایران تولید یافته است، متولد شده‌اند. (۳) کسانی که از پدر بیگانه در ایران تولد یافته و پس از ۱۸ سالگی تمام لاقلاً یک سال دیگر در ایران مقیم بوده‌اند.

۲۱۷. گزینه (۱)

طبق بند ۳ ماده ۹۸۸ قانون مدنی

اقامتگاه و وضعیت بیگانگان

عناوین اصلی

- ❖ اصول سه گانه اقامتگاه
- ❖ اقسام اقامتگاه
- ❖ وضعیت بیگانگان
- ❖ اصول و مبانی حقوق بیگانگان
- ❖ وضع اشخاص حقوقی بیگانه

فصل سوم

اقامتگاه

مقدمه

تقسیم اشخاص در زندگی بین‌المللی برحسب دو عامل صورت می‌گیرد: یکی تابعیت و دیگری اقامتگاه و مسلم است که هر یک از این دو عامل نقش جداگانه‌ای را ایفا می‌نماید. به طور کلی می‌توان گفت اقامتگاه رابطه‌ای است حقوقی، دارای بعضی از خصایص سیاسی که بین اشخاص بدون آنکه واجد وصف، تبعه باشند از گروه ساکنین و متعلقین به آن حوزه تشخیص می‌شوند.

در دوران کنونی قوه قانونگذاری هر کشور، گذشته از وضع قاعده‌های حاکم بر روابط حقوقی اتباع آن کشور با یکدیگر و با دولت، تنظیم قاعده‌های حاکم بر روابط با اتباع بیگانه را نیز در قلمرو خود از یک جهت حق و از جهت دیگر تکلیف خود می‌شمارد. قاعده‌هایی که بدین گونه از سوی قانونگذاران هر کشور درباره بیگانگان وضع می‌گردند عام می‌باشند. به این معنی که شامل همه بیگانگان می‌گردند. دولت‌ها ناگزیر نیستند حقوق بیگانگان را برابر حقوق اتباع خود قرار دهند. در ایران مقررات قانونی گوناگون درباره وضعیت بیگانگان موجود است. این مقررات بر دو گونه‌اند: یک دسته مقرراتی می‌باشند که در آن‌ها شرایط آمدن بیگانه به ایران و اقامت و کار او در این سرزمین و خروج او از کشور تعیین گردیده‌اند. این مقررات از مقررات اداری است و هر بیگانه‌ای در ایران باید وضعیت خود را با آن تطبیق دهد. دسته‌ای دیگر قاعده‌هایی می‌باشند که در آن‌ها حقوق بیگانگان در ایران تعیین گردیده است. اولویت مقررات دسته اول بر دسته دوم در آن است که شرط استفاده بیگانه از برخی حقوق در ایران بسته به انطباق وضع او با مقررات اداری یاد شده می‌باشد مانند آن که شرط استفاده بیگانه از حق کار در ایران آن است که وی رواید ورود، پروانه اقامت و پروانه کار از مراجع ذیربط ایرانی گرفته باشد.

در قابلیت رابطه شخص با دولت واجد وصف معنوی است یعنی ارتباط شخص با دولت متبوعه خود قطع نظر از محل اقامت او می‌باشد و خلاصه‌ای از تابعیت یک عامل تقسیم معنوی اشخاص است و حال آنکه اقامتگاه شخص در مملکتی قرار دارد که منافع او در آنجا متمرکز شده‌اند و این منافع نوعاً مالی و مادی هستند. بنابراین اقامتگاه یک عامل تقسیم مادی و مربوط به مکانی است که افراد در آنجا ساکن می‌باشند و به مناسبت اینکه اقامتگاه بستگی به محل معینی از دولتی را ایجاد می‌کند و به صورت یک ارتباط با واسطه و غیرمستقیم با دولت ظاهر می‌شود بعضی از علما آن را قائم مقام تابعیت نامیده‌اند.

در قانون ایران مواد ۱۰۰۲ تا ۱۰۱۰ قانون مدنی به اقامتگاه اختصاص دارد. ماده ۱۰۰۲ در تعریف اقامتگاه می‌گوید: "اقامتگاه هر شخص عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد. اگر محل سکونت غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است." اقامتگاه شخصی مربوط به یک فرد ایرانی که همواره در ایران زندگی می‌کند، اقامتگاه داخلی است و هرگاه کشور متبوع و کشور محل اقامت شخص با یکدیگر مطابقت نداشته باشد مثل شخصی ایرانی در انگلیس اقامت داشته باشد، اقامتگاه وی بین‌المللی است.

اقامتگاه بین‌المللی رابطه‌ای است مادی و حقوقی که فردی را به دولتی معین مرتبط می‌سازد. اقامتگاه رابطه‌ای مادی است زیرا بستگی به محلی دارد که شخص در آنجا اقامت دارد و با خروج او از آن محل این رابطه منتهی می‌شود و رابطه‌ای حقوقی است زیرا

داشتن اقامتگاه در یک کشور منشاء اثرات حقوقی بسیاری است.

با توجه به تعریف قانون ایران از اقامتگاه طبق ماده ۱۰۰۲ مشخص است که قانونگذار بین اقامتگاه و محل سکونت که اولاً ممکن است متعدد باشد در حالی که اقامتگاه اصولاً واحد است ثانیاً به محض اینکه شخص از محل سکونت خود دور شود دیگر ساکن آن محل محسوب نمی‌شود اما در مورد اقامتگاه ممکن است در عین اینکه شخصی به مدت طولانی در محلی نباشد مقیم آن محل محسوب شود.

اصول مشترک در اقامتگاه و تابعیت

ضرورت‌های داشتن یک اقامتگاه نه بیشتر و قابل تغییر بودن آن:

شبهات‌هایی میان اقامتگاه و تابعیت و نقش مشترک آن‌ها در زمینه برخی از انواع حقوق سبب گردیده سه گونه ضرورت که درباره تابعیت بیان شده اند درباره اقامتگاه نیز احساس گردند. این ضرورت‌ها عبارتند از: هرکس باید دارای اقامتگاه باشد، داشتن بیش از یک اقامتگاه جائز نیست و اقامتگاه قابل تغییر است.

الف- ضرورت بهره مند بودن هر کس از یک اقامتگاه: شخصیت هر کس در حقوق و تکالیف او متجلی می‌گردد. حقوق و تکالیف برای آن که صورت تحقق یابند نیازمند مکان اند. این مکان می‌تواند اقامتگاه شخص یا محلی باشد که وی به طور موقت در آنجا حضور دارد. در شماری از دعاوی، اقامتگاه به عنوان عامل تعیین کننده صلاحیت محلی دادگاه در نظر گرفته شده است. بنابراین ایجاب می‌کند هر کس دارای اقامتگاهی باشد یا بتوان داشتن اقامتگاهی معین را درباره او مفروض دانست. هرکس در هر سن و وضعیت اجتماعی از داشتن اقامتگاهی معین بهره مند باشد، تا آنجا که به گفته دکتر شایگان شخص بدون اقامتگاه از نظر قانونگذار وجود ندارد. در عمل کسانی یافت می‌شوند که نمی‌توان اقامتگاه آن‌ها را مشخص ساخت که این وضعیت می‌تواند از عمل خود شخص یا از شرایط نامساعد اجتماعی به او تحمیل گردد. در اقامتگاه مانند تابعیت، امکان آنکه کسی اقامتگاه پیشین خود را ترک کند بدون آن که اقامتگاهی دیگر اختیار نماید وجود دارد.

ب- جائز نبودن داشتن بیش از یک اقامتگاه: بیان این که کسی نباید بیش از یک اقامتگاه داشته باشد ناشی از ضرورت است که داشتن دو یا چند اقامتگاه نه تنها باعث آشفتگی و پراکندگی قضایای مربوط اقامتگاه شخص می‌گردد، در روابط بین المللی نیز این امر، مانند داشتن دو یا چند تابعیت، سبب برخورد احتمالی میان قوانین کشورهایایی که آن اقامتگاه‌ها به آن‌ها مربوط اند می‌شود. در شماری از کشورها مانند: ایران و سوئیس با وضع قاعده‌هایی داشتن بیش از یک اقامتگاه ممنوع گردیده است. همان گونه که اصل جائز نبودن بیش از یک تابعیت نتوانسته مانع بروز حالت دو تابعیتی گردد، وضع این قاعده نیز مانع داشتن بیش از یک اقامتگاه نشده است.

ج- قابل تغییر بودن اقامتگاه: تغییر اقامتگاه به معنای انتقال آن از یک کشور به کشور دیگر از سوی دارنده آن در جامعه بین المللی امری مرسوم و پذیرفته شده است. بنابراین از حیث قابل تغییر بودن اقامتگاه تفاوتی میان این مفهوم و تابعیت دیده نمی‌شود، تفاوت آن‌ها در این باره در آن است اگر تغییر تابعیت، یعنی از دست دادن تابعیت یک دولت و به دست آوردن تابعیت دولت دیگر بدون موافقت هر یک از دو دولتی که این تغییر به او مربوط است امکان پذیر نیست، در اقامتگاه اراده دارنده آن به همراه عمل مادی تغییر جا از یک محل به محل دیگر برای حصول این تغییر به نظر کافی است و اگر اشخاص ناگزیرند برای رفتن از کشوری به کشور دیگر و اقامت در آنجا از دولت‌ها روایت و ورود و پروانه اقامت بگیرند این گونه اجازه‌ها به معنای آن نیست که در تغییر خود اقامتگاه موافقت دولت شرط است. درباره اقامتگاه اشخاص حقوقی باید افزود: اگر میان تابعیت و اقامتگاه این گونه اشخاص (ماده ۵۹۱ ق.ت) بستگی و تابعیت آن‌ها غیرقابل تغییر (ماده ۹۴ قانون شرکت‌های سهامی) باشد تغییر اقامتگاه آن‌ها از یک کشور به کشور دیگر ممکن نیست و اگر تابعیت آن‌ها قابل تغییر باشد (ماده ۱۱۰ قانون تجارت درباره شرکت‌های با مسئولیت محدود) اقامتگاه آن‌ها نیز از یک کشور به کشور به تبع تغییر تابعیت آن‌ها قابل تغییر خواهد بود.

عناصر اقامتگاه

تعریف اقامتگاه

بر حسب تعریف منعکس در ماده ۱۰۰۲ ق.م ((اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد. اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب می‌شود.))



می‌توان گفت محلی که شخص با آنجا به نوعی دارای ارتباط پایدار باشد اقامتگاه او دانسته شده است. در تعریف قانون مدنی که در آن قانونگذار، به تعیین عناصر اقامتگاه اکتفا و از بر شمردن مصادیق آن پرهیز کرده، و افزون بر این، تاثیر عامل مسکن را هم در تعیین اقامتگاه معین ساخته است. بنابراین در اقامتگاه دو عنصر دیده می‌شود: عنصر مادی و عنصر قصد یا معنوی.

الف- عنصر مادی اقامتگاه و رابطه آن با مسکن: در تعریف قانون مدنی ایران از عنصر مادی اقامتگاه به روشنی نام برده شده و آن مسکن شخص است به شرط آن که مرکز مهم کارهای او نیز در همانجا باشد، و اگر این دو جا از یکدیگر جدا باشند مرکز کارهای او تشکیل دهنده این عنصر تلقی می‌شود. از تفاوت‌های کنونی مسکن و اقامتگاه آن است که مسکن می‌تواند متعدد باشد و حال آن که اقامتگاه، بنابر قاعده نباید بیش از یک جا باشد، از این رو، اگر مرکز کارهای شخص در مسکن او باشد باید دید تعریف اقامتگاه با کدامیک از مسکن‌های او مطابقت دارد. در این صورت همان یک محل را باید اقامتگاه او به شمار آورد و دیگر مسکن‌های او را از حیث بی اعتبار دانست. با در نظر گرفتن ارتباط عمیق میان شخص با اقامتگاه هر گاه کسی از اقامتگاه خود غیبت کند، هر چند غیبت او نامحدود و طولانی باشد مادام که وی قصد بازگشت به آن جا را از دست نداده، رابطه او با اقامتگاهش همچنان محفوظ است. در مواردی که محل کار کسی از مسکن او جدا باشد به اقتضای نوع کار او اصطلاحاتی مانند: دفتر، کارگاه، بنگاه، حجره یا مغازه به کار می‌رود.

ب- عنصر قصد یا معنوی: در قانون مدنی ایران برخلاف قانون سویس، در تعریف اقامتگاه از قصد نام برده نشده و این عنصر در آن مستتر است. متمرکز ساختن کارها در مسکن که محل زیست معمولی هر کس است یا تمرکز آن‌ها در جایی دور از مسکن نمی‌تواند همراه با قصد نباشد. تفاوت محلی که مرکز مهم کارهای کسی می‌باشد از محلی که تنها مسکن او است تنها در آن است که وی به اراده خود کارهای خود را در جای دیگر متمرکز و مستقر ساخته است. با این حال ممکن است قصد کسی درباره اقامتگاه او به صراحت بیان شده باشد. قصد در اقامتگاه قراردادی (ماده ۱۰۱۰ ق.م.ا) آشکار است

فوائد عملی بحث اقامتگاه

- ۱- در مورد احوال شخصیه، بسیاری از کشورها قانون صلاحیت‌دار در مورد وضعیت و اهلیت اشخاص را قانون محلی می‌دانند که اشخاص در آنجا اقامتگاه دارند و این سیستم، سیستم انگلیسی - آمریکایی است که نیمی از جهان، را دربرمی‌گیرد.
- ۲- از لحاظ تعیین صلاحیت دادگاهها، موضوع اقامتگاه از لحاظ صلاحیت دادگاهها نیز همیشه مورد توجه می‌باشد. چرا که طبق سنت و رویه متداول، دادگاه صلاحیت‌دار، دادگاه محل اقامت خوانده است.
- ۳- از لحاظ تشخیص قانون صلاحیت‌دار، در بعضی از کشورها از جمله کشور فرانسه با آنکه اصولاً قانون مملکت متبوعه شخص بر احوال شخصیه او حکومت دارد. مع‌ذالک در مواردی از قبیل طلاق و نسب وقتی که طرفین تابعیت واحد ندارند قانون اقامتگاه مشترک اعمال می‌شود. همچنین راجع به ترکه منقول، قانون اقامتگاه متوفی را اعمال می‌کنند مثلاً هرگاه یک ایرانی که در فرانسه اقامتگاه دارد، در آنجا فوت کند، قانون صلاحیت‌دار در تقسیم ترکه منقول او قانون فرانسه خواهد بود.
- ۴- از لحاظ تمتع از حقوق و یا انجام تعهداتی که بستگی به اقامتگاه دارد، مثلاً از لحاظ تعهد پرداخت مالیات و حق انتخاب نماینده، برای مجلس مقننه، تشخیص اقامتگاه مفید است زیرا که در اقامتگاه مالیاتی است که بدهی مالیات بر ذمه مؤدی مستقر می‌شود و همچنین در اقامتگاه انتخاباتی است که برای امکان استفاده از حق انتخاب بایستی شخص نام نویسی کند.

اصول سه‌گانه اقامتگاه

اصل اول - اصل لزوم اقامتگاه

هر شخصی بایستی اقامتگاه مشخصی داشته باشد. در مورد اقامتگاه نیز مانند تابعیت این اصل به نحو کامل اجرا نمی‌شود و در عمل با اشخاص مواجه می‌شویم که اقامتگاه معینی ندارند و یا لاقلاً مشکل است برای آنها اقامتگاه معینی قائل شد. سابقاً ذکر شد که کسانی که تابعیت معینی ندارند "آپاترید" می‌نامند ولی راجع به اقامتگاه بعضی از مولفین جدید برای اشخاص بدون اقامتگاه اصطلاح Adomide را به کار می‌برند.

از اصل فوق الذکر دو نتیجه حاصل می‌شود که هر کدام به نوبه خود قاعده‌ای را تشکیل می‌دهد: اول آنکه هر فردی به محض تولد بایستی اقامتگاه معینی داشته باشد. یعنی همانطور که شخص در آغاز زندگی تابعیت کشور معینی را دارد، همانطور باید در موقع

تولد، به یک محل معین تعلق داشته باشد.

استثنائات این قاعده نادر است و تقریباً تمام قوانین کشورها لاقلاً اقامتگاه پدر و مادر را در هنگام تولد به طفل تحمیل می‌نمایند. دوم اینکه هیچ فردی نبایستی اقامتگاه خود را از دست بدهد بدون اینکه اقامتگاه دیگری به دست بیاورد. این قاعده استثنائات زیاد دارد، مخصوصاً که قوانین کشورها عملاً از دست دادن اقامتگاه را منوط به تحصیل اقامتگاه در کشور دیگری نمی‌کنند.

اصل دوم - اصل وحدت اقامتگاه

هیچ شخصی نباید بیش از یک اقامتگاه داشته باشد. در این باره هم استثنائاتی وجود دارد به این معنی که در مواردی پدیده اقامتگاه مضاعف یا متعدد پیدا می‌شود و در عمل با اشخاصی مواجه می‌شویم که دارای اقامتگاه متعدد از لحاظ بین‌المللی هستند. قانون مدنی ایران، در ماده ۱۰۰۳ می‌گوید: "هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد".

اصل وحدت اقامتگاه ناظر به اقامتگاه‌های اختیاری و اجباری است و اقامتگاه قراردادی با توجه به اینکه مربوط به موضوعی خاص است، می‌تواند متعدد باشد و از این جهت مغایرتی با اصل فوق‌الذکر نخواهد داشت. اصل وحدت اقامتگاه در مورد اشخاص حقوقی نیز رعایت می‌شود. اما در مورد اشخاص حقوقی که دارای شعبات متعدد می‌باشند، چون ممکن است رجوع به مرکز اصلی و اقامتگاه شرکت ایجاد مشکلاتی بنمایند، قانون آیین دادرسی مدنی در ماده ۲۸ اعلام داشته است: "اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه با اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود مگر آنکه شعبه نامبرده برچیده باشد که این صورت دعاوی نامبرده نیز در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد".

اصل سوم - اصل تغییرپذیری اقامتگاه

اقامتگاه یک امر همیشگی نیست.

گرچه از مفهوم اقامتگاه وصف ثابت و دایمی بودن آن انتزاع می‌گردد و معمولاً به شخصی مقیم می‌گویند که به طور دائم در محلی مستقر است و همین امر باعث حصول این اطمینان می‌شود که در آن محل همواره شخص مورد نظر قابل دسترسی خواهد بود، اما به موجب این اصل، اقامتگاه یک امر همیشگی نیست قابل تغییر بوده و دائمی بودن آن نسبی است.

طبق ماده ۱۰۰۴ قانون مدنی "تغییر اقامتگاه به وسیله سکونت حقیقی در محل دیگر به عمل می‌آید مشروط بر اینکه مرکز مهم امور او نیز به همان محل انتقال یافته باشد". در مورد این ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی صریحاً ذکر کرده است که اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور باشد مرکز مهم امور اقامتگاه محسوب است، بنابراین اقامتگاه شخص همان محلی است که مرکز مهم امور به آنجا انتقال یافته است.

اقسام اقامتگاه:

۱- اقامتگاه عام:

اقامتگاهی است که مربوط به کلیه حقوق مدنی و تعهدات شخص است و خود بر دو قسم است: «اقامتگاه اختیاری و اقامتگاه اجباری یا تبعی»

«اقامتگاه اختیاری» عبارتست از اقامتگاهی است که شخص واجد اهلیت به اراده میل خود تعیین می‌کند. هر شخصی آزاد است در هر محلی که بخواهد اقامتگاه خود را تعیین نماید. به موجب ماده ۱۰۰۲ اقامتگاه هر شخص محلی است که در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز آنجا باشد. اگر محل سکونت کسی غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز مهم امور او، اقامتگاه او محسوب است.

مطابق اصل ۳۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: "هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع و به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد". برای تعیین اقامتگاه شخص کافی است معلوم کنیم مرکز مهم امور شخص در کجا قرار دارد، از اینکه محل سکونت وی نیز در همان محل و یا در محل دیگری باشد.

با توجه به اصل وحدت اقامتگاه اشخاصی که دارای اقامتگاه اجباری می‌باشند، نمی‌توانند به میل خود اقامتگاه اختیاری برای خود تعیین نمایند. اطفالی که به علت صغر سن، اجباراً دارای اقامتگاه ولی خود می‌باشند، پس از رسیدن به سن رشد اهلیت تشکیل اقامتگاه اختیاری را به دست می‌آورند.

«اقامتگاه اجباری یا تبعی» اقامتگاهی است که از طرف قانونگذار برای بعضی اشخاص تعیین می‌شود. اقامتگاه این اشخاص به علت



وابستگی‌هایی که به اشخاص دیگر دارند و یا به مناسبت شغل خاص آنها به میل خود آنها نمی‌تواند تعیین شود. بلکه قانون برای این افراد به تبع اشخاصی که به آنها وابستگی دارند و یا به تبع شخصی که شغل برای او انجام می‌شود اقامتگاه تعیین می‌نمایند. در قانون ایران انواع اقامتگاه‌های اجباری در مواد ۱۰۰۵ و ۱۰۰۹ قانون مدنی ذکر شده است که عبارتند از: اقامتگاه زن شوهردار، اقامتگاه صغار و محجورین، اقامتگاه مأمورین دولت و افراد نظامی، اقامتگاه خدمه.

۱- اقامتگاه زن شوهر دار: روابط زن و شوهر حکم می‌کند که دارای محل سکونت مشترک و محل اقامت مشترکی باشند. در کشورهایی که معتقد به حفظ وحدت خانواده می‌باشند مثل ایران، زن در مورد اقامتگاه نیز همانند تابعیت از شوهر تبعیت می‌کند. به همین مناسبت ماده ۱۰۰۵ ق.م.مقرر داشته است که: "اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است مع‌ذک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنی که با رضایت شوهر خود یا اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده می‌تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد. زن شوهردار مذکور در این ماده، اعم است از زنی که در عقد دائم یا در عقد غیر دائم است. مطابق ماده ۱۰۰۵ کلیه دعاوی علیه زن شوهردار و نیز کلیه دعاوی خانوادگی راجع به اختلافات ناشی از ازدواج در دادگاه محل اقامت شوهر مطرح می‌گردد. همچنین در صورت فوت، حجر یا غایب مفقودالاثر شدن زن شوهردار، امور مربوط به او با دادگاه محل اقامت شوهر می‌باشد و هرگاه در مدت برقراری رابطه زوجیت تغییری در اقامتگاه شوهر پدید آید، مؤثر در اقامتگاه همسر خواهد بود. در صورت حجر زن چه قبل و چه بعد از ازدواج و نیز در صورتی که مأمور دولت باشد یا شغل نظامی داشته باشد یا معمولاً نزد دیگری خدمت نماید، با توجه به اینکه اقامتگاه اجباری حاصل از ازدواج به منظور حفظ وحدت خانوادگی پیش بینی شده است، بر سایر اقامتگاه‌های اجباری ارجح است و بنابراین در موارد فوق نیز محل اقامت زن همان محل اقامت شوهر خواهد بود. با عنایت به قسمت اخیر ماده ۱۰۰۵ ق.م. در دو مورد زن شوهردار می‌تواند دارای اقامتگاه اختیاری باشد:

مورد اول: هرگاه اقامتگاه شوهر نامعلوم باشد، مقصود این است که شوهر اقامتگاه دارد اما این اقامتگاه شخص نمی‌باشد که در این صورت زن می‌تواند اقامتگاه جداگانه داشته باشد.

مورد دوم: هرگاه زن دارای حق اختیار مسکن علیحده باشد به موجب ماده ۱۱۱۴:

"زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید مگر آنکه اختیار منزل به زن داده شده باشد". بنابراین هرگاه دارا بودن مسکن علیحده در یکی از دو حالت زیر باشد، طبق ماده ۱۰۰۵ زن می‌تواند اقامتگاه جداگانه‌ای نیز داشته باشد.

حالت اول: با رضایت شوهر و آن در صورتی است که این حق ضمن عقد ازدواج یا در حین قرارداد الزام‌آور دیگری به زن داده شود. همچنین هنگامی که زن پس از عقد نکاح هنوز به خانه شوهر نرفته باشد.

حالت دوم: با اجازه دادگاه و آن در صورتی است که به نظر دادگاه، داشتن مسکن واحد برای زن با شوهر ایجاد اشکالاتی بنماید. به موجب ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی "اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت ظن ضرر، معذور است، نفقه بر عهده شوهر خواهد بود". بنابراین مواردی که به علتی اختیار تعیین مسکن علیحده به زن داده شده است، زن ناشزه محسوب نشده، مستحق نفقه خواهد بود. اما در مورد زن ناشزه که بدون اجازه شوهر یا دادگاه اقامتگاه شوهر را ترک نموده متأسفانه قانون تعیین نکرده است که اقامتگاه وی باید همان اقامتگاه شوهر محسوب شود یا اقامتگاهی که واقعاً در آنجا زندگی می‌نمایند. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در هر حال چنین زنی هنوز به عقد نکاح مرد باقی است و با اطلاق ماده ۱۰۰۸ اقامتگاه وی باید اقامتگاه شوهر محسوب شود.

۲- اقامتگاه صغار و محجورین: از نظر تأمین منافع صغار و محجورین قانونگذار در ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی مقرر داشته است. "اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آنها است" به موجب این ماده اقامتگاه صغیر، سفیه و مجنونی که عدم رشد یا جنون او متصل به زمان صغر باشد، در صورتی که دارای ولی خاص باشند، اقامتگاه ولی (به ترتیب پدر - جد پدری - وصی - طبق ماده ۱۱۹۴ ق.م) خواهد بود. در صورتی که صغیر ولی خاص نداشته باشد یا سفاهت و جنون محجور متصل به زمان صغر نباشد و تحت قیمیت باشد، اقامتگاه آنها به موجب ماده ۱۰۰۶ ق.م. اقامتگاه قیم خواهد بود.

با توجه به مراتب بالا، دعاوی علیه محجورین در اقامتگاه ولی یا قیم و به طرفیت ولی یا قیم اقامه می‌گردد. در صورت فوت یا غایب مفقودالاثر شدن محجور امور مربوط به وی در صلاحیت دادگاه اقامتگاه اجباری محجور یعنی اقامتگاه ولی یا قیم خواهد بود. در صورت جدایی پدر و مادر طبق ماده ۱۰۰۶ اصولاً باید اقامتگاه فرزند صغیر، اقامتگاه پدر یا جد پدری یا قیم باشد.

اقامتگاه مأمورین دولت، به طور کلی اقامتگاه مأمورین دولت، اعم از لشکری و کشوری در محل خدمت آنهاست و در صورتی که محل مأموریت آنها متغیر باشد، محلی که در آنجا مأموریت به آنها داده می‌شود به عنوان اقامتگاه آنها محسوب می‌شود. اما تغییر مأموریت بعد از مدت نسبتاً طولانی به صورتی که نتوان شخص را جزء مأمورین بسیار محسوب داشت، فقط باعث تغییر محل اقامت از محل مأموریت قبلی به محل جدید می‌گردد.

ماده ۱۰۰۷ می‌گوید:

" اقامتگاه مأمورین دولتی محلی است که در آنجا مأموریت ثابت دارند "

۴- اقامتگاه خدمه: به موجب ماده ۱۰۰۹ قانون مدنی ایران " اگر اشخاص کبیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت می‌کنند در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند، اقامتگاه آنها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آنها خواهد بود" بنابراین مطابق این ماده با جمع شرایط زیر اقامتگاه کسی که نزد دیگری کار یا خدمتی انجام می‌دهد، اقامتگاه کارفرما یا مخدوم وی، محسوب می‌شود:

شرط اول - «شخص باید کبیر باشد» به موجب این شرط، شخص باید به سن رشد قانونی رسیده باشد، تا با جمع سایر شرایط دارای اقامتگاه کارفرمای خود باشد. بنابراین اصولاً شخص صغیر، حتی اگر شرایط دیگر ماده ۱۰۰۹ را دارا باشد، مشمول این ماده نمی‌باشد. زیرا چنین شخصی دارای اقامتگاه اجباری ولی یا قیم خود خواهد بود. همچنین در صورتی که شخصی کبیر ولی محجور باشد باز هم تابع اقامتگاه قیم خود خواهد بود نه مخدوم خود.

شرط دوم - «معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت کند» به موجب این شرط یا خدمت شخص، نزد دیگری باید شغل معمولی وی محسوب شود. بنابراین کسانی که به طور اتفاقی نزد دیگری کار می‌کنند و شغل اصلی و همیشگی آنها شغل دیگری است یا به عبارت دیگر از راه انجام این خدمت امرار معاش نمی‌کنند، مشمول این ماده نمی‌باشند.

شرط سوم - «در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشد» منظور از این شرط لزوم وابستگی کامل شخص به مخدوم است. بنابراین هرگاه شخصی برای خدمتکاری یا آشپزی یا چوپانی و نظایر آن هر روز به منزل مخدوم خود برود و پس از انجام خدمت به منزل بازگردد مشمول این ماده نبوده، خانه خود وی اقامتگاه وی محسوب می‌شود. سکونت در لواحق خانه مخدوم نیز در حکم سکونت در خانه مخدوم است، حتی اگر لواحق خانه از خود خانه تا حدودی مجزا باشد.

۲- اقامتگاه خاص یا قراردادی

اقامتگاهی است که شخص فقط برای بعضی امور، محل معینی تعیین می‌نماید. معمولاً این نوع اقامتگاه در مورد قراردادهای و معاملات و برای اقامه دعوی یا انجام ابلاغ، نسبت به موضوع خاصی معین می‌شود. این نوع اقامتگاه قراردادی است بدین معنی که طرفین به موجب قراردادی جداگانه اقامتگاه مخصوص آن قرارداد را تعیین می‌کنند که ممکن است محلی غیر از اقامتگاه حقیقی شخص باشد، یا حتی خارج از کشور متبوع و محل اقامت شخص باشد.

انتخاب اقامتگاه قراردادی اعم از اینکه به وسیله طرفین قرارداد انتخاب شود یا به وسیله یکی از طرفین، باید مورد موافقت هر دو طرف باشد. برای انتخاب اقامتگاه خاص یا قراردادی در صورتی که طرفین قرارداد یا یکی از آنها مستقیماً محلی را به عنوان اقامتگاه تعیین ننموده باشند، معمولاً محل اجرای قرارداد را به این عنوان می‌شناسند.

با توجه به اینکه اقامتگاه قراردادی اصولاً در اثر توافق طرفین انتخاب می‌شود بنابراین:

اولاً: اقامتگاه قراردادی به اراده یکی از طرفین قابل تغییر نبوده فقط با توافق طرفین امکان تغییر آن وجود دارد.

ثانیاً: طرفین می‌توانند اقامتگاه قراردادی را نسبت به کلیه دعاوی راجع به قرارداد، قابل اعمال بدانند یا آن را منحصر به اختلافات ناشی از مفاد قرارداد نمایند.

ثالثاً: اقامتگاه قراردادی فقط در مورد الزامات حاصله از قرارداد قابل اعمال است و در مورد الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شود، نمی‌تواند اقامتگاه قراردادی بین طرفین وجود داشته باشد.

رابعاً: به موجب ماده ۱۰ ق.م اقامتگاه اختصاصی یا قراردادی فقط نسبت به طرفین مؤثر بوده و نسبت به اشخاص ثالث بلااثر می‌باشد.

خامساً: اقامتگاه قراردادی در اثر فوت یا حجر طرفین یا یکی از آنها از بین نمی‌رود (مگر اینکه بتوان از قرارداد چنین برداشت کرد) بلکه با استنباط از ماده ۲۱۹ ق.م پس از فوت شخص، اقامتگاه مزبور نسبت به آن قرارداد به ورثه منتقل خواهد شد زیرا ماده ۲۱۹

می‌گوید:

"عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشند بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود."

اقامتگاه اصلی در حقوق ایران

دکتر محمد نصیری مولف حقوق بین الممل خصوصی به مفهوم این نوع اقامتگاه به این عبارتها اشاره کرده است: ((هر فردی به محض تولد بایستی دارای اقامتگاه معینی باشد یعنی همانطور که باید در موقع تولد به یک محل معین تعلق داشته باشد. استثنائات این قاعده نادر است و تقریباً تمام قوانین کشورها لاقلاً اقامتگاه پدر و مادر را در هنگام تولد به طفل تحمیل می‌نمایند.)) در این عبارتها به محل تولد شخص و نیز اقامتگاه پدر و مادر او به هنگام تولد وی که هر دو از جمله تعابیر راجع به اقامتگاه اصلی می‌باشند تصریح گردیده است. با این حال این عبارتها را نمی‌توان دلیل شناخت این نوع اقامتگاه در نظریه علمی حقوقی ایران دانست. علت این که در حقوق ایران درباره اقامتگاه اصلی مطالعه صورت نگرفته باید آن باشد که به این نوع اقامتگاه از سوی قانونگذار اشاره نشده و در حقوق گذشته ایران نیز سابقه ای مانند آنچه در نظام‌های حقوقی انگلستان و فرانسه وجود داشته در میان نبوده است.

اقامتگاه اشخاص حقوق در حقوق مثبت ایران

با شناخته شدن شخص حقوقی به عنوان شخصیتی مستقل از شخصیت کسانی که به تاسیس آن همت می‌گمارند، برای او حقوق و تکالیفی مستقل از حقوق و تکالیف بنیان گذار آن پدید می‌آید، چنانکه در ماده ۵۸۸ قانون تجارت در این باره به این عبارت تصریح گردیده است: ((شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت، نبوت و امثال ذلک.)) چنین شخصی، که هستی آن هستی قراردادی و قانونی است، به اقتضای حقوق و تکالیفی که درباره او می‌توان قائل شد، ناگزیر، مانند افراد، باید دارای اقامتگاه باشد. اقامتگاه این گونه اشخاص برحسب معمول در اسناد تاسیس آنها مانند اساسنامه پیش‌بینی می‌شود.

ارزش مرکز اصلی شخص حقوق در حقوق ایران به عنوان عامل تعیین صلاحیت دادگاهها

در ماده ۱ قانون ثبت شرکتها مصوب ۲ خرداد ماه ۱۳۱۳ ه. ش از مرکز اصلی شخص حقوقی به این عبارت ((هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است.)) یاد شده است. اصطلاح مرکز اصلی که در ایران این ماده به کار رفته در ماده ۵۹۰ قانون تجارت بدون آن که در مفهوم آن تغییر داده شده باشد با اصطلاح محل اداره شخص حقوقی تغییر یافته است. آن ماده نیز آن گونه که پیش از این دیده شده بر حسب قاعده پیش بینی شده در قسمت اخیر ماده ۱۰۰۲ ق.م.نسخ گردیده است.

بدین ترتیب اینک علاوه بر اصطلاح مرکز عملیات شخص حقوقی که عامل تعیین اقامتگاه این گونه اشخاص می‌باشد، اصطلاح مرکز اصلی نیز در مقام تعیین صلاحیت دادگاههای ایران برای رسیدگی به دعاوی راجع به اشخاص حقوقی دارای اثر است. برگزیدن اصطلاح مرکز اصلی برای تعیین صلاحیت دادگاههای ایران در رسیدگی به دعاوی راجع به شرکتها را نباید به منزله انصراف قانونگذار از عامل مرکز عملیات برای تعیین اقامتگاه اشخاص حقوقی تصور کرد، این گزینش نظیر همان همان است که قانونگذار برای تعیین صلاحیت آن دادگاهها در رسیدگی به دعاوی علیه شخص حقیقی، افزون بر اقامتگاه، محل سکونت موقت را نیز در ماده ۲۱ آیین دادرسی به عنوان عامل جانشین در نظر گرفته است.

رابطه تابعیت شخص حقوقی با اقامتگاه او

اگر تابعیت و اقامتگاه اشخاص حقیقی به یکدیگر وابسته نیستند و هیچ یک از آن دو نشانه دیگری نیست، تابعیت و اقامتگاه شخص حقوقی می‌توانند به یکدیگر وابسته باشند و اقامتگاه آنها تعیین کننده تابعیت آنها باشد. در ماده ۵۹۱ قانون تجارت ایران تصریح می‌کند: ((اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.)) بنابراین بر حسب اسلوب

حقوقی ایران با تعیین اقامتگاه شخص حقوقی می‌اوان تابعیت آن را مشخص ساخت.

انواع اقامتگاه‌های شخص حقوقی

شخص حقوقی می‌تواند دارای دو نوع اقامتگاه باشد: اقامتگاه معمولی و اقامتگاه قراردادی. گو اینکه اقامتگاه معمولی شخص حقوقی نیز ناشی از اساسنامه آن می‌باشد که بر اثر توافق میان بنیان‌گذاران آن تهیه و تصویب می‌گردد، و این نوع اقامتگاه او هم دارای ریشه قراردادی است، با این حال آن را نمی‌توان اقامتگاه قراردادی است با این حال آن را نمی‌توان اقامتگاه قراردادی بدانگونه که در ماده ۱۰۱۰ ق.م.ا از آن یاده شده است دانست.

اقامتگاه قراردادی شخص حقوقی؛ اقامتگاه شعب شخص حقوقی

اگر دارا بودن اقامتگاه تبعی ویژه اشخاص حقیقی است، اقامتگاه قراردادی میان اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی مشترک و احکام آن میان آن‌ها یکسان می‌باشد. بنابراین شخص حقوقی می‌تواند بدون آنکه از قاعده مجاز نبودن بیش از یک اقامتگاه سرپیچی کرده باشد، افزون بر اقامتگاه معمولی خود دارای یا چند اقامتگاه قراردادی باشد. هر شخص حقوقی به اقتضای نوع و به تناسب گستردگی فعالیت‌های خود ممکن است دارای شعبه‌های دور از یکدیگر در ناحیه‌های مختلف کشور یا خارج از کشور باشد. در این حالت به لحاظ آنکه همگی آن شعبه‌ها اجزای یک کل، یعنی اجزای همان شخص حقوقی را تشکیل می‌دهند اقامتگاه همگی آن شعبه‌ها یکی و همان اقامتگاه خود شخص حقوقی می‌باشد. با این ترتیب با فرض اقامتگاه قراردادی ضمنی برای شعبه‌های حقوقی راه برای سازش میان ضرورت‌های فعالیت‌های هر شعبه در محلی دور از مرکز اصلی آن و قاعده مجاز نبودن بیش از یک اقامتگاه گشوده شده است. از این گذشته می‌توان شناخت صلاحیت برای دادگاه‌ها محل شعبه را در قانون درباره دعوی علیه شعبه نتیجه این فرض قانونگذار دانست که در معاملات شعبه با دیگران پذیرش اقامتگاه قراردادی مستتر است.

وضعیت بیگانگان

امروزه در قوانین کلیه کشورهای جهان مقرراتی مخصوص اشخاص بیگانه وضع شده است تا در هر مورد خاص مثل مهاجرت، جهانگردی، مأموریت شغلی و... معلوم شود شخص خارجی از چه نوع حقوقی برخوردار است و از چه حقوقی محروم می‌باشد. در زمان حاضر کلیه کشورها، بیگانه را به عنوان یک شخصیت حقوقی که دارای حقوقی می‌باشد، پذیرفته‌اند.

انواع بیگانگان

به طور کلی بیگانگان را می‌توان از نظر نحوه ورود و نوع حقوقی که از آن برخوردار خواهند بود به شش دسته تقسیم کرد:

۱- مهاجرین: اصولاً کشورهایی هستند که دارای سرزمین وسیعی بوده، جمعیت آنها به نسبت وسعت کافی نیست و از این نظر احتیاج به جلب افرادی از سرزمین‌های دیگر دارند مانند آمریکا، کانادا، استرالیا و... لذا این گونه کشورها شرایطی به نسبت سهل برای ورود به سرزمین خود قرار می‌دهند که افراد با به دست آوردن آن شرایط می‌توانند به این سرزمینها مهاجرت نمایند. کشورهای مهاجر فرست هستند که به عکس دسته اول دارای سرزمینی کوچک و جمعیتی زیاد می‌باشند یعنی جمعیت آنها به نسبت وسعت به قدری زیاد است که اگر همگی بخواهند در همان مملکت زندگی کرده و به کار مشغول شوند، کار به اندازه کفایت برای آنها نیست و در نتیجه ایجاد رکود اقتصادی خواهند نمود لذا بسیاری از اتباع این گونه ممالک مثل لبنان و سوئیس از کشور خود خارج شده به کشورهای دیگر مهاجرت می‌نمایند و در نتیجه نوعی تعادل از نظر جمعیت و کار نسبت به وسعت در کشورها ایجاد می‌شود.

۲- جهانگردان: از آنجا که قدر اقامت جهانگردان در هر کشوری کوتاه است و معمولاً منبع با ارزشی جهت تولید درآمد مملکت به شمار می‌آیند در اغلب کشورها جهت جلب جهانگردان مقرراتی برای تسهیل امور آنان از نظر ورود و اقامت در نظر گرفته‌اند و حتی در بعضی از کشورها جهانگردان از جهت نرخ ارز دارای امتیازاتی می‌باشند.

۳- دانشجویان: در مورد فعالیت‌های فرهنگی معمولاً بین کشورها قراردادهای دوجانبه و چندجانبه منعقد می‌شود که طبق آن شرایط لازم برای افرادی که به این گونه فعالیتها می‌پردازند، تعیین می‌شود و به وسیله قراردادهای تسهیلاتی برای دانشجویان هر یک از دو یا چند کشور که در کشور مقابل مشغول تحصیل می‌باشند، قائل می‌شوند.



- ۴- **بازرگانان:** در مورد فعالیتهای تجاری نیز جهت تسهیل کار بازرگانان که مرتباً از یک کشور به کشور دیگر در رفت و آمد می‌باشند معمولاً کشورها، به وسیله عهدنامه‌ها وضعیت معافیتهای خاصی جهت بازرگانان به وجود می‌آورند.
- ۵- **بیگانگانی که برای کار به کشور دیگر می‌روند:** منظور کسانی هستند که در مقابل دریافت حقوق یا مزد کار می‌کنند. در این مورد معمولاً کشورها اصل را بر ممنوعیت قرار می‌دهند و فقط با در نظر گرفتن وضع اقتصادی خود و با پیش بینی شرایط مخصوص ممکن است اشتغال بیگانگان به مشاغل خاصی را اجازه دهند.
- ۶- **بیگانگانی که بدون کار یا شغل معین در کشوری مقیم هستند:** این قبیل افراد از نظر مقررات در حکم جهانگردان می‌باشند، فقط چون مدت اقامت آنها معمولاً به نسبت جهانگردان طولانی‌تر است، باید اجازه اقامت مخصوصی بگیرند و به علاوه باید دارای درآمد و یا سرمایه کافی برای تأمین معاش باشند.

اصول و مبانی حقوق بیگانگان

حقوق بیگانگان مبتنی بر اصول زیر می‌باشد:

- ۱- مقتضیات حقوق بین الملل عمومی
- ۲- رفتار متقابل
- ۳- قوانین داخلی

۱- مقتضیات حقوق بین الملل عمومی

اکثر علمای حقوق معتقدند که اصول حقوق بین الملل اقتضا دارد که دولتها حداقل حقوقی برای بیگانگان بشناسند و می‌گویند که به طور ملی و برای همیشه نمی‌توان یک صورت مشخص و جامعی از این حداقل تنظیم کرد. این حداقل با تمدن و پیشرفت بشر دائماً در تفسیر و تحول است اما آنچه به طور اجمال می‌توان گفت این است که ملاک و میزان حداقل حقوق اتباع بیگانه همان رفتار دول متمدن با آنهاست. از سوی دیگر اصولاً هیچ دولتی الزامی به پذیرفتن خارجی در خاک خود ندارد اما همین که بیگانه در خاک دولتی پذیرفته شد باید حداقل حقوقی برای او قائل شوند.

۲- رفتار متقابل

رفتار متقابل به سه صورت ظاهر می‌شود:

- ۱- رفتار متقابل سیاسی
- ۲- رفتار متقابل قانونگذاری
- ۳- رفتار متقابل عملی

رفتار متقابل سیاسی: به رفتار متقابل سیاسی به وسیله یک معاهده سیاسی برقرار می‌شود. در این صورت اتباع کشور بیگانه فقط از حقوقی که در معاهده سیاسی اسم برده شده متمتع می‌شوند.

۳- **رفتار متقابل قانونگذاری:** در صورتی است که قانونگذار متمتع از حقی معین را برای بیگانه منوط به شناختن همان حق در نص صریحی از قانون مملکت متبوعه بیگانه می‌دارند. بدیهی است این نوع رفتار متقابل، منحصرأ در روابط بین کشورهایی که دارای قوانین موضوعه هستند قائل اجرا می‌باشد. رفتار متقابل قانونگذاری بیش از رفتار متقابل سیاسی قابل انعطاف بوده یعنی نیازی به انعقاد معاهده سیاسی ندارد و در عین حال استحکامش هم زیاد است. در قانون ایران ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی راجع به شرایط اعتبار اسنادی که در خارجه تنظیم می‌شود، به هر دو شکل از رفتار متقابل (رفتار متقابل قانونگذاری) اشاره کرده است و در این ماده ضمن شرایط اعتبار اسنادی که در خارجه تنظیم می‌شود این شرط مندرج است: "... ثالثاً کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده به موجب قوانین خود یا عهود اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد".

رفتار متقابل عملی: صورتی است که اتباع دولتی در مملکت دیگر عملاً (طبق عرف و عادت و رویه قضایی...) از همان حقوق اتباع مملکت دیگر استفاده می‌کنند. این رفتار متقابل بسیار قابل انعطاف است و هیچ احتیاجی به قانون ندارد. البته اشکالش از لحاظ اثبات قضیه است و بایستی مقام صلاحیتداری وجود داشته باشد که رفتار متقابل را در روابط بین دو دولت تصدیق نماید.

قوانین داخلی

وضع اشخاص طبیعی بیگانه در حقوق ایران

وضع اشخاص حقیقی بیگانه را در حقوق ایران از سه جهت بررسی می‌کنیم:

(الف) از جهت حقوق سیاسی

(ب) از جهت عمومی

(ج) از جهت حقوق خصوصی

(الف) حقوق سیاسی: عبارت است از حقوقی که در حقوق عرفی داخلی فقط به اتباع داخله اختصاص داده شده و بهره مندی از آن لازمه وصف تبعیت می‌باشد. با این تعریف خارجی‌ها اساساً از این حقوق محروم می‌باشند و احتیاط هم اقتضاء دارد که اتباع اعمال نفوذ نکنند. در اجرای این اصل قوانین ایران به طور کلی بیگانگان را از حقوق سیاسی محروم داشته است. از جمله:

۱- مشاغل سیاسی انتخابی و یا دولتی

۲- مشاغل عمومی انتخابی (غیر دولتی)، در ایران اتباع بیگانه اصولاً نمی‌توانند در هیچ مجمع یا هیأتی از حقوق عمومی انتخاب شوند (مثلاً عضویت اتاق بازرگانی)

۳- مشاغل ملحقه به مشاغل دولتی: خارجی نمی‌تواند در ایران به شغل وکالت دادگستری، سردفتری قضاوت یا دفتر یاری اشتغال ورزد.

راجع به تکالیف سیاسی خارجی‌ها دو موضوع را مورد توجه قرار می‌دهیم:

۱- **نظام وظیفه:** مهمترین تکلیف سیاسی، خدمت نظام است و این وظیفه اصولاً منحصر به اتباع داخله می‌باشد. بنابراین خارجی‌ها از آن معاف هستند و اگرچه این خود یک عرف بین‌المللی است مع‌ذکب بعضی از عهدنامه‌ها این معافیت را صریحاً متذکر شده‌اند.

۲- **مالیات‌ها:** خارجی‌ها موظفند مالیات را به همان اندازه و شرایطی که نسبت به اتباع داخله معمول می‌گردد، بپردازند و معافیت و یا امتیازی برای آنها هیچگونه دلیلی ندارد و حتی بعضی از ممالک مالیات‌های سنگین‌تری به اتباع خارجه تحمیل می‌کنند. مع‌ذکب پاره‌ای از اوقات معاهدات، اتباع دولت بیگانه را از مالیات‌هایی که جنبه غیرعادی داشته، در شرایط استثنایی باشد مثل مالیات بر درآمد زمان جنگ، معاف می‌نمایند. بر این اصل کلی (تشابه اتباع داخله و خارجه در پرداخت مالیات) به وسیله معاهدات استثنائات ذیل وارد شده است:

۱- قرضه‌های اجباری: در مواردی که دولت ایران از اتباع داخله قرضه اجباری درخواست می‌نماید، بیگانگان از پرداخت قرضه معاف خواهند بود.

۲- مالیات و وجوهی که اتباع داخله، در عوض نظام وظیفه پرداخت می‌نمایند و یا مالیات‌هایی که برای حوائج جنگ مقرر می‌شود که بیگانگان از پرداخت این عوارض هم معاف می‌باشند.

(ب) برخورداری از حقوق عمومی:

حقوق عمومی عبارت از است مجموعه حقوقی که تمتع از آنها بستگی به سازمان‌های قانونی حقوق عمومی دارد و به منظور احترام به شخصیت انسانی برقرار شده است. درباره این حقوق اصل بر این است که بیگانگان هم از آن بهره‌مند شوند. اکثر معاهدات نیز این قبیل حقوق را برای اتباع بیگانه در ایران شناخته‌اند. مهمترین حقوقی که بیگانگان از آن متمتع می‌شوند به قرار زیر است:

۱- حمایت جان و مال اتباع بیگانه

۲- احترام منزل و مسکن

۳- حق ورود، عبور، توقف، اقامت و خروج اتباع بیگانه

۴- حق اشتغال به هرگونه حرفه و صنعت و تجارت

۵- حق ترافع قضایی یا رجوع به محاکم ایران

آزادی ورود و اقامت بیگانگان

ورود اتباع بیگانه:

بهترین سندی که برای ورود به هر کشور یا خروج از هر کشوری لازم است گذرنامه می‌باشد. به موجب ماده اول قانون گذرنامه ۱۳۵۱ گذرنامه سندی است که از طرف مأموران صلاحیتدار دولت مذکور در این قانون برای مسافرت اتباع ایران به خارج و یا اقامت در خارج و یا مسافرت از خارج به ایران داده می‌شود.

به موجب ماده ۷ قانون گذرنامه، گذرنامه بر ۳ قسم است:

۱- گذرنامه سیاسی

۲- گذرنامه خدمت (اعم از فردی یا جمعی)

۳- گذرنامه عادی

صدور دو نوع گذرنامه اول به عهده وزارت امور خارجه بوده و مدت اعتبار آنها یکسال است مگر در مورد مأموران ثابت دولت در نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور که اعتبار گذرنامه تا خاتمه مدت مأموریت آنان خواهد بود. اما صدور گذرنامه عادی در ایران به عهده نیروی انتظامی و در خارج از ایران با مأمورین کنسولی یا مأمورین سیاسی عهده‌دار امور کنسولی خواهد بود و مدت اعتبار گذرنامه عادی ۵ سال است و فقط برای یک مدت ۵ ساله دیگر قابل تمدید است.

علاوه بر گذرنامه که اصولاً ارائه آن برای ورود به هر کشور و خروج از هر کشوری به عنوان سند تشخیص هویت شخص لازم است، برای ورود به بعضی از کشورها اجازه مخصوصی به نام روادید مورد نیاز می‌باشد. روادید یا ویزا به صورت مهری است بر روی اوراق گذرنامه که نوع اجازه و علت ورود و مدت اقامت را نشان می‌دهد. روادید توسط نمایندگان کنسولی در خارجه داده می‌شود و وسیله‌ای است برای جلوگیری از ورود بعضی خارجی‌ها که به نظر نماینده کنسولی به جهتی صلاح نیست وارد مملکت متبوع وی شوند.

ماده دوم قانون ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۰ راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران می‌گوید:

" مأمورین ایرانی در موارد زیر از ورود بیگانه به کشور جلوگیری می‌نمایند:

۱- در صورتی که در صحت اسناد ارائه شده تردید نمایند.

۲- اشخاصی که مطابق قانون ایران تبعه ایران محسوب شده و بخواهند با اوراق تابعیت غیر ایرانی مسافرت کنند.

۳- اگر حضور خارجی در ایران بر ضد امنیت مملکت و یا نظم عمومی و یا به جهات دیگری منافی مصالح مملکتی باشد.

۴- اگر خارجی در ایران سابقه محکومیت به جنحه مهم یا جنایت داشته و یا در مملکت خارجه محکوم به جنحه و یا جنایت شده باشد.

۵- اگر خارجی قبلاً از ایران اخراج شده باشد.

۶- اگر حضور خارجی در ایران به ملاحظه حفظ الصحه عمومی و یا عملیات منافی عفت صلاح نباشد.

۷- اگر خارجی نتواند اثبات کند که وسایل تحصیل معاش خود را در ایران به وسیله سرمایه یا مشاغل مفید خود دارا می‌باشد.

عبور اتباع بیگانه

طبق ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه مصوب خرداد سال ۵۲ " صدور روادید عبور برای اشخاص زیر موکول به تحصیل اجازه خاص وزارت امور خارجه خواهد بود:

۱- افراد بدون تابعیت و یا دارندگان برگ گذرنامه‌های خارجی که به سبب شغل خود مجبور به عبور از کشورهای مختلف می‌باشند.

۲- اتباع دول که از طرف وزارت امور خارجه تعیین می‌شود. "

تبصره ۱ و ۲ این ماده می‌گوید: روادید برای یکبار رفت و برگشت صادر خواهد شد و مدت اعتبار روادید رفت و برگشت برای خروج از کشور یک ماه می‌باشد و قابل تمدید نیز خواهد بود. اما هرگاه روادید فقط مربوط به برگشت باشد، مدت اعتبار آن از تاریخ خروج از مرز ۳ ماه خواهد بود.

اقامت اتباع بیگانه

اگرچه اصل بر آزادی اقامت مشخص در کشور بیگانه است اما هر کشوری می‌تواند شرایطی برای این امر قائل شود و معمولاً برای اقامت در یک کشور باید از طرف مقامات صالحه آن کشور اجازه نامه‌ای صادر شود که مدت و محل اقامت در آن مشخص باشد. در ایران این اجازه از طرف نیروی انتظامی صادر می‌شود و هیچ یک از اتباع خارجه بدون اجازه مزبور و بیش از مدت معینه در اجازه‌نامه نمی‌تواند در ایران اقامت نماید.

اقامت اتباع خارجه در خاک ایران بر دو قسم است: اقامت موقت و اقامت دائم

اقامت دائم در صورتی است که خارجی در خاک ایران اقامتگاه قانون یا اختیار نموده باشد در غیر این صورت اقامت خارجی در ایران موقت محسوب می‌شود.

اقامت موقت

هر خارجی که بخواهد در ایران اقامت نماید باید ظرف ۸ روز پس از ورود به ایران خود را برای تحصیل پروانه اقامت به نیروی انتظامی محل معرفی نماید و برگ‌های درخواست صدور پروانه اقامت را تنظیم و تکمیل و امضاء نماید و به انضمام سایر مدارک لازم به نیروی انتظامی محلی که می‌خواهد در آنجا اقامت کند، تسلیم نماید. دارندگان پروانه اقامت موقت باید تغییر محل کار و یا اقامت خود را به نیروی انتظامی محل قبلی و ظرف ۸ روز از ورود به محل اقامت و یا کار جدید به نیروی انتظامی محل جدید کتباً اطلاع دهد.

اقامت دائم

اجازه اقامت دائم از طرف نیروی انتظامی مرکز استان یا شهرستانی که خارجی می‌خواهد در آن ناحیه اقامتگاه دائمی و قانونی اختیار کند. اجازه اقامت در صورت احراز هر یک از شرایط زیر پس از موافقت نیروی انتظامی صادر خواهد شد:

- ۱- متقاضی دارای پنج سال سابقه اقامت قانونی متوالی یا متناوب در ایران بوده و به هنگام تقاضا به سن ۱۸ سال تمام رسیده باشد.
- ۲- متقاضی دارای دو سال سابقه اقامت قانونی متوالی یا متناوب در ایران بوده، خدمات شایسته و ارزنده او به امور عام المنفعه در ایران به تأیید مقامات صلاحیتدار مملکتی رسیده باشد.
- ۳- متقاضی دارای دو سال سابقه اقامت قانونی متوالی یا متناوب در ایران بوده و مقام عالی علمی یا شغل یا تخصص او در امور تولیدی و عمرانی به تأیید مقامات صلاحیتدار مملکتی رسیده باشد.
- ۴- متقاضی دارای زن و فرزند ایرانی باشد.
- ۵- متقاضی دارای دو سال سابقه اقامت قانونی متوالی یا متناوب در ایران بوده و در امور تولیدی و عمرانی ایران که مورد تأیید مقامات صلاحیتدار ایران باشد، سرمایه‌گذاری کرده باشد.
- ۶- متقاضی دارای دو سال سابقه اقامت قانونی متوالی یا متناوب در ایران بوده و درآمد شخصی یا حقوقی یا مستمری بازنشستگی او به تأیید یکی از بانک‌های مجاز ایران رسیده باشد. به موجب تبصره ماده ۵ آیین نامه ۱۳۵۲ اقامت خارجیان وقتی اقامت قانونی محسوب می‌شود که به استناد پروانه اقامت باشد. پروانه اقامت دائم باید هر سال تجدید شود.

خروج اتباع بیگانه

در ایران طبق ماده ۱۰ قانون ۱۳۱۰ اجازه خروج از طرف نیروی انتظامی محل اقامت خارجی صادر می‌شود از سوی دیگر بیگانگانی که وارد ایران می‌شوند و مدت توقیف آنها از ۹۰ روز تجاوز نکند، احتیاجی به روادید خروج ندارد؛ لیکن موظف می‌باشند برای خروج از ایران فرم خروجی را تکمیل و به مأمورین گمرکی مرز خروجی تسلیم نمایند بنابراین فقط اشخاصی که بیش از ۹۰ روز در ایران اقامت کرده باشند احتیاج به اخذ اجازه خروج از مأمورین انتظامی دارند.

استثنائات نسبت به مقررات ورود و خروج اتباع بیگانه

- ۱- کسانی که دارای مصونیت سیاسی هستند.
- ۲- مأمورین کنسولی دول خارجه و افراد عائله آنها که با هم در یک خانه زندگی می‌کنند و اعضای رسمی آنها؛ ولی اگر اتباع ایران در طبقات مذکور مقیم در یکی از ممالک خارجه از مزایای مزبور کلاً یا بعضاً بهره‌مند نباشند نسبت به اتباع مملکت مزبور در طبقات فوق معامله متقابل خواهد شد.
- ۳- اعضای هیأت‌های اعزامیه دول خارجه که با موافقت دولت ایران وارد ایران می‌شوند و کسان دیگری که دارای ویزای سیاسی مأمور ایران باشند.

اخراج بیگانه:

در حالی که خروج بیگانه از جهت اینکه حقی برای او محسوب است اختیاری و با رضایت خود او انجام می‌گردد اخراج بیگانه اجباری و علیرغم میل تبعه بیگانه به عمل می‌آید. برای اینکه اخراج با اصول حقوق عمومی بین‌المللی تطبیق نماید باید جنبه فردی داشته باشد و به جز در مواقع جنگ و قطع روابط سیاسی هرگاه دولتی تصمیم بگیرد مبنی بر اینکه کلیه اتباع کشور معینی را از خاک خود خارج کند مسلماً برخلاف نزاکت و اصول حقوق بین‌الملل رفتار کرده است.

در قانون ایران به موجب ماده ۱۱ قانون ۱۳۱۰ بیگانگان را می‌توان در موارد زیر اخراج نمود:

- ۱- در صورتی که برخلاف مقررات قانون ۱۳۱۰ عمل نمایند.
- ۲- در صورتی که اجازه عبور یا توقف خارجی ملغی شود.

به طور کل تصمیم راجع به اخراج بیگانه قابل تجدید نظر می‌باشد و اگر اخراج از نقطه نظر مصالح مملکتی فوریت نداشته باشد اداره شهربانی، خارجی را با تعیین نتیجه تجدید نظر، تحت مراقبت مخصوص خود قرار می‌دهد و مدت تجدیدنظر ۱۵ روز از تاریخ رویت اختاریه می‌باشد و مرجع تجدید نظر وزارت کشور می‌باشد که تقاضای تجدیدنظر در تصمیم نیروی انتظامی را شخص خارجی به وزارت کشور می‌دهد.

حق ترافع قضایی:

در ایران علاوه بر قانون مدنی که در ماده ۵ کلیه سکنه ایران را اعم از اتباع داخله یا خارجه مطیع قوانین ایران می‌داند، در معاهدات منعقد شده بین دولت ایران و سایر دولتها نیز اغلب حق رجوع به محاکم ایران برای اتباع دولتهای طرف معاهده ذکر شده است. امروزه دولتها موظفند حق مراجعه به دادگاهها و اقامه دعوی را به بیگانگان اعطا نمایند و دادگاهها نیز موظفند در مورد بیگانگان مثل اتباع داخلی عدالت را به طور کامل اجرا نمایند و گرنه هرگونه استنکاف از اجرای عدالت، دولت را از نظر بین‌المللی مسئول قرار خواهد داد.

برای تشخیص وضع بیگانگان در محاکم ایران سه فرض را از یکدیگر تفکیک و قواعد مخصوصه هر یک را ذکر می‌نماییم:

۱- بیگانه مدعی و ایرانی مدعی علیه است در این صورت ایرانی می‌تواند درخواست اخذ تأمین نماید وجه الضمان در محاکمات عادی ضمن اولین لایحه و در محاکمات اختصاری در اولین جلسه محاکم درخواست می‌شود. مبلغ تأمین با در نظر گرفتن خسارات احتمالی و هزینه را دادرسی با نظر حاکم محکمه معین خواهد شد و مادام که تأمین داده نشده است محاکمه متوقف خواهد بود. در صورتی تبعه خارجی از دادن تأمین در ایران معاف می‌باشد که در خاک دولت متبوعه او امتناع ایرانی از دادن تأمین معاف باشند.

۲- ایرانی مدعی و بیگانه مدعی علیه است: در صورتی که ایرانی به طرفیت بیگانه اقامه دعوی نماید تبعه بیگانه نمی‌تواند از او درخواست اخذ تأمین نماید.

۳- طرفین هر دو بیگانه‌اند: صلاحیت محاکم ایران برای رسیدگی به دعاوی حاصله بین اتباع بیگانه مسلم است و اتباع بیگانه در دعاوی خود با یکدیگر در مورد حق مراجعه به محاکم ایران سه نکته مطرح است:

- ۱- در مسائل جزایی بیگانگان بدون استثناء تابع محاکم ایران می‌باشند.
- ۲- صلاحیت محاکم از امور مربوط به نظم عمومی بوده قواعد آن باید بر طبق قانون ایران تعیین شود.
- ۳- اموال غیر منقول واقع از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود.

حق اشتغال بیگانگان

اصولاً دو دسته از بیگانگان از حق اشتغال به کار در کلیه ممالک از جمله ایران ممنوع می‌باشند:

- ۱- جهانگردان: طبق تعریف توریست یا بازدیدکننده موقت به شخصی اطلاق می‌شود که کشوری به غیر از کشور محل اقامت خود را مورد بازدید قرار دهد، مشروط بر اینکه این بازدید به منظور احراز هیچ گونه شغل و کسبی نباشد.
- ۲- بیگانگانی که با استفاده از مقررات لغو روادید کشوری می‌شوند.

به موجب ماده ۱۲۰ قانون کار^۱ اتباع بیگانه نمی‌توانند در ایران مشغول به کار شوند مگر اینکه اولاً دارای روادید ورود با حق کار مشخص بوده و ثانیاً مطابق قوانین و آیین نامه‌های مربوط پروانه کار دریافت دارند.^۲ از سوی دیگر به موجب ماده ۲ آیین نامه اشتغال به کار اتباع بیگانه به وزارت کار اجازه داده می‌شد که با رعایت مقتضیات و احتیاجات مناطق مختلف کشور و با وزارت کار اجازه داده می‌شد که با رعایت مقتضیات و احتیاجات مناطق مختلف کشور و با توجه به فهرست مشاغل که برای بیگانگان ممنوع و یا محدود تشخیص داده می‌شد ولدی الاقتضا با مراعات اصل معامله متقابل در صورت وجود شرایط زیر پروانه کار برای اتباع بیگانه صادر نماید:

تخصص تبعه بیگانه، کمبود متخصص ایرانی مشابه، کمتر نبودن دستمزد فرد خارجی از متخصص ایرانی که مشابه فعالیت وی را دارد. منظور از پروانه کار با اجازه مخصوصی است که از طرف وزارت کار برای تبعه بیگانه جهت انجام شغل معینی صادر می‌گردد. وزارت کار و امور اجتماعی با رعایت شرایط ذیل در مورد صدور روادید با حق کار مشخص برای اتباع بیگانه موافقت و پروانه کار صادر خواهد کرد:

الف - مطابق اطلاعات موجود در وزارت کار و امور اجتماعی در میان اتباع ایرانی آماده به کار افراد داوطلب واجد تحصیلات و تخصص مشابه وجود نداشته باشد.

ب- تبعه بیگانه دارای اطلاعات و تخصص کافی برای اشتغال به کار مورد نظر باشد.
ج- از تخصص تبعه بیگانه برای آموزش و جایگزینی بعدی افراد ایرانی استفاده شود.

موارد معافیت از رعایت شرایط لازم برای صدور پروانه کار:

الف - تبعه بیگانه‌ای که حداقل ده سال مداوم در ایران اقامت داشته باشد.

ب- تبعه بیگانه‌ای که دارای همسر ایرانی باشد.

ج- مهاجرین کشورهای بیگانه مخصوصاً کشورهای اسلامی و پناهندگان سیاسی به شرط داشتن کارت معتبر مهاجرت و یا پناهندگی و پس از موافقت وزارتخانه‌های کشور و امور خارجه.

برخورداری از حقوق خصوصی:

اتباع بیگانه در ایران اصولاً بدون قید و شرط از حقوق خصوصی یا حقوق مدنی بهره‌مند می‌شوند، مع‌ذلک مواردی یافت می‌شود که قانونگذار استفاده از بعضی حقوق مدنی را مشروط به رفتار متقابل قانونگذاری یا عملی کرده و یا آنکه متمتع از آن حقوق را منوط به ذکر در قراردادهای سیاسی دانسته است. اصل کلی این است که بیگانگان در ایران از کلیه حقوق مدنی متمتع می‌شوند مگر در مواردی که قانون استثنا کرده است و این قاعده را ماده ۹۶۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: "جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع می‌گردند.

۱- در مورد حقوقی که قانون صراحتاً آن را منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است.

۲- در مورد حقوق مربوط به احوال شخصیه که قانون دول متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده است.

۳- در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد."

مثال برای هر یک از موارد بالا:

مثال ۱: مدعی علیه بیگانه نمی‌تواند از مدعی ایرانی درخواست وجه الضمان نماید همچنین بیگانگان نمی‌توانند در ایران املاک مزروعی تملک نمایند.

مثال ۲: بیگانه‌ای که دولت متبوعه او حق طلاق را در قانون خود نشناخته است، نمی‌تواند در ایران از این حق استفاده کند.

مثال ۳: حق شفعه و حق قیمومیت بر محجور ایرانی از حقوق مخصوصه ایرانی می‌باشند.

به طور کلی برخورداری از حقوق خصوصی را به چهار دسته تقسیم می‌نماییم:

حقوقی که به موجب معاهدات به اتباع بیگانه داده شده است.

حقوقی که به موجب قانون ولی مشروط به رفتار متقابل سیاسی داده شده است.

حقوقی که قانونگذار به شرط رفتار متقابل قانونگذاری و یا رفتار متقابل سیاسی به اتباع خارجه اعطا کرده است.

حقوقی که صراحتاً به اتباع خارجه داده شده است.

دسته اول: حقوقی که به موجب معاهدات به بیگانگان داده شده است:

مهمترین این حقوق حق مالکیت اموال غیر منقول است که در مملکت ما معاهدات آن را به طور محدود برای اتباع خارجه شناخته است یعنی فقط به آنها اجازه می‌دهد که برای سکونت یا شغل و صنعت خود، اموال غیر منقول در ایران تحصیل و تملک نمایند.

دسته دوم: حقوق خصوصی که بیگانگان به موجب قانون ولی به شرط رفتار متقابل سیاسی در حدود معاهدات از آن بهره‌مند می‌شوند:

این حقوق مربوط به احوال شخصیه است بعضی از دولت‌ها احوال شخصیه را مشمول قانون دولت متبوعه و برخی مشمول قانون اقامتگاه می‌دانند. قانون مدنی ایران در ماده ۷ مقرر می‌دارد: "اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهد بود. این اصل کلی که احوال

شخصیه اتباع بیگانه تابع قوانین دولت متبوعه آنهاست، استثنائاتی دارد که مهمترین آنها به قرار زیر است:

۱- **نظم عمومی:** هرگاه مقررات مربوط به احوال شخصی بیگانه برخلاف نظم عمومی کشور باشد بیگانه نمی‌تواند به استناد این ماده خواهان اعمال قوانین کشور متبوع خود باشد.

۲- **اهلیت در مورد پذیرش به تابعیت ایران:** در مبحث پذیرش به تابعیت ایران گفتیم هر موقع برای به دست آوردن تابعیت



ایران مساله اهلیت مطرح می‌شود قاعده بر این است که بر طبق قانون ایران اهلیت تشخیص داده شود و لذا در قانون مدنی شرط اهلیت برای درخواست پذیرش به تابعیت ایران با رسیدن به ۱۸ سال تمام حاصل می‌شود. اما تشخیص اهلیت بیگانه برای انجام هرگونه معامله اصولاً برحسب قانون دولت متبوع او خواهد بود مگر در مورد مذکور در قسمت دوم ماده ۹۶۲ مشعر بر اینکه "اگر یک نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقص داشته باشد آن شخص برای آن علم واحد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقص داشته باشد آن شخص برای انجام آن علم واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتی که قطع نظر از تابعیت خارجی او مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد". یعنی خارجی نمی‌تواند به استناد اینکه طبق قانون دولت متبوع خود دارای اهلیت نبوده است از انجام تعهد خودداری کند.

۳- احاله: هرگاه قانون بیگانه احوال شخصی او را به قوانین ایران احاله نماید محکمه ایران مجبور است که قانون ایران را درباره آن تبعه خارجه اجرا نماید ولی اگر احاله به قوانین کشور ثالثی شده باشد، در این صورت محکمه مکلف به رعایت این احاله نیست.

دسته سوم: حقوقی که قانونگذار به طرز رفتار متقابل قانونگذاری و یا رفتار متقابل سیاسی یا عملی به اتباع خارجه اعطا کرده است. مهمترین آنها عبارت است از استفاده از مزایای قانون ثبت علایم و اختراعات مصوب اول تیر ۱۳۱۰.

دسته چهارم: حقوقی که قوانین صراحتاً برای اتباع خارجه شناخته است. از این قبیل است حق اجرای عقد ازدواج اتباع بیگانه به وسیله مأمورین سیاسی یا کنسولی دولت متبوعه خود.

استملاک بیگانگان مقیم ایران

به طور کلی استملاک اتباع بیگانه فقط برای سکونت، صنعت یا کسبیت ممکن است. برای استملاک اموال غیر منقول به منظور سکونت، صنعت و کسب، شخص بیگانه باید دارای پروانه اقامت دائم در ایران باشد و حتی باید تعهد نماید که هرگاه بعداً بخواهد محل اقامت دائمی خود را به خارج از ایران انتقال دهد، باید ملک مورد تقاضای استملاک را حداکثر تا ۶ ماه از تاریخ خروج از ایران به یکی از اتباع ایران یا خارجیانی که طبق مقررات اجازه استملاک تحصیل نموده‌اند، انتقال دهد در غیر این صورت اداره ثبت مربوطه با اجازه اداره کل ثبت، ملک را طبق مقررات مربوطه از طریق مزایده به فروش رسانیده وجه آن را پس از وضع هزینه‌ها و عوارض قانونی به ممالک پرداخت خواهد نمود و هرگاه در مزایده خریداری پیدا نشد، اداره کل ثبت مراتب را یک مرتبه در روزنامه رسمی کشور اعلام نموده، پس از انقضاء مدت ۶۰ روز از تاریخ اعلام، ملک را به هر قیمتی که خریدار داشته باشد به فروش رسانده، وجه آن را به شرح مذکور در فوق به مالک خواهد پرداخت. ماده سوم آیین نامه استملاک اتباع خارجه قبول تقاضای استملاک را بدین ترتیب ذکر کرده است:

- ۱- تقاضا مخالف با مقررات عهدی دولت ایران نباشد.
- ۲- تقاضا مخالف قوانین ایران و انتظامات عمومی کشور نباشد.
- ۳- در کشور متبوع تقاضای اتباع و شرکت‌ها و مؤسسات ایرانی هم حق استملاک داشته و بتوانند لااقل همان مقدار ملک را عملاً تحصیل نمایند. (شرط رفتار متقابل)
- ۴- مساحت ملک مورد تقاضا متناسب با تعداد خانواده و وضعیت اجتماعی و مالی و یا نوع کسب و صنعت و منظوری که برای آن تقاضای استملاک شده است، باشد.
- ۵- محل وقوع ملک مورد تقاضا در مناطق مرزی یا نقاطی که استملاک خارجی برطبق مقررات محدود یا ممنوع گردیده، نباشد.
- ۶- در موردی که استملاک برای محل کار و کسب باشد باید طبق مقررات و قوانین ایران مباشرتاً به آن شغل مجاز بوده و در صورت لزوم پروانه اشتغال به آن شغل قبلاً تحصیل شده باشد.

قبول رهن از جانب بیگانگان

در این مورد ماده ۴۵ آیین نامه قانون دفاتر اسناد رسمی اعلام می‌فرماید: "در مورد معاملات با حق استرداد (از قبیل رهن، بیع شرط و...) اتباع خارجه، تحصیل اجازه مخصوص از اداره ثبت محل لازم نیست و مثل معاملات اتباع داخله باید وضعیت ثبتی ملک، استعلام و خلاصه معامله نیز به اداره ثبت ارسال گردد."

ترکه اتباع بیگانه

رسیدگی به دعوی راجع به ترکه خارجه در ایران طبق ماده ۳۵۵ قانون امور حسبی، در صلاحیت دادگاه ایران می‌باشد. اما اگر

تبعه خارجه که در ایران فوت شده مسافر موقتی باشد، اشیای متعلق به وی فوراً به کنسول دولت متبوع او تسلیم می‌گردد. ماده ۹۶۷ قانون مدنی در مورد ترکه اتباع بیگانه اعلام می‌دارد: "ترکه منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوط به تعیین وراثت و مقدار سهم الارث آنان و تشخیص نسبتی که متوفی می‌توانسته به موجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع خواهد بود." در نتیجه تصفیه ترکه و مهر و موم و تحریر ترکه تابع قوانین ایران می‌باشد.

مالکیت‌های معنوی

همان گونه که حق مالکیت بیگانه بر اموال مادی خود اعم از منقول و غیر منقول مورد احترام و حمایت قانونی است، مالکیت معنوی وی نیز مورد تأیید و احترام می‌باشد. مالکیت‌های معنوی عبارتند از: حق داشتن علائم تجارتي و صنعتی، حق اختراع و اکتشاف، مالکیت ادبی و هنری می‌باشد.

حق داشتن علائم تجارتي و صنعتی

در ماده ۳ قانون ثبت علائم و اختراعات به اتباع خارجه نیز اشاره شده است که به موجب آن کسانی که در ایران دارای مؤسسات تجارتي، صنعتی یا فلاحتی هستند اعم از اتباع داخله یا خارجه، در صورتی که علائم تجارتي آنها موافق شرایط ذیل به ثبت برسد از مزایای این قانون بهره‌مند شوند:

۱- علائم خود را به موجب مقررات این قانون در ایران به ثبت برسانند.

۲- مملکتی که مؤسسه آنها در آنجا واقع شده به موجب عهدنامه و یا قوانین داخلی خود از علائم تجارتي ایران حمایت کند.

حق اختراع و اکتشاف:

نسبت به اتباع خارجه که در ایران تقاضای ثبت اختراع نموده و اقامتگاه آنان در ایران نباشد طبق ماده ۴۴ قانون ثبت علائم و اختراعات، مقررات عهدنامه که با دولت متبوع آنها منعقد شده است مرعی خواهد بود و اگر عهدنامه نباشد معامله متقابل خواهد شد.

وضع اشخاص حقوقی بیگانه

تابعیت شرکت‌ها از نظر حقوق ایران

به طور کلی از نظر حقوق ایران شرکتی ایرانی محسوب می‌شود که در ایران تشکیل شده و اقامتگاه اداری و مرکز اصلی آن در ایران باشد و در ایران به ثبت رسیده باشد. ماده اول قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۲ خرداد ۱۳۱۰ مقرر می‌دارد: "هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب می‌شود."

شناسایی اشخاص حقوقی:

اصولاً شناسایی اشخاص حقوقی بیگانه در یک کشور، مسأله‌ای است که بستگی کامل به سیاست دولت‌ها دارد و هر دولتی آزاد است که اگر مصلحت اقتضاء نماید یک امر حقوقی را که در خارج واقع شده بشناسد یا به هر علتی از پذیرفتن و شناسایی آن خودداری نماید. در ایران در مورد تشکیلات غیر تجاری چون ماده ۵۸۴ قانون تجارت وجود شخصیت حقوقی آنها را منوط به ثبت در دفتر مخصوص کرده؛ بنابراین عملاً شخصیت حقوقی انجمن‌های خارجی در ایران شناخته نمی‌شود، مگر اینکه در ایران هم اقدام به تشریفات ثبت نمایند. اما معمولاً شناسایی اشخاص حقوقی در ایران از طریق عهدنامه‌های سیاسی حاصل می‌شود و طبق قانون ایران باید در ایران نیز به ثبت برسند تا حق فعالیت در ایران را داشته باشند.

برخورداری از حقوق شرکت‌های خارجی ایران:

الف) حقوق سیاسی: بدیهی است که شرکت‌های بیگانه به مانند افراد بیگانه از تمتع از حقوق سیاسی محروم می‌باشند.

ب) حقوق عمومی: در این قسمت سه حق قابل توجه است:

۱- امور تجارتي یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت نمایند باید اولاً در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده و ثانیاً در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشند (ثبت در ایران)

۲- حق احترام محل شرکت‌ها و دفاتر و اوراق حسابداری آنها در معاهدات عموماً مقرر شده است که محل شرکت‌های بیگانه در ایران محترم بوده و جز تحت شرایط و مراسمی که برای شرکت‌های داخلی مقرر است مورد دخول یا تفتیش واقع نخواهد شد و همین طور دفاتر و اوراق محاسباتی را که در آنجاست نمی‌توانیم مورد رسیدگی قرار داد مگر با رعایت شرایط و نظامات قانونی.

۳- حق رجوع به محاکم: حق ترافع قضایی به عنوان یا مدعی علیه برای شرکت‌های بیگانه مانند افراد بیگانه در معاهدات ایران با دول خارجی شناخته شده است و اصولاً این قبیل شرکت‌ها می‌توانند به شرط مراعات مقررات مربوط به وجه الضمان مخصوص

خارجی‌ها در دادگستری ایران ترافع نمایند.

ج) حقوق خصوصی: در همان حدودی که افراد بیگانه از حقوق خصوصی متمتع می‌شوند، شرکت‌های بیگانه نیز حق تمتع دارند مگر در صورتی که استفاده از آن حقوق مخالف طبیعت شرکت باشد؛ مانند حقوق وظایف ابوت و نبوت و امثال آن.

نکات ویژه اقامتگاه

■ تعیین اقامتگاه در موارد ذیل دارای فایده است:

- ۱- در مورد احوال شخصیه: بسیاری از کشورها که از سیستم انگلیسی - آمریکایی تبعیت می‌کنند قانون صلاحیت‌دار در مورد وضعیت و اهلیت اشخاص را قانون محلی می‌دانند که اشخاص در آن جا اقامتگاه دارند.
- ۲- تعیین صلاحیت دادگاه‌ها: همواره رویه دادگاه‌ها در مورد دادگاه صلاحیت‌دار، دادگاه محل اقامت خوانده بوده است.
- ۳- از نظر تشخیص قانون صلاحیت‌دار: در برخی موارد قانون حاکم همان قانون محل اقامت فرد است.
- ۴- حقوق و تعهدات ناشی از اقامتگاه: مانند قوانین مالیاتی

ماهیت و حقیقت مسأله اقامتگاه

- در ابتدا دقت کنید که اقامتگاه می‌تواند دارای دو جنبه باشد. در صورتی که اقامتگاه شخص در نقطه معینی از یک کشور مثل یک شهر آن در نظر گرفته شود، مثل این که گفته شود اقامتگاه فلان شخص در تهران است. این معنا مربوط به حقوق مدنی و از موضوعات حقوق خصوصی است. نام این، اقامتگاه داخلی است. اما اقامتگاه از لحاظ بین‌المللی رابطه شخص و قلمرو حکومت یک کشور را تعیین می‌کند و بنابراین دارای عنصر منفعت سیاسی است، حال آن که اقامتگاه در معنای اول فاقد این جنبه است.
- اقامتگاه داخلی (به غیر از برخی موارد استثنایی) کاملاً در اختیار اشخاص است، حال آن که اقامتگاه از لحاظ بین‌المللی این گونه نیست و نمی‌توان تغییر قانون حاکم بر اشخاص را به این صورت در اختیار اشخاص قرار داد و برای تغییر این اقامتگاه وجود شرایطی لازم است.

اصول سه گانه اقامتگاه

اصل اول: هر شخصی بایستی اقامتگاه معینی داشته باشد.

■ البته در این جا نیز همچون تابعیت، اصل مزبور به طور کامل رعایت نمی‌شود و اشخاصی وجود دارند که دارای اقامتگاه معینی نیستند. از این اصل نیز دو نتیجه حاصل می‌شود:

- ۱- هر فردی به محض تولد بایستی دارای اقامتگاه معینی باشد.
- ۲- هیچ فردی نبایستی اقامتگاه خود را از دست بدهد بدون این که اقامتگاه دیگری به دست بیاورد.

اصل دوم: هیچ شخصی نباید بیش از یک اقامتگاه داشته باشد.

■ ماده ۱۰۰۳ قانون مدنی ایران: «هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد.» البته در این جا نیز همچون بحث تابعیت استثنائاتی وجود دارد و در برخی از موارد پدیده اقامتگاه مضاعف (یا متعدد) مشاهده می‌شود.

اصل سوم: اقامتگاه یک امر همیشگی نیست.

■ اصولاً هر کس می‌تواند در دوران زندگی خود، اقامتگاهش را تغییر دهد. (به جز اقامتگاه‌های اجباری)

تعیین اقامتگاه از لحاظ بین‌المللی در حقوق ایران

- در مورد بحث اقامتگاه در ایران باید به قانون ایران مراجعه کنیم. یعنی اگر قانون ایران شخصی را مقیم ایران بداند، دیگر به این موضوع که آیا قانون خارجی هم چنین حقی را به او می‌دهد و یا نه توجه نمی‌کنیم و برعکس اگر شخصی طبق قانون ایران، در ایران اقامتگاه نداشته باشد، قانون خارجی نمی‌تواند اقامتگاه ایرانی را به او تحمیل کند. برای تعیین اقامتگاه ایرانی فرد نیز به همان قواعد حقوق مدنی در مورد اقامتگاه مراجعه می‌کنیم و در واقع همان قواعد اقامتگاه داخلی در روابط بین‌المللی اجرا می‌شود. (مواد ۱۰۰۲ تا ۱۰۱۰ قانون مدنی)

سؤالات چهار گزینه‌ای فصل سوم

۲۱۸. در کدامیک از سیستمهای زیر، احوال شخصیه تابع قانون اقامتگاه است؟

- (۱) سیستم فرانسوی
 (۲) سیستم انگلیسی-آمریکایی
 (۳) سیستم آلمانی
 (۴) سیستم ایتالیایی

۲۱۹. کدامیک از اصول زیر، از اصول سه گانه اقامتگاه نمی‌باشد؟

- (۱) تغییر ناپذیری
 (۲) اصل وحدت اقامتگاه
 (۳) اصل لزوم اقامتگاه
 (۴) اصل تقارن اقامتگاه با محل سکونت

۲۲۰. کدامیک از اقامتگاههای زیر، اقامتگاه اجباری یا تبعی است؟

- (۱) اقامتگاه زن شوهردار
 (۲) اقامتگاه خدمه
 (۳) اقامتگاه مدیران شرکتهای
 (۴) اقامتگاه مأمورین دولت
 ۲۲۱. کدامیک از شرایط زیر در مورد تقارن اقامتگاه خدمه با اقامتگاه کارفرما صحیح می‌باشد؟

- (۱) شخص باید کبیر باشد.
 (۲) نزد دیگری کار یا خدمت کند.
 (۳) در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکوت کند.
 (۴) هر سه مورد

۲۲۲. شرط اساسی در اقامتگاه قراردادی چیست؟

- (۱) توافق و رضایت هر دو طرف
 (۲) انتخاب بوسیله قانون خاص
 (۳) متناسب بودن با مورد قرارداد
 (۴) خاص بودن آن در دعاوی
 ۲۲۳. در صورتیکه در اقامتگاه قراردادی طرفین مکان خاصی را مشخص نکرده باشند، چه عاملی به عنوان اقامتگاه خواهد بود؟

- (۱) محل انعقاد قرارداد
 (۲) محل تنظیم سند قرارداد
 (۳) محل اجرای قرارداد
 (۴) مقر دادگاه

۲۲۴. آیا بعد از فوت طرفین اقامتگاه قراردادی از بین می‌رود؟

- (۱) بلی، اقامتگاه قرار دادی بر اساس اراده طرفین شکل گرفته و در صورت فوت یکی از طرفین از بین می‌رود.
 (۲) خیر، پس از فوت شخص، اقامتگاه مزبور نسبت به آن قرار داد به ورثه منتقل خواهد شد.
 (۳) اقامتگاه قراردادی، قائم به شخص است و بعد از فوت یکی از طرفین از بین می‌رود.
 (۴) خیر، اقامتگاه قراردادی از بین نمی‌رود و اقامتگاه طرف دیگر قرارداد حاکم بر آن می‌شود.

۲۲۵. در قانون مدنی کدامیک از انواع اقامتگاهها تعریف شده است؟

- (۱) اقامتگاه اختیاری (۲) اقامتگاه قراردادی (۳) اقامتگاه قانونی (۴) اقامتگاه اصلی

۲۲۶. در کدامیک از انواع اقامتگاهها قاعده منع بیش از یک اقامتگاه جاری نیست؟

- (۱) اقامتگاه اختیاری (۲) اقامتگاه اصلی (۳) اقامتگاه قراردادی (۴) اقامتگاه قانونی

۲۲۷. در تعریف اقامتگاه کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) اقامتگاه رابطه‌ای است حقوقی و سیاسی که بین اشخاص و قلمرو معین دولتی برقرار می‌گردد.
 (۲) اقامتگاه رابطه‌ای است سیاسی و معنوی که شخصی را به دولت معینی مرتبط می‌سازد.
 (۳) اقامتگاه رابطه‌ای است حقوقی دارای بعضی از خصائص سیاسی که بین اشخاص و حوزه معینی از قلمرو دولتی برقرار می‌شود.
 (۴) اقامتگاه یک رابطه حقوقی، سیاسی، معنوی و جغرافیایی بین اشخاص و قلمرو معین یک دولت می‌باشد.

۲۲۸. اصطلاح آدمید (Adomide) کدام یک از افراد زیر را شامل می‌شود؟

- (۱) افرادی که دارای اقامتگاه مضاعف می‌باشند.
- (۲) افرادی که اقامتگاه معینی ندارند.
- (۳) افرادی که قانون اقامتگاه بر وضعیت آنها حکومت می‌کند.
- (۴) افرادی که تابع سیستم خاک می‌باشند.

۲۲۹. در خصوص انواع اقامتگاه، کدام گزینه صحیح می‌باشد؟

- (۱) اقامتگاه اصلی - اقامتگاه اختیاری - اقامتگاه قراردادی
- (۲) اقامتگاه اصلی - اقامتگاه ارادی - اقامتگاه تبعی
- (۳) اقامتگاه اصلی - اقامتگاه قانونی - اقامتگاه تبعی
- (۴) اقامتگاه اصلی - اقامتگاه انتخابی - اقامتگاه قراردادی

۲۳۰. اقامتگاه زن شوهردار در زمره کدامیک قرار می‌گیرد؟

- (۱) اقامتگاه قراردادی
- (۲) اقامتگاه قانونی
- (۳) اقامتگاه اختیاری
- (۴) اقامتگاه تبعی یا انتخابی

۲۳۱. ماده ۱۰۰۳ قانون مدنی که به موجب آن هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد شامل کدامیک از اقامتگاه‌های زیر می‌شود؟

- (۱) اقامتگاه قانونی
- (۲) اقامتگاه قراردادی
- (۳) اقامتگاه انتخابی
- (۴) اقامتگاه تبعی و قراردادی

۲۳۲. به موجب ماده ۷ قانون گذرنامه، انواع گذرنامه کدامند؟

- (۱) گذرنامه سیاسی، گذرنامه عادی
- (۲) گذرنامه عادی، گذرنامه ویژه
- (۳) گذرنامه خدمت و گزینه ۱
- (۴) گذرنامه تحصیلی و گزینه ۲

۲۳۳. کدام گزینه در زمره اصول حاکم بر اقامتگاه قرار نمی‌گیرد؟

- (۱) اصل لزوم اقامتگاه
- (۲) نفی اقامتگاه متعدد
- (۳) حق تغییر اقامتگاه
- (۴) حق داشتن اقامتگاه مضاعف

۲۳۴. عامل اقامتگاه و تابعیت به ترتیب یک عامل تقسیم اشخاص در زندگی بین المللی است.

- (۱) جغرافیایی و معنوی
- (۲) عادی و معنوی
- (۳) سیاسی و معنوی
- (۴) صرفاً حقوقی

۲۳۵. کدامیک را می‌توان به عنوان اقامتگاه عام شخص درباره هرگونه رابطه حقوقی وی با دیگران دانست؟

- (۱) اقامتگاه اختیاری
- (۲) اقامتگاه قراردادی
- (۳) اقامتگاه قانونی
- (۴) اقامتگاه اصلی

۲۳۶. در قانون ایران کدامیک از اقامتگاه‌های زیر تعریف نشده است؟

- (۱) اقامتگاه اختیاری
- (۲) اقامتگاه قانونی
- (۳) اقامتگاه اصلی
- (۴) اقامتگاه قراردادی

۲۳۷. عناصر اقامتگاه کدام است و کدامیک در قانون مدنی ایران مستتر می‌باشد؟

- (۱) مادی و معنوی - معنوی
- (۲) مادی و معنوی - مادی
- (۳) مادی و سیاسی - معنوی
- (۴) حقوقی و سیاسی - سیاسی

۲۳۸. وفق قانون مدنی ایران، اقامتگاه شخص حقیقی کدام است؟

- (۱) مرکز مهم امور او
- (۲) محل سکونت او
- (۳) مرکز مهم امور وی که ممکن است با محل سکونت او منطبق باشد یا نباشد.
- (۴) محل سکونت وی که ممکن است با مرکز امور وی منطبق باشد یا نباشد.

۲۳۹. اقامتگاه اشخاص در حقوق بین‌الملل خصوصی در تعیین کدامیک مؤثر می‌باشد؟

- (۱) در تعیین صلاحیت دادگاه
- (۲) در تعیین قانون حاکم بر احوال شخصیه
- (۳) گزینه‌های ۱ و ۲
- (۴) در تعیین تابعیت و گزینه ۳

۲۴۰. در قانون مدنی ایران، به ترتیب از کدام اقامتگاه تعریف و از کدامیک اصلاً نامی برده نشده است؟

- (۱) اقامتگاه اصلی - اقامتگاه قانونی
- (۲) اقامتگاه اختیاری - اقامتگاه اصلی
- (۳) اقامتگاه اصلی - اقامتگاه انتخابی
- (۴) اقامتگاه اصلی، اختیاری و قراردادی - اقامتگاه قانونی

۲۴۱. کدام گزینه در خصوص رابطه اقامتگاه داخلی و اقامتگاه بین‌المللی صحیح به نظر می‌رسد؟

- (۱) اقامتگاه داخلی دارای جنبه سیاسی و اقامتگاه بین‌المللی دارای جنبه حقوقی می‌باشد.
- (۲) هر دو دارای نفع سیاسی می‌باشند.
- (۳) هر دو جنبه حقوقی دارند.
- (۴) اقامتگاه بین‌المللی دارای نفع سیاسی و اقامتگاه داخلی دارای جنبه حقوقی می‌باشد.

۲۴۲. قاعده «منع داشتن بیش از یک اقامتگاه» علاوه بر اقامتگاههای اختیاری شامل کدامیک از اقامتگاههای زیر نیز می‌شود؟

- (۱) اقامتگاههای قراردادی
- (۲) اقامتگاههای قانونی
- (۳) اقامتگاههای تبعی
- (۴) اقامتگاههای اصلی

۲۴۳. اقامتگاه مأموران دولت در زمره کدامیک از اقامتگاههای زیر قرار می‌گیرد؟

- (۱) اقامتگاه اصلی
- (۲) اقامتگاه قانونی
- (۳) اقامتگاه انتخابی
- (۴) اقامتگاه اختیاری

۲۴۴. مطابق کدام سیستم، بایستی برای تشخیص تابعیت شرکت معلوم گردد که گردش شرکت به نفع یا اراده اتباع چه دولتی است؟

- (۱) سیستم سرمایه
- (۲) سیستم کنترل
- (۳) سیستم مصلحت سیاسی
- (۴) سیستم تابعیت مؤثر

۲۴۵. در زمینه حقوق بیگانگان انواع رفتار متقابل عبارتند از:

- (۱) رفتار متقابل سیاسی - رفتار متقابل قراردادی - رفتار متقابل قانونی
- (۲) رفتار متقابل قراردادی - رفتار متقابل عملی - رفتار متقابل قضایی
- (۳) رفتار متقابل سیاسی - رفتار متقابل قانونی - رفتار متقابل عملی
- (۴) رفتار متقابل قضایی - رفتار متقابل سیاسی - رفتار متقابل قراردادی

۲۴۶. بهره‌مندی از کدامیک لازمه وصف تبعیت نمی‌باشد؟

- (۱) عضویت اتاق بازرگانی (۲) سردفتری
- (۳) دفتر یاری (۴) هیچکدام

۲۴۷. کدامیک از حقوق زیر به منظور احترام به شخصیت انسان وضع شده و در حقوق بین‌الملل اصل بر تمتع بیگانگان از این حقوق است؟

- (۱) حقوق سیاسی
- (۲) حقوق عمومی
- (۳) حقوق خصوصی
- (۴) حقوق مدنی

۲۴۸. ورود اتباع بیگانه به ایران در صورتی جایز است که :

- (۱) خدمت عام المنفعه ای به ایران کرده باشند.
- (۲) از مرزهای زمینی یا هوایی وارد ایران شوند.
- (۳) اجازه ورود به ایران را تحصیل کنند.
- (۴) دارای اقربای سببی و نسبی در ایران باشند.

۲۴۹. حق استملاک اتباع بیگانه در ایران:

- (۱) کلاً ممنوع است.
- (۲) محدود به خرید ملک برای محل سکونت یا صنعت و یا کسب خود می باشد.
- (۳) صرفاً محدود به محل سکونت می باشد.
- (۴) بستگی به وجود عهدنامه هایی در این زمینه بین دولت متبوع وی و ایران می باشد.

۲۵۰. اتباع بیگانه با داشتن روادید ورود به ایران چند روز حق اقامت در ایران را دارا می باشند؟

- (۱) ۳۰ روز
- (۲) ۶۰ روز
- (۳) ۴۰ روز
- (۴) ۹۰ روز

۲۵۱. کدامیک در زمره بیگانگان معاف شده از دریافت پروانه کار می باشند؟

- (۱) ماموران خدمات کنسولی
- (۲) کارکنان و کارشناسان سازمان های وابسته به سازمان ملل متحد
- (۳) بیگانگان دارای حداقل ۱۰ سال اقامت مداوم در ایران
- (۴) خبرنگاران خبرگزاری ها به شرط معامله متقابل

۲۵۲. پروانه کار بیگانگان از حیث مدت عبارتند از :

- (۱) پروانه کار دائم و پروانه کار موقت
- (۲) پروانه کار یک ساله و پروانه کار موقت سه ماهه
- (۳) پروانه کار سه ساله و پروانه کار موقت شش ماهه
- (۴) پروانه کار پنج ساله و پروانه کار شش ماهه

۲۵۳. در حقوق اسلام بیگانگان کدامند؟

- (۱) اهل ذمه، مستامن و مومنان سایر بلاد
- (۲) مستامن، بت پرستان و معاهد
- (۳) اهل کتاب، مستامن و بت پرستان
- (۴) هیچکدام

۲۵۴. کدامیک داخل در اشخاص حقوقی عمومی نمی باشد؟

- (۱) دولت
- (۲) شهر
- (۳) دانشگاه
- (۴) شرکتها

۲۵۵. کدامیک به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت، شخصیت حقوقی پیدا می کند؟

- (۱) اشخاص حقوقی خصوصی
- (۲) اشخاص حقوقی عمومی
- (۳) اشخاص حقوقی داخلی
- (۴) اشخاص حقوقی خارجی

۲۵۶. قانون ایران به پیروی از سیستم متداول در فرانسه، کدامیک را ملاک تابعیت شرکتهای تجاری دانسته است؟

- (۱) اقامتگاه اداری
- (۲) تابعیت شرکاء
- (۳) مرکز فعالیت شرکت
- (۴) محل تشکیل شرکت

۲۵۷. به موجب کدام سیستم، شخص حقوقی جنبه تصنعی ندارد و شناسایی آنها برای سایر دولتها ضروری می باشد؟

- (۱) سیستم وجود حقیقی اشخاص حقوقی
- (۲) سیستم وجود فرضی اشخاص حقوقی
- (۳) سیستم وجود بین المللی اشخاص حقوقی
- (۴) سیستم وجود معنوی اشخاص حقوقی

۲۵۸. در ایران شناسایی کدامیک عملاً به وسیله معاهدات سیاسی انجام می‌شود؟

- (۱) اشخاص حقوقی حقوق عمومی خارجی
- (۲) انجمن‌ها
- (۳) شرکت‌ها
- (۴) همه موارد

۲۵۹. کدامیک ویژه اتباع کشور است و بیگانگان اصولاً از آن محروم‌اند؟

- (۱) حقوق عمومی
- (۲) حقوق سیاسی
- (۳) حقوق خصوصی
- (۴) حقوق مدنی

۲۶۰. کدامیک از حقوق زیر در زمره حقوق خصوصی شرکت‌های بیگانه قرار می‌گیرد؟

- (۱) حق ابراز فعالیت
- (۲) حق احترام محل شرکت‌ها
- (۳) حق رجوع به محاکم
- (۴) هیچکدام

۲۶۱. برای اشتغال بیگانگان به طبابت کدامیک از محدودیت‌های زیر در قوانین ایران پیش‌بینی شده است؟

- (۱) داشتن دانشنامه از دانشکده‌های ایران
- (۲) داشتن سابقه لااقل ۵ سال طبابت
- (۳) داشتن حداقل ۳ سال سابقه اقامت در ایران
- (۴) رفتار متقابل در کشور متبوع بیگانه

۲۶۲. مطابق نظر شورای نگهبان ثبت کدامیک در ایران نیازمند انعقاد قرارداد قانونی میان آنها و دستگاه‌های دولتی ایران می‌باشد؟

- (۱) ثبت انجمن‌ها
- (۲) ثبت مؤسسات دولتی بیگانه
- (۳) ثبت شرکت‌های بیگانه و شعب آنها
- (۴) هیچکدام

۲۶۳. کدامیک از اشخاص زیر از حیث تمتع از حقوق در ایران دچار محدودیت مضاعف‌اند؟

- (۱) اشخاص حقیقی بیگانه
- (۲) اشخاص حقوقی بیگانه
- (۳) مؤسسات و تشکیلات تجاری بیگانه
- (۴) مؤسسات و تشکیلات غیرتجاری بیگانه

۲۶۴. اشخاص حقوقی بیگانه که در ایران به ثبت نرسیده‌اند:

- (۱) نمی‌توانند طرف قرارداد با اتباع ایران واقع شوند.
- (۲) از حق استفاده از ترافع قضائی محروم می‌باشند.
- (۳) می‌توانند طرف قرارداد با اتباع ایران واقع شوند.
- (۴) مانعی برای پذیرش او به عنوان دارنده شخصیت حقوقی در دعوی می‌باشد.

۲۶۵. حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس قانونگذاری در زمره کدامیک از حقوق زیر قرار می‌گیرد؟

- (۱) حقوق عمومی
- (۲) حقوق مدنی مخصوصه
- (۳) حقوق سیاسی
- (۴) حقوق داخلی غیر سیاسی

۲۶۶. در خصوص بیگانه‌ای که بر اثر مسموعات خود می‌پنداشته که جان و مال او در سرزمین اسلامی محفوظ می‌باشد و با این گمان راهی سرزمین اسلامی شده است. کدام گزینه صحیح می‌باشد؟

- (۱) امان
- (۲) شبهه امان
- (۳) مهاده
- (۴) معاهده

۲۶۷. کدامیک در خصوص رابطه رفتار متقابل قراردادی با رفتار متقابل عملی صحیح است؟

- (۱) اثبات رفتار متقابل قراردادی دشوار و اثبات رفتار متقابل عملی آسان می‌باشد.
- (۲) اثبات رفتار متقابل عملی دشوار و اثبات رفتار متقابل قراردادی آسان می‌باشد.
- (۳) اثبات هر دو نوع رفتار متقابل دشوار می‌باشد.
- (۴) اثبات هیچکدام دشوار نمی‌باشد.

۲۶۸. کدام گزینه در خصوص تمتع یا عدم تمتع بیگانگان از حقوق خصوصی صحیح است؟

- (۱) از پاره‌ای از حقوق خصوصی محروم‌اند.
- (۲) از کلیه حقوق خصوصی متمتع‌اند.
- (۳) از کلیه حقوق خصوصی محروم‌اند.
- (۴) از پاره‌ای از حقوق خصوصی متمتع‌اند.

۲۶۹. در مساله وضع اتباع خارجه، حمايت از مال اتباع بيگانه، جزو کدام حقوق است؟

- (۱) عمومی سیاسی
- (۲) عمومی غیر سیاسی
- (۳) خصوصی
- (۴) اخلاقی و نزاکتی

۲۷۰. اخراج تبعه از کشور با کدامیک از طرق زیر صورت می‌گیرد؟

- (۱) از طریق حکم دادگاه
- (۲) قانون ایران در آن زمینه مقرراتی پیش‌بینی نکرده است.
- (۳) در صورت ارتکاب جرائم علیه امنیت ملی از طریق دادگاه
- (۴) با تصویب هیأت دولت

(سراسری - ۷۲)

۲۷۱. بین قانون مقرر دادگاه و قانون اقامتگاه چه رابطه‌ای وجود دارد؟

- (۱) قانون مقرر دادگاه هیچ‌گاه بر قانون اقامتگاه منطبق نیست.
- (۲) قانون مقرر دادگاه همیشه بر قانون اقامتگاه منطبق است.
- (۳) قانون مقرر دادگاه گاهی تابع قانون اقامتگاه است.
- (۴) قانون مقرر دادگاه همیشه بر قانون اقامتگاه منطبق است.

(سراسری - ۷۲)

۲۷۲. در قانونی مدنی کدامیک از انواع اقامتگاه‌ها تعریف شده است؟

- (۱) اقامتگاه اختیاری
- (۲) اقامتگاه قراردادی
- (۳) اقامتگاه قانونی
- (۴) اقامتگاه اصلی

(سراسری - ۷۲)

۲۷۳. در کدامیک از انواع اقامتگاه‌ها قاعده منع بیش از یک اقامتگاه جاری نیست؟

- (۱) اقامتگاه اختیاری
- (۲) اقامتگاه اصلی
- (۳) اقامتگاه قراردادی
- (۴) اقامتگاه قانونی

(سراسری - ۷۳)

۲۷۴. اقامتگاه داخلی با اقامتگاه از لحاظ بین‌المللی چه رابطه‌ای دارد؟

- (۱) اقامتگاه از لحاظ بین‌المللی همان اقامتگاه داخلی است.
- (۲) اقامتگاه داخلی جنبه سیاسی و اقامتگاه از لحاظ بین‌المللی جنبه حقوقی دارد.
- (۳) اقامتگاه داخلی جنبه حقوقی و اقامتگاه از لحاظ بین‌المللی جنبه حقوقی - سیاسی دارد.
- (۴) هر دو نوع اقامتگاه جنبه سیاسی دارند.

(سراسری - ۸۲)

۲۷۵. طبق قانون مدنی ایران اقامتگاه هر شخصی عبارتست از:

- (۱) محل زندگی او
- (۲) محل سکونت او
- (۳) مرکز مهم امور که ممکن است با محل سکونت منطبق باشد یا نباشد.
- (۴) محل امور مهم وی می‌باشد که ممکن است در خارج از کشور هم باشد.

(سراسری - ۸۱)

۲۷۶. کدام صحیح است؟

- (۱) در بعضی از سیستم‌های حقوقی، اقامتگاه و تابعیت همه اشخاص لزوماً یک کشور است.
- (۲) اقامتگاه بیگانگان، همان کشور متبوع آنها است.
- (۳) تابعیت مهم‌تر از اقامتگاه است.
- (۴) در بعضی از سیستم‌های حقوقی، اهلیت شخص تابع قانون کشور اقامتگاه او می‌باشد.

۲۷۷. اقامتگاه اشخاص از لحاظ حقوق بین‌المللی خصوصی از آن جهت اهمیت دارد که:
- ۱) در بسیاری از موارد صلاحیت دادگاه‌ها بدان وابستگی دارد.
 - ۲) در مواردی که قانون حاکم بر احوال شخصیه بدان وابستگی دارد.
 - ۳) موارد ۱ و ۲
 - ۴) می‌توان در آن‌جا شخص را تحت تعقیب جزایی قرار داد.
- (سراسری - ۸۱)
۲۷۸. در سیستم حقوقی ایران:
- ۱) اقامتگاه در حقوق بین‌الملل خصوصی کشوری است که شخص در آن‌جا سکونت دارد.
 - ۲) اقامتگاه در حقوق بین‌الملل خصوصی همان اقامتگاه خارجی افراد است.
 - ۳) اقامتگاه در حقوق بین‌الملل خصوصی عبارت از محلی است که شخص در آن‌جا سکونت داشته و مرکز امور او در آن‌جا است.
 - ۴) اقامتگاه در حقوق بین‌الملل خصوصی کشوری است که شخص به آن‌جا رفت و آمد می‌کند.
- (سراسری - ۸۲)
۲۷۹. گذرنامه چند نوع است؟
- ۱) چهار نوع
 - ۲) یک نوع
 - ۳) دو نوع
 - ۴) سه نوع
- (سراسری - ۷۲)
۲۸۰. آیا می‌توان مالی غیر منقول را نزد بیگانه رهن گذارد؟
- ۱) بی‌اشکال است.
 - ۲) ممنوع است.
 - ۳) منوط به رفتار متقابل است.
 - ۴) بسته به وضعیت مال است.
- (سراسری - ۷۲)
۲۸۱. حق تمتع بیگانه از حیث اموال شخصی تابع چه قانونی است؟
- ۱) قانون کشور متبوع او
 - ۲) قانون ایران
 - ۳) حاکمیت قانون ملی او یا قانون ایران، بستگی به مورد دارد.
 - ۴) جمع قانون ملی او و قانون ایران
- (سراسری - ۷۲)
۲۸۲. رفتار متقابل سیاسی (یا قراردادی) با رفتار متقابل عملی چه رابطه‌ای دارد؟
- ۱) اثبات رفتار متقابل سیاسی آسان و اثبات رفتار متقابل عملی دشوار است.
 - ۲) اثبات هر دو نوع رفتار متقابل دشوار است.
 - ۳) اثبات رفتار متقابل عملی آسان و اثبات رفتار متقابل سیاسی دشوار است.
 - ۴) اثبات هر دو نوع رفتار متقابل آسان است.
- (سراسری - ۷۳)
۲۸۳. وضع بیگانگان از لحاظ تمتع یا عدم تمتع از حقوق عمومی غیر سیاسی به چه صورت است؟
- ۱) از پاره‌ای از حقوق عمومی غیر سیاسی محروم‌اند.
 - ۲) از کلیه حقوق عمومی غیر سیاسی محروم‌اند.
 - ۳) از پاره‌ای از حقوق عمومی غیر سیاسی متمتع‌اند.
 - ۴) از کلیه حقوق عمومی غیر سیاسی متمتع‌اند.
- (سراسری - ۷۳)
۲۸۴. وضع بیگانگان از لحاظ تمتع از حقوق خصوصی به چه صورتی است؟
- ۱) از پاره‌ای از حقوق خصوصی محروم‌اند.
 - ۲) از پاره‌ای از حقوق خصوصی متمتع‌اند.
 - ۳) از کلیه حقوق خصوصی محروم‌اند.
 - ۴) از کلیه حقوق خصوصی متمتع‌اند.
- (سراسری - ۷۳)
۲۸۵. حق رجوع خارجیان به دادگاه‌های ایران جزء کدام حقوق است؟
- ۱) خصوصی
 - ۲) عمومی سیاسی
 - ۳) عمومی غیر سیاسی
 - ۴) مدنی مخصوصی
- (سراسری - ۷۴)



۲۸۶. در مساله وضع اتباع خارجه، حق استخدام در وزارت آموزش و پرورش جزو کدام حقوق است؟ (سراسری - ۷۴)
- (۱) خصوصی (۲) معنوی (۳) عمومی سیاسی (۴) عمومی غیر سیاسی
۲۸۷. مساله وضع اتباع خارجه عبارت است از تعیین ... (سراسری - ۷۴)
- (۱) اهلیت تمتع از حقوق (۲) اهلیت استیفاء
(۳) تابعیت اتباع خارجه (۴) حقوق سیاسی اتباع خارجه
۲۸۸. منظور از حق مدنی مخصوصه عبارتست از: (سراسری - ۷۵)
- (۱) حقی که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.
(۲) حق ازدواج با ایرانیان
(۳) حق اشتغال به مشاغل سیاسی
(۴) حق رجوع به دادگاه ایران
۲۸۹. حق اشتغال به مشاغل خصوصی جزء کدام دسته از حقوق خارجیان است؟ (سراسری - ۷۵)
- (۱) عمومی غیر سیاسی (۲) خصوصی
(۳) مدنی مخصوصه (۴) عمومی سیاسی
۲۹۰. رفتار متقابل تقنینی با رفتار سیاسی چه نسبتی دارد؟ (سراسری - ۷۶)
- (۱) اثبات هر دو دشوار است.
(۲) اثبات رفتار متقابل دشوار و اثبات رفتار متقابل سیاسی آسان است.
(۳) رفتار متقابل تقنینی خاص و رفتار متقابل سیاسی عام است.
(۴) رفتار متقابل تقنینی عام و رفتار متقابل سیاسی خاص است.
۲۹۱. رفتار متقابل سیاسی با رفتار متقابل عملی چه رابطه‌ای دارد؟ (سراسری - ۷۶)
- (۱) اثبات هر دو دشوار است.
(۲) اثبات رفتار متقابل سیاسی دشوار و اثبات رفتار متقابل عملی آسان است.
(۳) اثبات هر دو آسان است.
(۴) اثبات رفتار متقابل سیاسی آسان و اثبات رفتار متقابل عملی دشوار است.
۲۹۲. در کدام دسته از حقوق اصل بر عدم تمتع خارجیان است؟ (سراسری - ۷۶)
- (۱) خصوصی (۲) عمومی غیر سیاسی
(۳) عمومی سیاسی (۴) مربوط به احوال شخصیه
۲۹۳. حق معامله کردن جزء کدام دسته از حقوق خارجیان است؟ (سراسری - ۷۶)
- (۱) خصوصی (۲) عمومی غیر سیاسی
(۳) مربوط به احوال شخصیه (۴) مدنی مخصوصه
۲۹۴. حق رجوع خارجیان به دادگاه‌های ایران چه حقی است؟ (سراسری - ۷۶)
- (۱) خصوصی (۲) مربوط به احوال شخصیه
(۳) عمومی غیر سیاسی (۴) مدنی مخصوصه
۲۹۵. در موضوع وضعیت حقوقی اتباع بیگانه در ایران ... (سراسری - ۷۸)
- (۱) استثنائاً بیگانگان در ایران از برخی «حقوق مدنی» همچون «حقوق مخصوص» متمتع می‌شوند.
(۲) استثنائاً بیگانگان در ایران از حقوق مدنی متمتع نمی‌شوند.
(۳) اصل کلی این است که بیگانگان در ایران از کلیه حقوق مدنی متمتع می‌شوند.
(۴) اصل کلی این است که بیگانگان در ایران فقط «حقوق مخصوص» متمتع می‌شوند.

۲۹۶. در ایران حق مراجعه به محاکم قضایی برای بیگانگان:
- ۱) در صورتی وجود دارد که خوانده دعوی تبعه ایران نباشد.
 - ۲) وجود دارد و تشریفات دادرسی به موجب قانون کشور متبوع ذی نفع انجام می شود.
 - ۳) وجود دارد و تشریفات دادرسی به موجب قوانین ایران انجام می شود.
 - ۴) وجود ندارد.
- (سراسری - ۸۰)
۲۹۷. تملک اموال غیر منقول توسط خارجیان در حقوق موضوعه ایران است.
- ۱) بی قید و شرط
 - ۲) به موجب معاهدات امکان پذیر
 - ۳) مشروط به شرط دولت کامله الوداد
 - ۴) ممنوع
- (سراسری - ۸۰)
۲۹۸. رعایت حداقل حقوق خارجیان است.
- ۱) برای همه دولت‌ها الزامی
 - ۲) برای بعضی دولت‌ها الزامی
 - ۳) مشروط به شرط دولت کامله الوداد
 - ۴) مشروط به شرط رفتار متقابل
- (سراسری - ۸۰)
۲۹۹. آیا تبعه خارجی در ایران می تواند باغ و زمین زراعتی بخرد؟
- ۱) خیر
 - ۲) منوط به رفتار متقابل است.
 - ۳) به اندازه نیازش اشکالی ندارد.
 - ۴) باید به اندازه نیاز و به شرط رفتار متقابل باشد.
- (سراسری - ۸۲)
۳۰۰. اگر کشور الف امتیازاتی برای ایرانیان مقیم آن کشور قائل شود دولت ایران ...
- ۱) باید همان امتیازات را برای اتباع کشور الف در ایران قائل شود.
 - ۲) مجبور نیست همان امتیازات را برای اتباع کشور الف در ایران قائل شود.
 - ۳) باید همان امتیازات را برای تمام اتباع خارجی مقیم ایران قائل شود.
 - ۴) باید همان امتیازات را برای اتباع کشور الف در ایران قائل شود به شرط این که لااقل ۵ سال سابقه اقامت در ایران داشته باشد.
- (سراسری - ۸۳)
۳۰۱. مساله وضع حقوقی خارجیان مربوط به است.
- ۱) اهلیت استیفای خارجیان
 - ۲) اهلیت تملک اموال خارجیان
 - ۳) حقوق بین الملل خصوصی ماهوی
 - ۴) حقوق بین الملل خصوصی شکلی
- (سراسری - ۸۳)
۳۰۲. در قانون ایران، اخذ تأمین از اتباع خارجی:
- ۱) در دعاوی بین اتباع خارجی در ایران پیش بینی شده است.
 - ۲) فقط در دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول پیش بینی شده است.
 - ۳) در دعاوی مطروحه توسط ایرانیان علیه اتباع خارجی پیش بینی شده است.
 - ۴) در دعاوی مطروحه توسط اتباع خارجی علیه ایرانیان پیش بینی شده است.
- (سراسری - ۸۴)
۳۰۳. ملاک و میزان حداقل حقوق برای اتباع بیگانه چیست؟
- ۱) اصل برابری انسانی
 - ۲) رفتار متقابل عملی دولت‌ها
 - ۳) رفتار دول متمدن با اتباع بیگانه
 - ۴) رفتار متقابل سیاسی کشورها
- (سراسری - ۸۵)
۳۰۴. کدام عبارت، صحیح است؟
- ۱) اتباع خارجی نمی توانند در ایران زمین زراعتی بخرند.
 - ۲) اتباع خارجی به اندازه نیاز خود می توانند در ایران زمین زراعتی بخرند.
 - ۳) اتباع خارجی به شرط رفتار متقابل می توانند در ایران زمین زراعتی بخرند.
 - ۴) اتباع خارجی به اندازه نیاز خود به شرط رفتار متقابل می توانند در ایران زمین زراعتی بخرند.
- (سراسری - ۸۵)



۳۰۵. مسأله وضع حقوقی خارجی در حقوق بین الملل خصوصی مسأله است. (سراسری - ۸۸)
 (۱) تابعیت (۲) اهلیت استیفاء (۳) اهلیت تمتع (۴) حقوق بشر

۳۰۶. چنانچه بیگانه‌ای در ایران:
 (۱) مرکز مهم امور داشته باشد مقیم ایران محسوب می‌شود.
 (۲) محل سکونت داشته باشد و مشغول به کار باشد نمی‌تواند مقیم ایران محسوب شود.
 (۳) باشد نمی‌تواند اقامتگاه داشته باشد.
 (۴) بستگانی داشته و در رفت و آمد به ایران باشد مقیم ایران خواهد بود.

۳۰۷. کدام گزینه صحیح است؟ (آزاد - ۸۴)
 (۱) اقامتگاه در حقوق بین الملل خصوصی از نظر تعیین تابعیت اشخاص اهمیت دارد.
 (۲) اقامتگاه در حقوق بین الملل خصوصی از لحاظ تعیین قانون حاکم بر قراردادهای اشخاص اهمیت دارد.
 (۳) اقامتگاه در حقوق بین الملل خصوصی از نظر مسائل حقوق مدنی اهمیت دارد.
 (۴) اقامتگاه در حقوق بین الملل خصوصی از لحاظ احوال شخصیه و تشخیص قانون قابل اعمال و تعیین دادگاه صالح اهمیت دارد.

۳۰۸. اقامتگاه بیگانه در حقوق ایران:
 (۱) طبق قانون کشور متبوع او مشخص خواهد شد.
 (۲) کلاً بیگانه نمی‌تواند در ایران اقامتگاه داشته باشد.
 (۳) طبق قواعد قانون ایران در خصوص اقامتگاه، معین خواهد شد.
 (۴) کشور متبوع او

۳۰۹. گذرنامه سندی است که:
 (۱) برای مسافرت اتباع ایران به خارج از کشور یا اقامت در خارج یا مسافرت از خارج به ایران داده می‌شود.
 (۲) برای مسافرت اتباع ایران به خارج از کشور و اشتغال به کار در آن کشور صادر می‌شود.
 (۳) فقط برای اقامت یا تحصیل در خارج از کشور صادر می‌شود.
 (۴) همانند شناسنامه، داشتن آن برای ایرانی‌های بالاتر از ۱۸ سال ضروری است.

۳۱۰. ورود بیگانگان به ایران چگونه است؟ (آزاد - ۸۱)
 (۱) بیگانگان می‌توانند بدون هیچ محدودیتی و آزادانه وارد ایران شوند.
 (۲) بیگانگان می‌توانند با اطلاع مقامات ذیربط وارد ایران شوند.
 (۳) بیگانگان برای ورود به ایران باید از مأمورین ایرانی در خارج از کشور روایید اخذ نمایند، مگر تبعه کشوری باشند که با ایران توافقنامه لغو روایید امضا کرده است.
 (۴) فقط بیگانگانی می‌توانند وارد ایران شوند که گذرنامه خارجی داشته باشند و کشور آنها با کشور ایران توافقنامه لغو روایید امضا کرده باشد.

۳۱۱. طبق قوانین ایران اگر کسی به ایران پناهنده شود:
 (۱) ایران به طور کلی او را نخواهد پذیرفت.
 (۲) ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه بدهد.
 (۳) بدون هیچ قیدی او را خواهد پذیرفت.
 (۴) او را بازداشت خواهد کرد.

۳۱۲. استملاک اموال غیر منقول توسط بیگانگان در ایران:
 (۱) کلاً غیر مجاز است.
 (۲) به شرط معامله متقابل مجاز است.
 (۳) فقط یک محل مسکونی مجاز است.
 (۴) فقط یک محل کسب مجاز است.

۳۱۳. در کدام یک از موارد ذیل اتباع بیگانه از حقوق مدنی متمتع خواهند بود؟ (آزاد- ۸۲)
- ۱) در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً از اتباع بیگانه سلب نموده است.
 - ۲) بین دولت ایران و دولت متبوع بیگانه عهدنامه‌ای در خصوص بهره‌مندی اتباع یکدیگر از حقوق خاصی، وجود داشته باشد.
 - ۳) در مورد حقوق مربوط به احوال شخصیه که قانون دولت متبوع تبعه بیگانه آن را قبول نکرده است.
 - ۴) در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.
۳۱۴. در صورت فوت بیگانه‌ای که ملکی غیر منقول در ایران دارد، وضعیت آن ملک چه خواهد شد؟ (آزاد- ۸۲)
- ۱) در صورت کسب مجوز دولت متبوع بیگانه به ورثه او منتقل خواهد شد.
 - ۲) بر اساس آیین‌نامه استملاک اتباع بیگانه به دولت ایران منتقل خواهد شد.
 - ۳) در صورت کسب مجوز لازم دولت ایران و بر اساس آیین‌نامه استملاک اتباع بیگانه به ورثه او منتقل خواهد شد.
 - ۴) همانند فوت اتباع ایران به ورثه او منتقل خواهد شد.
۳۱۵. کدام گزینه صحیح است؟ (آزاد- ۸۲)
- ۱) دادگاه‌های ایران دعوای خواهان خارجی علیه خوانده خارجی را که هیچ ارتباطی با ایران ندارند ممکن است نپذیرند.
 - ۲) دادگاه‌های ایران دعوی علیه خارجی را نخواهند پذیرفت.
 - ۳) دادگاه‌های ایران دعوای خواهان خارجی را نخواهند پذیرفت.
 - ۴) دادگاه‌های ایران دعوای قراردادهایی را که محل انعقاد آن‌ها در خارج از ایران است نخواهند پذیرفت.
۳۱۶. عبور از ایران برای خارجیان مشروط به: (آزاد- ۸۲)
- ۱) نداشتن روادید ورود و اقامت در ایران است.
 - ۲) داشتن روادید عبور از ایران است.
 - ۳) ماندن فقط سه روز در ایران است.
 - ۴) مشخص نمودن کشور مقصد است.
۳۱۷. بیگانگان در ایران از لحاظ حقوق سیاسی، طبق قاعده‌ای که در همه کشورها پذیرفته شده است: (آزاد- ۸۲)
- ۱) هیچ امتیازی ندارند.
 - ۲) در حدود رفتار متقابل کشورشان با اتباع ایران، از امتیاز برخوردارند.
 - ۳) مشروط و محدود از امتیازاتی برخوردارند.
 - ۴) در همان حدی که در کشور خود حقوقی سیاسی دارند، از امتیازاتی برخوردارند.
۳۱۸. ورود اتباع بیگانه به ایران ممنوع است، مگر: (آزاد- ۸۲)
- ۱) از مرزهای زمینی یا دریایی وارد ایران شوند.
 - ۲) اجازه ورود به ایران تحصیل کنند.
 - ۳) خدمات عام‌المنفعه‌ای به ایران کرده باشند.
 - ۴) بستگانشان در ایران باشند.
۳۱۹. کدام گزینه صحیح است؟ (آزاد- ۸۳)
- ۱) اتباع خارجی می‌توانند در ایران هر ملک غیر منقولی را که می‌خواهند بخرند.
 - ۲) اتباع خارجی در صورت کسب اجازه استملاک می‌توانند یک منزل مسکونی در ایران بخرند.
 - ۳) اتباع خارجی در ایران به هیچ صورت نمی‌توانند مال غیر منقول داشته باشند.
 - ۴) اتباع خارجی در ایران به شرط رفتار متقابل می‌توانند یک منزل مسکونی بخرند.
۳۲۰. اتباع خارجی در صورتی می‌توانند وارد ایران شوند که: (آزاد- ۸۳)
- ۱) از نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور روادید ورود به ایران اخذ نموده باشند.
 - ۲) نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور ورود آن‌ها به ایران را به اطلاع مأمورین شهربانی رسانده باشند.
 - ۳) وزارت امور خارجه ایران و کشور متبوع خارجی ورود آن‌ها را به ایران مجاز بدانند.
 - ۴) وزارت کشور ایران برای آن‌ها روادید ورود و خروج صادر کرده باشند.
۳۲۱. اتباع خارجی در ایران: (آزاد- ۸۳)
- ۱) از حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی برخوردارند.
 - ۲) می‌توانند به استخدام مؤسسات دولتی درآیند.
 - ۳) از حق ترافع قضایی برخوردارند.
 - ۴) فقط می‌توانند به مشاغل آموزشی اشتغال داشته باشند.



(آزاد- ۸۴)

۳۲۲. کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) بیگانه در ایران فقط از حقوق عمومی محروم است.
- (۲) بیگانه در ایران هم از حقوق عمومی و هم از حقوق مدنی محروم است.
- (۳) اصل کلی آن است که بیگانه در ایران از همه حقوق مدنی بهره‌مند است مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.
- (۴) بیگانه در ایران از هیچ حقوقی محروم نیست و قانون او را از هیچ حقی محروم نکرده است.

(آزاد- ۸۴)

۳۲۳. اتباع خارجه برای خرید مال غیر منقول در ایران:

- (۱) فقط می‌توانند یک منزل مسکونی بخرند.
- (۲) می‌توانند یک منزل مسکونی و یک محل کسب بخرند.
- (۳) باید اجازه تحصیل کنند و اظهارنامه‌ای به اداره ثبت محل وقوع ملک بدهند.
- (۴) باید از وزارت کشور و امور خارجه اجازه بگیرند.

(آزاد- ۸۵)

۳۲۴. دعاوی از حیث صلاحیت محاکم تابع قانون:

- (۱) منتخب طرفین است.
- (۲) کشور متبوع خواهان است.
- (۳) کشور متبوع خواننده است.
- (۴) محل اقامه دعوی می‌باشد.

(آزاد- ۸۵)

۳۲۵. کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) بیگانگان از حق داشتن املاک مزروعی کاملاً محروم هستند و سلب مالکیت از بیگانگان به اختیار و اراده دولت است.
- (۲) بیگانگان از حق داشتن املاک به طور کلی کاملاً محروم هستند و از آن‌ها نمی‌توان سلب مالکیت نمود.
- (۳) بیگانگان از حق داشتن یک منزل مسکونی در ایران برخوردارند و هر زمان که دولت بخواهد از آن‌ها سلب مالکیت به عمل خواهد آورد.
- (۴) بیگانگان از حق داشتن املاک مزروعی محروم هستند و این حق برای دولت شناخته شده است که از اتباع سلب مالکیت نماید مشروط بر این که غرامت عادلانه بپردازد.

(آزاد- ۸۶)

۳۲۶. تبعه دولت خارجی که علیه یک ایرانی در محاکم ایران طرح دعوی می‌نماید باید:

- (۱) برای تأدیه خسارتی که ممکن است بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله به آن محکوم گردد تأمین مناسب بسپارد.
- (۲) برای تأدیه خسارتی که ممکن است بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله به آن محکوم گردد معادل مبلغ خواسته تأمین بسپارد.
- (۳) بنا به درخواست خواننده برای تأدیه خسارتی که احتمال دارد بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله به آن محکوم گردد تأمین مورد نظر خواننده را بسپارد.
- (۴) بنا به درخواست خواننده برای تأدیه خسارتی که ممکن است بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله به آن محکوم گردد تأمین مناسب بسپارد.

(آزاد- ۸۷)

۳۲۷. بیگانه در ایران:

- (۱) حقوقی ندارد.
- (۲) در حدودی که در قوانین ایران مقرر شده، حقوق دارد.
- (۳) در حدودی که ایرانی در کشور متبوع بیگانه حق دارد، او در ایران حق دارد.
- (۴) از کلیه حقوق برخوردار است.

(آزاد- ۸۷)

۳۲۸. یک بیگانه در ایران:

- (۱) تنها نمی‌تواند رئیس جمهور شود.
- (۲) تنها نمی‌تواند عضو مجلس مقننه شود.
- (۳) تنها نمی‌تواند رئیس قوه قضاییه شود.
- (۴) تنها نمی‌تواند با اقامت در ایران تابعیت ایران را کسب کند.

(آزاد- ۸۷)

۳۲۹. بیگانه در صورتی می‌تواند وارد ایران شود که:

- (۱) روادید ورود اخذ نموده باشد.
- (۲) مرتکب جرم نشده باشد.
- (۳) پاسپورت داشته باشد.
- (۴) اقدامات عام‌المنفعه نسبت به ایران انجام داده باشد.

پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای فصل سوم

۲۱۸. گزینه ۲)
طبق سیستم انگلیسی - آمریکایی، احوال شخصیه تابع قانون اقامتگاه است.
۲۱۹. گزینه ۴)
اصل تقارن از اصول سه گانه اقامتگاه نمی‌باشد.
۲۲۰. گزینه ۳)
اقامتگاه مدیران شرکت‌ها اقامتگاه اجباری نیست.
۲۲۱. گزینه ۴)
هر سه مورد از شرایط اقامتگاه خدمه می‌باشد.
۲۲۲. گزینه ۱)
شرط اساسی در اقامتگاه قراردادی توافق طرفین است.
۲۲۳. گزینه ۳)
در صورتی که طرفین قرارداد مستقیماً محلی را به عنوان اقامتگاه تعیین ننموده باشند، اقامتگاه محل اجرای قرارداد خواهد بود.
۲۲۴. گزینه ۲)
اقامتگاه قراردادی در اثر فوت یا حجر طرفین یا یکی از آنها از بین نمی‌رود بلکه با استنباط از ماده ۲۱۹ ق.م. پس از فوت شخص اقامتگاه مزبور نسبت به آن قرارداد به ورثه منتقل می‌شود.
۲۲۵. گزینه ۱)
بر اساس ماده ۱۰۰۲ ق.م.
۲۲۶. گزینه ۳)
با توجه به قانون ۱۰۱۰ ق.م.
۲۲۷. گزینه ۳)
(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین الملل خصوصی، ص ۸۰)
۲۲۸. گزینه ۲)
(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین الملل خصوصی، ص ۸۶)
۲۲۹. گزینه ۲)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین الملل خصوصی، ص ۱۴۱)
۲۳۰. گزینه ۲)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین الملل خصوصی، ص ۱۴۳)
۲۳۱. گزینه ۱)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین الملل خصوصی، ص ۱۴۸ و ۱۴۹)
۲۳۲. گزینه ۳)
(ر.ک ماده ۷ قانون گذرنامه مصوب ۵۱/۱۲/۱۰)
۲۳۳. گزینه ۴)
(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین الملل خصوصی، ص ۸۵ الی ۸۷)
۲۳۴. گزینه ۲)
(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین الملل خصوصی، ص ۸۰)

۲۳۵. گزینه ۱)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۴۲)
۲۳۶. گزینه ۳)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۴۷)
۲۳۷. گزینه ۱)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۳۵ الی ۱۳۷)
۲۳۸. گزینه ۳)
(ر.ک ماده ۱۰۰۲ ق.م.)
۲۳۹. گزینه ۳)
(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۸۲)
۲۴۰. گزینه ۲)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۴۱ و ۱۴۷)
۲۴۱. گزینه ۴)
(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۸۴ و ۸۵)
۲۴۲. گزینه ۲)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۴۸)
۲۴۳. گزینه ۲)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۴۳)
۲۴۴. گزینه ۲)
(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۳۷)
۲۴۵. گزینه ۳)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۹۳ و ۹۴)
۲۴۶. گزینه ۴)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۰۳)
۲۴۷. گزینه ۲)
(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۰۵)
۲۴۸. گزینه ۳)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۶۷)
۲۴۹. گزینه ۲)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۷۸)
۲۵۰. گزینه ۴)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۷۰)
۲۵۱. گزینه ۳)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۷۱)
۲۵۲. گزینه ۲)
(ر.ک دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۷۲)
۲۵۳. گزینه ۳)
(ر.ک دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۹۸)

۲۵۴. گزینه ۴)
(ر.ک. دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۲۴)
۲۵۵. گزینه ۲)
(ر.ک. دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۲۴)
۲۵۶. گزینه ۱)
(ر.ک. دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۳۶)
۲۵۷. گزینه ۱)
(ر.ک. دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۱۹)
۲۵۸. گزینه ۳)
(ر.ک. دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۳۰)
۲۵۹. گزینه ۲)
(ر.ک. دکتر سیدحسین صفایی، مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۲۵۷)
۲۶۰. گزینه ۴)
(ر.ک. دکتر سیدحسین صفایی، مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۳۹)
۲۶۱. گزینه ۲)
(ر.ک. دکتر سیدحسین صفایی، مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۲۶۴)
۲۶۲. گزینه ۳)
(ر.ک. دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۹۸)
۲۶۳. گزینه ۲)
(ر.ک. دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۹۹)
۲۶۴. گزینه ۳)
(ر.ک. دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۲۰۰)
۲۶۵. گزینه ۳)
(ر.ک. دکتر سیدحسین صفایی، مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۲۵۷)
۲۶۶. گزینه ۲)
(ر.ک. دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۳۸)
۲۶۷. گزینه ۲)
(ر.ک. دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۹۳ و ۹۴)
۲۶۸. گزینه ۱)
(ر.ک. دکتر محمود سلجوقی، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، ص ۱۷۶ و ر.ک. ماده ۹۴۱ ق.م.)
۲۶۹. گزینه ۲)
(ر.ک. دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۱۱)
۲۷۰. گزینه ۲)
(ر.ک. دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۱۰ و ر.ک. تبصره الف ماده ۹۸۸ ق.م.)
۲۷۱. گزینه ۳)

قانون اقامتگاه، قانون کشوری است که شخص در آن جا اقامت دارد و قانون مقر دادگاه، قانون کشوری است که دادگاه در آن واقع است، گاه ممکن است قانون اقامتگاه طرفین یا یکی از آنها با قانون مقر دادگاه یکی باشد، مثلاً زمانی که زن و مرد مقیم ایران دعوی خود را در دادگاه ایران اقامه می‌کنند، قانون مقر دادگاه و قانون اقامتگاه بر هم منطبق هستند، اما اگر زن و مردی که اقامتگاه آنان در انگلیس است در ایران اقامه دعوی کنند، قانون اقامتگاه و قانون مقر دادگاه متفاوت خواهد بود.

۲۷۲. گزینه ۱)

مفاد ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی دایر بر این که «اقامتگاه هر شخص عبارت از محلی است که شخص در آن جا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد. اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز امور او اقامتگاه محسوب است.» ناظر به تعریف اقامتگاه اختیاری است که اراده فرد به جابه‌جایی و نقل و انتقال مختارانه وی در تغییر آن مؤثر می‌باشد.

۲۷۳. گزینه ۳)

با توجه به حکم مندرج در ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی فقط در مورد اقامتگاه قراردادی می‌توان قاعده و وحدت اقامتگاه را نقض کرد.

۲۷۴. گزینه ۳)

اقامتگاه بین‌المللی علاوه بر جنبه حقوقی، از بعد سیاسی نیز حایز اهمیت است.

۲۷۵. گزینه ۳)

ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آن جا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد، اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز امور او اقامتگاه محسوب است.»

۲۷۶. گزینه ۴)

اهلیت به عنوان قسمتی از احوال شخصیه افراد، در بعضی کشورها تحت حاکمیت قانون اقامتگاه می‌باشد.

۲۷۷. گزینه ۳)

اقامتگاه اشخاص در حقوق بین‌الملل خصوصی گاه در تعیین صلاحیت دادگاه و گاه در تعیین قانون حاکم بر احوال شخصیه مؤثر است.

۲۷۸. گزینه ۳)

در سیستم حقوق ایران تعریفی مجزا از اقامتگاه در مفهوم حقوق بین‌الملل خصوصی نشده و همان تعریف اقامتگاه مدنی اشخاص که در ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی لحاظ شده است بر هر دو نوع اقامتگاه صدق می‌کند.

۲۷۹. گزینه ۴)

ماده ۷ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰، سه نوع گذرنامه را مورد اشاره قرار می‌دهد: الف- گذرنامه سیاسی ب- گذرنامه خدمت (اعم از فردی و جمعی) ج- گذرنامه عادی (اعم از فردی یا جمعی)

۲۸۰. گزینه ۱)

ماده ۴۵ آیین‌نامه قانون دفاتر اسناد رسمی اعلام می‌نماید: «در مورد معاملات با حق استرداد (از قبیل بیع شرط و رهن و غیره) اتباع خارجه تحصیل اجازه مخصوص از اداره ثبت محل لازم نیست و مثل معاملات اتباع داخله باید وضعیت ثبتی ملک، استعلام و خلاصه معامله نیز به اداره ثبت ارسال گردد.» این مساله با استناد به اصل کلی تمتع بیگانگان از حقوق خصوصی نیز قابل توجیه است.

۲۸۱. گزینه ۳)

با توجه به این که اموال شخصی بیگانه منقول باشند یا غیر منقول، عینی باشند یا دینی قانون حاکم بر آن‌ها متفاوت خواهد شد و با توجه به مورد، قانون ملی بیگانه یا قانون ایران بر موضوع حاکم خواهد شد.

۲۸۲. گزینه ۱)

اثبات رفتار متقابل سیاسی به لحاظ وجود قرارداد فیما بین دولت‌ها ساده‌تر و آسان‌تر از اثبات رفتار متقابل عملی است.

۲۸۳. گزینه ۱)

در حقوق عمومی غیر سیاسی اصل بر تمتع کلیه بیگانگان است.

۲۸۴. گزینه ۱)

با توجه به ماده ۹۶۱ قانون مدنی مشعر بر این که «جز در موارد ذیل اتباع خارج نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود...» اصل بر تمتع بیگانگان از حقوق خصوصی است و استثنائاً ایشان از بعضی حقوق خصوصی محروم‌اند.

۲۸۵. گزینه ۳)

حق ترافع قضایی (رجوع به محاکم دادگستری) از حقوق عمومی غیر سیاسی است. زیرا از یک سو حق عموم مردم است و از سوی دیگر جنبه سیاسی ندارد.

۲۸۶. گزینه ۴)

مطابق اصل آزادی مشاغل، اصل بر آزادی بیگانگان در انتخاب شغل می‌باشد، این اصل یکی از حقوق عمومی غیر سیاسی بیگانگان است، لذا بیگانگان می‌توانند مشاغل دلخواه خود را تا جایی که قانون به آن‌ها اجازه می‌دهد انتخاب کنند و استخدام در وزارت آموزش و پرورش نیز جزو مشاغل مجاز برای بیگانگان است.

۲۸۷. گزینه ۱)

هر چند بعد از لغو بردگی، تفکیک بین اهلیت تمتع و اهلیت استیفاء در مورد اشخاص حقیقی تصنعی به نظر می‌رسد، با این حال مساله وضع اتباع خارجه بیشتر ناظر به تعیین دامنه و حدود اهلیت تمتع بیگانگان از حقوق می‌باشد.

۲۸۸. گزینه ۱)

قانون‌گذار در ماده ۹۶۱ قانون مدنی تنها با ذکر یک معیار برای تشخیص حقوق مدنی مخصوصه بسنده کرده و آن حقوقی است که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.

۲۸۹. گزینه ۱)

حق اشتغال به مشاغل خصوصی جز حقوق عمومی غیرسیاسی خارجیان می‌باشد.

۲۹۰. گزینه ۴)

دامنه شمول رفتار متقابل سیاسی محدود به بیگانگانی می‌گردد که با دولت متبوع آن‌ها این‌گونه شرط گردیده و به همین لحاظ خاص است، اما دامنه شمول رفتار متقابل قانونی نسبت به عمومی بیگانگان گسترده و عام است. مثلاً در ماده ۱۱ قانون مدنی فرانسه مقرر شده «بیگانه در فرانسه از همان حقوق که در کشور متبوع او بر حسب عهود برای فرانسویان شناخته شده است بهره‌مند خواهد بود.» و این حکم شامل همه بیگانگان ساکن در فرانسه می‌گردد.

۲۹۱. گزینه ۴)

اثبات رفتار متقابل سیاسی آسان و اثبات رفتار متقابل عملی دشوار است.

۲۹۲. گزینه ۳)

بیگانگان علی‌الاصول از حقوق عمومی سیاسی محرومند.

۲۹۳. گزینه ۱)

حق معامله کردن جز حقوق خصوصی خارجیان است.

۲۹۴. گزینه ۳)

حق مراجعه به محاکم و اقامه دعوا (ترافع قضایی) یکی از حقوق مدنی در ایران است.

۲۹۵. گزینه ۳)

با توجه به صدور ماده ۹۶۱ قانون مدنی مبتنی بر این‌که: «جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود.» اصل بر تمتع بیگانگان از کلیه حقوق مدنی در ایران است.

۲۹۶. گزینه ۳)

تشریفات دادرسی همواره به موجب قانون متعدد دادگاه است و به موجب مقررات ایران نیز حق ترافع قضایی برای بیگانگان در نظر گرفته شده است.

۲۹۷. گزینه ۲)

ماده ۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اموال غیر منقول که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهود تملک کرده یا می‌کنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود.»

۲۹۸. گزینه ۳)

امروزه همه دولت‌ها پذیرفته‌اند که حداقل حقوقی برای خارجیان که در حقیقت همان حقوق عام مردم جهان است را رعایت کنند.

۲۹۹. گزینه ۱)

از هنگام اجرای قانون ۱۶ خرداد ۱۳۱۰ هجری شمسی در مورد سلب مالکیت بیگانگان از اراضی مزروعی، اتباع بیگانه قانوناً حق ندارند که در ایران املاک مزروعی داشته باشند.

۳۰۰. گزینه ۲)

توجه به مقررات ایران روشن‌تر این مساله است که مقنن ایرانی رفتار متقابل را به عنوان شرط وجود حق برای اتباع خارجه شناخته است و نه منشأ وجود حق.

۳۰۱. گزینه ۳)

قواعد مربوط به وضع حقوقی بیگانگان مسائل را به صورت ماهوی و مستقیم حل می‌کنند و به همین لحاظ مربوط به قسمت ماهوی حقوق بین‌المللی خصوصی می‌باشند.

۳۰۲. گزینه ۴)

مطابق ماده ۱۴۴ ق.آ.د.م

۳۰۳. گزینه ۳)

ملاک و میزان حداقل حقوق برای اتباع رفتار دولتمدین با اتباع بیگانه است که در اسناد بین‌المللی مطرح شده است.

۳۰۴. گزینه ۱)

۳۰۵. گزینه ۴)

مساله موضع حقوقی خارجیان در حقوق بین‌الملل خصوصی مساله حقوق بشر است.

۳۰۶. گزینه ۱)

مستنداً به ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آن جا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز امور و اقامتگاه محسوب است.

۳۰۷. گزینه ۴)

اقامتگاه رابطه‌ای حقوقی است، دارای بعضی از خصایص سیاسی که بین اشخاصی و حوزه معینی از قلمرو دولتی برقرار می‌شود و اهمیت آن بیشتر از آن جهت است که حل بسیاری از مسائل بین‌الملل خصوصی مانند احوال شخصیه، تعیین صلاحیت دادگاه‌ها و تشخیص قانون صلاحیت‌دار بدان بستگی دارد.

۳۰۸. گزینه ۳)

با شناخته شدن ارزش حقوقی اقامتگاه از حیث تنظیم صلاحیت‌های محلی دادگاه‌ها در حقوق ایران، قانون‌گذار به تعریف آن مبادرت کرد، از جمله در قانون امور معنوی تعیین آخرین اقامتگاه متوفی، قانون آ.د.م اقامتگاه خوانده و ... البته در مورد اقامتگاه، اشخاص حقوقی، برخلاف اشخاص حقیقی، تابعیت و اقامتگاه به یکدیگر وابسته هستند، چنانچه در ماده ۵۹۱ قانون تجارت ایران در این مورد تصریح شده است. اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند، که اقامتگاه آنان در آن مملکت است.

۳۰۹. گزینه ۱)

بر اساس ماده یک قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰ «گذرنامه سندی است که از طرف مأموران صلاحیت‌دار دولت مذکور در این قانون برای مسافرت اتباع ایران به خارج و یا اقامت در خارج و یا مسافرت از خارج به ایران داده می‌شود.»

۳۱۰. گزینه ۳)

به موجب ماده ۱ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰/۲/۱۹ برای ورود به ایران تحصیل روایید از مأمورین ایرانی در خارج الزامی است مگر در مورد اتباع کشورهای بی که با ایران قرارداد لغو روایید امضا کرده‌اند.

۳۱۱. گزینه ۲)

اصل ۱۵۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر این که بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند.»

۳۱۲. گزینه ۲)

مطابق ماده ۸ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «اموال غیر منقول که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهود تملک کرده یا می‌کنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود.» استملاک اموال غیر منقول توسط بیگانگان به شرط معامله متقابل (عهدنامه) مجاز است.

۳۱۳. گزینه ۲)

از دقت در گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴ می‌توان پی برد که تنها گزینه منطقی و حقوقی گزینه «۲» می‌باشد.

۳۱۴. گزینه ۴)

تنها محدودیتی که در خصوص انتقال ملک غیر منقول تبعه خارجه به ورثه وی وجود دارد، تبصره ذیل بند «ح» ماده یک آیین‌نامه استملاک اتباع خارجه مصوب ۱۳۲۸ می‌باشد که در مورد ثبت این املاک مقرر می‌دارد: «تبصره- ثبت ملک به نام ورثه متقاضی در دفاتر املاک منوط به رعایت مقررات این آیین‌نامه و سپردن تعهد مذکور در بند «ح» می‌باشد.»

۳۱۵. گزینه ۱)

در حالتی که خواهان و خوانده هر دو بیگانه باشند و دعوای آن‌ها هیچ ارتباطی به ایران نداشته باشد، دلیلی بر پذیرش دعوای آن‌ها توسط دادگاه ایرانی وجود ندارد.

۳۱۶. گزینه ۲)

به موجب ماده ۷ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب ۱۳۱۰ متقاضیان عبور از ایران روادید عبور از خاک ایران را از مقامات ذیربط اخذ کنند.

۳۱۷. گزینه ۳)

با توجه به صدر ماده ۹۸۲ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده و یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل آیند ۱- ۲-» چنین استنباط می‌شود که خارجی‌ان در ایران از حقوق سیاسی هر چند محدود بهره‌مند می‌شوند.

۳۱۸. گزینه ۲)

به موجب ماده یک قانون ورود و اقامت اتباع خارجه تا شخص بیگانه متقاضی ورود به ایران اجازه ورود به ایران را تحصیل نکرده باشد حق ورود به ایران را ندارد.

۳۱۹. گزینه ۲)

اتباع خارج برای خرید مال غیرمنقول در ایران باید اجازه تحصیل کنند و اظهارنامه‌ای به اداره ثبت جعل وقوع ملک بدهند.

۳۲۰. گزینه ۱)

به طور کلی قانون ایران برای اتباع بیگانه آزادی ورود به خاک ایران را شناخته است. بدیهی است این آزادی بدون قید و شرط نمی‌باشد و بیگانگان برای ورود به خاک ایران ملزم به رعایت تشریفات و مقرراتی هستند که از جمله کسب اجازه از مأمورین صلاحیتدار دولت ایران می‌باشد. این اجازه که به وسیله مأمورین دولت در خارجه به عمل می‌آید به نام ویزا یا روادید نامیده می‌شود.

۳۲۱. گزینه ۳)

برای این که حقوق بیگانگان در مملکت ضمانت اجرایی داشته باشد، اعطای حق ترافع قضایی به آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. مستنبط از قوانین ایران نیز قبول این حق برای اتباع بیگانه و اجازه رجوع به محاکم ایران است.

۳۲۲. گزینه ۳)

مستنداً به ماده ۹۶۱ قانون مدنی اصل کلی این است که بیگانگان در ایران از کلیه حقوق مدنی متمتع می‌شوند مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.

۳۲۳. گزینه ۳)

اتباع خارجه برای خرید مال غیر منقول در ایران باید اجازه تحصیل کنند و اظهارنامه‌ای به اداره ثبت سجل وقوع ملک بدهند.

۳۲۴. گزینه ۴)

ماده ۹۷۱ قانون مدنی اشعار دارد: «دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات، تابع قانون مجلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود...»

۳۲۵. گزینه ۴)

در ایران امکان سلب مالکیت از بیگانگان به شرط پرداخت غرامت عادلانه در قوانین و همچنین در معاهدات پیش‌بینی شده است و علاوه بر این ماده واحد مربوط به تملیک اموال غیر منقول بیگانگان آنان را از حق داشتن املاک مزروعی محروم کرده است.

۳۲۶. گزینه ۴)

به استناد ماده ۱۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی، «اتباع دولت‌های خارج، چه خواهان اصلی باشند و یا به عنوان شخص ثالث وارد دعا گردند، بنا به درخواست طرف دعوا، برای تأدیه خسارتی که ممکن است بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله به آن محکوم گردند باید تأمین مناسب بسپارند. درخواست اخذ تأمین فقط از خوانده تبعه ایران و تا پایان جلسه اول دادرسی پذیرفته می‌شود.»

۳۲۷. گزینه ۲)

نخستین سند در مورد حقوق بیگانگان اصل ۶ متمم قانون اساسی مشروطیت است. پس از آن، اصل ۴ قانون اساسی فعلی است، که همه مسلمانان به مثابه یک امت در نظر گرفته شده‌اند و سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران هم بر پایه اتحاد و ائتلاف ملل اسلامی (اصل ۱۱ قانون اساسی) قرار گرفته و موظف شده که نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نماید و حقوق انسانی آن‌ها را رعایت کند. باید افزود، این اصل سبب نشده است در قوانین راجع به روابط با بیگانگان در ایران جز در مواردی که در خود قانون اساسی درباره حقوق آنان محدودیت‌های بیشتر در نظر گرفته شده است، تغییر حاصل شود. علاوه بر این عهدنامه‌های دو یا چند جانبه بین‌المللی‌ای هم در مورد حقوق بیگانگان وجود دارد، که طبق ماده ۹ قانون مدنی در «حکم قانون» می‌باشند در ضمن ممکن است حق تمتع بیگانه در ایران مشروط بر رفتار متقابل دولت متبوع او نسبت به اتباع ایران باشد.

۳۲۸. گزینه ۴)

تحصیل تابعیت از سوی بیگانه با درخواست خود وی، آغاز با موافقت دولت و به صدور سند تابعیت به نام او انجام می‌پذیرد. شرایط تحصیل تابعیت طبق ماده ۹۷۹ قانونی مدنی. عبارتند از: (۱) داشتن ۱۸ سال تمام یا بیشتر (۲) داشتن سکونت در ایران به مدت ۵ سال تمام اعم از متوالی یا متناسب (۳) فراری نبودن از خدمت نظام در کشور متبوع پیشین (۴) نداشتن محکومیت کیفری به ارتکاب جرم یا جنایت غیر سیاسی در هیچ کشور درباره شرط سکونت قانونی چند دسته زیر به ترتیب معاف نشده‌اند.

(۱) کسانی که برای خدمت به دولت ایران در خارجه اقامت داشته باشند، مدت این اقامت در حکم اقامت در ایران تلقی می‌شود (قسمت اخیر ماده ۹۷۹ قانونی مدنی، ۲) مردان بیگانه که دارای همسر ایرانی می‌باشند، به شرط داشتن فرزند از یکدیگر، (۳) کسانی که با امور عام‌المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایان توجهی کرده باشند. (۴) کسانی که دارای مقامات علمی و یا متخصص در امور عام‌المنفعه می‌باشند. (ماده ۹۸۰ قانون مدنی) علاوه بر این درخواست کننده باید دارای مکنت کافی یا شغلی باشد، که هزینه زندگی او را تأمین کند. با گواهی آن از سوی شهرداری (ماده ۹۸۳ قانون مدنی) و همچنین آشنایی با زبان، تاریخ و قانون اساسی ایران داشته و اقدام به ادای سوگند و وفاداری نسبت به آن قانون به گواهی وزارت کشور بنماید.

۳۲۹. گزینه ۱)

طبق قانون «ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران» (مصوب، ۱۳۱۰ واحد اصلاحات بعدی آن)، ورود بیگانه به ایران بسته به آن است، که وی درخواست خود را برای تحصیل اجازه ورود به ایران به همراه مدارک لازم به مأموران دولت ایران تسلیم کند و آنان با این درخواست موافقت کنند. اجازه ورود به ایران روادید یا ویزا (ماده ۲ آن قانون)، علاوه بر این در مرزها هم مأموران می‌توانند برای خارجیانی که قصد عبور دارند، روادید عبور از ایران صادر کنند، بر روی گذرنامه- تذکر «پاسپورت» یا اوراق شهادت نامه‌های هویت که از سوی دولت متبوع درخواست کننده روادید صدور یافته، همان طوری که مأموران نیروی انتظامی در داخل کشور می‌توانند برای خارجیان مقیم ایران که قصد خروج دارند، روادید بازگشت به ایران صادر نمایند.

تعارض قوانین

عناوین اصلی

- ❖ مفهوم و عوامل پیدایش تعارض قوانین
- ❖ پیدایش و تکامل تاریخی تعارض قوانین
- ❖ اعمال قاعده ایرانی حل تعارض
- ❖ مسائل مهم تعارض قوانین

فصل چهارم

تعارض قوانین

مفهوم و عوامل پیدایش تعارض قوانین

مسئله تعارض قوانین هنگامی مطرح می‌شود که یک رابطه حقوقی خصوصی به واسطه دخالت یک یا چند عامل خارجی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا کند. در چنین مواردی باید دانست قانون کدام یک از کشورها بر رابطه حقوقی مورد نظر حکومت خواهد کرد. برای روشن شدن مطلب چند مثال می‌آوریم:

مثال ۱: فرض کنید که یک زن و مرد فرانسوی که در ایران اقامت دارند می‌خواهند در کشور ما ازدواج کنند. زن و مرد به فرانسه مربوط می‌شوند و از سوی دیگر به دلیل اقامت در ایران به ایران مرتبط است. در این فرض باید دید شرایط و آثار این ازدواج اتباع چه قانونی است؟ قانون ایران یا قانون فرانسه؟ بدیهی است با توجه به ماده ۷ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: "اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوطه به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود." در این مسئله تعارض باید به نفع قانون فرانسه حل کرد.

مثال ۲: فرض کنید یک ایرانی برای خرید خانه‌ای که یک انگلیس در سوئیس دارد با وی قراردادی می‌بندد. در این مورد نیز ما با یک مسئله تعارض قوانین روبرو هستیم. چون این سؤال مطرح می‌شود که این قرارداد تابع کدام قانون است؟ قانون ایران، قانون انگلیس یا قانون سوئیس؟ ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران در این مورد مقرر می‌دارد: "تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاملین اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند."

عوامل پیدایش تعارض قوانین

۱- توسعه روابط و مبادلات بین‌المللی؛ مسئله تعارض قوانین هنگامی مطرح می‌شود که یک رابطه حقوقی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا کند زیرا همانگونه که ملاحظه شد چنانچه این رابطه حقوقی به هیچ وجه مربوط به کشورهای خارجی نباشد و تمام عناصر آن در قلمرو یک کشور واحد قرار گرفته باشد، مسئله تعارض قوانین به وجود نخواهد آمد.

۲- اغماض قانونگذار داخلی و امکان اجرای قانون خارجی؛ شرط ضروری دیگر برای وجود تعارض قوانین آن است که قاضی و قانونگذار یک کشور تساهل و اغماض داشته باشند و در پاره‌ای از موارد قبول کنند که قانون کشور دیگری را در خاک خود اجرا نمایند.

۳- وجود تفاوت بین قوانین داخلی کشورها؛ اگر راه حل قوانین کشورهای مختلف در مورد مسأله‌ای یکسان باشد، دیگر انتخاب این یا آن قانون به خصوص، عملاً بی‌فایده خواهد بود.

رابطه بین تعارض قوانین و تعارض دادگاهها

در روابط بین‌المللی علاوه بر مسئله تعارض قوانین، صورت دیگری از تعارض وجود دارد که تعارض دادگاهها می‌باشد. این تعارض هنگامی است که یک عامل خارجی در دعوی وجود داشته باشد. از سوی دیگر باید متذکر شویم که حل مسئله تعارض دادگاهها مقدم بر حل مسئله تعارض قوانین است زیرا که دادگاه باید قبل از تعیین قانون حاکم بر دعوی نسبت به صلاحیت یا عدم صلاحیت خود اظهار نظر کرده باشد.

همچنین صلاحیت دادگاه یک کشور الزاماً همراه با صلاحیت قانون آن کشور نیست یعنی هرگاه در دعوی دادگاه یک کشور واجد صلاحیت باشد این صلاحیت با صلاحیت قانون کشور متبوع دادگاه ملازمه ندارد مثلاً در دعوی مربوط به احوال شخصیه بیگانگان دادگاههای ایران صلاحیت دارند ولی قانون ایران صلاحیت ندارد مگر اینکه مساله با نظم عمومی ارتباط پیدا کند که در این صورت دادگاه ایران مکلف است نسبت به ماهیت دعوی قانون ایران را به موقع اجرا بگذارد.

وجوه افتراق بین تعارض قوانین و تعارض دادگاهها

۱- **اختلاف در ماهیت:** قواعد مربوط به تعارض قوانین دو جانبه هستند یعنی گاهی قانون ایران را صلاحیت‌دار می‌دانند و گاهی قانون خارجی را واجد صلاحیت می‌دانند در حالی که قواعد مربوط به تعارض دادگاهها یک جانبه می‌باشند بدین معنی که قانونی جز قانون کشور متبوع دادگاه را واجد صلاحیت نمی‌دانند.

۲- **اختلاف در خصلت:** تعارض قوانین بیشتر دارای جنبه حقوقی است در حالی که مساله صلاحیت قضایی را معمولاً جزء مساله حاکمیت ملی به شمار می‌آورند؛ بنابراین تعارض دادگاهها بیشتر دارای جنبه سیاسی می‌باشد.

۱- **شباهت در زمینه منابع:** در بعضی از کشورها از جمله فرانسه بیشتر قواعد حقوق بین الملل خصوصی به وسیله رویه قضایی به وجود آمده است به طوری که آرای محاکم یا رویه قضایی چه در مسئله تعارض دادگاهها و چه در مسئله تعارض قوانین منبع درجه اول به شمار می‌آید.

۲- **شباهت از لحاظ روش استدلال و مطالعه موضوعات:** در حقوق داخلی برای بهتر فهمیدن موضوعات حقوقی تقسیمات و دسته‌های ارتباط را به وجود آورده اند تا در برخورد با مسائل مشخص بتوان راه حل مسائل مطروحه را پیدا کرد. همان گونه که در زمینه تعارض قوانین از تقسیمات و مفاهیم حقوق داخلی بالاخص حقوق مدنی اسفاده می‌شود، در زمینه تعارض دادگاهها نیز همان روش را به کار می‌برند و در بیشتر موارد قواعد صلاحیت دادگاهها را در حقوق داخلی در دعوی بین المللی قابل اجرا می‌دانند.

۳- **شباهت از لحاظ ساختمان:** تقسیمات اساسی که در زمینه تعارض قوانین به وجود آمده و نظریه تعارض قوانین بر مبنای آنها استوار شده است در زمینه تعارض دادگاهها نیز وجود دارد. شباهت دیگری که بین تعارض قوانین و تعارض دادگاهها وجود دارد این است که استثنائات وارده بر اجرای قانون خارجی (مسئله نظم عمومی و مسئله احاله) که در مبحث تعارض قوانین به وجود آمده است در مبحث تعارض دادگاهها نیز وجود دارد.

تأثیر متقابل تعارض قوانین و تعارض دادگاهها

۱- تأثیر تعارض دادگاهها بر تعارض قوانین و تأثیر تعارض دادگاهها در تعارض قوانین یک امر طبیعی است، زیرا حل مساله تعارض دادگاهها مقدم بر حل مساله تعارض قوانین است و قاضی باید قبل از تصمیم گرفتن در مورد قانون لازم الاجرا نسبت به صلاحیت یا عدم صلاحیت خود اظهار نظر نماید. نتیجه این امر این است که ارجاع دعوی به این یا آن دادگاه به خصوص در تعیین قانونی که باید به موقع اجرا گذاشته شود اثر می‌گذارد. زیرا بر حسب اینکه دعوی به دادگاه کدام کشور ارجاع شود قانونی که صلاحیت حکومت بر آن دعوی دارد، متفاوت می‌شود.

۲- تأثیر تعارض قوانین بر تعارض دادگاهها؛ همان گونه که گفتیم حل مساله تعارض دادگاهها مقدم بر حل مساله تعارض قوانین است و لذا این تصور پیش می‌آید که چگونه ممکن است مسئله‌ای که حل آن موخر بر حل یک مساله دیگر است بتواند در آن تأثیر داشته باشد. با وجود این باید در نظر داشت که چون مساله تعارض دادگاهها و مساله تعارض قوانین با یکدیگر رابطه نزدیک دارند قاضی هر دو مساله را توأمأ مدنظر قرار می‌دهد و در آغاز رسیدگی کار قضایی، هر قضیه و دعوی را من حیث المجموع در نظر می‌گیرد و بر حسب قانونی که باید به موقع اجرا گذارد خود را صالح برای رسیدگی به دعوی اعلام می‌کند.

اصطلاحات تعارض قوانین

صلاحیت قانونگذاری: تشخیص قانونی است که از بین قوانین متعارض باید بر موضوع معینی حکومت کند.

صلاحیت قضایی: تشخیص دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به موضوع معینی را دارد.

قواعد حل تعارض یا قواعد تعارض قوانین: قواعدی است که تنها به تعیین قانونی که باید بر موضوع معینی حکومت نماید اکتفا

می‌کند و مساله مطروحه را مستقیماً حل نمی‌کند.

دسته‌های ارتباط: به منظور طرح درست مسائل و یافتن راه حل صحیح آنها روابط حقوقی متجانس را در دسته‌هایی که آنها را دسته‌های ارتباط می‌گویند، تقسیم می‌کنند. مفاهیمی چون احوال شخصیه اموال و قراردادها دسته‌های ارتباط می‌باشند زیرا هر دسته از دسته‌های ارتباط، با قانون خاصی که به وسیله قواعد تعارض قوانین معین شده است، ارتباط پیدا می‌کند. تشخیص اینکه یک رابطه حقوقی شخص، داخل در کدام دسته ارتباط است، توصیف نامیده می‌شود.

قوانین درون مرزی: منظور قانونی است که در سرزمین یک کشور نسبت به تمام افرادی که در آن کشور سکونت دارند (اعم از اینکه تبعه باشند یا خارجی) و همچنین نسبت به تمامی اموالی که در آن کشور واقع شده است اجرا شود.

قوانین برون مرزی: قوانینی است که در خارج از قلمرو کشوری که برای آن وضع گردیده‌اند، اجرا می‌شوند. نمونه بارز قوانین برون مرزی قوانین مربوط به احوال شخصیه می‌باشد.

قوانین شخصی (قوانین مربوط به اشخاص): قوانینی است که بر احوال شخصیه حکومت می‌کند و چون احوال شخصیه شامل وضعیت و اهلیت است می‌توان گفت قوانینی است که حاکم بر وضعیت و اهلیت افراد می‌باشد.

قوانین عینی یا ذاتی: قوانین مربوط به اموال قوانینی است که موضوع اصلی آنها اموال و حقوق مالی است مثل قوانین راجع به تملک اموال و معاملات.

قانون ملی: منظور قانون کشور متبوع شخصی است که راجع به او موضوعی حقوقی مطرح می‌شود.

قانون اقامتگاه: قانون کشوری است که شخص در سرزمین آن کشور اقامتگاه برگزیده است.

قانون محل وقوع شیء: قانون کشوری است که در آنجا مالی واقع شده است. (ماده ۹۶۶)

قانون محل تنظیم سند: قانون کشوری است که در آنجا سند تنظیم شده است. (ماده ۹۶۶)

قانون مالکیت اراده: قانونی است که طرفین عقد تعیین کرده‌اند و تعهدات قراردادی خود را تابع آن قرار داده‌اند. (ماده ۹۶۸)

قانون محل وقوع: قانون کشوری است که عقد در آنجا واقع شده است. (ماده ۹۶۸)

قانون مقر دادگاه: قانون کشوری است که دعوی در آنجا جریان دارد یا قانون کشور متبوع دادگاه است که به دعوای مطروحه رسیدگی می‌کند.

قلمرو تعارض قوانین

مسئله تعارض قوانین هنگامی مطرح می‌شود که یک رابطه مربوط به حقوق خصوصی به علت دخالت یک یا چند عامل خارجی مربوط به دو یا چند کشور می‌شود که در این صورت مطلوب ما تعیین قانون صلاحیتدار خواهد بود. اگر چه از این تعریف اجمالی چنین استنباط می‌گردد که قلمرو مفهوم تعارض قوانین از یک سو محدود به روابط حقوق خصوصی و از سوی دیگر محدود به روابط بین المللی است. از یک سو حقوق جزای بین المللی، حقوق اداری بین المللی و حقوق مالیه بین المللی و از سوی دیگر، تعارض داخلی قوانین جز قلمرو تعارض قوانین به شمار می‌آیند. نتیجه ای که از تفاوت بین مسئله تعارض قوانین در حقوق خصوصی و مسئله تعیین قلمرو اجرای قوانین جزایی و اداری و مالیاتی پیدا می‌شود این است که اگر قاضی ملی نتواند در این مسائل قانون دولت متبوع خود را به موقع اجرا بگذارد باید اعلام عدم صلاحیت کند. بنابراین بهتر است رشته‌های مزبور را از قلمرو تعارض قوانین خارج دانسته و تعارض قوانین را منحصر به روابط مربوط به حقوق خصوصی بدانیم.

روشهای حل تعارض قوانین

به طور کلی روشهای حل تعارض قوانین دو دسته می‌باشند:

۱- **روش اصولی یا جزمی:** روشی است که به موجب آن برای تعیین قاعده حل تعارض قوانین ابتدا باید یک مساله اصلی یا عقیده جزمی مورد قبول قرار گیرد و نظریات کلی بر روی آن بنا نهاده شود و سپس احکام مورد خاص از آن نظریات کلی استنتاج گردد. پیروان روش اصولی یا جزمی ملاحظات سیاسی را مقدم بر ملاحظات حقوقی دانسته و هرگاه بخواهند برای یک تعارض معین راه حل پیدا کنند منافع خاص هر کشور را در نظر می‌گیرند و سپس احکام مربوط به آن تعارض معین را استنتاج می‌کنند؛ مثلاً اگر

بخواهند راه حلی در مورد مسائل مربوط به احوال شخصیه ارائه دهند، ابتدا به این مساله توجه می‌کنند، کشوری که قاعده حل تعارض برای آن باید تعیین شود از کشورهای مهاجرپذیر است یا از کشورهای مهاجر فرست، می‌گویند مصلحت کشورهای دسته اول ایجاب می‌کند که احوال شخصیه را تابع قانون اقامتگاه بدانند (در مورد تابعیت هم سیستم خاک را اعمال می‌کنند) در حالی که کشورهای دسته دوم مصلحت خود را در این می‌بینند که احوال شخصیه را مطیع قانون ملی بدانند (در مورد تابعیت هم سیستم خون را اعمال می‌نمایند).

روش حقوقی یا انتخاب نسب: روشی است که به موجب آن برای تعیین قاعده به منظور حل تعارض قوانین صرفاً از لحاظ علمی و نظری، حکمی را که مناسب هر دسته از تعارض باشد، جستجو می‌کنند. در این روش هیچگونه فرضیه قبلی یا اصل مسلم و غیرقابل بحثی وجود ندارد و جنبه سیاسی مساله تعارض قوانین تحت الشعاع جنبه حقوقی آن قرار می‌گیرد. برای پیرامون روش حقوقی یا انتخاب نسب تنها یک مساله اهمیت دارد و آن مساله این است قاعده‌ای را که برای حل تعارض قوانین انتخاب می‌شود از لحاظ علمی و نظری یک قانون مناسب باشد. به طور کلی مکتبهایی که روش حقوقی دارند عام الشمول و تحلیلی می‌گویند در حالی که مکتبهایی را که روش اصولی دارند خاص الشمول و استنتاجی می‌نامند.

پیدایش و تکامل تاریخی تعارض قوانین

به طور کلی دوران تکامل تعارض قوانین را به دو دسته تقسیم می‌کنند. یکی دوره قدیم که از اواخر قرن دوازدهم میلادی شروع می‌شود و در اواخر قرن هیجدهم پایان می‌یابد و دیگری دوره جدید می‌باشد که از اوایل قرن نوزدهم شروع شده و تا دوران معاصر ادامه می‌یابد.

الف) مکاتب دوران قدیم:

- ۱- مکتب قدیم ایتالیایی یا مکتب شارحین: پیدایش دسته‌های ارتباط (قرن سیزدهم و چهاردهم)
- ۲- مکتب فرانسوی: عنوان کردن مساله توصیف و اجرای روش اصولی یا جزمی (قرن شانزدهم)
- ۳- مکتب هلندی: طرح مساله مبنای اجرای قانون خارجی (قرن هفدهم)

۱- مکتب قدیم ایتالیایی

این مکتب را که مکتب شارحین نیز می‌گویند، در اواخر قرن دوازدهم میلادی به وجود آمد و نخستین مکتب تعارض قوانین است. مکتب شارحین را مکتب حاشیه نویسان نیز می‌نامند به دلیل اینکه با جستجو در حقوق روم که مقام شامخی در حقوق آن دوران داشت، عبارت یا نصی را پیدا می‌کردند و آن را متمسک قرار می‌دادند و سپس به کمک یک حاشیه نظر خود را اعلام می‌نمودند. از بین شارحین حقوق روم امورس از همه مشهورتر است و شهرت آن به خاطر حاشیه مهمی است که در سال ۱۲۲۸ بر یکی از قوانین ژوستینین که در قرن چهارم در مورد مسیحیان صادر نموده بود، نوشته است. این قانون که به نام قانون کنکتس پپلس معروف شده ناظر به حل تعارضی است که بین مسیحیان و سایرین وجود داشته است. بدین ترتیب نخستین مکتب تعارض قوانین و شکست محلی بودن مطلق قوانین با حاشیه آکورس آغاز می‌گردد. حاشیه آکورس مبنای کار حاشیه نویسان متأخر قرار گرفت که بنیانگذاران مکتب بلنی می‌باشند و بنیانگذاران این مکتب بارتل می‌باشد.

مشخصات مکتب ایتالیایی

روش مکتب ایتالیایی:

مکتب ایتالیایی یک مکتب حقوقی است که دارای دو جنبه عام الشمول و تحلیلی می‌باشند. پیروان آن هیچگونه فرضیه قبلی یا اصل مسلم و غیر قابل بحثی قائل نبودند و مسائل را صرفاً از لحاظ علمی و قطع نظر از عامل سیاسی مطرح و راه حل مناسب آنها را جستجو می‌کردند.

راه حل‌های مکتب ایتالیایی:

- ۱- تفکیک بین مسائل تشریفاتی و مسائل ماهوی: قواعد مربوط به دادرسی را به موجب قانون مقر دادگاه و قواعد ماهوی را به موجب قاعده "محل، بر سند حکومت می‌کند" قرار می‌دادند.
- ۲- حکومت قانون محل انعقاد عقد بر تمام مسائل مربوط به قرارداد

۳- تبعیت جرایم از قانون محل وقوع جرم.

۴- تفکیک بین قوانین مناسب و قوانین نامناسب و منفور

۲- مکتب قدیم فرانسوی

مهمترین نمایندگان مکتب فرانسوی دومولن و درژانتره می‌باشند. دومولن موفق به کشف مساله توصیفها گردید و درژانتره روش اصولی را به کار گرفته، مساله سرزمینی بودن قوانین را عنوان کرده است.

۱- **دومولن:** روش کار دومولن مانند شارحین واجد تفسیرهای تحلیلی و عام الشمول است و بعضی از راه حل‌های شارحان متأخر را از قبیل اجرای قاعده "محل، بر، سند حکومت می‌کند" و همچنین تفکیک بین قوانین مناسب و قوانین نامناسب حفظ کرده است. دومولن را باید نخستین مؤسس مکتب فرانسوی دانست و آن از لحاظ ابتکاری است که در مورد تعیین قانون حاکم بر قراردادهای خود بروز داده است. مبتکر نظریه حاکمیت اراده، دومولن می‌باشد و به طور کلی قوانین را به دو دسته تقسیم می‌کند: قوانین مربوط به اشخاص و قوانین مربوط به اموال.

۲- **درژانتره:** پیدایش اصل سرزمینی بودن قوانین. درژانتره نخستین حقوقدانی است که در سیستم تعارض قوانین خود روش اصولی یا جزمی را به طور کامل اعمال کرده است و اصل سرزمینی بودن یا محلی بودن قوانین را بیان نموده است. دکترین درژانتره یک دکترین اصولی است که واجد دو جنبه خاص الشمول و استنتاجی می‌باشد. دکترین درژانتره جنبه اصولی دارد بدین معنی که او به جنبه‌های نظری و عملی مسائل چندان اهمیتی نمی‌دهد بلکه تنها به نتایج خوب یا بد حاصل از آنها می‌اندیشد. به نظر او قاعده حل تعارض باید واجد یک شرط اساسی باشد و آن شرط این است که مصالح سیاسی لطمه‌ای وارد نسازد. درژانتره تحت تأثیر افکار فنودالی به اصل سرزمینی بودن قوانین تمایل پیدا کرده است.

خاص الشمول بودن دکترین درژانتره: درژانتره یک فرضیه قبلی را که عبارت است از اصل مصلحت سرزمین یا اصل محلی بودن قوانین پایه عقاید خود قرار داده و می‌گوید عرفها محلی هستند.

استنتاجی بودن: راه حل تعارض قوانین را از نظریات کلی که در نتیجه قبول یک فرضیه قبلی به وجود آمده است (اصل سرزمینی بودن قوانین) استنتاج می‌کند. درژانتره قوانین را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱- قوانین محلی که اصل می‌باشند.

۲- قوانین شخصی که استثناء می‌باشند.

۳- قوانین مختلط که آنها را نیز در حکم قوانین محلی به شمار می‌آورد و معتقد است در جایی که تردید به وجود می‌آید باید اجرای قوانین محلی را بر قوانین شخصی ترجیح داد.

مکتب هلندی

تعیین مبنای اجرای قانون خارجی:

در واقع می‌توان گفت مکتب هلندی ادامه دهنده مکتب درژانتره می‌باشد به طوری که هر دو مکتب معتقد به اصل محلی بودن قوانین هستند و فقط در موارد معدودی اجرای قانون خارجی را مجاز می‌دانند. نمایندگان مکتب هلندی عبارتند از:

پل وات، ژان وات و اولریک هوبر.

مشخصات مکتب هلندی:

مکتب هلندی همانند مکتب درژانتره اصل را بر محلی بودن و سرزمینی بودن قوانین قرار می‌دهد. سهم اصلی مکتب هلندی تعارض قوانین، مربوط است به مبنا و اساسی که برای اجرای قانون خارج پیدا کرده‌اند و معتقدند که اگر در بعضی موارد استثنایی کشوری قبول کند که قانون کشور دیگری را در خاک خود اجرا کند، این امر صرفاً به لحاظ رعایت نزاکت بین‌المللی است که مبنای آن نیز منافع آن دولت می‌باشد.

مکتب‌های دوره جدید:

مکتب‌هایی که در این دوره به وجود آمده‌اند، عبارتند از:

۱- مکتب آلمانی قرن نوزدهم

۲- مکتب جدید ایتالیایی

۳- مکتبهای جدید فرانسوی: ۱- قبل از جنگ جهانی اول ۲- بعد از جنگ جهانی اول مکتب آلمانی

علمای این مکتب، مساله تعارض قوانین را به صورت حقوقی و فلسفی مطرح می‌کنند و معتقدند که قاضی در موقع حدوث تعارض بین قانون داخلی و قانون کشور بیگانه بایستی قانون صلاحیت‌دار را با توجه به اصول کلی حقوقی تشخیص دهد و می‌گویند در حل تعارض قوانین باید طبیعت و منظور از وضع قوانین مورد توجه قرار گیرد. نمایندگان این مکتب عبارتند از: واختر، شافنر و ساوینی. به دلیل اهمیت و اعتباری که ساوینی در مکتب آلمانی داشته است به توضیح در مورد عقیده و مکتب او می‌پردازیم.

به طور کلی دکترین ساوینی را دکترین تاریخی می‌نامند. دکترین ساوینی بر اساس مفهوم خاصی قرار گرفته که جامعه مشترک حقوقی نامیده شده است. ساوینی اصل جامعه مشترک حقوقی را به صورت ساده‌ای عنوان می‌کند: هرگاه یک رابطه حقوق خصوصی از چارچوب حقوق داخلی یک کشور فراتر رود و به دو یا چند کشور ارتباط پیدا کند در اینجا باید رابطه مزبور را مشمول مقررات داخلی یکی از کشورها دانست. با توسل به مبانی مشترک آنها، یعنی قواعد حقوق رم می‌توانند به راه حل مشترکی برسند. به طوری که قانون صلاحیت‌دار حاکم بر آن رابطه در کشورهای مزبور می‌تواند به طور یکسان انتخاب شود. به نظر ساوینی اشاعه مسیحیت و حقوق رم وجوه اشتراک آنها افزوده است.

سیستم ساوینی:

تعیین پایگاه روابط حقوقی برحسب ماهیت آن: ساوینی معتقد است که در برخورد با هر تعارضی ابتدا باید حالات یا روابط حقوقی را که تعدادشان نامحدود است معین کرد. در مرحله دوم باید برای هر حالت یا رابطه حقوقی پایگاهی در نظر گرفت تا بتوان آن را از لحاظ حقوقی به کشوری مربوط نمود. مرحله سوم مرحله تشخیص پایگاه است که ساوینی برای آن اهمیت زیادی قائل است زیرا به نظر او پس از تشخیص پایگاه رابطه حقوقی، تعیین قانون صلاحیت‌دار ساده خواهد بود.

مکتب جدید ایتالیایی (مکتب منچینی)

این مکتب را مکتب شخصیت قوانین نیز می‌گویند که از بسیاری جهات شبیه مکتب اصولی درژانتره است. مؤسس این مکتب منچینی می‌باشد که سهم عمده‌ای در تحقق وحدت سیاسی ایتالیا داشته است.

مشخصات دکترین منچینی

دکترین منچینی یک دکترین اصولی است. فرضیه قبلی و اصل غیرقابل بحثی که اساس نظریات این دکترین را تشکیل می‌دهد وحدت ملی یا برون مرزی بودن قوانین (اصل شخصی بودن) می‌باشد. این اصل دارای قلمرو وسیعی است و علاوه بر مسائل مربوط به احوال شخصیه، در خصوص موضوعات مربوط به ارثیه منقول یا غیر منقول و رژیم مالی زناشویی نیز اجرا می‌گردد. بر این اصل استثنائاتی وارد است که در آن موارد قانون محلی به موقع اجرا درخواهد آمد. این موارد عبارتند از:

۱- آئین مربوط به نظم عمومی بین‌المللی در دکترین منچینی: قوانین مربوط به نظم عمومی بین‌المللی به قوانینی گفته می‌شود که به منظور حفظ منافع دولت وضع شده و قانون ملی شخص نمی‌تواند آنها را نقض کند.

۲- حاکمیت اراده: تعهدات قراردادی تابع قصد طرفین عقد بوده و قانون صلاحیت‌دار در مورد آنها قانونی است که طرفیت عقد تعیین می‌کنند و نه قانون ملی اشخاص.

۳- قوانین مربوط به اسناد: اسناد از لحاظ شکلی تابع قانون محل تنظیم سند هستند و بنابراین امور مربوط به صورت اسناد از صلاحیت قانون ملی خارج می‌شوند.

مکتبهای جدید فرانسوی

الف- مکتب جدید فرانسوی قبل از جنگ جهانی اول (مکتب پیه)

مؤسس این مکتب پیه می‌باشد که تحت تأثیر ملاحظات مربوط به حقوق بین‌الملل عمومی بوده و دکترین او از سایر دکترین متمایز می‌باشد.

مشخصات دکترین پیه:

دکترین پیه یک دکترین حقوقی است که واجد دو جنبه عام الشمول و تحلیلی است. پیه تحلیل دکترین خود را بر اساس سه موضوع قرار می‌دهد:

از لحاظ حقوق داخلی هر قانونی دو جنبه دارد: یکی دوام و دیگری عمومیت در حقوق بین الملل خصوصی فقط باید یکی از دو جنبه حفظ شود. تشخیص جنبه‌ای که باید حفظ شود بسته به غایت اجتماعی قانون است.

موضوع اول:

از لحاظ داخلی قانونی دو جنبه دارد یکی دوام و دیگری عمومیت

۱- دوام: مقصود از دائمی بودن قانون این است که پس از وضع انتشار آن بدون قطع اثر دارای اقتدار و سلطه باشد. یعنی به طور دائم در مورد اشخاص و اموالی که موضوع آن را تشکیل می‌دهند حکومت کند و مادام که نسخ نشده باشد به قوت خود باقی خواهد بود.

۲- عمومیت: منظور از عمومی بودن قانون این است که بدون تبعیض نسبت به تمام اشخاص و اموال و روابط حقوقی که مشمول آن هستند مجری خواهد بود.

موضوع دوم: در حقوق بین الملل خصوصی فقط باید یکی از دو جنبه حفظ شود:

در روابط بین المللی قانون یک کشور نمی‌تواند در عین حال هم جنبه دائمی داشته باشد و هم جنبه عموم، زیرا از یک طرف برای اینکه قانون اثر دائمی داشته باشد باید درباره کلیه افرادی که تابع آن هستند ولو اینکه در خارجه باشند، اجرا گردد؛ یعنی در این صورت تمام قوانین باید برون مرزی باشند زیرا دوام قانون ملازم با برون مرزی بودن آن است. از طرف دیگر برای اینکه قانون اثر عمومی داشته باشد باید داخل کشور و نسبت به همه اجرا گردد که این امر با درون مرزی بودن یا محلی بودن قوانین ملازمه دارد و ممکن نیست که یک قانون در آن واحد هم درون مرزی و هم برون مرزی باشد. در حقوق بین الملل خصوصی ضرورت ایجاب می‌کند که قانون فقط یکی از دو صفت را حفظ کند و صفت دیگر را از دست بدهد. اگر قانون صفت دوام داشته باشد در این صورت جنبه برون مرزی پیدا می‌کند و در خارج کشور نسبت به اتباع داخله اجرا می‌شود در حالی که اگر قانون جنبه عمومیت داشته باشد در این صورت نسبت به اتباع داخله اجرا می‌شود در حالی که اگر قانون جنبه عمومیت داشته باشد در این صورت جنبه درون مرزی پیدا کرده و در داخل قلمرو نسبت به تمام افراد اعم از تبعه و بیگانه اجرا می‌شود.

موضوع سوم: تشخیص جنبه‌ای که باید حفظ شود بسته به غایت اجتماعی قانون است: پیه معتقد است که مقصود اجتماعی یک قانون در واقع روح و علت نمایی آن است. اگر غایت اجتماعی قانون با دوام آن وفق دهد باید فقط دوام آن حفظ شود چرا که این غایت باید هم در روابط داخلی و هم در روابط بین المللی تعقیب شود در حالی که اگر غایت اجتماعی قانون بیشتر با جنبه عمومیت آن وفق دهد باید فقط این جنبه حفظ شود. به طور کلی می‌توان گفت هر جا که قوانین محلی وجود نداشته باشد در آنجا صفت دوام، قانون ظاهر و آشکار است و صفت دوام بیشتر در مورد قوانین شخصی است در حالی که صفت عمومیت بیشتر در مورد قوانین سرزمینی است.

مکتبهای جدید فرانسوی بعد از جنگ جهانی اول

گرایش کلی دوران بعد از جنگ این است که وسعت شمول داخلی باید در حد امکان افزایش یابد و به عبارت دیگر اصل، درون مرزی بودن قوانین است و اجرای قوانین خارجی باید جنبه استثنائی داشته باشد. معروفترین نمایندگان این مکتب دوواری سومیر، نی بوایه و بارتن می‌باشند.

دکترین دوواری سومیر: تمایل این دکترین به اصل سرزمینی بودن قوانین است که خود ناشی از گرایش ناسیونالیستی می‌باشد. به نظر سومیر قانون هر کشوری اصولاً در قلمرو همان کشور باید به موقع اجرا درآید. زیرا قانونگذار احکام و مقررات را برای کشور خود وضع می‌کند نه برای سایر کشورها. معنای درون مرزی قوانین این است که قانون کشوری که در آنجا وضعیتی به وجود آمده است، اجرا گردد. البته این اصل استثنائاتی دارد که به قرار زیر می‌باشد:

۱- نخستین استثناء مربوط است به احوال شخصیه که منحصراً به شخص ارتباط پیدا می‌کند و تابع قانون ملی هستند.

- ۲- دومین استثناء راجع به ارثیه منقول است که به نظر او تابع قانون اقامتگاه متوفی می‌باشد.
- ۳- سومین استثناء در خصوص شکل خارجی اسناد است. اسناد بنا به جهات دلایل عملی باید از حیث شرایط شکلی تابع قانون کشوری باشند که در آنجا تنظیم شده‌اند.
- ۴- چهارمین استثناء در مورد حاکمیت اراده است زیرا مسائل قراردادی تابع قصد متعاملین بوده و مشمول قانونی است که طرفین عقد تعیین کرده‌اند.

دکترین نی بوایه: نی بوایه معتقد است که برای یافتن راه حل تعارض قوانین نمی‌توان قوانین را صرفاً با توجه به غایت اجتماعی آنها مورد توجه قرار داد بلکه باید جنبه‌های فنی را نیز در نظر گرفت و معتقد است که اکثریت بزرگی از قوانین، قوانینی هستند که ذاتاً جنبه عمومی دارند و قوانینی که جنبه دائمی دارند کاملاً تحت الشعاع قرار می‌گیرند. به نظر او آنچه باید در درجه اول اهمیت قرار گیرد حفظ مصالح کشور است و بنابراین اصل سرزمینی بودن قوانین خیلی بهتر از اصل شخصی بودن قوانین منافع کشور را حفظ می‌کند و از این رو شخصیت قوانین یک امر استثنائی است که باید به صورت محدود پذیرفته شود.

دکترین بارتن: بارتن معتقد است اگر چه سرزمینی بودن و خاص الشمول بودن عموماً به یکدیگر وابسته‌اند ولی ممکن است این دو جنبه توأماً وجود داشته باشد. دکترین بارتن در حالی که جنبه تحلیلی دارد خاص الشمول می‌باشد و روشی را که به وجود آورده روشی است که مبتنی بر تحلیل سازمان‌های حقوق مدنی داخلی است بدین معنی که برای یافتن راه حل تعارض قوانین از مفاهیم و مقولات حقوق داخلی الهام گرفته است.

بارتن با توجه به اختلاف بین قوانین داخلی کشورها و فقدان جامعه مشترک حقوقی نظریه خود را در مورد نظم عمومی توسعه داده و بر این مطلب تأکید می‌کند که هر کشور برای حل تعارض قوانین سیستم ملی مخصوصی به خود دارد که باید تحلیل شود.

اعمال قاعده ایرانی حل تعارض

رابطه بین سیستم‌های حل تعارض

به طور کلی اختلاف بین سیستم‌های حل تعارض از دو جهت قابل توجه است: یکی از جهت محتوای دسته‌های ارتباط و دیگری از جهت قواعد حل تعارض.

۱- **اختلاف از جهت محتوای دسته‌های ارتباط:** در مورد اینکه هر دسته ارتباط شامل چه موضوعاتی است اتفاق نظر وجود ندارد و پاسخ مساله از کشوری دیگر ممکن است، متفاوت شود. مثل حقوق ارثیه که در بعضی از کشورها از جمله ایران، آلمان و... داخل در دسته احوال شخصیه است در حالی که در بعضی از کشورهای دیگر مانند فرانسه، داخل در دسته اموال می‌باشد. این مساله که در حقیقت تعیین ماهیت حقوقی موضوع متنازع فیه است در تعارض قوانین، **مساله توصیف‌ها** نامیده می‌شود.

۲- **اختلاف از جهت قواعد حل تعارض یا قواعد ارتباط:** قواعد حل تعارض همیشه در کشورهای مختلف یکسان نیستند و ممکن است از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشند احوال شخصیه. در بعضی کشورها از جمله ایران، فرانسه تابع قانون دولت متبوع افراد است و در بعضی کشورهای دیگر مانند انگلیس، آمریکا تابع قانون اقامتگاه می‌باشد. اختلاف در قواعد حل تعارض سبب حدوث نوعی از تعارض می‌شود که در نتیجه آن مساله خاصی مطرح می‌شود که آن را **مساله احاله** می‌نامند.

الف) مساله توصیف‌ها:

به طور کلی توصیف، تعیین نوع امر حقوقی است که یک قاعده حقوق بین‌الملل خصوصی باید نسبت به آن اجرا گردد. مساله توصیف‌ها مقدم بر مساله اعمال قاعده حل تعارض می‌باشد زیرا دادگاه باید قبل از اینکه قاعده تعارض را اعمال نماید، باید نسبت به مفاهیم و عناصر تشکیل دهنده آن اظهار نظر نماید. به طور مثال می‌توان گفت دادگاه باید قبل از اینکه قاعده مندرج در ماده ۷ قانون مدنی را اعمال کند نسبت به مفاهیم اهلیت و وضعیت اظهار نظر نماید. به عبارت دیگر، دادگاه قاعده مزبور را نمی‌تواند اعمال کند مگر اینکه قبلاً موضوعات داخل و در دسته احوال شخصیه را مشخص کند. از سوی دیگر این مساله پیش می‌آید که تعارض توصیف‌ها را باید بر طبق چه قانونی حل کنیم. قانون سبب یا قانون مقر دادگاهها بعضی از علما عقیده دارند که قانون صلاحیت‌دار برای توصیف رابطه حقوقی باید قانون سبب باشد، یعنی قانون حاکم بر قضیه‌ای که به سبب آن مساله مطرح می‌شود زیرا این



توصیف هم با طبیعت رابطه حقوقی هماهنگی دارد و هم با اصل اعتبار و شناسایی بین المللی حقوق مکتسبه موافق است. اما طرفداران توصیف به موجب قانون مقرر دادگاه به دلایل زیر این عقیده را رد می کنند.

۱- **طبیعت قاعده حل تعارض:** در تحلیل نهایی توصیف عبارتست از: تفسیر و تعریف قاعده حل تعارض، لذا قاضی ایرانی باید معنای قاعده ایرانی احاله تعارض را بر طبق قانون ایران (قانون مقرر دادگاه) معین نماید نه بر طبق قانون خارجی (قانون سبب) بنابراین وقتی قانونگذار ایران مقرر می دارد که احوال شخصیه بیگانگان تابع قانون دولت متبوع آنهاست. تعیین موضوعات داخل دسته احوال شخصیه هم که چیزی جز تفسیر قاعده مزبور نیست فقط باید به موجب قانون ایران انجام شود.

۲- **مصادره به مطلوب:** عقیده ای که بر مبنای آن قانون صلاحیتدار برای توصیف یک رابطه حقوقی باید قانون سبب باشد بر مبنای مصادره به اموال است زیرا تعارض بین قانون دو کشور حل نمی شود مگر اینکه قبلاً مساله توصیف حل گردد. صلاحیت قانون خارجی نتیجه توصیف است و تا زمانی که توصیف انجام نشده باشد، صلاحیت قانون خارجی محرز نخواهد بود. با توجه به این دلایل است که اکثریت قریب به اتفاق علمای معاصر توصیف به موجب قانون، سبب را مردود دانسته و به طور کلی قانون صلاحیتدار برای توصیف یک رابطه حقوقی همان قانون متبوع محکمه ای است که قضیه در آن مطرح است.

۳- **حدود صلاحیت قانون مقرر دادگاه:** اصل صلاحیت قانون مقرر دادگاه محدودیتها و استثنائاتی دارد که در آن مورد باید به قانون خارجی رجوع شود:

۱- لزوم دخالت قانون خارجی در جریان توصیف: علت دخالت قانون خارجی این است که اعمال قاعده ملی حل تعارض نسبت به سازمان های حقوقی خارجی ممکن نیست مگر اینکه خصوصیتی که سازمان های مزبور به موجب قانون خارجی واجد هستند، مورد تحلیل قرار گیرند. توصیف یا تعیین ماهیت حقوقی موضوع فیه در حقیقت دارای دو مرحله است:

(الف) مرحله مقدماتی یا مرحله تحلیل مساله که به موجب قانون سبب انجام می شود.

(ب) مرحله نهایی یا مرحله صدور رأی که بر طبق قانون مقرر دادگاه انجام می گیرد.

۲- دومین استثناء مربوط است به مواردی که اعمال قاعده ایرانی حل تعارض ملازمه دارد با اینکه تعاریف و توصیفهای قانون خارجی پذیرفته شود. مثلاً احوال شخصیه اتباع خارجی در ایران تابع قانون کشور متبوع آنهاست (ماده ۷) یعنی تبیین قانون حاکم بر احوال شخصیه بستگی به تابعیت خارجی دارد. حال می خواهیم بدانیم تعریف یا توصیف تابعیت خارجی باید مطابق کدام قانون (قانون مقرر دادگاه و یا قانون سبب) به عمل آید. به دلیلی است که در اینجا قانونی جز قانون خارجی نمی تواند صلاحیتدار باشد چه تابعیت خارجی همان تابعیتی است که تبعه خارجی به موجب قانون خارجی به دست می آورد و قانون ایران در این مورد صلاحیتی نخواهد داشت.

۳- سومین استثناء توصیفهایی است که توصیف فرعی نامیده می شوند. (نظریه بارتن) این استثناء مهمترین استثنای وارده بر صلاحیت قانون مقرر دادگاه می باشد زیرا توصیف مقدمه اعمال قاعده حل تعارض است بنابراین توصیفهای تابع قانون مقرر دادگاه است که برای اعمال قاعده حل تعارض ضروری می باشند (توصیف اصلی) اما در مورد توصیفهایی که برای اعمال قاعده حل تعارض ضروری نیستند باید به قانون سبب مراجعه کرد.

مثال: در مورد توصیف یک مال به عنوان مال منقول یا غیر منقول می گوئیم چون منقول یا غیر منقول بودن یک مال در اعمال قاعده حل تعارض دخالتی ندارد، چه در هر صورت قانون صلاحیتدار قانون محل وقوع مال خواهد بود. بنابراین توصیف مزبور یک توصیف فرعی است. از سوی دیگر می توانیم بگوئیم که توصیف یک حق به عنوان حق عینی یا دینی توصیف اصلی است و طبق قانون مقرر دادگاه انجام می شود.

۳- **حدود صلاحیت قانون مقرر دادگاه:** لزوم توصیف به موجب قانون مقرر دادگاه از جانب کسانی که در فکر ایجاد وحدت در زمینه حقوق بین الملل خصوصی هستند مورد تشکیک قرار گرفته است. می گویند حتی اگر وحدت قواعد حل تعارض نیز تحقق پیدا کند باز هم این احتمال وجود دارد که قضات ملی با توصیفهای متفاوت خود، یعنی با داخل کردن یک سازمان حقوقی واحد در دسته های متفاوت هماهنگی نظام های حل تعارض را بر هم زنند. مخالفین صلاحیت قانون مقرر دادگاه گفته اند که توصیف بر طبق قانون مقرر دادگاه در واقع نظام های ملی را در انزوای حقوقی قرار می دهد. در واقع دخالت انحصاری توصیف ملی یا توصیف به موجب قانون مقرر دادگاه موجه و منطقی نیست مگر اینکه مسئله اعمال قواعد حل تعارض قانون کشور متبوع دادگاه مطرح باشد. به

عبارت دیگر، اصل صلاحیت قانون مقر دادگاه محدودیت‌ها و استثناهایی دارد که در آن موارد باید به قانون خارجی (قانون سبب) رجوع شود.

ب) احاله

بین سیستم‌های حل تعارض سه حالت ممکن است به وجود آید:

- ۱- حالت هماهنگی و اتفاق نظر
 - ۲- حالت تعارض مثبت که در این مورد قواعد حل تعارض هر سیستم قانون داخلی خود را صلاحیت‌دار می‌داند.
 - ۳- حالت تعارض منفی که در رابطه بین دو سیستم حل تعارض، هر سیستم برای حل قضیه، به سیستم دیگر ارجاع می‌دهد. در این صورت مساله پیچیده‌ای مطرح می‌شود که معروف به مساله احاله است.
- احاله به دو صورت، ممکن است ظاهر شود:
- ۱- احاله درجه اول، احاله‌ای است که قانون خارجی به قانون کشوری می‌کند که قضیه در آنجا مطرح است.
 - ۲- احاله درجه دوم، احاله‌ای است که قانون خارجی به قانون کشور ثالثی می‌نماید.

زمینه تاریخی مسئله احاله - قضیه فورگو

موضوع احاله اگر چه از قرن هجدهم به بعد در انگلیس معمول بوده است، ولی رویه قضایی انگلیس این مسئله را مستقلاً و به طور روشن مورد توجه قرار نداده بود. در رویه قضایی فرانسه مسئله احاله برای اولین بار در سال ۱۸۷۱ در محاکمه بین وراث شخصی موسوم به فورگو و اداره خالصجات فرانسه مطرح شد و حل آن چندین سال به طول انجامید تا آنکه در سال ۱۸۷۸ به موجب حکم دیوان کشور فرانسه صریحاً مورد قبول واقع شد.

شرح قضیه فورگو: قضیه مربوط به ارثیه یک باواریایی است که از سن پنج سالگی تا زمان مرگش در فرانسه اقامت داشت. طبق حقوق بین الملل خصوصی فرانسه و باویر، قانون آخرین اقامتگاه بر ارثیه منقول متوفا حاکم بود، اما در تعیین اقامتگاه، بین دو سیستم حقوقی اختلاف نظر وجود داشت. به نظر دولت فرانسه، اقامتگاه واقعی فورگو با اقامتگاه قانونی او که در باویر بود مطابقت نداشت، زیرا طبق ماده ۱۳ قانون مدنی فرانسه مصوب ۱۸۰۴، مادامی که اشخاص مقیم در کشورهای خارجی اقامتگاه قانونی خود را در قلمرو فرانسه مستقر نمایند، تابع قوانین محل اقامت قانونی نخواهند شد. بنابراین، بر اساس حقوق فرانسه، آخرین اقامتگاه قانونی متوفا در باویر بود، حال آن که بر اساس حقوق باویر، آخرین اقامتگاه فورگو فرانسه بود. این قضیه به صدور سه حکم توسط محاکم فرانسوی منجر شد. بر اساس حقوق باویر، اقربای نسبی (در نسب طبیعی) همانند پسر عموها، به عنوان وراث از متوفا ارث می‌بردند، حال آن که در حقوق فرانسه آنها از ارث محروم بودند و در نتیجه با اجرای قانون فرانسه، ماترک متوفا به خزانه داری دولت فرانسه واریز می‌شد. در نهایت، محاکم فرانسوی احاله قانون باویر به قانون فرانسه را پذیرفتند و قانون ارث فرانسه را بر قضیه فورگو اجرا کردند.

نظریات راجع به احاله

۱- نظریه وست لیک: به نظر وست لیک زمانی که حقوق بین الملل خصوصی انگلیس قانون انگلیس را برای حل یک مساله صلاحیت‌دار نمی‌داند در واقع از حل مساله سلب علاقه کرده است و به قانون خارجی احاله کرده است. نتیجه آنکه اگر اهلیت یک نفر انگلیسی مقیم در خارجه مطرح باشد باید دو فرض متفاوت را در نظر گرفت.

۱- در موردی که کشور محل اقامت احاله را پذیرفته باشد.

۲- در موردی که کشور محل اقامت احاله را رد کرده باشد.

در صورت نخست دادگاه انگلیس هم مانند دادگاه کشور محل اقامت احاله را می‌پذیرد و قانون داخلی آن کشور را اجرا می‌نماید و در صورت دوم دادگاه انگلیس احاله را رد می‌کند و قانون انگلیس را به موقع اجرا می‌گذارد. این نظریه، به نظریه دادگاه خارجی یا احاله مضاعف معروف می‌باشد.

۲- نظریه نی بوایه: به اعتقاد نی بوایه مساله احاله هنگامی مطرح می‌شود که قانون قابل اعمال خارجی از خود سلب صلاحیت



کند که در این صورت چون قاعده حل تعارض دچار اشکال شده است، عملاً قانونی متبوع قاضی نمی ماند؛ لذا برای حل قضیه به همین قانون رجوع شود.

۳- **نظریه باتیفول:** باتیفول معتقد است که احاله در واقع یک عامل هماهنگی بین سیستمهای حل تعارض می باشد و می گوید: موقعی که قاضی فرانسوی با مسئله ای مواجه است باید تعارض قوانین را بر طبق قواعد دولت متبوع خود حل و فصل نماید و در موردی که قاعده فرانسوی حل تعارض اعمال قانون خارجی را ایجاب می کند اصولاً قانون داخلی کشور خارجی اجرا می گردد ولی گاهی اتفاق می افتد که به علت وجود دو عامل ارتباط (تابعیت و اقامتگاه) با فرض تعارض منفی (احاله) مواجه می شویم که در این صورت قاعده خارجی حل تعارض در نتیجه قبول احاله دادگاه صلاحیتدار اعلام می شود و با قاعده فرانسوی حل تعارض تلفیق می گردد. بنابراین احاله دارای این امتیاز است که بین سیستمهای حل تعارض یک نوع انتظام و هماهنگی به وجود می آورد.

احاله در حقوق ایران

ماده ۹۷۳ قانون مدنی ایران مقرر می دارد: " اگر قانون خارجه ای که باید مطابق ماده ۷ یا بر طبق مواد فوق رعایت گردد به قانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلف به قبول و رعایت این احاله نیست مگر اینکه احاله به قانون ایران شده باشد ". همانگونه که در ماده ۹۷۳ ذکر شد، می بینیم که احاله درجه اول صراحتاً پذیرفته شده است ولی در مورد احاله درجه دوم چنین استنباط می شود که قاضی در قبول یا رد احاله مخیر می باشد.

تعارض های متحرک

تعارض متحرک زمانی به وجود می آید که رابطه سیستمهای حل تعارض به صورت یک رابطه زمانی جلوه کند به این ترتیب که یک رابطه حقوقی در دو زمان متوالی به دو سیستم حقوقی متفاوت مربوط می گردد.

حالت های تعارض متحرک

- ۱- فقدان تعارض در مرحله تشکیل حق: حالتی است که حتی در محیط حقوق داخلی یک کشور خارجی به وجود می آید بدون اینکه در مرحله تشکیل آن حق تعارضی بروز نماید.
- ۲- وجود تعارض در مرحله تشکیل حق: حالتی است که حقی در کشور خارجی و داخلی در محیط حقوق بین الملل خصوصی به وجود آید. در این مورد چون عنصر بین المللی در مرحله ایجاد حق دخالت می کند، مساله تعیین قانون صلاحیتدار هم در مرحله اول وجود حق و هم در مرحله تأثیر بین المللی حق مطرح می شود.
- ۳- شخصی که داخل یا خارج کشور متبوع خود، حقی را به دست آورده است پس از ایجاد حق اقامتگاه یا تابعیت خود را تغییر می دهد. در این حالت تعارض متحرک نتیجه تغییر یک عامل ارتباط مانند اقامتگاه یا تابعیت می باشد و آن در موردی است که قانون حاکم بر تشکیل حق، بستگی به اقامتگاه یا تابعیت داشته باشد. فرض کنیم یک زن و مرد اسپانیایی در فرانسه ازدواج می نمایند و پس از مدتی اقامت در فرانسه یکی از آن دو تابعیت فرانسه را به دست می آورد. حال باید دید آیا این تغییر تابعیت در صحت ازدواجی که قبلاً واقع شده است و یا در آثاری که از دواج در آینده خواهد داشت مؤثر است یا نه؟
- ۴- کشوری قسمتی از سرزمین کشور دیگر را ضمیمه خاک خود می سازد. هرگاه در فاصله بین مرحله تشکیل حق و مرحله اثرگذاری حق مساله الحاق سرزمین کشور دیگر را ضمیمه خاک خود می سازد. هرگاه در فاصله بین مرحله تشکیل حق و مرحله اثرگذاری حق مساله الحاق سرزمین مطرح می شود و در نتیجه آن، قانون صلاحیتدار تغییر نماید، قلمرو اجرای قانون سابق و قانون جدید باید چگونه معین شود.

شرایط تأثیر بین المللی حق

- ۱- حق باید بر طبق قانونی تشکیل شده باشد که قاعده ایرانی حل تعارض آن را صلاحیتدار می داند. برای اینکه حقی بتواند در ایران منشاء آثار باشد باید ایجاد آن مطابق با قانونی باشد که حقوق بین الملل خصوصی ایران آن را صلاحیتدار تشخیص دهد. زیرا اگر قانون کشور محل تشکیل حق بین الملل صلاحیتدار محسوب نمی شود آن حق نمی تواند معتبر شناخته شود.
- ۲- حق باید به طور کامل و با رعایت تمام شرایطی که برای تشکیل آن لازم است به وجود آید. منظور این شرط آن است که تمام شرایطی که مطابق قانون کشور محل تشکیل حق لازم است رعایت گردد، هرچند قانون کشوری که حق در آنجا به موقع اجرا

گذاشته می‌شود وجود بعضی از آن شرایط را برای به وجود آمدن آن حق لازم نداند. زیرا برخلاف تعارضهای زمانی در حقوق داخلی که به واسطه وحدت مرجع قانونگذاری ممکن است حقی به طور ناقص تشکیل گردد و قانون جدید آن حق را کامل گرداند، در تعارضهای متحرک چون با کثرت مرجع قانونگذاری مواجه هستیم، بنابراین فقط حقی را می‌توانیم معتبر بشناسیم که تمام ارکان تشکیل دهنده آن به وجود آمده باشد.

مثال برای شرط اول:

می‌دانیم که حقوق بین‌الملل خصوصی ایران احوال شخصیه افراد مشمول قانون ملی آنها می‌داند و حال آنکه در حقوق بعضی کشورها احوال شخصیه تابع قانون اقامتگاه می‌باشد. حال اگر زن و مرد ایرانی که نکاح بین آنان ممنوع دائمی است در کشوری که احوال شخصیه افراد را تابع قانون اقامتگاه می‌دانند به عقد نکاح مبادرت نمایند نکاح آنان در ایران باطل و بی اثر خواهد بود. چون ماده ۶ قانون مدنی نکاح ایرانیان مقیم خارجه را تابع قانون ایران قرار داده است و قانون اقامتگاه از نظر قاعده ایرانی حل تعارض قانون صلاحیت‌دار نمی‌باشد.

مثال برای شرط دوم:

مطابق قانون بعضی از کشورها اجرای مراسم مذهبی جزء شرایط صحت نکاح است در صورتی که برطبق قانون بعضی از کشورهای دیگر صحت نکاح منوط به اجرای مراسم مذهبی نیست. حال اگر بین زن و مرد تبعه یکی از کشورهای دسته اول در همان کشور عقد نکاح بدون رعایت شرط مذکور واقع شود این نکاح نمی‌تواند در کشورهای دسته دوم منشاء آثار باشد. اگرچه در این کشورها اجرای مراسم مذهبی جزو شرایط صحت نکاح نیست. علت این امر این است که حق قانونی که بر آن حکومت دارد به وجود نیامده است.

حدود تأثیر بین‌المللی حق

الف- حدودی که به وسیله قانون خارجی معین می‌شود می‌تواند در ایران اثری کمتر یا بیشتر از آنچه که در کشور محل تشکیل خود دارد، تولید نماید. در این مورد ذکر دو نکته لازم است:

اولاً: حق همان آثاری را دارد که قانون خارجی بر آن بار کرده است ولو اینکه قانون ایران آثار کمتری بر آن مترتب کرده باشد.

ثانیاً: هیچ حقی نمی‌تواند در کشور دیگر اثری بیشتر از آنچه که در کشور اصلی (کشور محل تشکیل حق) داشته، تولید نماید.

ب- حدودی که به وسیله قانون ایران معین می‌شود.

دخالت قانون ایران در دو فرض زیر مصداق پیدا می‌کند:

۱- در صورتی که در ایران حقی مخالف حق مزبور به وجود آمده باشد. زیرا یک حق تا زمانی معتبر است که حقی مخالف آن به وجود نیامده باشد. مثلاً اگر در آمریکا در مورد یک زن و شوهر ایرانی حکم طلاق صادر شود، دادگاه ایران به استناد اینکه قانون ایران باید بر این طلاق حکومت کند و نه قانون آمریکا، حکم طلاق مزبور را غیرقابل اجرا اعلام خواهد کرد. علت این امر این است که حق ایجاد شده در آمریکا مخالف حق ایجاد شده در ایران است.

۲- در صورتی است که اجرای حق ایجاد شده برای سازمان‌های حقوقی کشور ما، غیرقابل تحمل باشد و به عبارت دیگر با نظم عمومی ایران مخالفت داشته باشد که در این فرض حق مزبور تمام یا قسمتی از آثار خود را از دست خواهد داد.

اجرای قانون صلاحیت‌دار

الف) نحوه اجرای قانون خارجی

در این مورد نظریات متفاوتی وجود دارد که عمده‌ترین و مهمترین آنها سه نظریه می‌باشد که به توضیح هر کدام می‌پردازیم:

۱- نظریه انگلیسی - آمریکایی: اجرای قانون خارجی و رعایت حقوق مکتسبه

وقتی که قاضی به مساله ارزش و اعتبار حقوق مکتسبه رسیدگی می‌کند ناگزیر باید قانون خارجی را، که حاکم بر ایجاد حق مکتسب بوده است، مورد توجه قرار دهد.

۲- نظریه ایتالیایی: مفهوم پذیرش قانون خارجی

نظریه‌پردازان این مکتب تحلیلهای خود را بر اساس مفهوم نظم حقوقی و ثنویت نظم داخلی و نظم بین‌المللی قرار داده‌اند. نظم



حقوقی هر کشور دارای جنبه انحصاری است و جنبه حقوقی عناصری را که داخل در آن نباشد نفی می‌کند. از این رو قانون خارجی که به وسیله قاضی یک کشور باید به موقع اجرا گذاشته شود نمی‌تواند واجد ارزش و اعتبار باشد مگر اینکه در نظم خارجی ادغام گردد. به عبارت دیگر اعتبار و قدرت اجبار کننده قانون خارجی ناشی از آن است که قانون مقرر دادگاه قانون خارجی را می‌پذیرد و در نظم داخلی ادغام می‌نمایند. این پذیرش به دو صورت است:

۱- پذیرش مادی (نظریه فدوزی)

۲- پذیرش صوری (نظریه آگو)

در پذیرش مادی، قاعده حقوقی در واقع صفت خارجی بودن خود را از دست می‌دهد، جنبه داخلی پیدا می‌کند بدین معنی که متن و مفاد آن پذیرفته می‌شود و در نظام حقوقی متبوع دادگاه ادغام می‌گردد.

در پذیرش صوری، اگرچه قانون خارجی در نظام حقوقی دولت متبوع قاضی ادغام می‌گردد ولیکن صفت خارجی بودن خود را از دست نمی‌دهد و جنبه داخلی و ملی پیدا نمی‌کند.

۳- نظریه فرانسوی

طبق این نظریه قانون خارجی به هیچ وجه در نظام حقوقی دولت متبوع قاضی ادغام نمی‌شود، بلکه استقلال خود را حفظ کرده و به عنوان قانون خارجی اعمال می‌گردد. در موردی که مساله اجرای قانون خارجی مطرح است قاضی آن قانون را به نحوی که در خارجه اجرا می‌شود مورد بررسی قرار می‌دهد و توجهی ندارد به اینکه راه حل چه باید باشد بلکه در جستجوی راه حل موجود در خارجه است و به عبارت دیگر، قاضی در این مورد با امور واقعی و موضوعی مواجه است یعنی قانون خارجی را به عنوان یک واقعیت مورد توجه قرار می‌دهد.

از سوی دیگر در موضوع اجرای قانون خارجی مساله قابلیت و عدم قابلیت استناد مطرح است و نه مساله طبیعت قانون خارجی.

بررسی مفاد و محتویات قانون خارجی

۱- آیا اثبات قانون خارجی لازم است یا نه و در صورت لزوم اثبات آن به عهده کیست؟ به طور خلاصه طبق سیستم متداول در غالب کشورها قانون خارجی نیاز به اثبات دارد و تکلیف قاضی نیست و اثبات آن به عهده اصحاب دعوی است که به آن استناد می‌کنند. از سوی دیگر قاعده حل تعارض ناظر به مرحله ثبوت قانون خارجی است ولی این قانون باید به دادگاه ارائه گردد و به اثبات برسد و قاضی در امر اثبات آن مداخله‌ای نمی‌کند جز اینکه می‌تواند برای درک محتویات قانون خارجی از اطلاعات شخصی خود استفاده کند.

۲- چگونه می‌توان محتوا و مضمون قانون خارجی را در دادگاه اثبات نمود؟

از آنجا که قانون خارجی یک امر موضوعی است لذا باید نظیر سایر امور موضوعی در دادگاه اثبات شود. به طور کلی اثبات قانون خارجی به دو صورت ممکن است انجام شود: به صورت تبادل لوایح داشته و طرفین دعوی مدارک مثبت را جهت اثبات ادعای خود به دادگاه ارائه می‌دهند. اثبات قانون خارجی بیشتر به صورت کتبی انجام می‌شود و طرفی که مدعی وجود قانون خارجی است معمولاً مدارکی را که برای اثبات قانون خارجی ضرورت دارد مانند متن قانون خارجی و ترجمه رسمی آن و گواهی کارشناس حقوق خارجی ضمیمه پرونده می‌نماید. ولی در نظام کامن‌لا، که محاکمات بیشتر به صورت شفاهی انجام می‌شود اثبات قانون خارجی بیشتر جنبه شفاهی داشته و با استفاده از شهادت کارشناسان حقوق خارجی صورت می‌گیرد.

۳- قانون خارجی را چگونه باید تفسیر کرد و آیا تفسیر آن تحت نظارت دیوان کشور انجام می‌گیرد؟ قاضی ایرانی در تفسیر قانون خارجی، از نظر کارشناس حقوق خارجی استفاده می‌کند چه متن قانون خارجی فنی داشته و چنانچه از تفسیر آن جدا گردد، قاضی را در شناسایی و اجرای قانون خارجی دچار اشتباه خواهد کرد. نتیجه دیگری که از موضوعی بودن قانون خارجی حاصل می‌شود این است که دیوان کشور در مورد تفسیری که دادگاههای تالی از قانون خارجی می‌نمایند، نظارت نخواهد نمود و تخلف از قانون خارجی موجب نقض حکم در مرحله رسیدگی فرجامی نخواهد گردید، برعکس در مواردی که مساله اعمال قاعده تعارض مطرح است دیوان کشور نظارت خود را اعمال خواهد نمود.

۴- آیا قاضی ایرانی در مورد مطابقت قانون عادی خارجی یا قانون اساسی خارجی حق اظهار نظر دارد؟ بدیهی است که هرگاه در کشور خارجی چنین اختیاری برای قاضی شناخته نشده باشد پاسخ منفی خواهد بود، یعنی قانون خارجی باید معتبر شناخته شده و به موقع اجرا گذاشته شود هرچند که مخالف قانون اساسی باشد. ولی اگر در کشور خارجی مساله مطابقت قانون عادی با قانون

اساسی شناخته شده باشد دیگر نمی‌توان قانون خارجی را به موقع اجرا گذاشت.

ب) موانع اجرای قانون خارجی

مساله نظم عمومی

مفهوم نظم عمومی:

نظم عمومی در حقوق داخلی: نظم عمومی در حقوق داخلی شامل قواعد و سازمان‌هایی است که فرض از وضع و ایجاد آن حفظ منافع عمومی و تأمین حسن جریان امور عمومی و حفظ خانواده می‌شود و اراده افراد نمی‌تواند آنها را نقض نماید و در حقوق داخلی شامل آن دسته از قواعدی است که اصطلاحاً قواعد امری نامیده می‌شوند. در حقوق داخلی نظم عمومی معنای وسیعی دارد و شامل کلیه قواعد و سازمان‌هایی است که جنبه امری داشته و افراد نمی‌توانند برخلاف آنها توافق نمایند یعنی هیچ‌گونه قرارداد خصوصی نمی‌توان از اجرای قواعد مزبور سرپیچی کرد.

نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی: نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی، مانند سدی است که جلوی اجرای قانون خارجی را می‌گیرد و قاضی را ناگزیر می‌سازد در حقوق داخلی و نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد، هر چند مخالف نظم عمومی در روابط بین‌الملل ایران است مخالف نظم عمومی در روابط داخلی نیز هست و حال آنکه هرچه مخالف نظم عمومی در روابط داخلی است الزاماً مخالف نظم عمومی در روابط بین‌المللی نیست. پس در نتیجه نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی دایره شمول و مفهوم محدودتری دارد.

دایره شمول نظم عمومی:

نظم عمومی دایره شمول ثابتی ندارد و برحسب مقتضیات زمان و مکان تغییر می‌کند. نظم عمومی برحسب مکان متغیر است و آنچه در کشوری مخالفت با نظم عمومی دارد ممکن است در کشور دیگر برخلاف نظم عمومی نباشد. نظم عمومی بر اساس مقتضیات زمان نیز تغییر می‌نماید بدین معنی که ممکن است حتی در یک کشور امری که امروز برخلاف نظم عمومی تلقی می‌شود چند سال بعد عادی تلقی شود.

آثار نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران:

هرگاه دادگاه ایران قانون خارجی را برخلاف نظم عمومی تشخیص دهد از اجرای آن باید جلوگیری نماید و به جای آن قانون ایران را به موقع اجرا گذارد. بنابراین اثر عادی نظم عمومی این است که از اجرای مقررات قانون صلاحیت‌دار خارجی جلوگیری می‌کند و قانون مقرر دادگاه را جانشین آن می‌نماید.

اثر مثبت و اثر منفی نظم عمومی:

اثر نظم عمومی هنگامی منفی است که متقاضی از اجرای قانون صلاحیت‌دار خارجی جلوگیری نماید بدون اینکه قانون مقرر دادگاه را به طور مثبت جانشین آن قرار دهد. به عبارت دیگر، قانون مقرر دادگاه مانند سد معبر قانون خارجی را مسدود کرده و از اجرای آن جلوگیری می‌نماید. اثر نظم عمومی هنگامی مثبت است که قاضی بدو از اجرای قانون خارجی جلوگیری نموده و سپس قانون دولت متبوع خود را به نحو مثبت جانشین آن قرار دهد.

مثال برای اثر منفی:

مثلاً یک زن ایرانی علیه شوهر ایرانی خود در دادگاه اسپانیا تقاضای طلاق می‌نماید و چون در اسپانیا طلاق ممنوع است دادگاه اسپانیا به استناد اینکه طلاق برخلاف نظم عمومی جامعه اسپانیاست به خارجی‌ها حق طلاق نخواهد داد و از صدور حکم طلاق خودداری خواهد کرد.

مثال برای اثر مثبت:

فرض کنید در کشوری حق انفاق بین ابوبین و اولاد وجود نداشته باشد یعنی طبق قانون آن کشور نه پسر حق مطالبه نفقه از پدر را داشته باشد و نه پدر حق تقاضای نفقه از پسر را داشته باشد حال اگر پسری که تبعه چنین کشوری است در دادگاه کشور دیگری که ابوبین و اولاد را واجب‌النفقه یکدیگر قرار داده است علیه پدر خود اقامه دعوی مدعی را رد نماید ولی از آنجا که مساله حق انفاق جزو مسائل مربوط به نظم عمومی محسوب می‌شود لذا در این فرض از اجرای قانون خارجی که حق مطالبه نفقه را نداده است جلوگیری می‌کنند و قانون کشور متبوع خود را جانشین آن قرار می‌دهد و پدر را محکوم به تأدیه نفقه می‌نمایند.



اثر نظم عمومی در مرحله ایجاد حق و در مرحله اثرگذاری حق:

به طور کلی می‌توان گفت که هرگاه حقی در کشوری شناخته نشده باشد ایجاد آن حق در آن کشور غیرممکن خواهد بود. مثلاً هرگاه حق اثبات نسبت نامشروع در کشوری شناخته نشده باشد و شخصی بخواهد انتساب خود را به پدر طبیعی‌اش در آن کشور ثابت نماید، دادگاه آن کشور به استناد اینکه اثبات نسب نامشروع مخالف نظم عمومی است دعوی مدعی را رد خواهد کرد حال آنکه اگر شخص مزبور در کشوری که اثبات نسب نامشروع را مجاز دانسته انتساب خود را به پدر طبیعی‌اش ثابت نموده بود می‌تواند در کشوری که برای او چنین حقی قائل نیست از آثار حق ایجاد شده استفاده نماید. نظم عمومی در مرحله ایجاد حق ممکن است اثر مثبت داشته باشد چه در این مرحله حقی که مساله ایجاد آن مطرح است ممکن است برطبق قانون خارجی نتواند به وجود آید ولی با شرایط مقرر در قانون مقر دادگاه قائل به جود آمدن باشد و حال آنکه در مرحله اثرگذاری حق نظم عمومی فقط اثر منفی تولید می‌کند و در این مرحله فقط این نقش را خواهد داشت که از ظهور آثار حقی که در خارجه به وجود آمده است در داخل کشور جلوگیری نماید بدون اینکه قانون مقر دادگاه را به نحو مثبت جانشین قانون خارجی قرار دهد. پس نتیجه می‌گیریم که نظم عمومی در مرحله ایجاد حق اثر شدید تولید می‌کند و ممکن است مثبت باشد حال آنکه نظم عمومی در مرحله اثرگذاری حق اثر خفیف و منفی تولید می‌کند.

تقلب نسبت به قانون:

وجود تقلب نسبت به قانون مبتنی بر این است که افراد می‌توانند بعضی از عناصر ارتباط را که منجر به تعیین قانون صلاحیتدار می‌گردند تغییر داده و در نتیجه آن قانون خاصی را که در حال عادی نمی‌توانند حق تقاضای اجرای آن را درباره خود داشته باشند لازم الاجرا گردانند. از جمله این عناصر می‌توان تابعیت، اقامتگاه، وقوع مال منقول و محل انعقاد عقد را ذکر نمود. قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون در واقع ضامن اجرای قواعد حل تعارض بوده و موافق هدف حقوق بین‌الملل خصوصی که حفظ اعتبار و تضمین آثار حقه قوانین است، می‌باشد.

رابطه بین قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون و قاعده نظم عمومی:

در موضوع نظم عمومی مساله مفاد و محتوای قانون صلاحیتدار خارجی مطرح است و قاعده نظم عمومی وقتی به موقع اجرا در می‌آید که قانون از لحاظ محتوا، قانون داخلی ناسازگار باشد و لذا هدف نظم عمومی دفاع از سازمان‌های قانونی کشور در مقابل ناسازگارهای ناشی از اجرای قانون خارجی است و حال آنکه در موضوع تقلب نسبت به قانون مساله فرار افراد از قانونی مطرح است که حقیلاً باید در مورد آنان اجرا شود و به همین جهت باید از اجرای قانون خارجی جلوگیری به عمل آید. بنابراین قاعده جلوگیری از تقلب هنگامی به موقع اجرا در می‌آید که قانون خارجی محتوی چیزی ناسازگار با قانون کشور نیست بلکه فقط به وسایل متقلبانه صلاحیت برای آن ایجاد گردیده است.

ضمانت اجرای تقلب نسبت به قانون خارجی قابل تصور است و حال آنکه استفاده از حربه نظم عمومی به نفع قانون خارجی بی‌معنی است زیرا نظم عمومی جنبه ملی دارد و برای دفاع از سازمان‌های قانونی دولت متبوع قاضی مورد استناد واقع می‌شود. قاعده جلوگیری از تقلب صورت دیگری از قاعده نظم عمومی نیست و باید آن را قاعده مستقلی دانست که در واقع ضامن اجرای قوانین امری کشور است و برای تضمین اجرای قوانین امری به کار می‌رود و چون هیچ‌علاجی را جز در صورت ضرورت نباید استعمال نمود لذا این قاعده را نیز فقط باید در موردی اجرا نمود که به وسیله دیگری نتوان از قصد متقلبانه افراد جلوگیری کرد. شباهت بین قاعده جلوگیری از تقلب و قاعده نظم عمومی از چند جهت قابل توجه است از جمله از جهت نتیجه و از جهت شرط اعمال آنها نتیجه اعمال هر دو قاعده آن است که از اعمال قانون خارجی جلوگیری به عمل می‌آید و قانون متبوع دادگاه جانشین قانون خارجی قرار داده می‌شود، از جهت شرط اعمال این دو قاعده نیز وضع بر همین منوال است چه هم قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون و هم قاعده نظم عمومی جنبه فرعی و علی‌البدل داشته باشند بدین معنی که باید فقط در موردی اعمال شوند که علاج دیگری وجود نداشته باشد و از طریق دیگر نتوان از اجرای قانون خارجی جلوگیری نمود.

شرایط اعمال قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون

۱- شرط اول: وجود تقلب: تقلب نسبت به قانون وقتی مصداق پیدا می‌کند که فرد به وسایل متقلبانه از حکومت قانون متبوع خود اجتناب نماید و در نتیجه بتواند از قانون خارجی استفاده نماید. بارزترین مثال در مورد تقلب نسبت به قانون تفسیر متقلبانه تابعیت می‌باشد.

۲- شرط دوم: جنبه فرعی و علی البدل بودن اجرای قاعده، منظور از فرعی و علی البدل بودن اجرای قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون این است که هرگاه وسیله دیگری موجود باشد که با آن بتوان از اجرای قانون خارجی جلوگیری کرد دیگر استناد به این قاعده لزومی نخواهد داشت.

آثار جلوگیری از قاعده تقلب نسبت به قانون

۱- آثار از نظر دولتی که تقلب برای افراد از قانون او به عمل آمده است:

از نظر این دولت نمی‌توان قاعده جلوگیری از تقلب را همه وقت و نسبت به تمام موارد اجرا نمود بلکه اثر قاعده مزبور باید محدود به آن اندازه باشد که برای جلوگیری از تقلب لازم است. بنابراین اگر مثلاً تغییر تابعیت برای فرار از مقررات راجع به منع نکاح باشد، همین که دادگاه حکم به عدم اجرای قانون خارجی در مورد نکاح داد و در نتیجه عقد نکاح را باطل محسوب داشت آن را کافی می‌دانند و دیگر تغییر تابعیت را که با رعایت مقررات انجام شده باشد مورد بحث قرار نمی‌دهند و باطل نمی‌شمارند.

۲- آثار از نظر دولتی که شخص ذینفع اجرای قانون او را تقاضا می‌کند:

هرچند که احترام مقررات حقوق بین‌الملل ایجاب می‌کند که این دولت هم وقتی متوجه مقصود تقلب آمیز شخص ذینفع شد به استناد قاعده جلوگیری از تقلب دعوی او را در دادگاههای خود رد نماید ولی متأسفانه تمایل محاکم به تعمیم موارد اجرای قانون متبوع خود باعث می‌شود که قاعده مذکور را وقتی که به نفع قانون خارجی است اجرا ننماید و حال آنکه حقاً باید قاعده جلوگیری از تقلب را اجرا نمایند زیرا اگر دادگاه تقلبی را که برای فرار از مقررات قانون متبوع خود به عمل آید مؤثر بداند و تقاضای اجرای قانون خارجی را رد نماید باید تقلبی را نیز که برای فرار از اجرای قانون خارجی و تقاضای اجرای قانون متبوع دادگاه به عمل می‌آید به همان اندازه مؤثر دانسته و تقاضای مزبور را نپذیرد و حال آنکه محاکم خارجه بنا به تمایل یادشده از این رویه منطقی عدول نموده و از اعمال قاعده جلوگیری از تقلب وقتی که به نفع قانون خارجی بوده است خودداری کرده‌اند برای توجیه این رویه معمولاً چنین استدلال می‌کنند که قاعده جلوگیری از تقلب در واقع ضامن اجرای قواعد امری حقوق ملی است و قاضی هر کشور فقط می‌تواند تقلب نسبت به قانون متبوع خود را ضمانت اجرا بدهد و نمی‌تواند تقلب نسبت به قانون خارجی را مجازات کند.

۳- آثار از نظر دولتهای ثالث: از نظر دولت ثالث که ذینفع در جلوگیری از تقلب نسبت به قانون نیست یعنی نه تقلب برای فرار از قانون او به عمل آمده و نه تقاضای اجرای قانون او شده قاعده جلوگیری از تقلب به هیچ وجه مورد توجه واقع نمی‌شود و دادگاههای او وضعیت فعلی شخص ذینفع را در نظر گرفته و بر طبق آن حکم می‌دهند یعنی همین که وضعیت جدید را ظاهراً صحیح یافتند دیگر وارد جزئیات نشده و قطع نظر از قصد و نیت شخص ذینفع به آن ترتیب اثر می‌دهند.

مسائل مهم تعارض قوانین

احوال شخصیه

قانون حاکم بر احوال شخصیه:

برای تعیین قانون حاکم بر احوال شخصیه در حقوق کشورهای مختلف معمولاً دو عامل مورد توجه قرار می‌گیرد: یکی اقامتگاه و دیگری تابعیت.

بعضی از دولتها اقامتگاه را بر تابعیت ترجیح داده‌اند و قاعده‌ای را پذیرفته‌اند که برطبق آن، افراد از حیث احوال شخصیه تابع قانون دولتی محسوب می‌شوند که اقامتگاه آنان در آنجاست و بعضی دیگر با ترجیح تابعیت بر اقامتگاه قاعده‌ای را اتخاذ کرده‌اند که به موجب آن افراد شخصیه افراد قانون دولت متبوع آنهاست.

قانون حاکم بر احوال شخصیه ایرانیان مقیم خارجه:

ماده ۶ قانون مدنی ایران، قاعده اعمال قانون ملی نسبت به احوال شخصیه ایرانیان مقیم خارجه را تأیید نموده و مقرر می‌دارد: "قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص وارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم خارجه باشند مجری خواهد بود."

موارد مختلفیه اعمال قانون حاکم بر احوال شخصیه: راجع به احوال شخصیه ممکن است مواردی پیش آید که اعمال قانون دولت متبوع با اشکالاتی برخورد کند:

الف- عدم وحدت قوانین خارجی: در بعضی کشورها ممکن است راجع به احوال شخصیه قانون واحدی وجود نداشته باشد و به علت وجود اقلیت هایی در کشور قوانین متفاوتی در مورد احوال شخصیه وضع و به تصویب رسیده باشد. در ایران علاوه بر مقررات قانون



مدنی که جنبه کلی داشته و اصولاً نسبت به تمام ایران لازم الاجرا است قانون دیگری نیز وجود دارد (قانون موسوم به اجازه رعایت ایرانیان غیر شیعه مصوب تیر ماه ۱۳۱۲) که حاکم بر احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه است. ممکن است در کشوری راجع به احوال شخصیه قانونی وضع نشده باشد.

ب- عدم وجود قانون راجع به احوال شخصیه: حال با توجه به اینکه قانون ایران اتباع خارجه را از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه مطیع قوانین دولت متبوع آنان می‌داند اگر دولت آنان قانونی راجع به احوال شخصیه نداشته باشد باید دید تکلیف چیست؟ می‌توان گفت چون قانون ملی که بدان عطف شده و جود ندارد تا اجرا شود لذا باید قانون اقامتگاه به موقع اجرا گذاشته شود. در ایران نمی‌تواند این نظر قابل قبول باشد زیرا در حقوق ایران چنین نقشی برای اقامتگاه شناخته نشده است. البته باید در این فرض قانون ایران را درباره اتباع خارجه اجرا نمود. ماده ۵ قانون مدنی ((کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.))

ج- وجود تابعیت مضاعف: در چنین مواردی که مسئله تعارض تابعیت (تعارض مثبت) مطرح است هر گاه اختلافی در مسائل مربوط به احوال شخصیه پیش آید قبل از حل تعارض قوانین باید تعارض تابعیت را حل نمود یعنی قبل از دانستن اینکه کدام قانون را باید اجرا نمود بایستی تشخیص داد که تابعیت کدام یک از دولت‌ها صحیح است و باید ترجیح داده شود زیرا قانون حاکم بر احوال شخصیه قانون دولتی است که تابعیت شخص را نسبت به آن مسلم می‌دانیم. تابعیت مضاعف را به دو دسته تقسیم می‌کنیم:

۱- تابعیت مضاعف در زمان تولد: دولت‌ها راجع به طریق تحصیل تابعیت به یک نحو عمل نمی‌کنند زیرا بعضی از دولت‌ها تابعیت طفل از روی تابعیت والدین (سیستم خون) و بعضی دیگر از روی محل تولد (سیستم خاک) معین می‌نمایند. چنانچه طفلی از پدر ایرانی در آمریکا متولد شود آن طفل از نظر قانون آمریکا، آمریکایی و از نظر قانون ایران، ایرانی محسوب می‌شود.

۲- تابعیت مضاعف بعد از تولد: در صورتی مصداق پیدا می‌کند که شخص با حفظ تابعیت سابق خود تابعیت جدید به دست آورد مانند موردی یک نفر ایرانی بدون رعایت شرایط ترک تابعیت ایران (۹۸۸ق.م) تابعیت یک دولت خارجی را قبول می‌کند.

احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه:

ماده واحده قانون موسوم به "اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه" دادگاهها را مکلف کرده است که در مورد احوال شخصیه اقلیتهای مذهبی ایرانی (منظور اقلیتهایی است که دارای مذاهب اسلامی غیر شیعه هستند) قواعد و عادات مذهب آنان را اجرا نمایند.

ماده واحده: نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداول در مذهب آنان را جز در موردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند.

۱- در مسائل مربوط به نکاح و طلاق، عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است.

۲- در مسائل مربوط به ارث و وصیت عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهب متوفی

۳- در مسائل مربوط به فرزندخواندگی عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.

در مورد اجرای ماده واحده فوق باید توجه داشت که هرگاه عادات و قواعد مسلمة متداوله مذهبی روشن و معین نباشد باید از اجرای این قانون که جنبه استثنایی دارد، خودداری کرده و قوانین عمومی و مملکتی را اجرا نمود.

قانون حاکم بر احوال شخصیه اتباع خارجه در ایران:

قانون مدنی ایران در ماده ۷ قاعده اعمال قانون ملی را صراحتاً بیان کرده و اتباع خارجه مقیم ایران را مشمول قانون دولت متبوع آنان دانسته است. مطابق ماده مزبور "اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهد بود."

استثنائات مربوط به قاعده اعمال قانون ملی نسبت به احوال شخصیه

الف - نظم عمومی: هرگاه مقررات مربوط به احوال شخصیه بیگانگان برخلاف نظم عمومی ایران باشد اتباع بیگانه نمی‌توانند از آن

استفاده کنند و دادگاه ایران باید از اجرای چنین مقرراتی خودداری نماید. ماده ۹۷۵ ق.م. صریحاً مقرر داشته که: "محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالفت با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارد اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد".

ب- احاله: ممکن است کشور خارجی که قانون آن به وسیله قاعده تعارض ایران صلاحیت‌دار شناخته می‌شود احوال شخصیه اتباع خود را تابع قانون ملی آنان ندانسته و قانون ایران را برای حکومت بر احوال شخصیه اتباع خود صلاحیت‌دار بدانند در صورتی که چنین امری در ایران پیش آید دادگاه باید از اعمال قانون خارجی خودداری نماید و قانون ایران را اجرا نماید ماده ۹۷۳ مقرر می‌دارد: "اگر قانون خارجه که باید مطابق ماده ۷ این قانون و یا بر طبق مواد فوق رعایت گردد، به قانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلف به رعایت این احاله نیست مگر اینکه احاله به قانون ایران شده باشد.

ج - نسب: گاهی اتفاق می‌افتد که در یک دعوی موضوع نسب فردی که تابعیت او مورد تردید است مطرح می‌شود. در این حالت چون تابعیت منوط به صحت نسب می‌باشد و تا زمانی که اثبات نسب به عمل نیاید تابعیت فرد و در نتیجه قانون ملی او معلوم نیست لذا اعمال قانون ملی که ما را منطقی مواجه می‌سازد غیرممکن می‌گردد و ناگزیر باید قانون دادگاهی که دعوی در آن مطرح می‌شود صلاحیت‌دار شناخته شود. یعنی در ایران مطابق قانون ایران و در سایر کشورها مطابق قوانین آن کشورها به موضوع رسیدگی خواهد شد.

د- اهلیت: در دو مورد استثنائاً برای تشخیص اهلیت بیگانگان قانون ملی آنان اعمال نمی‌شود یکی در مورد اهلیت برای تبدیل تابعیت و دیگری در مورد اهلیت برای معامله کردن.

اهلیت برای تبدیل تابعیت:

در مبحث تابعیت ایران متذکر شدیم که هر موقع برای تحصیل یا ترک تابعیت ایران مساله مطرح شود اهلیت شخص را باید تقاضای تحصیل تابعیت ایران با رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و برای تقاضای ترک تابعیت ایران با رسیدن به سن ۲۵ سال تمام حاصل می‌گردد.

اهلیت برای معامله کردن:

با توجه به حکم مندرج در قسمت دوم ماده ۹۶۲ قانون مدنی چنین استنباط می‌شود که هرگاه یک نفر خارجی که فرضاً ۱۹ سال دارد در ایران معاملاتی نماید ولی بعد از انجام معامله پشیمان شود و به استناد اینکه طبق قانون دولت متبوع خود دارای اهلیت نبوده است بطلان معامله از دادگاه ایران خواستار شود دادگاه به درخواست او ترتیب اثر نخواهد داد زیرا طرف ایرانی با رعایت سن رشد مقرر در قانون ایران مبادرت به انجام نموده و مکلف به دانستن قانون خارجی نبوده است.

اشخاص بدون تابعیت:

در مورد این اشخاص باید گفت به دلیل اینکه تابعیت و در نتیجه قانون ملی آنها معلوم نیست تا حاکم بر احوال شخصیه آنها باشد در این گونه موارد چاره‌ای نیست جز این که قانون ایران را به عنوان قانون مقرر دادگاه به موقع اجرا گذاریم. این راه حل در مورد پناهندگان سیاسی نیز قابل اعمال است هر چند که تابعیت اصلی خود را حفظ کرده باشند. زیرا رابطه پناهندگان سیاسی با کشور اصلی خود عملاً قطع می‌شود و از حمایت سیاسی دولت متبوع خود محروم می‌شوند.

نکاح ایرانیان مقیم خارجه:

مطابق ماده ۶ قانون مدنی "قوانین مربوطه به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق... در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند مجزا خواهد بود" بنابراین ایرانیان مقیم خارجه از حیث نکاح تابع قانون ایران هستند ولی باید توجه داشت که تبعیت ایرانیان مقیم خارجه از قانون ایران فقط از لحاظ شرایط ماهوی نکاح است و نسبت به شرایط صوری نکاح تبعیت از قانون ایران الزامی نمی‌باشد زیرا حکم کلی مندرج در ماده ۹۶۹ قانون مدنی تکلیف این مساله را معین نموده است. به موجب ماده مزبور "اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشند".

نکاح بیگانگان در ایران:

مطابق ماده ۷ قانون مدنی اتباع خارجه مقیم ایران نیز از حیث احوال شخصیه مشمول قوانین مقررات دولت متبوع آنهاست، در



نهایت باید متوجه باشیم که در این مورد نیز تبعیت از قانون ملی اشخاص فقط از لحاظ شرایط ماهوی نکاح است و نسبت به شرایط صوری نکاح رعایت قانون مزبور الزامی نیست. ماده ۹۷۰ قانون مدنی در این مورد مقرر می‌دارد: "مأمورین سیاسی یا کنسولی دول خارجی در ایران وقتی می‌توانند به اجرای عقد نکاح مبادرت نمایند که طرفین عقد هر دو تبعه دولت متبوع آنها بوده و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را به آنها داده باشد. در هر نکاح باید در دفاتر محل احوال ثبت شود".

اختلاف تابعیت زن و مرد:

در مورد اختلاف تابعیت زن و مرد و روابط بین آنها می‌توان گفت که قانون مدنی ایران در این مورد قائل به ترجیح قانون دولت متبوع زوج است. زیرا ماده ۹۶۳ قانون مزبور صریحاً مقرر می‌دارد: "اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود". بنابراین اگر زن ایرانی که دارای شوهر خارجی است با استناد به قانون ایران خود را مجاز از همه نوع تصرف در اموال خود بداند در حالی که قانون دولت متبوع شوهر زن را مجاز در تصرفات مستقل نسبت به دارایی خود نداند در اینجا باید زن را مشمول قوانین دولت متبوع شوهر دانست."

طلاق زن و شوهری که تبعه یک دولت هستند.

چنانکه در مورد نکاح بیان شد در مورد طلاق نیز حقوق بین الملل خصوصی ایران صلاحیت قانون دولت متبوع هرکس را درباره او اعلام نموده و مواد ۶ و ۷ قانون مدنی ایرانیان مقیم خارجه را از حیث طلاق مطیع قانون ایران و بیگانگان مقیم ایران را مطیع قانون دولت متبوع خود شناخته است. بنابراین برای آنکه تبعه بیگانه بتواند در ایران زن خود را طلاق دهد باید حق طلاق در قانون دولت متبوع او پیش بینی شده باشد در غیر اینصورت به درخواست طلاق او ترتیب اثر قانونی داده نخواهد شد.

طلاق بین زن و شوهری که تابعیت آنان متفاوت است.

اختلاف تابعیت زوجین در دو مورد ممکن است مصداق پیدا کند. مورد اول در صورتی که هر یک از زن و مرد در زمان ازدواج تبعه دولت مخصوصی بوده و ازدواج هم تابعیت دولت متبوع شوهر را به زن تحمیل نکرده باشد و مورد دوم در صورتی است که زوجین تبعه یک دولت بوده بعد از وقوع نکاح یکی از آنان تبدیل تابعیت کرده باشد. در اکثر مسائل مربوط به احوال شخصیه قانون متبوع شوهر مرجع بر قانون متبوع زن شناخته شده و در اکثر قوانین تابعیت نیز، تابعیت شوهر به زن تحمیل می‌گردد. لذا موضوع طلاق را نیز نمی‌توان مشمول قانون دولت متبوع زن دانست. بنابراین قانونی که در صورت اختلاف تابعیت زوجین باید بر طلاق بین آنان حکومت کند قانون دولت متبوع شوهر است.

روابط بین ابوبین و اولاد:

قانونگذار ایران در ماده ۹۶۴ قانون مدنی صریحاً مقرر می‌دارد: "روابط بین ابوبین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود". چنانکه ملاحظه می‌شود این ماده دارای دو فرض مختلف است:

- ۱- در صورتی که پدر و مادر طفل هر دو معلوم باشند، روابط بین ابوبین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است.
- ۲- در صورتی که پدر طفل معلوم باشد و انتساب او به مادر مسلم باشد، روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود.

ولادت و قیومیت:

به طور کلی طبق حکم ماده ۹۶۵ ولایت و قیومیت بر طبق قوانین دولت متبوع مولی علیه خواهد بود و همچنین نصب قیم و ایجاد قیومیت نیز بر طبق قانون دولت متبوع مولی علیه خواهد بود.

اموال

اموال مادی:

اموال مادی اعم از اینکه منقول یا غیر منقول باشند اصولاً تابع قانون محل وقوع خود هستند. لازم به ذکر است که اسناد بی نام با اینکه پایگاه مادی ندارند ولی چون نحوه انتقال آنها با اموال مادی یکی است از این حیث جزو اموال مادی محسوب می‌شوند.

قانون حاکم بر رژیم کشتیها و هواپیماها:

این قانون عبارت است از قانون محل ثبت نام کشتیها و هواپیماها یا قانون پرچم. زیرا این وسایل نقلیه از لحاظ اداری تابع ضوابط مقرر در بندر اصلی یا لنگرگاه هستند و بستگی اداری به این محل است که وضع حقوقی آنها را مشخص می‌کند.

نکته: نظر به اینکه اموال غیر منقول از هر جهت تابع قانون محل وقوع خود می‌باشند و به علت عدم قابلیت نقل اموال غیر منقول از کشوری به کشور دیگر مساله تعارض متحرک و تفکیک بین مرحله ایجاد حق و مرحله اثرگذاری حق در مورد آنها مطرح نمی‌شود.

اموال غیرمادی

الف - حقوق عینی

نظر به اینکه حقوق عینی به طور مستقیم بر موضوع خود یعنی اموال منقول یا غیر منقول اعمال می‌شوند لذا پایگاه این حقوق در محل وقوع اموال بوده و باید قانون محل وقوع مال را نسبت به آنها اعمال نمود. این قاعده یعنی اعمال قانون محل وقوع شیء نسبت به حقوق عینی هم در مورد حق عینی اصلی و هم در مورد حق عینی تبعی بایستی رعایت گردد بنابراین حق انتفاع تابع قانون محلی است که مال در مورد انتفاع در آنجا واقع است. در مورد حق ارتفاق نیز قانون محل وقوع مال غیر منقول صلاحیتدار می‌باشد.

ب- مالکیت‌های معنوی و دیون

قانون حاکم بر این قبیل مالکیتها، قانون محل ابراز فعالیت است زیرا این محل به عنوان محل وقوع فرضی مال قبول شده است و پایگاه روابط حقوقی مربوط به مالکیت‌های معنوی در همین محل می‌باشد. قانون حاکم بر مالکیت ادبی و هنری قانون محلی است که اثر در آنجا انتشار یافته است و در مورد مالکیت صنعتی چون حق مخترع پس از دخالت دولت مورد شناسایی قرار می‌گیرد بنابراین قانون حاکم بر آن قانون دولتی است که حتی اختراع یا امتیازنامه را به مخترع اعطا می‌نماید.

۱- **اسناد با نام:** اسناد با نام اسنادی هستند که نقل و انتقال آنها باید در دفتر شخص حقوقی ثبت شود. این قبیل اسناد جزو دیون محسوب می‌شوند و بنابراین قانون اعمال شده نسبت به آنها، قانون اقامتگاه مدیون (شرکت یا شخص حقوقی) خواهد بود. این قانون هم در مورد صدور سهام با نام و هم در مورد انتقال مالکیت آنها صلاحیتدار خواهد بود.

۲- **اسناد بی نام:** اسناد بی نام مانند سهام شرکتها و اوراق قرضه اسناد هستند که به صورت سند در وجه حامل تنظیم گردیده و دارنده آن مالک شناخته می‌شود. از آنجا که نقل و انتقال این قبیل اسناد به قبض و اقباض به عمل می‌آید و دین در سند تجسم یافته است بایستی آنها را جزو اموال مادی به شمار آورد و مانند سایر اموال مادی مشمول قانون محل وقوع آنها دانست.

از سوی دیگر اسناد بی نام طبیعت مختلطی دارند یعنی بین دسته اموال مادی و دسته دیون قرار دارند و برای تعیین قانون حاکم بر آنها باید دید کدام جنبه غلبه دارد. از لحاظ اینکه جزو اموال مادی هستند تابع قانون محل وقوع خود می‌باشند و از لحاظ اینکه جزء اموال غیرمادی به شمار می‌آیند مانند اسناد با نام مشمول قانون اقامتگاه مدیون هستند. هرگاه مساله انتقال قراردادی اسناد بی نام مطرح باشد باید قانون محل وقوع را نسبت به آنها اعمال نمود پس در این مورد جنبه مادی سند بر جنبه غیر مادی آن غلبه پیدا می‌کند ولی چنانچه مساله مربوط بین دارنده سند و شخص حقوقی صادرکننده آن مطرح باشد باید قانون متبوع شرکت یا شخص حقوقی متعهد را صلاحیتدار دانست زیرا در این مورد جنبه غیر مادی غلبه می‌یابد و بایستی مانند سند با نام تابع قانون اقامتگاه مدیون باشد.

اسناد و قراردادها:

قانون حاکم بر شکل خارجی اسناد - شکل خارجی اسناد تابع قانون محلی است که در آنجا تنظیم می‌شوند و اسناد از لحاظ شکل خارجی و صورت ظاهر تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشند.

شرایط اجرای قاعده:

ماده ۱۲۹۵ ق.م.ش. شرایط مزبور را به شرح زیر تعیین کرده است: "محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در خارجه همان اعتباری را خواهند داد که این اسناد مطابق کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا می‌باشد، مشروط بر اینکه:



اولاً: اسناد مزبوره به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.
ثانیاً: مفاد آنها مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد.
ثالثاً: کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده به موجب قوانین خود، عهد، اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد.
رابعاً: نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی یا کنسولی مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است."

جنبه اختیاری یا اجباری بودن اجرای قاعده:

به طور کلی باید گفت رعایت قاعده در مورد اسناد عادی اختیاری و در مورد اسناد رسمی اجباری می‌باشد.

اسناد عادی:

نظر به اینکه تنظیم سند عادی مستلزم دخالت متصدیان اسناد رسمی نیست و افراد می‌توانند آنها را به هر نحوی که مصلحت می‌دانند تنظیم کنند لذا رعایت قاعده حکومت قانون محل تنظیم سند نسبت به شکل سند در مورد این گونه اسناد اختیاری است. یعنی افراد می‌توانند هر کدام از شکل‌ها را که بخواهد (شکل محلی یا شکل ملی) انتخاب نمایند.

اسناد رسمی:

رعایت قاعده حکومت قانون محل تنظیم نسبت به شکل سند در مورد این اسناد اجباری است.

قراردادها:

قانون حاکم بر قراردادها: ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران در مورد قانون حاکم بر تعهدات قراردادی مقرر می‌دارد: "تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً و یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند". همانطور که در ماده بالا اشاره شده قانون حاکم بر تعهدات قراردادی از لحاظ حقوق ایران، قانون محل وقوع عقد است و قانون ایران محل وقوع عقد را صالح می‌داند و قانون حاکمیت ایران را تنها در صورتی مجاز می‌داند که طرفین قرارداد خارجی باشند و اگر طرفین قرارداد ایرانی باشند نمی‌توانند با استناد به قاعده حاکمیت اراده قانون کشور دیگری را جایگزین نمایند و از اجرای قانون ایران خودداری نمایند. طرفین ایرانی باید تعهدات ناشی از عقود خود را باید تابع قانون محل وقوع عقد (قانون ایران) قرار دهند ولی در صورتی که طرفین خارجی باشند می‌توانند با استناد به قاعده حاکمیت اراده قانون دیگری را غیر از قانون محل وقوع عقد، انتخاب نمایند.

نکات مهم تعارض قوانین

■ مهم‌ترین موضوعات مطرح تحت این عنوان عبارتند از:

- احوال شخصیه
- اموال
- اسناد و قراردادها

احوال شخصیه

- احوال شخصیه دارای دو معنی اعم و اخص است. احوال شخصیه در معنای اعم شامل هر دو اهلیت و شخصیت است، در حالی که در معنای اخص تنها شامل وضعیت می‌شود.
- **وضعیت:** وضعیت عبارت است از مجموع اوصاف حقوقی انسان و شامل یک رشته اموری است که قانون بر آنها آثار حقوقی بار می‌کند. عمده موارد وضعیت عبارت است از: نکاح، طلاق، سن، کبر، نسب، حجر و ...
- **اهلیت:** اهلیت عبارت است از صلاحیت قانونی شخص برای دارا شدن حق و اعمال و اجرای آن که خود نیز شامل اهلیت تمتع (دارا شدن حق) و اهلیت استیفا (اهلیت اجرای حق) است.

قانون حاکم بر احوال شخصیه

■ برای تعیین قانون حاکم بر احوال شخصیه کشورهای مختلف معمولاً یکی از دو عامل «اقامتگاه» و «تابعیت» را مد نظر قرار می‌دهند. یعنی عده‌ای از کشورها احوال شخصیه را تابع قانون کشوری قرار می‌دهند که اقامتگاه شخص در آن جا است و عده‌ای دیگر آن را تابع قانون دولت متبوع او قرار می‌دهند. اصولاً کشورهای مهاجرپذیر تمایل دارند که قانون اقامتگاه را اعمال کنند (همان طور که در بحث تابعیت نیز تمایل این دسته از کشورها به سیستم خاک است)، در حالی که کشورهای مهاجر فرست تمایل دارند قانون ملی شخص را بر احوال شخصیه او اعمال کنند (همان طور که در بحث تابعیت آن‌ها به اعمال سیستم خون تمایل دارند).

■ در ایران ماده ۶ قانون مدنی اعمال قانون ملی نسبت به احوال شخصیه ایرانیان مقیم خارجه را به صورت زیر مقرر می‌کند: «قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو این که مقیم در خارجه باشند، اجرا خواهد شد.»

■ البته در مورد احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مقرر می‌دارد: «نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند:

۱- در مسائل مربوط به نکاح و طلاق عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است.

۲- در مسائل مربوط به ارث و وصیت عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهب متوفی

۳- در مسائل مربوط به فرزند خواندگی عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که پدر خوانده یا مادر خوانده پیرو آن است.»

■ از سوی دیگر ماده ۷ قانون مدنی در مورد اتباع بیگانه مقرر می‌دارد: «اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.»

■ در این مورد توجه کنید که توصیف رابطه حقوقی خاص نیز بر مبنای قانون ایران خواهد بود و ما بر مبنای این قانون تصمیم خواهیم گرفت که آیا موضوع جزو دسته احوال شخصیه است و یا خیر.

مواردی که اعمال قانون دولت متبوع با اشکال برخورد می‌کند:

■ **الف) عدم وحدت قوانین خارجی:** یعنی به عنوان مثال در کشوری خارجی همچون قانون مربوط به وضع ایرانیان غیر شیعه یک قانون خاص وجود داشته باشد. در این صورت اگر دولت متبوع شخص برای او قواعد خاص مقرر کرده باشد، همان قواعد بر احوال شخصیه او اعمال می‌شوند.

■ **ب) عدم وجود قانون راجع به احوال شخصیه:** یعنی این که در کشوری در مورد احوال شخصیه قانونی وضع نشده باشد. در این مورد با توجه به ماده ۵ قانون مدنی، قانون ایران بر این شخص اعمال می‌شود. ماده ۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.»

■ **ج) وجود تابعیت مضاعف:** در چنین مواردی که تعارض تابعیت (تعارض مثبت) مطرح است، ابتدا باید تعارض تابعیت‌ها حل شود و سپس قانون حاکم تعیین شود. تابعیت مضاعف یا از زمان تولد و بر مبنای سیستم‌های اعطای تابعیت به وجود می‌آید و یا بعد از تولد و در صورتی که شخص با حفظ تابعیت سابق، تابعیت جدیدی به دست آورد. در صورت به وجود آمدن تابعیت مضاعف دو حالت وجود دارد که قاضی بر اساس آن‌ها قانون حاکم را تعیین می‌کند:

- یکی از تابعیت‌ها تابعیت دولت متبوع قاضی است: قانون تابعیت خارجی بی‌اثر است و قانون ایران اعمال می‌شود.

- هیچ کدام از تابعیت‌ها تابعیت دولت متبوع قاضی نیست: در این صورت قاضی باید قراین و اوضاع و احوال را در نظر



بگیرد و تابعیت عملی یا مؤثر را تعیین کند. از جمله این قرائین می توان به محل سکونت، زبان، تابعیت همسر شخص، گذرنامه‌ای که مورد استفاده قرار گرفته و نیز انتخاب شخص اشاره کرد.

استثنائات قاعده اعمال قانون ملی نسبت به احوال شخصیه:

الف) نظم عمومی: هرگاه اجرای قانون مربوط به احوال شخصیه بیگانه برخلاف نظم عمومی کشور باشد قضات باید از اجرای آن خودداری کنند و به جای آن قانون ایران را اجرا کنند.

ب) احوال

ج) نسب: گاهی در یک دعوا موضوع نسب فردی است که تابعیت او مورد تردید است. در این صورت باید قانون مقرر دادگاه (ایران) را به عنوان جایگزین اعمال کرد.

د) اهلیت: اصولاً تشخیص اهلیت نیز تابع قانون ملی شخص است، مگر استثنائات زیر:

- اهلیت برای تبدیل تابعیت: اصولاً اهلیت تبدیل تابعیت باید به موجب قانون دولتی تشخیص داده شود که مساله به دست آوردن و یا از دست دادن تابعیت آن مطرح است.

۲- اهلیت برای معامله کردن: ماده ۹۶۲ قانون مدنی در این مورد مقرر می‌دارد: «تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود. اگر یک نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد، در صورتی که قطع نظر از تابعیت خارجی او مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد.»

ه) اشخاص بدون تابعیت: در این مورد نیز طبق ماده ۵ قانون مدنی، قانون ایران را حاکم قرار می‌دهیم.

و) اختلاف تابعیت در روابط شخصی و خانوادگی: مثل روابط زن و شوهر که تابعیت مختلف دارند و تابعیت شوهر بر روابط خانوادگی اعمال می‌شود.

اموال

■ مبحث مربوط به اموال را به دو بخش اموال مادی و اموال غیرمادی تقسیم می‌کنیم.

■ **اموال مادی:** اصولاً اموال مادی اعم از این که منقول یا غیر منقول باشند اصولاً تابع قانون محل وقوع خود هستند. در این مورد ماده ۹۶۶ قانون مدنی ایران تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیای منقول یا غیر منقول را تابع قانون کشوری می‌داند که آن اشیاء در آن جا واقع می‌باشند. علاوه بر این توجه کنید که طبق ماده ۹۶۷ قانون مدنی «ترکه منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوط به تعیین وراثت و مقدار سهم الارث آن‌ها و تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته است به موجب وصیت تملیک نماید تابع دولت متبوع متوفی خواهد بود.»

■ نکته‌ای که در مورد اموال مادی وجود دارد و دارای اهمیت است، استثناء آن است. با توجه به این که کشتی‌ها و هواپیماها دائماً در حال حرکت هستند و نمی‌توان این اموال را تابع قانون محل وقوع آن‌ها دانست، باید آن‌ها را تابع قانون محل ثبت نام کشتی‌ها و هواپیماها و یا قانون پرچم دانست. توجه کنید که اموال موجود در چنین کشتی‌ها و هواپیماهایی هم تابع قانون پرچم کشتی است.

■ سؤالی که در این مورد مطرح می‌شود این است که اگر در کشوری نسبت به مال منقولی حقی به وجود آید، آیا اگر آن حق ایجاد شده باشد در سایر کشورها هم مورد احترام قرار گیرد و یا خیر؟ این مساله با عنوان مساله تعارض متحرک قابل طرح است. قسمت اخیر ماده ۹۶۶ مقرر می‌دارد: «... معذک حمل و نقل شدن شی منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمی‌تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شی نسبت به آن تحصیل کرده باشند خللی وارد آورد.»

■ **اموال غیر مادی:** اموال غیر مادی اموالی هستند که وجود مادی در خارج ندارند، ولی جامعه وجود آن‌ها را اعتبار نموده و قانون هم آن را شناخته است. اموال غیر مادی عبارتند از:

الف) حقوق عینی: این حقوق که شامل حقوقی نظیر حق انتفاع، حق ارتفاق، حقوق دینی (دیون)، سرقفلی است، دارای پایگاه یکسانی با خود اموال است و بنابراین قانون محل وقوع مال نسبت به آن‌ها اعمال می‌شود.

ب) مالکیت‌های معنوی و دیون: چون محل وقوع حقیقی و تجلی فیزیکی ندارند، ناگزیر باید در مورد آن‌ها یک محل وقوع فرضی در نظر گرفته شود و بر اساس آن قانون صلاحیت‌دار را تعیین کرد. بر طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی قانون حاکم بر مالکیت‌های صنعتی قانون دولتی است که اختراع نامه یا حق امتیاز را به مخترع اعطاء می‌کند، اما قانون حاکم بر مالکیت‌های ادبی و هنری قانون محلی است که اثر در آن جا انتشار یافته است.

■ در مورد قانون حاکم بر دیون نیز به نظر می‌رسد که قانون اقامتگاه مدیون صالح‌تر است، چرا که از طریق صلاحیت این قانون، تقارن قانون‌گذاری و قضایی حاصل می‌شود.

اسناد و قراردادها

■ این مبحث در دو بخش بررسی می‌شود:

- تنظیم اسناد و قانون حاکم بر آن

- قراردادها و قانون حاکم بر آن

تنظیم اسناد و قانون حاکم بر آن

■ شکل خارجی اسناد تابع قانون محلی است که در آن جا تنظیم می‌شوند و یا اسناد از نظر صورت ظاهر تابع قانون محلی است که در آن جا تنظیم می‌شوند. این امر علاوه بر وجود مصلحت دولت محل تنظیم، منافع خصوصی افراد را هم بهتر تأمین می‌کند. منظور از این قاعده این است که تنظیم یا ساخت سند تابع محل تنظیم آن است، نه هرگونه شکلی. یعنی مسائل مهم مربوط به تنظیم سند تابع قانون محل تنظیم است.

■ توجه کنید که رعایت این قاعده در مورد اسناد عادی، اختیاری و در مورد اسناد رسمی، اجباری است. نکته دیگری که لازم است به آن اشاره شود این است که قانون حاکم بر اسناد تجاری (چک، سفته و برات) بر اساس قانون محل نسبت به سند تعیین می‌شود.

قراردادها و قانون حاکم بر آن

■ در این مورد اصلی وجود دارد که با عنوان اصل حاکمیت اراده شناخته می‌شود. یعنی در اکثر نظام‌های حقوقی، قراردادها و تعهدات ناشی از آن‌ها در صلاحیت قانونی است که طرفین تعیین می‌کنند. اما چنان چه طرفین ضمن قرارداد قانون حاکم را صریحاً تعیین نکرده باشند، این قانون با توجه به اماراتی تعیین می‌شود که عبارتند از:

- قانون محل انعقاد عقد

- قانون محل اجرای عقد (این دو عامل اول از اهمیت بسیاری برخوردارند.)

- قانون اقامتگاه متعاملین

- تابعیت متعاملین

- محل وقوع مال غیر منقول (در مورد قراردادهای مربوط به اموال غیر منقول)

- زبان قرارداد

- قبول داوری در کشور معین یا توافق در مورد صلاحیت محاکم کشور خاص

- محل وقوع مورد وثیقه یا موضوع رهن

- واحد پول مقرر در قرارداد

- اشاره به مقررات قانونی یا اصطلاحات حقوقی کشوری خاص

- اقامتگاه طرفی که طرح قرارداد را تهیه کرده است.

■ در ایران طبق ماده ۹۶۸ قانون مدنی «تعهدات ناشی از عقود، تابع قانون محل وقوع عقد است مگر این که متعاقدین اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.»

سؤالات چهار گزینه‌ای فصل چهارم

۳۳۰. تعارض دادگاه‌ها و تعارض قوانین چه رابطه‌ای دارند؟ (سراسری - ۷۲)
- ۱) تعارض دادگاه‌ها گاهی در تعارض قوانین اثر می‌گذارد.
 - ۲) تعارض دادگاه‌ها همیشه در تعارض قوانین اثر می‌گذارد.
 - ۳) تعارض دادگاه‌ها هیچ‌گاه در تعارض قوانین اثر نمی‌گذارد.
 - ۴) تعارض دادگاه‌ها بعد از تعارض قوانین مطرح می‌شود.
۳۳۱. برای حل تعارض قوانین تابعیت کشورها، کدام یک از روش‌های زیر قابل استفاده است؟ (سراسری - ۷۲)
- ۱) منحصرأ روش اصولی (یا جزمی)
 - ۲) اصولأ روش جزمی و استثنأ روش تحلیلی
 - ۳) اصولأ روش تحلیلی و استثنأ روش جزمی
 - ۴) منحصرأ روش تحلیلی
۳۳۲. بین قانون مقر دادگاه و قانون درون مرزی چه رابطه‌ای وجود دارد؟ (سراسری - ۷۳)
- ۱) قانون مقر دادگاه درون مرزی است.
 - ۲) قانون مقر دادگاه گاهی بر قانون درون مرزی منطبق است.
 - ۳) قانون مقر دادگاه همیشه بر قانون درون مرزی منطبق است.
 - ۴) قانون درون مرزی تابع قانون مقر دادگاه است.
۳۳۳. بین تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها چه رابطه‌ای وجود دارد؟ (سراسری - ۷۳)
- ۱) تعارض قوانین همیشه در تعارض دادگاه‌ها اثر می‌گذارد.
 - ۲) تعارض دادگاه‌ها در تعارض قوانین اثر می‌گذارد.
 - ۳) تعارض قوانین قبل از تعارض دادگاه‌ها مطرح می‌گردد.
 - ۴) تعارض دادگاه‌ها همیشه در تعارض قوانین اثر می‌گذارد.
۳۳۴. قواعد تعارض دادگاه‌ها با قواعد تعارض تابعیت چه رابطه‌ای دارد؟ (سراسری - ۷۳)
- ۱) قواعد تعارض دادگاه‌ها یک جانبه و قواعد تعارض تابعیت دو جانبه‌اند.
 - ۲) هر دو دسته از قواعد یک جانبه‌اند.
 - ۳) هر دو دسته از قواعد دو جانبه‌اند.
 - ۴) قواعد تعارض دادگاه‌ها دو جانبه و قواعد تعارض تابعیت یک جانبه‌اند.
۳۳۵. اعمال روش حقوقی یا انتخاب انطباق به طور کلی در مورد تعارض قوانین مناسب‌تر است. (سراسری - ۷۴)
- ۱) تابعیت
 - ۲) صلاحیت دادگاه‌ها
 - ۳) قراردادها
 - ۴) کیفری
۳۳۶. تقارن صلاحیت قضایی و صلاحیت قانونی در صورت تعارض کدام قوانین امری الزامی است؟ (سراسری - ۷۴)
- ۱) احوال شخصیه
 - ۲) تعهدات
 - ۳) شرکت‌ها
 - ۴) مالیاتی
۳۳۷. قانون برون مرزی عبارت است از قانون: (سراسری - ۷۴)
- ۱) خارجی
 - ۲) دارای سلطه خارج المملکتی
 - ۳) حل تعارض
 - ۴) شکلی

۳۳۸. کدام یک عامل ارتباط است؟
 (۱) ازدواج و طلاق
 (۲) قرارداد
 (۳) محل وقوع مال
 (۴) مال منقول و غیر منقول
 (سراسری - ۷۶)
۳۳۹. کدام یک دسته ارتباط است؟
 (۱) الزامات خارج از عقد
 (۲) اقامتگاه
 (۳) محل تنظیم سند
 (۴) محل وقوع عقد
 (سراسری - ۷۶)
۳۴۰. تقارن صلاحیت قضایی و قانونی در تعارض کدام قوانین امری الزامی است؟
 (۱) تجاری
 (۲) شرکتها
 (۳) کیفری
 (۴) مدنی
 (سراسری - ۷۷)
۳۴۱. کدام یک از موارد زیر صحیح است؟
 (۱) تقدم و تأخر رسیدگی و حل تعارض قوانین یا تعارض دادگاهها بسته به میل قاضی است.
 (۲) حل مساله تعارض قوانین مقدم بر حل مساله تعارض دادگاهها است.
 (۳) مساله تعارض قوانین و تعارض دادگاهها همزمان مطرح می شوند.
 (۴) حل مساله تعارض دادگاهها مقدم بر حل مساله تعارض قوانین است.
 (سراسری - ۷۸)
۳۴۲. به روشی که بر اساس آن برای تعیین قاعده حل تعارض از لحاظ علمی و نظری، حکمی مناسب جستجو می گردد، روش می گویند.
 (۱) اصولی
 (۲) حقوقی
 (۳) فلسفی
 (۴) نظری
 (سراسری - ۸۰)
۳۴۳. روش حقوقی در حل تعارض قوانین، روشی:
 (۱) خاص الشمول و تحلیلی است.
 (۲) عام الشمول و استثنایی است.
 (۳) خاص الشمول و استثنایی است.
 (۴) عام الشمول و تحلیلی است که راه حل مساله را از نظر حقوقی جستجو می کنند.
 (سراسری - ۸۱)
۳۴۴. در حقوق بین المللی عمومی، تعارض قوانین به مفهوم اخص کلمه به وجود نمی آید، زیرا وجود ندارد. (سراسری - ۸۲)
 (۱) عنصر خارجی
 (۲) اهلیت تمتع برای خارجیان
 (۳) امکان اجرای قانون خارجی
 (۴) اهلیت استیفاء برای خارجیان
۳۴۵. این که مثلاً برای کشورهای مهاجرپذیر قانون اقامتگاه و برای کشورهای مهاجرفرست قانون متبوع شخص را بر احوال شخصیه اش حاکم بدانیم، متناسب با کدام روش حل تعارض است؟ (سراسری - ۸۲)
 (۱) روش تحلیلی
 (۲) روش حقوقی
 (۳) روش انتخاب انسب
 (۴) روش اصولی یا جزمی
۳۴۶. در کدام مورد تقارن صلاحیت قضایی و قانونی امری احتمالی است؟ (سراسری - ۸۳)
 (۱) مالیاتها
 (۲) مسائل ثبتی
 (۳) جرایم کیفری
 (۴) احوال شخصیه
۳۴۷. به نظر شما ماده ۹۶۸ قانون مدنی از چه روشی پیروی نموده است؟ (سراسری - ۸۳)
 ماده ۹۶۸: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر این که متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.»
 (۱) روش اصولی
 (۲) روش استنتاجی
 (۳) روش حقوقی
 (۴) روش خاص الشمول
۳۴۸. در کدام مورد تأثیر صلاحیت قضایی بین المللی بر صلاحیت قانونی بین المللی قطعی است؟ (سراسری - ۸۳)
 (۱) نظم عمومی
 (۲) تعارض مثبت قوانین
 (۳) تقلب نسبت به قانون
 (۴) تعارض بین المللی قوانین



۳۴۹. در روش حقوقی یا تحلیلی به قانون توجه می‌شود. (سراسری - ۸۴)
- (۱) اقامتگاه (۲) مساعدتر (۳) مناسب‌تر (۴) دارای اثر خفیف
۳۵۰. تعارض مثبت بین سیستم‌های ملی حل تعارض زمانی مطرح می‌شود که: (سراسری - ۸۴)
- (۱) قواعد مادی هر سیستم با سیستم دیگر متفاوت است.
 (۲) قواعد حل تعارض هر سیستم قانون کشور دیگر را صلاحیت‌دار می‌داند، در این گونه موارد قاضی قانون مقرر دادگاه را اجرا می‌نماید.
 (۳) قواعد حل تعارض هر سیستم قانون داخلی خود را صلاحیت‌دار می‌داند، در این گونه موارد قاضی همیشه باید قانون دولت طرف دیگر را اجرا نماید.
 (۴) قواعد حل تعارض هر سیستم قانون داخلی خود را صلاحیت‌دار می‌داند، در این گونه موارد قاضی همیشه باید قانون دولت متبوع خود را اجرا نماید.
۳۵۱. قانون مقرر دادگاه قانون است. (سراسری - ۸۵)
- (۱) ملی خوانده (۲) اقامتگاه خوانده
 (۳) دولت متبوع خواهان (۴) دادگاه مرجع رسیدگی
۳۵۲. قواعد حل تعارض چه ماهیتی است؟ (سراسری - ۸۵)
- (۱) همگی امری هستند.
 (۲) همگی تفسیری و تکمیلی هستند.
 (۳) ماهیتی دوگانه دارند.
 (۴) برخی امری و برخی تکمیلی و تفسیری هستند.
۳۵۳. وجود عنصر خارجی (با ارتباط مساله طرح شده در دادگاه با بیش از یک کشور) و هم چنین وجود تفاوت میان قوانین کشورها، شرط برای تحقق تعارض قوانین است. (سراسری - ۸۵)
- (۱) لازم و منفی (۲) لازم و کافی
 (۳) لازم و نه کافی (۴) کافی و مثبت
۳۵۴. چنان چه خواننده دعوی در ایران اقامتگاه نداشته باشد: (سراسری - ۸۵)
- (۱) در دادگاه تهران علیه او اقامه دعوی خواهد شد.
 (۲) در محل سکونت خواهان علیه او اقامه دعوی خواهد شد.
 (۳) در هر دادگاهی که خواهان انتخاب کند، علیه او اقامه دعوی خواهد شد.
 (۴) در محل وقوع مال غیر منقول او در ایران، علیه او اقامه دعوی خواهد شد.
۳۵۵. در تعارض قوانین، قواعد حل تعارض ... (سراسری - ۸۶)
- (۱) به تعیین قانون صلاحیت‌دار اکتفا می‌کنند و مساله را مستقیماً به طور ماهوی حل نمی‌کنند.
 (۲) به تعیین قانون صلاحیت‌دار اکتفا نمی‌کنند و مساله را مستقیماً و به طور ماهوی حل می‌کنند.
 (۳) دادگاه و قانون صلاحیت‌دار را تعیین می‌نمایند.
 (۴) به تعیین دادگاه صلاحیت‌دار اکتفا می‌کنند.
۳۵۶. اثر تعارض دادگاه‌ها بر تعارض قوانین چیست؟ (سراسری - ۸۸)
- (۱) تنها تعارض قوانین بر تعارض دادگاه‌ها اثرگذار است.
 (۲) در برخی موارد اثرگذار است.
 (۳) در تمام موارد اثرگذار است.
 (۴) در هیچ مورد اثرگذار نیست.
۳۵۷. تعارض قوانین به معنی خاص کلمه شامل تعارض قوانین کشورهاست. (سراسری - ۸۹)
- (۱) مدنی و کیفری (۲) مدنی و تجاری
 (۳) تجاری و اداری (۴) آیین دادرسی و مالیاتی

۳۵۸. یکی از عوامل به وجود آمدن تعارض قوانین، وجود تفاوت بین کشورهای مختلف است. (سراسری - ۸۹)
- (۱) قواعد ماهوی
(۲) قواعد حل تعارض
(۳) قواعد ماهوی و قواعد حل تعارض
(۴) قواعد ماهوی و عدم تفاوت بین قواعد حل تعارض
۳۵۹. به نظر کدام یک از حقوق دانان برای حل تعارض قوانین باید منظور و غایت اجتماعی قانون را مورد توجه قرار داد؟ (سراسری - ۷۲)
- (۱) نی‌بویه
(۲) منچینی
(۳) پیه
(۴) بارتن
۳۶۰. کدام حقوقدان برای نخستین بار اصل حاکمیت اراده را با نتایج حاصل از آن در مورد تعیین قانون حاکم بر قراردادها عنوان کرده است؟ (سراسری - ۷۴)
- (۱) دومولن
(۲) دوواری سومیر
(۳) ساوینی
(۴) نی‌بویه
۳۶۱. کدام حقوقدان مساله توصیف‌های اصلی و فرعی را به طور منظم مطرح کرده است؟ (سراسری - ۷۴)
- (۱) بارتن
(۲) باتیفول
(۳) دومولن
(۴) ساوینی
۳۶۲. کدام حقوقدان، فقدان «جامعه مشترک حقوقی» را مبنای دخالت نظم عمومی دانسته است؟ (سراسری - ۷۴)
- (۱) دومولن
(۲) ساوینی
(۳) منچینی
(۴) نی‌بویه
۳۶۳. بنیانگذار مکتب جدید ایتالیایی کدام است؟ (سراسری - ۷۷)
- (۱) درژانتره
(۲) منچینی
(۳) ساوینی
(۴) شارل دومولن
۳۶۴. تفکیک بین مسائل شکلی و مسائل ماهوی برای نخستین بار توسط کدام مکتب عنوان شده است؟ (سراسری - ۷۸)
- (۱) آلمانی (قرن نوزدهم)
(۲) فرانسوی (قرن شانزدهم)
(۳) قدیم ایتالیایی
(۴) هلندی (قرن هفدهم)
۳۶۵. نظریه دوام و عمومیت قانون در حقوق بین‌الملل خصوصی توسط کدام حقوقدان مطرح گردیده است؟ (سراسری - ۸۱)
- (۱) درژانتره
(۲) پیه
(۳) دومولن
(۴) باتیفول
۳۶۶. نظریه «تعیین پایگاه روابط حقوقی بر حسب ماهیت آن‌ها» از کیست؟ (سراسری - ۸۱)
- (۱) ساوینی
(۲) منچینی
(۳) پیه
(۴) واختر
۳۶۷. ساوینی حقوقدان آلمانی حقوق بین‌الملل خصوصی، مدافع: (سراسری - ۸۱)
- (۱) اصل شخصی بودن قوانین بود.
(۲) اصل حاکمیت اراده بود.
(۳) اصل جامعه مشترک حقوقی بود.
(۴) اصل سرزمینی بودن قوانین بود.
۳۶۸. نظریه «پایگاه حقوقی در تعارض قوانین» توسط کدام حقوقدان ارائه گردید؟ (سراسری - ۸۲)
- (۱) ساوینی
(۲) شافنر
(۳) واختر
(۴) منچینی
۳۶۹. نظریه، قدرت اجبار کننده قانون خارجی را ناشی از لزوم رعایت حقوق مکتسبه می‌داند. (سراسری - ۸۴)
- (۱) آلمانی
(۲) ایتالیایی
(۳) انگلیسی - آمریکایی
(۴) فرانسوی
۳۷۰. در کدام سیستم، قانون خارجی از مسائل موضوعی دعوی به شمار می‌آید و مادام که اصحاب دعوی به قانون خارجی استناد نکرده باشند، قاضی حق اجرای قانون خارجی را نخواهد داشت؟ (سراسری - ۸۴)
- (۱) آلمانی
(۲) انگلیسی
(۳) ایتالیایی
(۴) فرانسوی
۳۷۱. در کدام یک از مکاتب ذیل، توجیه اجرای قانون کشور بیگانه بر پایه نظریات نزاکت بین‌المللی مبتنی است؟ (سراسری - ۸۶)
- (۱) مکتب انگلیسی
(۲) مکتب ایتالیایی
(۳) مکتب فرانسوی
(۴) مکتب هلندی



۳۷۲. یکی از دلایل توجیه پدیدار شدن احاله آن است که با سلب صلاحیت قانون خارجی، اعمال قاعده حل تعارض دچار اشکال می‌شود و عملاً قانونی و جز قانون دولت متبوع قاضی باقی نمی‌ماند. این استدلال از سوی کدام یک از علمای ذیل ارایه شده است؟

- (۱) باتیفول (۲) ساوینی. (۳) وست لیک. (۴) نی‌بوایه.

۳۷۳. کدام حقوقدان قائل به وحدت حقوق بین الملل عمومی و حقوق بین الملل خصوصی است؟

- (۱) درژانتیره (۲) ساوینی (۳) پیه (۴) نی‌بوایه

۳۷۴. احاله درجه اول چیست؟

- (۱) احاله قانون ایران به قانون خارجی (۲) احاله دادگاه خارجی به قانون ایران
(۳) احاله دادگاه ایران به دادگاه خارجی (۴) احاله قانون خارجی به قانون ایران

۳۷۵. بین نظم عمومی و تقلب نسبت به قانون چه رابطه‌ای وجود دارد؟

- (۱) نظم عمومی جنبه اصلی و تقلب نسبت به قانون جنبه فرعی دارد.
(۲) هر دو جنبه فرعی دارند.
(۳) نظم عمومی جنبه فرعی و تقلب نسبت به قانون جنبه اصلی دارد.
(۴) هر دو جنبه اصلی دارند.

۳۷۶. برای این که حقی از لحاظ بین المللی مکتسب محسوب گردد و در ایران من حیث المجموع معتبر شناخته شود چه شرطی لازم است؟

- (۱) بر طبق قانون خارجی و به طور کامل به وجود آمده است.
(۲) بر طبق قانون ایران و قانون خارجی به وجود آمده است.
(۳) بر طبق قانون صلاحیتدار و به طور کامل به وجود آمده باشد.
(۴) بر طبق قانون ایران و به طور کامل به وجود آمده باشد.

۳۷۷. نظم عمومی در مورد آثار حق ایجاد شده در خارجه چگونه دخالت می‌کند؟

- (۱) از بروز تمام آثار حق جلوگیری می‌کند. (۲) از بروز آثار حق جلوگیری نمی‌کند.
(۳) فقط از بروز پاره‌ای از آثار حق جلوگیری می‌کند. (۴) حسب مورد آثار حق را تقلیل می‌دهد و یا افزایش می‌دهد.

۳۷۸. علت به وجود آمدن احاله چیست؟

- (۱) رجوع به قاعده حل تعارض کشور خارجی (۲) رجوع به قاعده حل تعارض دولت متبوع قاضی
(۳) رجوع به قاعده مادی دولت متبوع قاضی (۴) رجوع به قاعده مادی کشور خارجی

۳۷۹. نظم عمومی در مرحله ایجاد حق چه اثری دارد؟

- (۱) اثر خفیف (۲) اثر خفیف و منفی (۳) اثر شدید (۴) اثر خفیف و مثبت

۳۸۰. در صورت مواجه شدن با سازمان حقوقی خارجی که در قانون ایران شناخته نشده است، دادگاه ایران چگونه باید آن را توصیف کند؟

- (۱) سازمان حقوقی را غیر قابل توصیف اعلام کند.
(۲) سازمان حقوقی را منحصرأ طبق قانون خارجی توصیف کند.
(۳) سازمان حقوقی را منحصرأ طبق قانون ایران توصیف کند.
(۴) سازمان حقوقی را طبق قانون ایران ولی به کمک قانون خارجی توصیف کند.

۳۸۱. قواعد نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی کدامند؟

- (۱) بعضی قواعد امری (۲) قواعد برون مرزی (۳) تمام قواعد امری (۴) قواعد درون مرزی

۳۸۲. تعارض متحرک در حقوق بین‌الملل خصوصی با تعارض زمانی قوانین در حقوق داخلی چه رابطه‌ای دارد؟ (سراسری - ۷۲)
- ۱) تعارض متحرک همان تعارض زمانی قوانین است.
 - ۲) از لحاظ مرجع قانون‌گذاری و نظم عمومی با هم تفاوت دارند.
 - ۳) از لحاظ نظم عمومی با هم تفاوت دارند.
 - ۴) از لحاظ مرجع قانون‌گذار با هم تفاوت دارند.
۳۸۳. آیا احاله در تعارض منفی قابل اعمال است؟ (سراسری - ۷۲)
- ۱) قابل اعمال نیست.
 - ۲) قابل اعمال است.
 - ۳) بسته به نظر دادگاه است.
 - ۴) بسته به مورد است.
۳۸۴. قواعد نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی کدامند؟ (سراسری - ۷۳)
- ۱) بعضی از قواعد امری
 - ۲) کلیه قواعد امری و تکمیلی
 - ۳) کلیه قواعد امری
 - ۴) بعضی از قواعد امری و تکمیلی
۳۸۵. بین نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی و نظم عمومی در حقوق بین‌الملل عمومی چه رابطه‌ای موجود است؟ (سراسری - ۷۳)
- ۱) نظم عمومی در هر دو زمینه جنبه عام دارد.
 - ۲) نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی جنبه عام و در حقوق بین‌الملل عمومی جنبه خاص دارد.
 - ۳) نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی جنبه خاص و در حقوق بین‌الملل عمومی جنبه عام دارد.
 - ۴) نظم عمومی در هر دو زمینه جنبه خاص دارد.
۳۸۶. احاله درجه دوم عبارت است از: (سراسری - ۷۳)
- ۱) احاله قانون ایران به قانون خارجی
 - ۲) احاله دادگاه خارجی به قانون ایران
 - ۳) احاله قانون خارجی به قانون ایران
 - ۴) احاله قانون خارجی به قانون دیگر
۳۸۷. مساله توصیف قضایی با مساله احاله چه رابطه‌ای دارد؟ (سراسری - ۷۳)
- ۱) حل مساله توصیف قضایی مقدم بر حل مساله احاله است.
 - ۲) حل مساله احاله مقدم بر مساله توصیف قضایی است.
 - ۳) مساله احاله در مساله توصیف قضایی اثر می‌گذارد.
 - ۴) مساله توصیف قضایی مربوط به قاعده حل تعارض خارجی و مساله احاله مربوط به قاعده مادی خارجی است.
۳۸۸. کدام‌یک از موارد زیر با تعارض مثبت سیستم‌ها انطباق دارد؟ (سراسری - ۷۲)
- ۱) قضیه‌ای با سه سیستم ارتباط دارد و دو سیستم از آن‌ها قانون کشور ثالث را واجد صلاحیت می‌دانند.
 - ۲) قضیه‌ای با سه سیستم ارتباط دارد و یکی از آن‌ها قانون داخلی خود و سیستم دیگر قانون کشور ثالث را صلاحیت‌دار می‌داند.
 - ۳) قضیه‌ای با دو سیستم ارتباط دارد و هر دو سیستم قانون کشوری را که قضیه در آن‌جا مطرح است واجد صلاحیت می‌دانند.
 - ۴) قضیه‌ای با دو سیستم ارتباط دارد و هر سیستمی قانون داخلی خود را صلاحیت‌دار می‌داند.
۳۸۹. بین نظم عمومی در حقوق داخلی و نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی چه رابطه‌ای موجود است؟ (سراسری - ۷۳)
- ۱) نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی همان نظم عمومی در حقوق داخلی است.
 - ۲) از لحاظ مرجع قانون‌گذاری تفاوت دارند.
 - ۳) نظم عمومی در حقوق داخلی اخص از نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی است.
 - ۴) نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی اخص از نظم عمومی در حقوق داخلی است.

۳۹۰. برای این که حق ایجاد شده در خارجه از لحاظ بین المللی حق مکتسب محسوب گردد و بتواند در ایران معتبر شناخته شود، باید:

- (۱) بر طبق قانون ایران و به طور کلی به وجود آمده باشد.
- (۲) بر طبق قانون خارجی و قانون ایران به وجود آمده باشد.
- (۳) بر طبق قانون صلاحیتدار و به طور کامل به وجود آمده باشد.
- (۴) بر طبق قانون خارجی و به طور کامل به وجود آمده باشد.

۳۹۱. منظور از رد احاله چیست؟ (سراسری - ۷۳)

- (۱) ندیده گرفتن قاعده حل تعارض کشور خارجی
- (۲) ندیده گرفتن قاعده مادی کشور خارجی
- (۳) ندیده گرفتن قاعده حل تعارض دولت متبوع قاضی
- (۴) ندیده گرفتن قاعده مادی دولت متبوع خارجی

۳۹۲. علت به وجود آمدن احاله چیست؟ (سراسری - ۷۳)

- (۱) رجوع به قاعده مادی کشور خارجی است.
- (۲) رجوع به قاعده مادی دولت متبوع قاضی است.
- (۳) رجوع به قاعده حل تعارض دولت متبوع قاضی است.
- (۴) رجوع به قاعده حل تعارض کشور خارجی است.

۳۹۳. بین نظم عمومی و تقلب نسبت به قانون در حقوق بین الملل خصوصی چه رابطه ای وجود دارد؟ (سراسری - ۷۳)

- (۱) رابطه عموم و خصوص
- (۲) نظم عمومی و جنبه اصلی و تقلب نسبت به قانون جنبه فرعی و علی البدل دارد.
- (۳) هر دو جنبه اصلی دارند.
- (۴) هر دو جنبه فرعی و علی البدل دارند.

۳۹۴. احاله درجه اول یعنی احاله: (سراسری - ۷۴)

- (۱) دادگاه ایران به دادگاه خارجی
- (۲) قانون ایران به قانون خارجی
- (۳) قانون خارجی به قانون ایران
- (۴) قانون خارجی به قانون کشور ثالث

۳۹۵. نظم عمومی و تقلب نسبت به قانون، هر دو در مرحله اجرای قانون مطرح می شود. (سراسری - ۷۴)

- (۱) ماهوی داخلی
- (۲) ماهوی خارجی
- (۳) حل تعارض خارجی
- (۴) مالیاتی

۳۹۶. تقسیم قوانین به قوانین مناسب و نامناسب مربوط است به (سراسری - ۷۴)

- (۱) احاله
- (۲) تعارض مثبت
- (۳) توصیف قضایی
- (۴) نظم عمومی

۳۹۷. نظم عمومی در مرحله تأثیر بین المللی حق، چه نوع اثری دارد؟ (سراسری - ۷۴)

- (۱) برون مرزی
- (۲) خفیف
- (۳) درون مرزی
- (۴) شدید

۳۹۸. احاله درجه دوم عبارت است از احاله قانون به قانون (سراسری - ۷۴)

- (۱) ایران، خارج برای بار دوم
- (۲) خارجی، ایران برای بار دوم
- (۳) خارجی، خارجی دیگر
- (۴) خارجی، ایرانی

۳۹۹. اثر مثبت و منفی نظم عمومی و تعارض مثبت و منفی به ترتیب مربوط به کدام قوانین است؟ (سراسری - ۷۴)

- (۱) حقوقی، حل تعارض منفی
- (۲) حقوقی، ماهوی
- (۳) تعارض نیست، ماهوی
- (۴) ماهوی، حل تعارض

۴۰۰. فقدان تعارض در مرحله ایجاد حق و وجود تعارض در مرحله اثرگذاری حق از فروض مطروحه در کدام تعارض است؟

(سراسری - ۷۵)

- (۱) ضمنی
- (۲) متحرک
- (۳) منفی
- (۴) مثبت

۴۰۱. بین تعارض متحرک و توصیف قضایی چه نسبتی وجود دارد؟ (سراسری - ۷۵)

- ۱) تعارض متحرک از نوع تعارض زمانی و توصیف قضایی از نوع تعارض ضمنی است.
- ۲) تعارض متحرک از نوع تعارض ضمنی و توصیف قضایی از نوع تعارض زمانی است.
- ۳) هر دو از نوع تعارض منفی‌اند.
- ۴) هر دو از نوع تعارض صریح‌اند.

۴۰۲. تعارض مثبت قوانین با اثر مثبت نظم عمومی چه نسبتی دارد؟ (سراسری - ۷۵)

- ۱) تعارض مثبت قوانین مربوط به اعمال قانون ماهوی و اثر مثبت نظم عمومی مربوط به اعمال قانون حل تعارض است.
- ۲) تعارض مثبت قوانین مربوط به اعمال قانون حل تعارض و اثر مثبت نظم عمومی مربوط به اعمال قانون ماهوی است.
- ۳) هر دو جزء تعارض‌های صریح‌اند.
- ۴) هر دو جزء تعارض‌های ضمنی‌اند.

۴۰۳. توصیف بین‌المللی یا دو مرحله‌ای در موقعی ضرورت می‌یابد که قاضی ملی مواجه می‌شود با (سراسری - ۷۵)

- ۱) یک رابطه بین‌المللی
- ۲) تعارض صریح قوانین
- ۳) یک تأسیس خارجی که در نظام ملی او پذیرفته نشده است.
- ۴) یکی از مراحل دوگانه حق

۴۰۴. به وجود آمدن حقوق مخالف در عرصه بین‌المللی معلول چه تعارضی است؟ (سراسری - ۷۵)

- ۱) مثبت قوانین
- ۲) منفی قوانین
- ۳) ضمنی قوانین
- ۴) صریح قوانین

۴۰۵. تعارض توصیف‌ها چه نوع تعارضی است؟ (سراسری - ۷۵)

- ۱) صریح
- ۲) ضمنی
- ۳) منفی
- ۴) مثبت

۴۰۶. اثر مثبت نظم عمومی با اثر منفی نظم عمومی چه نسبتی دارد؟ (سراسری - ۷۵)

- ۱) اثر مثبت و منفی نظم عمومی مربوط به نحوه جایگزینی قانون مقر دادگاه به جای قانون خارجی است.
- ۲) اثر مثبت مربوط به تعارض‌های مثبت و اثر منفی مربوط به تعارض‌های منفی است.
- ۳) اثر مثبت و منفی نظم عمومی مربوط به نحوه اعمال قانون حل تعارض کشور خارجی است.
- ۴) اثر مثبت و منفی نظم عمومی مربوط به نحوه توصیف قضایی تأسیس حقوقی خارجی است.

۴۰۷. بین تعارض منفی قوانین و اثر منفی نظم عمومی چه نسبتی وجود دارد؟ (سراسری - ۷۵)

- ۱) تعارض منفی قوانین مربوط به اعمال قانون ماهوی و اثر منفی نظم عمومی مربوط به اعمال قانون حل تعارض است.
- ۲) تعارض منفی قوانین مربوط به اعمال قانون حل تعارض و اثر منفی نظم عمومی مربوط به اعمال قانون ماهوی است.
- ۳) هر دو جزء تعارض‌های صریح‌اند.
- ۴) هر دو جزء تعارض‌های ضمنی‌اند.

۴۰۸. نظم عمومی با تقلب نسبت به قانون چه نسبتی دارد؟ (سراسری - ۷۶)

- ۱) نظم عمومی جنبه علی‌البدل و تقلب جنبه اصلی دارد.
- ۲) نظم عمومی مربوط به اعمال قانون حل تعارض خارجی و تقلب مربوط به اعمال قانون ماهوی خارجی است.
- ۳) هر دو از موانع اجرای قانون خارجی‌اند.
- ۴) هر دو جنبه اصلی دارند.

۴۰۹. بین احاله و تعارض متحرک چه نسبتی وجود دارد؟ (سراسری - ۷۶)
- ۱) احاله از نوع تعارض منفی و تعارض متحرک از نوع تعارض زمانی است.
 - ۲) احاله و تعارض متحرک هر دو از نوع تعارض زمانی اند.
 - ۳) هر دو از نوع تعارض مثبت اند.
 - ۴) هر دو از نوع تعارض منفی اند.
۴۱۰. بین اثر شدید و خفیف نظم عمومی چه نسبتی وجود دارد؟ (سراسری - ۷۶)
- ۱) اثر شدید مربوط به مرحله ایجاد حق و اثر خفیف مربوط به مرحله اثرگذاری حق است.
 - ۲) اثر شدید مربوط به تعارض ضمنی و اثر خفیف مربوط به تعارض صریح قوانین است.
 - ۳) اثر شدید مربوط به مرحله اثرگذاری حق و اثر خفیف مربوط به مرحله ایجاد حق است.
 - ۴) اثر شدید مربوط به مساله احاله و اثر خفیف مربوط به مساله توصیف قضایی است.
۴۱۱. توصیف عامل ارتباط چه توصیفی است؟ (سراسری - ۷۶)
- ۱) اصلی
 - ۲) الزامی
 - ۳) حسب مورد ممکن است اصلی یا فرعی باشد
 - ۴) فرعی
۴۱۲. توصیف قضایی با احاله چه نسبتی دارد؟ (سراسری - ۷۶)
- ۱) توصیف قضایی از نوع تعارض منفی و احاله از نوع تعارض ضمنی است.
 - ۲) توصیف قضایی از نوع تعارض ضمنی و احاله از نوع تعارض صریح است.
 - ۳) هر دو از نوع تعارض ضمنی اند.
 - ۴) هر دو از نوع تعارض صریح اند.
۴۱۳. هرگاه قانون خارجی که طبق قاعده حل تعارض ایران صلاحیتدار شناخته شده متعلق به کشوری باشد که احاله را نپذیرفته است قاضی ایرانی باید: (سراسری - ۷۶)
- ۱) احاله را رد کند.
 - ۲) به قانون ماهوی ایرانی رجوع کند.
 - ۳) به قانون ماهوی کشور خارج رجوع کند.
 - ۴) به قاعده حل تعارض کشور خارجی رجوع کند و رد احاله آن کشور را ندیده بگیرد.
۴۱۴. توصیف یک شرط به عنوان شرط شکلی یا ماهوی توصیفی است: (سراسری - ۷۷)
- ۱) بین المللی
 - ۲) اصلی
 - ۳) داخلی
 - ۴) فرعی
۴۱۵. احاله در کدام زمینه به وجود نمی آید؟ (سراسری - ۷۷)
- ۱) احوال شخصیه
 - ۲) ارث
 - ۳) تعهدات قراردادی
 - ۴) اهلیت
۴۱۶. اگر قانون کشور خارجی که طبق سیستم حل تعارض ایران قانون آن صلاحیتدار شناخته شده احاله را نپذیرفته باشد، دادگاه ایران باید: (سراسری - ۷۷)
- ۱) قانون داخلی کشور خارجی را اجرا کند.
 - ۲) حسب مورد احاله را بپذیرد یا رد کند.
 - ۳) احاله را رد کند.
 - ۴) احاله را بپذیرد.

۴۱۷. حق مکتسبه به موجب قانون صلاحیتدار خارجی به موجب قانون ایران، اصولاً:
(۱) دارای همان آثار محل ایجاد آن می‌باشد.
(۲) دارای آثار بیشتر از آثار محل ایجاد آن می‌باشد.
(۳) در حقوق ایران فاقد وجهت قانونی است.
(۴) به موجب قانون ایران ارزیابی می‌شود. (سراسری - ۷۷)
۴۱۸. در خصوص اثبات قانون خارجی نزد محاکم داخلی
(۱) اثبات قانون خارجی به موجب مقررات کشور متبوع قاضی است.
(۲) اثبات قانون خارجی به موجب قانون کشور محل اقامت مدعی است.
(۳) قانون خارجی در زمره امور موضوعی است و اثبات آن به عهده شخصی است که به آن استناد می‌نماید.
(۴) قانون خارجی جزو امور حکمی است و نیازی به اثبات از سوی طرفین اختلاف نیست. (سراسری - ۷۷)
۴۱۹. نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی:
(۱) دقیقاً همان نظم عمومی در حقوق داخلی است.
(۲) دایره شمول ثابتی دارد و تغییر نمی‌کند.
(۳) دایره شمول ثابتی ندارد و بر حسب زمان و مکان متفاوت است.
(۴) قواعدی مشترک بین همه کشورهاست. (سراسری - ۷۷)
۴۲۰. اثر نظم عمومی:
(۱) در مرحله ایجاد حق و اثرگذاری حق یکسان است.
(۲) در مرحله ایجاد حق کمتر از مرحله اثرگذاری حق است.
(۳) در مرحله ایجاد حق بیشتر از مرحله اثرگذاری حق است.
(۴) همواره به صورت مثبت است. (سراسری - ۷۸)
۴۲۱. حقی که در خارج از ایران به وجود آید:
(۱) به هیچ‌وجه نمی‌تواند در ایران منشأ اثر باشد.
(۲) می‌تواند در ایران منشأ اثر باشد اگر طبق قانون صلاحیتدار ایجاد شده باشد.
(۳) می‌تواند در ایران منشأ اثر باشد مشروط به این‌که به موجب قوانین داخلی ایران تشکیل شده باشد.
(۴) می‌تواند در ایران منشأ اثر باشد اگر منافی هم برای اتباع داشته باشد. (سراسری - ۷۸)
۴۲۲. در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران «احکام صادره از محاکم خارجی و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجرا و تنظیم شده در خارج را»
(۱) می‌توان با موافقت محاکم ایران و حتی بدون رعایت قوانین ایران آن را اجرا نمود.
(۲) نمی‌توان آن را اجرا نمود مگر با رضایت متعاقدين اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرف ذی‌نفع از اجرای احکام
(۳) نمی‌توان به هیچ‌عنوان آن را اجرا نمود، چون حاکمیت مستقل ایران با اجرای آن زیر سؤال می‌رود.
(۴) نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر مطابق قوانین ایران امر به اجرای آن صادر شده باشد. (سراسری - ۷۸)
۴۲۳. در موضوع تعارض قوانین تعارض متحرک یعنی تعارض نظام‌های حل تعارض.
(۱) زمانی (۲) ضمنی (۳) مثبت (۴) منفی (سراسری - ۷۸)
۴۲۴. نظم عمومی در مورد اجرای احکام خارجی اثر دارد.
(۱) مثبت و شدید (۲) منفی و مثبت (۳) منفی و خفیف (۴) منفی و شدید (سراسری - ۸۰)



۴۲۵. به موجب نظریه انگلیسی - آمریکایی قدرت اجبارکننده قانون خارجی ناشی از کدام است؟ (سراسری - ۸۰)
- (۱) امری بودن آن
 - (۲) قانونگذار ملی آن را لازم الاجرا می‌داند.
 - (۳) پذیرش قانون خارجی
 - (۴) لزوم رعایت حقوق مكتسبه
۴۲۶. نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی است. (سراسری - ۸۰)
- (۱) انعکاسی از نظم عمومی داخلی در زمینه بین المللی
 - (۲) مانند نظم عمومی در حقوق بین الملل عمومی
 - (۳) مانند نظم عمومی در حقوق بین الملل کیفری
 - (۴) همان نظم عمومی در حقوق داخلی
۴۲۷. در حقوق بین الملل خصوصی ایران احاله (سراسری - ۸۰)
- (۱) مضاعف پذیرفته شده و درجه دوم رد شده است.
 - (۲) رد شده است.
 - (۳) درجه اول پذیرفته شده و درجه دوم رد شده است.
 - (۴) پذیرفته شده است.
۴۲۸. در یک دعوی بین المللی مربوط به احوال شخصیه که در دادگاه داخلی مطرح می‌شود، در کشورهایی مانند ایران که احوال شخصیه اصولاً تابع قانون دولت متبوع تبعه است، حل کدام مساله مقدم است؟ (سراسری - ۸۰)
- (۱) توصیف‌ها
 - (۲) تابعیت
 - (۳) احوال شخصیه
 - (۴) احاله
۴۲۹. توصیف اصلی توصیفی است که در انتخاب قاعده حل تعارض یا اجرای قاعده حل تعارض مؤثر است.
- (سراسری - ۸۱)
- (۱) ایران - ایران
 - (۲) خارجی - ایران
 - (۳) ایران - خارجی
 - (۴) خارجی - خارجی
۴۳۰. نظم عمومی در مورد اجرای احکام صادر شده از دادگاه‌های خارجی اثر دارد. (سراسری - ۸۱)
- (۱) شدید و منفی
 - (۲) مثبت و منفی
 - (۳) شدید و خفیف
 - (۴) خفیف و منفی
۴۳۱. تعارض مثبت قواعد تعارض قوانین دو کشور وقتی است که: (سراسری - ۸۱)
- (۱) موضوع به طور همزمان در دو کشور مطرح شود.
 - (۲) محاکم هیچ‌یک از آن‌ها صلاحیت رسیدگی به دعوی را نداشته باشند.
 - (۳) قواعد تعارض قوانین هر کشور حاکی از صلاحیت قانون همان کشور باشد.
 - (۴) قواعد تعارض قوانین هر کشور حاکی از صلاحیت قانون کشور دیگر باشد.
۴۳۲. تشخیص این امر که یک رابطه حقوقی در کدام یک از دسته‌های ارتباط است، در حقوق بین الملل خصوصی نامیده می‌شود. (سراسری - ۸۱)
- (۱) توصیف
 - (۲) احاله
 - (۳) تعارض متحرک قوانین
 - (۴) تفسیر قانون صالح
۴۳۳. توصیف وقف به عنوان تأسیسی که ممکن است در دسته عقود یا دسته اموال قرار گیرد در حقوق بین الملل خصوصی ایران یک توصیف است. (سراسری - ۸۱)
- (۱) دو مرحله‌ای
 - (۲) فرعی
 - (۳) بین المللی
 - (۴) اصلی
۴۳۴. نظم عمومی، دایره شمول ثابتی: (سراسری - ۸۱)
- (۱) دارد و بر حسب مقتضیات زمان و مکان تغییر نمی‌کند.
 - (۲) ندارد و بر حسب مقتضیات زمان و مکان تغییر می‌کند.
 - (۳) ندارد، اما ممکن است بر حسب زمان و مکان تغییر کند
 - (۴) دارد، اما ممکن است بر حسب زمان و مکان تغییر کند.
۴۳۵. در حقوق ایران، احاله درجه دوم: (سراسری - ۸۱)
- (۱) رد گردیده است.
 - (۲) رد و پذیرش آن به عهده قاضی است.
 - (۳) قبول گردیده است.
 - (۴) نه رد و نه قبول گردیده است.

۴۳۶. توصیف محل انعقاد عقد مکاتبه‌ای در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران تابع قانون ایران است زیرا این توصیف در مؤثر است. (سراسری - ۸۲)

- (۱) تعیین ماهیت مسئله
- (۲) تعیین شرایط صحت عقد
- (۳) اجرای قانون حل تعارض ایران
- (۴) انتخاب قانون حل تعارض ایران

۴۳۷. توصیف تابع قانون مقر دادگاه است اگر (سراسری - ۸۲)

- (۱) در اعمال قاعده حل تعارض ایران دخالتی نداشته باشد.
- (۲) برای اعمال قاعده حل تعارض ایران ضروری باشد.
- (۳) به موجب قانون خارجی قابل انجام نباشد.
- (۴) ذی‌نفع درخواست نماید.

۴۳۸. توصیف منقول یا غیر منقول بودن یک مال در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران یک توصیف فرعی است زیرا در مؤثر نیست. (سراسری - ۸۲)

- (۱) انتخاب یا اجرای قانون حل تعارض خارجی
- (۲) انتخاب یا اجرای قانون حل تعارض ایران
- (۳) تعیین احاله درجه اول یا دوم
- (۴) تأثیر بین‌المللی حق

۴۳۹. توصیف اصلی توصیفی است که در (سراسری - ۸۳)

- (۱) اعمال قانون ماهوی کشور خارجی نقش دارد.
- (۲) اعمال قانون حل تعارض کشور خارجی نقش دارد.
- (۳) انتخاب یا اعمال قانون حل تعارض کشور محل رسیدگی مؤثر است.
- (۴) انتخاب یا اعمال قانون حل تعارض کشور محل رسیدگی مؤثر نیست.

۴۴۰. تقسیم قوانین به قوانین مناسب و قوانین نامناسب مربوط به است. (سراسری - ۸۳)

- (۱) احاله
- (۲) نظم عمومی
- (۳) تعارض صریح قوانین
- (۴) تعارض ضمنی قوانین

۴۴۱. توصیف دو مرحله‌ای یا بین‌المللی توصیفی است که در به عمل می‌آید. (سراسری - ۸۳)

- (۱) مورد احاله درجه دوم
- (۲) مورد مصادیق مجهول
- (۳) مورد مصادیق مشکوک
- (۴) مرحله ایجاد و اثرگذاری حق

۴۴۲. توصیف محل وقوع دین یک توصیف است زیرا (سراسری - ۸۳)

- (۱) فرعی، در اعمال قاعده حل تعارض ایران مؤثر نیست.
- (۲) اصلی، در انتخاب قاعده حل تعارض ایران مؤثر است.
- (۳) اصلی، در اعمال قاعده حل تعارض ایران مؤثر نیست.
- (۴) فرعی، در انتخاب قاعده حل تعارض ایران مؤثر است.

۴۴۳. توصیف فرعی توصیفی است که در (سراسری - ۸۳)

- (۱) تعیین مصادیق نظم عمومی مؤثر است.
- (۲) بروز پدیده احاله درجه اول و درجه دوم مؤثر نیست.
- (۳) انتخاب یا اعمال قاعده حل تعارض کشور مرجع رسیدگی مؤثر نیست.
- (۴) انتخاب یا اعمال قاعده حل تعارض کشور مرجع رسیدگی مؤثر است.



۴۴۴. نظریه حقوق مکتسبه در بحث مورد استناد واقع شده است. (سراسری - ۸۳)
- (۱) صلاحیت قانونی بین المللی
(۲) صلاحیت قضایی بین المللی
(۳) اجرای قوانین حل تعارض خارجی
(۴) اجرای قوانین خارجی و احکام خارجی
۴۴۵. تعارض توصیف‌ها چه نوعی از تعارض قوانین است؟ (سراسری - ۸۳)
- (۱) مخفی (۲) منفی (۳) مثبت (۴) دو جانبه
۴۴۶. اثر نظم عمومی هنگامی مثبت است که (سراسری - ۸۳)
- (۱) تقلب نسبت به قانون نیز انجام شده باشد.
(۲) قاضی از رسیدگی به پرونده و صدور حکم خودداری نماید.
(۳) قاضی بدو از اجرای قانون خارجی خودداری کند ولی بعداً به بهانه‌ای آن را اجرا کند.
(۴) قاضی بدو از اجرای قانون خارجی خودداری کند و سپس قانون دولت متبوع خود را به نحو مثبت جانشین آن قرار دهد.
۴۴۷. چه راه حلی برای تعارض مثبت بین سیستم‌های حل تعارض وجود دارد؟ (سراسری - ۸۴)
- (۱) قانون اقامتگاه (۲) قانون مقر دادگاه
(۳) قانون متبوع ذی نفع (۴) قانونی که بیشترین ارتباط را با موضوع دارد.
۴۴۸. صدور احکام مخالف و به وجود آمدن حقوق مخالف به ترتیب نتیجه ... و ... است. (سراسری - ۸۴)
- (۱) صلاحیت متقارن، تعارض مثبت قوانین (۲) صلاحیت متقارن، تعارض منفی قوانین
(۳) تعارض توصیف‌ها، صلاحیت متقارن (۴) تعارض منفی قوانین، صلاحیت متقارن
۴۴۹. در مورد حقوق ارنیه یک انگلیسی که در ایران فوت کرده است، طبق حقوق ایران، بهتر است که تعریف اقامتگاه تابع قانون چه کشوری باشد؟ (سراسری - ۸۴)
- (۱) انگلیس (۲) ایران (۳) کشور محل اقامت متوفی (۴) کشور محل وقوع اموال
۴۵۰. شرایط اعمال قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون عبارت‌اند از: (سراسری - ۸۴)
- (۱) وجود قصد فرار از دین و اضرار به طلبکاران و فرعی و علی‌البدل بودن اجرای قاعده
(۲) وجود تقلب و عدم وجود هیچ گونه اعتراض به اعمال قاعده
(۳) وجود تقلب و فرعی و علی‌البدل بودن اجرای قاعده
(۴) وجود تقلب و ورود خسارت مالی به کشور مقر دادگاه
۴۵۱. اثر نظم عمومی هنگامی شدید است که ... (سراسری - ۸۴)
- (۱) قاضی اثر حق ایجاد شده را ندیده بگیرد.
(۲) قانون خارجی به قانون دیگری احاله دهد.
(۳) تعارض دادگاه‌ها در تعارض قوانین اثر بگذارد.
(۴) تعارض در مرحله ایجاد حق باشد.
۴۵۲. اثر نظم عمومی هنگامی منفی است که قاضی: (سراسری - ۸۵)
- (۱) بخشی از قانون خارجی و بخشی از قانون مقر دادگاه را اجرا نماید.
(۲) با احراز تقلب نسبت به قانون از اجرای قانون خارجی جلوگیری نماید و قانون مقر دادگاه را اجرا نماید.
(۳) از اجرای قانون صلاحیت‌دار خارجی جلوگیری نماید و قانون مقر دادگاه را به طور مثبت جانشین آن قرار دهد.
(۴) از اجرای قانون صلاحیت‌دار خارجی جلوگیری نماید بدون این که قانون مقر دادگاه را به طور مثبت جانشین آن قرار دهد.
۴۵۳. اگر شخصی تغییر تابعیت دهد، آثار فعلی روابط حقوقی که در زمان تابعیت قبلی به وجود آمده‌اند تابع کدام قانون است؟ (سراسری - ۸۵)
- (۱) قانون مقر دادگاه (۲) قانون منتخب طرفین
(۳) قانون حاکم در موقع تشکیل حق (۴) قانون حاکم در موقع اجرای حق

۴۵۴. قاعده «منع تقلب نسبت به قانون» چه کاربردی دارد؟
 (۱) ضامن اجرای قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی است.
 (۲) ضامن اجرای قواعد حل تعارض است.
 (۳) ضامن اجرای حقوق ماهوی است.
 (۴) ضامن اجرای اصول کلی حقوقی است. (سراسری - ۸۵)
۴۵۵. کدام عبارت، صحیح است؟
 (۱) اقامتگاه یک عامل ارتباط و محل وقوع عقد یک دسته ارتباط است.
 (۲) محل وقوع عقد یک عامل ارتباط و اقامتگاه یک دسته ارتباط است.
 (۳) محل وقوع مال یک عامل ارتباط و الزامات خارج از عقد یک دسته ارتباط است.
 (۴) الزامات خارج از عقد یک عامل ارتباط و محل وقوع مال یک دسته ارتباط است. (سراسری - ۸۵)
۴۵۶. توصیف محل انعقاد عقد در عقود مکاتبه‌ای یک توصیف است.
 (۱) اصلی (۲) فرعی (۳) بین‌المللی (۴) دو مرحله‌ای (سراسری - ۸۵)
۴۵۷. تعارض زمانی سیستم‌های حل تعارض را تعارض می‌نامند.
 (۱) صریح (۲) ضمنی (۳) متحرک (۴) منفی (سراسری - ۸۵)
۴۵۸. اگر در مورد ماهیت حقوقی دعوایی که در دادگاه ایران اقامه می‌شود میان حقوق ایران و حقوق خارجی تعارض وجود داشته باشد، این تعارض را تعارض می‌نامند و دادگاه باید دعوی را طبق قانون حل و فصل نماید. (سراسری - ۸۵)
 (۱) مثبت، خارجی (۲) منفی، ایران (۳) زمانی، خارجی (۴) ضمنی، ایران
۴۵۹. در صورتی که قانون خارجی در مرحله تشکیل حق بر خلاف نظم عمومی باشد، دادگاه نمی‌تواند آن قانون را اجرا کند و نظم عمومی دارای اثر خواهد بود.
 (۱) خفیف (۲) شدید (۳) مثبت (۴) منفی (سراسری - ۸۵)
۴۶۰. اگر قانون خارجی که مطابق قاعده حل تعارض ایران صالح شناخته شده، حل قضیه را به قانون ایران احاله دهد، دادگاه ایران را اجرا کند.
 (۱) مکلف به رعایت این احاله نیست و باید قانون خارجی
 (۲) مکلف به رعایت این احاله است و باید قانون داخلی ایران
 (۳) مکلف به رعایت این احاله نیست و نباید قانون خارجی
 (۴) مکلف به رعایت این احاله است و باید قانون بین‌المللی ایران
۴۶۱. دادگاه هر کدام از کشورهای ایران و دانمارک در دعوی مربوط به آثار نکاح زوجین دانمارکی، قانون دولت مقابل را صالح می‌دانند، این وضعیت در چارچوب کدام حالت از روابط میان سیستم‌های حل تعارض قرار می‌گیرد؟ (سراسری - ۸۶)
 (۱) تعارض مخفی (۲) تعارض منفی (۳) تعارض مثبت (۴) هماهنگی و اتفاق نظر
۴۶۲. توصیف اصلی عبارت از توصیفی است که برای ضرورت دارد. تابع قانون است. (سراسری - ۸۶)
 (۱) اجرا یا انتخاب قاعده خارجی حل تعارض - سبب
 (۲) انتخاب قاعده ملی حل تعارض - سبب
 (۳) انتخاب یا اجرای قاعده ملی حل تعارض - مقرر دادگاه
 (۴) اجرای قاعده خارجی حل تعارض - مقرر دادگاه
۴۶۳. در قاعده حل تعارض که مقرر می‌دارد احوال شخصیه بیگانگان تابع قانون کشور متبوعشان است ... (سراسری - ۸۶)
 (۱) احوال شخصیه، دسته ارتباط و تابعیت، عامل ارتباط است.
 (۲) احوال شخصیه، عامل ارتباط و تابعیت دسته ارتباط است.
 (۳) احوال شخصیه و تابعیت هر دو دسته ارتباط هستند.
 (۴) احوال شخصیه و تابعیت هر دو عامل ارتباط هستند.



۴۶۴. اسناد رسمی لازم الاجرای تنظیم شده در خارجه را نمی توان در ایران اجرا کرد مگر آن که مطابق ... (سراسری - ۸۶)
- (۱) نظم عمومی ایران تنظیم شده باشند.
 - (۲) طرفین قرارداد خارجی باشند.
 - (۳) قانون خارجی امر به اجرای آن ها صادر شده باشد.
 - (۴) قوانین ایران امر به اجرای آن ها صادر شده باشد.
۴۶۵. اگر قانون خارجی امری حکمی تلقی شود ... (سراسری - ۸۶)
- (۱) استناد به آن با قاضی و اثباتش با مدعی است.
 - (۲) استناد به آن و اثباتش به عهده قاضی است.
 - (۳) استناد به آن و اثباتش به عهده خواهان است.
 - (۴) استناد به آن با مدعی و اثباتش به عهده قاضی است.
۴۶۶. تقسیم قوانین به ... با مفهوم نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی ارتباط دارد. (سراسری - ۸۶)
- (۱) مناسب و نامناسب
 - (۲) شکلی و ماهوی
 - (۳) شخصی و ذاتی
 - (۴) درون مرزی و برون مرزی
۴۶۷. علت به وجود آمدن احاله، رجوع به قاعده ... می باشد. (سراسری - ۸۶)
- (۱) حل تعارض کشور خارجی
 - (۲) حل تعارض کشور متبوع قاضی
 - (۳) ماهوی و مادی کشور خارجی
 - (۴) مادی و ماهوی کشور متبوع قاضی
۴۶۸. اتباع هلند بر اساس قانون مدنی این کشور نمی توانند وصیت نامه را به صورت خود نوشت تنظیم نمایند اما قاضی ایرانی تنظیم چنین وصیت نامه ای را در ایران معتبر می داند زیرا این مساله به موجب قواعد حل تعارض ایران از شرایط مربوط به ... (سراسری - ۸۷)
- (۱) اهلیت است و توصیفی فرعی است.
 - (۲) اهلیت است و توصیفی اصلی است.
 - (۳) صورت ظاهر سند است و توصیفی اصلی است.
 - (۴) صورت ظاهر سند است و توصیفی فرعی است.
۴۶۹. از اختلاف سیستم های حل تعارض در خصوص تعیین محتوی دسته های ارتباط با چه عنوانی نام برده می شود؟ (سراسری - ۸۷)
- (۱) تعارض منفی
 - (۲) تعارض مخفی
 - (۳) تعارض صریح
 - (۴) تعارض مفاهیم ارتباط
۴۷۰. موضوع تعیین وراثت فرد متوفی ایرانی در هر کدام از دادگاه های ایران و فرانسه که از وی اموالی غیر منقول در کشور ایران به میراث مانده است. در کدام یک از فروض ارتباط میان سیستم های حل تعارض قرار می گیرد؟ (سراسری - ۸۷)
- (۱) تعارض مثبت
 - (۲) تعارض منفی
 - (۳) تعارض مخفی
 - (۴) حالت هماهنگی و اتفاق نظر
۴۷۱. تعارض صریح سیستم های حل تعارض به تعارض تقسیم می شود. (سراسری - ۸۷)
- (۱) زمانی و ضمنی
 - (۲) زمانی و منفی
 - (۳) منفی و مثبت
 - (۴) مثبت و زمانی
۴۷۲. در کدام یک از موارد زیر توصیف به معنی عام کلمه به کار رفته است؟ (سراسری - ۸۷)
- (۱) توصیف دسته ارتباط و احاله
 - (۲) توصیف نوع دعوی و نظم عمومی
 - (۳) توصیف عامل ارتباط و نظم عمومی
 - (۴) توصیف نوع دعوی و عامل ارتباط

۴۷۳. موضوع تعیین وراث فرد متوفی انگلیسی مقیم ایران در هر کدام از دادگاه‌های ایران و انگلیس که از وی اموال منقولی به میراث مانده است. در کدام یک از فروض ارتباط میان سیستم‌های حل تعارض قرار می‌گیرد؟ (سراسری - ۸۷)

(۱) تعارض ضمنی (۲) تعارض زمانی (۳) تعارض صریح (۴) حالت هماهنگی

۴۷۴. هرگاه مسأله‌ای که در دادگاه مطرح می‌شود در قانون ایران شناخته نشده باشد ولی در قانون خارجی شناخته شده و برای آن توصیف معینی وجود داشته باشد، توصیف آن مسأله یک توصیف است. (سراسری - ۸۸)

(۱) اصلی یک مرحله‌ای (۲) اصلی دو مرحله‌ای (۳) فرعی یک مرحله‌ای (۴) فرعی دو مرحله‌ای

۴۷۵. هرگاه مسأله‌ای که در دادگاه ایران مطرح می‌شود در قانون ایران و قانون خارجی شناخته شده باشد ولی در مورد ماهیت حقوقی آن میان قانون ایران و قانون خارجی اختلاف وجود داشته باشد، توصیف آن مسأله یک توصیف است.

(سراسری - ۸۸)

(۱) اصلی (۲) فرعی (۳) بین‌المللی (۴) دو مرحله‌ای

۴۷۶. در تعارض‌های بین‌المللی مربوط به احوال شخصیه افراد، عوامل ارتباطی مؤثر کدامند؟ (سراسری - ۸۸)

(۱) دین و مذهب (۲) تابعیت و مذهب (۳) مذهب و اقامتگاه (۴) اقامتگاه و تابعیت

۴۷۷. توصیف اصلی توصیفی است که لازمه است. (سراسری - ۸۸)

(۱) اجرای قانون داخلی دولت متبوع قاضی (۲) انتخاب قاعده حل تعارض کشور خارجی (۳) انتخاب قاعده حل تعارض دولت متبوع خارجی (۴) اجرای قانون مربوط به نظم عمومی دولت متبوع قاضی

۴۷۸. اگر قانون خارجی که به موجب قاعده حل تعارض ایران صالح شناخته شده، خود را صالح بداند ممکن است مسأله مطرح شود. (سراسری - ۸۸)

(۱) احاله (۲) نظم عمومی (۳) توصیف اصلی (۴) توصیف فرعی

۴۷۹. «احاله مضاعف» معادل کدام نظریه است؟ (سراسری - ۸۸)

(۱) دادگاه خارجی (۲) احاله دوباره (۳) احاله درجه‌ی دو (۴) دور و تسلسل

۴۸۰. اگر قانون خارجی که به موجب قاعده حل تعارض ایران صالح شناخته شود و قاضی ایران به قانون حل تعارض خارجی رجوع کند، ممکن است به وجود آید. (سراسری - ۸۸)

(۱) اثر خفیف نظم عمومی (۲) اثر منفی نظم عمومی (۳) توصیف اصلی (۴) احاله

۴۸۱. تعارض مثبت میان سیستم‌های ملی حل تعارض دولت‌ها ناشی از وجود کدام عامل است؟ (سراسری - ۸۸)

(۱) تعارض صریح بین قواعد حل تعارض (۲) تفسیرهای مختلف درباره عامل ارتباط (۳) تعارض صریح در تعیین محتوای دسته‌های ارتباط (۴) هماهنگی و توافق نظر در خصوص قواعد حل تعارض

۴۸۲. احاله در صورت وجود ایجاد می‌شود. (سراسری - ۸۹)

(۱) هماهنگی بین دو سیستم حل تعارض (۲) تعارض منفی بین دو سیستم حل تعارض (۳) تعارض مثبت بین دو سیستم حل تعارض (۴) تعارض منفی یا مثبت بین دو سیستم حل تعارض

۴۸۳. مطابق ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی اسنادی که در خارج از کشور تنظیم می‌شوند در صورتی در ایران اعتبار خواهند داشت که کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده به موجب قوانین خود یا عهد، اسناد تنظیم شده در ایران را معتبر بشناسد. این ماده اشاره به رفتار متقابل دارد. (سراسری - ۸۹)

(۱) قانون‌گذاری (۲) سیاسی و عملی (۳) سیاسی و قانون‌گذاری (۴) قانون‌گذاری و عملی

۴۸۴. به ترتیب کدام یک، عامل ارتباط و کدام یک، دسته ارتباط است؟ (سراسری - ۸۹)

(۱) محل تنظیم - اسناد (۲) احوال شخصیه - تابعیت (۳) اقامتگاه - تابعیت (۴) اموال - اشخاص



۴۸۵. در کدام یک از موارد زیر، احاله یا تعارض منفی به وجود نمی آید؟ (سراسری - ۸۹)
- (۱) اسناد مدنی (۲) احوال شخصیه (۳) اسناد تجاری (۴) حقوق ارثیه
۴۸۶. توصیف به معنی عام کلمه یعنی توصیف و مندرج در قاعده حل تعارض (سراسری - ۸۹)
- (۱) عامل ارتباط - قانون حاکم (۲) عامل ارتباط - قانون درون مرزی
(۳) محتوای دسته ارتباط - قانون حاکم (۴) محتوای دسته ارتباط - عامل ارتباط
۴۸۷. ازدواج مختلط یک زن و مرد خارجی ساکن ایران از لحاظ حقوق موضوعه ایران تابع چه قانونی است؟ (سراسری - ۷۲)
- (۱) هر کدام تابع قانون اقامتگاه خود می باشد. (۲) قانون ایران
(۳) قانون دولت متبوع مرد (۴) هر کدام تابع قانون دولت متبوع خود می باشد.
۴۸۸. توصیف یک حق به عنوان حق عینی یا دینی چه توصیفی است؟ (سراسری - ۷۲)
- (۱) توصیف حق عینی، فرعی و توصیف حق دینی، اصلی است.
(۲) توصیف فرعی
(۳) توصیف اصلی
(۴) توصیف حق عینی، اصلی و توصیف حق دینی، فرعی است.
۴۸۹. اهلیت بیگانه در ایران در معاملات خود تابع قانون کدام کشور است؟ (سراسری - ۷۲)
- (۱) قانون کشور متبوع (۲) قانون ایران
(۳) قانون محل اجرا (۴) قانون مساعد از آن دو قانون
۴۹۰. قانون حاکم بر قرارداد میان دو ایرانی در خارج کدام قانون است؟ (سراسری - ۷۲)
- (۱) قانون ایران (۲) قانون منتخب طرفین (۳) قانون محل وقوع عقد (۴) قانون محل اجرا
۴۹۱. اهلیت بیگانه برای انجام معامله در ایران، تابع کدام یک از قوانین زیر است؟ (سراسری - ۷۳)
- (۱) قانون منتخب متعاملین (۲) قانون ایران
(۳) قانون دولت متبوع بیگانه (۴) قانون دولت ایران و قانون دولت متبوع بیگانه
۴۹۲. احوال شخصیه فرد بی تابعیت از لحاظ حقوق ایران تابع چه قانونی است؟ (سراسری - ۷۳)
- (۱) قانون مورد نظر فرد بی تابعیت (۲) قانون ایران
(۳) قانون مورد نظر دادگاه (۴) قانون دولتی که فرد قبلاً تابع آن ها بوده
۴۹۳. اثبات نسب طفلی که هنوز تابعیت او معلوم نیست تابع چه قانونی است؟ (سراسری - ۷۳)
- (۱) قانون دولتی که می خواهد به طفل تابعیت اعطا کند.
(۲) قانون دولت متبوع پدر طفل
(۳) قانون مقر دادگاه
(۴) قانون دولت متبوع طفل
۴۹۴. هرگاه قیم ایرانی و محجور خارجی باشد، دادگاه ایران برای تعیین اختیارات و وظایف مسئولیت قیم به کدام یک از قوانین زیر باید رجوع کند؟ (سراسری - ۷۳)
- (۱) قانون ایرانی (۲) هر دو قانون (۳) قانون خارجی (۴) بسته به نظر دادگاه است
۴۹۵. طلاق بین زوجین خارجی که تابعیت های مختلف دارند از لحاظ حقوق ایران تابع چه قانونی است؟ (سراسری - ۷۳)
- (۱) قانون ایران به عنوان قانون مقر دادگاه (۲) قانون دولت متبوع زوج
(۳) قانون دولت متبوع زوجین (۴) قانون دولت متبوع زوجه

۴۹۶. اهلیت خارجیان برای تحصیل تابعیت ایران تابع قانون
 (۱) اقامتگاه آنها است.
 (۲) ایران است.
 (۳) دولت متبوع آنها است.
 (۴) موردنظر متقاضی تابعیت ایران است. (سراسری - ۷۴)
۴۹۷. دعوای طلاق که بین مرد آلمانی و زن فرانسوی او در دادگاه ایران اقامه شود تابع قانون
 (۱) ایران است.
 (۲) آلمان است.
 (۳) اقامتگاه زوجین است.
 (۴) فرانسه است. (سراسری - ۷۴)
۴۹۸. یک ایرانی که به عنوان قیم یک خارجی منصوب شده است، حدود اختیاراتش از لحاظ حقوق بین الملل خصوصی ایران تابع قانون
 (۱) ایران است.
 (۲) اقامتگاه قیم ایرانی است.
 (۳) دولت متبوع خارجی است.
 (۴) اقامتگاه محجور خارجی است. (سراسری - ۷۴)
۴۹۹. از لحاظ حقوق بین الملل خصوصی ایران وصیت نامه ای که یک ایرانی مقیم در خارجه در کشور ثالثی (کشور محل سکونت) تنظیم کرده باشد از لحاظ شکل، تابع قانون
 (۱) ایران است.
 (۲) دولت متبوع موصی له است.
 (۳) اقامتگاه تنظیم کننده است.
 (۴) کشور محل تنظیم وصیت نامه است. (سراسری - ۷۴)
۵۰۰. تشخیص قسمتی از اموال که یک ایرانی مقیم خارجه می تواند به موجب وصیت تملیک کند، از لحاظ حقوق بین الملل خصوصی ایران، تابع قانون
 (۱) ایران است.
 (۲) اقامتگاه موصی له است.
 (۳) اقامتگاه موصی است.
 (۴) کشور محل تنظیم وصیت نامه است. (سراسری - ۷۴)
۵۰۱. روابط پدر و مادر و فرزندان از لحاظ حقوق بین الملل خصوصی ایران علی القاعده تابع کدام قانون است؟ (سراسری - ۷۵)
 (۱) اقامتگاه پدر
 (۲) دولت متبوع فرزند
 (۳) دولت متبوع پدر
 (۴) دولت متبوع پدر و مادر
۵۰۲. حقوق ارثیه اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از لحاظ حقوق بین الملل خصوصی ایران تابع کدام قانون است؟ (سراسری - ۷۵)
 (۱) اقامتگاه متوفی
 (۲) دولت متبوع متوفی
 (۳) محل وقوع ماترک
 (۴) مذهب متوفی
۵۰۳. برای اثبات نسب طفلی که تابعیت او معلوم نیست و خود را ملحق به یک خارجی می داند دادگاه ایران کدام قانون را باید مناسبت اعتبار قرار دهد؟ (سراسری - ۷۵)
 (۱) اقامتگاه پدر
 (۲) ایران
 (۳) دولت متبوع پدر
 (۴) دولت متبوع طفل
۵۰۴. اگر یک فرانسوی و یک آلمانی در ایران قراردادی منعقد کنند و قانون سوئیس را به عنوان قانون حاکم بر قرارداد خود انتخاب نمایند دادگاه ایران در صورت بروز اختلاف بین متعاقدين کدام قانون را باید اجرا کند؟ (سراسری - ۷۵)
 (۱) سوئیس من حیث المجموع
 (۲) فرانسه و آلمان
 (۳) ماهوی ایران
 (۴) ماهوی سوئیس
۵۰۵. رابطه شخصی و مالی زوجینی که تابعیت های مختلف دارند از لحاظ حقوق بین الملل خصوصی ایران تابع قانون دولت متبوع کدام است؟ (سراسری - ۷۶)
 (۱) زوج
 (۲) زوجه
 (۳) خواهان
 (۴) خوانده
۵۰۶. حق ارتفاق از لحاظ حقوق بین الملل خصوصی ایران تابع قانون است. (سراسری - ۷۶)
 (۱) اقامتگاه مرتفق
 (۲) اقامتگاه مالک
 (۳) محل وقوع ملک مورد ارتفاق
 (۴) محل وقوع ملک صاحب ارتفاق



۵۰۷. روابط پدر و مادر و فرزندان در موردی که نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد تابع قانون متبوع کدام است؟ (سراسری - ۷۷)
- (۱) ابوبین (۲) پدر (۳) فرزند (۴) مادر
۵۰۸. در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده، شرایط اساسی برات تابع قانون کدام است؟ (سراسری - ۷۷)
- (۱) اقامتگاه متعهد (۲) دولت متبوع متعهد (۳) محل پرداخت (۴) مملکت صدور
۵۰۹. احوال شخصیه تبعه خارجی مقیم ایران که دارای تابعیت مضاعف است تابع قانون است.
- (۱) ایران است (۲) مورد نظر تبعه خارجی است. (۳) دولتی است که تابعیت غالب یا مؤثر آن را دارد. (۴) دولت‌های متبوع اوست.
۵۱۰. شرایط و موانع نکاح ایرانیان از لحاظ حقوق بین الملل خصوصی ایران تابع قانون کدام است؟ (سراسری - ۷۷)
- (۱) اقامتگاه (۲) ایران (۳) محل سکونت (۴) محل وقوع عقد نکاح
۵۱۱. هرگاه مالک ملک واقع در ایران، خارجی باشد هرگونه نقل و انتقال تابع است. (سراسری - ۷۷)
- (۱) قانون کشور متبوع شخص (۲) قانون کشور ایران (۳) قانون کشور محل اقامت شخص خارجی (۴) حاکمیت اراده مالک
۵۱۲. وقف در حقوق ایران جزء دسته ارتباطی و تابع قانون است. (سراسری - ۷۷)
- (۱) احوال شخصیه، دولت متبوع موقوف علیهم (۲) اموال، محل وقوع عین موقوفه (۳) اشخاص، دولت متبوع واقف (۴) عقود، محل وقوع عقد
۵۱۳. در صورت تعدد تابعیت، روابط افراد ذیل تابع کدام قانون است؟ (سراسری - ۷۸)
- (۱) روابط بین ولی و مولی علیه تابع قانون دولت متبوع مولی علیه
(۲) روابط بین ابوبین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر
(۳) روابط بین قیم و مولی علیه تابع قانون دولت متبوع مولی علیه
(۴) هر سه گزینه
۵۱۴. دعوی طلاقی بین یک زن و شوهر خارجی که تابعیت واحد ولی مذاهب مختلف دارند در دادگاه ایران مطرح می شود، به نظر شما دادگاه برای تشخیص علل و موجبات طلاق به کدام قانون باید رجوع کند؟ (سراسری - ۸۰)
- (۱) ایران (۲) دولت متبوع زوجین (۳) دولت متبوع شوهر (۴) مذهب شوهر
۵۱۵. در حقوق بین الملل خصوصی ایران، تعهدات ناشی از عقود تابع قانون است. (سراسری - ۸۰)
- (۱) تنظیم سند قرارداد (۲) محل انجام تعهدات (۳) محل وقوع عقد (۴) مورد تراضی متعاقدين ایرانی
۵۱۶. تعیین طلق یا حبس بودن اموال تابع قانون است. (سراسری - ۸۰)
- (۱) اقامتگاه مالک (۲) محل وقوع اموال (۳) دولت متبوع مالک (۴) محل سکونت مالک
۵۱۷. در حقوق بین الملل خصوصی ایران، قانون حاکم بر قراردادهای کدام است؟ (سراسری - ۸۱)
- (۱) قانون محل وقوع عقد (۲) قانون محل وقوع مال (۳) قانون مورد اراده متعاقدان (۴) قانون محل اقامت متعاقدان
۵۱۸. برای حل اختلاف زن ایرانی با شوهر خارجی او که در ایران اقامت دارند دادگاه و قانون واجد صلاحیت است. (سراسری - ۸۱)
- (۱) ایران - خارجی (۲) خارجی - خارجی (۳) ایران - ایران (۴) خارجی - ایران

۵۱۹. در مورد زن و شوهری که تابعیت‌های مختلف دارند و یکی از آن‌ها در ایران فوت می‌شود و اموال منقول و غیر منقولی به جا می‌گذارد، دادگاه و قانون واجد صلاحیت است.

- (۱) ایران - دولت متبوع شوهر
(۲) ایران - دولت متبوع متوفی
(۳) خارجی - دولت متبوع شوهر
(۴) خارجی - دولت متبوع متوفی

۵۲۰. رابطه زوجین خارجی که زوج دارای مذهب شیعه و زوجه دارای مذهب شافعی است تابع قانون است. (سراسری - ۸۱)

- (۱) مذهب زوجه
(۲) مذهب زوج
(۳) اقامتگاه زوجین
(۴) دولت متبوع زوج

۵۲۱. مفاد اسناد، تابع قانون است.

- (۱) مقر دادگاه
(۲) محل تنظیم
(۳) مناسب
(۴) دولت متبوع تنظیم کننده

۵۲۲. ماده ۹۶۸ قانون مدنی مقرر داشته است: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است، مگر این که متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.» این ماده مربوط به است. (سراسری - ۸۲)

- (۱) تعیین قانون حاکم بر شرایط صحت عقد
(۲) انتخاب قانون حاکم بر موضوع عقد
(۳) تشخیص قانون قائل اعمال بر اهلیت متعاقدين
(۴) انتخاب قانون به منظور حکومت بر آثار عقد

۵۲۳. در صورت بروز تعارض قوانین در «تعهدات خارج از قرارداد» چه قانونی برای اجرا صحیح است؟

- (۱) قانون مقر دادگاه
(۲) قانون محل وقوع واقعه
(۳) قانون متبوع زیان دیده
(۴) قانون محل اقامت زیان دیده

۵۲۴. قانون حاکم بر ترکه منقول بیگانه‌ای که مقیم ایران بوده و در ایران فوت شده و مطابق قانون دولت متبوع او ترکه منقول تابع قانون دولت متبوع متوفی است در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران تابع قانون است. (سراسری - ۸۲)

- (۱) ایران
(۲) محل وقوع ترکه
(۳) مورد توافق ورثه
(۴) دولت متبوع متوفی

۵۲۵. اگر ملک مورد حق و ملک صاحب حق در دو کشور مختلف باشند، حق ارتفاق از لحاظ حقوق بین‌الملل خصوصی ایران تابع قانون است.

- (۱) اقامتگاه صاحب حق
(۲) محل وقوع ملک مورد حق
(۳) محل وقوع ملک صاحب حق
(۴) دولت متبوع صاحب حق

۵۲۶. در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران، اجرای اسناد رسمی تنظیم شده در خارج را می‌توان بر اساس موافقت هیأت وزیران اجرا نمود.

- (۱) می‌توان بر اساس موافقت هیأت وزیران اجرا نمود.
(۲) در صورت تأیید سفارت ایران در کشور محل تنظیم سند اجرا نمود.
(۳) نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر این که مطابق قوانین ایران امر به اجرای آن صادر شده باشد.
(۴) می‌توان بر اساس مفاد سند رسمی آن را از طریق اداره ثبت اسناد و املاک اجرا نمود.

۵۲۷. تشخیص اهلیت یک خارجی برای وصیت کردن در ایران، در صورتی که موصی مطابق قانون دولت متبوع خود برای وصیت کردن واجد اهلیت نباشد ولی مطابق قانون ایران واجد اهلیت باشد، تابع قانون است. (سراسری - ۸۲)

- (۱) ایران
(۲) مساعدتر
(۳) دولت متبوع موصی
(۴) محل وقوع موصی‌به

۵۲۸. حق کسب و پیشه یا تجارت (سرقفلی) در حقوق بین‌الملل خصوصی تابع قانون است. (سراسری - ۸۲)

- (۱) دولت متبوع مستأجر
(۲) دولت متبوع مالک
(۳) اقامتگاه مستأجر
(۴) محل وقوع مال غیر منقول



۵۲۹. حقوق عینی بر اموال منقول یا غیر منقول در حقوق بین الملل خصوصی ایران تابع قانون است. (سراسری - ۸۲)

(۱) محل وقوع مال
(۲) اقامتگاه صاحب حق
(۳) دولت متبوع صاحب حق
(۴) محل سکونت صاحب حق

۵۳۰. وصیتی که بیگانه در کشور متبوع خود تنظیم می نماید باشد. (سراسری - ۸۲)

(۱) می تواند تابع قانون ملی
(۲) الزاماً باید تابع قانون ملی
(۳) نمی تواند تابع قانون ملی
(۴) الزاماً باید تابع قانون اقامتگاه

۵۳۱. هرگاه زن و شوهر انگلیسی در دادگاه ایران دعوای طلاق اقامه کنند، در حالی که طبق قوانین ایران مقیم ایران شناخته شوند و انگلیس آن ها را مقیم کشور خود بداند، یا نظر به اینکه طبق سیستم انگلیس احوال شخصیه تابع قانون اقامتگاه است، دادگاه ایران طبق قوانین ماهوی کدام کشور باید قضاوت کند؟ (سراسری - ۸۲)

(۱) قانون ایران به عنوان قانون مقر دادگاه
(۲) قانون ایران به عنوان قانون اقامتگاه طرفین
(۳) قانون انگلیس به عنوان قانون اقامتگاه طرفین
(۴) قانون انگلستان به عنوان قانون دولت متبوع طرفین

۵۳۲. وصیت نامه خود نوشتی توسط فردی از اتباع خارجه در ایران تنظیم شده است، این وصیت نامه (سراسری - ۸۳)

(۱) معتبر است.
(۲) معتبر نیست.
(۳) در صورتی معتبر است که قانون دولت متبوع موصی آن را معتبر بدانند.
(۴) در صورتی معتبر است که قانون دولت متبوع موصی لهم آن را معتبر بدانند.

۵۳۳. در صورت تعارض قوانین چه قانونی حاکم بر مالکیت های معنوی است؟ (سراسری - ۸۳)

(۱) قانون کشور متبوع مالک
(۲) قانون کشور محل اقامت مالک
(۳) قانون کشور محل وقوع مال
(۴) قانون کشور محل ابراز فعالیت

۵۳۴. در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده اند، حل استناد به این (سراسری - ۸۳)

(۱) ندارند که شرایط اساسی برات مطابق با قوانین خارجی نیست.
(۲) دارند که شرایط اساسی برات مطابق با قوانین خارجی نیست.
(۳) ندارند که شرایط اساسی برات مطابق با قوانین ملی صادرکننده نیست.
(۴) دارند که شرایط اساسی برات مطابق با قانون ملی صادرکننده نیست.

۵۳۵. سند نکاح از نظر طرز تنظیم تابع چه قانونی است؟ (سراسری - ۸۳)

(۱) قانون محل تنظیم
(۲) قانون حاکم بر محتوای سند
(۳) قانون دولت متبوع ذی نفع
(۴) قانون محل اقامت ذی نفع

۵۳۶. اگر خارجی در ایران معامله ای انجام دهد که مطابق قانون متبوع خود دارای اهلیت است ولی طبق قانون ایران دارای اهلیت نیست، این معامله از نظر ایران دارای چه وضعیتی است؟ (سراسری - ۸۳)

(۱) باطل است.
(۲) صحیح است.
(۳) غیر نافذ است.
(۴) قابل استناد نیست.

۵۳۷. اهلیت یک خارجی که در ایران معامله می کند و مطابق قانون دولت متبوع خود فاقد اهلیت است از لحاظ حقوق بین الملل خصوصی ایران تابع قانون است. (سراسری - ۸۳)

(۱) اقامتگاه
(۲) مناسب تر
(۳) مساعدتر
(۴) منظور متعاملین

۵۳۸. اگر زن ایرانی بخواهد در ایران از شوهر خارجی خود طلاق بگیرد قانون بر موضوع حاکم خواهد بود. (سراسری - ۸۳)
- (۱) ایران
(۲) محل انجام ازدواج
(۳) مورد توافق طرفین
(۴) کشور متبوع شوهر
۵۳۹. اگر در یک سند تجاری تعهدات مختلفی وجود داشته باشد که در خارجه بوجود آمده است. قانون حاکم بر هر تعهدی قانون است.
- (۱) کشور محل اقامت متعهد
(۲) مملکت محل اقامت متعهدله
(۳) کشوری است که تعهد در آن جا اجرا شده
(۴) کشوری است که تعهد در آن جا به وجود آمده
۵۴۰. اگر زن و شوهری تابعیت‌های متفاوت داشته باشند، نحوه ارث بردن آنان از یک‌دیگر تابع قانون است. (سراسری - ۸۴)
- (۱) اقامتگاه متوفی
(۲) دولت متبوع شوهر
(۳) دولت متبوع مورث
(۴) محل وقوع ماترک
۵۴۱. زن و مردی از دو تابعیت مختلف در ایران قصد نکاح دارند، طبق حقوق ایران، قانون کدام کشور حاکم بر شرایط اساسی صحت نکاح است؟
- (۱) قانون کشور متبوع مرد
(۲) قانون کشور محل وقوع عقد
(۳) قانون کشور محل اقامت مشترک
(۴) قانون هر دو کشور متبوع زن و مرد
۵۴۲. روابط شخصی و مالی زن و شوهر خارجی که مذاهب متفاوت و تابعیت واحد دارند، تابع قانون است. (سراسری - ۸۴)
- (۱) اقامتگاه آنان
(۲) مذهب شوهر
(۳) دولت متبوع شوهر
(۴) دولت متبوع آنان
۵۴۳. قانون حاکم بر اهلیت متعاملین از لحاظ حقوق بین‌الملل خصوصی ایران قانون دولت متبوع هر یک از آنان است، مگر این که موضوع مطرح باشد.
- (۱) معاملات فضولی
(۲) معامله به قصد فرار از دین
(۳) متعاملین مقیم ایران
(۴) معامله واقع شده در ایران
۵۴۴. از نظر قانون تجارت ایران، کدام قانون بر تعهدات ناشی از اسناد تجاری حاکم است؟
- (۱) قانون کشور محل وقوع تعهد
(۲) قانون کشور محل پرداخت
(۳) قانون کشور مقر دادگاه
(۴) قانون کشور محل صدور
۵۴۵. عزل قیّم، تابع قانون است.
- (۱) دولت متبوع محجور
(۲) اقامتگاه طرفین
(۳) مقرّ دادگاه
(۴) ملی قیّم
۵۴۶. حق سرفضلی تابع قانون است.
- (۱) اقامتگاه مالک
(۲) دولت متبوع مالک
(۳) محل وقوع ملک
(۴) محل ایجاد حق
۵۴۷. اگر یک شخص غیر ایرانی در ایران فوت نماید که تابعیت هیچ کشور دیگری را هم نداشته باشد، تقسیم ترکه وی در ایران به موجب قانون کدام کشور انجام می‌شود؟
- (۱) قانون ایران
(۲) قانون کشور متبوع همسر متوفی
(۳) قانون مورد درخواست ورثه
(۴) قانون کشور محل آخرین اقامتگاه متوفی در خارج از کشور ایران
۵۴۸. روابط شخصی و مالی زن و شوهر خارجی که هم مذاهب متفاوت و هم تابعیت‌های متفاوت دارند از لحاظ حقوق بین‌الملل خصوصی ایران تابع قانون است.
- (۱) مذهب شوهر
(۲) دولت متبوع شوهر
(۳) دولت متبوع زوجین
(۴) اقامتگاه زوجین



۵۴۹. در فرضی که زن دارای تابعیت فرانسه و شوهر دارای تابعیت مضاعف انگلیسی- آمریکایی باشد و زوجه در ایران فوت کند و اموال منقولی از خود به جای گذارد قاضی ایرانی کدام قانون را اعمال خواهد کرد؟ (سراسری- ۸۵)

- (۱) قانون ایران (۲) قانون آمریکا (۳) قانون انگلیس (۴) قانون فرانسه

۵۵۰. هر گاه موضوع طلاق بین یک زن و شوهر آلمانی در دادگاه ایران مطرح باشد، دادگاه ایرانی ... (سراسری- ۸۵)

- (۱) قانون آلمان را به موقع اجرا می‌گذارد ولو این که زوجین به آن استناد نکرده باشند.
 (۲) قانون ایران را به موقع اجرا می‌گذارد ولو این که زوجین به آن استناد نکرده باشند.
 (۳) قانون ایران را در صورتی به موقع اجرا می‌گذارد که زوجین به آن استناد کرده باشند.
 (۴) قانون آلمان را در صورتی به موقع اجرا می‌گذارد که زوجین به آن استناد کرده باشند.

۵۵۱. مساله انتقال قراردادی اسناد بی نام تابع قانون و مساله روابط بین دارنده سند و شخص حقوقی صادر کننده آن تابع قانون است. (سراسری- ۸۵)

- (۱) محل وقوع- کشور محل صدور سند (۲) محل وقوع- دولت متبوع شخص حقوقی متعهد
 (۳) اقامتگاه مدیون- محل تأسیس شخص حقوقی متعهد (۴) دولت متبوع مدیون- دولت متبوع شخص حقوقی متعهد

۵۵۲. شرایط شکلی براتی که در خارج از ایران صادر شده و دعوایی در خصوص آن در دادگاه‌های ایران مطرح است تابع قانون ... است. (سراسری- ۸۵)

- (۱) ایران (۲) منتخب طرفین
 (۳) همان کشور خارجی (۴) محل انعقاد معامله اصلی

۵۵۳. اگر یک نفر خارجی در ایران عمل حقوقی انجام دهد که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت باشد و قطع نظر از تابعیت او، مطابق قانون ایران نتوان او را دارای اهلیت دانست، عمل او طبق حقوق ایران چه حکمی دارد؟ (سراسری- ۸۶)

- (۱) صحیح است. (۲) باطل است. (۳) غیرنافذ است. (۴) غیرقابل استناد است.

۵۵۴. شرایط اساسی صدور برات، تابع قانون کدام کشور است؟ (سراسری- ۸۶)

- (۱) کشور محل صدور (۲) کشور متبوع متعهدله
 (۳) کشور متبوع براتگیر (۴) کشور متبوع صادر کننده

۵۵۵. احوال شخصیه افراد بدون تابعیت در ایران تابع قانون خواهد بود. (سراسری- ۸۶)

- (۱) ایران (۲) کشور محل تولدشان
 (۳) کشور محل آخرین اقامتگاه در خارج از ایران (۴) کشوری که بیشترین ارتباط با آن را داشته‌اند.

۵۵۶. حق تعیین قانون حاکم بر قرارداد در حقوق ایران در حالی پذیرفته شده که: (سراسری- ۸۶)

- (۱) طرفین قرارداد ایرانی باشند.
 (۲) قانون ایران تنظیم شده باشند.
 (۳) یکی از طرفین قرارداد خارجی باشد.
 (۴) طرفین قرارداد هر دو ایرانی یا هر دو خارجی باشند.

۵۵۷. اسناد با نام در حقوق بین الملل خصوصی تابع کدام قانون می‌باشند؟ (سراسری- ۸۶)

- (۱) قانون اقامتگاه مدیون (۲) قانون اقامتگاه داین
 (۳) قانون دولت متبوع صاحبان اسناد (۴) قانون مورد تراضی متعاملان

۵۵۸. کدام قانون بر مساله حق ارتفاق مربوط به دو ملک واقع در دو کشور حاکم می‌باشد؟ (سراسری - ۸۶)
- (۱) قانون محل وقوع مال
(۲) قانون کشور متبوع صاحب حق ارتفاق
(۳) قانون محل اقامت صاحب حق ارتفاق
(۴) قانون محل وقوع ملک مورد حق ارتفاق
۵۵۹. تعیین سهم الارث شوهری که همسر او از دنیا رفته است از لحاظ حقوق بین‌الملل خصوصی ایران تابع قانون است.
- (سراسری - ۸۶)
- (۱) اقامتگاه زوجین (۲) دولت متبوع شوهر (۳) دولت متبوع همسر (۴) دولت متبوع دادگاه
۵۶۰. هرگاه یک شخص کلیمی خارجی راجع به ترکه متوفای هم وطن خود در ایران دعوای ارث اقامه کند و به قوانین مذهبی کلیمیان استناد نماید دادگاه طبق کدام قانون باید قضاوت کند؟ (سراسری - ۸۶)
- (۱) قوانین عمومی ایران به عنوان محل وقوع ترکه
(۲) قانون کشور متبوع متوفی
(۳) قانون مورد استناد طرف
(۴) قانون اقامتگاه متوفی
۵۶۱. به موجب قوانین ایران اگر یک تبعه کشور الف و یک تبعه کشور ب در ایران قصد ازدواج داشته باشند اهلیت ایشان برای انجام ازدواج به موجب کدام قانون بررسی می‌شود؟ (سراسری - ۸۶)
- (۱) ایران (۲) کشور الف (۳) کشور ب (۴) کشور متبوع هر یک
۵۶۲. یک تبعه فرانسه خانه مسکونی خود را که در آلمان واقع است در ایران به یک فرد ایرانی می‌فروشد، اهلیت او برای انجام معامله تابع کدام قانون است؟ (سراسری - ۸۶)
- (۱) آلمان (۲) ایران (۳) فرانسه (۴) ایران و فرانسه
۵۶۳. یک فرد ایرانی به عنوان قیم یک فرد خارجی تعیین شده است، حدود اختیارات او از لحاظ حقوق بین‌الملل خصوصی ایران تابع کدام قانون است؟ (سراسری - ۸۶)
- (۱) قانون ایران
(۲) قانون اقامتگاه مولی علیه
(۳) قانون اقامتگاه قیم ایرانی
(۴) قانون کشور متبوع مولی علیه
۵۶۴. قاضی ایرانی در دعوای طلاق زن و شوهری که زوج تبعه بلژیک و زوجه تبعه فرانسه می‌باشد، قانون کدام کشور را به عنوان قانون صلاحیتدار، حاکم خواهد دانست؟ (سراسری - ۸۷)
- (۱) قانون دولت متبوع زوج
(۲) قانون دولت متبوع زوجه
(۳) قانون دولت مقر دادگاه
(۴) قانون اقامتگاه زوجین
۵۶۵. موضوع تقسیم ترکه یکی از اتباع متوفی آلمانی در دادگاه ایران مطرح شده است. به نظر شما قانون کدام کشور در تعیین وراث و میزان سهم الارث اموال منقول متوفی، صالح خواهد بود؟ (سراسری - ۸۷)
- (۱) دولت متبوع متوفی
(۲) قانون مقر دادگاه
(۳) محل وقوع مال
(۴) آخرین اقامتگاه متوفی
۵۶۶. قانون حاکم بر شکل سند و مفاد سند به ترتیب عبارت است از (سراسری - ۸۷)
- (۱) قانون محل تنظیم و قانون محل وقوع عقد
(۲) قانون محل تنظیم و قانون مناسب موضوع
(۳) قانون محل تنظیم و قانون دولت متبوع صاحب حق
(۴) قانون دولت متبوع تنظیم کننده و قانون محل تنظیم
۵۶۷. در مورد معامله‌ای که در ایران واقع می‌شود چه قانونی حاکم بر تعیین اهلیت یک خارجی است که مطابق قانون دولت متبوع خود فاقد اهلیت می‌باشد و این قانون چه عنوانی دارد؟ (سراسری - ۸۷)
- (۱) قانون ایران - قانون مساعدتر
(۲) قانون مورد توافق - قانون مناسب‌تر
(۳) قانون اقامتگاه طرف معامله - قانون مساعدتر
(۴) قانون دولت متبوع طرح معامله - قانون مناسب‌تر



۵۶۸. قاضی ایرانی در دعوای ارث شوهر فرانسوی که زن آلمانی او در ایران فوت شده است قانون کدام کشور را به عنوان قانون صالح، اجرا خواهد کرد؟

- (۱) قانون مورد نظر دادگاه
(۲) قانون فرانسه
(۳) قانون ایران
(۴) قانون آلمان

۵۶۹. موارد عزل قیم تابع قانون است.

- (۱) اقامتگاه قیم
(۲) اقامتگاه محجور
(۳) دولت متبوع محجور
(۴) دولت متبوع قیم

۵۷۰. به موجب قوانین ایران، اهلیت زن تبعه کشور «الف» و مرد تبعه کشور «ب» که در ایران قصد ازدواج داشته باشند تابع قانون است.

- (۱) کشور «الف»
(۲) کشور «ب»
(۳) ایران
(۴) برای زن کشور «الف» و برای مرد کشور «ب»

۵۷۱. اهلیت اشخاص حقوقی از نظر حقوق ایران تابع کدام قانون است؟

- (۱) کشور متبوع
(۲) محل ثبت
(۳) مرکز فعالیت
(۴) اساس نامه

۵۷۲. حقوق ارثیه خارجیان تابع کدام قانون است؟

- (۱) اقامتگاه مورث
(۲) دولت متبوع مورث
(۳) محل وقوع ماترک
(۴) دولت متبوع وراث

۵۷۳. اگر تبعه خارجی در ایران عمل حقوقی ای انجام دهد که مطابق قانون متبوعش اهل باشد ولی طبق حقوق ایران فاقد اهلیت باشد، آن عمل حقوقی در ایران است.

- (۱) صحیح
(۲) باطل
(۳) غیر نافذ
(۴) غیر استناد

۵۷۴. در صورت بروز تعارض قوانین در «حق تألیف»، قانون کدام کشور صالح است؟

- (۱) محل انتشار
(۲) متبوع مؤلف
(۳) متبوع ناشر
(۴) محل اقامت مؤلف

۵۷۵. شرایط و موانع ازدواج اقلیت‌های مذهبی و دینی ایرانی، تابع قانون مذهب است.

- (۱) زن
(۲) شوهر
(۳) اکثریت شیعه
(۴) هر یک از طرفین

۵۷۶. هرگاه زن و مرد خارجی مقیم ایران با تابعیت‌های متفاوت بخواهند در ایران ازدواج نمایند، شرایط و موانع ازدواج آن‌ها تابع قانون خواهد بود.

- (۱) دولت متبوع مرد.
(۲) دولت متبوع زن
(۳) دولت متبوع هر یک از طرفین.
(۴) ایران به عنوان قانون اقامتگاه

۵۷۷. اهلیت بیگانگان برای تحصیل تابعیت ایران تابع قانون است.

- (۱) ایران
(۲) اقامتگاه آن‌ها
(۳) دولت متبوع آن‌ها
(۴) دولت مورد نظر متقاضی

۵۷۸. اثبات نسبت طفلی که تابعیت او معلوم نیست، تابع قانون است.

- (۱) مقر دادگاه
(۲) اقامتگاه طفل
(۳) دولت متبوع طفل
(۴) دولت متبوع پدر طفل

۵۷۹. در مواردی که نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد، در روابط پدر و مادر و فرزند قانون دولت حاکم است. (سراسری - ۸۹)

- (۱) متبوع والدین
(۲) متبوع پدر
(۳) متبوع فرزند
(۴) متبوع مادر

۵۸۰. وصول مالیات از اتباع موصی و موصی له، قانون حاکم بر وصیت نامه از لحاظ حقوق بین الملل خصوصی ایران، قانون است. (سراسری - ۸۹)

- (۱) دولت متبوع موصی
(۲) محل تنظیم وصیت نامه
(۳) محل وقوع موصی به
(۴) دولت متبوع موصی له

۵۸۱. علل و موجبات طلاق زن پروتستان ایرانی و شوهر کاتولیک اسپانیایی از لحاظ حقوق بین‌الملل خصوصی ایران تابع قانون است. (سراسری - ۸۹)

- (۱) مذهب شوهر
 (۲) اقامتگاه زوجین
 (۳) دولت متبوع شوهر
 (۴) دولت متبوع زوجین

۵۸۲. اهلیت فرد بیگانه‌ای که در ایران معامله می‌کند از لحاظ حقوق بین‌الملل خصوصی ایران، تابع قانون است. (سراسری - ۸۹)

- (۱) اقامتگاه
 (۲) مناسب‌تر
 (۳) مساعدتر
 (۴) دولت متبوع

۵۸۳. در ازدواج بین‌المللی آمیخته (یا ازدواج زن و مردی که تابعیت متفاوت دارند) شرایط و موانع نکاح و همچنین آثار نکاح از لحاظ حقوق بین‌الملل خصوصی ایران تابع قانون ملی و قانون است. (سراسری - ۸۹)

- (۱) شوهر - اقامتگاه زوجین
 (۲) شوهر - مورد توافق طرفین
 (۳) هر یک از طرفین - اقامتگاه زوجین
 (۴) هر یک از طرفین - دولت متبوع شوهر

۵۸۴. دعوی طلاق زوجین انگلیسی مقیم در کشور مصر که در دادگاه ایران اقامه شده است (سراسری - ۸۹)

- (۱) احاله درجه اول بوده و تابع قانون دولت متبوع است.
 (۲) احاله درجه دوم و تابع قانون دولت متبوع است.
 (۳) احاله درجه اول نبوده و تابع قانون اقامتگاه است.
 (۴) احاله درجه دوم بوده و تابع قانون اقامتگاه است.

۵۸۵. در مساله تعارض قوانین، اقامتگاه: (آزاد - ۸۱)

- (۱) یک عامل ارتباط است.
 (۲) موضوع توصیف است.
 (۳) یک عامل تعارض است.
 (۴) علت احاله است.

۵۸۶. دادگاه‌های ایران در رسیدگی به یک دعوا با عنصر خارجی: (آزاد - ۸۱)

- (۱) قواعد حل تعارض قانون ایران را اعمال خواهند کرد.
 (۲) قواعد حل تعارض کشور عنصر خارجی را اعمال خواهند کرد.
 (۳) هیچ قاعده حل تعارضی را اعمال نخواهند کرد.
 (۴) مستقیماً قواعد مادی قانون ایران را اعمال خواهند کرد.

۵۸۷. دسته‌های ارتباط چه خصوصیتی دارند؟ (آزاد - ۸۲)

- (۱) باعث ایجاد تعارض می‌شوند.
 (۲) حکم دعوی را معین می‌نمایند.
 (۳) قاعده مادی را مشخص می‌نمایند.
 (۴) قاعده حل تعارض را معین می‌نمایند.

۵۸۸. در کدام‌یک از موارد زیر دادگاه‌های ایران به لحاظ ارتباط دعوی با عنصر خارجی، فاقد صلاحیت قضایی هستند؟ (آزاد - ۸۲)

- (۱) هرگاه دعوی، مربوط به مال غیر منقولی باشد که در کشور خارجه واقع است.
 (۲) هرگاه اقامتگاه خواننده در ایران باشد.
 (۳) در صورتی که محل اقامت خواننده در ایران باشد، ولی اقامتگاه خواهان در کشور خارجی
 (۴) در صورتی که محل سکونت خواننده نامعلوم باشد.

۵۸۹. دعوای یک خواهان ایرانی علیه یک خواننده خارجی در صلاحیت کدام دادگاه است؟ (آزاد - ۸۲)

- (۱) فقط دادگاه‌های کشور متبوع خواننده
 (۲) فقط دادگاه‌های کشور اقامتگاه خواننده
 (۳) دادگاه‌های ایران و احتمالاً دادگاه‌های کشور متبوع خواننده
 (۴) فقط دادگاه‌های ایران



۵۹۰. چنانچه یک تبعه خارجی مقیم ایران بخواهد دعوایی علیه تبعه دیگر همان کشور که در ایران به دنیا آمده است

(آزاد- ۸۳)

- ۱) دادگاه‌های ایران صلاحیت ندارند و خواهان باید در کشور خارجی اقامه دعوی کند.
- ۲) دادگاه‌های ایران و کشور خارجی هیچ‌کدام صلاحیت ندارند.
- ۳) مشخص نیست دادگاه‌های کدام کشور صلاحیت رسیدگی به دعوی را دارند.
- ۴) دادگاه‌های محل اقامت خواهان در ایران صلاحیت رسیدگی به دعوی را دارند.

۵۹۱. یک شرکت دولتی ایرانی با یک شرکت دولتی کوبایی قرارداد خرید شکر در فرانسه منعقد نموده است. شرکت کوبایی قصد

(آزاد- ۸۳)

دارد علیه شرکت ایرانی در خصوص ایران قرارداد اقامه دعوی نماید:

- ۱) آن شرکت کوبایی قطعاً می‌تواند در ایران اقامه دعوی نماید.
- ۲) آن شرکت ممکن است بتواند در فرانسه اقامه دعوی نماید.
- ۳) آن شرکت ممکن است بتواند در کوبا اقامه دعوی نماید.
- ۴) هر سه گزینه

۵۹۲. در صورتی می‌توان علیه فردی در ایران اقامه دعوی نمود که:

(آزاد- ۸۴)

- ۱) فقط در ایران اقامتگاه داشته باشد.
- ۲) فقط در ایران مال غیر منقول داشته باشد.
- ۳) خواهان دعوی در ایران اقامتگاه داشته باشد.
- ۴) هم او و هم خواهان در ایران اقامتگاه داشته باشند.

۵۹۳. دعوای ایرانی‌ها در خارج از ایران:

(آزاد- ۸۴)

- ۱) از حیث صلاحیت محاکم تابع قانون کشور خارجی می‌باشد.
- ۲) از حیث صلاحیت محاکم تابع قانون کشور ایران می‌باشد.
- ۳) تابع قانون ایران و کشور خارجی می‌باشد.
- ۴) از حیث صلاحیت محاکم تابع قانون ایران و از لحاظ ماهوی تابع قانون ایران می‌باشد.

۵۹۴. یک تبعه خارجه در صورتی می‌تواند در ایران علیه یک ایرانی اقامه دعوی نماید که:

(آزاد- ۸۴)

- ۱) اجازه کسب کند.
- ۲) هر دو مقیم ایران باشند.
- ۳) در صورت لزوم جهت هزینه‌های دادرسی وثیقه تودیع نماید.
- ۴) اصلاً اتباع خارجی نمی‌توانند علیه ایرانیان در ایران دعوی اقامه نمایند.

۵۹۵. دو خارجی که هیچ ارتباطی با ایران ندارند برای چند روزی به ایران سفر کرده‌اند، یکی از آن‌ها می‌خواهد علیه دیگری در

(آزاد- ۸۵)

ایران اقامه دعوی کند:

- ۱) دادگاه‌های ایران صلاحیت ندارند.
- ۲) دادگاه‌های محل اقامتگاه آن‌ها صلاحیت دارند.
- ۳) دادگاه‌های محل سکونت آن‌ها صلاحیت دارند.
- ۴) دادگاه‌های محل سکونت موقت خواننده صلاحیت دارند.

۵۹۶. خواننده دعوایی، ایرانی اما مقیم خارج از کشور است. خواهان خارجی اما مقیم ایران است آیا خواهان می‌تواند در

(آزاد- ۸۵)

دادگاه‌های ایران اقامه دعوی نماید؟

- ۱) خبر باید در کشور محل اقامتگاه ایرانی اقامه دعوی نماید.
- ۲) بله می‌تواند در دادگاه‌های محل اقامت خود اقامه دعوی نماید.
- ۳) خبر باید در کشور متبوع خود اقامه دعوی نماید.
- ۴) بله باید به قانون آیین دادرسی و صلاحیت دادگاه‌های کشور متبوع خود مراجعه نماید.

۵۹۷. در حقوق بین‌الملل خصوصی قانون درون مرزی عبارت از قانونی است که:

(آزاد- ۸۶)

- ۱) بر هر کس و هر چیزی حکومت دارد.
- ۲) بر هر کس و هر چیزی که در قلمرو آن واقع شده است حکومت دارد.
- ۳) فقط بر اشخاص (و نه اشیاء) واقع در قلمرو آن حکومت دارد.
- ۴) بر هر کس و هر چیزی که در قلمرو آن واقع شده است حکومت دارد مگر در صورتی که ذی‌نفع خواهان اجرای قانون کشور دیگری باشد.

۵۹۸. محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در کشور خارجی همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آن جا تنظیم شده، دارا می‌باشند مشروط بر این‌که: کشوری که اسناد آن جا تنظیم شده: (آزاد- ۸۶)

(۱) عملاً اسناد تنظیم شده در ایران را معتبر بشناسد.

(۲) به موجب قوانین خود یا عهد اسناد تنظیم شده در ایران را معتبر بشناسد.

(۳) فقط اسناد تنظیم شده در خاک خودش را معتبر بشناسد.

(۴) برخلاف نظم عمومی خود مبادرت به تنظیم سند ننموده باشد.

۵۹۹. دادگاه در یافتن قانون حاکم بر دعوی، لزوماً: (آزاد- ۸۷)

(۱) به قواعد حل تعارض مقرر خود رجوع خواهد کرد.

(۲) به قواعد مادی قانون مقرر خود مراجعه خواهد کرد.

(۴) از عرف استفاده خواهد کرد.

(۳) حکم لازم را صادر کرد.

۶۰۰. یک ایرانی مقیم کشور خارجی می‌خواهد علیه یک شخص خارجی اقامه دعوی نماید: (آزاد- ۸۷)

(۱) در ایران نمی‌تواند اقامه دعوی نماید.

(۲) چنانچه شخص خارجی مقیم ایران است، آن ایرانی می‌تواند در ایران علیه او اقامه دعوی نماید.

(۳) باید در دادگاه کشور خارجی اقامه دعوی نماید.

(۴) چون خواهان ایرانی است، می‌تواند در ایران اقامه دعوی نماید.

۶۰۱. اگر برای یک موضوع دعوای حقوق بین‌الملل خصوصی قاعده حل تعارض وجود نداشته باشند، در این صورت: (آزاد- ۸۷)

(۱) دادگاه طبق قانون ایران به آن رسیدگی کرده و حکم صادر خواهد کرد.

(۲) دادگاه طبق قانون خارجی که خود مقتضی بداند رسیدگی کرده و حکم صادر خواهد کرد.

(۳) دادگاه طبق قاعده حل تعارض قانون خارجی قانون حکم را خواهد یافت.

(۴) دادگاه موضوع را «توصیف» کرده و قاعده حل تعارض مناسب آن را در قواعد حل تعارض ایران خواهد یافت.

۶۰۲. آیا ممکن است در ایران، خواهان تبعه خارجی که در ایران اقامتگاه دارد، در اقامتگاه خودش اقامه دعوی نماید؟ (آزاد- ۸۷)

(۱) خیر، در هیچ صورت

(۲) بله، چنانچه خوانده مقیم ایران باشد.

(۳) بله، چنانچه خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد.

(۴) خیر، چنانچه خوانده در ایران مال غیر منقول داشته باشد.

۶۰۳. شرایط شکلی یک قرارداد: (آزاد- ۸۷)

(۱) تابع قانون محل اجرای قرارداد است.

(۲) تابع قانون کشور متبوع طرفین است.

(۳) تابع قانون منتخب طرفین است.

(۴) تابع قانون محل اجرا یا تنظیم قرارداد است.

۶۰۴. کدام گزینه صحیح است؟ (آزاد- ۸۷)

(۱) شکایت در کشور محل اقامتگاه بیگانه به عمل خواهد آمد.

(۲) شکایت علیه بیگانه در ایران در محل انعقاد قرارداد او به عمل خواهد آمد.

(۳) شکایت علیه بیگانه در ایران امکان ندارد.

(۴) تمام موارد

۶۰۵. مکتب ایتالیایی قدیم: (آزاد- ۸۶)

(۱) یک دکترین اصولی و واجد دو صفت تحلیلی و عام‌الشمول می‌باشد.

(۲) یک دکترین حقوقی و واجد دو صفت تحلیلی و خاص‌الشمول می‌باشد.

(۳) یک دکترین حقوقی و واجد دو صفت تحلیلی و عام‌الشمول می‌باشد.

(۴) یک دکترین اصولی و واجد دو صفت تحلیلی و خاص‌الشمول می‌باشد.

۶۰۶. در کدام نظریه استناد به قانون خارجی و اثبات آن به عهده طرفین دعوی می‌باشد؟ (آزاد- ۸۶)

(۱) انگلیسی (۲) آلمانی (۳) ایتالیایی (۴) هلندی



۶۰۷. در قانون ایران در چه صورتی پیش‌بینی شده است که قانون خارجی اجرا یا اعمال نخواهد شد؟ در صورت: (آزاد- ۸۱)

(۱) تقلب نسبت به قانون ایران
(۲) مخالفت با نظم عمومی ایران
(۳) مخالفت با نظم عمومی بین‌المللی
(۴) موارد ۱ و ۲

۶۰۸. نظم عمومی چیست؟

(۱) مانع اعمال قانون خارجی است.
(۲) همان قواعد آمره است.
(۳) همان تقلب نسبت به قانون است.
(۴) اصول و نظامات حقوقی جامعه است.

(آزاد- ۸۲)

۶۰۹. احاله چیست؟

(۱) ارجاع به قواعد مادی قانون کشور مقرر دادگاه در رسیدگی به دعوی مربوطه
(۲) ارجاع به قانون کشور که نزدیک‌ترین ارتباط را با رابطه حقوقی مورد بحث دارد.
(۳) ارجاع به قانون کشور دیگر به موجب قاعده حل تعارض مقرر دادگاه
(۴) ارجاع به قانون کشور دیگر توسط قاعده حل تعارض کشوری که به موجب قاعده حل تعارض مقرر دادگاه، بدان رجوع شده است.

(آزاد- ۸۲)

۶۱۰. توصیف یک رابطه حقوقی چه زمانی به عمل می‌آید؟

(۱) زمانی که قاعده حل تعارض آن رابطه نامشخص باشد.
(۲) زمانی که ماهیت آن رابطه نامشخص باشد.
(۳) زمانی که دادگاه صالح در خصوص دعوی آن رابطه نامشخص باشد.
(۴) زمانی که دسته ارتباط رابطه مشخص باشد.

(آزاد- ۸۲)

۶۱۱. احاله وقتی مطرح شده که:

(۱) قاعده حل تعارض مقرر دادگاه حل یک رابطه حقوقی را به قاعده ماهوی قانون خارجی و قاعده حل تعارض آن قانون، به قانون خارجی را اعمال کنند.
(۲) دادگاه‌ها مستقیماً قانون خارجی را اعمال کنند.
(۳) دادگاه‌های خارجی قانون ایران و دادگاه‌های ایران قانون خارجی را اعمال کنند.
(۴) قاعده حل تعارض مقرر دادگاه حل یک رابطه حقوقی را به قانون خارجی ارجاع ندهد.

(آزاد- ۸۳)

۶۱۲. توصیف یعنی:

(۱) یافتن یک قاعده حل تعارض برای احاله به قانون مقرر دادگاه
(۲) یافتن جایگاه یک امر حقوقی در دادگاه‌های یک کشور
(۳) تحلیل و وصف یک دعوی برای تعیین صلاحیت دادگاه
(۴) تعیین نوع یک رابطه حقوقی که یک قاعده حقوق بین‌الملل خصوصی باید نسبت به آن اجرا شود.

(آزاد- ۸۳)

۶۱۳. در تعارض قوانین، قانون خارجی در ایران اعمال نخواهد شد چنانچه:

(۱) فقط مغایر نظم عمومی ایران باشد.
(۲) فقط مغایر عهدنامه‌هایی باشد که دولت ایران عضو آن است.
(۳) مغایر قوانین مخصوصه ایران باشد.
(۴) هر سه مورد مذکور

(آزاد- ۸۳)

۶۱۴. کدام گزینه صحیح است؟

(۱) حکم صادره در دادگاه‌های کشورهای خارجی، در ایران به هیچ صورت اجرا نخواهد شد.
(۲) حکم صادره در ایران، در کشورهای خارجی کلاً اجرا نخواهد شد.
(۳) حکم صادره در دادگاه‌های کشورهای خارجی، در ایران در صورت عمل متقابل اجرا خواهد شد.
(۴) حکم صادره در ایران، در کشورهای خارجی همان اعتباری را دارد که در ایران دارا می‌باشد.

(آزاد- ۸۳)

۶۱۵. دسته‌های ارتباط:

(آزاد - ۸۳)

- ۱) قانون حکم بر دعوی را قانون مقر دادگاه می‌دانند.
- ۲) همان توصیف روابط حقوقی می‌باشند.
- ۳) موضوع دعوی را به قانون خارجی مناسب مرتبط می‌سازند.
- ۴) روابط حقوقی را توصیف می‌کنند.

۶۱۶. کدام گزینه صحیح است؟

(آزاد - ۸۴)

- ۱) تعیین محل یک دعوی حقوقی در میان انواع دسته‌های مطرح در قاعده‌های حل تعارض در صلاحیت دادگاه مؤثر است.
- ۲) تعیین محل یک رابطه حقوقی در میان انواع دسته‌های ارتباط برای تعیین قانون صالح را توصیف گویند.
- ۳) تعیین محل یک رابطه حقوقی در میان انواع دسته‌های منعکس در قاعده‌های حل تعارض برای تعیین قانون حاکم و حل تعارض قوانین مؤثر است.
- ۴) حل تعارض قوانین یعنی محل یک رابطه حقوقی در میان انواع دسته‌های ارتباط

۶۱۷. در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران:

(آزاد - ۸۴)

- ۱) احاله در هر صورت در احوال شخصیه وجود دارد.
- ۲) احاله درجه اول و دوم به طور کلی وجود دارد.
- ۳) احاله درجه اول که منتهی به اعمال قانون ایران می‌شود وجود دارد.
- ۴) احاله درجه دوم در صورتی که منتهی به قانون ایران شود وجود دارد.

۶۱۸. دادگاه‌های ایران در دعاوی با عنصر خارجی در صورتی قوانین خارجی را اعمال خواهند نمود که:

(آزاد - ۸۴)

- ۱) مخالف با نظم عمومی ایران نباشد.
- ۲) مخالف با قوانین مخصوصه و نظم عمومی ایران نباشد.
- ۳) مخالف با قوانین مخصوصه و نظم عمومی ایران و کشور خارجی نباشد.
- ۴) بدون قید و شرط قوانین خارجی را اعمال خواهند نمود.

۶۱۹. کدام گزینه صحیح است؟

(آزاد - ۸۴)

- ۱) حکم صادره در ایران علیه یک خارجی در کشور خارجی قطعاً اجرا خواهد شد.
- ۲) حکم صادره در خارج از ایران به شرط عمل متقابل در ایران اجرا خواهد شد.
- ۳) حکم صادره در خارج از ایران به شرط بررسی ماهوی در دادگاه‌های ایران، در ایران اجرا خواهد شد.
- ۴) حکم صادره در ایران به هیچ‌وجه در کشور خارجی اجرا نخواهد شد مگر محکوم علیه مقیم آن کشور باشد.

۶۲۰. کدام گزینه صحیح است؟

(آزاد - ۸۴)

- ۱) اموال منقول و غیر منقول و احوال شخصیه که در آنها عنصر خارجی مطرح باشد دسته‌های ارتباط می‌باشند.
- ۲) اموال منقول و غیر منقول از دسته‌های ارتباط هستند اما احوال شخصیه توصیف می‌باشد.
- ۳) اموال منقول و غیر منقول و احوال شخصیه از عناوین توصیف می‌باشند.
- ۴) احوال شخصیه دسته ارتباط و اموال منقول و غیر منقول تابع قوانین ایران هستند.

۶۲۱. قوانین خارجی در ایران به شرطی اعمال خواهد شد که:

(آزاد - ۸۵)

- ۱) مخالف با قوانین مخصوصه نباشد.
- ۲) هماهنگ با قوانین ایران باشد.
- ۳) کلاً قانون مخالفی در ایران وجود نداشته باشد.
- ۴) قاضی ایرانی از آن آگاهی داشته باشد.

۶۲۲. تشخیص نوع امر حقوقی برای اعمال یک قاعده حل تعارض نسبت به آن را:

(آزاد - ۸۵)

- ۱) احاله گویند.
- ۲) دسته ارتباط گویند.
- ۳) توصیف گویند.
- ۴) تعارض قوانین گویند.



(آزاد - ۸۵)

۶۲۳. احکام خارجی در ایران:

- (۱) اجرا نمی‌شوند.
- (۲) تنها چنانچه خلاف نظم عمومی باشند اجرا نمی‌شوند.
- (۳) در صورتی که دستور اجرای آن‌ها توسط دادگاه ایران صادر شود اجرا خواهند شد.
- (۴) تنها در صورت عمل متقابل اجرا خواهد شد.

(آزاد - ۸۶)

۶۲۴. تنها توصیف‌هایی تابع قانون مقر دادگاه است که:

- (۱) برای اعمال قواعد حل تعارض کشور خارجی ضروری است.
- (۲) برای اعمال قواعد حل تعارض مقر دادگاه ضروری است.
- (۳) برای اعمال قواعد عادی ضروری است.
- (۴) به موجب قانون خارجی امکان‌پذیر نباشد.

۶۲۵. در قاعده حل تعارضی که مقرر می‌دارد «روابط شخصی زوجین تابع قانون کشور متبوع زوجین و در صورت اختلاف تبعیت زوجین تابع قانون اقامتگاه مشترک زوجین می‌باشد» اقامتگاه مشترک زوجین و روابط شخصی زوجین است. (آزاد - ۸۶)

- | | |
|------------------------------------|---|
| (۱) عامل ارتباط اصلی - دسته ارتباط | (۲) دسته ارتباط - عامل ارتباط اصلی |
| (۳) عامل ارتباط فرعی - دسته ارتباط | (۴) عامل ارتباط اصلی - عامل ارتباط فرعی |

(آزاد - ۸۶)

۶۲۶. احاله، زمانی مطرح می‌شود که:

- (۱) قانون خارجی تعیین شده به وسیله قاعده حل تعارض مقر دادگاه یا رد صلاحیت قانون خود قانون کشور دیگری را صلاحیتدار بداند.
- (۲) قانون خارجی تعیین شده به وسیله قواعد مادی مقر دادگاه قانون کشور دیگری را بر موضوع حاکم بداند.
- (۳) قاعده حل تعارض مقر دادگاه موضوع را تابع قانون کشور خارجی بداند.
- (۴) تعارض مثبت ایجاد شود.

(آزاد - ۸۶)

۶۲۷. اثر مثبت نظم عمومی زمانی است که:

- (۱) فقط از اجرای قانون خارجی جلوگیری می‌شود.
- (۲) قانون مقر دادگاه و قانون خارجی توأماً اجرا می‌شود.
- (۳) قانونی که نزدیک‌ترین پیوند را با موضوع دارد اجرا می‌شود.
- (۴) از اجرای قانون خارجی جلوگیری و به جای آن قانون مقر دادگاه اجرا می‌شود.

(آزاد - ۸۶)

۶۲۸. شرایط اعمال قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون عبارتند از:

- (۱) اثبات تقصیر - ورود ضرر - فرعی و علی‌البدل بدون اجرای قاعده
- (۲) اثبات تقصیر - فرعی و علی‌البدل بودن اجرای قاعده
- (۳) اثبات تقصیر - ورود ضرر
- (۴) ورود ضرر - فرعی و علی‌البدل بودن اجرای قاعده

۶۲۹. حق ایجاد شده در کشور خارجی الف در صورتی در ایران به رسمیت شناخته می‌شود که به موجب ایجاد شده باشد. (آزاد - ۸۶)

- (۱) قواعد مادی کشور خارجی الف
- (۲) قانون تعیین شده به وسیله قاعده حل تعارض کشور خارجی الف
- (۳) قانون صلاحیتدار تعیین شده به وسیله قاعده حل تعارض ایران
- (۴) قواعد مادی ایران

۶۳۰. احاله در حقوق بین‌الملل خصوصی زمانی ممکن است مطرح می‌شود که:
- ۱) دادگاه یک کشور به قواعد حل تعارض مقرر رجوع کند.
 - ۲) دادگاه یک کشور به قواعد مادی قانون مقرر رجوع کند.
 - ۳) دادگاه یک کشور به قواعد مادی قانون کشور دیگر مراجعه کند.
 - ۴) دادگاه یک کشور به قواعد حل تعارض قانون کشور دیگر مراجعه کند.
۶۳۱. «توصیف» در حقوق بین‌الملل خصوصی، برای کدام یک از اهداف زیر به عمل می‌آید؟
- ۱) برای یافتن قانون خارجی
 - ۲) برای یافتن قانون ایران
 - ۳) برای یافتن ارتباط موضوع کشور خارجی
 - ۴) برای یافتن قاعده حل تعارض مناسب موضوع
۶۳۲. در چه موردی قانون حاکم بر احوال شخصیه بیگانگان قانون ایران است؟
- ۱) در موردی که اقامتگاه بیگانه در ایران باشد.
 - ۲) در موردی که قانون کشور متبوع آن‌ها موضوع را به قانون ایران احاله دهد.
 - ۳) در موردی که قانون ایران موضوع را به قانون کشور بیگانه احاله دهد.
 - ۴) در همه موارد
۶۳۳. اهلیت بیگانه‌ای که در ایران با یک ایرانی معامله می‌کند:
- ۱) تابع قانون کشور متبوعش خواهد بود.
 - ۲) تابع قانون کشور اقامتگاهش خواهد بود.
 - ۳) تابع قانون کشور ایران خواهد بود.
 - ۴) تابع قانون منتخب طرفین خواهد بود.
۶۳۴. یک فرد ایرانی مقیم خارج از کشور می‌خواهد علیه یک تبعه آن کشور خارجی اقامه دعوی کند:
- ۱) باید دعوی خود را در آن کشور خارجی اقامه کند.
 - ۲) می‌تواند در ایران اقامه دعوی نماید.
 - ۳) طبق قانون ایران می‌تواند.
 - ۴) چون ایرانی است نمی‌تواند در کشور خارجی اقامه دعوی کند.
۶۳۵. تفسیر یک قرارداد بین یک ایرانی و یک خارجی (در سیستم حقوقی ایران) به موجب:
- ۱) قانون منتخب طرفین به عمل خواهد آمد.
 - ۲) قانون محل انعقاد قرارداد به عمل خواهد آمد.
 - ۳) قانون محل اجرای قرارداد به عمل خواهد آمد.
 - ۴) همه موارد بالا صحیح است.
۶۳۶. یک تبعه اندونزی با یک ایتالیایی مقیم ایران در مالزی قراردادی منعقد نموده است که محل اجرای آن در ترکیه است؛ تبعه اندونزی دعوی مربوط به این قرارداد را مطمئناً در کجا می‌تواند اقامه کند؟
- ۱) اندونزی ۲) ایران ۳) ترکیه ۴) ایتالیا
۶۳۷. در سیستم حقوقی ایران:
- ۱) ایرانیان و بیگانگان از لحاظ احوال شخصیه تابع قانون ایران می‌باشند.
 - ۲) ایرانیان مقیم خارج تابع قانون کشور اقامتگاه هستند.
 - ۳) بیگانگان مقیم ایران تابع قانون ایران هستند.
 - ۴) ایرانیان و بیگانگان از لحاظ احوال شخصیه تابع قانون کشور متبوعشان هستند.



۶۳۸. قانون حاکم بر تعهدات قراردادی در سیستم حقوقی ایران چیست؟ (آزاد- ۸۲)
- ۱) اگر طرفین قرارداد ایرانی باشند، قانون منتخب آن‌ها است.
 - ۲) همیشه و در همه موارد، قانون ایران است.
 - ۳) اگر طرفین ایرانی و خارجی باشند، قانون ایران است.
 - ۴) اگر طرفین خارجی باشند، قانون منتخب آن‌ها است.
۶۳۹. در دادگاه‌های ایران تعهد فروشنده در یک قرارداد بین‌المللی بر اساس چه قانونی رسیدگی خواهد شد؟ (آزاد- ۸۳)
- ۱) قانون محل اجرای تعهد
 - ۲) قانون محل امضای قرارداد
 - ۳) قانون کشور متبوع فروشنده
 - ۴) قانون ایران
۶۴۰. چنانچه بتوان دعوای مالکیت منزلی واقع در کشور پاکستان را در دادگاه‌های شهر زاهدان اقامه نمود. این دعوی به ترتیب بر اساس قانون آیین دادرسی و قواعد مادی قانون کدام کشور رسیدگی خواهد شد؟ (آزاد- ۸۳)
- ۱) پاکستان - پاکستان
 - ۲) پاکستان - ایران
 - ۳) ایران - ایران
 - ۴) ایران - پاکستان
۶۴۱. یک برادر و خواهر لهستانی مقیم تهران، در دادگاه تهران درخواست تقسیم ترکه غیر منقول پدر خود را که در ایران وفات یافته، کرده‌اند. دادگاه تهران بر اساس:
- ۱) قانون لهستان که کشور متبوع آن‌هاست ترکه را تقسیم خواهد کرد.
 - ۲) قانون ایران که محل اقامت آن‌هاست ترکه را تقسیم خواهد کرد.
 - ۳) قاعده حل تعارض ایران، به موجب قانون ایران که محل وقوع ترکه غیر منقول است، ترکه را تقسیم خواهد کرد.
 - ۴) قاعده حل تعارض ایران ممکن است طبق قانون ایران یا قانون لهستان ترکه را تقسیم کند.
۶۴۲. کدام گزینه صحیح است؟ (آزاد- ۸۳)
- ۱) اهلیت یک فرد خارجی طرف قرارداد با یک شخص ایرانی، تابع قانون ایران است.
 - ۲) اهلیت یک فرد خارجی طرف قرارداد با یک شخص ایرانی در صورتی که قرارداد را در ایران منعقد نموده باشند، تابع قانون ایران است.
 - ۳) اهلیت یک فرد ایرانی طرف قرارداد با یک شخص خارجی در صورتی که قرارداد را در خارج منعقد نموده‌اند، تابع قانون کشور خارجی است.
 - ۴) اهلیت یک فرد ایرانی طرف قرارداد یک شخص خارجی تابع قانون کشور اقامتگاه اوست.
۶۴۳. قراردادهای بازرگانی بین‌المللی از حیث طرز تنظیم تابع قانون: (آزاد- ۸۴)
- ۱) محل انعقاد هستند.
 - ۲) محل اجرای قرارداد هستند.
 - ۳) ایران هستند.
 - ۴) کشور متبوع طرفین هستند.
۶۴۴. تصرف و مالکیت اموال غیر منقول واقع در خارج از ایران: (آزاد- ۸۴)
- ۱) تابع قانون ماهوی و آیین دادرسی ایران هستند.
 - ۲) تابع قانون ماهوی و آیین دادرسی محل وقوع هستند.
 - ۳) تابع قانون کشور متبوع مالک آن هستند.
 - ۴) تابع قانون کشور محل وقوع هستند.
۶۴۵. اهلیت بیگانگان برای معامله کردن در ایران: (آزاد- ۸۴)
- ۱) چنانچه بیگانه حسب قانون دولت ایران اهلیت داشته باشد، تابع قانون کشور متبوعش نیست.
 - ۲) در هر صورت تابع قانون کشور متبوعش می‌باشد.
 - ۳) در هر صورت تابع قانون اقامتگاهش می‌باشد.
 - ۴) هم تابع قانون کشور متبوعش می‌باشد و هم تابع قانون کشور اقامتگاه و ایران
۶۴۶. ترکه غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است از حیث قانون مربوط به سهم‌الارث آن‌ها: (آزاد- ۸۵)
- ۱) تابع قانون ایران است.
 - ۲) تابع قانون دولت متبوع متوفی می‌باشد.
 - ۳) تابع قانون محل اقامتگاه وراث می‌باشد.
 - ۴) تابع قانون کشور متبوع وراث می‌باشد.

۶۴۷. اهلیت خارجی‌هایی که در ایران معامله انجام می‌دهند:
- ۱) تابع قانون کشور خارجی است.
 - ۲) تابع قانون کشور متبوع اوست.
 - ۳) تابع قانون ایران است.
 - ۴) تابع قانون منتخب اوست.
- (آزاد - ۸۵)
۶۴۸. چنانچه یک ایرانی بخواهد در ایران ازدواج کند، ازدواج او تابع:
- ۱) قانون کشور محل ازدواج است.
 - ۲) قانون ایران است.
 - ۳) قانون کشور همسر اوست.
 - ۴) قانون ایران و قانون کشور خارجی است.
- (آزاد - ۸۵)
۶۴۹. تفسیر قرارداد و طرز تنظیم آن تابع قانون:
- ۱) محل اجرای قرارداد است.
 - ۲) محل انعقاد قرارداد است.
 - ۳) منتخب طرفین ایرانی است.
 - ۴) کشور دارای نزدیک‌ترین ارتباط با قرارداد است.
- (آزاد - ۸۵)
۶۵۰. دو خارجی در خارج از ایران قراردادی منعقد کرده‌اند، اما دعوای خود را در دادگاه‌های ایران اقامه نموده‌اند و از دادگاه خواسته‌اند بر اساس قانون کشور خارجی دیگری حکم صادر کند.
- ۱) دادگاه ایران طبق خواسته آن‌ها عمل نخواهد کرد.
 - ۲) دادگاه ایران طبق قانون ایران حکم صادر خواهد کرد.
 - ۳) دادگاه ایران طبق قانون محل انعقاد حکم صادر خواهد کرد.
 - ۴) طبق قانونی که قاعده حل تعارض ایران معین کند عمل خواهد کرد.
۶۵۱. به موجب قانون ایران، تشخیص اهلیت دو بیگانه که قصد انجام معامله‌ای را در ایران دارند، به موجب قانون خواهد بود.
- ۱) ایران
 - ۲) محل وقوع مال موضوع معامله
 - ۳) دولت متبوع هر یک از آن‌ها
 - ۴) مورد انتخاب و توافق ایشان
۶۵۲. موضوع احوال شخصیه یک ایرانی که تابعیت کشور خارجی الف را تحصیل نموده و مقیم کشور خارجی ب است، اگر در محاکم ایران مطرح شود تابع قانون خواهند بود.
- ۱) کشور خارجی الف
 - ۲) کشور خارجی ب
 - ۳) مورد انتخاب وی
 - ۴) ایران
۶۵۳. اگر زن ایرانی بخواهد در محاکم ایران از شوهر خارجی تبعه کشور الف خود طلاق بگیرد به موجب قانون به موضوع رسیدگی خواهد شد.
- ۱) کشور جمهوری اسلامی ایران
 - ۲) اقامتگاه مشترک زوجین
 - ۳) کشور الف
 - ۴) مورد توافق زوجین
۶۵۴. به موجب قوانین ایران تعهدات ناشی از قراردادهایی که بین یک ایرانی و یک فرد تبعه کشور خارجی الف در ایران منعقد می‌شود تابع قانون می‌باشد.
- ۱) کشور خارجی الف
 - ۲) کشور جمهوری اسلامی ایران
 - ۳) کشور محل وقوع مال موضوع قرارداد
 - ۴) کشور مورد توافق طرفین قرارداد
- (آزاد - ۸۶)
۶۵۵. قانون حاکم بر اهلیت یک بیگانه که در ایران قرارداد منعقد نموده است.
- ۱) قانون کشور متبوع اوست.
 - ۲) قانون ایران است.
 - ۳) قانون محل اقامتگاه اوست.
 - ۴) دادگاه آن را به هر صورت تشخیص دهد، خواهد یافت.
- (آزاد - ۸۷)
۶۵۶. قانون حاکم بر تعهدات قراردادی دو خارجی که طرفین دعوی هستند:
- ۱) قانون محل انعقاد قرارداد است.
 - ۲) قانون منتخب طرفین است.
 - ۳) قانون محل انعقاد یا قانون منتخب طرفین است.
 - ۴) قانون ایران است.
- (آزاد - ۸۷)

پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای فصل چهارم

۳۳۰. گزینه (۱)

تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها، دو بحث علیحده و جداگانه می‌باشند که گاه ممکن است بر یکدیگر تأثیر بگذارند.

۳۳۱. گزینه (۲)

هر چند تابعیت امری سیاسی است و در حل تعارض قوانین مربوط به آن، روش اصولی (جزمی) ترجیح دارد با این حال کاربرد این شیوه به صورت صددرصد نیز مقدر نیست و گاه باید از روش تحلیلی استفاده نمود.

۳۳۲. گزینه (۲)

از آنجا که قانون مقرر دادگاه، شامل قوانین برون مرزی یک کشور نیز می‌شود، لذا قانون مقرر دادگاه و قانون درون مرزی گاهی با یکدیگر انطباق دارند.

۳۳۳. گزینه (۲)

تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها، دو بحث علیحده و جداگانه می‌باشند که گاه ممکن است بر یکدیگر تأثیر بگذارند.

۳۳۴. گزینه (۲)

قواعد تعارض دادگاه‌ها و قواعد تعارض تابعیت هر دو مرتبط با حاکمیت یک کشور و یک جانبه‌اند.

۳۳۵. گزینه (۳)

از آنجا که بین گزینه‌های مطرح شده، قراردادها ارتباط بیشتری با افراد دارند و معمولاً قواعد حاکم بر آن‌ها جنبه تخییری دارد، لذا روش حقوقی یا انتخاب انسب، در مورد تعیین قانون حاکم بر آن‌ها، بیشتر با منافع افراد سازگاری دارد.

۳۳۶. گزینه (۴)

با توجه به این که قوانین مالیاتی ارتباط مستقیم با حاکمیت یک دولت دارد و تنها قلمرو حاکمیت همان دولت می‌شوند، لذا در مورد آن‌ها تقارن صلاحیت قضایی و قانونی شرط است.

۳۳۷. گزینه (۲)

قانون برون مرزی قانونی است که به خارج از مرزهای ملی یک کشور سرایت کند.

۳۳۸. گزینه (۳)

محل وقوع مال یک عامل ارتباط است.

۳۳۹. گزینه (۱)

از بین چهار گزینه، سه گزینه دیگر عامل ارتباط و گزینه اول دسته ارتباط می‌باشد.

۳۴۰. گزینه (۳)

در مورد قوانین کیفری، تقارن صلاحیت قضایی و قانونی، به لحاظ ارتباط مستقیم این قوانین با حاکمیت یک کشور، امری الزامی است.

۳۴۱. گزینه (۴)

صلاحیت محاکم از جمله قواعد آمره مرتبط با مسأله حاکمیت کشورها می‌باشد و هر دادگاهی قبل از ورود به ماهیت یک قضیه ابتدا باید صلاحیت خود را در رسیدگی به آن امر احراز نماید.

۳۴۲. گزینه (۲)

روش حقوقی، جنبه نظری و علمی حل قضایا را مدنظر قرار می‌دهد.

۳۴۳. گزینه (۴)

از آنجا که روش حقوقی به دنبال بهترین راه حل است، پیروان آن می‌کوشند تا از طریق تحلیل علمی موضوع به نتایج عام‌الشمول دست یابند.

۳۴۴. گزینه (۳)

در چنین مواردی امکان اجرای قانون خارجی وجود ندارد.

۳۴۵. گزینه ۴)

این شیوه که براساس مصلحت سنجی مبادرت به ارائه نظریه می‌نماید، روش اصولی یا جزمی نام دارد.

۳۴۶. گزینه ۴)

در خصوص احوال شخصیه تقارن صلاحیت قضایی و قانونی امری محتمل است.

۳۴۷. گزینه ۳)

ماده ۹۶۸ ق.م. از روش حقوقی پیروی می‌کند. به پاسخ سوال ۳۴۳ هم مراجعه شود.

۳۴۸. گزینه ۱)

در مساله نظم عمومی، صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده قطعاً بر صلاحیت قانون حاکم بر قضیه نیز تأثیر می‌گذارد، چرا که

نظم عمومی یک کشور با کشورهای دیگر متفاوت است و این تفاوت در صلاحیت قانون تأثیر خواهد گذارد.

۳۴۹. گزینه ۳)

برخلاف روش اصولی یا جزمی روش حقوقی یا انتخاب است روشی است که به موجب آن برای تعیین قاعده به منظور حل

تعارض قوانین صرفاً از لحاظ علمی و نظری حکمی را که مناسب هر دسته از تعارض باشد جستجو می‌کنند.

۳۵۰. گزینه ۴)

راه حل این نوع تعارض نسبتاً ساده است زیرا دادگاه هر کشور سرانجام قانون خود را نسبت به موضوع متنازع فیه اعمال

می‌کند.

۳۵۱. گزینه ۴)

قانون دولت متبوع دادگاهی که به دعوی رسیدگی می‌کند قانون مقرر دادگاه است.

۳۵۲. گزینه ۴)

قواعد حل تعارض مستقیماً مساله را حل نمی‌کنند و گاه می‌توان طرفین برخلاف آن توافق کنند. مانند هنگامی که مسئله‌ی

انعقاد قرارداد مطرح است.

۳۵۳. گزینه ۳)

اغماض قانون گذار ملی و امکان اجرای قانون خارجی از شرایط دیگر نیز می‌باشد. در واقع وجود عنصر خارجی شرط لازم و نه

کافی است.

۳۵۴. گزینه ۴)

مطابق م ۱۱ ق.آ.د.م

۳۵۵. گزینه ۱)

قواعد حل تعارض به تعیین قانون صلاحیت دار اکتفا می‌کند و مساله را مستقیماً به طور ماهوی حل نمی‌کند.

۳۵۶. گزینه ۲)

به پاسخ سوال ۳۳۳ مراجعه شود.

۳۵۷. گزینه ۲)

تعارض قوانین به معنی خاص کلمه شامل تعارض قوانین مدنی و تجاری کشورها می‌باشد.

۳۵۸. گزینه ۱)

یکی از عوامل به وجود آمدن تعارض قوانین وجود تفاوت بین قواعد ماهوی بین کشورها می‌باشد.

۳۵۹. گزینه ۳)

پیه (pilet) معتقد بود که جهت تشخیص نوع قانون و حل تعارض قوانین باید غایت و هدفی که قانون برای آن وضع شده

است را مورد توجه قرار داد.

۳۶۰. گزینه ۱)

شارل دومولن اولین کسی بود که در تعیین قانون حاکم بر عقود، قصد طرفین را مورد توجه قرار داد.

۳۶۱. گزینه ۱)

بارتن مساله توصیف‌های اصلی و فرعی را به صورت منظم بیان نمود.

۳۶۲. گزینه ۲)

مفهوم جامعه مشترک حقوقی از مفاهیم ابداعی ساوینی حقوقدان بزرگ آلمانی قرن ۱۹ می‌باشد، که بعدها کسانی مثل والدی و بارتن آن را در حد وسیع به کار گرفتند.

۳۶۳. گزینه ۲)

منچینی (mancini) پایه‌گذار مکتب جدید ایتالیایی می‌باشد.

۳۶۴. گزینه ۳)

اولین بار شارحین ایتالیایی بین مسائل شکلی و ماهوی تفکیک قائل شدند.

۳۶۵. گزینه ۲)

پیه (pilet) مؤسس مکتب جدید فرانسوی قبل از جنگ، تحلیل خود در حل مسائل حقوق بین الملل خصوصی را بر جنبه دوام و عمومیت قوانین متمرکز کرده است.

۳۶۶. گزینه ۱)

ساوینی، حقوقدان آلمانی، نظریه «تعیین پایگاه روابط حقوقی بر حسب ماهیت آن‌ها» را ارائه نمود.

۳۶۷. گزینه ۳)

ساوینی اصل «جامعه مشترک حقوقی» را مبنای تحلیل‌های خود قرار داده بود.

۳۶۸. گزینه ۱)

نظریه پایگاه حقوقی در تعارض قوانین توسط ساوینی ارائه گردید.

۳۶۹. گزینه ۳)

نظریه‌ی انگلیس و آمریکا قدرت اجبارکننده قانون خارجی ناشی از لزوم رعایت حقوق مکتسبه است.

۳۷۰. گزینه ۳)

قانون خارجی به هیچ وجه جزء امورحکمی نبوده بلکه در حکم مسائل موضوعی است. بنابراین مادام که اصحاب دعوی به قانون خارجی استناد نکرده باشند قاضی حق اجرای قانون خارجی را ندارد.

۳۷۱. گزینه ۴)

اصل محلی بودن قوانین را ناشی از نزاکت بین‌المللی می‌داند.

به نظر علمای هلندی قوانین هر کشوری اصولاً باید در خاک همان کشور اجرا شوند و اگر در بعضی از موارد استثنایی کشوری قبول کند که قانون کشور دیگری در خاک او اجرا شود، این امر صرفاً به لحاظ رعایت نزاکت بین‌الملل است که مبنای آن نیز منابع خود آن دولت است.

۳۷۲. گزینه ۴)

نظریه ذکر شده در سؤال توسط نی بویاه ارائه شده است.

۳۷۳. گزینه ۳)

پیه، قائل به وحدت حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل خصوصی می‌باشد.

۳۷۴. گزینه ۴)

احاله درجه اول، احاله، قانون خارجی به قانون کشوری است که موضوع در آن جا مطرح است و در این سؤال، ایران به عنوان کشور رسیدگی کننده فرض شده است.

۳۷۵. گزینه ۲)

قاعده منع اجرای قانون خارجی به لحاظ نظم عمومی و قاعده منع اجرای قانون خارجی به لحاظ تقلب نسبت به قانون داخلی، هر دو جنبه فرعی، استثنایی و علی‌البدل دارند و نباید به عنوان اصل استفاده شوند.

۳۷۶. گزینه ۳)

برای تشخیص حق مکتسب احراز دو شرط ضروری است؛ اول: حق باید طبق قانون صلاحیتدار ایجاد شده باشد. دوم: حق باید به طور کامل و با رعایت کلیه شرایط لازم ایجاد شده باشد.

۳۷۷. گزینه ۳)

اثر نظم عمومی در مرحله آثار حق منفی و خفیف است، لذا ممکن است فقط از بروز پاره‌ای از آثار حق جلوگیری کند.

۳۷۸. گزینه (۱)

رجوع به قاعده حل تعارض کشور خارجی موجب می‌شود که احاله به وجود آید.

۳۷۹. گزینه (۳)

اثر نظم عمومی در مرحله ایجاد حق از آن رو شدید است که هرگاه حقی در کشوری شناخته نشده باشد و ایجاد آن با نظم عمومی آن کشور مخالف باشد، نظم عمومی در ایجاد آن به شدت دخالت می‌کند و مانع ایجاد آن می‌شود.

۳۸۰. گزینه (۴)

در این حالت هر چند قاضی ایرانی باید سعی در انطباق موضوع خارجی با دسته‌های ارتباط داخلی بنماید، با این وجود جهت توصیف بعضی عوامل دخیل در موضوع ممکن است از قانون خارجی نیز کمک بگیرد.

۳۸۱. گزینه (۱)

رابطه نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی با نظم عمومی در حقوق داخلی، رابطه عموم و خصوص مطلق است لذا فقط بعضی از قواعد امری داخلی، در حقوق بین‌المللی خصوصی جزو قواعد نظم عمومی محسوب می‌شوند.

۳۸۲. گزینه (۳)

تعارض متحرک در حقوق بین‌الملل خصوصی و تعارض زمانی در حقوق داخلی مطرح می‌شود و هر چند از لحاظ قانونگذاری، هر دو سرچشمه داخلی دارند، معهدا از لحاظ نظم عمومی با هم متفاوتند.

۳۸۳. گزینه (۲)

اصولاً احاله در تعارض منفی قوانین به وجود می‌آید و آن زمانی است که قانون خارجی و قانون داخلی از خود سلب صلاحیت کنند.

۳۸۴. گزینه (۱)

بعضی قواعد امری در حقوق بین‌الملل خصوصی.

۳۸۵. گزینه (۳)

منظور از نظم عمومی در حقوق بین‌الملل عمومی مسائل مرتبط با صلح و امنیت جهانی و جلوگیری از وقایعی است که این دو را تهدید یا نقض می‌کنند، این مفهوم در سالیان اخیر مفهومی عام یافته و شامل موضوعات عدیده‌ای می‌شود، در حالی که نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی واجد جنبه خاص می‌باشد.

۳۸۶. گزینه (۴)

احاله درجه دوم آن است که قانون کشور خارجی، قانون دیگری غیر از قانون کشور مبدأ را صالح بداند.

۳۸۷. گزینه (۱)

توصیف قضایی اولین مرحله در حل تعارض قوانین و مقدم بر احاله است که از مسائل ثانوی حقوق بین‌الملل خصوصی می‌باشد.

۳۸۸. گزینه (۴)

در تعارض مثبت سیستم‌های حل تعارض، هر سیستمی، قانون داخلی خود را صالح می‌داند.

۳۸۹. گزینه (۴)

نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی اخص از نظم عمومی در حقوق داخلی است.

۳۹۰. گزینه (۳)

برای اینکه حق ایجاد شده در خارجه حق مکتب محسوب گردد و در ایران معتبر باشد باید بر طبق قانون صلاحیتدار و به طور کامل به وجود آمده باشد.

۳۹۱. گزینه (۱)

رد احاله به این معناست که هر چند قاعده حل تعارض کشور خارجی که بر اساس اعمال قاعده حل تعارض داخلی صالح شناخته شده است، موضوع را به قانون کشور مبدأ یا کشور ثالث احاله می‌کند؛ با این وجود، قاضی رسیدگی کننده از پذیرش



- آن سرباز زده قانون ماهوی صالح را به موجب قاعده حل تعارض داخلی اعمال می‌کند و دکتترین احاله را کاملاً مردود می‌شمارد.
۳۹۲. گزینه ۴)
- رجوع به قاعده حل تعارض کشور خارجی، علت به وجود آمدن احاله است.
۳۹۳. گزینه ۴)
- نظم عمومی و تقلب نسبت به قانون هر دو جنبه فرعی و علی‌البدل دارند.
۳۹۴. گزینه ۳)
- احاله درجه اول یعنی
۳۹۵. گزینه ۲)
- ماده ۹۷۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مجاز باشد.» واضح است که منظور در این ماده قوانین ماهوی خارجی می‌باشد که پس از اعمال قاعده حل تعارض ایران ذیصلاح شناخته شده‌اند.
۳۹۶. گزینه ۴)
- نظم عمومی به مناسب (قابل اجرا) بودن و نامناسب (غیر قابل اجرا) بودن یک قانون توجه دارد.
۳۹۷. گزینه ۲)
۳۹۸. گزینه ۳)
۳۹۹. گزینه ۴)
- اصولاً نظم عمومی در قوانین ماهوی، ظاهر می‌شود و به تناسب اثر مثبت یا منفی برجا می‌نهد، در حالی که تعارض قوانین (اعم از منفی یا مثبت) به تعارض قواعد حل تعارض باز می‌گردد.
۴۰۰. گزینه ۲)
- در مباحث مربوط به تعارض متحرک، مرحله ایجاد حق و مرحله اثرگذاری حق و مسائل ناشی از این دو اظهار وجود می‌کنند.
۴۰۱. گزینه ۱)
- توصیف قضایی نوعی تعارض مخفی و ضمنی بین سیستم‌های حل تعارض است، حال آن‌که تعارض متحرک، تعارض زمانی قوانین حل تعارض می‌باشد.
۴۰۲. گزینه ۲)
- تعارض مثبت و منفی قوانین از نوع تعارض صریح قوانین و تعارض بین قواعد حل تعارض کشورهای درگیر در موضوع است در حالی که اثر مثبت و منفی نظم عمومی مربوط به قانون ماهوی کشور خارجی، نامناسب تشخیص دادن آن و حسب مورد جایگزین کردن قانون مقرر دادگاه به جای آن می‌باشد.
۴۰۳. گزینه ۳)
- هنگامی که قاضی ملی با تأسیس حقوقی ناآشنایی که در قوانین متبوع او شناخته شده نیست، برخورد کند باید با توسل به توصیف بین‌المللی آن تأسیس را توصیف کند.
۴۰۴. گزینه ۳)
- به طور کلی ایجاد حقوق مخالف در عرصه بین‌المللی معلول تعارض ضمنی قوانین، توصیف‌ها می‌باشد.
۴۰۵. گزینه ۲)
- تعارض توصیف‌ها از نوع تعارض ضمنی است.
۴۰۶. گزینه ۱)
- اثر منفی نظم عمومی مانع از اجرای قانون صلاحیت‌دار خارجی می‌شود و اثر مثبت نظم عمومی، قانون مقرر دادگاه را به نحو مثبت جایگزین قانون صالح خارجی می‌نماید، بدین ترتیب اثر منفی و مثبت نظم عمومی با نحوه جایگزینی قانون مقرر دادگاه به جای قانون صالح خارجی در ارتباط است.
۴۰۷. گزینه ۲)

- تعارض منفی قوانین مربوط به اعمال قانون حل تعارض و اثر منفی نظم عمومی مربوط به اعمال قانون ماهوی است.
۴۰۸. گزینه ۳)
- نظم عمومی و تقلب نسبت به قانون هر دو مانع اجرای قانون خارجی می‌شوند.
۴۰۹. گزینه ۱)
- احاله حالت منفی تعارض صریح سیستم‌های حل تعارض و تعارض متحرک، تعارض زمانی قوانین دو کشور می‌باشد.
۴۱۰. گزینه ۱)
- اثر شدید مربوط به مرحله ایجاد حق و اثر خفیف مربوط به مرحله اثرگذاری حق است.
۴۱۱. گزینه ۳)
- گاه ممکن است توصیف عامل ارتباط موجب تغییر قانون حاکم بر موضوع شود که در این حالت توصیف اصلی است و گاهی هم بالعکس موجب تغییر قانون صالح نمی‌شود و نوعی توصیف فرعی است، مانند: توصیف اقامتگاه
۴۱۲. گزینه ۲)
- توصیف قضایی، تعارض مخفی یا ضمنی قوانین و احاله، تعارض صریح و از نوع منفی آن می‌باشد.
۴۱۳. گزینه ۱)
- در چنین مواردی قاضی ایرانی احاله را رد و قانون ماهوی مناسب را اعمال می‌نماید.
۴۱۴. گزینه ۲)
- از آن جا که شکلی بودن یا ماهوی بودن یک شرط موجب تغییر قانون حاکم بر آن می‌شود لذا، توصیف آن شرط، توصیف اصلی است.
۴۱۵. گزینه ۳)
- گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴ هر سه مربوط به احوال شخصیه هستند که احاله در مورد آنها امکان پذیر می‌باشد.
۴۱۶. گزینه ۳)
- در این مورد دادگاه ایران باید احاله را رد کند.
۴۱۷. گزینه ۱)
- چنانچه حقی از لحاظ قانون ایران مکتسب محسوب شود، اصولاً در ایران، دارای همان آثار محل ایجاد، در ایران خواهد بود.
۴۱۸. گزینه ۳)
- قانون خارجی از امور موضوعی است و اثبات آن بر عهده کسی است که به آن استناد کرده است.
۴۱۹. گزینه ۳)
- نظم عمومی به طور کلی (چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین‌الملل خصوصی) نسبی است و دایره شمول ثابتی ندارد.
۴۲۰. گزینه ۳)
- آثار نظم عمومی در مرحله آثار اخف از مرحله ایجاد می‌باشد.
۴۲۱. گزینه ۲)
- حقی که در خارج از ایران به وجود آید می‌تواند در ایران منشا اثر باشد اگر طبق قانون صلاحیتدار ایجاد شده باشد.
۴۲۲. گزینه ۴)
- مطابق ماده ۹۷۲ قانون مدنی: «احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم الاجراء تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر این که مطابق قوانین ایران امر به اجرای آنها صادر شده باشد.»
۴۲۳. گزینه ۱)
- همواره بین زمان ایجاد و زمان بروز آثار حق تفاوت وجود دارد، از این جهت بعضی حقوقدانان از تعارض متحرک به تعارض زمانی نیز یاد کرده‌اند.
۴۲۴. گزینه ۳)
- اثر نظم عمومی در مرحله اجرای احکام خارجی منفی و خفیف است.
۴۲۵. گزینه ۴)

به موجب نظریه انگلیسی-آمریکایی، حق مکتسبه منشأ قدرت اجبارکننده قانون خارجی است.

۴۲۶. گزینه (۱)

نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی در واقع انعکاس بین المللی نظم عمومی داخلی ولی به صورت محدودتر می باشد.

۴۲۷. گزینه (۳)

نظر غالب اساتید (همچون دکتر الماسی و سلجوقی) بر پذیرش احاله درجه اول و رد احاله درجه دوم در مقررات ایران (ماده ۹۷۳ قانون مدنی) می باشد.

۴۲۸. گزینه (۱)

همواره در مسائل تعارض قوانین حل مساله توصیف ها مقدم بر سایر مسائل است.

۴۲۹. گزینه (۱)

بنابراین توصیف اصلی در انتخاب یا اجرای قاعده حل تعارض ایران مؤثر است.

۴۳۰. گزینه (۴)

از آن جا که اجرای حکم مربوط به مرحله آثار حق است، اثر نظم عمومی در آن خفیف و منفی است.

۴۳۱. گزینه (۳)

قواعد تعارض قوانین هر کشور حاکی از صلاحیت قانون همان کشور می باشد.

۴۳۲. گزینه (۱)

توصیف، قرار دادن یک رابطه حقوقی در یک دسته ارتباط است.

۴۳۳. گزینه (۴)

از آن جا که در دسته اموال یا در دسته عقود بودن نهاد حقوقی «وقف» قانون حاکم بر آن را تغییر می دهد، لذا چنین توصیفی یک توصیف اصلی است.

۴۳۴. گزینه (۲)

نظم عمومی وابسته به زمان و مکان است و بر این اساس دایره شمول متغیری دارد.

۴۳۵. گزینه (۱)

نظر غالب اساتید (همچون دکتر الماسی و دکتر سلجوقی) بر رد این نوع احاله از سوی قانون گذار ایران است.

۴۳۶. گزینه (۳)

توصیف محل انعقاد عقد مکاتبه ای در اجرای قانون حل تعارض ایران مؤثر است، فلذا توصیف اصلی محسوب شده و تابع قانون ایران است.

۴۳۷. گزینه (۲)

در حالتی که توصیف یک امر حقوقی برای اعمال قاعده حل تعارض ایران ضروری باشد، (توصیف) تابع قانون مقرر دادگاه (ایران) می شود.

۴۳۸. گزینه (۲)

از آن جا که قانون ایران کلیه اموال و حقوق ناشی از آنها را تحت حاکمیت قانون محل وقوع قرارداد است، لذا توصیف یک مال به عنوان منقول یا غیر منقول در انتخاب یا اجرای قانون حل تعارض ایران مؤثر نیست. چرا که در هر حال قانون محل وقوع بر مال حاکمیت خواهد داشت.

۴۳۹. گزینه (۳)

توصیف اصلی توصیفی است که در انتخاب یا اعمال قانون حل تعارض کشور محل رسیدگی مؤثر است.

۴۴۰. گزینه (۲)

تصمیم قوانین به مناسب و نامناسب مربوط به نظم عمومی است.

۴۴۱. گزینه (۲)

توصیف دو مرحله ای یا بین المللی که در مورد مصادیق مجهول به عمل می آید.

۴۴۲. گزینه (۱)

توصیف فرعی توصیفی است که در اعمال قاعده حل تعارض مقرر دادگاه مؤثر نباشد، این توصیف به وسیله قانون سبب انجام شود.

۴۴۳. گزینه ۳)

توصیف فرعی در تعیین حدود و شرایط اعمال قانون مناسب تأثیر دارد و نه در انتخاب و اعمال آن

۴۴۴. گزینه ۴)

در مبحث اجرای قوانین و احکام خارجی، تئوری حقوق مکتسب مجال ظهور می‌یابد.

۴۴۵. گزینه ۱)

تعارض توصیف‌ها از نوع تعارض مخفی قوانین است.

۴۴۶. گزینه ۴)

اثر نظم عمومی هنگامی مثبت است که قاضی بعداً از اجرای قانون خارجی خودداری کند و سپس قانون دولت متبوع خود را به نحو مثبت جانشین آن قرار دهد.

۴۴۷. گزینه ۲)

در تعارض مثبت سیستم‌ها قاعده‌ی حل تعارض مقرر دادگاه قاضی را به سیستم خارجی هدایت نمی‌کنند بلکه او را به اجرای قانون مقرر دادگاه دعوت می‌نماید.

۴۴۸. گزینه ۱)

صدور احکام مخالف و به وجود آمدن حقوق مخالف به ترتیب نتیجه صلاحیت متقارن و تعارض مثبت قوانین است.

۴۴۹. گزینه ۱)

قبول حکومت قانون خارجی توصیف به موجب قانون سبب را ایجاب می‌کند. تعریف اقامتگاه تابع قانون انگلیسی می‌باشد.

۴۵۰. گزینه ۳)

شرایط اعمال قاعده‌ی جلوگیری از تقلب نسبت به قانون: ۱- وجود تقلب ۲- جنبه‌ی فرعی و علی‌البدل بودن اجرای قاعده است.

۴۵۱. گزینه ۴)

در مرحله اثرگذاری حق، نظم عمومی اثر خفیفی تولید می‌کند و به همین جهت کم‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴۵۲. گزینه ۴)

اثر نظم عمومی هنگامی منفی است که قاضی از اجرای قانون صلاحیت‌دار خارجی جلوگیری نماید بدون این که قانون مقرر دادگاه را به‌طور مثبت جانشین کند.

۴۵۳. گزینه ۴)

در مورد سؤال ذکر شده، قانون حاکم در موقع اجرای حق جاری می‌باشد.

۴۵۴. گزینه ۲)

این قاعده در واقع ضامن اجرای قواعد حل تعارض بوده و موافق هدف حقوق بین‌الملل خصوصی است که حفظ اعتبار و تضمین آثار حق قوانین است می‌باشد.

۴۵۵. گزینه ۳)

اصطلاح دسته‌های ارتباط از آن جهت اهمیت دارد که مسائل حقوقی مطروحه مسائل شخصی هستند و قاضی در صورتی می‌تواند آن‌ها را به‌طور صحیح حل کند که هر مسئله‌ای را در یک دسته‌ی ارتباط داخل کند تا بتواند قانون حاکم بر آن را تعیین کند.

۴۵۶. گزینه ۱)

توصیف اصلی قبل از قانون صلاحیت‌دار صورت می‌پذیرد توصیف اصلی جنبه‌ی کلیدی دارد و حل تعارض قوانین منوط به آن می‌باشد.

۴۵۷. گزینه ۳)

یک رابطه‌ی حقوقی در دو زمان متوالی به دو سیستم حقوقی متفاوت مربوط می‌گردد که بارتن آن را تعارض متحرک نامیده است.

۴۵۸. گزینه ۴)

قاضی ملی برای حل و فصل هر دعوایی که دارای یک عامل خارجی است همیشه باید کار خود را از اجرای قواعد حل تعارض مقرر دادگاه آغاز کند.

۴۵۹. گزینه ۲)

نظم عمومی در مرحله‌ی ایجاد حق اثر مثبت دارد و این اثر شدید است.

۴۶۰. گزینه ۲)

مطابق م ۹۷۳ ق.م.

۴۶۱. گزینه ۲)

در تعارض منفی صلاحیت قانون خارجی توسط قاعده حل تعارض مقرر دادگاه پذیرفته شده لذا رجوع به قاعده تعارض امکان‌پذیر است.

۴۶۲. گزینه ۳)

توصیف اصلی عبارت از توصیفی است که برای انتخاب یا اجرای قاعده ملی حل تعارض ضرورت دارد و تابع قانون مقرر دادگاه است.

۴۶۳. گزینه ۱)

در قاعده محل تعارض، احوال شخصیه بیگانگان تابع قانون کشور متبوعشان است و اینکه احوال شخصیه، دسته ارتباط و تابعیت عامل ارتباط است.

۴۶۴. گزینه ۴)

طبق م ۹۷۲ ق.م.

۴۶۵. گزینه ۲)

اگر قانون خارجی امری حکمی تلقی شود، استناد به آن و اثباتش به عهده قاضی است.

۴۶۶. گزینه ۱)

تصمیم قوانین به مناسب و نامناسب با مفهوم نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی ارتباط دارد.

۴۶۷. گزینه ۱)

علت به وجود آمدن احاله رجوع به قاعده حل تعارض کشور خارجی است.

۴۶۸. گزینه ۳)

طبق ماده ۹۶۹ قانون مدنی.

۴۶۹. گزینه ۲)

تعارض مخفی نخستین بار در قرن نوزدهم توسط کانوداتن مطرح شد.

۴۷۰. گزینه ۱)

هر دو سیستم خود را دارای صلاحیت می‌دانند.

۴۷۱. گزینه ۳)

در تعارض مثبت و منفی هر دو سیستم به طور هم‌زمان خود را صالح یا ناصالح می‌دانند، به قاعده حل تعارض کشور دیگر احاله می‌دهند.

۴۷۲. گزینه ۴)

توصیف به معنای عام: توصیف نوع دعوی و عامل ارتباط

۴۷۳. گزینه ۳)

تعارض صریح پاسخ صحیح می‌باشد.

۴۷۴. گزینه ۲)

توصیف به صورت اصلی می‌باشد.

۴۷۵. گزینه ۱)

توصیف به صورت اصلی می‌باشد.

۴۷۶. گزینه ۴

در تعارض‌های بین‌المللی مربوط به اموال شخصیه عوامل ارتباطی موثر شامل اقامتگاه و تابعیت می‌باشند.

۴۷۷. گزینه ۳)

توصیف اصلی توصیفی است که لازمه انتخاب قاعده حل تعارض دولت متبوع خارجی است.

۴۷۸. گزینه ۲)

ممکن است مساله نظم عمومی باشد.

۴۷۹. گزینه ۱)

احاله مضاعف معادل دادگاه خارجی می‌باشد.

۴۸۰. گزینه ۴)

در این مساله ممکن است احاله وجود دارد.

۴۸۱. گزینه ۱)

تعارض مثبت میان سیستم‌های ملی حل تعارض دولت‌ها ناشی از تعارض صریح بین قواعد حل تعارض است.

۴۸۲. گزینه ۲)

احاله در صورت وجود تعارض منفی بین دو سیستم حل تعارض ایجاد می‌شود.

۴۸۳. گزینه ۳)

ماده ۱۲۹۵ ق.م اشاره به رفتار متقابل سیاسی و قانون‌گذاری دارد.

۴۸۴. گزینه ۱)

محل تنظیم به عنوان عامل ارتباط و اسناد به عنوان دسته ارتباط می‌باشد.

۴۸۵. گزینه ۱)

در اسناد مدنی احاله یا تعارض منفی به وجود نمی‌آید.

۴۸۶. گزینه ۴)

توصیف به معنای عام کلمه یعنی توصیف محتوای دسته ارتباط و عامل ارتباط مندرج در قاعده حل تعارض

۴۸۷. گزینه ۴)

به موجب ماده ۷ قانون مدنی تا قبل از ازدواج، قانون متبوع هر یک از زن و مرد خارجی بر احوال شخصیه آنها حکومت دارد.

۴۸۸. گزینه ۳)

از آنجا که توصیف یک حق به عنوان حق عینی یا حق دینی موجب تغییر در قانون صلاحیتدار می‌شود، لذا چنین توصیفی، یک توصیف اصلی است.

۴۸۹. گزینه ۱)

با توجه به ماده ۷ و صدر ماده ۹۶۲ قانون مدنی مشخص می‌گردد که مقنن ایرانی اصل کلی را بر تبعیت اهلیت بیگانگان از قانون ملی آنان می‌داند.

۴۹۰. گزینه ۳)

مطابق ماده ۹۶۸ قانون مدنی «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است» و از آنجا که مطابق نظر اکثریت قریب به اتفاق حقوقدانان استعمال عبارت «تعهدات» در این ماده مسامحتاً می‌باشد، لذا کلیه مراحل انعقاد عقد (از تکوین تا اجرا) در صلاحیت قانون محل وقوع می‌باشد.

۴۹۱. گزینه ۳)

اهلیت بیگانه برای انجام معامله در ایران تابع قانون دولت متبوع بیگانه می‌باشد.

۴۹۲. گزینه ۲)



در خصوص افراد بی تابعیت بر اصل تبعیت احوال شخصیه افراد از قانون ملی خدشه وارد شده و قانون مقرر دادگاه جانشین آن می‌شود. و در نهایت تابع قانون ایران می‌باشد.

۴۹۳. گزینه ۳)

هر چند «نسب» از موضوعات احوال شخصیه است و احوال شخصیه اصولاً تحت حاکمیت قانون ملی فرد می‌باشد اما چون در این حالت صحت تبعیت منوط به اثبات نسب می‌باشد، لذا اعمال قانون ملی غیر مقدور است و ناگزیر قانون مقرر دادگاه جایگزین آن می‌شود.

۴۹۴. گزینه ۳)

مطابق ماده ۹۶۵ قانون مدنی: «ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی‌علیه خواهد بود.»

۴۹۵. گزینه ۲)

مطابق ماده ۹۶۳ قانون مدنی: «اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آن‌ها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.»

۴۹۶. گزینه ۲)

هر چند اهلیت از موضوعات احوال شخصیه و تابع قانون متبوع فرد محسوب می‌شود، با این حال اهلیت بیگانگان برای کسب تابعیت ایران به موجب قانون ایران، نه قانون متبوع بیگانگان، مشخص می‌شود.

۴۹۷. گزینه ۲)

در این مورد تابع قانون آلمان می‌باشد.

۴۹۸. گزینه ۳)

تابع قانون دولت متبوع شخص خارجی می‌باشد. به پاسخ سؤال ۴۹۴ نیز مراجعه شود.

۴۹۹. گزینه ۴)

مطابق قاعده جهانی حکومت قانون محل تنظیم بر شکل اسناد (Locus Regit Actum) و وفق ماده ۹۶۹ قانون مدنی ایران: «اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشند.» شکل ظاهری یک وصیت‌نامه (اعم از خود نوشت، رسمی یا عادی) تابع قانون محل تنظیم آن است.

۵۰۰. گزینه ۱)

به موجب ماده ۹۶۷ قانون مدنی «..... تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته است به موجب وصیت تملیک نماید، تابع قانون دولت متوفی خواهد بود.» در فرض سؤال با توجه به ایرانی بودن متوفی، قانون متبوع وی (ایران) حاکم بر موضوع خواهد بود.

۵۰۱. گزینه ۳)

مطابق ماده ۹۶۴ قانون مدنی: «روابط بین ابوبین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر این که نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود.»

۵۰۲. گزینه ۲)

مطابق ماده ۹۶۷ قانون مدنی ایران: «ترکه منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوط به تعیین وارث و مقدار سهم الارث آن‌ها و تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته است به موجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود.»

۵۰۳. گزینه ۲)

در چنین مواردی قانون ایران به عنوان قانون مقرر دادگاه خودبه‌خود جانشین قانون ملی شخص می‌شود.

۵۰۴. گزینه ۱)

به تجویز ذیل ماده ۹۶۸ اتباع خارجه می‌توانند قانون حاکم بر قرارداد را خود انتخاب کنند و در چنین حالتی قاضی ایرانی حق تفکیک قوانین و مقررات موردنظر را ندارد.

۵۰۵. گزینه ۱)

به پاسخ سؤال ۴۹۵ مراجعه شود.

۵۰۶. گزینه ۳)

با توجه به این که عملیات مادی بر روی ملک مورد ارتفاق صورت می‌گیرد، بهتر آن است که قانون محل وقوع ملک مورد ارتفاق را حاکم بر حق ارتفاق دانست. چرا که به طور ضمنی این حکم از مفاد ماده ۹۶۶ قانون مدنی استنباط می‌شود و رویه قضایی فرانسه هم همین راه حل را پذیرفته است.

۵۰۷. گزینه ۴)

به موجب ماده ۹۶۴ قانون مدنی چنانچه نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد، در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود.

۵۰۸. گزینه ۴)

ماده ۳۰۵ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده، شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت محل صدور است.»

۵۰۹. گزینه ۳)

در چنین مواردی با توجه به رویه بین‌المللی، قانون دولتی که تابعیت غالب یا مؤثر فرد از آن کشور است بر دعوا حاکم خواهد شد. بدیهی است اگر یکی از تابعیت‌های فرد، ایرانی بود، قاضی ایران مکلف به اعمال قانون ایران بود.

۵۱۰. گزینه ۲)

مطابق مواد ۶ و ۷ قانون مدنی و با توجه به این که نکاح از اجزای احوال شخصیه هر فرد است و قانون ایران در مواد اخیرالذکر، حاکمیت قانون دولت متبوع فرد را بر احوال شخصیه اشخاص حقیقی پذیرفته است، لذا قانون ایران بر شرایط و موانع نکاح ایرانیان نیز حاکم است.

۵۱۱. گزینه ۲)

با توجه به مواد ۸ و ۹۶۶ قانون مدنی و سایر مقررات خاص در مورد املاک و اموال غیر منقول، اموال غیر منقول از هر حیث تابع مقررات ایران می‌باشند.

۵۱۲. گزینه ۲)

وقف از حقوق عینی موقوف علیهم در عین موقوفه است و بر اساس مقررات ایران در دسته ارتباط اموال و تابع قانون محل وقوع عین موقوفه است.

۵۱۳. گزینه ۴)

مطابق ماده ۹۶۵ قانون مدنی: «ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی علیه خواهد بود» عبارت نصب قیم در این ماده شامل کلیه اختیارات و تکالیف قیم نسبت به مولی علیه نیز می‌باشد چرا که فرض بر آن است که قانون متبوعی مولی علیه بیشتر حافظ منافع او است. علاوه بر این ماده ۹۶۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «روابط بین ابویین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است، مگر این که نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود.»

۵۱۴. گزینه ۳)

به موجب مادتهای ۷ و ۹۶۳ قانون مدنی دولت متبوع زوج بر قضیه حاکم است.

۵۱۵. گزینه ۳)

به موجب ماده ۹۶۸ قانون مدنی: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است ...»

۵۱۶. گزینه ۲)

قانون محل وقوع اموال بر توصیف طلق یا حبس بودن اموال حکومت دارد.

۵۱۷. گزینه ۱)

به موجب ماده ۹۶۸ قانون مدنی اصل بر حاکمیت قانون محل وقوع عقد بر مسائل ناشی از قراردادها است.

۵۱۸. گزینه ۱)

با توجه به قواعد صلاحیت در آیین دادرسی ایران، محاکم ایران و با توجه به ماده ۹۶۳ قانون مدنی، قانون ایران صالح می‌باشد.

۵۱۹. گزینه ۲)

با توجه به اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مرجع رسمی تظلمات را دادگستری و اصل را بر صلاحیت محاکم داخلی در رسیدگی به دعاوی می‌داند و با عنایت به مواد ۹۶۷ و ۹۷۱ قانون مدنی، در چنین مواردی دادگاه ایران و قانون دولت متبوع متوفی صلاحیت دارند.

۵۲۰. گزینه ۴)

به موجب ماده ۹۶۳ قانون مدنی روابط شخصی و مالی زوجین دارای تابعیت مختلف، تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود. در مساله مطروحه نیز به طریق اولی قانون متبوع زوج بر روابط زوجین حاکم است و طرح مساله مذهب زوجین یک نکته انحرافی است.

۵۲۱. گزینه ۳)

مفاد اسناد بسته به این که مربوط به قراردادهای، احوال شخصیه، دین و ... باشد، تابع قانون مناسب خواهد بود.

۵۲۲. گزینه ۴)

از آن جا که شرایط صحت عقد، موضوع عقد و اهلیت متعاقدين هر یک ممکن است تابع قانون علیحده‌ای باشد، دامنه شمول حکم مندرج در ماده ۹۶۸ قانون مدنی، محدود به آثار عقد می‌گردد.

۵۲۳. گزینه ۲)

منشأ هر تعهد خارج از قرارداد، رخدادی است که به صورت خاص در مکان معینی روی داده و سبب مسئولیت مدنی مرتکب گردیده است. از این رو این گونه تعهدات در اصل تابع قانون حاکم بر منشأ خود، یعنی محل وقوع واقعه، می‌باشند.

۵۲۴. گزینه ۴)

به پاسخ سؤال ۵۱۹ مراجعه شود. در حقوق بین الملل خصوصی ایران تابع قانون دولت متبوع متوفی می‌باشد.

۵۲۵. گزینه ۲)

به پاسخ سؤال ۵۰۶ مراجعه شود.

۵۲۶. گزینه ۳)

در حقوق بین الملل خصوصی ایران، اجرای اسناد رسمی تنظیم شده در خارج را نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق قوانین، ایران امر به اجرای آن صادر شده باشد.

۵۲۷. گزینه ۳)

با عنایت به ماده ۷ و صدور ذیل ماده ۹۶۲ قانون مدنی، تشخیص اهلیت در مورد اتباع خارجه همواره تابع قانون دولت متبوع آن‌ها می‌باشد مگر در مورد اهلیت بیگانگان برای انعقاد عقد در ایران که در قسمت دوم ماده ۹۶۲ به آن اشاره شده است و همچنین تشخیص اهلیت برای تبدیل تابعیت که قانون ایران جانشین قانون ملی فرد می‌شود.

۵۲۸. گزینه ۴)

هر چند حق کسب و پیشه جزء حقوق عینی محسوب نمی‌شود ولی چون محل تجلی فیزیکی دارد (تجارتخانه) لذا تابع قانون محل وقوع مال غیر منقول می‌باشد و از این لحاظ با حقوق عینی بر اشیاء غیر منقول شباهت دارد.

۵۲۹. گزینه ۱)

با عنایت به مادتين ۱۸ و ۹۶۶ قانون مدنی، قانون محل وقوع اموال بر حقوق عینی حاکمیت دارد.

۵۳۰. گزینه ۱)

از آن جا که ممکن است احوال شخصیه فرد بیگانه در کشور متبوع خود تحت حاکمیت قانون اقامتگاه باشد، لذا گزینه یک صحیح است.

۵۳۱. گزینه ۴)

مستفاد از مواد ۷ و ۹۷۳ قانون مدنی، با توجه به این که قانون ایران اقامتگاه را به عنوان یک عامل ارتباط در خصوص احوال شخصیه نپذیرفته، لذا قانون متبوع زوجین بر دعاوی آنان حاکمیت خواهد داشت.

۵۳۲. گزینه ۳)

با عنایت به مواد ۷ و قسمت اخیر ماده ۹۶۲ قانون مدنی تشخیص اعتبار اعمال حقوقی فرد خارجی که مربوط به احوال شخصیه او باشد با دولت متبوعش می‌باشد.

۵۳۳. گزینه ۴)

محل ابراز فعالیت یا محل انتشار در مورد مالکیت‌های معنوی، به عنوان محل فرضی وقوع آن‌ها در نظر گرفته می‌شود.

۵۳۴. گزینه ۱)

قسمت ذیل ماده ۳۰۵ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «..... اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اند، حق استناد به این ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهدات آن‌ها مطابق با قوانین خارجی نیست.»

۵۳۵. گزینه ۱)

طبق قاعده کلی حکومت محل بر شکل اسناد، قانون محل تنظیم بر طرز تنظیم یک سند حکومت دارد.

۵۳۶. گزینه ۲)

مطابق ماده ۷ و صدر ماده ۹۶۲ قانون مدنی اصل بر حاکمیت قانون ملی شخص بر اهلیت تبعه بیگانه می‌باشد و تنها استثناء این اصل وضعیتی است که بیگانه به موجب قانون دولت متبوع خود واجد اهلیت محسوب نشود، ولی وفق مقررات ایران واجد اهلیت باشد که در این حالت قانون ایران بر اهلیت وی حاکم است.

۵۳۷. گزینه ۲)

معامله خارجی با شرایط ذکر شده در سؤال از لحاظ حقوق بین‌الملل خصوصی ایران تابع قانون مناسب‌تر است.

۵۳۸. گزینه ۴)

اگر زن ایرانی بخواهد در ایران از شوهر خارجی خود طلاق بگیرد قانون کشور متبوع شوهر بر موضوع حاکم خواهد بود.

۵۳۹. گزینه ۴)

مطابق قسمت دوم ماده ۳۰۵ قانون تجارت ایران: «هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهنویسی ضمانت قبولی و غیره) نیز که در خارجه به وجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آن‌جا وجود پیدا کرده است.»

۵۴۰. گزینه ۲)

مطابق ماده‌ی ۹۶۳ ق.م.

۵۴۱. گزینه ۴)

چون شرایط ماهوی نکاح از قبیل شرایط مربوط به سن و موانع نکاح و غیره مهم‌تر از شرایط صوری است و به منظور حفظ اشخاص مقرر شده‌اند. لذا اشخاص هر جا که باشند مشمول مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.

۵۴۲. گزینه ۳)

مطابق ماده‌ی ۹۶۳ ق.م.

۵۴۳. گزینه ۴)

مطابق ماده‌ی ۹۶۲ ق.م.

۵۴۴. گزینه ۴)

مطابق ماده‌ی ۳۰۵ قانون تجارت

۵۴۵. گزینه ۱)

مطابق ماده‌ی ۹۶۵ ق.م.

۵۴۶. گزینه ۳)

حق کسب و پیشه یا تجارت (سرقفلی) جزء حقوق عینی نیست و در واقع حقی است که به موجب آن مستأجر متصرف در اجاره کردن محل کسب خود بر دیگران مقدم شناخته می‌شود. ولی چون این حق محل تجلی فیزیکی دارد که عبارت از محل وقوع تجارت خانه است لذا تابع قانون محل وقوع مال غیر منقول است.

۵۴۷. گزینه ۱)

قاضی باید قانون ایران را به عنوان قانون مقر دادگاه اعمال کند زیرا چنان‌که می‌دانید اشخاص بی‌تابعیت قانون ملی ندارد.

۵۴۸. گزینه ۲)

مطابق با ماده ۹۶۳ ق.م.

۵۴۹. گزینه ۴)

احوال شخصیه تابع قانون دولت متبوع فرد است و حقوق ارثیه را نیز در برمی گیرد.

۵۵۰. گزینه ۱)

استناد به قانون خارجی شرط نیست.

۵۵۱. گزینه ۲)

انتقال قراردادی اسناد بی نام تابع قانون محل وقوع مال روابط بین دارنده ی سند و شخص حقوقی صادرکننده و سلب مالکیت

سند در نتیجه اقدامات دولتی تابع قانون متبوع شرکت یا شخص حقوقی است.

۵۵۲. گزینه ۳)

طبق ماده ۹۶۹ ق.م.

۵۵۳. گزینه ۱)

طبق ماده ۹۶۲ ق.م.

۵۵۴. گزینه ۱)

طبق ماده ۳۰۵ ق.ت.ا.

۵۵۵. گزینه ۱)

طبق بند ۱- ماده ۹۶۷ ق.م.

۵۵۶. گزینه ۲)

طبق ماده ۹۷۰ ق.م.

۵۵۷. گزینه ۱)

اسناد با نام مشمول قانون اقامتگاه مدیون (شرکت یا شخص حقوقی متعهد) هستند.

۵۵۸. گزینه ۴)

در مورد حق ارتفاق باید قانون محل وقوع مال غیر منقول را صلاحیتدار دانست.

۵۵۹. گزینه ۳)

طبق ماده ۹۶۷ ق.م.

۵۶۰. گزینه ۲)

طبق ماده ۹۶۷ ق.م.

۵۶۱. گزینه ۴)

طبق ماده ۷ ق.م.

۵۶۲. گزینه ۳)

طبق ماده ۷ ق.م. و م ۹۶۲ ق.م.

۵۶۳. گزینه ۴)

طبق ماده ۹۶۵ ق.م.

۵۶۴. گزینه ۱)

طبق ماده ۹۶۳ قانون مدنی.

۵۶۵. گزینه ۱)

طبق ماده ۹۶۷ قانون مدنی.

۵۶۶. گزینه ۲)

طبق ماده ۹۶۹ قانون مدنی.

۵۶۷. گزینه ۱)

طبق ماده ۹۶۲ قانون مدنی.

۵۶۸. گزینه ۴)

طبق ماده ۹۶۳ قانون مدنی.

۵۶۹. گزینه ۳)

به استناد ماده ۹۶۵ قانون مدنی موارد عزل قیم تابع قانون دولت متبوع محجور می‌باشد.

۵۷۰. گزینه ۴)

به استناد ماده ۹۶۲ قانون مدنی، اگر زن تبعه کشور «الف» و مرد تبعه کشور «ب» باشند و در ایران قصد ازدواج داشته باشند، زن تابع قانون کشور الف و مرد تابع قانون کشور «ب» می‌باشد.

رجوع شود به ماده ۹۶۲ قانون مدنی

۵۷۱. گزینه ۱)

به مستند ماده ۹۲۶ قانون مدنی، اهلیت اشخاص حقوقی از نظر حقوق ایران تابع کشور متبوع خواهد بود.

۵۷۲. گزینه ۲)

به استناد مواد ۹۶۲ و ۹۶۷ قانون مدنی، حقوق ارثیه خارجیان تابع دولت متبوع می‌باشد.

۵۷۳. گزینه ۱)

رجوع شود به ماده ۹۶۲ قانون مدنی.

۵۷۴. گزینه ۱)

بر طبق ماده ۹۶۶ قانون مدنی، در صورت بروز تعارض قوانین در حق تألیف محل انتشار مورد تأیید قرار می‌گرفته و صالح است.

۵۷۵. گزینه ۴)

شرایط و موانع ازدواج اقلیت‌های مذهبی و دینی ایرانی، تابع قانون مذهب هر یک از طرفین است.

۵۷۶. گزینه ۳)

در مورد این سؤال تابع قانون دولت متبوع هر یک از طرفین خواهد بود.

۵۷۷. گزینه ۱)

اهلیت بیگانگان برای تحصیل تابعیت ایران تابع قانون ایران می‌باشد.

۵۷۸. گزینه ۱)

اثبات نسب طفلی که تابعیت او معلوم نیست تابع قانون مقرر دادگاه است.

۵۷۹. گزینه ۴)

مستند به ماده ۹۶۴ ق.م

۵۸۰. گزینه ۲)

قانون حاکم بر وصیت نامه از لحاظ حقوق بین‌الملل خصوصی ایران تابع قانون محل تنظیم وصیت نامه است.

۵۸۱. گزینه ۳)

در این مورد تابع قانون دولت متبوع شوهر است.

۵۸۲. گزینه ۴)

اهلیت فردی بیگانه‌ای که در ایران معامله می‌کند تابع قانون دولت متبوع است.

۵۸۳. گزینه ۴)

در ازدواج بین‌المللی آمیخته تابع قانون ملی هر یک از طرفین و قانون دولت متبوع شوهر است.

۵۸۴. گزینه ۲)

دعوی احاله درجه دوم و تابع قانون دولت متبوع است.

۵۸۵. گزینه ۱)

اقامتگاه یک عامل ارتباط در روابط حقوقی می‌باشد.

۵۸۶. گزینه ۱)

محاكم ایران در مواجهه با هر دعوی متضمن یک عنصر خارجی، باید بدو قواعد حل تعارض قانون ایران را اعمال کنند.

۵۸۷. گزینه ۴)

هر دسته ارتباطی با یک یا چند قاعده حل تعارض در ارتباط است که موجب مرتبط شدن دسته از ارتباطی با قوانین ماهوی و نهایتاً تعیین حکم دعوی می‌شوند.

۵۸۸. گزینه ۱)

در صورتی که محل وقوع مال غیر منقول در خارج باشد، به لحاظ عدم وجود هرگونه ارتباطی بین محاکم ایران با موضوع دعوا، دادگاه‌های ایران فاقد صلاحیت قضایی هستند؛ در این حالت فرض بر آن است که اقامتگاه خواهان و خوانده و محل سکونت خوانده نیز در ایران واقع نیست.

۵۸۹. گزینه ۳)

به موجب ماده ۹۷۱ قانون مدنی، دادگاه ایران در این خصوص صلاحیت رسیدگی دارد؛ البته این امر به معنای سلب صلاحیت سایر محاکم نیست، توضیح آن که هر چند در حقوق داخلی، صلاحیت دادگاه‌ها بر حسب عواملی چون اقامتگاه خوانده، محل سکونت خوانده، اقامتگاه خواهان و محل وقوع مال غیر منقول تعیین و این عوامل نسبت به هم رابطه طولی دارند و مانع‌الجمع‌اند، اما در حقوق بین‌الملل خصوصی این عوامل رابطه افقی دارند و بر اساس آن‌ها ممکن است محاکم کشورهای مختلفی خود را صالح در رسیدگی بدانند.

۵۹۰. گزینه ۴)

چنین شخصی حق ترافع قضایی و طرح دعوی در ایران را دارا می‌باشد. دادگاه‌های محل اقامت خواهان در ایران صلاحیت رسیدگی به دعوی را دارند.

۵۹۱. گزینه ۱)

در مورد این سؤال آن شرکت کوبایی که قطعاً می‌تواند در ایران اقامه دعوی نماید.

۵۹۲. گزینه ۳)

در صورتی می‌توان علیه فرد در ایران اقامه دعوا کرد که خواهان دعوا در ایران اقامتگاه داشته باشد.

۵۹۳. گزینه ۱)

دعوی ایران‌ها در خارج از ایران از حیث صلاحیت محاکم تابع قانون کشور کشور خارجی می‌باشد.

۵۹۴. گزینه ۳)

به استناد ماده ۱۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی «اتباع دولت‌های خارج چه خواهان اصلی باشند و یا به عنوان ثالث وارد دعوا گردند. بنا به درخواست طرف دعوا، برای تأدیه خسارتی که ممکن است بابت هزینه دادرسی و حق‌الوکاله به آن محکوم گردند باید تأمین مناسب بسپارند...»

۵۹۵. گزینه ۴)

در مورد این سؤال دادگاه‌های محل سکونت موقت خوانده صلاحیت دارند.

۵۹۶. گزینه ۲)

بله خواهان می‌تواند در دادگاه‌های محل اقامت خود اقامه دعوی نماید.

۵۹۷. گزینه ۲)

در مبحث تعارض قوانین هنگامی که از قانون درون مرزی یا محلی گفتگو به میان می‌آید منظور قانونی است که در سرزمین یک کشور نسبت به تمام افرادی که در آن کشور سکونت دارند (اعم از این که تبعه داخلی باشند یا خارجه) و همچنین نسبت به تمام افرادی که در آن کشور واقع شده است اجرا شود. در واقع چون قوانین درون مرزی با حاکمیت کشوری که در محدوده آن وضع شده است ارتباط دارد برای رعایت حق حاکمیت دولت الزاماً بایستی در تمام خاک کشور لازم‌الاجرا باشد، مثل قوانین کیفری.

۵۹۸. گزینه ۲)

به استناد بند ۳ ماده ۱۲۹۵ قانونی مدنی، «به اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا می‌باشد مشروط بر این که کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده به موجب قوانین خود یا عهود اسناد تنظیم شده در ایران را معتبر بشناسد.»

۵۹۹. گزینه ۱)

«قواعد حل تعارض» قواعدی است، که تنها به تعیین قانونی که باید بر موضوع معینی حکومت نماید اکتفا می‌کند و مساله مطروحه را به طور مستقیم حل نمی‌کند، مثل ماده ۷ قانون مدنی ایران اما قواعدی مادی یا اساسی قواعدی است، که مربوط به اصل دعوی بوده و به طور مستقیم مساله متنازع فیه را حل می‌کنند، بدون آن که برای رفع اختلاف به قانون دیگری ارجاع نمایند، مثل قواعدی که شرایط و آثار نکاح را معین می‌کنند.

۶۰۰. گزینه ۲)

بر حسب قاعده‌ای مشترک میان حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی که در ماده ۱۲ آ. د. م. پیشین از ماده ۱۱ ق. آ. د. م. کنونی، انعکاس یافته «دعوی باید در دادگاهی اقامه شوند، که خواننده در حوزه آن اقامتگاه دارد، نتیجه اعمال این قاعده آن است، که اگر خواننده درباره صلاحیت محلی دادگاه اعتراض کند و دادگاه نظر وی را به رسمیت بشناسد، پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌کند و اگر مرجع اخیر الذکر نیز خود را صالح نداند، آن را به مراجع حل اختلاف می‌فرستد (ماده ۲۰۲ ق. آ. د. م. پیشین معطوف به بند ۲ ماده ۱۹۷ آن قانون ماده ۲۷ ق. آ. د. م. کنونی) و در حقوق بین‌الملل خصوصی اگر خواننده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، خواهان می‌تواند دعوی خود را به ترتیب: در دادگاه محل سکونت موقت وی و در صورت نبودن آن هم، در دادگاه اقامتگاه خود اقامه کند.

۶۰۱. گزینه ۱)

نبود عامل ربط پیش‌بینی شده در قاعده تعارض قوانین بیشتر در قضایای احوال شخصیه قضایایی که حکم آن‌ها تابع قانون کشور متبوع شخصی هستند، به لحاظ بی‌تابعیت بودن وی رخ می‌دهد. در این موارد می‌توان عامل «اقامتگاه» را به عنوان جهل «تابعیت» در نظر گرفت. این نظر بر این استدلال استوار است که قابلیت و اقامتگاه به عنوان دو عامل موازی یکدیگر در جامعه بین‌المللی شناخته شده‌اند، که هر یک از جهتی نشان دهنده ارتباط شخص با دولتی معین است.

۶۰۲. گزینه ۲)

طبق ماده ۱۱ قانون آ. د. م. دعوی باید در دادگاهی اقامه شوند، که خواننده در حوزه آن اقامتگاه دارد. حال اگر خواننده مقیم ایران باشد، خواهان ایرانی یا خارجی می‌تواند در دادگاه‌های ایران اقامه دعوی نماید و آنچه در این میان مهم نیست اقامتگاه خواهان است.

۶۰۳. گزینه ۴)

طبق ماده ۹۶۹ قانون مدنی، اسناد از حیث طرز تنظیم، تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشند. «قاعده محل تنظیم سند، تا دهه نخست قرن بیستم به عنوان قاعده‌ای امر تلقی می‌گردیده است، اما پس از آزاد برای طرفین قراردادهای بین‌المللی این اختیار شناخته شده است که بتوانند شکل قرارداد خود را نیز تابع قانون صالح درباره ماهیت آن قرار دهند.

۶۰۴. گزینه ۱)

دعوی باید در دادگاهی اقامه شوند، که خواننده در حوزه آن اقامتگاه دارد. (ماده ۱۱ قانون آ. د. م.)

۶۰۵. گزینه ۳)

مکتب ایتالیایی قدیم یک مکتب حقوقی است و مانند هر مکتب حقوقی دارای دو جنبه تحلیلی و عام‌الشمول می‌باشد.

۶۰۶. گزینه ۱)

مطابق سیستم انگلیسی چون قانون خارجی یک امر موضوعی است لذا مانند هر امر موضوعی دیگر باید از جانب طرفین دعوی مورد استناد واقع شود نتیجه دیگری که از قبول این سیستم حاصل می‌شود آن است که اثبات قانون خارجی نیز به عهده اصحاب دعوی خواهد بود.

۶۰۷. گزینه ۲)

از حکم مندرج در ماده ۹۷۵ قانون مدنی چنین بر می‌آید که مقنن ایرانی، اخلاق حسنه، جریحه‌دار کردن احساسات جامعه و سایر علل را زیرمجموعه نظم عمومی محسوب می‌کند؛ بنابراین چنانچه تقلب نسبت به قانون را از موانع اجرای احکام و

اسناد خارجی در ایران بدانیم مطابق ماده مذکور جزو نظم عمومی محسوب می‌شود.

۶۰۸. گزینه (۱)

نظم عمومی در حقوق داخلی همان قواعد آمره محسوب می‌شود و در حقوق بین‌الملل خصوصی دایره شمول محدودتری دارد، اما در هر حال نظم عمومی مانع اعمال قانون خارجی است.

۶۰۹. گزینه (۴)

احاله: ارجاع به قانون کشور دیگر توسط قاعده حل تعارض کشوری که به موجب قاعده حل تعارض مقرر دادگاه، بدان رجوع شده است.

۶۱۰. گزینه (۲)

توصیف، تعیین ماهیت یک رابطه حقوقی است.

۶۱۱. گزینه (۱)

مساله احاله زمانی رخ می‌دهد که قانون حل تعارض کشوری که توسط قاعده حل تعارض مقرر دادگاه صلاحیتدار شناخته شده مساله را به قانون خارجی دیگری ارجاع دهد.

۶۱۲. گزینه (۴)

توصیف به معنی تشخیص نوع امر حقوقی می‌باشد که به واسطه آن بتوان امر حقوقی را در یکی از دسته‌های ارتباط قرار داده و قاعده حل تعارض مناسب را در خصوص آن اجرا نمود.

۶۱۳. گزینه (۴)

رجوع شود به ماده ۹۷۴ و ۹۷۵ قانون مدنی

۶۱۴. گزینه (۴)

این جمله صحیح می‌باشد حکم صادره در ایران، در کشورهای خارجی همان اعتباری را دارد که در ایران دارا می‌باشد.

۶۱۵. گزینه (۴)

دسته‌های ارتباط، روابط حقوقی را توصیف می‌کند.

۶۱۶. گزینه (۲)

تعیین محل یک رابطه حقوقی در میان انواع دسته‌های ارتباط موجود در قاعده‌های حل تعارض که توصیف نامیده می‌شود برای تعیین قانون حاکم و حل تعارض قوانین مؤثر است.

رجوع شود به ماده ۶ و ۷ قانون مدنی

۶۱۷. گزینه (۳)

اگر قانون خارجه‌ای که باید مطابق ماده ۷ جلد اول این قانون و یا بر طبق مواد فوق رعایت گردد به قانون دیگری احاله داده باشد، محکم مکلف به رعایت این احاله نیست مگر این‌که احاله به قانون ایران باشد که قسمت اول ماده احاله درجه دوم و قسمت دوم ماده مربوط به احاله درجه اول است. رجوع شود به ماده ۹۷۳ قانون مدنی

۶۱۸. گزینه (۲)

ماده ۹۷۵ قانون مدنی چنین بیان می‌دارد: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارد اگر چه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.» رجوع شود به مواد ۹۷۴ و ۹۷۵ قانون مدنی

۶۱۹. گزینه (۲)

طبق ماده ۹۷۲ قانون مدنی، «احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجرا تنظیم شده در خارجه را نمی‌تواند در ایران اجرا نمود، مگر این‌که مطابق قوانین ایران امر به اجرای آن صادر شده باشد.» امر به اجرای احکام و اسناد خارجی پس از رسیدگی دادگاه به اعتبار آن‌ها و تعارض نداشتن با نظم عمومی داده می‌شود و در واقع احراز نفوذ آن‌ها بر طبق قوانین ایران است.

۶۲۰. گزینه (۱)

از آنجا که مسائل مطروحه در روابط بین‌المللی معمولاً مسائل مشخص و خاصی هستند و قواعد حل تعارض ناظر بر مفاهیم کلی است، بنابراین در علم تعارض قوانین به منظور طرح درست مسائل و یافتن راه حل صحیح آن‌ها روابط حقوقی متجانس را در دسته‌هایی که آن‌ها را دسته‌های ارتباطی می‌گویند، تقسیم می‌کنند؛ مثلاً مفاهیمی مانند احوال شخصیه، اموال و قراردادهای ارتباطی نام دارند.

۶۲۱. گزینه (۱)

قوانین خارجی در ایران به شرطی اعمال خواهد شد که مخالف با قوانین مخصوصه نباشد.

۶۲۲. گزینه (۳)

توصیف یا تعیین حقیقت قضایی تأسیسات حقوقی، تشخیص نوع امر حقوقی است که یک قاعده حقوق بین‌المللی خصوصی (تعارض قوانین) باید نسبت به آن اجرا گردد.

۶۲۳. گزینه (۳)

به استناد ماده ۹۷۲ قانونی مدنی «احکام صادره از محاکم خارجه را نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر این‌که مطابق قوانین ایران امر به اجرای آن‌ها صادر شده باشد.»

۶۲۴. گزینه (۲)

در واقع توصیف‌هایی تابع قانون مقر دادگاه است که برای اعمال قاعده حل تعارض مقر دادگاه ضروری است (توصیف‌های اصلی) اما در مورد توصیف‌هایی که برای اعمال قاعده حل تعارض ضروری نمی‌باشند باید به قانون سبب مراجعه کرد. (توصیف‌های فرعی)

۶۲۵. گزینه (۴)

اقامت مشترک زوجین عامل ارتباط اصلی و روابط شخصی زوجین عامل ارتباط فرعی است.

۶۲۶. گزینه (۱)

در واقع احاله در حالت تعارض منفی بین دو سیستم حل تعارض رخ می‌دهد. حالت تعارض منفی زمانی است که در رابطه بین دو سیستم حل تعارض هر سیستم برای حل قضیه به سیستم دیگر ارجاع می‌دهد، یعنی قانون خارجی تعیین شده به وسیله قاعده حل تعارض مقر دادگاه، یا رد صلاحیت قانون خود قانون کشور دیگری را صلاحیت‌دار می‌داند.

۶۲۷. گزینه (۴)

اثر نظم عمومی هنگامی مثبت است که قاضی بدو از اجرای قانون خارجی خودداری کند (اثر منفی) و سپس قانون دولت متبوع خود را به نحو مثبت جانشین آن قرار دهد.

۶۲۸. گزینه (۲)

برای این‌که قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون در زندگی بین‌المللی قابل اجرا باشد دو شرط لازم است، شرط اول آن‌که تقلب به وجود آمده باشد (وجود تقلب) و شرط دوم آن‌که وسیله دیگری برای جلوگیری از اجرای قانون خارجی موجود نباشد (جنبه فرعی و علی‌البدل بودن اجرای قاعده)

۶۲۹. گزینه (۳)

برای این‌که حقی از لحاظ بین‌المللی تشکیل شده یا مکتسب محسوب گردد و بتواند در ایران معتبر شناخته شود وجود ۲ شرط لازم است: (۱) حق باید بر طبق قانونی تشکیل شده باشد که قاعده ایرانی حل تعارض آن را صلاحیت‌دار می‌داند. (۲) حق باید به طور کامل و با رعایت تمام شرایطی که برای تشکیل آن لازم است به وجود آمده باشد.

۶۳۰. گزینه (۱)

احاله هنگامی مصداق می‌یابد که دلالت قاعده‌های تعارض قوانین در کشور، یعنی کشور محل دادگاه و کشوری که قانون آن ابتدا به عنوان قانون سالم شناخته شده، در مورد قانون مزبور هم جهت نبوده و هر دو سالب صلاحیت قانون کشور خود باشند. این شناخته شده، در مورد قانون فرد از سوی قاعده متعارض قوانین بیگانه و احاله حکم به قانون کشور دیگر، سلب صلاحیت از قانون فرد از سوی قاعده متعارض قوانین بیگانه و احاله حکم به قانون کشور دیگر، منتهی به یکی از دو نتیجه می‌شود: یا به صلاحیت قانون کشور محل دادگاه که به آن احاله درجه اول می‌گویند؛ و یا صلاحیت ماندن کشور ثالث که آن در اصطلاح، احاله درجه دوم می‌نامند، می‌انجامد.

۶۳۱. گزینه (۴)



توصیف عبارت است از «تعیین نوع امر حقوقی که یک قاعده حقوق بین الملل خصوصی باید نسبت به آن اجرا شود». مساله توصیفها مقدم بر مساله اعمال قاعده حل تعارض می باشد و بدیهی است، اگر توصیف روابط حقوقی در تمام کشورها از یک قاعده تبعیت می نمود، در آن صورت تعیین قانون صلاحیت دار کار آسانی می شد، مساله توصیفها نخستین بار به وسیله بارتن، در کتابی به نام مطالعات حقوق بین الملل خصوصی مطرح گردید.

۶۳۲. گزینه ۲)

با توجه به ماده ۹۷۳ قانون مدنی گزینه ۲ صحیح است.

۶۳۳. گزینه ۱)

اهلیت بیگانه ای که در ایران با یک ایرانی معامله می کند تابع قانون کشور متبوعش خواهد بود. مستند به ماده ۹۶۲ ق.م

۶۳۴. گزینه ۲)

مطابق قسمت اخیر ماده ۹۷۱ قانون مدنی که محاکم ایران را در هر حال صالح برای رسیدگی به دعاوی تشخیص داده است، فرد ایرانی مقیم خارجه می تواند دعاوی خود را در محاکم ایران مطرح نماید.

۶۳۵. گزینه ۲)

به موجب ماده ۹۶۸ قانون مدنی کلیه آثار عقد تحت حاکمیت قانون محل وقوع عقد است.

۶۳۶. گزینه ۲)

به موجب ذیل ماده ۹۷۱ خواهان در هر حال می تواند دعوی خود را در ایران اقامه نماید، چرا که محل اقامت خواننده در ایران است و از این جهت موضوع با سیستم حقوقی ایران مرتبط است.

۶۳۷. گزینه ۴)

به مواد ۶ و ۷ قانون مدنی رجوع شود.

۶۳۸. گزینه ۴)

مطابق ماده ۹۶۸ قانون مدنی: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر این که متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.»

۶۳۹. گزینه ۲)

به پاسخ سوال ۶۳۸ مراجعه شود.

۶۴۰. گزینه ۴)

قانون حاکم بر آیین دادرسی، قانون مقر دادگاه و قانون حاکم بر مال غیر منقول می باشد. مستند به ماده ۹۶۶ قانون مدنی، قانون محل وقوع مال می باشد.

۶۴۱. گزینه ۱)

مستنداً به ماده ۹۶۷ قانون مدنی «ترکه منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوط به تعیین وارث و مقدار سهم الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی می توانسته است به موجب وصیت تملیک نماید تابع دولت متبوع متوفی خواهد بود.»

۶۴۲. گزینه ۲)

مستند به ماده ۹۶۲ قانون مدنی

۶۴۳. گزینه ۱)

قراردادها از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل انعقاد خود می باشند.

۶۴۴. گزینه ۴)

مستنداً به ماده ۹۶۶ قانون مدنی، «تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیای منقول یا غیر منقول تابع قانونی مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آن جا واقع می باشند ...»

۶۴۵. گزینه ۱)

رجوع شود به ماده ۹۶۲ قانونی مدنی، «تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود. مع ذلک اگر یک نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد، در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقصی داشته است آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتی که قطع نظر از تابعیت خارجی او، مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد ...»

۶۴۶. گزینه ۲)

ماده ۹۶۷ قانون مدنی بیان می‌دارد: «ترکه منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوط به تعیین وراثت و مقدار سهم‌الارث آن‌ها و تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته است به موجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود.»

۶۴۷. گزینه ۲)

این موضوع در صدر ماده ۹۶۲ قانون مدنی بدین ترتیب بیان شده است: تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود مع‌ذلک اگر یک نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد، در صورتی که مطابق دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقصی داشته باشد آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتی که قطع نظر از تابعیت خارجی او، مطابق قانون ایران بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد ...»

۶۴۸. گزینه ۲)

ماده ۵ قانون مدنی «کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخلی و خارجی، مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.»

۶۴۹. گزینه ۲)

تغییر قرارداد و طرز تنظیم آن تابع قانون محل انعقاد قرارداد می‌باشد.

۶۵۰. گزینه ۳)

در مورد این سؤال دادگاه ایران طبق قانون محل انعقاد حکم صادر خواهد کرد.

۶۵۱. گزینه ۳)

صدر ماده ۹۶۲ قانون مدنی اشعار دارد «تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود.»

۶۵۲. گزینه ۴)

از سؤال چنین فهمیده می‌شود که شخص ایرانی بدون رعایت قوانین ترک تبعیت ایران اقدام به تحصیل تابعیت خارجی نموده است لذا با توجه به ماده ۹۸۹ قانون مدنی، تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود و مستنداً به ماده ۶ قانون مدنی که بیان می‌دارد قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص وارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو این که مقیم در خارج باشند مجری خواهد بود. قانون حاکم بر احوال شخصیه این شخص ایرانی قانون ایران می‌باشد.

۶۵۳. گزینه ۳)

به استناد ماده ۹۶۳ قانون مدنی، «اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آن‌ها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.»

۶۵۴. گزینه ۳)

به استناد ماده ۹۶۸ قانون مدنی، «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر این که متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.»

۶۵۵. گزینه ۱)

«اتباع خارجه مقیم ایران از حیث مسائل احوال شخصیه، اهلیت و حقوق ارثیه در حدود معاهدات، مطیع قانون دولت متبوع خود خواهند بود.» (ماده ۷ قانون مدنی)

۶۵۶. گزینه ۳)

تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عهد است، مگر این که متعاقدين (هر دو) اجتماع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند. (ماده ۹۶۸ قانون مدنی)

سؤالات کنکور

عناوین اصلی

- ❖ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور آزاد سال ۸۸
- ❖ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور آزاد سال ۸۹
- ❖ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری سال ۹۰
- ❖ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری سال ۹۱
- ❖ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری سال ۹۲
- ❖ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری سال ۹۳
- ❖ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۴
- ❖ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۵
- ❖ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۶
- ❖ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۷

سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور آزاد سال ۸۸

۱- اتباع خارجی که دارای اهل و عیار ایرانی هستند

(۱) به تابعیت ایران قبول می‌شوند.

(۲) ممکن است بدون رعایت شرط اقامت با تصویب هیأت وزرا به تابعیت ایران قبول شوند.

(۳) ممکن است بدون رعایت شرط اقامت با تصویب وزرا امور خارجه به تابعیت ایران تبدیل شوند.

(۴) در صورت درخواست اهل و عیال ممکن است به تابعیت ایران پذیرفته شوند.

۲- تفاوت نظم عمومی با قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون در کدام یک از موارد ذیل است؟

(۱) در اولی اشکال در استنادکننده به قانون خارجی و در دومی اشکال در محتوای قانون خارجی است.

(۲) در اولی منافع کشور مقرر دادگاه مطرح است و در دومی حفظ منافع اشخاص مورد نظر است.

(۳) در اولی لازم است طرفین دعوی خود موضوع را مطرح نمایند در حالی که در دومی خود محکمه بدون استناد طرفین وارد

عمل می‌شود.

(۴) در اولی اشکال در محتوای قانون خارجی و در دومی اشکال در شخص استنادکننده به قانون خارجی است.

۳- زن ایرانی که با مرد خارجی ازدواج نماید

(۱) در صورتی از تابعیت ایران خارج می‌شود که خود درخواست نماید.

(۲) تابعیت ایران را به محض ازدواج از دست می‌دهد.

(۳) در صورتی از تابعیت ایران خارج می‌شود که از کشور متبوع شوهر تابعیت شوهر را بر زن تحمیل نمایند.

(۴) به هیچ وجه تابعیت ایران را از دست نمی‌دهد.

۴- طفل متولد در ایران از پدر تبعه کشور الف و مادر ایرانی

(۱) ایرانی محسوب می‌شود در صورتی که پس از رسیدن به ۱۸ سال یک سال دیگر نیز در ایران اقامت نماید.

(۲) ایرانی محسوب می‌شود تا زمانی که از ایران خارج نشود.

(۳) ایرانی محسوب می‌شود، اگر بعد از رسیدن به سن ۱۸ سال، درخواست تحصیل تابعیت ایران را بنماید.

(۴) به واسطه ایرانی بودن مادرش ایرانی محسوب می‌شود.

۵- در کدام یک از موارد زیر اتباع بیگانه‌ای که علیه ایرانیان در ایران طرح دعوی می‌نمایند از دادن تضمین معاف

هستند؟

(۱) دعاوی مربوط به مالکیت اموال

(۲) دعاوی مربوط به احوال شخصیه

(۳) دعاوی مستند به سند رسمی

(۴) دعاوی مربوط به قراردادها

۶- کدام یک از موارد زیر از موارد عدم استرداد مجرمین در حقوق ایران است؟

(۱) جرم ارتكابی جنایی باشد.

(۲) شخص مورد تقاضا ایرانی باشد.

(۳) شخص مورد تقاضا از اتباع کشور متقاضی نباشد.

(۴) شخص مورد تقاضا بیش از ۵ سال در ایران اقامت داشته باشد.

۷- به موجب سیستم قانون خارجی باید توسط طرفین دعوی مورد استناد واقع شود.

(۱) انگلیسی (۲) آلمانی (۳) فرانسوی (۴) ایتالیایی



۸- از دیدگاه حقوق بین الملل خصوصی، در مساله «توصیف» یک رابطه حقوقی، شناخت رابطه حقوقی با مطالعه صورت می گیرد، ولی قرار دادن آن در «دسته ارتباط»، طبق انجام می شود.

(۱) قانون مقر دادگاه - ضوابط قانون خارجی

(۲) قوانین کشورهای مختلف - ضوابط قانون خارجی

(۳) قانون خارجی - درخواست ذینفع دعوی

(۴) مطالعه قانون خارجی - ضوابط مقر دادگاه

۹- اگر زن و مرد ایرانی که طبق قوانین ایران حق ازدواج با یکدیگر را ندارند، در کشور خارجی الف طبق قوانین همین کشور ازدواج نمایند، این ازدواج در ایران

(۱) با استناد به نظم عمومی بین المللی باطل است.

(۲) با استناد به قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون باطل است.

(۳) صحیح است.

(۴) به موجب قواعد ماهوی قانون مدنی ایران باطل است.

۱۰- اثر مثبت نظم عمومی عبارت از این است که:

(۱) فقط از اجرای قانون خارجی جلوگیری می شود.

(۲) از اجرای قانون خارجی جلوگیری و براساس قانون مقر دادگاه عمل می شود.

(۳) از اجرای قانون خارجی جلوگیری و براساس قانونی که نزدیک ترین ارتباط را با موضوع دارد، عمل می شود.

(۴) اجرای قانون خارجی را در صورتی که آثار مثبتی برای ذینفع داشته باشد، اجازه می دهد.

۱۱- دو جانبه بودن حل تعارض قوانین یعنی تعیین

(۱) صلاحیت یا عدم صلاحیت قانون مقر دادگاه و تعیین قانون صلاحیت دار در صورت عدم صلاحیت قانون مقر دادگاه

(۲) صلاحیت یا عدم صلاحیت قانون مقر دادگاه

(۳) قوانینی که همزمان بر موضوع قابل اعمال هستند.

(۴) قانونی که تامین کننده منافع هر دو طرف دعوی می باشد.

۱۲- در حقوق ایران تعیین قانون حاکم بر قرارداد توسط طرفین قرارداد در صورتی معتبر است که:

(۱) یکی از طرفین قرارداد خارجی باشد. (۲) طرفین قرارداد ایرانی باشند.

(۳) طرفین قرارداد خارجی باشند. (۴) طرفین قرارداد خارجی و دارای تابعیت های متفاوت باشند.

۱۳- حکم صادره از دادگاه خارجی در رابطه با طلاق مرد ایرانی و زن ایرانی که تابعیت کشور الف را نیز تحصیل

نموده اند، در صورتی در ایران قابل اجرا خواهد بود که طبق قانون کشور صادر شده باشد.

(۱) الف (۲) دادگاه خارجی (۳) ایران (۴) محل انجام ازدواج

۱۴- احاله درجه دوم زمانی مطرح می شود که قانون خارجی تعیین شده به وسیله قاعده حل تعارض قانون مقر

دادگاه،

(۱) قانون یک کشور ثالث را صلاحیت دار بداند. (۲) قانون مقر دادگاه را صلاحیت دار بداند.

(۳) صلاحیت خود را بپذیرد. (۴) راه حلی برای موضوع مطروحه نداشته باشد.

۱۵- قاعده حل تعارضی که مقرر می دارد: «تعهدات ناشی از عقود، تابع محل انعقاد عقد است» در این قاعده از نظر

موازی حقوق بین الملل خصوصی، تعهدات ناشی از عقود «.....» و «محل انعقاد عقد» است.

(۱) دسته ارتباط - دسته ارتباط (۲) دسته ارتباط - عامل ارتباط

(۳) عامل ارتباط - دسته ارتباط (۴) عامل ارتباط - عامل ارتباط

۱۶- توصیف اصلی توصیفی است که برای لازم است و طبق قانون انجام می‌شود.

(۱) تعیین قاعده حل تعارض کشور خارجی - کشور خارجی

(۲) تعیین قاعده حل تعارض قانون مقرر دادگاه - کشور خارجی

(۳) تعیین قاعده حل تعارض کشور خارجی - مقرر دادگاه

(۴) تعیین قاعده حل تعارض قانون مقرر دادگاه - مقرر دادگاه

۱۷- در موضوع وضعیت بیگانگان رفتار متقابل سیاسی به وسیله شکل می‌گیرد.

(۱) معاهده (۲) مذاکره نمایندگان سیاسی

(۳) رفتار متقابل عملی (۴) رفتار متقابل قانون‌گذاری

۱۸- محاکم ایران در رابطه با احوال شخصیه یک ایرانی که تابعیت کشور الف را تحصیل نموده و در کشور ب

اقامت دارد، قانون کشور را اجرا می‌نمایند.

(۱) ب (۲) الف (۳) مورد انتخاب ذینفع (۴) ایران

۱۹- تابعیت اصلی، تابعیتی است که بر شخص تحمیل می‌شود.

(۱) از ابتدای تولد بنا به درخواست والدین (۲) از ابتدای تولد براساس روش خون یا خاک

(۳) پس از رسیدن به سن ۱۸ سال (۴) با انجام ازدواج

۲۰- به موجب قانون مدنی ایران کسانی که طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می‌نمایند، تبعه دولت

ایران شناخته می‌شوند.

(۱) والدین و زن (۲) زن و اولاد (۳) زن و اولاد صغیر (۴) فقط زن

پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور آزاد سال ۸۸

۱. گزینه ۲
به استناد ماده ۹۸۰ قانون مدنی.
۲. گزینه ۴
ر.ک. دکتر نجاد علی الماسی، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۹۸ و ۱۹۷.
۳. گزینه ۳
به استناد ماده ۹۸۷ قانون مدنی.
۴. گزینه ۱
به استناد ماده بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی.
۵. گزینه ۳
به استناد ماده ۱۴۵ قانون آیین دادرسی مدنی.
۶. گزینه ۲
شخص مورد تقاضا ایرانی باشد از موارد عدم استرداد مجرمین در حقوق ایران است.
۷. گزینه ۱
ر.ک. دکتر نجاد علی الماسی، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۷۳.
۸. گزینه ۴
ر.ک. دکتر نجاد علی الماسی، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۱۲.
۹. گزینه ۲
ر.ک. دکتر نجاد علی الماسی، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۹۵۸ و ۲۱۲.
۱۰. گزینه ۲
ر.ک. دکتر نجاد علی الماسی، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۸۹.
۱۱. گزینه ۱
ر.ک. دکتر نجاد علی الماسی، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۲۵.
۱۲. گزینه ۳
ر.ک. به ماده ۹۶۸ قانون مدنی.
۱۳. گزینه ۳
ر.ک. به ماده ۶ قانون و دکتر الماسی، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۴۴.
۱۴. گزینه ۱
ر.ک. دکتر نجاد علی الماسی، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۱۹.
۱۵. گزینه ۲
ر.ک. دکتر نجاد علی الماسی، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۰۱.
۱۶. گزینه ۱
ر.ک. منبع پیشین، ص ۱۶۳ و ۱۱۳. اگر توصیف برای اعمال قاعده حل تعارض مقرر دادگاه ضروری باشد توصیف اصلی و به موجب قانون مقرر دادگاه به عمل می‌آید و در غیر این صورت توصیف فرعی و به موجب قانون سبب صورت می‌گیرد.

۱۷. گزینه (۱)

ر.ک. دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۹۳.
رفتار متقابل سیاسی به وسیله یک معاهده سیاسی برقرار می‌شود. در این صورت اتباع کشور بیگانه فقط از حقوقی که در «معاهده سیاسی» اسم برده شده متمتع می‌شوند.

۱۸. گزینه (۱)

ر.ک به ماده ۶ قانون مدنی.

۱۹. گزینه (۲)

تابعیتی را که به وسیله اجرای سیستم خاک و خون به دست آید تابعیت اصلی می‌نامند و تابعیتی که بوسیله ازدواج و بوسیله پذیرش به تابعیت ایران حاصل شود، تابعیت اکتسابی می‌نامند.
ر.ک. دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۶۱.

۲۰. گزینه (۳)

ر.ک به ماده ۹۸۴ قانون مدنی.

سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور آزاد سال ۸۹

۱. تفاوت دو قاعده تقلب نسبت به قانون و نظم عمومی در این است که در مورد اول اشکال در است و در مورد دوم اشکال در می‌باشد.
 - (۱) شخص استناد کننده به قانون خارجی، محتوای قانون خارجی
 - (۲) محتوای قانون خارجی، شخص استناد کننده به قانون خارجی
 - (۳) محتوای قانون خارجی، شخص متضرر از اجرای قانون خارجی
 - (۴) مقام وضع کننده قانون خارجی، محتوای قانون خارجی
۲. احاله زمانی مطرح می‌شود که:
 - (۱) قانون مقر دادگاه یک کشور خارجی را صلاحیت‌دار اعلام نماید.
 - (۲) قانون خارجی تعیین شده به وسیله قاعده حل تعارض مقر دادگاه یا رد صلاحیت قانون خود قانون کشور دیگری را صلاحیت‌دار بداند.
 - (۳) قانون خارجی تعیین شده به وسیله قاعده حل تعارض مقر دادگاه صلاحیت خود را بپذیرد.
 - (۴) در مورد قضیه مطروحه در کشور مقر دادگاه قانون چند کشور خارجی خود را صلاحیت‌دار بدانند.
۳. عمل توصیف عبارت است از طبقه‌بندی قضیه مطروحه در یکی از انواع
 - (۱) عوامل ارتباط (۲) مسیرهای ارتباط (۳) دسته‌های ارتباط (۴) قواعد ارتباط
۴. اگر قانون ایران در مورد قانون کشور خارجی الف را صلاحیت‌دار بداند در حالی که قانون کشور خارجی مذکور، قانون اقامتگاه ذینفع را صلاحیت‌دار می‌داند، محکمه ایرانی بر اساس ضوابط کدام کشور اقامتگاه ذینفع را تشخیص می‌دهد؟
 - (۱) کشور متبوع ذینفع (۲) کشور ایران
 - (۳) کشوری که ذینفع بیشترین ارتباط را با آن داشته است. (۴) کشور خارجی الف
۵. توجیه اجرای قانون کشور بیگانه بر پایه نظریه نزاکت بین‌المللی در کدام مکتب انجام شده است؟
 - (۱) هلندی (۲) ایتالیایی (۳) فرانسوی (۴) آلمانی
۶. به موجب قوانین ایران ثبت شرکت‌های خارجی ممنوع است مگر در صورت داشتن
 - (۱) سهامداران ایرانی (۲) قرارداد قانونی با دستگاه‌های دولتی ایران
 - (۳) قرارداد قانونی با شرکت‌های ایران (۴) اقامتگاه در ایران
۷. بیگانه‌ای علیه یک ایرانی در محاکم ایران طرح دعوی می‌نماید، در دعاوی راجع به از دادن تأمین معاف است.
 - (۱) برات، بارنامه و چک (۲) برات، بارنامه و بیمه‌نامه
 - (۳) برات، فته‌طلب و چک (۴) مالکیت غیر منقول
۸. به موجب قوانین ایران، ایرانی محسوب می‌شوند کسانی که در ایران متولد شده و
 - (۱) اقامتگاه پدر و مادر آنها غیر معلوم باشد. (۲) پدر و مادر آنها غیر معلوم باشد.
 - (۳) تابعیت پدر و مادر آنها متفاوت باشد. (۴) پدر و مادر آنها تابعیت خارجی داشته باشند.
۹. کسانی که تابعیت ایرانی آنها ناشی از یا است، دارنده تابعیت اصیل ایران به شمار می‌آیند.
 - (۱) تابعیت ایرانی مادر آنها- تولد آنها در سرزمین ایران
 - (۲) تابعیت ایرانی پدر آنها- تولد پدر و مادر آنها در سرزمین ایران
 - (۳) تابعیت ایرانی پدر آنها- تولد آنها در سرزمین ایران
 - (۴) تابعیت ایرانی پدر و مادر آنها- تولد پدر آنها در سرزمین ایران

۱۰. در کشور جمهوری اسلامی ایران مرجع صالح برای رسیدگی به دعوی طاری تابعیت
(۱) همان دادگاه عمومی رسیدگی کننده به دعوی اصلی می‌باشد.
(۲) دادگاه خاصی است که در این رابطه تأسیس شده است.
(۳) دادگاه محل اقامت خواهان می‌باشد.
(۴) وزارت امور خارجه می‌باشد.
۱۱. به موجب قوانین ایران در ازدواج زن ایرانی با مرد بیگانه تغییر تابعیت ایرانی زن بسته به آن است که
(۱) وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران آن را ایجاب نماید.
(۲) زوجه چنین درخواستی داشته باشد.
(۳) مرد چنین درخواستی داشته باشد.
(۴) قانون کشور متبوع شوهر آن را ایجاب نماید.
۱۲. به موجب قوانین ایران کسانی که بر طبق قانون ایران تحصیل تابعیت ایران را می‌نمایند. تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند.
(۱) زن و اولاد (۲) زن و اولاد صغیر (۳) زن و اولاد ذکور (۴) فقط زن
۱۳. شرط کامله الوداد به معنای تعهد یک دولت است در برابر دولت دیگر دایر بر شناختن
(۱) حداکثر حقوق در زمینه‌ای معین که آن دولت برای اتباع دولت‌های ثالث پیش از آن شناخته یا پس از آن خواهد شناخت، برای اتباع آن دولت
(۲) تمام حقوق اتباع داخلی برای اتباع آن دولت
(۳) برخی حقوق اتباع داخلی برای اتباع آن دولت
(۴) تمام حقوقی که دیگر کشورها برای اتباع خارجی قائلند، برای اتباع آن دولت
۱۴. اگر زن ایرانی علیه شوهر خارجی خود در محاکم ایران دعوی نفقه مطرح نماید، موضوع به موجب قانون کشور رسیدگی خواهد شد.
(۱) ایران (۲) اقامتگاه مشترک زوجین
(۳) متبوع شوهر (۴) تعیین شده در زمان ازدواج
۱۵. زن و مرد خارجی که بخواهند در ایران ازدواج نمایند، اهلیتشان برای ازدواج به موجب قانون کشور ارزیابی می‌شود.
(۱) متبوع شوهر (۲) متبوع هر یک (۳) متبوع زن (۴) ایران

پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای کنکور آزاد سال ۸۹

۱. گزینه (۱)
ر.ک. حقوق بین الملل خصوصی، دکتر الماسی، ص ۱۹۷
۲. گزینه (۲)
ر.ک. حقوق بین الملل خصوصی، دکتر الماسی، ص ۱۱۸.
۳. گزینه (۳)
ر.ک. حقوق بین الملل خصوصی، دکتر الماسی، ص ۱۰۳.
۴. گزینه (۴)
ر.ک. حقوق بین الملل خصوصی، دکتر الماسی، ص ۱۳۲.
۵. گزینه (۴)
ر.ک. حقوق بین الملل خصوصی، دکتر الماسی، ص ۷۳.
۶. گزینه (۲)
ر.ک. حقوق بین الملل خصوصی، دکتر الماسی، ص ۱۹۷
۷. گزینه (۳)
مستند به ماده ۱۴۵ قانون آیین دادرسی مدنی
۸. گزینه (۲)
ر.ک: بند ۳ ماده ۹۷۶ ق.م.
۹. گزینه (۳)
ر.ک: بند ۳ ماده ۹۷۶ ق.م.
۱۰. گزینه (۱)
ر.ک. حقوق بین الملل خصوصی، دکتر الماسی، ص ۱۱۶
۱۱. گزینه (۴)
ر.ک: بند ۳ ماده ۹۸۷ ق.م.
۱۲. گزینه (۲)
ر.ک: بند ۳ ماده ۹۸۴ ق.م.
۱۳. گزینه (۱)
ر.ک. حقوق بین الملل خصوصی، دکتر الماسی، ص ۱۱۶
۱۴. گزینه (۳)
ر.ک: بند ۳ ماده ۹۶۳ ق.م.
۱۵. گزینه (۱)
مستند به ماده ۹۶۳ ق.م.

سوالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری سال ۹۰

۱. در ماده ۹۷۹ قانون مدنی داشتن چه نوع اقامتی برای کسب تابعیت ایران از سوی بیگانگان لازم دانسته شده است؟
 - (۱) پنج سال اقامت در داخل ایران به صورت متوالی
 - (۲) پنج سال اقامت در داخل یا خارج ایران به صورت متوالی یا متناوب
 - (۳) پنج سال اقامت در داخل ایران به صورت متوالی یا متناوب
 - (۴) پنج سال اقامت در داخل یا خارج ایران به صورت متوالی
۲. دولت ایران در چه موردی می‌تواند از فردی ایرانی سلب تابعیت نماید؟
 - (۱) اگر ایرانی علیه امنیت ملی اقدام نماید.
 - (۲) اگر ایرانی به هر دلیلی دارای تابعیت مضاعف شود.
 - (۳) اگر ایرانی تابعیت کشور دیگری را تحصیل نماید.
 - (۴) اگر ایرانی به کشور خارجی پناهنده شود.
۳. دعوای نفقه یک زن ایرانی علیه شوهر خارجی او تابع قانون..... است.
 - (۱) ایران
 - (۲) اقامتگاه زن و شوهر
 - (۳) مورد توافق زن و شوهر
 - (۴) خارجی
۴. عادی و رسمی بودن وصیت‌نامه از لحاظ حقوق ایران جزء مسائل مربوط به.....
 - (۱) اهلیت موصی است و توصیفی اصلی است.
 - (۲) اهلیت موصی له است و توصیفی اصلی است.
 - (۳) طرز تنظیم وصیت‌نامه است و توصیفی فرعی است.
 - (۴) ماهیت وصیت‌نامه است و توصیفی فرعی است.
۵. کدام عبارت صحیح است؟
 - (۱) قواعد مربوط به تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها دو جانبه هستند.
 - (۲) قواعد مربوط به تعارض قوانین دو جانبه و قواعد مربوط به تعارض دادگاه‌ها یک جانبه هستند.
 - (۳) قواعد مربوط به تعارض قوانین یک جانبه و قواعد مربوط به تعارض دادگاه‌ها دو جانبه هستند.
 - (۴) قواعد مربوط به تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها یک جانبه هستند.
۶. به موجب قوانین ایران، کسی تابع ایران محسوب می‌شود که.....
 - (۱) در ایران متولد شده باشد.
 - (۲) در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران به دنیا آمده باشند، متولد شده باشد.
 - (۳) در ایران از پدر و مادر خارجی که هر دو آن‌ها در ایران به دنیا آمده باشند، متولد شده باشد.
 - (۴) از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران به دنیا آمده باشند، متولد شده باشد.
۷. اگر یک ایرانی تابعیت کشور خارجی الف را تحصیل نماید تابعیت خارجی او.....
 - (۱) در ایران به رسمیت شناخته می‌شود.
 - (۲) در صورتی در ایران به رسمیت شناخته می‌شود که طبق مقررات ایران، ترک تابعیت ایران نموده باشد.
 - (۳) در صورتی در ایران به رسمیت شناخته می‌شود که تابعیت خارجی وی تابعیت غالب و مؤثر باشد.
 - (۴) در ایران به رسمیت شناخته نمی‌شود مگر اینکه خود درخواست نماید.

۸. به موجب قوانین ایران کدام اشخاص ممکن است بدون رعایت شرط اقامت با تصویب هیأت وزراء به تابعیت ایران قبول شوند؟
- ۱) اشخاصی که دارای عیال ایرانی هستند.
 - ۲) اشخاصی که دارای عیال ایرانی بوده و ۱۰ سال از ازدواج آن‌ها گذشته باشد.
 - ۳) اشخاصی که دارای عیال ایرانی بوده و حداقل ۲ فرزند داشته باشند.
 - ۴) اشخاصی که دارای عیال ایرانی بوده و از او اولاد دارند.
۹. تعارض مثبت میان سیستم‌های ملی حل تعارض دولت‌ها از وجود چه عاملی است؟
- ۱) وجود تعارض صریح بین قواعد حل تعارض
 - ۲) وجود هماهنگی و توافق نظر در خصوص قواعد حل تعارض
 - ۳) وجود تعارض مخفی در تعیین محتوای دسته‌های ارتباط
 - ۴) وجود تفسیرهای مختلف درباره عامل ارتباط
۱۰. کسانی که موافق ماده ۹۹۰ قانون مدنی به تابعیت ایران بازگشت می‌نمایند از چه نوع تابعیتی برخوردار خواهند شد؟
- ۱) ایرانی الاصل
 - ۲) تابعیت اکتسابی
 - ۳) تابعیت تبعی
 - ۴) تابعیت اصلی
۱۱. تشخیص اهلیت یک خارجی برای تحصیل تابعیت ایران تابع قانون..... خواهد بود.
- ۱) اقامتگاه او
 - ۲) ایران
 - ۳) محل سکونت او
 - ۴) دولت متبوع او
۱۲. اختیارات و تکالیف قیم نسبت به مولی علیه تابع قانون..... است.
- ۱) اقامتگاه مقیم
 - ۲) اقامتگاه مولی علیه
 - ۳) ملی مولی علیه
 - ۴) ملی مقیم
۱۳. یک زن خارجی که شوهر او ایرانی است در ایران از دنیا می‌رود و اموالی بجای می‌گذارد. سهم‌الارث وراث تابع قانون..... است.
- ۱) ایران
 - ۲) دولت متبوع وراث
 - ۳) اقامتگاه متوفی
 - ۴) خارجی
۱۴. زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می‌شود می‌تواند..... به تابعیت اول خود رجوع کند.
- ۱) در صورت موافقت شوهر ایرانی
 - ۲) در صورت موافقت دولت ایران
 - ۳) پس از انحلال ازدواج
 - ۴) ظرف یک سال از تاریخ ازدواج
۱۵. دعوای طلاق یک زن پروتستان ایرانی علیه شوهر کاتولیک ایتالیایی او از لحاظ حقوق بین‌الملل خصوصی ایران تابع قانون..... است.
- ۱) ایتالیا
 - ۲) اقامتگاه زوجین
 - ۳) مذهب شوهر
 - ۴) ایران

پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای کنکور سراسری سال ۹۰

۱. گزینه ۲)
مستند به ماده ۹۷۹ ق.م.
۲. گزینه ۳)
فصل دوم، تابعیت، قسمت سلب تابعیت ایران مطالعه شود.
۳. گزینه ۴)
مستند به ماده ۹۶۳ ق.م
۴. گزینه ۳)
عادی و رسمی بودن وصیت‌نامه از لحاظ حقوق ایران جز مسائل مربوط به طرز تنظیم وصیت‌نامه و توصیفی فرعی است.
۵. گزینه ۲)
جمله صحیح قواعد مربوط به تعارض قوانین دوجانبه و قواعد مربوط به تعارض دادگاه‌ها یک جانبه است.
۶. گزینه ۲)
مستند به ماده ۹۶۷ ق.م
۷. گزینه ۲)
اگر یک ایرانی تابعیت کشور خارجی الف را تحصیل نماید تابعیت خارجی او در صورتی پذیرفته می‌شود که طبق مقررات ایران، ترک تابعیت ایران نموده باشد.
۸. گزینه ۴)
شرط اقامت بلاتصویف هیات وزراء شامل اشخاصی که دارای عیال ایرانی بوده و از او اولاد دارند.
۹. گزینه ۱)
تعارض مثبت میان سیستم‌های ملی حل تعارض دولت‌ها از وجود تعارض صریح بین قواعد حل تعارض نشأت می‌گیرد.
۱۰. گزینه ۴)
مستند به ماده ۹۹۰ ق.م. تابعیت اصلی می‌باشد.
۱۱. گزینه ۲)
تشخیص اهلیت یک خارجی برای تحصیل تابعیت ایران تابع قانون ایران است.
۱۲. گزینه ۳)
مستند به ماده ۹۶۵ ق.م
۱۳. گزینه ۱)
مستند به ماده ۹۶۷ ق.م
۱۴. گزینه ۳)
مستند به ماده ۹۸۶ ق.م
۱۵. گزینه ۱)
مستند به ماده ۹۶۳ ق.م

سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری سال ۹۱

- ۱- یک زن خارجی که دارای شوهر و فرزند خارجی است در ایران از دنیا می‌رود و اموال منقولی بجا می‌گذارد. قانون حاکمیت بر ارث قانون است.
- (۱) دولت متبوع شوهر
(۲) دولت متبوع فرزند
(۳) محل وقوع مال
(۴) دولت متبوع زنی که از دنیا رفته
- ۲- اثر شدید و خفیف نظم عمومی به ترتیب در است.
- (۱) ایجاد حق و تاثیر بین‌المللی حق
(۲) مساله احاله و توصیف‌ها
(۳) مساله توصیف‌ها و احاله
(۴) تاثیر بین‌المللی حق و ایجاد حق
- ۳- مطابق ماده ۹۶۱ قانون مدنی: «جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود» و مطابق ماده ۹۶۲ همان قانون: «تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود» ماده ۹۶۱ مربوط به ماده ۹۶۲ مربوط به است.
- (۱) تقسیم جغرافیایی اشخاص، تعارض قوانین
(۲) وضع حقوقی خارجیان، تعارض قوانین
(۳) تعارض قوانین، وضع حقوق خارجیان
(۴) تعارض قوانین، تقسیم جغرافیایی اشخاص
- ۴- سن تحصیل تابعیت ایران سال، سن ترک تابعیت ایران سال، سن رد تابعیت ایران سال است.
- (۱) ۱۵، ۱۸، ۱۸ (۲) ۲۵، ۱۸، ۱۸ (۳) ۱۵، ۲۵، ۱۸ (۴) ۱۸، ۱۸، ۲۵
- ۵- اگر قانون به قانون احاله دهد، احاله درجه اول رخ می‌دهد.
- (۱) خارجی - ایران (۲) ایران - خارجی
(۳) خارجی - خارجی (۴) ایران - ایران
- ۶- شرایط و موانع ازدواج زن و مرد دارای مذهب مختلف و تابعیت‌های مختلف تابع قانون است.
- (۱) مذهب هر یک از طرفین
(۲) دولت متبوع شوهر
(۳) مذهب شوهر
(۴) دولت متبوع هر یک از طرفین
- ۷- یک زن فرانسوی با مردی ایتالیایی در انگلیس ازدواج می‌کنند. حال اگر مساله صحت ازدواج آنان در دادگاه ایران مطرح شود، قانون حاکم بر شرایط و موانع ازدواج ایشان بر اساس قاعده حل تعارض کدام کشور تعیین خواهد شد؟
- (۱) ایران (۲) ایتالیا (۳) انگلیس (۴) فرانسه و ایتالیا
- ۸- به موجب ماده ۹۸۲ ق.م.ا.شخاصی که تحصیل تابعیت نموده یا بنمایند از تصدی کدام سمت محروم نخواهند بود؟
- (۱) عضویت در مجلس شورای اسلامی
(۲) عضویت در شورای نگهبان
(۳) عضویت شورای شهر
(۴) عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ۹- زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید
- (۱) تابعیت ایرانی را از دست می‌دهد مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت ایرانی زوجه باقی بماند.
(۲) تابعیت ایرانی را از دست نمی‌دهد.
(۳) تابعیت ایرانی را از دست می‌دهد.
(۴) تابعیت ایرانی را از دست نمی‌دهد مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر بر زوجه تحمیل شود.
- ۱۰- اثر منفی و مثبت نظم عمومی مربوط به است.
- (۱) تعارض صریح و ضمنی قوانین
(۲) تعارض منفی و مثبت قوانین
(۳) نحوه جایگزین شدن قانون مقر دادگاه
(۴) تعارض زمانی و ضمنی قوانین
- ۱۱- برای ترک تابعیت ایران، لازم است متقاضی سال سن داشته باشد و تعهد نماید که در طرف سال از تاریخ ترک تابعیت، حقوق خود را بر اموال غیر منقول که در ایران دارا می‌باشد به نحوی از انحا به اتباع ایرانی منتقل کند.
- (۱) بیست و پنج - یک (۲) بیست و پنج - دو (۳) هجده - یک (۴) هجده - دو

۱۲- احکام صادره از محاکم خارجی را نمی‌توان در ایران اجرا نمود مگر اینکه مطابق امر به اجرای آن‌ها صادر شده باشد.

(۱) قانون کشور محل صدور حکم

(۲) قانون ایران

(۳) قانون کشور محکوم له

(۴) قواعد و مقررات بین‌المللی

۱۳- آثار ازدواج زن و شوهری که مذاهب مختلف و تابعیت‌های مختلف دارند تابع قانون است.

(۱) دولت متبوع شوهر

(۲) اقامتگاه زن و شوهر

(۳) مذهب شوهر

(۴) مذهب زن و شوهر

۱۴- در رابطه بین تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها:

(۱) حل مساله تعارض دادگاه‌ها مقدم بر حل مساله تعارض قوانین است.

(۲) اصولاً ارتباطی بین تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها موجود نیست.

(۳) حل مساله تعارض قوانین مقدم بر حل مساله تعارض دادگاه‌هاست.

(۴) تقدم و تاخیری در حل مساله تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها مطرح نیست.

۱۵- اصل لزوم تابعیت به منظور جلوگیری از وضع شده است.

(۱) تغییرپذیری تابعیت

(۲) دو تابعیتی

(۳) بی‌تابعیتی

(۴) بی‌نظمی در انعقاد قراردادهای بین‌المللی

پاسخ سوالات چهارگزینه‌ای سراسری ۹۱

۱- گزینه ۴)

مستند به ماده ۹۶۷ ق.م.

۲- گزینه ۱)

به ترتیب اثر شدید و خفیف نظم عمومی ایجاد حق و تأثیر بین المللی حق می‌باشد.

۳- گزینه ۲)

رجوع و مستند به مواد ۹۶۱ ق.م راجع به وضع حقوقی خارجیان و ۹۶۲ راجع به تعارض قوانین می‌باشد.

۴- گزینه صحیح وجود ندارد.

سن لازم برای تحصیل تابعیت ایران ۱۸ سال شمسی، برای ترک تابعیت ایران ۲۵ سال شمسی و برای رد تابعیت

ایران ۱۸ سال شمسی مطابق مواد ۹۷۷، ۹۸۴ و ۹۸۸ قانون مدنی است.

۵- گزینه ۱)

اگر قانون خارجی به قانون ایران احاله دهد، احاله درجه اول رخ می‌دهد.

۶- گزینه ۴)

شرایط و موانع ازدواج زن و مرد دارای مذهب مختلف و تابعیت‌های مختلف تابع قانون متبوع هر یک از طرفین است.

۷- گزینه ۳)

قانون حکم بر شرایط و موانع ازدواج بدین صورت است که اگر مساله جز شرایط شکی ازدواج باشد تابع قانون‌های طرفین عقد

ازدواج می‌باشد و اگر جز شرایط ماهوی ازدواج باشد، تابع قانون محل وقوع عقد خواهد بود. که در این سؤال کشور انگلیس می-

باشد.

۸- گزینه ۴)

مستند به ماده ۹۸۲ ق.م.

۹- گزینه ۴)

مستند به ماده ۹۸۷ ق.م.

۱۰- گزینه ۳)

اثر منفی و مثبت نظرم عمومی مربوط به نحوه جایگزین شدن قانون مقر دادگاه می‌باشد.

۱۱- گزینه ۱)

مستند به ماده ۹۸۸ ق.م.

۱۲- گزینه ۲)

مستند به ماده ۹۷۲ ق.م.

۱۳- گزینه ۱)

مستند به ماده ۹۶۳ ق.م.

۱۴- گزینه ۱)

حل مساله تعارض دادگاه‌ها مقدم بر حل مساله تعارض قوانین است.

۱۵- گزینه ۳)

اصل لزوم تابعیت به منظور جلوگیری از بی‌تابعیتی وضع شده است.

سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری سال ۹۲

- ۱- توصیف طرز تنظیم سند در یک سند مدنی، توصیفی
 (۱) اصلی است و برای انتخاب قاعده ایرانی ضرورت دارد. (۲) اصلی است و برای اجرای قاعده ایرانی ضرورت دارد.
 (۳) فرعی است و برای اجرای قاعده ایرانی ضرورت ندارد. (۴) فرعی است و برای انتخاب قاعده ایرانی ضرورت ندارد.
- ۲- زن ایرانی که در اثر ازدواج با مرد بیگانه از تابعیت ایران خارج می‌شود:
 (۱) می‌تواند اموال غیر منقول را همانند سابق در مالکیت داشته باشد.
 (۲) به هیچ وجه حق داشتن اموال غیر منقول را ندارد.
 (۳) تا زمانی که در ایران است، مانعی برای تملک اموال غیر منقول وجود ندارد.
 (۴) به شرطی می‌تواند اموال غیر منقول داشته باشد که موجب سلطه اقتصادی خارجی نگردد.
- ۳- کدام گزینه در مورد علت به وجود آمدن احاله صحیح است؟
 (۱) رجوع به قاعده حل تعارض کشور متبوع قاضی (۲) رجوع به قاعده حل تعارض کشور خارجی
 (۳) رجوع به قاعده مادی کشور خارجی (۴) رجوع به قاعده مادی کشور متبوع قاضی
- ۴- تابعیت مضاعف اکتسابی (یا بعد از تولد) معلول تعارض است.
 (۱) سیستم خون و سیستم استقلال نسبی تابعیت زوجین (۲) سیستم استقلال نسبی و وحدت تابعیت زوجین
 (۳) سیستم استقلال مطلق و وحدت تابعیت زوجین (۴) سیستم خاک و سیستم استقلال مطلق تابعیت زوجین
- ۵- کدام گزینه از اوصاف و ویژگی‌های روش اصولی و حقوقی از روش‌های حل تعارض قوانین هستند؟
 (۱) هر دو خاص‌الشمول هستند.
 (۲) هر دو عام‌الشمول هستند.
 (۳) روش اصولی عام‌الشمول و روش حقوقی خاص‌الشمول هستند.
 (۴) روش اصولی خاص‌الشمول و روش حقوقی عام‌الشمول هستند.
- ۶- قانون حاکم بر ولایت بر فرزند، قانون دولت متبوع است.
 (۱) فرزند (۲) پدر (۳) پدر و مادر (۴) پدر و جد پدری
- ۷- به موجب مقررات تابعیت ایران شخصی که تابعیت ایران را تحصیل می‌نماید
 (۱) این امر هیچ تاثیری بر تابعیت زوجه و فرزندان ندارد.
 (۲) زوجه و فرزندان وی هم ایرانی محسوب می‌شوند.
 (۳) زوجه و فرزندان صغیرش هم ایرانی محسوب می‌شوند.
 (۴) زوجه‌اش به تابعیت خارجی خود می‌ماند ولی فرزندان صغیرش ایرانی محسوب می‌شوند.
- ۸- به موجب قانون مدنی ایران محاکم به اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا هستند، مشروط بر اینکه اسناد مزبوره:
 (۱) در کشورهای دیگر نیز معتبر شناخته شوند.
 (۲) به علتی قانونی از اعتبار نیفتاده باشند.
 (۳) مطابق مقررات ایران تنظیم شده باشند.
 (۴) مخالف قوانین مربوط به نظم عمومی کشور خارجی نباشند.
- ۹- کدام قانون حاکم بر مالکیت‌های معنوی است؟
 (۱) قانون محل ابراز فعالیت (۲) قانون محل وقوع اموال
 (۳) قانون متبوع پدیدآورنده (۴) قانون محل اقامت پدیدآورنده
- ۱۰- در اجرای کدام قانون، «احاله» به وجود نمی‌آید؟
 (۱) قانون محل اقامت اشخاص (۲) قانون محل وقوع اموال
 (۳) قانون متبوع اشخاص در اهلیت (۴) قانون منتخب طرفین در قراردادها



۱۱- توصیف عینی یا دینی بودن یک حق مالی توصیفی
 (۱) اصلی است و برای انتخاب قاعده ایرانی ضرورت دارد. (۲) اصلی است و برای اجرای قاعده ایرانی ضرورت ندارد.
 (۳) فرعی است و برای اجرای قاعده ایرانی ضرورت ندارد. (۴) فرعی است و برای انتخاب قاعده ایرانی ضرورت دارد.

۱۲- احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین در خارجه را نمی توان در ایران اجرا کرد مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آنها شده باشد.

(۱) قراردادهای منعقد شده (۲) بروات صادر شده

(۳) اوراق بهادار صادر شده (۴) اسناد رسمی لازم الاجرای تنظیم شده

۱۳- مرد بیگانه‌ای درخواست تحصیل تابعیت ایران را می کند. به هنگام درخواست، فرزند او ۱۷ سال داشته ولی در زمان اعطای تابعیت ایران فرزند مزبور ۱۸ ساله شده است. با اعطای تابعیت ایران به پدر، این فرزند:

(۱) می تواند به تابعیت ایران وارد شود. (۲) وارد تابعیت ایران نمی شود.

(۳) نیز به تبع پدر به تابعیت ایران وارد می شود. (۴) با اجازه دولت متبوع خود به تابعیت ایران وارد می شود.

۱۴- هرگاه یک ایرانی بدون اجازه دولت ایران، تابعیت یک کشور بیگانه را تحصیل نماید
 (۱) دولت ایران می تواند تابعیت بیگانه را از او سلب نماید. (۲) دولت ایران باید تابعیت ایرانی را از او سلب نماید.
 (۳) دولت ایران می تواند تابعیت ایرانی را از او سلب نماید. (۴) دولت ایران نمی تواند تابعیت ایرانی را از او سلب نماید.

۱۵- توصیف محل وقوع عقد در عقد غیر حضوری یک توصیف
 (۱) اصلی است و برای اجرای قاعده ایرانی ضرورت دارد. (۲) اصلی است و برای انتخاب قاعده ایرانی ضرورت ندارد.
 (۳) فرعی است و برای اجرای قاعده ایرانی ضرورت ندارد. (۴) فرعی است و برای انتخاب قاعده ایرانی ضرورت دارد.

پاسخ سوالات چهارگزینه‌ای سراسری ۹۲

۱- گزینه ۱)

به نظر می‌رسد هم‌صورت سوال و هم کلید سازمان سنجش اشکال دارد. صورت و پاسخ سوال در صورتی (آن هم با مسامحه فراوان) درست است که به این شکل باشد: توصیف اسناد از حیث عادی یا رسمی بودن چگونه توصیفی است.

۲- گزینه ۴)

زن‌های ایرانی که در اثر ازدواج تابعیت خارجی شوهر خود را اکتساب یا تحصیل می‌کنند دیگر نمی‌توانند از حقوق و مزایایی که مختص ایرانیان است استفاده کنند و طبق تبصره ۲ ماده ۹۸۷ ق.م.ح. داشتن اموال غیر منقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، ندارند (حقوق بین‌الملل خصوصی - دکتر محمد نصیری - ص ۶۹)

۳- گزینه ۲)

تعارض منفی (برخلاف تعارض مثبت) زمانی حادث می‌گردد که قضیه‌ای به دو کشور ارتباط پیدا می‌کند و قواعد حل تعارض ما هیچ‌کدام قانون خود را واجد صلاحیت نمی‌شناسد، اعم از اینکه هر کشور حل قضیه را به قانون کشور دیگر ارجاع دهد یا آنکه حل قضیه را به قانون کشور ثالثی ارجاع دهد (حقوق بین‌الملل خصوصی - دکتر نجادعلی الماسی - ص ۱۱۷)

۴- گزینه ۳)

اتفاق می‌افتد که در اثر عقد ازدواج بین زن و مردی که دارای تابعیت‌های جداگانه هستند، زن دارای تابعیت مضاعف می‌شود و علت آن است که اغلب در قوانین کشورها مقرر شده ما زنی بیگانه که با مردی از اتباع داخلی ازدواج کند به تابعیت کشور متبوعه شوهر درآید. هرگاه مملکتی متبوعه زن تابعیت اصلی را برای او حفظ کند چنین زنی دارای دو تابعیت می‌شود (حقوق بین‌الملل خصوصی - دکتر محمد نصیری - ص ۴۳)

۵- گزینه ۴)

مالکیت‌هایی را که روش حقوقی دارند «عام‌الشمول» و «تحلیلی» گویند. درحالی که مکتب‌هایی را که روش اصولی دارند «خاص‌الشمول» و «استنتاجی» می‌نامند (حقوق بین‌الملل خصوصی - دکتر الماسی - ص ۵۵)

۶- گزینه ۱)

ولایت قانونی بر طبق قوانین دولت متبوع مولی علیه خواهد بود (ماده ۹۶۵ ق.م.ح. حقوق بین‌الملل خصوصی - دکتر الماسی - ص ۲۷۹)

۷- گزینه ۳)

اولاد صغیر شخص بیگانه‌ای که به تابعیت ایران پذیرفته شده ایرانی محسوب می‌شود؛ زن او هم تبعه دولت ایران شناخته می‌شود (ماده ۹۸۴ ق.م.ح. حقوق بین‌الملل خصوصی - دکتر نصیری - صفحات ۷۳ و ۷۴)

۸- گزینه ۲)

مشروط بر اینکه: اولاً اسناد مزبوره به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد. (حقوق بین‌الملل خصوصی - دکتر الماسی - ص ۳۰۲ + ماده ۹۶۹ ق.م.)

۹- گزینه ۱)

قانون حاکم بر این قبیل مالکیت‌ها (مالکیت معنوی) قانون محل ابراز فعالیت است (حقوق بین‌الملل خصوصی - دکتر الماسی - ص ۲۹۵)

۱۰- گزینه ۴)

به دلیل اینکه بنابر توافق طرفین دیگر حالت تعارض منفی (احاله) ایجاد نخواهد شد چرا که یک قانون به عنوان قانون مورد توافق اجرا خواهد شد.

۱۱- گزینه ۲)

در مساله توصیف یک حق به عنوان عینی و دینی چون این توصیف در اعمال قاعده تعارض دخالت دارد. لذا تابع قانون مقر دادگاه است (توصیف اصلی) (حقوق بین‌الملل خصوصی - دکتر الماسی - ص ۱۱۴)

۱۲- گزینه ۴)

متن ماده ۹۷۲ ق.م.

۱۳- گزینه ۳)

براساس ماده ۹۸۵ ق.م. ملاک برای صغیر و کبیر بودن (سن ۱۸ سال تمام) تاریخ تقاضانامه است. از آنجا که فرزند در زمان تقاضانامه ۱۷ ساله بوده پس صغیر محسوب می‌شود.

۱۴- گزینه ۳)

بر طبق اصل ۴۱ قانون اساسی

۱۵- گزینه ۱)

زیرا قوانین کشورهای مختلف در خصوص زمان انعقاد عقد در قراردادهای مکاتبه‌ای با یکدیگر تفاوت دارد. باید یادآور شویم که دادگاه باید برای توصیف محل انعقاد عقد قانون مقر دادگاه اجرا کند زیرا توصیف محل انعقاد عقد یک توصیف اصلی است (حقوق بین‌الملل خصوصی - دکتر الماسی - ص ۳۳۹ و پاورقی ص ۳۴۰)

سوالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری سال ۹۳

- ۱- تعارض توصیف‌ها جزء تعارض‌های است.
- (۱) زمانی (۲) منفی (۳) صریح (۴) ضمنی
- ۲- توصیف منقول یا غیرمنقول بودن اجزاء ترکه متوفای بیگانه از سوی قاضی ایرانی و فرانسوی به ترتیب و است.
- (۱) صریح - مخفی (۲) اصلی - فرعی (۳) فرعی - اصلی (۴) مخفی - صریح
- ۳- اثر شدید نظم عمومی مربوط به است.
- (۱) مرحله تشکیل حق (۲) تعارض مثبت قوانین (۳) تعارض منفی قوانین (۴) مرحله تاثیر حق
- ۴- اگر طفلی نامشروع در کشور فرانسه انتساب خود به پدر طبیعی‌اش را ثابت نماید و بعداً به استناد آن حکم، در ایران از پدر طبیعی تقاضای نفقه نماید، دادگاه ایران این تقاضا را زیرا تقاضا مربوط به مرحله می‌باشد.
- (۱) نمی‌پذیرد - اثرگذاری حق (۲) می‌پذیرد - ایجاد حق
(۳) می‌پذیرد - اثرگذاری حق (۴) نمی‌پذیرد - ایجاد حق
- ۵- چه شرکتی چند ملیتی است؟
- (۱) شرکتی که دارای تابعیت چند کشور است.
(۲) یک شرکت اصلی که دارای شرکت‌های فرعی در سایر کشورهاست.
(۳) یک شرکت اصلی که دارای شعب متعدد در جهان است.
(۴) شرکتی که سهامداران آن از کشورهای مختلف هستند.
- ۶- عدم پذیرش ازدواج میان یک زن مسلمان فرانسوی با مرد مسیحی هموطنش در ایران، با وجود آنکه ازدواج آنها طبق قانون دولت متبوعشان مجاز است، به کدام یک از آثار و مراحل نظم عمومی مربوط می‌شود؟
- (۱) اثر مثبت - اثرگذاری حق (۲) اثر منفی - ایجاد حق
(۳) اثر منفی - اثرگذاری حق (۴) اثر مثبت - ایجاد حق
- ۷- در صورت بروز تعارض قوانین در «دیون» چه قانونی برای اجرا منطقی‌تر به نظر می‌رسد؟
- (۱) مقر دادگاه (۲) حاکم بر منشأ دین (۳) اقامتگاه داین (۴) اقامتگاه مدیون
- ۸- کدام یک، دسته ارتباط است؟
- (۱) اسناد (۲) محل تنظیم اسناد (۳) اقامتگاه (۴) اتباع
- ۹- تابعیت دوگانه اصلی معلول تعارض است.
- (۱) دو سیستم خون (۲) سیستم وحدت و استقلال مطلق (۳) سیستم وحدت و استقلال نسبی (۴) دو سیستم خاک
- ۱۰- هنگام اجرای عهدنامه در دادگاه، چه کسی بر نحوه تفسیر آن نظارت می‌کند؟
- (۱) وزیر امور خارجه (۲) مجلس شورای اسلامی (۳) رئیس قوه قضائیه (۴) دیوان عالی کشور
- ۱۱- در حقوق ایران، چه قانونی حاکم بر شرایط اساسی قرارداد است؟
- (۱) قانون ایران (۲) قانون محل انعقاد قرارداد داد (۳) قانون محل اجرای قرارداد (۴) قانون متبوع متعاقدين
- ۱۲- ترکه منقول و غیرمنقول اتباع خارجه که در ایران است از لحاظ تعیین وراث و تشخیص سهم الارث آنها تابع قانون است.
- (۱) دولت متبوع وراث (۲) اقامتگاه مورث (۳) دولت متبوع مورث (۴) محل وقوع اموال

۱۳- مکتب مانچینی گرایش به اصل داشت.

- (۱) خاص الشمول بودن قوانین
(۲) شخصی بودن قوانین
(۳) ذاتی بودن قوانین
(۴) درون مرزی بودن قوانین

۱۴- مسئله نظم عمومی زمانی مطرح می شود که قانون صالح باشد.

- (۱) ماهوی ایران
(۲) حل تعارض خارجی
(۳) حل تعارض ایران
(۴) ماهوی خارجی

۱۵- تعارض مثبت سیستم های رفع تعارض منجر به به وجود آمدن می شود.

- (۱) احاله
(۲) اثر مثبت نظم عمومی
(۳) حقوق مخالف
(۴) تعارض توصیفها

پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای سراسری ۹۳

۱- گزینه ۴)

تعارض صریح تعارضی است که به صورت صریح و آشکار بین قواعد حل تعارض کشورهای ذی نفع وجود دارد. این تعارض گاهی به صورت «تعارض منفی» و گاهی به صورت «تعارض مثبت» ظاهر می گردد. در تعارض منفی، حل قضیه به قانون کشور دیگر ارجاع می شود، حال آن که در تعارض مثبت حل به قانون ایران ارجاع می شود.

قسم دیگری از تعارض، تعارض مفاهیم ارتباط است. این نوع از تعارض که در واقع نوعی تعارض مخفی است به دلیل تفاوت کشورها در تفسیر از «عوامل ارتباط» مطرح می شود. یعنی ممکن است قانون دو کشور در مورد موضوعی خاص قانون اقامتگاه شخص را صالح قرار دهند، اما به دلیل تفسیرهای متفاوت آن‌ها از اقامتگاه عملاً تعارض به وجود آید.

قسم سوم تعارض تعارض مخفی است، در این حالت، سیستم‌های ملی مثل حالت قبل اتفاق نظر دارند و عامل ارتباطی مشابهی را نیز قبول کرده‌اند و حتی از آن تفسیر و تعریف مشابهی نیز ارائه کرده‌اند، اما در تعیین محتوای دسته‌های ارتباط با هم تعارض دارند.

۲- گزینه ۲)

در موضوع تعارض قوانین موضوعات مطرح نزد قاضی جزئی و خاص هستند و برای هر یک از آن‌ها قانون جداگانه‌ای وجود ندارد. قاضی در تمامی مواردی که با بحث تعارض قوانین روبرو می شود باید سعی کند آن را در یکی از دسته‌های ارتباط یعنی اموال، احوال شخصیه، اسناد و ... قرار دهد. به این عمل قاضی توصیف می گویند.

۳- گزینه ۱)

اثر نظم عمومی در مرحله‌ی ایجاد حق و در مرحله‌ی اثرگذاری حق: به طور خلاصه می توان گفت که در مرحله‌ی اثرگذاری حق، نظم عمومی اثر خفیفی تولید می کند و به همین جهت کمتر مورد استناد قرار می گیرد. یعنی اگر حقی طبق قانون خارجی صحیحاً ایجاد شده باشد، در مورد آثار آن کمتر به نظم عمومی استناد می شود.

۴- گزینه ۳)

در مورد این سؤال دادگاه ایران این تقاضا را می پذیرد زیرا تقاضا مربوط به مرحله اثرگذاری حق می باشد.

۵- گزینه ۲)

شرکت چند ملیتی شرکتی است که در سایر کشورها دارای شرکت فرعی است.

۶- گزینه ۲)

اثر منفی و اثر مثبت نظم عمومی: اثر نظم عمومی هنگامی منفی است که قاضی از اجرای قانون صلاحیتدار خارجی جلوگیری می کند، بدون این که قانون مقر دادگاه را جایگزین آن کند. اما اثر مثبت نظم عمومی در صورتی است که قاضی بعد از عدم اجرای

قانون صلاحیتدار، قانون مقر دادگاه را جایگزین آن کند.

۷- گزینه ۴)

اموال غیر مادی: اموال غیر مادی اموالی هستند که وجود مادی در خارج ندارند، ولی جامعه وجود آنها را اعتبار نموده و قانون هم آن را شناخته است. اموال غیر مادی عبارتند از:

الف) حقوق عینی: این حقوق که شامل حقوقی نظیر حق انتفاع، حق ارتفاق، حقوق دینی (دیون)، سرقفلی است، دارای پایگاه یکسانی با خود اموال است و بنابراین قانون محل وقوع مال نسبت به آنها اعمال می‌شود.

ب) مالکیت‌های معنوی و دیون: چون محل وقوع حقیقی و تجلی فیزیکی ندارند، ناگزیر باید در مورد آنها یک محل وقوع فرضی در نظر گرفته شود و بر اساس آن قانون صلاحیتدار را تعیین کرد. بر طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی قانون حاکم بر مالکیت‌های صنعتی قانون دولتی است که اختراع نامه یا حق امتیاز را به مخترع اعطاء می‌کند، اما قانون حاکم بر مالکیت‌های ادبی و هنری قانون محلی است که اثر در آنجا انتشار یافته است.

در مورد قانون حاکم بر دیون نیز به نظر می‌رسد که قانون اقامتگاه مدیون صالح‌تر است، چرا که از طریق صلاحیت این قانون، تقارن قانون‌گذاری و قضایی حاصل می‌شود.

۸- گزینه ۱)

دسته‌های ارتباط: به منظور طرح درست مسائل و یافتن راه حل صحیح آنها روابط حقوقی متجانس را در دسته‌هایی که آنها را دسته‌های ارتباط می‌گویند تقسیم می‌کنند. مفاهیمی چون احوال شخصیه اموال و قراردادهای ارتباط می‌باشند زیرا هر دسته از دسته‌های ارتباط، با قانون خاصی که به وسیله قواعد تعارض قوانین معین شده است ارتباط پیدا می‌کند. توصیف تشخیص اینکه یک رابطه حقوقی شخص داخل در کدام دسته ارتباط است توصیف نامیده می‌شود.

۹- گزینه ۱)

تابعیت دوگانه اصلی معلول تعارض دو سیستم خون می‌باشد.

۱۰- گزینه ۴)

وصف داخلی عهدنامه متضمن نتایج زیر است:

۱- در صورت بروز اختلاف بین متن ایرانی و متن خارجی عهدنامه، در صورتی که تصمیم دیگری بین طرفین اتخاذ نشده باشد، متن ایرانی سندیت دارد.

۲- مادام که عهدنامه طبق مقررات قانون انتشار نیافته است، دادگاه نمی‌تواند مقررات آن را موقع به اجرا بگذارد.

۳- تفسیر متن عهدنامه، مثل قانون داخلی یا نظارت دیوان عالی کشور انجام گیرد.

مهمترین قراردادهای چند جانبه با هدف وحدت قواعد تعارض، قراردادهای لاهه ۱۸۹۳ می‌باشند که به دعوت دولت هلند با شرکت ۱۳ کشور در شهر لاهه تشکیل شد و عهدنامه‌هایی راجع به آیین دادرسی قیمومیت صغار، ازدواج و طلاق، ارث و وصیت امضاء شد.

۱۱- گزینه ۱)

مطابق ماده ۹۶۸ قانون مدنی «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است» و از آنجا که مطابق نظر اکثریت قریب به اتفاق حقوقدانان استعمال عبارت «تعهدات» در این ماده مسامحتاً می‌باشد، لذا کلیه مراحل انعقاد عقد (از تکوین تا اجرا) در صلاحیت قانون محل وقوع می‌باشد.

۱۲- گزینه ۳)

مطابق ماده ۹۶۷ قانون مدنی ایران: «ترکه‌ی منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوط به تعیین وارث و مقدار سهم‌الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته است به موجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود.»

۱۳- گزینه ۲)

این مکتب که نام دیگرش مکتب شخصیت قوانین است با مکتب قدیم ایتالیا تفاوت دارد، اما از بسیاری جهات شبیه مکتب اصولی درژانتره است. مؤسس این مکتب منچینی بود که از رجال سیاسی ایتالیا بود و سهم عمده‌ای در تحقق وحدت سیاسی ایتالیا

داشت. با توجه به این که در زمان منچینی ایتالیا مورد هجوم و سلطه‌ی دولت‌های خارجی به ویژه اتریش قرار داشت، وحدت سیاسی از اهمیت خاصی برخوردار بود و رجال سیاسی تلاش می‌کردند تا احساسات ملی را تقویت کرده و دولت واحد نیرومندی را به وجود آورند. به همین دلیل بود که منچینی به دنبال به وجود آوردن مکتبی برآمد که بتواند حاکمیت سیاسی ایتالیا را گسترش دهد. او برای دست یافتن به این منظور به اصل شخصی بودن قوانین استناد کرد، یعنی اتباع ایتالیا هر جا که باشند تابع قوانین آن هستند. او برای توجیه دکتترین خود به دلایل زیر استناد کرد:

- وجود هر دولتی وابسته به اتباع آن است، یعنی می‌توان فرض کرد که دولتی بدون سرزمین وجود داشته باشد، اما نمی‌توان فرض کرد که دولت بدون اتباع وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، شخصی بودن قوانین اصل و سرزمینی بودن قوانین فرع است.
- قوانین اصولاً برای منافع اشخاص وضع شده‌اند و قانون‌گذار هر کشور بهتر می‌تواند منافع اتباع خود را در نظر بگیرد.

۱۴- گزینه ۴)

هرگاه قانون خارجی صلاحیت‌دار برای نظام حقوقی کشور متبوع قاضی غیر قابل تحمل باشد در این صورت قاضی به استناد نظم عمومی از اجرای آن قانون خودداری خواهد کرد، چرا که هر کشوری تا حدی اجرای قوانین خارجی در کشور خود را قبول می‌کند که با اساس تشکیلات و یا با امنیت داخلی و احساسات وجدانی جامعه‌ی آن منافات نداشته باشد. مثلاً اگر قانون خارجی نکاح بین محارم را مجاز بداند، این قانون به دلیل تضاد با نظم عمومی ایران قابلیت اجرایی ندارد.

۱۵- گزینه ۳)

تعارض مثبت سیستم‌های رفع تعارض منجر به وجود آمدن حقوق مخالف می‌شود.

سوالات کنکور سراسری ۹۴

۱- ملاک تفکیک تابعیت و اقامتگاه، به ترتیب، وجود کدام رابطه است؟

- (۱) حقوقی و مادی شخص با دولت - سیاسی و معنوی
(۲) سیاسی و معنوی شخص با دولت - مادی و حقوقی
(۳) حقوقی و معنوی شخص با دولت - سیاسی و مادی
(۴) سیاسی و حقوقی شخص با دولت - مادی و معنوی

۲- حمید براتی را در انگلستان صادر کرده است. برات مزبور در فرانسه توسط یک ایتالیایی ظهرنویسی شده است.

اگر در خصوص تعهدات ناشی از ظهرنویسی در دادگاه ایران اقامه دعوی شود، موضوع تابع قانون کدام کشور است؟

- (۱) فرانسه (۲) ایتالیا (۳) انگلستان (۴) مقر دادگاه

۳- اگر دادگاه ایرانی با یک سازمان حقوقی خارجی که در قانون ایران شناخته نشده است، مواجه شود، چگونه باید

آن را توصیف کند؟

- (۱) غیرقابل توصیف (۲) منحصراً طبق قانون ایران
(۳) منحصراً طبق قانون خارجی (۴) طبق قانون ایران، ولی به کمک قانون خارجی

۴- حمید که ایرانی است، قیم محجوری فرانسوی است. دادگاه ایران برای تعیین اختیارات و وظایف او، به کدام قانون

باید مراجعه کند؟

- (۱) بستگی به نظر دادگاه دارد. (۲) فرانسه

- (۳) هم ایران و هم فرانسه (۴) ایران

۵- کدام قانون، حاکم بر نقل و انتقال سهام با نام است؟

- (۱) محل وقوع سهام (۲) محل انتشار سهام

- (۳) اقامتگاه مدیون (۴) اقامتگاه داین

۶- طبق نظریه‌ای که جنبه حقوقی دارد. در تعارض قوانین در دیون، کدام قانون برای اجرا صلاحیت دارد؟

- (۱) محل وقوع مال (۲) اقامتگاه مدیون

- (۳) حاکم بر منشأ دین (۴) اقامتگاه داین

۷- «اصل جامعه مشترک حقوقی»، مبنا و اساس روش کدام شخص است؟

- (۱) ساوینی (۲) بارتن (۳) نی‌بویه (۴) منچینی

۸- پس از کدام مورد، توصیف عامل ارتباط به عمل می‌آید؟

- (۱) احاله (۲) نظم عمومی (۳) تقلب نسبت به قانون (۴) توصیف نوع دعوا

۹- در ازدواج زن ایرانی با مردم خارجی و ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی، به ترتیب تابعیت زن بر مبنای کدام

سیستم تعیین می‌شود؟

- (۱) استقلال تابعیت زوجین - استقلال تابعیت زوجین (۲) وحدت تابعیت زوجین - وحدت تابعیت زوجین

- (۳) استقلال نسبی - وحدت تابعیت زوجین (۴) استقلال مطلق - وحدت تابعیت زوجین

۱۰- در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران، اهلیت هر کس برای معامله کردن، اصولاً تابع کدام قانون است؟

- (۱) اقامتگاه معامله کننده (۲) محل وقوع معامله

- (۳) مورد توافق متعاملین (۴) دولت متبوع معامله کننده

۱۱- کدام قانون، حاکم بر مفاد اسناد است؟

- (۱) مناسب موضوع (۲) محل تنظیم سند

- (۳) اقامتگاه تنظیم کننده (۴) دولت متبوع تنظیم کننده

۱۲- بی‌تابعیتی تولدی، ناشی از کدام مورد است؟

- (۱) اعمال سیستم خاک و سیستم خون

- (۲) عدم اعمال سیستم خون و سیستم خاک

- (۳) اعمال سیستم خاک و عدم اعمال سیستم خون (۴) عدم اعمال سیستم خاک و اعمال سیستم خون

۱۳- صلاحیت قانون محل وقوع معامله برای تعیین اهلیت متعاملین در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران، چگونه صلاحیتی است؟

(۱) اجباری (۲) تخییری (۳) اصولی (۴) استثنایی

۱۴- اگر در خصوص موضوعی طبق ماده ۷ قانون مدنی باید قانون خارجی رعایت شود در کدام صورت، دادگاه مکلف به رعایت این احاله نیست؟

(۱) مخالف نظم عمومی ایران باشد. (۲) حل قضیه را به قانون یاران احاله دهد.
(۳) حل قضیه را به قانون دیگری احاله دهد. (۴) مخالف قاعده حل تعارض ایران باشد.

۱۵- زنی هندی و یک مرد فرانسوی قصد دارند در ایران ازدواج کنند. تعیین شرایط ماهوی ازدواج آنها از لحاظ حقوق بین‌الملل خصوصی ایران، تابع قانون کدام کشور است؟

(۱) هر کدام، تابع قانون دولت متبوع خود. (۲) ایران
(۳) فرانسه (۴) مورد توافق طرفین

پاسفنامه آزمون سراسری ۹۴

۱- گزینه ۲

ملاک تفکیک تابعیت از اقامتگاه، به ترتیب سیاسی و معنوی شخص با دولت و مادی و حقوق می‌باشد.

۲- گزینه ۱

با توجه به مورد عنوان شده در سوال موضوع تابع قانون کشور فرانسه می‌باشد.

۳- گزینه ۴

اگر دادگاه ایرانی با یک سازمان خارجی که در قانون ایران شناخته نشده است، مواجه شود، طبق قوانین ایران ولی به کمک قانون خارجی توصیف خواهد شد.

۴- گزینه ۲

مستند به ماده ۹۶۵ ق.م.

۵- گزینه ۳

قانون حاکم بر سهام با نام قانون اقامتگاه مدیون می‌باشد، مراجعه به فصل چهارم، تعارض قوانین، قسمت اسناد با نام.

۶- گزینه ۳

در تعارض قوانین در دیون، قانون حاکم بر منشا دین، صلاحیت اجرا دار، مراجعه به فصل چهارم قسمت مالکیت‌های معنوی و دیون.

۷- گزینه ۱

اصل جامعه مشترک حقوقی، مبنا و اساس روش ساوینی می‌باشد.

۸- گزینه ۴

پس از توصیف نوع دعوا، توصیف عامل ارتباط به حساب می‌آید.

۹- گزینه ۳

در ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی استقلال نسبی و در ازدواج مرد ایرانی با زن خارجی وحدت تابعیت زوجین مبنای سیستم تعیین می‌شود.

۱۰- گزینه ۴

مستند به ماده ۶۴۵ ق.م.

۱۱- گزینه ۱

قانون مناسب موضوع، حاکم بر مفاد اسناد است.

۱۲- گزینه ۲

بی‌تابعیتی تولدی ناشی از عدم اعمال سیستم خون و خاک می‌باشد. مراجعه به فصل دوم، تابعیت.

۱۳- گزینه ۴

صلاحیت از نوع صلاحیت استثنایی می‌باشد.

۱۴- گزینه ۳

در صورتی که در موضوعی، حل قضیه به قانونی دیگر احاله شود، دادگاه مکلف به رعیت این احاله نمی‌باشد.

۱۵- گزینه ۱

در این صورت هر کدام، تابع قانون دولت متبوع خود می‌باشند.

سوالات کنکور سراسری ۹۵

۱- در خصوص مقرره زیر، کدام مورد صحیح است؟

(اتباع خارجی نمی توانند در ایران، زمین زراعتی بخرند).

(۱) یک قاعده مادی است.

(۲) حاوی یک قاعده حل تعارض است.

(۳) متضمن یک قاعده مربوط به اهلیت است.

(۴) حاوی یک قاعده مادی و قاعده حل تعارض است.

۲- طبق ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران، تعهدات ناشی از عقود، تابع قانون محل وقوع عقد است. برای تعیین محل وقوع

عقد، قانون کدام کشور ملاک عمل است؟

(۱) محل اجرای عقد

(۲) محل اقامت طرفین در زمان انعقاد عقد

(۳) مقر دادگاه

(۴) اسناد قرارداد در آنجا تنظیم شده است.

۳-حاله، حاصل کدام نوع تعارض میان نظام های حل تعارض قوانین کشورهاست؟

(۱) مثبت

(۲) متحرک

(۳) منفی

(۴) ماهوی

۴- در کشوری قاعده حل تعارض در یکی از دسته های ارتباط تغییر می کند. قانون حاکم بر قضایایی که منشأ گذشته

دارند. براساس کدام قاعده تعیین می شود؟

(۱) سابق

(۲) جدید

(۳) مقر دادگاه

(۴) اقامتگاه

۵- در حقوق بین الملل خصوصی ایران، کدام مورد بیانگر نقش قانون مقر دادگاه است؟

(۱) لزوماً با قانون شخصی انطباق دارد.

(۲) بر تحلیل های مقدماتی حاکم است.

(۳) همواره با قانون درون مرزی منطبق است.

(۴) در فرش اثر مثبت نظم عمومی، جایگزین قانون خارجی اصولاً صلاحیت دار می شود.

۶- طرفین بر اجرای داوری در ایران توافق کرده اند، اما قانون حاکم بر آیین داوری را تعیین نکرده اند، وظیفه داور

چیست؟

(۱) در تعیین قانون حاکم بر داوری، آزاد است.

(۲) رسیدگی را موکول به قوانین طرفین در مورد آیین داوری کند.

(۳) باید داوری را براساس قانون آیین دادرسی مدنی ایران اداره کند.

(۴) باید مطابق با قواعد حل تعارض، قانون مناسب را تشخیص دهد.

۷- رابطه میان شخص حقوقی خارجی که در بازار بورس ایران سهام خریداری می کند با شرکت صادرکننده آن سهام،

تابع قانون کدام کشور است؟

(۱) دولت متبوع خریدار

(۲) محل اقامت خریدار

(۳) ایران

(۴) مقر دادگاه

۸- زوجه ایرانی علیه شوهر آلمانی اش که هر دو مقیم انگلستان هستند در دادگاه ایران دعوی طلاق اقامت

می کند. قاضی ایرانی براساس قانون کدام کشور قضاوت خواهد کرد؟

(۱) آلمان

(۲) ایران

(۳) انگلستان

(۴) مورد توافق طرفین

۹- کدام مورد، در خصوص زن خارجی که در اثر ازدواج، ایرانی می‌شود، صحیح است؟

- (۱) در صورت فوت شوهر، با اجازه اولادش و در صورت طلاق، با اجازه دادگاه می‌تواند به تابعیت اول خود رجوع کند.
- (۲) در صورت طلاق، با اجازه دادگاه صادرکننده حکم طلاق، می‌تواند به تابعیت اول خود رجوع کند.
- (۳) در صورت فوت شوهر و با اجازه وزارت امور خارجه، می‌تواند به تابعیت اول خود رجوع کند.
- (۴) به محض فوت شوهر یا طلاق، می‌تواند به تابعیت اول خود رجوع کند.

۱۰- کدام مورد، از شرایط تحصیل تابعیت ایران است؟

- (۱) رسیدن به سن بیست و یک سال تمام
- (۲) سکونت در ایران برای پنج سال متوالی و یا متناوب
- (۳) داشتن مسکن مناسب و در حد شئونات، در خاک ایران
- (۴) عدم ارتکاب جرایم سیاسی و یا غیرسیاسی در هیچ کشوری

۱۱- مأمورین سیاسی یا کنسولی دول خارجی در ایران، در کدام صورت می‌توانند به اجرای عقد نکاح مبادرت ورزند؟

- (۱) طرفین عقد با توافق، با مأمور خارجی مراجعه کرده و قوانین آن کشور، چنین اجازه‌ای داده باشد.
- (۲) طرفین عقد تبعه دولت متبوع آنها بوده و قوانین آن دولت نیز چنین اجازه‌ای به آنها داده باشد.
- (۳) مرد جزو اتباع آن کشور خارجی بوده و وزارت امور خارجه ایران نیز چنین اجازه‌ای داده باشد.
- (۴) طرفین عقد غیرایرانی باشند و وزارت امور خارجه ایران، چنین اجازه‌ای به آنها داده باشد.

۱۲- کدام نوع تعارض، ترکیبی از تعارض قوانین در مکان و زمان است؟

- (۱) تعارض متحرک
- (۲) تعارض قوانین در حمل و نقل دریایی
- (۳) تعارض قوانین در داوری‌های فراملی
- (۴) تعارض قوانین در ازدواج‌های بین‌المللی

۱۳- دعوای ورثه متوفای بدون وصیت یک بلژیکی مقیم ایتالیا، در خصوص ترکه منقول در دادگاه‌های انگلیس، تابع کدام قانون است؟

- (۱) دولت متبوع متوفی (بلژیک)
- (۲) مقر دادگاه (انگلیس)
- (۳) اقامتگاه (قانون ایتالیا)
- (۴) محل وقوع ترکه

۱۴- در حقوق ایران، توصیف منقول بودن یا غیرمنقول بودن مال موضوع دعوی، کدام نوع توصیف است؟

- (۱) نهایی
- (۲) اصلی
- (۳) مقدماتی
- (۴) فرعی

۱۵- یک ایرانی و یک ایتالیایی، قراردادی در ایران منعقد کرده و توافق می‌کنند که قانون حاکم بر قرارداد، قانون سوئیس باشد. چنانچه بین طرفین، اختلاف ایجاد شود و یکی از آنها به دادگاه ایران مراجعه کند، قانون کدام کشور، حاکم بر قرارداد است؟

- (۱) ایتالیا
- (۲) ایران
- (۳) سوئیس
- (۴) کشور محل اجرای تعهد

پاسفنامه سوالات کنکور سراسری ۹۵

- ۱- گزینه ۱
مقدره ذکر شده حاوی کل قاعده مادی صرف است.
- ۲- گزینه ۳
برای تعیین حل وقوع عقد قانون کشور مقر دادگاه ملاک خواهد بود.
- ۳- گزینه ۳
احاله منفی، رجوع به فصل چهارم تعارض قوانین، قیمت احاله
- ۴- گزینه ۲
قانون حاکم بر قضایایی که منشا گذشته دارند براساس قاعده جدید تعیین می شود.
- ۵- گزینه ۴
در فرض اثر نظم عمومی، جایگزین قانون خارجی اصولاً صلاحیت دار می شود.
- ۶- گزینه ۱
داور در تعیین قانون حاکم بر داوری، آزاد است.
- ۷- گزینه ۳
رابطه میان شخص حقوقی خارجی و شرکت صادر کننده مدام، تابع قانون ایران است رجوع به فصل چهارم، تعارض قوانین، قسمت اموال غیرمادی
- ۸- گزینه ۱
مستند به ماده ۹۶۳ ق.م.
- ۹- گزینه ۴
مستند به ماده ۹۸۷ ق. م
- ۱۰- گزینه ۲
مستند به ماده ۹۷۹ ق.م.
- ۱۱- گزینه ۲
مستند به ماده ۹۷۰ ق.م
- ۱۲- گزینه ۱
تعارض متحرک ترکیبی از تعارض قوانین در مکان و زمان است.
- ۱۳- گزینه ۳
تابع قانون ایتالیا می باشد.
- ۱۴- گزینه ۴
در ایران توصیف منقول یا غیرمنقول بودن مال موضوع دعوا، از نوع توصیف فرعی است.
- ۱۵- گزینه ۲
قانون کشور ایران حاکم می باشد.

پاسفنامه آزمون سراسری ۹۶

۱- در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده، تعهدات ناشی از ظهرنویسی نیز که در خارجه به وجود آمده است، تابع کدام قانون است؟

(۱) مورد توافق (۲) اقامتگاه ظهرنویس

(۳) محلی که تعهد در آنجا به وجود آمده است. (۴) دولت متبوع ظهرنویس

۲- از لحاظ حقوق بین الملل خصوصی ایران، طلاق زن ایرانی پروتستان و شوهر فرانسوی کاتولیک وی تابع کدام قانون است؟

(۱) اقامتگاه زوجین (۲) دولت متبوع شوهر

(۳) مذهب شوهر (۴) دولت متبوع متقاضی طلاق

۳- کدام یک از موارد زیر، جزو دسته های ارتباط است؟

(۱) حقوق عینی (۲) محل وقوع عقد

(۳) تعهدات قراردادی (۴) تابعیت اشخاص

۴- مسئله تعارض قوانین، چه زمانی مطرح می شود؟

(۱) تنها در مرحله اعمال و اجرای حق

(۲) تنها در زمان تعیین قانون صالح

(۳) تنها در زمان تعیین دادگاه صالح

(۴) تنها در مرحله تعیین رابطه حقوقی

۵- مسئله تابعیت مؤثر، در کدام فرض زیر مطرح می شود؟

(۱) زن و شوهری که تابعیت های متفاوت داشته باشند.

(۲) وارث و مورثی که تابعیت های آنها متفاوت باشد.

(۳) فردی دارای تابعیت ایرانی و خارجی باشد.

(۴) فردی دو تابعیت خارجی داشته باشد.

۶- در حقوق بین الملل خصوصی، اثر عادی نظم عمومی چیست؟

(۱) در اثر منفی نظم عمومی، قانون صلاحیت دار خارجی اجرا می شود و در اثر مثبت نظم عمومی، قانون مقرر دادگاه.

(۳) در هر صورت، مقرر دادگاه، صالح به رسیدگی نمی باشد.

(۴) قانون صلاحیت دار خارجی اجرا می شود.

۷- کدام حقوقدان زیر، اعتقاد دارد که قاعده جلوگیری از تعلق، یکی از مصادیق خارجی نظم عمومی است؟

(۱) بارتن (۲) ساوینی

(۳) مانچینی (۴) چه شایر

۸- سن ترک تابعیت زن ایرانی بی شوهری که با اجازه دولت ترک تابعیت می کند، باید چند سال باشد؟

(۱) بیست و پنج (۲) بیست

(۳) هجده (۴) پانزده

۹- تعارض قانون ایران با قانون آلمان و انگلیس، در فرض دعوای طلاق میان زن آلمانی و شوهر انگلیسی که مقیم ایران هستند، جزو کدام یک از تعارض های زیر است؟

(۱) زمانی (۲) مخفی (۳) منفی (۴) مثبت

۱۰- در حقوق بین الملل خصوصی ایران، قانون حاکم بر حق تألیف، قانون کدام کشور است؟

(۱) قانون مقرر دادگاه (۲) اقامتگاه مؤلف

(۳) دولت متبوع مؤلف (۴) محل نشر کتاب

۱۱- وضع تابعیت زن بیگانه‌ای که شوهر ایرانی اختیار می‌کند. با توجه به کدام سیستم زیر تعیین می‌شود؟

- (۱) استقلال تابعیت زوجین
(۲) وحدت تابعیت زن و شوهر
(۳) خاک
(۴) خون

۱۲- توصیف رسمی یا عادی بودن یک سند مدنی، جزو کدام یک از توصیف‌های زیر است؟

- (۱) اصلی
(۲) مقدماتی
(۳) فرعی
(۴) نهایی

۱۳- رسیدگی به دعوی مربوط به عیوب رضا در قراردادی که حاوی عنصر خارجی است، در دادگاه ایران، تابع کدام قانون خواهد بود؟

- (۱) قانون محل وقوع عقد

- (۲) قانون حاکم بر اهلیت طرفین

- (۳) قانون متبوع کسی که رضای او دچار عیب گردیده است.

- (۴) قانون کشوری که عامل موثر در معیوب شدن رضا در آنجا رخ داده است.

۱۴- سن قبول تابعیت خارجی (یا رد تابعیت ایران) برای کسانی که حق انتخاب میان تابعیت ایرانی و خارجی دارند، چند سال است؟

- (۱) پانزده

- (۲) هجده

- (۳) بیست

- (۴) بیست و پنج

۱۵- تعارض قاعده حل تعارض ایران و قاعده حل تعارض فرانسه در مورد حقوق ارثیه، جزو کدام یک از تعارض‌های زیر است؟

- (۱) زمانی

- (۲) منفی

- (۳) مثبت

- (۴) مخفی

پاسفنامه آزمون سراسری ۹۶

۱- گزینه ۳

در این مورد تابع محلی که تعهد در آنجا به وجود آمده است خواهد بود. به قسمت ذیل ماده ۳۰۵ قانون تجارت توج شود.

۲- گزینه ۲

مستند به ماده ۹۶۳ ق. م .

۳- گزینه ۳

تعهدات قراردادی، جزو دسته‌های ارتباط است.

۴- گزینه ۱

تعارض قوانین تنها در مرحله اعمال و اجرای حق مطرح می‌شود.

۵- گزینه ۴

زمانی که فرد دو تابعیت خارجی دارد مسئله تابعیت موثر مطرح می‌شود.

۶- گزینه ۲

در حقوق بین‌الملل خصوصی اثر عادی نظم عمومی عبارتند از این که از اجرای مقررات قانون صلاحیتدار خارجی جلوگیری می‌کند و قانون مقر دادگاه اجرا می‌شود. فصل چهارم، تعارض قوانین قسمت آثار نظم عمومی.

۷- گزینه ۱

بارتن اعتقاد دارد که قاعده جلوگیری از تقلب، یکی از مصادیق خارجی نظم عمومی است.

۸- گزینه ۱

مستند به ماده ۹۸۸ ق.م.

۹- گزینه ۳

تعارض از نوع تعارض منفی می‌باشد.

۱۰- گزینه ۴

مستند به ماده ۹۶۶ ق. م. قانون محل نشر کتاب قانون حاکم می‌باشد.

۱۱- گزینه ۲

در این مورد وضع تابعیت زن بیگانه با توجه به سیستم وحدت تابعیت زوجین تعیین می‌شود. به فصل دوم کتاب، تابعیت، قسمت تغییر تابعیت در اثر ازدواج مراجعه شود.

۱۲- گزینه ۳

توصیف رسمی یا عادی بودن یک سند مدنی جزو توصیف فرعی می‌باشد. مراجعه به فص چهارم، تعارض قوانین، قسمت مساله توصیف‌ها.

۱۳- گزینه ۱

مستند به ماده ۹۶۸ ق.م.

۱۴- گزینه ۲

مستند به ماده ۹۷۷ ق.م.

۱۵- گزینه ۴

در این مورد جزو تعارض مخفی می‌باشد.

سوالات کنکور سراسری ۹۷

- ۱- از اتباع ایران، کسانی که خود یا پدرشان، موافق مقررات تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند به تبعیت اصلیه خود رجوع کنند، به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد، مگر آنکه.....
- (۱) شرایط رجوع به تابعیت ایران را نداشته باشند. (۲) دولت خارجی، اجازه رجوع به تابعیت ایران را ندهد.
 (۳) در کشور خارجی، مرتکب جرم شده باشند. (۴) دولت تابعیت آنها را صلاح نداند.
- ۲- توصیف قراردادی یا خارج از قرارداد بودن یک تعهد، چه توصیفی است؟
- (۱) فرعی و برای اجرای قاعده حل تعارض (۲) اصلی و برای انتخاب قاعده حل تعارض
 (۳) فرعی و برای انتخاب قاعده حل تعارض (۴) اصلی و برای اجرای قاعده حل تعارض
- ۳- یکی از اصول مهم حقوق بین الملل عمومی و حقوق بین الملل خصوصی، کدام اصل است؟
- (۱) استقلال تابعیت زوجین (۲) وحدت تابعیت زوجین
 (۳) استقلال دولت‌ها در تعیین اتباع خود (۴) آزادی افراد در تعیین تابعیت خود
- ۴- تعهدات قراردادی در حقوق بین المللی خصوصی ایران، در صلاحیت کدام دادگاه و کدام قانون است؟
- (۱) دادگاه و قانون محل وقوع عقد
 (۲) دادگاه و قانون محل اجرای تعهد
 (۳) دادگاه محل اجرای تعهد و قانون مورد توافق طرفین قرارداد
 (۴) دادگاه مورد توافق طرفین قرارداد و قانون محل اجرای تعهد
- ۵- توصیف منقول یا غیرمنقول بودن اموال مادی، چه توصیفی است؟
- (۱) اصلی که برای اعمال قاعده حل - تعارض ضرورت ندارد.
 (۲) فرعی که برای انتخاب قاعده حل تعارض ضرورت دارد.
 (۳) فرعی که برای انتخاب قاعده حل تعارض ضرورت ندارد.
 (۴) اصلی که برای اعمال قاعده حل تعارض ضرورت دارد.
- ۶- وفق ماده ۹۸۰ قانون مدنی، اشخاصی که بدون نیاز به اقامت در ایران به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند، نیازمند تصویب چه مرجعی هستند؟
- (۱) نیروی انتظامی و وزارت کشور (۲) وزارت امور خارجه
 (۳) رأی دوسوم نمایندگان مجلس (۴) هیئت وزرا
- ۷- وفق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی، در حقوق بین الملل خصوصی، اگر خوانده در ایران دارای اقامتگاه نباشد، خواهان می‌تواند دعوی خود را به ترتیب، در کدام یک از دادگاه‌های زیر، اقامت کند؟
- (۱) محل وقوع مال غیرمنقول - اقامتگاه خواهان - محل سکونت موقت خوانده
 (۲) محل سکونت موقت خوانده - محل وقوع مال غیرمنقول - اقامتگاه خواهان
 (۳) اقامتگاه خواهان - محل وقوع مال غیرمنقول - محل سکونت موقت خوانده
 (۴) محل وقوع مال غیرمنقول - محل سکونت موقت خوانده - اقامتگاه خواهان
- ۸- تفکیک بین مسائل تشریفاتی (مسائل شکلی مربوط به آیین دادرسی) و مسائل ماهوی، برای نخستین بار توسط کدام مکتب عنوان شد؟
- (۱) ایتالیایی (۲) فرانسوی (۳) هلندی (۴) آلمانی

۹- دلیل دشواری‌های تعیین قانون قابل اجرا در خصوص تعهدهای خارج از قرارداد در حقوق بین‌الملل خصوصی چیست؟

- (۱) متعدد بودن صلاحیت دادگاه‌های داخلی
(۲) تفاوت در محل اجرای تعهد
(۳) اعمال آزادی اراده در انتخاب قانون
(۴) منشأ تعهد

۱۰- عدم لزوم استناد به قانون خارجی، از مشخصه‌های کدام یک از سیستم‌های حقوقی زیر است؟

- (۱) فرانسوی (۲) انگلیسی (۳) آلمانی (۴) ایتالیایی

۱۱- زن مسلمان ایرانی یا یک ژاپنی بودایی ازدواج کرده است. وی در دادگاه تهران، از نامبرده برای خود و فرزندانش، تقاضای نفقه کرده است. دادگاه ایران به چه نحو تصمیم خواهد گرفت؟

- (۱) با اعمال قانون ایران، درخواست وی را رد خواهد کرد.
(۲) با اعمال قانون ژاپن، درخواست وی را رد خواهد کرد.
(۳) با اعمال قانون ایران، به نفع وی رأی خواهد داد.
(۴) با اعمال قانون ژاپن، به نفع وی رأی خواهد داد.

۱۲- مرجع صالح برای صدور اجازه ترک تابعیت ایران، کدام است؟

- (۱) دولت جمهوری اسلامی ایران
(۲) وزارت امور خارجه
(۳) وزارت کشور
(۴) هیئت وزرا

۱۳- کدام مورد در خصوص تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها، صحیح است؟

- (۱) صلاحیت دادگاه یک کشور، ملازمه با صلاحیت قانون آن کشور دارد.
(۲) تعارض قوانین، تعارض منافع افراد و تعارض دادگاه‌ها، تعارض حاکمیت‌هاست.
(۳) تعارض قوانین، تعارض حاکمیت‌ها و تعارض دادگاه‌ها، تعارض منافع افراد است.
(۴) تعارض قوانین دارای قواعد یک جانبه و تعارض دادگاه‌ها دارای قواعد دوجانبه است.

۱۴- در اعمال قاعده ایرانی حل تعارض، از نقطه نظر اصلی یا فرعی بودن توصیف، در خصوص شکل سند از لحاظ

رسمی یا عادی بودن، عینی یا دینی بودن حق مالی و اقامتگاه در فرض احاله، به ترتیب، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) اصلی - فرعی - فرعی
(۲) فرعی - اصلی - اصلی
(۳) فرعی - اصلی - فرعی
(۴) اصلی - فرعی - اصلی

۱۵- کدام یک از صاحب‌نظران زیر، مسئله توصیف را مطرح کرد؟

- (۱) درژانتره (۲) دومولن (۳) مانچینی (۴) ساوینی

پاسفنامه سوالات سراسری ۹۷

- ۱- گزینه ۴: مستند به ماده ۹۹۰ ق.م.
- ۲- گزینه ۲: توصیف قراردادی یا خارج از قرارداد بودن یک تعهد، توصیف اصلی و برای انتخاب قاعده حل تعارض می باشد.
- ۳- گزینه ۳: استقلال دولت ها در تعیین اتباع خود یکی از اصول مهم حقوق بین الملل عمومی و خصوصی می باشد.
- ۴- گزینه ۱: مستند به ماده ۹۶۸ ق.م.
- ۵- گزینه ۳: توصیف منقول یا غیر منقول بودن اموال مادی از نوع توصیف فرعی است که برای انتخاب قاعده حل تعارض ضرورت ندارد. به فصل چهارم، تعارض قوانین، قسمت مساله توصیف ها مراجعه شود.
- ۶- گزینه ۴: مستند به ماده ۹۸۰ ق.م.
- ۷- گزینه ۲: مستند به ماده ۱۱: دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیرمنقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است و هرگاه مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه دعوا خواهد کرد.
- ۸- گزینه ۱: نخستین بار در مکتب ایتالیایی تفکیک بین مسایل تشریفاتی و مسائل ماهوی رو مطرح شد.
- ۹- گزینه ۴: منشا تعهد، دلیل دشواری های قانون قابل اجرا در خصوص تعهدات خارج از قرارداد در حقوق بین الملل خصوصی می باشد.
- ۱۰- گزینه ۳: از مشخصه های سیستم های حقوقی آلمانی، عدم لزوم استناد به قانون خارجی می باشد.
- ۱۱- گزینه ۱: با عمال قانون ایران، درخواست وی رد خواهد شد.
- ۱۲- گزینه ۴: تبصره ماده ۹۸۹ ق. م.
- ۱۳- گزینه ۲: تعارض قوانین، تعارض منافع افراد و تعارض دادگاه ها، تعارض حاکمیت هاست.
- ۱۴- گزینه ۳: در اعمال قاعده ایرانی حل تعارض از نقطه نظر اصلی یا فرعی بودن شکل سند از لحاظ رسمی یا عادی: توصیف فرعی عینی یا دینی بودن حق مال: توصیف اصلی اقامتگاه در فرض احاله: توصیف فرعی
- ۱۵- گزینه ۲: دومولن، مسئله توصیف را مطرح کرد.

قوانین ضمیمه

آیین نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیر ایرانی مصوب ۱۳۴۵/۷/۶ و اصلاحات بعدی هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴۵/۷/۶ بنا به پیشنهاد شماره ۱۵/۵۷۳۵/ش-۴۵/۵/۲۷ وزارت کشور در اجرای ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب سال ۱۳۱۶ آیین نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیرایرانی را بشرح زیر تصویب نمودند :

ماده ۱: به وزارت کشور اجازه داده میشود پروانه اجازه زناشویی بانوان ایرانی را با اتباع بیگانه با رعایت مقررات این آیین نامه صادر نماید .

ماده ۲: برای صدور پروانه فوق متقاضیان باید مدارک زیر را تهیه و تسلیم دارند :

- ۱- درخواستنامه مرد و زن مبنی بر تقاضای صدور پروانه اجازه زناشویی طبق نمونه وزارت کشور .
 - ۲- گواهینامه از مرجع رسمی کشور متبوع مرد مبنی بر بلامانع بودن ازدواج با زن ایرانیو برسمیت شناختن ازدواج در کشور متبوع خود. در صورتیکه تهیه گواهینامه مذکور برای متقاضی امکان پذیر نباشد وزارت کشور میتواند بدون دریافت مدارک فوق در صورت رضایت زن پروانه زناشویی را صادر نماید .
 - ۳- در صورتیکه مرد غیر مسلمان و زن مسلمان باشد گواهی یا استشهاد تشرف مرد به دین مبین اسلام .
- ماده ۳:** وزارت کشور در صورت تقاضای زن علاوه بر مدارک مذکور در ماده ۲ مدارک زیر را نیز از مرد بیگانه مطالبه خواهد نمود.
- ۱- گواهینامه مبنی بر اینکه مرد مجرد است یا متاهل از مرجع رسمی محلی یا ماموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد.
 - ۲- گواهی نداشتن پیشینه بد و محکومیت کیفری مرد از مراجع رسمی محلی یا ماموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد همچنین گواهی عدم سوء پیشینه کیفری از مرجع کشور ایران در صورتیکه مرد بیگانه در ایران اقامت داشته باشد.
 - ۳- گواهی از مراجع محلی یا ماموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد مبنی بر وجود استطاعت و مکنت زوج و همچنین تعهدنامه ثبتي از طرف مرد بیگانه مبنی بر اینکه متعهد شود هزینه و نفقه زن و اولاد و هرگونه حق دیگری که زن نسبت به او پیدا کند در صورت بدرفتاری یا ترک و طلاق پرداخت نماید.

تبصره مصوب ۴۹/۴/۲۰ هیئت وزیران:

در مواردیکه وزارت کشور مصلحت بداند برای حسن انجام وظایفی که طبق مقررات قوانین ایران زوج در قبال زوجه دارد از قبیل حسن رفتار و انفاق در تمام مدت زناشویی و اداره واجبات مالی زوجه و اولاد تحت حضانتش و امثال آن و همچنین در مواردیکه تفریق پیش آید.

برای پرداخت هزینه مراجعت همسر مطلقه تا محل سکونت زن در ایران میتواند تضمین مناسب از شوهر مطالبه نماید. فرم تعهد نامه و تضمینی که در این قبیل موارد باید اخذ شود و چگونگی استفاده از ضمانتنامه را وزارت کشور تهیه خواهد نمود.

ماده ۴: وزارت کشور میتواند به استناداریها و فرمانداریهای کل و همچنین با موافقت وزارت امور خارجه به بعضی از نمایندگان سیاسی و کنسولی ایران در خارجه اختیار دهد که طبق مقررات این آیین نامه پروانه اجازه زناشویی را مستقیماً در محل صادر نموده و مراتب را به ثبت احوال اعلام دارند .

ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی:

ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است.

ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب ۲۳ مردادماه ۱۳۱۰

ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت بوده و دولت باید در هر نقطه مرجعی را برای دادن اجازه معین نماید. هر خارجی که بدون اجازه مذکور در فوق، زن ایرانی را ازدواج نماید به حبس تأدیبی از یکسال تا سه سال محکوم خواهد شد.



آئین نامه اجرایی قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه مصوب ۱۳۵۲/۳/۱۲ و اصلاحات بعدی

ماده ۱: ماموران مرزی مجاز از طرف شهربانی کل کشور می‌توانند در مرزهاییکه مجاز شناخته شده برای دارندگان گذرنامه‌های معتبر خارجی که قصد عبور از ایران را دارند براساس نظرات قبلی وزارت امور خارجه و رعایت ماده ۲ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب سال ۱۳۱۰ برای مدت حداکثر ۱۵ روز با دریافت حق روادید طبق تعرفه روادید عبور صادر نمایند.

ماده ۲: صدور روادید عبور برای اشخاص زیرموقول به تحصیل اجازه خاص وزارت امور خارجه خواهد بود:

الف - افراد بدون تابعیت و یادارندگان برگ گذر (لسه پاسه)های خارجی

ب - اتباع دولی که از طرف وزارت امور خارجه تعیین میشود.

ماده ۳: ماموران شهربانی در مرکز و شهربانی‌های مراکز استان و شهرستان می‌توانند برای بیگانگانی که دارای پروانه اقامت معتبر میباشند با رعایت مقررات مربوطه روادید رفت و برگشت صادر نمایند.

تبصره ۱: روادید برای یکبار رفت و برگشت صادر خواهد شد

تبصره ۲: مدت اعتبار روادید برگشت از تاریخ خروج از مرز سه ماه خواهد بود.

تبصره ۳: مدت اعتبار روادید رفت و برگشت برای خروج از کشور یکماه می‌باشد و قابل تمدید نیز خواهد بود.

تصویب نامه مورخ ۱۳۵۳/۱۲/۲۸

تبصره ۴: برای اتباع بیگانه ایکه در خدمت وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی میباشند بناپردخواست سازمان مربوطه، اجازه رفت و برگشت برای یک یا چند بار در مدت اعتبار پروانه اقامت صادر خواهد شد.

تبصره ۵: برای اتباع بیگانه ای که در موسسات غیردولتی در ایران اشتغال دارند بنابه درخواست موسسه مربوط و تعهد آن موسسه مبنی بر پرداخت مالیات بردرآمد مستخدم اجازه یک یا چند بار رفت و برگشت در مدت اعتبار پروانه اقامت صادر خواهد شد.

ماده ۴: هر خارجی که بخواهد در ایران اقامت نماید مکلف است ظرف ۸ روز پس از ورود به ایران برگهای درخواست صدور پروانه اقامت را تنظیم و تکمیل و امضاء نموده به انضمام سایر مدارک لازم بشهربانی محلی که میخواهد در آنجا اقامت اختیار کند تسلیم نماید. شهربانی محل پس از رسیدگی مدارک ارائه شده پروانه اقامت موقت با اخذ حقوق قانونی صادر و یا از صدور پروانه اقامت امتناع می‌ورزد.

ماده ۵: اجازه اقامت دائم از طرف شهربانی مرکز استان یا شهرستانیکه خارجی میخواهد در آن ناحیه اقامت گاه دائمی و قانونی اختیار کند با رعایت مقررات ماده ۳ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب سال ۱۳۱۰ در صورت احراز هر یک از شرایط زیر پس از موافقت شهربانی کل کشور صادر خواهد شد.

الف - متقاضی دارای ۵ سال سابقه اقامت قانونی متوالی یا متناوب در ایران بوده و بهنگام تقاضا بسن ۱۸ سال تمام رسیده باشد.

ب - متقاضی دارای دو سال سابقه اقامت قانونی متوالی یا متناوب در ایران بوده و مقام عالی علمی یا شغل یا تخصص او در امور تولیدی و عمرانی به تائید مقامات صلاحیتدار مملکتی رسیده باشد.

ج - متقاضی دارای دو سال سابقه اقامت قانونی متوالی یا متناوب در ایران بوده و خدمات شایسته و ارزنده او به امور عام المنفعه در ایران به تائیه مقامات صلاحیتدار مملکتی رسیده باشد.

د - متقاضی دارای زن و فرزند ایرانی باشد.

ه - متقاضی دارای دو سال سابقه اقامت قانونی متوالی یا متناوب در ایران بوده و در امور تولیدی و عمرانی ایران که مورد تائید مقامات صلاحیتدار ایران باشد سرمایه گذاری کرده باشد.

و - متقاضی دارای دو سال اقامت قانونی متوالی یا متناوب در ایران بوده و درآمد شخصی یا حقوق یا مستمری بازنشستگی او به تائید یکی از بانکهای مجاز ایران رسیده باشد.

تبصره: اقامت خارجیان از نظر این آئین نامه وقتی اقامت قانونی محسوب میشود که به استناد پروانه اقامت باشد.

تبصره ۲ - مصوب ۷۹/۶/۱۶ هیئت وزیران: اجازه اقامت فرزندان متولد در خارج، از مادر ایرانی و پدر خارجی همچنین از مادر خارجی که به تابعیت ایرانی پذیرفته می‌شوند، با ارائه مدارک قانونی صادر شده از کشور متبوع فرزندان صادر خواهد شد. فرزندان مورد اشاره وفق شرایط ذیل می‌توانند به استناد اجازه یاد شده، در ایران اقامت نمایند:

- الف - فرزندان اناث مادامی که ازدواج ننموده اند.
- ب - فرزندان ذکور تا رسیدن به سن هیجده (۱۸) سال تمام هجری شمسی.
- پ - چنانچه مادر فرزند ذکور در ایران اقامت داشته باشد و یا فرزند ذکور در حال تحصیل باشد و در هر یک از موارد مزبور، سن فرزند از میزان مقرر در بند(ب) بیشتر شود، بترتیب مورد تا زمان اقامت مادر و یا اتمام تحصیل.
- ماده ۶:** حق صدور پروانه اقامت موقت یا دائم بمیزان مقرر در ماده ۱۴ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران وصول خواهد شد و برابر آن تمبر به پروانه اقامت الصاق و باطل می‌گردد.
- ماده ۷:** پس از صدور پروانه اقامت - شهربانی یک نسخه از برگ‌های درخواست صدور پروانه اقامت را به کلانتری یا حوزه ژاندارمری که خارجی در حوزه استحضاطی آن اقامت خواهد کرد ارسال می‌نماید و کلانتری یا ژاندارمری مربوط مکلف است این سوابق را بمنظور مراجعات آتی نگهداری نماید.
- ماده ۸:** پناهندگان خارجی که طبق آئین نامه پناهندگان دفترچه اقامت پناهندگی از شهربانی کل کشور دریافت نموده‌اند از مقررات مواد ۴ و ۵ این آئین نامه مستثنی می‌باشد.
- ماده ۹:** دارندگان پروانه اقامت موقت یا دائم باید تغییر محل کار و یا اقامت خود را بشهربانی یا ژاندارمری محل قبلی و ظرف ۸ روز از ورود به محل اقامت و یا کار جدید به شهربانی یا ژاندارمری محل جدید کتبا" اطلاع دهند.
- ماده ۱۰:** هر تبعه خارجی مکلف است پروانه اقامت یا سایر مدارک مسافرت خود را در صورت تقاضای ماموران انتظامی ارائه نماید.
- ماده ۱۱:** صدور المثنی پروانه اقامت طبق مقررات بلامانع میباشد که با دریافت حقوق قانونی و الصاق و ابطال تمبر انجام خواهد شد.
- ماده ۱۲:** اتباع خارجی باید برای تسلیم برگ‌های درخواست صدور پروانه اقامت شخصا" یا بوسیله نماینده خود بشهربانی محل مراجعه نمایند.
- ماده ۱۳:** خارجیانی که در استخدام وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و یا وابسته به دولت میباشدند میتوانند برگه‌ها درخواست صدور پروانه اقامت را تکمیل نموده و پس از گواهی وزارتخانه یا موسسه مربوط توسط نماینده معرفی شده سازمان محل خدمت خارجی بشهربانی محل ارسال نمایند.
- ماده ۱۴:** مسئولین اماکن عمومی موظفند ظرف ۲۴ ساعت پس از ورود خارجی هویت و تاریخ ورود او را در فرمهای مخصوص اعلامیه ورود ردج و به نزدیکترین کلانتری یا پاسگاه ژاندارمری تسلیم نمایند.
- تبصره ۱:** از لحاظ این آئین نامه اماکن عمومی اطلاق میشود به هتلها و مسافرخانه‌ها و پانسیون و بطور کلی همه اماکنی که بنحوی از انحاء مسافر می‌پذیرند.
- تبصره ۲:** فرمهای مخصوص اعلامیه ورود مسافریین توسط شهربانی کل کشور تهیه و در اختیار صاحبان اماکن عمومی گذارده میشود.
- ماده ۱۵:** صاحبان یا متصرفان اماکن شخصی موظفند توقف هر خارجی را که یک شب یا بیشتر در منزل آنها بهر عنوانی اقامت می‌نمایند بهر وسیله ممکن به نزدیکترین کلانتری یا پاسگاه ژاندارمری اطلاع دهند.
- ماده ۱۶:** در مواقعی که شهربانی کل کشور طبق موازین قانونی از صدور یا تمدید یا تجدید پروانه اقامت خودداری و به اخراج خارجی اتخاذ تصمیم نماید این تصمیم را به متقاضی کتبا" ابلاغ خواهد نمود و خارجی میتواند ظرف ۱۵ روز از تاریخ رویت اخطاریه برابر ماده ۱۲ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه تقاضای تجدید نظر در تصمیم شهربانی را به وزارت کشور تسلیم نماید وزارت کشور پس از دریافت تقاضانامه موضوع را در جلسه ای مرکب از: مدیرکل سیاسی وزارت کشور، نمایندگان وزارت امور خارجه، وزارت دادگستری، سازمان اطلاعات و امنیت کشور و شهربانی کل کشور مطرح و تصمیمات کمیسیون را به شهربانی کل کشور ابلاغ خواهد کرد.
- ماده ۱۷:** شهربانی کل کشور باید مواد قانون ورود و اقامت اتباع خارجه مصوب سال ۱۳۱۰ و اصلاحیه‌های آن و مقررات این آئین



نامه را برای اطلاع عموم بزبانهای فارسی و انگلیسی و فرانسه چاپ و همچنین در جراید کثیرالانتشار منتشر نماید. وزارت امور خارجه نیز متن و ترجمه‌های مزبور را به ماموریت‌های ایران در خارجه و ماموریت‌های دیپلماتیک و کنسولی خارجی در ایران ارسال خواهد نمود.

ماده ۱۸: آئین نامه‌های مربوط به ورود و اقامت اتباع بیگانه که با مفاد این آئین نامه مغایرت داشته باشد از تاریخ تصویب این آئین نامه ملغی است.

قانون اصلاح ماده ۱۳ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران

ماده ۱ - ماده ۱۳ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران

مصوب نوزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

ماده ۱۳ - برای حفظ امنیت و یا مصالح عمومی و یا به ملاحظات صحت هیات

وزیران می‌تواند تصمیمات ذیل را که ورود و اقامت و خروج و عبور خارجیان را

محدود یا مشروط می‌نماید اتخاذ کند.

الف - جلوگیری از کلیه یا قسمتی از مراودات سرحدی.

ب - منع توقف موقتی یا دائمی در بعضی از مناطق یا عبور از بعضی مناطق ایران.

ج - اتخاذ وسایل مخصوص نظارت نسبت به خارجیان در موارد فوق‌العاده.

د - خارجیانی را که بدون داشتن اسناد لازم وارد خاک ایران شده یا می‌شوند و یا با داشتن اسناد لازم از راه‌های غیرمجاز به کشور

وارد گردیده یا می‌گردند علاوه بر مجازات مقرر در قانون ورود و خروج اتباع خارجه مصوب نوزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ بنا به

پیشنهاد وزارت جنگ آنان را برای مدتی که از پنج سال تجاوز نکند ملزم به اقامت اجباری در محل معین نموده و یا این که آنها را

از کشور اخراج نماید.

ماده ۲ - وزارت جنگ - وزارت کشور - وزارت دادگستری مامور اجرای این قانون می‌باشند .

قانون فوق که مشتمل بر دو ماده است در جلسه پنجشنبه بیست و نهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و سی و شش به تصویب

مجلس شورای ملی رسید.

قانون راجع به اموال غیرمنقول اتباع خارجی

مصوب ۱۶/۳/۱۳۱۰

ماده اول - هر تبعه خارجه مکلف است در ظرف ۳ ماه از تاریخ اجرای این قانون صورت املاک مزروعی خود را با تعیین محل و

مشخصات آن بدفتر محکمه بدایتی که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است در مقابل رسید تسلیم نموده و در همان موقع نیز

مقومی کتبا معرفی نماید .

تبصره - توابع و متعلقات املاک مزروعی از قبیل قنوات چشمه سارها باغات مراتع و طواحین و امثال آن در حکم ملک مزروعی

است.

ماده دوم - رئیس محکمه بدایت پس از وصول صورت مذکور در ماده ۱ مقومی را که در طرف اداره مالیه محل برای تقویم املاک

به محکمه معرفی می‌شوند مامور خواهد کرد با مقومی که از طرف دارنده ملک معین گردیده ملک را تقویم نمایند.

ماده سوم - اگر در تعیین قیمت ملک بین مقوم مالیه و مقوم دارنده ملک اختلاف نظر باشد مقومین بتراضی یکنفر سر مقوم

تعیین خواهند نمود در صورت عدم تراضی رئیس محکمه و مدعی‌العموم بدایت سر مقوم را معین خواهند کرد. تقویم سر مقوم در

هر حال معتبر و قاطع خواهد بود .

ماده چهارم - هر ملک مزروعی که دارنده آن در مدت مقرر بتکالیف مذکور در ماده اول عمل ننمود بوسیله مقومی که از طرف

رئیس محکمه و مدعی‌العموم معین میشود تقویم خواهد شد در این صورت دارنده ملک حق هیچ گونه اعتراض بر تقویمی که بعمل

آمده نخواهد داشت.

مفاد این ماده در مورد ملکی نیز مجری خواهد شد که مقوم معرفی شده از طرف دارنده ملک از تقویم خودداری کند.

ماده پنجم - پس از آنکه قیمت ملک بطریق مذکور فوق معین گردید ملک بمزایده بترتیبی که در اصول محاکمات حقوقی برای مزایده مقرر است فروخته خواهد شد.

ماده ششم - اگر ملک بقیمت تقویمی و یا بیشتر خریدار پیدا نکرد بهمان قیمت تقویمی متعلق بدولت شده و سند انتقال از طرف محکمه بدایت بدولت داده میشود .

ماده هفتم - هر گاه دولت قیمت مزبور را نقدا بپردازد ملک را قطعاً تصرف خواهد کرد و اگر قیمت را نقدا نپردازد ملک تا پرداخت قیمت در تصرف دارنده ان (یا وارث او) باقیمانده و دارنده ملک ان را بخرج خود اداره کرده و منافع ان را تملک خواهد نمود تا موقعیکه دولت قیمت ملک را نپردازد است دارنده ملک حق خواهد داشت بهر نحو و بهر قیمتی که بخواهد ملک را با اطلاع دولت بیکی از اتباع ایران انتقال دهد این انتقال مورد تصویب دولت واقع خواهد گردید و ذمه دولت و دارنده ملک نسبت بسهم بری خواهد شد.

ماده هشتم - هرگاه دولت قیمت ملک را نپردازد و بعد خواست ان را تادیه کند هر یک از طرفین حق خواهند داشت تقاضای تقویم مجدد نمایند در این صورت تقویم بر طبق مواد ۲ و ۳ بعمل آمده و دولت قیمتی را که پس از تقویم مجدد معین می‌شود باید تادیه کند.

ماده نهم - جز در مورد ماده قبل که حق الزحمه مقوم بعهدہ طرفی است که تقاضای تجدید تقویم کرده در کلیه موارد حق الزحمه مقومی که دارنده ملک معین مینماید و همچنین حق الزحمه مقومی که از طرف محکمه و مدعی‌العموم مطابق ماده ۴ این قانون معین می‌شود و نصف حق الزحمه سرمقوم و تمام مخارج مزایده بعهدہ دارنده ملک خواهد بود.

ماده دهم - هر نقل و انتقال راجع به اموال غیر منقول که تا تاریخ اجرای این قانون از طرف اتباع خارجه به اتباع ایران واقع شده باشد و همچنین هر نقل و انتقالی به اتباع ایران که از تاریخ اجراء این قانون تا سه ماه مقرر در ماده ۱ بعمل آید معتبر است.

ماده یازدهم - نسبت بنقل و انتقالی که از طرف اتباع خارجه واقع شده یا بشود اعم از اینکه تبعه خارجه مستقیماً ناقل بوده یا ملک مطابق ماده ۷ انتقال داده شده باشد تبعه خارجه ضامن درک و مسئول کشف فساد خواهد بود.

ماده دوازدهم - این قانون از اول امرداد ماه ۱۳۱۰ بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

این قانون که مشتمل بر دوازده ماده است در جلسه ۱۶ خرداد ماه ۱۳۱۰ شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

منابع

- ۱- نصیری، محمد، حقوق بین‌الملل خصوصی
- ۲- سلجوقی، محمود، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی
- ۳- الماسی، نجادعلی، تعارض قوانین